



برمان  
محمد رضا شاه پهلوی آریامهر

بنگاه ترجمه و نشر کتاب  
هیئت مدیره  
مهندس جعفر شریف امامی  
محمد حجازی، ابراهیم خواجه‌نوری، محمد سعیدی، دکتر احسان یارشاطر  
بازرس : ادوارد ژوزف

اتشارات  
بنگاه ترجمه و نشر کتاب

۲۶۲

مجموعه کلیان شناس

۰۰



بنگاه ترجمه و نشر کتاب

از این کتاب دو هزار نسخه روى کاغذ اعلا  
در چاپخانه بیست و پنجم شهریور (شرکت سهامی افت) به طبع رسید  
حق طبع مخصوص بنگاه ترجمه و نشر کتاب است

مجموعه‌ای ایران‌شناسی  
زیر نظر احسان پارسا طر

# تمدن ایران ساسانی

ایران در صدهای سوم تا پنجم میلادی

شرحی درباره تاریخ تمدن ایران در روزگار ساسانیان

تألیف

و. گ. لوگونین

ترجمه

دکتر عنایت‌الله رضا



بازار تجارت و فرهنگ

تهران، ۱۳۵۰

tarikhema.ir

tarikhema.org

pdf.tarikhema.org

mandegar.tarikhema.org

منظور از انتشار مجموعه ایران‌شناسی اینست که آثار برگزیده‌ای که به زبانی غیر از زبان فارسی درباره ایران و ایرانیان نوشته شده در دسترس فارسی زبانان قرار گیرد.

این مجموعه گذشته از آثار خاورشناسان شامل سفرنامه سیاحانی که اثری سودمند درباره ایران بجا گذاشته‌اند و همچنین آثار مورخان و نویسنده‌گانی که گوشه‌ای از احوال مردم این کشور را باز نموده‌اند خواهد بود.

امید می‌رود که انتشار این گونه آثار استفاده از تحقیقات ایران‌شناسان را آسان‌تر کند و موجب توسعه ایران‌شناسی با تاریخ و فرهنگ و هنر و ادبیات ایران و سرگذشت بزرگان آن گردد. ا.ی.

tarikhema.ir

tarikhema.org

pdf.tarikhema.org

mandegar.tarikhema.org

## فهرست مندراجات

۱	مقدمه مترجم
۴	پیشگفتار مؤلف
۶	بخش بکم - مآخذ
۳۹	بخش دوم - تأسیس دولت ساسانی
۷۷	بخش سوم - شاپور. لشکرکشی به غرب
۱۱۲	بخش چهارم - کربیر و مانی. پیدایش کیش رسمی کشور
۱۶۳	بخش پنجم - بهرام دوم و نرسی. پیکار با خاطر شهریاری
۲۰۰	بخش ششم - شاپور دوم و اردشیر دوم. رویدادهای شرق
۲۴۶	بخش هفتم - سکوها و نقشهای بر جسته اوایل شاهنشاهی ساسانیان
۳۲۵	جدول شجرة دودمان ساسانی
۳۲۸	شرح سکوهای ساسانی که در جدولهای I - XIV آمده است
۳۲۱	فهرست نامها.
۳۴۱	فهرست نامهای جغرافیائی.
۳۴۷	فهرست اختصارها.
۳۴۹	فهرست مآخذ.
۳۵۶	فهرست تصویرها.
۳۵۷	تصویر سکوها و جدولها
۳۷۹	نقشه ایران در روزگار ساسانیان
۳۸۲	گزیده‌ای کوتاه بزبان انگلیسی.

tarikhema.ir

tarikhema.org

pdf.tarikhema.org

mandegar.tarikhema.org

### هیئت مشاوران:

A.N. Boldirev	آ. ن. بولدیرف
I.S. Braginskii	ای. س. براغینسکی
B.G. Gafurov	ب. غ. گافوروف
A.E. Gluskina	آ. ی. گلوسکینا
O.K Dreyer	ا. ک. دریر
I.M. Diakonov	ای. م. دیاکونوف
A.N. Kononov	آ. ن. کونوف
N.I. Konrad	ن. ای. کنراد (رئیس هیئت)
A.D. Litman	آ. د. لیمن
V.G. Lukonin	و. گ. لوکوین
Iu.A. petrosian	بو. آ. پتروسیان (معاون رئیس هیئت)
N.V. Pigulevskaia	ن. و. پیگولفسکایا
B.B. Piotrovskii	ب. ب. پیوتروفسکی
A.M. Piatagorskii	آ. م. پیاتاگورسکی
V.M. Solntsev	و. م. سولنتسف
O.L. Fishman	ا. ل. فیشمان (دیر مسؤول)
E.P. Chelishev	ی. پ. چلیشف

### زیر نظر:

K.V. Trever	ک. و. تروور
کتاب «تاریخ ایران ساسانی» تألیف و. گ. لوکوین به مسائل مربوط به بنیان یافتن دولت، تاریخ تند و کیش و آئین ایرانیان اختصاص یافته است. مؤلف برپایه بررسی‌های گروه شناسی بسا سبک شناسی (تیپولوژی typologie) نوشته‌ای برجسته ساسانی بر صخره‌ها و نیز پژوهش سکه‌های ساسانی نتیجه‌های تازه و جالبی بدست آورده است.	کتاب «تاریخ ایران ساسانی» تألیف و. گ. لوکوین به مسائل مربوط به بنیان یافتن دولت، تاریخ تند و کیش و آئین ایرانیان اختصاص یافته است. مؤلف برپایه بررسی‌های گروه شناسی بسا سبک شناسی (تیپولوژی typologie) نوشته‌ای برجسته ساسانی بر صخره‌ها و نیز پژوهش سکه‌های ساسانی نتیجه‌های تازه و جالبی بدست آورده است.

### تصویجات

صفحه	خطا	سطر	درست
۱۴	پ. ن. فرای	۲۱	ر. ن. فرای
۱۸	هر فرد	۲۲	هرمزد
۴۶	پر تیار	۱۶	پر پیار
۵۳	هار اتس	۱۹	هار اتن
۹۸	بیش از کلمه تورستان این نامها بلاسکان، ماد، گرگان، مرو، هرات، آبر شهر، کرمان، سکستان	۱۷	پیش از کلمه است، افتداده است،
۱۳۹	پ. ن. فرای	۱۶	ر. ن. فرای
۱۸۶	بکاران	۲۶	آبکاران
۲۰۴	کانا	۱۴	کش
۲۰۶	کراسنوبه پالیانی	۱	کراسنیا پالیانی
۲۰۷	ونیز	۱۹	دیز
۲۱۱	نیژ نایا شاخاروفکا	۵	نیژ نه شاخاروفکا
۲۳۴	«تاریخ کوشان»	۲۱	«روزگار کانیشکا»

### مقدمه هتر جم

کتابی که اکنون از نظر خوانندگان ارجمند می‌گردد درباره تاریخ فرنگ و تمدن ایران ساسانی در فاصله سده‌های سوم تا پنجم میلادی است که ولادیمیر گریگورویچ لوکونین\* رئیس بخش خاوری موزه دولتی ارمیتاژ در اتحاد شوروی آنرا نگاشته است.

ولادیمیر لوکونین مؤلف کتابها و نویسنده مقاله‌های بسیاری در زمینه ایران‌شناسی است که از آن‌جمله‌اند:

۱. ایران در دوران نخستین شاهنشاهان ساسانی.
۲. نگینهای حکاکی شده ساسانی.
۳. بهرام دوم و نرسی (ایران در سالهای ۷۰ - ۹۰ سده سوم میلادی).
۴. ایران در سده‌های سوم و چهارم میلادی. پایه‌گذاری دولت ساسانی و پیدایش شیوه رسمی در هنر.
۵. نوشهای فارسی میانه و سعدی بر ظرفهای نقره.
۶. آثار تمدن ایران در دوره ساسانیان.
۷. ظرفهای ساسانی.
۸. فرنگ و هنر ایران ساسانی.
۹. ایران از عهد سلوکیان تا روزگار ساسانیان.\*

---

Vladimir Grigorevich Lukonin. - \*  
Iran Des Sélénides au Sasanides - \*\*

برخی از نوشه‌های بسیار ارزندهٔ نگارندهٔ کتاب را تاکنون نشناخته‌ام. در این کتاب از وضع داخلی، اندیشه‌ها، آثار فرهنگی و کیش و آئین ساسانیان بروشني سخن رفته است.

مؤلف پژوهش خود را بر آثار همزمان با رویدادها پایه نهاده و از نوشه‌های متأخر آنچه را که مؤید این آثار است پذیرفته و گردگمراهی نگشته است. کتاب شامل هفت بخش است که در آنها از مآخذ فرهنگ ایران در دوره ساسانیان، تأسیس دولت ساسانی، لشکرکشی شاپور به غرب، کرتیر و مانی و پیدایش آئین رسمی، بهرام و نرسی، شاپور دوم و اردشیر دوم و رویدادهای خاور و سکه‌ها و نقشه‌ای بر جسته آغاز شاهنشاهی ساسانیان سخن رفته است.

مؤلف بخش‌هایی از آثار باستان، از جمله نوشه‌های کتبیه‌هارا خود از زبانهای فارسی میانه<sup>\*</sup>، پارتی و یونانی بزنان رویی بر گردانده است. این‌جانب تا آنجا که توانستم با درنظر گرفتن رعایت امامت، نوشه‌هارا از مآخذ اصلی آورده‌ام و در آوردن بخش‌هایی از کارنامه اردشیر پاپکان تا آنجا که میسر بود از ترجمه شادروان صادق هدایت بهره گرفته‌ام، مگر آنجا که متن ترجمه شادروان صادق هدایت نامأنس و یا با متن ترجمه مؤلف همگون نبوده است. در این مورد، تفاوت میان ترجمه مؤلف و ترجمه شادروان صادق هدایت را از نظر خوانندگان گرامی گذرانده‌ام.

مؤلف مآخذ مورد استفاده را در زیر صفحه‌ها نیاورده و هم‌را یکجا به آخر کتاب برده است. وی بهنگام ذکر مآخذ شماره آنها را در هلالهای گوشدار [ ] آورده است. شماره‌های مر بوط به مآخذ کتاب با نشانه؛ و شماره مآخذ و شماره صفحه‌های مورد نظر با نشانه، از یکدیگر جدا شده‌اند. فاصله میان صفحه‌های مآخذ نیز با نشانه — مشخص شده است. برای نمونه یکی از شماره‌های کتاب را

\* - فارسی میانه، زبان پهلوی دوره ساسانی

می آوریم:

[۱۳۹-۱۲۵، ۱۴۸:۵۱-۶، ۱۴۶]. این نشان دهنده آنست که باید به مأخذ شماره ۱۴۶ ص ۶ تا ۵۱ و مأخذ شماره ۱۴۸ ص ۱۲۵ تا ۱۳۹ رجوع شود. در فهرست مأخذ برابر هر یک از شماره ها نام کتاب و یا مقاله همراه با نام نگارنده آن آمده است.

مترجم ضمن ترجمه کتاب آوردن مطالبی را برای توضیح ضرور شمرده است توضیحهای مترجم در متن کتاب در میان دو هلال با آوردن کلمه مترجم و یا -م، در آخر توضیح و درزیر صفحه با نشانه \* ستاره به خوانندگان ارجمند ارائه شده است.

در پایان از راهنماییهای دوست داشتمندم آقای دکتر بهرام فرهوشی در ترجمه برخی واژه های «فارسی میانه» سپاسگزارم.

## پیشگفتار مؤلف

این کتاب بطور عمدۀ بر مبنای کتبیه‌های متعلق به آغاز شاهنشاهی دوران ساسانی و مآخذ مربوط به کیش و آئین ساسانیان و آثار فرهنگی، بویژه آن بخش از یادگارهای فرهنگی که بتازگی در جهان داشت راه یافته، نگاشته شده است. کلمه «شرح» که زیر عنوان کتاب آمده، تمام و کمال وابسته به ویژگیهای مآخذ مورد استفاده است که در برخی ادوار تا اندازه‌ای روش و کامل و در بعضی ناروشن و ناقصند.

ویژگیهای مآخذ خود سبب شد مسائلی را که توجه عمدۀ در این کتاب بدانها معطوف شده گزین گردد. در کتاب بطور عمدۀ اوضاع داخلی، اندیشه‌ها و تمدن ایران در سده‌های ۳-۵ میلادی بررسی گردیده است. مسائل سیاسی و اجتماعی و اقتصادی در اینجا خلاصه‌تر و فشرده‌تر ذکر شده و تا حدودی است که مدارک جدید امکان می‌دهند، تا از این رهگذر خلاصه رویدادهایی که در یکرشته از تأییفات مورد بررسی و پژوهش قرار گرفته‌اند پر شود. از میان تأییفات مذکور کتاب «شهرهای ایران در آغاز سده‌های میانه» تأییف بانو ن. و. پیکولفسکایا و کتاب «شرحی درباره تاریخ ایران باستان» تأییف م. دیاکونف مقام عمدۀ تری را دارد.

برخی از ویژگیها در شیوه پژوهش - کوشش مداوم جهت مقایسه و مقابله نوشته های تاریخی با آثار فرهنگ مادی \* - سبب شد بخش جداگانه‌ای درباره طبقه‌بندی و ترتیب زمانی سکه‌های ساسانی در سده‌های ۳-۵ میلادی نگاشته شود، ضرورت

---

\* - فرهنگ مادی همه جواب زندگی مادی و معیشت افراد یا جامعه‌را در بر می‌گیرد - م.

نگارش این بخش از آنجا پدیدآمد که سکدها گذشته از اهمیت فراوانی که به عنوان مأخذ اندیشه‌ها و جهان‌بینی و تاریخ سیاسی و فرهنگ و تمدن ایران در دوره ساسایان حائز آن، مبنای نیز جهت تاریخ پیدایش آن آثار فرهنگی که در کتاب از آنها سخن رفته است به شمار میروند.

پژوهش مجموعه سکده‌های «موزه دولتی ارمیتاژ» و «موزه دولتی تاریخ» که از لحاظ کمی و گفایی از کلیه مجموعه‌های خارجی که تاکنون شناختنام غنی‌تر است. بدون معارضت مستمر همکارانم: س. آ. یانینا S. A. Yanina معاون بخش سکه‌شناسی موزه دولتی تاریخ، م. ای. کامر M. I. Kamer کارمند علمی موزه دولتی هنر‌های زیبا بنام الکساندر پوشکین؛ آ. آ. بیکف A. A. Bikov رئیس بخش سکه‌شناسی موزه دولتی ارمیتاژ؛ و ای. گ. دوبروولسکی - I. G. DobrovoIskiy کارمند علمی بخش مذکور، میسر نبود.

نتیجهٔ پژوهش‌های نگارنده در زمینهٔ تاریخ و تمدن ساسایان همواره در سمینار هائی که تحت رهبری استادم ک. و. تروور K. V. Trever تشکیل می‌یافتد و نیز در جلسه‌های بخش خاورمورد بحث و بررسی قرار داشت. از همهٔ دوستان و همکارانی که در این کار مساعدت بزرگی به نگارنده مبذول داشته‌اند سپاسگزارم.

## بخش پنجم

### مآخذ

سدۀ ششم میلادی بهنگامی که دولت ساسانیان به‌اوج قدرت خود رسیده بود، داستانی در بارۀ کارهای اردشیر، نخستین شاهنشاه ساسانی پدید آمد. تاریخ بنیاد شاهنشاهی دورمان ساسانی شکل افسانه بخود گرفت.

پاپیک پدر اردشیر که فرمانروای «شهردار» یکی از استانهای ایران بود، شبی دربارۀ فرزندش خوابی خوش دید و بر آن شدکه وی را به دربار اردوان شاهنشاه ایران که از دورمان اشکانی بود گسیل دارد. دیری نیائید که اردشیر به‌سبب استعداد، درایت و تھور خویش در میان همهٔ درباریان ممتاز گشت. اما حسودان بر او افسراستند و اردوان بر وی خشم گرفت. شاهنشاه اشکانی را «کنیز کی بایشنى \* بودکه [وی را] از دیگر کنیز کان آزرمی تر دانسته گرامی تر می‌داشت» روزی کنیز ک اردشیر را بدید و بدو دل باخت.

آخر شمارانی که در خدمت شاهنشاه اشکانی بودند، بفرمان شاهنشاه گردش اختران را زیر نظر گرفتند و از پیش چنین آگهی دادند که «ایدون پیداست، که، هر بندۀ مرد، که از امروز تاسه‌روز از خداوند خویش بگریزد، به‌بزرگی و پادشاهی رسد و بر آن خداوند خویش کام انجام \* و پیروزگر شود». کنیز ک شتابان تزدیک اردشیر آمد و آن سخن پیش‌وی باز گفت. آن دو آهنگ ک‌گریز کردند.

---

\* - بایشنى - بایسته و خوش‌نما. در، لک؛ به کارنامۀ اردشیر پاپکان به‌اهتمام صادق هدایت. - مترجم  
\*\* - کام انجام - کامرو. در، لک، به‌همان اثر

دشی کنیزک از گنج شاهی شمشیری هندی، زین و کمری از طلا و افسری زرین به سرمیش آراسته و جامه‌ای زرین به گوهر آگنده و درهم و دینار فراوان و زره و زین افزاری بسیار پیراسته و دیگر بسیار چیز برداشته به پیش اردشیر آورده\*. «اردشیر دو اسپ از بار گان» اردوان که به روزی هفتاد فرسنگ بر قدمتی، زین کرده، یک خود و یک کنیزک بر نشستند و راه پارس گرفته به شتاب همی رفند». شاهنشاه اشکانی چون از گریختن آنان آگاه شد «پی اردشیر گرفت» «در راه ... به کاروانی رسید و از کاروانیان پرسید: آن دو سوار که بسوی این کسته آمدند، چه زمان بگذشتند؟». مردمان گفتند که «میان شما وایشان زمین سی فرسنگ راه است؛ و مارا ایدون نمود که بایکی از سواران، بر راهی بس بزرگ و چابک به اسپ نشسته بود». دستور شاهنشاه را گفت که: «جاودان باشید! فره کیان به اردشیر رسیده، به هیچ چاره گرفتن نتوان؛ پس خویشتن و سواران رنجه مدارید و اسپان من بجایند و تبا مکنید» [۱۱۱-۱۰۰].

\* - در ترجمه‌ای که نگارنده کتاب از کارنامه اردشیر پایکان آورده با ترجمه شادروان صادق هدایت اختلافی هست. نگارنده کتاب از «زین و کمر طلا و افسر میش سر» سخن گفته، ولی در ترجمه مرحوم صادق هدایت از «کمر میش سر» سخن رفته است. در ترجمه‌ای که نگارنده کتاب از کارنامه اردشیر پایکان آورده چنین آمده که کنیزک، «جامه‌ای زرین به گوهر آگنده و درهم و دینار فراوان و ... برداشته به پیش اردشیر آورده». ولی در ترجمه شادروان صادق هدایت، «جامی زرین به گوهر و جوزن و دینار آگنده» آمده است. برای آگهی بیشتر خوانندگان عنین ترجمه شادروان صادق هدایت را می‌آورم. - مترجم

«کنیزک ... از گنج اردوان (بجای گنج شاهی کنگارنده کتاب پاد کرده) شمشیری هندی، وزینی زرین و کمری میش سر و افسری زرین و جامی (شاید جامشی بوده و به غلط جامی چاپ شده - مترجم) زرین به گوهر و جوزن و دینار آگنده و زره و زین افزاری بسیار پیراسته و دیگر بسیار چیز برداشته به پیش اردشیر آورده».

\*\* - بارگان - جمع کامه باره و بمعنی اسپ. ر، ک به کارنامه اردشیر پایکان به اعتمام صادق هدایت - مترجم .

\*\*\* - که، کست بضم اول بمعنی سوی، جانب و کنار است.

۱- در اینجا واژ این پس شماره‌هایی که در میان دو قلاب [ ] آمده، نمودار دوچیز است، شماره‌ای نخستین نام کتابی است که بنابر فهرست مأخذ آن نقل شده و شماره‌های دوم، شماره پاشماره‌های صفحه آن کتاب است. همه ترجمه‌هایی که منابع آن ذکر نشده از نگارنده کتاب است.

چنانکه در داستان آمده «فره کیان» که بشکل برره همراه اردشیر بوده،  
همواره وی را قرین موقتیت می‌ساخته است.

ماخذ فارسی و تازی در آغاز سده‌های میانه با استفاده ازدیگر کتاب‌ها نام  
دشمنان و یاران اردشیر را براین داستان افزوده و از پیکارهای او برای بدست  
آوردن گاه و افسر شاهنشاهی ایران سخن بسیار گفته‌اند. روایت «افسانه آمیز»  
تأسیس شاهنشاهی ساسانیان بدینگونه پدید آمد و شکل گرفت. روایت دیگری که  
«جنبهٔ تاریخی دارد» و مدت‌هast معلوم و مسجل گشته [۳۱] از سالنامه (رویدادنامه)  
رسمی بنام «خدای نامک (خدا نامه)» پدید آمده که در پیان شاهنشاهی ساسانیان  
نوشته شده (و شامل چند تحریر) است. تاسدهٔ هشتم میلادی ترجمه‌های تازی این  
کتاب موجود بود، ولی متن فارسی آن نیز که به زبان فارسی میانه نوشته شده به  
مقیاس وسیع مورد استفاده مورخان اسلامی بوده است. نوشتهٔ معروف مسعودی در  
بارهٔ «نسخهٔ خطی بزرگی که در آن دانشها و آگاهی‌های بسیار در بارهٔ شاهنشاهان  
ایران و کشورداری گردآورده شده» [۱۰۶، ۱۱۵] (مسعودی این نوشته را به سال  
۹۱۵ میلادی در استخر دیده بود) و نوشته استخری در بارهٔ طومارهای حاوی شرح  
احوال و تصویرهای «همهٔ شاهان و بزرگان مشهور ایران، هیربدان و موبدان و  
دیگران» که بهنگام زندگی او در دژ جیس\* (درفارس) [۹۰۱۲] نگاهداری  
می‌شده و توسط «آگاهان در بارهٔ ایران و گذشته آن» بطور دقیق مورد بررسی و  
پژوهش قرار گرفته و بسیاری اسناد و مدارک دیگر، همه‌وهمه مؤید این نکته‌اند.  
به سال ۹۵۵ میلادی عضدالدوله، شاه بویهی از خرابه‌های تخت جمشید که

\* - باید منظور قلمه‌الجص باشد که استخری در کتاب الممالک و الممالک از آن یاد کرده است.  
متن عربی و فارسی کتاب را در زیر می‌آوریم:  
«... و قلمه‌الجص بنایحه‌ارجان، فیها مجوس و یادگارات الفرس و ایامهم تندارس فيها ، و هي  
منتهی جدا». - «... دزجص درناحیه ارجان است. در آنجا مجوسان یادگارهای ایرانیان را نگاهداشته  
و در آنها پژوهش می‌کنند. این دزی است بسیار استوار». استخری، الممالک و الممالک، جاب  
فاهره، ۱۹۴۱، ص. ۷۳. - مترجم.

## مآخذ

۹

روزگاری پایتخت هخامنشیان بود دیدن کرد. بفرمان او بر دروازه کاخ داریوش نوشتای متفور گردید که در آن چین آمده که بفرمان عضدالدوله شخصی ماراپسند نام که موببد آتشکده کازرون بود همه نوشتاهای باستانی کاخ را بروی خواند. ماراپسند دو نوشه به خط فارسی میانه را نیز که از زمان شاپور دوم بجا مانده و بر دروازه همان کاخ متفور بود براو خواند. [۲۱، ۷۱، ۲۵۱]. در ایران برجهای بجا مانده که از سده‌های دهم و یازدهم میلادی است. براین برجهای نوشتاهای بزبان فارسی میانه با ترجمه عربی آن موجود است [۵۰، ۱۰۱-۱۰۶]. در ضمن بتازگی مدالی زرین با تصویر عضدالدوله دیلمی بدست آمده که بر آن نوشتای بزبان فارسی میانه دیده می‌شود. متن نوشه نامبرده چین است: «شاه، پناه خسرو، روزگارت دراز باده (پناه خسرو\* عنوان افتخاری عضدالدوله بوده است)» معلوم می‌شود که سیصد سال پی‌از اشغال ایران ازسوی تازیان هنوز کسانی بودند که می‌توانستند نوشتاهای فارسی میانه را بخوانند و نیز کتابهایی بود که از آنها استفاده می‌کردند و چین بنظر می‌رسد که تاریخ نگاران ایرانی و تازی برای نگارش آثار خود در باره ساسانیان از مآخذ اصلی بهره گرفته‌اند. این مآخذ کدامند؟ هم «کارنامک» که با آوردن قطعه‌هایی از آن این بخش کتاب را آغاز کردیم و هم «خودای نامک» که به کوشش مورخان اسلامی احیا گردید و نیز ترجمه هایی از نوشتاهای فارسی میانه، از جمله «نامه تنسر» [۱۴۹] که تا کنون بر جا مانده، همه‌دارای سمت و جهت ویژه‌ای هستند و آن اینکه در نوشتاهای مذکور

۲ - نوشتاهای بزبان فارسی میانه برمناره لاجیم (برج لاجیم در مازندران) متفور است که تاکنون خوانده نشده است.

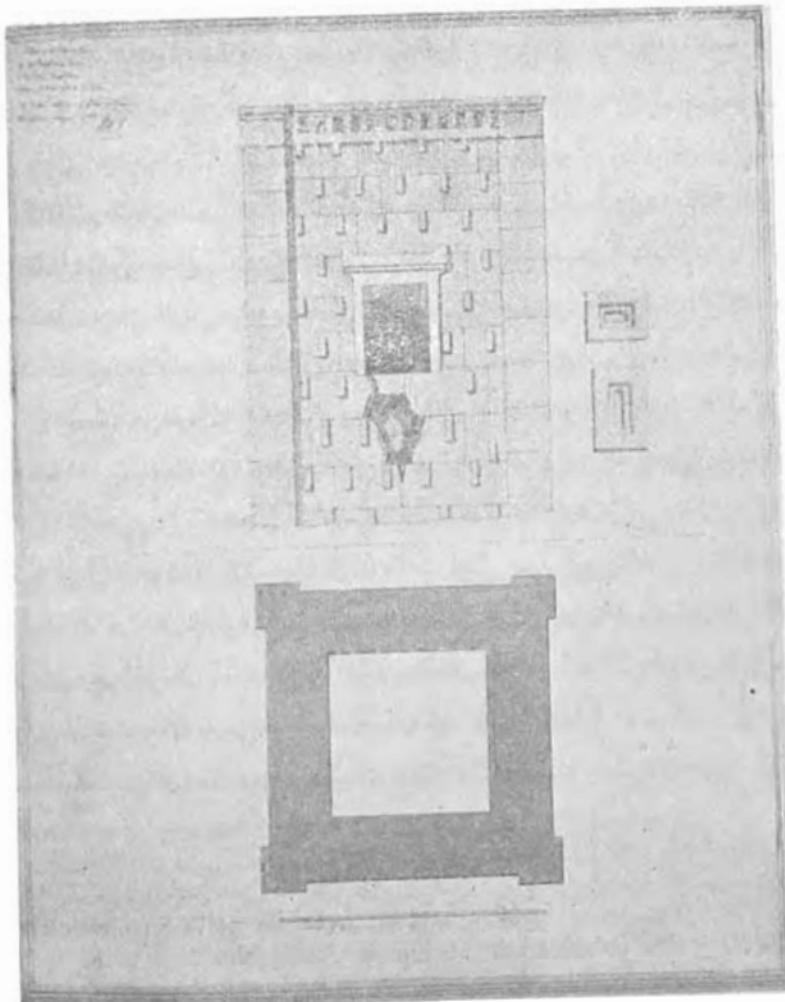
۳ - dgl yHW Š,pn,hwsy مدار بوسیله بهرامی در کتاب.

«Archeologica Orientalia in Memoriam E. Herzfeld», New York,

به جای رسیده است. همچنین ر. ک، به [۹۷].

\* - نگارنده کتاب عنوان عضدالدوله را «پناه خسرو» آورده ولی در متون فارسی و عربی آنرا «فنا خسرو» نوشته‌اند - مترجم

سعي شده تاج و تخت شاهان ساساني را که به سبب شورش مردم در سده ششم ميلادي بهارزه افتاده بود پايدار جلوه گر سازند. اين نوشته هارا كه مدافع قوانين حکومت



۱- «کعبه زرتشت»، اقتباس از تصویر کرپورتر.

ساسانی است. به عمد قدیمی و آنmod می‌کنند. گمان می‌رود همهٔ این کتابها بر مبنای نوشت‌های قدیمی تر تدوین شده‌باشند. چنین بنظر می‌رسد که «خودای نامک» و دیگر نوشت‌های «تاریخی» بر مبنای نوشت‌های قدیمی تری است که از اوایل دورهٔ پادشاهی ساسانیان دربارهٔ کارهای شاهنشاهان ساسانی بجا مانده و نوشتهٔ موبد کر تیر نگهبان «کعبه زرتشت» (سدهٔ سوم میلادی) از جملهٔ آنهاست: «... و در نوشت‌ها و مجموعهٔ پادشاهی دولتی آنزمان، بهنگام پادشاهی شاپور (هرمزد، بهرام)\*، شاه شاهان در بارهٔ دربار (منظور رویدادهای دربار شاهنشاهی است - مؤلف) و سراسر کشور، استان به استان (مقصود رویدادهای سراسر سرزمین شاهنشاهی است) چنین آمده است....». در «کارنامک» و «افسانه‌های» مرسوم نیز روایاتی هست که زمانی دراز پیش از «کارنامک» پیدی‌آمده است و دست کم چنان‌که از نوشهٔ موسی خورنی پیداست اواسط سدهٔ چهارم میلادی ترجمةٍ یونانی کتاب شخصی بنام برسمه (ابرسمه؟) وجود داشته که مترجم آن خورخبد دیبر شاپور دوم شاهنشاه ساسانی بوده است. این کتاب «راست سخن» نام داشت. موسی خورنی می‌نویسد: «آنچه را که برای کتاب ما ضرور است. از این اثر کمک می‌گیریم (بر می‌گزینیم - مترجم) و مطالع افسانه‌ای بیهوده... چون خواب دیدن پاپیک، تابش نور خورشید از سر ساسان، در بارهٔ ماه، پیشگویی اختر. شماران که کل دیان بودند و دیگر چیزها، و نیز دربارهٔ نیرنگ دختر من، در بارهٔ بره (میش) و مانند آنرا به کناری می‌افکنیم» [۲۳، ۱۱۷]. حتی از این نوشتۀ مجمل موسی خورنی بسهولت می‌توان به نوشت‌های «کارنامک» پی برد. در ضمن، جریانهای سیاسی آن‌روز گاربه‌هنگام زنده‌کردن داستان اردشیر و ترتیب روایتهاي گونه‌گون «خودای

KKZ ۳ . ۵ . ۷ : WGTy Wp,thštly - ۴  
Wm, tkd,n MH . LH . DN, MDM šhpwhry ۵ - . whrmzdy;  
7- wrhr,n) WLK, n MLK,PWN BB,W h,mštly gyw'k kltv 'LH HN,-  
wgwn MDM YkTyBWN YkWYMWNt.

\* - کرتیر با شاپور یکم، بهرام و هرمزد شاهنشاهان ساسانی همزمان بود - م.

نامک» اثر خود را باقی گذاردند، بدانگونه که رویدادهای تاریخی بهسود این جریانها سخت دگرگونه گشت. بنابراین بدون کمترین تردید و گفتگو در اهمیت سنتی مآخذ فارسی و تازیجهت پژوهش تاریخ ایران در اوخر شاهنشاهی ساسانیان و بدون کاستن از اهمیت اطلاعاتی که از این مآخذها درباره سدههای ۳-۵ میلادی منشأ گرفته، می خواهم تحریف و دگرگونی رویدادهای تاریخی را که بسبب انکاء بهمآخذ نامبرده پدیدآمده است یادآور شوم. در زیر از این نکته سخن خواهیم داشت و نشان خواهیم داد که بعدها بنا به علل سیاسی ویژه، در برخی از دوره‌ها، تاریخ و فرهنگ آغاز شاهنشاهی ساسانیان، دانسته و از روی عمد «تصحیح» شد. و برخی از شخصیت‌های تاریخی دانسته بدست فراموشی سپرده شدند و برخی شخصیت‌های پنداری پدیدآمدند و مورد ستایش قرار گرفتند.

\*\*\*

تا چندی پیش دانشمندان برای وقوف بر رویدادهای تاریخی اوایل شاهنشاهی ساسانیان ناگزیر از نوشهای تاریخ نگاران تازی و ایرانی و یا از مآخذی که حدود دویست و حتی سیصد سال بعد بدراسته تحریر کشیده شده بود، استفاده می‌کردند.

جز خبرهای جسته و گزینخه و آشفته درباره رویدادهای تاریخی اوایل شاهنشاهی ساسانیان که از مآخذ یونانی، لاتینی، ارمنی و سریانی بجا مانده، مورخان جهت پژوهش و انتقاد از نوشهای بعدی فاقد اسناد و مدارک لازم بودند. کتاب «ایرانیان و تازیان در دوران ساسانیان» نوشته «نولدکه» که از جمله معتبرترین آنها است بظاهر ترجمه‌ای است از بعضی «ساسانیان تاریخ طبری» بزبان آلمانی. این کتاب در واقع پژوهشی است گر اینها در زمینه تاریخ ایران در دوران ساسانیان. اکنون جای

آن است یادآور شویم که افتخارتر تیب دقیق رویدادهای عهد شاهنشاهی ساسانیان از آن «نولدکه» است.

تا زمان سفر کارستن نیبور\* به ایران نوشههای کوتاه ساسانی که بطور عمد حاوی نامها و عنوانهای شاهنشاهان بود روشن گشت. در ضمن کوشش‌های نیز جهت خواندن یکی از کتبه های موبید کر تیر صورت پذیرفت (این کتبه کوتاه که تمام و کمال محفوظ مانده در نقش رجب است).

با اینهمه، پژوهش علمی واقعی کتبه های ساسانی بقریب از سال ۱۹۲۴ میلادی با انتشار کتاب هر تسفلد تحت عنوان «پایکولی». آثار و نوشههای شاهنشاهی ساسانی [۱۰۵] آغاز گردید. همه نوشههای اوایل شاهنشاهی ساسانیان که تا آن زمان کشف و خوانده شده بود در دو مجلد بزرگ انتشار یافت. هر تسفلد کتبه نویافته نرسی شاهنشاه ساسانی را که گاه با عالم اختصاری (NPK) نشان داده شده بدوزبان پارتی (با عالم اختصاری Frth) و فارسی میانه (با عالم اختصاری MP) انتشار داد. این کتبه متعلق به دوران پس از تاجگذاری نرسی (پس از سال ۲۹۳ میلادی) است. این کتبه بر بنای یادبودی که بزرگان هواخواه نرسی بهنگام دعوی پادشاهی وی ساختند منقول گشت. در آن زمان همه این بزرگان و اشراف نیز وند که نامشان در کتبه آمده بهمراهی «دیگر پارسه‌ها و پارتها... همگی به ناحیه هیان، DKTl آمدند تا ازما در محلی که این بنای یادبود ساخته شده دیدن کنند».

شاهنشاه و بزرگان چنین می‌پنداشتند که این بنای یادبود سده‌های دراز بر جای خواهد ماند. ولی دیری نپایید که ویران شد و شرح پیروزی شاهنشاه که بردها قطعه سنگ نفر شده بود فرو ریخت. هر تسفلد بر آن شد که قطعه‌های مذکور را گرد

#### Nibuhr - \*

\*\* - در لهجه محلی این نام پایقلی آمده است ولی چون بنام پایکولی شهرت یافته بنا بر این ما نیز پایکولی را برگزیده ایم - مترجم.

آورد و کنار یکدیگر بگذارد و ترتیب و توالي آنان را روش سازد<sup>۵</sup>. اما حل این دشوار متألم آن بود که شکل بنای یادبود و محل قطعات سنگنشته معلوم گردد. هر تسفله عدد ناچیزی از قطعه‌های این اثر و همچنین معماری مجسمه‌های نیم تن سخت آسید یافته‌ای از شاهنشاهان را که زمانی زینت‌بخش این بنا بود و تیز قطعه‌های ناقص و شکسته‌ای از حرفهارا در اختیار داشت. هر تسفله بر آن بود که بنای مذکور بشکل مکعب بوده و مجسمه‌های نیم تن شاهنشاهان بر جهار پلخ فوکانی بنا قرار داشته، ولی جای کتیبه‌ها بر کرسی آن بوده است. اما هر تسفله پس از گردآوری و انتشار سنگنشته‌ها، ضمن جستجوهای بعدی، باز قریب سی قطعه سنگنشته یافت که چنین بنظر می‌آمد در احیا و مرمت قطعه‌های پیشنهادی او جایی نداشته‌اند. تحلیل کلمه PIky که نام بنای مذکور در کتیبه بود به حل بفرنج کمک کرد. نخستین بار «هنینگ» بدبررسی این کلمه پرداخت. از نظر هنینگ این کلمه بمعنای «محراب رازینه‌دار» بوده است [۹۳، ۵۱۸، ۳۳PI، یادداشت ع]. بدنبال آن معلوم شد که سطرهای زیرین کتیبه در ازتر از سطوح راهی بالا بوده است. بدین وصف روش شد که بنای یادبود نرسی چیزی همانند برج پلدار پرستشگاه بوده است<sup>۶</sup>.

بدینگونه مأخذی دست اول یافته شد، ولی افسوس که بیش از دو سوم نوشته از میان رفته است. ایران‌ناسان نخست بار نوشته‌ای بزرگ یافتند که با رویدادها همزمان بود. آنان یقین کردند که نوشته‌ها و اطلاعات مؤلفان بعدی تا چه پایه

۵- درباره مأخذ مر بوط به کتیبه نرسی در یابکولی (NPK) و انتقاد از قرائت هر تسفله و احیا و مرمت برخی از سطوح نوشته، ر. ک. به نوشته‌های [۵۰۱، ۹۳ - ۵۲۲، ۵۲۲ - ۷۳؛ ۱۰۴، ۹۷؛ ۷۳ - ۷۰۲، ۷۰۸ - ۱۶، ۷۰۸].

۶- ب. ن. فرای، بر آنستکه کتبیه نرسی در یابکولی شامل دو متون موزای و متابه بزبانهای فارسی میانه و پارسی نیست، بلکه گمان می‌رود شامل دو نوشته باشد که هن فارسی میانه آن حاوی شرح جامع رویدادهای مر بوط به جریان پادشاهی نرسی و متن پارتی آن طور عمده شامل شماره «دواخواهان» نرسی است (برای آنکه بیشتر ر. ک. به [۷۰۸ - ۷۰۲، ۷۰۴] هر تسفله بر آن بود که واژه PIky (متون فارسی میانه با این واژه آغاز شده است، ZMH PIky Λ mzdsyn bgy nrshy). باید بمعنای «فرمان» باشد ر. ک. به [۹۵، ۱۰۵].

نامرتب و گاه نادرست بوده است. با درخشن آثار جدید نوشته‌های طبری و مسعودی و اگیشه\* و موسی خورنی جلوه خود را از دست دادند.

به سال ۱۹۳۶ هیئتی از باستانشناسان آمریکائی به محل نقش رستم، نزدیک استخر که در جنوب ایران نهاده شده به جستجو پرداختند. این بخش از ایران موزه‌ای است خودویژه از گذشتگر افتخار کشور. بر صخره‌هایی از سنگ رخام که اکنون از هر سو دشتهایی خشک و بی‌بارو بر آنها را فراگرفته آرامگاه‌هایی از شاهنشاهان هخامنشی به چشم می‌خورد که در بخش زیرینشان نقش‌هایی است حاکی از پیروزی‌های شاهنشاهان ساسانی و نوشته‌هایی بنی‌باها ای فارسی باستان، پارتی، فارسی میانه و یونانی. در سده دهم میلادی عضدالدوله دیلمی از این ناحیه دیدن کرد و آنرا «مکان کنیه‌های نامید». در جوار آرامگاه‌های شاهنشاهان هخامنشی جایی است که باصطلاح «کعبه زرتشت» نامیده می‌شود. این بنادر دوران باستان یکی از پرستشگاه‌های بسیار ارجداد بود. نقش این‌بنا بر سکه‌های شاهان محلی پارس (سده سوم پیش از میلاد تا سده سوم میلادی) ضرب شده و گاه بر بالای نقش‌بنای این‌جا نصب شده است. این‌جا از اهرام‌زا، ایزد بزرگ، ایزد نیکی و روشنایی دیده می‌شود. شاید این‌جا آتشکده و یا پرستشگاه اناهیتا ایزد فراوانی بوده که پرستش وی از دوران باستان با پرستش آتش ارتباط داشته است. بر کرسی بنای «کعبه زرتشت» کنیه‌ای از شاپور یکم (علامت اختصاری آن SKZ است) بدست آمد که مترین مأخذ تاریخ ایران در سده سوم میلادی است. این نشسته سه ضلع کرسی «کعبه» را فراگرفته است. در زیر متن فارسی میانه نوشته دیگری نیز به چشم می‌خورد که بدستور کرتیر، هوبدان موبدان نقر شده و نموداری از نقش «کعبه زرتشت» در آغاز شاهنشاهی ساسانیان است. کرتیر در این کنیه‌ها چنین می‌گوید: «و در باره این آتشهای بسیار (مقصود آتشکده‌ها است - مؤلف) و کارهایی که

Egishe \*

در این کتیبه من [یاد شده] بدینگونه است که شاپور، شاهشاهان بویژه (این کار را از دیگر کارها جدا کرد) و چنین فرمود: باشد که همه اینها (همه‌این نوشته‌ها) در «بن خانه» بماند، و بدان که سر پرستی تو مایه خرسندي خداوند وما خواهد بود<sup>۲</sup> «بن خانه» بمعنای مخزن اطلاعات و اسناد رسمی و دستورهای مذهبی و شاید نیز بخش‌های «اوستای مقدس» بوده که در این کتیبه «کعبه زرتشت» نامیده شده است.<sup>۳</sup> می‌دانیم در سده دوازدهم میلادی بنابر آنچه که در فارسname که یکی از کتاب‌های تاریخی آنزمان است آمده، محلی که «کعبه زرتشت» در آن بناشد «کوه نبسته‌ها» نامیده می‌شد و گفته شده است در جایی از آن ناحیه فصول «اوستا» را نگاه می‌داشتند. شاید نام «درنپشت» (دزنوشته‌ها) که در متون پهلوی دیده شده است با نام «کعبه زرتشت» مر بوط باشد.

کتیبه‌شاپور یکم به سه زبان پارتی، فارسی میان‌هویونانی نقر شده است. بالا‌فصله پس از انتشار متن آن، (به سال ۱۹۳۹)، توجه دانشمندان را به خود جلب کرد. علاقه

W ZNH' ndy 'twry W krtk'n MHPWN npsty ZKm KNgnwnk Ly -v Šhpwhry, MLK'nMLK' PWN w' spwtik,n PKDWN 'BYDWN' Kt bwny BYT' ZNH'.YW YHWWN W čygwn YDWYTN' y 'YK klty yzd'n 'LHŠPYR 'wgwn 'BYDWN.

همچنین ر.ک. به پیش‌گفتار و.ب. هنینگ در نظر نوشته کریتر IV portfolio Cyy.pt III، چندی پیش هنینگ نظر نازه‌ای درباره متنای PWNWspwtikn ارائه داشت و معنای آنرا «as crown - lands» دانست. [د.ک.، به ۹۷-۷۵، ۹۹] در اینصورت ناگزیر چنین تصویری پدید می‌آید که در «کعبه زرتشت» بنابر معمول. اسناد و مدارک مربوط به پرستشگاه و «امور مذهبی» املاک و متصص‌های شاهنشاه نگاهداری می‌شده و فعالیت کریتر بیشتر جنبه اخلاقی داشته است. واما در نوشته کریتر درباره بنای پرستشگاه و قدریون آئین‌نامه‌های دولتی «مکوکستانه» جهت «همه سر زمین ایران» و خارج از مرزهای ایران سخن رفته است (برای اطلاع از شرح جامع تری در این زمینه ر.ک. به بخش چهارم کتاب، همچنین ر.ک. به [۱۰۳-۱۸، ۳۲-۱۸، ۲۶۸؛ ۹۱، ۲۶۸].

۸- ذکر این نکته چالب است که همانند این جمله در نوشته کریتر در نقش رستم (با علامت اختصاری KNR) روپروردی «کعبه زرتشت» نظر شده است، ولی در نوشته او در مسنه‌های (با علامت اختصاری KSM) و نقش رجب (با علامت اختصاری KNRj) که در دیگر نواحی است چنین جمله‌ای دیده شده است. بنظر نگارنده این مطلب نشانه آنست که «بن خانه» (bwny BYT) همان نام «کعبه زرتشت» بوده است.

به این کشف تاریخی تاکنون نیز کاهش پذیرفته و نوشههای علمی که در زمینه جستجو و پژوهش و بحث درباره این کتیبه (SKZ) پدید آمده، مدت‌هاست که با نام صدھا پژوهشگر همراه است.<sup>۹</sup>

در آغاز کتیبه پس از ذکر نام شاهنشاه شاپور که بنا به معمول در همه کتیبه‌ها بچشم می‌خورد، حدود مرز «ایرانشهر» یعنی کشور ایران<sup>۱۰</sup> نوشته شده است. در کتیبه، حدود شمال، کوه‌های قفقاز و «دروازه آلان» (در بند قفقاز-م) آمده و بهنگام بحث از مرزهای شمال و مغرب، سرزمینهای ارمنستان و ایران (گرجستان-م) و کاپادوکیه و کیلیکیه و نواحی اطراف شط فرات و میشان جزء سرزمین ایران یاد شده و حدود مشرق تا پیشاور یاد گردیده است.<sup>۱۱</sup> پس در کتیبه از سه پیروزی شاپور یکم در پیکار با رومیان بتفصیل سخن رفته است.

شاپور یکم بیاد بود پیروزی خویش فرمان داد تا پرستشگاهی کنار «کعبه» رزت شت «بنا شود و فرزندان خود را فرمود تا «بیاس یاد بود خویش» مبلغی جهت این پرستشگاه مقرر دارند. کتیبه با فهرست نامهای بزرگان و مسئلان ایرانشهر که در دربار پاپک، اردشیر یکم و شاپور بخدمت اشغال داشتند و پایانی پرسکوه بسان نوشته‌های شاهنشاهی هخامنشی (و مطالب و «فرمولهایی» که در سراسر آغاز شاهنشاهی ساسانیان معمول بوده است) با این جمله‌ها ختم می‌شود: «باشد تا آنکس که پس از ما خواهد آمد و آنکس که پس از ما فرمانروا خواهد شد، اگر به نیکی خدمتگزار خداوند باشد. یزدان یار و مددکارش شود، بدان‌گونه که یار مددکار ما بود». در متن پارتی پس از کلمات مذکور<sup>۱۲</sup> چنین آمده است: «این کتیبه

۹- متن کتیبه SKZ (عکس برداری و تصویر از انسیتیوی شیکاگو) توسط م. اشبر نکلینگ [۶۶]. انتشار یافت. ترجمه و آذانویس کتیبه‌جز از نظریه ذکر شده توسط ماریک نیزانجام شده است [۱۱۹].

۱۰- متن پارتی، ستون ۲-۱.

۱۱- متن پارتی از نظر نگارش نا اندازه‌ای گونه‌گون است. متن‌های پارتی، فارسی میانه و یونانی بطور کلی با یکدیگر متفاوتند. اکنون عقیده برآنسته کتیبه شاپور در کتبه رزت شت نخست بزنان فارسی میانه تنظیم گردیده و سپس بزبانهای پارتی و یونانی برگردانده شده است.

توسط من، هر مزد دبیر، فرزند شیراک دبیر نوشته شده است». ۱۲

اگر از نوشتۀ آمیخته به افسانۀ طبری درباره اسیر شدن امپراتور روم که با شگفتی از آن یاد کرده است بگذردیم، آنگاه باید متذکر شویم که تا کشف کتبیه تنها این نکته را می‌دانستیم که با رومیان پیکاری در گرفته بوده و در آن پیروزی از آن ایرانیان بوده است.

تا کشف این کتبیه تنها از نوشتۀ‌های یعقوبی و مسعودی درباره بزرگان دربار ساسانی آگهی داشتیم. طبق مأخذ نامبرده، اداره کشور بر عهده «بزرگ فرمدار» (نخست وزیر)، «سباه بد» (فمامنده سپاه)، «دبیر بد» (رئیس و بزرگ دبیران)، «خوتosh بد» (رئیس پیشه‌وران)، «وستر یوش بد» (رئیس کشاورزان) بود [۵۵-۵۱۳!۱۳۵، ۱۱۰، ۷۲۱-۱۲۵]. پس از کشف کتبیه شاپور در کعبه زرتشت و کتبیه نرسی در پایکولی فهرستهایی از بزرگان و کارگزاران دربار شاهنشاهان ساسانی در سده سوم میلادی بدست آمد. در این فهرستهایش از پنجاه عنوان از دارندگان مناصب دولتی ذکر شده است. این نوشتۀ‌ها به ما امکان می‌دهد تا درباره چگونگی بسط ادارات و مؤسسات دولتی طی صد سال و چگونگی اداره امور دولتی و عمل پیدایش اداره‌ها و مؤسسه‌ها در زمانهای گونه‌گون داوری کنیم و حتی از سر نوشت بزرگان و صاحب منصبان ساسانی در طول صد سال آگاه شویم. تاریخ دستگاه دولتی ساسانیان بر مبنای فرمانهایی که همزمان با تأسیس آنها صادر شده بود قوام و استحکام یافته.

کتبیه شاپور یکم سه ضلع کرسی «کعبه زرتشت» را اشغال کرده است، ولی در زیر هنن فارسی میانه کتبیه دیگری نیز منقول است. اما این کتبیه از شاهنشاه نیست، بلکه کتبیه‌ای است بزبان فارسی میانه که بدستور کرتیر موبد ساسانی نوشته

۱۲- این هر فرد هنن فارسی میانه کتبیه را بزبان پارسی برگردانده است. در هنن کتبیه شاپور در کعبه زرتشت از هر مزد چنین یاد شده که وی در دربار شاپور یکم «دبیر بد» بوده است.

شده است. کتبیه شاپور مترین ماخذ تاریخ سیاسی ایران در سده سوم میلادی است که در آن از تاریخ و اداره کارهای دولتی و تاریخ دودمان ساسانی سخن رفته است. کتبیه کرتیر نیز همانند آن یکی از عمدۀ ترین ماخذ در زمینه تاریخ مذهب و آینین ساسانیان است.

تا سال ۱۹۳۶ سه کتبیه کرتیر معلوم بود: یکی از آنها که بسیار کوتاه است بر صخره‌ای در ناحیه نقش رجب کنار نقش بر جسته اردشیر یکم شاهنشاه ساسانی و اهورمزدا است. بر بالای نوشته، چهره کرتیر نقش گردیده است. دومین کتبیه دو میں نقش از چهره کرتیر بر صخره‌ای مقابل «کعبه زرتشت» کنار نقشهای بر جسته‌ای که از پیروزی شاپور یکم بر رومیان حکایت می‌کند. این کتبیه که به راتب مژده و مفصل‌تر از کتبیه نخستین است آنچنان آسیب دیده است که درک مندرجات آن بسیار دشوار می‌نمود. به سال ۱۹۲۶، ده سال پیش از کشف کتبیه کرتیر در «کعبه زرتشت» ۱. هر تسفله خبری منتشر ساخت مبنی بر اینکه وی کتبیه دیگری نیز کشف کرده که از آن کرتیر است. این کتبیه در سرمشد (نزدیک شهر کازرون) کنار نقش بر جسته بهرام دوم شاهنشاه ساسانی است. این نوشته‌نیز آسیب فراوان یافته است.

بدین روایت سال ۱۹۳۶ سه کتبیه از کرتیر شناخته شد که تنها یکی از آن سه‌وآنهم کوتاه‌ترین آنها قابل خواندن بود.<sup>۱۳</sup> نبشته چنین آغاز شده است: «ومن، کرتیر در همه کشور به پر هیز گاری و پایه بلند [شهره] بهودم و در پیشگاه ایزدان و فرمانروایان نیکخواه و خیراندیش، از درگاه ایزدان چنین مسئلت داشتم: باشد که من، کرتیر، کاری کنم که همگان دستورهای ایزدان را با همه بزرگیشان بنگرنند... و تعالیم مشهور بهشت و دوزخ را بر همه معلوم دارم» افسوس

۱۳- درباره انتشار متن و خواندن آن ر.ک، به، [۹۲-۸۹، ۱۰۵].



۲- آرامگاههای شاهنشاهان هخامشی در صخره‌ها نقشه‌ای ساسانی بر صخره‌ها.  
اقتباس از تصویر کرپورتر

که بسیاری نتوانستند از دو کتیبه «بزرگ» دیگر کرتیر به این تعالیم پی برند<sup>۱۴</sup>. پس از چندی کتیبه «کعبه‌فرزنشت» کشف شد. متن این کتیبه افتادگی و بریدگی نداشت. مضمون نوشته آن چنین است:

۱۴- برای اینکه بدانیم تا چه اندازه بژومندگان از بخشهای از کتیبه کرتیر تشیجهایی نادرست گرفته‌اند، ستوانی از کتیبه کرتیر در نقش رستم را می‌آورم که در آن تا زمان کنف کتیبه کرتیر در کعبه زرتشت تنها خواندن این کلمه‌ها میسر بود: «(افتادگی بزرگ) ... و بهودان و کاهنان بوداین ویرهایی و نزاریان (یکی از فرقه‌های بیهود و یا بهودانی که به آئین مسیح گراشده‌اند - مترجم) و مسیحی ... (افتادگی)»، ۱۰۳-۱۰۰ [۱۰۰-۱۰۳] جنین اظهار داشت؛ شایور یکم که کرتیر در زمان او می‌زیست تبلیغ حمه این تعالیم را مجاز داشت. وی یاد آور شد که شایور از مانویان حمایت می‌کرد. او کارهای این شاهنشاه را با «دستاوردهای فردیلک بزرگ در سیاست مذهبی» مقایسه نمود. در کتیبه مرعت یافته کرتیر در کعبه زرتشت در این بخش متن چنین نوشته شده است: «اما اهریمن و دیوان دجارت اسبیها و دردهای بزرگ گشتنده»؛ و آئین اهریمن و دیوان از کشور دور از کنده شد. و بهودان و کاهنان بودایی و پرهمایان و نزاریان و مسیحیان، mkt,k و زندیقان در هم شکستند و تصویرهای خدایانشان سرنگون شد و از هم فرو پاشیده.

در سطر های نخستین، کرتیر از مناصب و کارهای خود سخن گفته است. او بهنگام پادشاهی شاپور یکم بخدمت پرداخت و نخست مقام هیربد (مفسر اوستا؟) داشت، اما پس از بیست سال در آستانه هشتادمین سال سده سوم میلادی به مقام موبد موبدان ارتقاء یافت. وی هر بی مذهبی شاهنشاه و صاحب بزرگترین پایه روحانی یعنی «موبد سراسر کشور» شد. چنانکه او خود نوشته همه قدرت و مقام از آنرو بھوی تقویض گشت که او در سراسر کشور به تحکیم آئین واحد پرداخت و آتشکده ها ساخت و اساسنامه مجمع دبیران را تدوین نمود و تعالیم ملحدان و کافران را ریشه کن کرد و «معابد دیوان» را برآورد از خود گرفت. در کتبیه از صرف هزینه و هدیه های فراوان جهت آتشکده ای که کرتیر موبد آن بوده سخن رفته است. کتبیه با این سطرهای پایان می پذیرد: «باشد تاهر کس که این نوشته را بینند و بخواهند همچون من نسبت به ایزد و خدایگان و خویشتن راستکار و نیکو کردار باشد تا بتوانند برای تن فانی نام و سر نوشته نیکو پدید آورد و برای روح گرفتار خویش راه نجاتی یابد».

در دنباله نوشته از کرتیر - کسی که دولت ساسانی آئین خویش را مدیون او است. سخن رفته است. حال بینیم پیش از کشف کتبیه کرتیر حدود آگاهی ما در این زمینه تاچه پایه بوده است؟

در کتاب سوم و چهارم «دینکرت» (اثری که تدوین آن در سده نهم میلادی پایان پذیرفت) نوشتهایی از شخصی بنام توسر (تنسر) باقی است که در عهد پادشاهی نخستین شاهنشاه ساسانی بهامور دینی و شاید به ترتیب «اوستا» اشتغال داشت چنین بنظر می رسد که او مگوپت «موبد» بودن. توسر (تنسر) نوشتهای دارد که به «نامه تنسر» معروف است این نامه شامل مطالب فلسفی و پند آمیزی است که در سده ششم میلادی تدوین گشته و نخست بزبان عربی و سپس بزبان فارسی ترجمه شده است. در آن کتاب وی «هیربد» (مفسر اوستا؟) نامیده شده است. روشن ساختن

کاری که تفسر موبد یا هیر بد انجام می‌داد و نیز چگونگی «فعالیت‌های دینی» او بسیار دشوار بوده است. با این وصف اکنون معلوم شده که چه زمان «آئین مزدیستا» یعنی آئین زرتشت بهدین رسمی کشود بدل گشته و چه کسی آنرا بهدین رسمی بدل کرده است (گمان می‌رود این کاراز کرتیر باشد). در ضمن، چگونگی اجرای این امر نیز روشن گشته است. از چهار کتبیه کرتیر پیداست که امر دی صاحب نفوذ، هراس‌انگیز، قشری و رئیس گروه منتخصان و خادم‌ان دین بود و طی یک چهارم قرن سرنوشت همه کشور را در دست داشت. یقین حاصل شده که دین و سیاست بایکدیگر رابطه‌ای بس نزدیک داشتند و سخن فردوسی مبنی بر اینکه «تاج و تخت تکیه گاه دین و دین تکیه گاه تاج و تخت است» کلامی خشک و بی‌علت و خالی ازانگیز نیست\*. آخر کار درباره سازمان پرستشگاه‌های زرتشتی و موقوفه‌های آتشکده‌ها و نقش آتشکده‌ها در امور اقتصادی کشور آگاهی بسیار بدست آمده است.

ما‌آخذ بعدی تاریخچه‌ای از جریان جنگها یک را که در آغاز شاهنشاهی ساسانیان در ایران روی داد در اختیار ما نهاده است. اما افسوس که این تاریخچه در هم آشفته و تحریف شده است. این تاریخچه نموداری از نسب و شجره دودمان فرمانروا

\* - در کتاب از شعر فردوسی و مأخذ آن باد شده است. اینجانب به‌سبب رعایت امانت در ترجمه عین جمله روسی را به‌پارسی برگردانده‌ام. گمان می‌رود قصد نویسنده کتاب بخشی از اندرز اردشیر پاپکان شاهنشاه ساسانی بفرزند خود شاپور باشد که در شاهنامه آمده و در آن از دین و شاهی جنین باد شده است.

برادر شود شهریاری و دیان

نه بی‌دین بسود شهریاری بجای

بر آورده پیش خرد نافته

نه بی‌دین بود شاه را آفرین

تو گوئی که در زیر یک چادرند

نه آن زین، نه این زان بود بی‌نیاز

دوانپا ز دیدیمثان نیک ساز

ر. ک : به «شاهنامه فردوسی». متن انتقادی، جلد هفتم، چاپ مسکو، ۱۹۶۷،

ص ۱۸۷ - مترجم.

چو بی‌دین کند شهریار آفرین

نه بی‌تخت شاهی است دینی بیای

دو دیبا است یک دردگر باخته

نه از پادشا بی‌نیاز است دین

جنین پاسبانان یکدیگرند

دوانپا ز دیدیمثان نیک ساز

بوده، ولی بعدها در نوشهای سبک و سنتی‌گیر شده و بیشتر مندرجات آن جعلی و ساختگی است. این کتبه‌ها تاریخچه‌ای است از اوضاع داخلی کشور که در آنها از پیدایش و پیشرفت مؤسسات عمده اداری و اقتصادی و رشد اندیشه‌ها (ایدئولوژی) سخن رفته است. از مأخذ بعدی نامهای «شاهان و پیامبران» بچرامانده است. این کتبه‌ها مارا باکسانی آشنا ساخته است که زمانی می‌زیسته‌اند.

## ۵۵۵

همه این مأخذ رویدادهای ایران را با نظر وجهت خاصی بیان می‌کنند و درواقع از «نظر مقامات رسمی» سخن می‌گویند. ولی جزاین مأخذ رسمی اکنون منابع دیگری نیز در اختیار تاریخ نگاران هست که این رویدادهارا از نظر گاه دیگری بیان می‌دارند. بیشتر اطلاعاتی که از این مأخذ درباره رویدادهای سده‌های سوم تا پنجم میلادی بدست آمده بازندگی و فعالیت مانی، بنیادگذاره کیش جهانی، و شاگردان و پیروان او مر بوت است.

در اوایل سده بیست میلادی هیئت‌های بستان‌شناسی روسی، آلمانی و فرانسوی و نیز داشمندان انگلیسی در سین کیانگ\* اسناد و مدارکی از مانویان بدست آوردند که تنها بزبانهای ایرانی می‌باشد: (پارتی، فارسی میانه، سغدی و غیره) نبود، بلکه مدارکی نیز بزبانهای اویغوری و چینی بدست آمد. این اسناد و مدارک بحق بهثابه همترین کشف در تاریخ پژوهش ادیان جهانی شناخته شد. در آغاز سومین دهه سده بیست آثاری از مانویان در مصر بدست آمد که «گنجینه آثار

\* - سین کیانگ - نامی چینی و بهمنای رودخانه غربی است. این سرزمین در شمال غرب و مغرب چین نهاده شده و هم‌مرز با اتحاد شوروی، افغانستان و منغولستان است. بزبان فارسی آنرا ترکستان چین نامیده‌اند. مساحت آن یک میلیون و شصت و چهل و شش هزار و هشتصد کیلومتر مربع است. جمعیت آن تا سال ۱۹۵۹ حدود شش میلیون نفر بود. هفتاد درصد مردم این سرزمین ایغور و باقی چینی، قرقاچ، قرقیز، مندو، هون، تاجیک، صابن و غیره‌اند. مرکز آن ارومچی است که چینیان آنرا دیهوی (Dihuy) می‌نامند. از شهرهای مشهور این سرزمین شهر کاشغر را می‌توان نامبرد که در متنون فارسی بسیار از آن سخن رفته است - مترجم.

مانوی» راغنی تر ساخت. درین کیانگ و نیز در مصر بخشایی از آثار مانی کشف گردید. اکنون جهان دانش آثاری چند از مانی و پیروانش در اختیار دارد که از آن جمله‌اند: «کفالایا». مجموعه‌ای که پس از مرگ مانی پدید آمد (این مجموعه در مصر یافته شد و بزبان قبطی است)، «شاپور گان». کتاب مانی که به شاپور یکم شاهنشاه ایران اختصاص یافته، «انجیل زنده» - کتابی که حاوی اصول تعالیم دینی مانی است (بخشایی از این کتاب در تورفان بدست آمد)، نامه‌های مانی به شاگردان خویش، «کتاب دعاها و نیاشاهه». کتابهای مذهبی، کتابهای دعا و غیره. برخی از این آثار و یا بخشایی از («آخرین سفر مانی» و «آمدن پیامبر به کشور») حاوی اطلاعات بسیار جالب درباره پیشرفت آئین مانی و تاریخچه آن است<sup>۱۵</sup>

بنازگی استاد و مدارک اقتصادی نیز کشف و بر استاد موجود افزوده شد، ولی متأسفانه هنوز تعدادشان اندک است. در اسناد و نوشته‌هایی که ضم. ن. کاوش توسط هیئت باستان‌شناسان دانشگاه یل و اکادمی فرانسه در شهر دوراً اوروپوس کنار رود فرات بدست آمد اطلاعات گرانبهایی درباره سازمان اداری و اقتصادی و فرهنگ و تمدن ایران در آغاز شاهنشاهی ساسانیان مندرج است.

این شهر ضمن هجوم لشکریان شاهنشاه شاپور یکم به سال ۲۵۵ یا ۲۵۶ میلادی به تصرف آنان در آمد و بدیاسگاه و دژ مرزی ساسانیان در کرانه فرات بدل

۱۵ - انتشار بخشایی از آثار مانوی که در تورفان بدست آمده توسط ک. زالمان تحت عنوان (Manichaica) در «نشریه اطلاعاتی آکادمی علوم» سال ۱۹۱۲؛ و ف. س. آندره آس SPAW و. ب. هنینگ در ۱۹۳۴-۱۹۳۲ سالهای SPAW F.S. Andreas پوتوتسکی S. Shmidt و. ه. پولوتسکی H. polotskiy در ۱۹۳۳ سال SPAW منتشر گردید. انتشار بخشایی از «کفالایا» نیز زیر نظر آنان بوده است. (اشتونکارت، ۱۹۳۵). «خواستوانیقت» (اعتراف) چند بار منتشر گشت و آخرین بار توسط اسوسن J.P. Asmussen نشر یافت [۴۶]. از پژوهش‌های بسیاری که در زمینه مانویت انجام گرفته بجا است که از آثار:

F.C. Burkitt; The Religion of the Maniches;

H.Ch. Puech; Le manichesme, son fondateur, sa doctrine

و آقای سیدحسن تقی‌زاده: «مانی و دین او» یاد شود.

## مآخذ

۲۵

شد. برخی از مدارک اقتصادی مر بوط به این دوره از تاریخچه شهـر نامبرده است (سفالینها و پاپروسهـا؛ در این مدارک برخی اطلاعات از متصرفهـای فرمانروای ساسانی این شهر و استان مندرج است) [۲۶۱، ۹۰ - ۳۰۰، ۸۹؛ ۱۷۰ - ۸۷، ۹۵] و نیز نوشتهـایی که در کنیسه (پرستشگاه یهودان) بدست آمده است [۴۱۴ - ۴۱۷]. امامـآخذ مر بوط به اوضاع اقتصادی ایران، چـه آنـها که از این مدارک و یادیگـر اسنادی که تاکنون بر دانشمندان معلوم گشـته بـدست آمـده، با اندازهـای ناجـز و اندـک است کـه کـوشـش برـای ایجاد تصـورـی روشـن از روـابـط اجتماعـی و اقـتصـادـی آـن دورـه بـسبب آـمـيـختـگـی اـسـنـاد و مـدارـك درـست، بالـاحـتمـالـات و نـظـرـهـای سـوـدـجـوـيـانـهـ نـادـرـتـ، خـالـی اـز اـشـكـالـ نـيـسـتـ. چـنـين بـنظـرـ مـيـ رسـدـ کـهـ تـا اـنتـشارـ مـتنـ عـلـمـيـ وـ كـاملـ مـآـخذـ اـصـلـيـ مرـبـوطـ يـعـنيـ مـجمـوعـهـ حـقـوقـيـ «ـهـاتـاـگـدانـ خـزـرـ دـاغـسـtanـ» بـاـيدـ بـهـ نـظـرـ هـايـ عـمـومـيـ وـكـلـيـ اـكـنـفاـ نـمـودـ.

چـنـين است وضعـ کـلـيـ مـآـخذـ مرـبـوطـ بهـ تـارـيخـ اـيرـانـ درـسـهـ هـايـ سـومـ تـاـ پـنـجمـ مـيلـاديـ کـهـ طـيـ دـهـ سـالـ اـخـيرـ بـدـسـتـ آـمـدـهـ، تـفـسـيرـ شـدهـ وـاـنـتـشـارـ يـافـتـهـ استـ. درـ اـيـنـ مـآـخذـ نـهـتـنـهاـ اـعـلـامـيـهـ هـايـ رـسـميـ شـاهـنـشاـهـانـ وـنوـشـتـهـ هـايـ رـسـميـ موـبـدانـ وـهـيـرـ بـدـانـ سـاسـانـيـ، بلـكـهـ اـسـنـادـ وـمـدارـكـ اـقـتصـادـيـ وـنـامـهـهـايـ خـصـوصـيـ وـعـهـدـنـامـهـ هـايـ تـارـيخـيـ نـيـزـ بـهـ جـمـعـهـ خـورـدـ.

باـ بـرـدـسـيـ آـثارـ فـرهـنـگـ مـادـيـ مـيـ تـوانـ صـحتـ وـدـقـتـ وـ يـاـ نـادـرـسـتـيـ اـخـبارـ وـ روـايـتهاـ وـ تـفـسـيرـهاـ رـاـ درـيـافتـ. زـيرـاـ بـكـفـتـهـ آـكـادـمـيـسـينـ اـيـ. آـ. اوـرـبـلـيـ آـثـارـمـذـکـورـ «ـهـرـ گـزـ درـوغـ نـمـيـ گـوـينـدـ»

۵۰۰

درـسـالـهـايـ اـخـيرـ جـزـ مـآـخذـ خـطـيـ حـيـطـ آـثارـ فـرهـنـگـ مـادـيـ وـسـعـتـ چـنـدـانـيـ نـدـاشـتـ. نقـشـهـايـ بـرـجـستـهـ سـاسـانـيـ بـرـصـخـرـهـ هـاءـ، اـزـ زـمانـ سـفـرـ کـارـسـتنـ نـيـبورـ (سـالـ ۱۷۶۴ مـيلـاديـ) بـهـ اـيرـانـ وـبـويـژـهـ پـسـ اـزـ چـاـپـ نقـشـهـايـ زـيـباـ اـزـ نقـشـهـايـ هـذـکـورـ کـهـ

توسط ا. فلاندن و پ. کوست بهنگام سفرشان به ایران که او سده نوزدهم صورت گرفت نزد دانشمندان شهرت یافت.<sup>۱۶</sup>

همچنین آثار ا. توماس، آ. مورد تمن، پ. هورن، دگ. شتیندورف که در فاصله سالهای ۶۰-۹۰ سده نوزدهم انتشار یافته‌اند [۱۵۱: ۱۲۳؛ ۱۲۴: ۱۱۰] صدها نگین کنده کاری شده و هزاران سکه ساسانی را در دسترس دانشمندان گذاردند. اطلس مشهور «ظرفهای سیمین وزرین خاورزمین» («نقره کاری خاورزمین») که به سال ۱۹۰۹ میلادی توسط آکادمی‌سین یا. آی. سبر نف انتشار یافته [۳۴] درواقع سرآغاز پژوهش علمی آثار مشرق‌زمین (از جمله آثار ساسانی) است. ولی همه اینها جز محدودی به عنوان تصویرهای کنار اطلاعات مربوط به مأخذ کتبی مورد استفاده قرار گرفتند و تنها بخش ناچیزی از نوشته‌های مربوط به هنر ایران ساسانی جنبه توضیحی داشته است.

مرحله نوین پژوهش فرهنگ‌مادی ایران در عهد ساسانیان، در دهه سوم سده بیستم با انتشار مقاله‌ای آ. اوربلی تحت عنوان «هنر ساسانی» [۲۸] که در

۱۶- پیش از ا. فلاندن و پ. کوست، روپرت کریورت معمدار و نقاش انگلیسی (سال ۱۸۱۸ میلادی) سفری به ایران کرد. ر. کریورت جریان سفر خود را ضمن کتابی بر شه تحریر کشید [۱۱۲] در موزه دولتی ارمیتاژ اصل آلبومی که توسط او بهنگام این سفر تهیه شده و نیز تصویرهایی از آثار تاریخی ایران موجود است آلبوم (که دارای جلد چونی محکم و طلاکوب است) شامل ۶۰ تصویر است که بر کاغذهای ضخیم خاکستری برنگ چسبانده شده است. تصویرها با مرکب چین کشیده شده است. بر صفحات تصاویر توضیحات مفصلی (بزبان انگلیسی) درباره محل و ویژگیهای آثار و نیز توضیحاتی درباره بخش‌های گونه‌گون تصویرها نوشته شده است. پس آخرین صفحه آلبوم نوشته‌ای با مرکب سیاه بزبان روسی بدین شرح دیده می‌شود، «اگر روبرت کریورت، پتاریخ ۲۸ ماه مارس سال ۱۸۲۵ دریافت شد». کریورت در دهه سوم سده نوزدهم در روسیه آقامت گزید. آلبوم به سال ۱۹۲۰ ازطرف موزه دولتی ارمیتاژ خریداری شد. واقعیت، مؤید دقت نقاشی کریورت است. او با آنکه بزبان فارسی میانه آشنا نبود، معهداً حروف سنگنیشتهای ساسانی را با چنان دقیق تصویر نمود که خواندن آن دشوار نیست. چون از زمان سفر کریورت حدود صد و پنجاه سال می‌گذرد و طی این مدت هنوز بخش‌های بسیاری از این نقشها قابل خواندن و تشخیص نیست، بنابر این تصویرهای او دارای اهمیت بسیاری است. از برخی از آنها در این کتاب استفاده شده است.

## مأخذ

۲۷

اتحاد شوروی بچاپ رسید و انتشار کتاب «پایکولای» اثر ا. هرتسفلد که پیشتر از آن سخن رفته آغاز گردید. ویژگی این مرحله، بررسی و پژوهش وسیعتر آثار هنری ساسانی است. این بررسی، بدون درنظر گرفتن همه جوانب و بدون مطالعه نوشته‌ها و اشیاء نامیر بود.

در آثار ای. آ. اوربلی، ک. و. ترور، و آ. یا. بوریسوا هنر ساسانی نه تنها بمثابة هنر درباری. بلکه بطور کلی بمثابة انعکاسی از مرحله پیشرفت اندیشه (ایدئولوژی) فتووالی در ایران و کشورهای هم‌جوار مورد توجه قرار گرفت. در ضمن ای. آ. اوربلی نخستین کسی بود که مسئله باصطلاح هنر رسمی ساسانی را هنری شمرد که هدف عمدہ اش تأیید سیاسی دودمان ساسانی در پیشگاه همه مردم و همه جهانیان بوده است [۲۸]. آثار تاریخی که از این دوره به مارسیده بیش از هر چیز جلب توجه می‌نماید.

آثار هنرمندان ساسانی در تمام دوران پادشاهی آن دودمان که در این کتاب بررسی شده پیشتر حاوی تصاویر شاهنشاهان و درباریان آنها است. تصویرهای رسمی ساسانی تقریباً همزمان با شاهنشاهی دودمان ساسانی در ایران پدید آمد. هر گاه تصویرهای شاهنشاهان، بزرگان و موبدانی که بر صخره‌ها نقش شده با تصویرهای آنان بر سکه‌ها، آثار فلزی قلمزنی شده و نگینه‌ای کنده کاری شده مقایسه شوند، آنگاه می‌توان بدشایست وحدت اصولی که تصویرهای مذکور بر مبنای آن پدید آمده‌اند یقین حاصل نمود. استادان ساسانی تصویرهای شکل پنداری یافته (اید آلیزه) شاهنشاهان و بزرگان را تنها با نشان دادن وضع خاص، حالات و آنچه‌را که متعلق به آنها است (تحت و تاج شاهی به شکلها و نشانهای گونه گون، لباسها، زیور و غیره) در نظر مجسم می‌ساختند. مورخان آغاز سده های میانه نیز از وجود اینگونه تصویرها آگهی داشتند.

هنگامی که مسعودی با «کتابهای پیشین درباره شاهنشاهان ایران» آشنایی

یافت نسخه خطی ای را مشاهده نمود که با مینیاتورهای «شاهنشاهان ایران از دودمان ساسانی که جمماً بیست و هفت شاهنشاه بوده...» زینت یافته است. مسعودی می‌نویسد: «وقتی شاهنشاهی از این دودمان بدرود زندگی می‌گفت، تصویرش را می‌نگاشتند... و این تصویر را به خزانه شاهی می‌سپاردند، تا خصال شاهنشاهان در گذشته، از بازماندگان پوشیده نماند...»

تصویرهای شاهنشاهان در این نسخهای خطی بارگاه‌های گونه‌گون، زر و سیم و صلایه مس بر کاغذهایی بر نگارگوانی زینت یافته بود. حمزه اصفهانی از این تصویرها بتفصیل سخن رانده است [۱۲۵]. میان آثاری از این گونه که تا کنون بر جای مانده نقشهای حاوی مدح و شای شاهنشاهان که بر صخره‌ها نقر شده بسیار جالب دقت است. بمقرب همه این نقشها در فارس و گاه بر همان صخره‌هایی که جایگاه نقش‌های شاهنشاهان هخامنشی و آرامگاه آنها است نقر شده است.<sup>۱۷</sup>

نقشهای دوران ساسانی از دیر باز مشهور و از منابع و مأخذ بزرگ بشمار است. پژوهندگان هر بار که به مطلب تازه‌ای از تاریخ ساسانیان بر می‌خورند و یا به خواندن نوشته‌ای توفیق می‌یابند و یا به درک و کشف اثر فرهنگی نوینی نائل می‌گردند، همواره به منابع و مأخذ نامبرده باز می‌گردند. این نقشها، نمونه‌ها و معیارهای اصلی هستند که می‌توانیم نتیجه‌های بدست آمده را با این معیارهای اصلی بسنجیم. سبب این امر آنست که نقشهای ساسانی، همانند نقشهای پیشین هخامنشی و آثاری که از پیشینیان بسیار دور آنان بر جای مانده، خود ویژه‌اند. این نقشها برای اتباع شاهنشاهان و برای آشنازی همه بیگانگان و «همه جهانیان» ترتیب یافته‌اند. این نقشها بمنتظر آگاه کردن مردم از کارهای پر افخار و

۱۷- تصویرهایی از نقشهای ساسانی. ر. ک. بد، [۸۱۰۱۳۹: ۱۳۴] و L.Vanden Berghe, Archéologie de l'Iran ancien, Leiden, 1959.



۳- نقش تاجگذاری اردشیر یکم نقش رجب، اقتباس از تصویر کرپورتر

قهرمانانه و پیروزیها و بزرگی شاهنشاه پدید آمده‌اند. گاهی کنار نقش‌ها و یاد رزی آنها نوشته‌ای بچشم می‌خورد که حاکی از پیروزی شاهنشاه و حاوی نامهای یاران و نزدیکان و دشمنان و یا ایزدان او است. ولی گمان نمی‌رود در آن زمان همگان قادر به خواندن این نوشته‌ها بوده‌اند. نقش‌ها در اینجا خود شرحی گویا بشمار می‌رفتند. این نقش‌ها مظہری (سمبولیک) هستند (نقش‌های سمبولیک از سنتهای باستانی مشرق زمین است). در این نقش‌های مظہری (سمبولیک) تصویر

شاهنشاه و دشمنش، یا شاهنشاه و بزدان و یا شاهنشاه و لشکریانش دروضع خاصی نگاشته شده است. سمبولیسم این نقشها در آن است که اغلب شاهنشاه درحال نبرد تن بتن با دشمن اصلی تصویر گردیده است. (شاید واقعیت امر چنین نباشد) سمبولیسم این نقشها همچنین در آنست که استادان سازنده این نقوش هرگز کوشی در تصویر جنبه های فردی شخصیت های جدا گانه نداشته اند. تصویر رده های جنگجویان با نظم و ترتیب خاص و بهیک شکل مکرر گشته و لباسها در طرز استادان یکسان شان تصویری روشن از شماره بسیار افراد گارد شاهی پدید آورده است. در نقش هایی که امیران و درباریان تصویر شده اند، از نظر سازنده تصویرها و نیز از نظر کسی که به نظر و نگارش آن فرمان داده و همچنین از نظر بینندگان، اصل و عمد، خطوط چهره تصویر شد گان نیست، بلکه حالت آنان و جایگاه و کلاه و نشانه ها و درجه های آنان در نقش، عمد و حائز اهمیت است.

برخی از این نقشها از سننهای بسیار کهن مشرق زمین حکایت می کنند. حوالشی که در نقشها مجسم شده با پی گیری ویژه ای ادامه می یابد و رویداد مجزا و جدا گانه بسیار اندک است. هنگامی که شاپور یکم فرمان داد تا پیروزیش را بر والرین بنگارند، استادان بریکی از صخره ها نقشی از شاپور پدید آوردند که در آن واحد معرف سه پیروزی شاهنشاه بوده است. شاهنشاه در وسط نقش تصویر شده است. در زیر سه اسبیش جسد گوردیانوس امپراتور روم که در پیکار سالهای ۲۴۳-۲۴۲ میلادی کشته شده دیده می شود. کنار شاه کسانی که در جنگهای سال ۲۶۰ میلادی به اسارت در آمده بودند، پای در زنجیر مشاهده می شوند. رو ببروی شاه تصویر فیلیپ عرب امپراتور روم که بزانو در آمده و نیز رده های نمایندگان استانهای گونه گون روم دیده می شوند که تفاوت شان تنها از نظر پوشش و ویژگی های تزادی و پیشکشی ای است که بعنوان غنیمت به پیشگاه شاهنشاه عرضه می دارند. پشت سر شاه افراد گارد شاهی در چهار ردیف تصویر گشته اند: بسیاری از آنان

سوارانی هستند که تنها تفاوتشان در پوشش آنها است و این خود نموداری است از شکل پوشش هنگه‌ای گونه‌گون در باره رویداده‌ای مربوط به این جنگها در سنگبیشهای «کعبه زرتشت» که پیشتر از آن سخن رفته، یاد شده است. در این سنگبیشهای مسروچ‌تر از نقش سخن رفته و در آنها شمارش و نام استانها و شهرهایی که بتصرف شاپور درآمده و نیز میزان غنایم ذکر گردیده است. اما تابعان شاهنشاه رویداده‌ای عمدۀ این جنگها را که در نقش مجسم شده می‌دیدند. اگر این نقش و اندیشه اصلی آنرا بدون در نظر گرفتن شیوه هنری آن، با دیگر نقشها مقایسه کنیم. مشابهت آن با نقشهای تخت جمشید که روزگاری پایتحت شاهنشاهان هخامنشی بوده و نیز مشابهت آن با نقش داریوش در بیستون آشکار می‌گردد (برخی براین عقیده‌اند که نقش نامبرده شاپور کار استادان رومی است). ما ازاواخر روزگار شاهنشاهی اشکانیان نقشهای بسیار اندکی را می‌شناسیم، و نیز از نقشهایی که بفرمان شاهان پارس - اسلاف بلافضل شاهنشاهان سasanی - پدید آمده آگاهی نداریم. مقصود آن نیست که از نقشهای پیشینیان بلافضل شاهنشاهان سasanی بتقریب چیزی بر جای نمانده است، بلکه منظور سرعت شگفت انگیزی است که در ایجاد قواعد نگاره‌های شاهنشاهان و جانشینانشان و بزرگان بکار رفته، و نیز مطلب بر سر شباهت کامل نقش‌های بزرگ آغاز شاهنشاهی اشکانیان بر صخره‌های عظیم، با نقشهای کوچکی است که بر سنگها و مهرها و دیواره جامه‌ها و ظرفها و سکه‌های دولتی پدید آمده است. مأخذ این قواعد را کجا باید جست؟ این مسئله‌ای است بسیار مهم، زیرا در غیر اینصورت پیدایش ناگهانی این نقشهای در هنر آن دوره ایران زمین ایجاد شگفتی خواهد نمود.

تصویر «چهره‌های رسمی» در هنر ایران زمین از دیر باز معمول بود. استادان روزگار شاهنشاهی هخامنشیان نیز ضمن تصویر شاهنشاهان ایران باستان و درباریانشان بر نقوش سنگی کاخها و آرامگاهها و نقش‌های کوچک مهره‌ای

استوانه‌ای و قالب سکه‌ها از همین اصول پیروی می‌کردند. ولی با گذشت زمان هم اصول و قواعد تهیه آینگونه تصویرها و هم تماشاگران و بینندگانی که این نگاره‌ها چهت دیدن آنان پدید آمد، تغییر یافتدند و دیگر گشتند.

کار جستجوی مآخذ «چهره‌های رسمی» دوران ساسانی هارا بسوی تصاویر سکه‌های آخرین شاهان پارس که پیشینیان بالافصل دودمان ساسانی بودند، و نیز بسوی نخستین سکه‌های روزگار فرمانروائی اردشیر، نخستین شاهنشاه ساسانی رهنمون می‌گردد. در اینجا به قاعده‌های نگارش چهره‌های بزرگان، جلوه حاکمیت و مقام - شکل کلاه با علامتهای آن، گردن بند، پوشالک و آرایش مو (یاریش) پی می‌بریم. این سکه‌ها زمانی ضرب شده که هنوز هیچ نقشی از ساسانیان پدیدار نگشته بود، ولی بر آنها تصویر آماده‌ای از شاه، فرمانروا یا افراد بلند پایه سرزمین ساسانیان پدید آمده و در آن تقawat درجات بزرگان در بسیاری از موارد با نشانه‌های کلاه معین شده است. سکه‌های دولتی سراسر کشوری که برمان اردشیر یکم پس از تاجگذاری وی ضرب گردید، چهره شاهنشاه و منظره افسر شاهی را که بشکل ویژه‌ای است، و نیز تزیینات و نوع پوشالک اورا در نظر جلوه گر می‌سازد. در مورد ذکر شده این تنها هسته‌ای از نشانه‌های تاج‌بخشی از سوی یزدان و پیش از هر چیز پدید آوردن شکل افسر شاهی بوده است.

ماهیت آینگونه چهره‌سازی بر مبنای چهره‌سازی مذهبی و تصویر اهورامزدا خدای بزرگ زرتشیان بناده بود. در آئین زرتشتی شخصیت دادن به ایزدان بزرگ بالسبه دیر انجام گرفت و «فرمانروایی بر ایزدان» به مانگونه تصویر می‌شد که شاهی بر مردم، هسته‌نوع تصویر شاهنشاه (دقیقت گفته شود: نشانه‌های تاجگذاری او) بر سکه‌ها از لحاظ تاریخ و زمان درست مطابق سنگبیشته‌های آنها است. اگر ما این سکه‌هارا در یک ردیف زمانی قرار دهیم، آنگاه روشن خواهد شد که تصویرهای بزرگان و شاهنشاهان و تصویر ایزد بزرگ، نخست بر سکه‌های ساسانی

و سکه‌های پیشینیانشان - شاهان پارس - پدید آمدو سپس بر سنگها نقر گردید. از اینجاست که «چهره‌های رسمی» بر نگینها و مهرهای شخصی در باریان ساسانی پدید آمد.<sup>۱۸</sup>

«چهره‌های رسمی» آغاز شاهنشاهی ساسانیان دارای همه ویژگیهای کیفی ملزوم بمتنه آخذ تاریخی دست اول است. چون در اینگونه تصویرها توجه عده به نشان دادن دقیق مقام فرمانروایان معطوف گردیده، بنابراین در پیش روی ما «جدول ویژه‌ای از درجه‌ها» قرار گرفته که با زبان تصویر ارائه شده است. بر نگینهای منقوش که از آغاز شاهنشاهی ساسانیان بجا مانده، تصویرهای بسیاری از رجال دولتی، روحانیان، اعضای خاندان شاهی و نیز نوشتهدایی هست که از درجه و پایه آنان حکایت می‌کند. بدین روای می‌توانیم علامتها و نشانه‌های معین این تصویرهارا با درجه‌ها و پایه‌های معلوم مقابله کنیم و ترتیج حاصله را با نقشه‌ایی که بر تخته سنگها نقر شده و نیز با آثار فلزی کنده کاری شده مقایسه نمائیم.<sup>[۱۸]</sup> از پژوهش‌های ا. هرتسفلد و ل. اردمان [۱۰۲، ۹۱؛ ۱۵۸، ۹۱، ۸۶] -

[۱۲۴] چنین معلوم گشته که بخش‌های گونه گون تاج شاهنشاهان ایران دارای جنبه مظہری (سمبولیک) بفرنجی بوده که با آئین ذرتشت مربوط و وابسته است. برخی از نشانه‌ها و درجه‌های بزرگان و موبدان نیز همین جنبه‌های مظہری را داشته است. همه آثار متعلق به اوایل شاهنشاهی ساسانیان حاکی از آنست که هر گونه دگر گونی در وضع حکومت و هر تغییر در افسر شاهی و کلاه و هر گونه دگر گونی در نشانه‌های سمبولیک این اشیاء دریک‌مان، در همه آثار رسمی هنر ساسانی نمودار می‌گشت و بدنبال آن دگر گونه‌ای دریاست و یا ایدئولوژی آن دوره پدیداره می‌شد. تعیین تراالف و تواتر این دگر گونه‌ها از اهمیت بسزایی است.

۱۸- درباره پژوهش در ذمینه چهره‌های رسمی ساسانی در سده‌های سوم و چهارم میلادی ر. ل. به.<sup>[۱۸، ۱۷]</sup>

بدین منظور برای نهادن آثار هنری رسمی ساسانی با نوشهایی که از آن دوره بر جا مانده و نیز کوشش در زمینه تعیین تاریخ دقیق همه این آثار نهایت درجه ضرور است.

چنانکه پیشتر گفته شد «چهره‌های رسمی» دوران اوایل شاهنشاهی ساسانیان بر نقشهای نقر شده، سکه‌ها، نگینها و آثار فلزی کنده کاری شده موجود است. هریک از این بخش‌های هنر رسمی ساسانی دارای ویژگیهایی است. ویژگی نقشهای ساسانی بر صخره‌ها در آنستکه بر هریک از این نقشها نه تنها رویداد‌های تاریخی تصویر شده و نه تنها عظمت شاهنشاه و آئین او مجسم گشته، بلکه سیاست و ایدئولوژی معین بهشیوه مظہری (سمبولیک) بنحوی درخشنان بیان شده است. برای نمونه؛ در نقش دستم، شاهنشاه اردشیر یکم و اهورامزدا که حلقه شهریاری را به شاهنشاه تفویض می‌کند، هردو سوار بر اسب تصویر شده‌اند. زیر سم اسب اردشیر، اردوان پنجم شاه بر افتاده اشکانی و در زیر سم اسب اهورا مزدا اهربیمن بنظر می‌رسند. جنبه سمبولیک این نقش کاملاً روشن است. در این تصویر، پیروزی اردشیر بر اردوان همپایه پیروزی اهورا مزدا بر اهربیمن جلوه‌گر شده است و فرمانروایی اردشیر بر ایران بیاری ایزد بزرگ زرتشیان جنبه‌ای و رجاوند بخود می‌گیرد.

با این وصف تعیین تاریخ دقیق پیدایش نقشها بر صخره‌ها و پی‌گیری در پدیدآوردن آنها (تصویر هریک از شاهنشاهان ساسانی بطور معمول بر چند صخره نقر شده است) بهما امکان می‌دهد تا در باره جریان پیدایش سیاستها و اندیشه‌های گوناگون داوری کنیم

بررسی انواع تاجهای شاهنشاهان و اصول تصویر شناسی می‌تواند مانند شیوه بدست آوردن تاریخ دقیق نقشهای ساسانی بر صخره‌ها مورد استفاده قرار گیرد، در ضمن، سکه‌ها و نگینهای منقش نیز وسیله‌ای برای تعیین تاریخ بشمارند.

شیوه مذکور در این زمینه قابل استفاده است.

بر نگینهای ساسانی جز تصویر اشخاص صاحب جاه و روحانیان و هنرمندان، مضمونهای دیگری نیز هست. این نگینها از اشیاء رایج هنر ساسانی بشمارند و پژوهش آنها بهما امکان می‌دهد زمان پیدایش و خصیصه پیشرفت تقریباً همه مضمونها و مجموعه‌هایی را که در همه آثار هنری ساسانی پدید آمده دریابیم. پژوهش در نگینهای ساسانی نشان داد گرچه دامنه مضماین نگینها بسیار متنوع و گوناگون بنظر می‌رسد، با اینهمه دامنه مضماین مذکور در دیگر آثار هنری ایران تنگ‌تر و محدودتر است. این مضماین اغلب در آثار تاریخی گوناگون مکرر گشته‌اند هزاران نگین با دهها نگاره و اندیشه نموداری از پرمضمون بودن هنر ساسانی است. همین یک واقعیت، یعنی مطابقت مضمونها در آثار هنری گوناگون روزگار ساسانی پرسشی درباره نقشها و قواعد و مظاهر این هنر پدید می‌آورد. گرچه همه نمونهای شناخته شده هنر ساسانی دارای پوششی سمبولیک هستند، با اینهمه فکر و اندیشه‌ای که در آنها بکاررفته نو و بی‌سابقه نیست. نگینها نموداری هستند از اینکه نقش‌های ساسانی تا چه حد جنبه سمبولیک یا مظہری دارند. مسئله تاریخ دقیق کنده کاری بر نگینها با مسئله پیدایش مظاهر (سمبولها) دینی گوناگون در هنر ایران و با مسئله پیشرفت آئین زرتشت مرتبط است. کتاب ویژه‌ای به شیوه تعیین تاریخ پیدایش نگینها و بررسی تصویرهای سمبولیک اختصاص یافته است [۲].

استفاده وسیع از سکه‌های ساسانی بعنوان مأخذ تاریخی و فرهنگی دارای سابقه نسبتاً زیادی نیست. ل. و. ترور مقاله ویژه‌ای در این باره نوشته [۳۷] و در آن از رابطه تصاویر سکه‌ها با دیگر آثار تاریخی سخن گفته و با این کار پژوهش درباره مسئله تصویرهای رسمی ساسانی را آغاز نموده است. ا. هرتسفلد در کتابهای خود ذیسر عنوان «پایکسلی» و «سکه‌های کوشانی - ساسانی» ۱۰۵؛ ۱۰۳ مبنای

بررسی تصویرها و پژوهش داستانها از روی سکه‌های متعلق به دورانهای معین سیاسی و اندیشه‌ای (ایدئولوژیک) تاریخ ایران را از نو بنیاد نهاد. در این کتابها بویژه از اهمیت اطلاعاتی سخن رفته که از طریق آنها نه تنها سمت و جهت تاریخ سیاسی و تاریخ هنر، بلکه سمت و جهت تاریخ اندیشه‌ها (ایدئولوژی) را نیز می‌توان دریافت. تعیین تاریخ دقیق ضرب سکه‌ها موجب می‌شود که بتوان در باره دگرگونیهایی که در سیاست و اندیشه پدید آمده داوری نمود. ولی گمان نمی‌رود از این کار بتوان عنوان پایه‌ای استوار جهت روش ساختن تاریخ پیدایش همه آثار هنری رسمی که پیشتر از آن سخن رفته، استفاده کرد. در این مرحله از پژوهش، وظیفه عمدۀ عبارت از آنست که تا سرحد امکان نه تنها نوع ویژه هر سکه از سکه‌های شاهنشاهان، بلکه هر بخش از تصویر آنها نیز مورد بررسی و مطالعه دقیق قرار گیرد و سپس تاریخ ضرب سکه با تاریخ پیدایش دیگر آثار تاریخی مقایسه شود. برای نمونه یادآور می‌شویم که طی بیست سال پادشاهی اردشیر یکم بر ایران، شش گونه سکه از این شاهنشاه ضرب گردید که بر آنها افسر شاهی به پنج گونه تصویر شده است. بدیهی است برای داوری درباره تاریخ پیدایش سیاست و اندیشه‌های (ایدئولوژی) گوناگونی که مظاهر آنها بر سکه‌ها دیده می‌شود، باید حدود تقدم و تأخیر زمانی ضرب و انتشار همه این سکه‌هارا دانست.

پشت سکه‌های ساسانی (چنانکه بعد خواهیم آورد) پرستشگاهی که مراسم ناجگذاری شاهنشاه در آن برگزار شده با منظره تاج بخشی از سوی ایزد به شاه تصویر شده است. نخستین بار در هنر ساسانی بر روی سکه‌ها ایزدان زرتشتی - اهورامزدا (هرمزد)، اناهیتا (ناهید) و میترا (مهر) بصورت انسان جلوه گشته اند. تصویر ایزدان که نخست بر سکه‌ها و سپس بر دیگر آثار تاریخی پدید آمده برای پژوهش تاریخ و ایدئولوژی ایران ساسانی حائز اهمیت بسزایی است.

به عقیده نگارنده بنظر می‌رسد که مسئله ترتیب و تعیین تاریخ نگینهای منقوش و آثار فلزی منقوش و نقش‌های نقر شده بر صخرها بطور کلی حل شده است. ولی مسئله طبقه‌بندی و کار تنظیم زمانی سکه‌ها هنوز حل نشده است. تا اواسط دهه ششم سده کنونی نقش بیشتر سکه‌های آغاز شاهنشاهی ساسانیان که در موزه‌های اروپا نگاهداری می‌شود انتشار یافت و استفاده از آنها از نظر تاریخ ایران بطور کلی محدود به مضماین نوشته‌ها و از نظر تاریخ هنر، محدود به تعیین جنبه مظهری (سمبولیک) افسر شاهنشاهی و پیوستگی دیگر آثار هنری با تصویرهای شاهنشاهان بر مبنای درهم آمیختگی اجزاء افسر شاهی بود. در واقع تنها مضمون نوشته‌های سکه‌ها و افسر شاهنشاهی مبنای برای طبقه‌بندی آنان بشمار می‌رفت. در سکه شناسی ساسانی مسئله انواع واشکال سکه‌ها بطور مستدل مطرح نگشته بود و وظیفه طبقه‌بندی زمانی انواع سکه‌ها طرح نشده بود، و نیز مجھوعه دوری (پشت و روی) سکه‌ها مورد بررسی و پژوهش قرار نگرفته و مسئله‌شناسایی ردیف انواع سکه‌ها طرح نگشته بود. همه این مسائل برای پژوهش سکه‌های آغاز شاهنشاهی ساسانیان واجد اهمیت ویژه‌ای است، زیرا در این زمان سکه‌های ساسانی فاقد تاریخ ضرب بوده بندرت نشانه‌های ضرایبخانه‌ها بر آنها دیده می‌شود.

ازدهه ششم سده کنونی آثاری در زمینه سکه‌شناسی ساسانی ازطرف ر. گوبل سکه‌شناس اطربیشی انتشار یافت. در آثار این دانشمند نارسانیهای پژوهش پژوهند گان گذشته تا اندازه زیادی بر طرف گشته است [۸۳]. ولی یکی از جهات مشخصه این آثار توجه یکجانبه به طبقه‌بندی صوری سکه‌ها و عدم توجه به مسئله تقدم و تأخیر زمانی آنها است. ر. گوبل وظیفه استفاده از سکه‌ها را بعنوان مأخذ برای پژوهش تاریخ و فرهنگ و تمدن ایران ساسانی در برابر خویش نهاد. ولی ر. گوبل تقریباً از همه مجموعه‌های خارجی استفاده کرد و ارزش فراوان آثار او نیز در همین است. ده موزه دولتی امپیراً و موزه دولتی تاریخ مسکو نزدیک

دوازده هزار سکه ساسانی نگاهداری می شود که بیش از سه برابر سکه های مورد استفاده ر. گوبل است، این سکه ها جز اندکی انتشار نیافتدند. بی گمان مجموعه ای بدین بزرگی نه تنها مجموعه های موجود را غنی تر می سازد، بلکه در مواردی موجب تغییر و دقیقتر ساختن اصول طبقه بندی پیشنهادی ر. گوبل می گردد.

○ ○ ○

بدینگونه حتی در سده چهارم میلادی تاریخ حقیقی ساسانیان یا به علل سیاسی و یا به سببهای دیگر به داستانهای پنداشته شد. منابع تازه منظره دیگری از آغاز شاهنشاهی ساسانیان در مقام مقایسه با ایرانی که نوشه های متاخر در بر این نظرما ایجاد کرده بودند، پدیده می آورد. در عین اینکه می کوشیم موزاییک های ناقص و جدا از هم را در میان مجموعه قطعه های اسناد واقعی تاریخ (نوشته ها و اشیاء) قرار دهیم، چه بسا ناگزیر باید خلاصه بسیاری را با این موزاییکها پر کنیم و گاه به هرمت و نوسازی های بزرگ نیازمند می شویم. چه بسا «زنده کردن» تاریخ روزگاران گوناگون و زندگی و فعالیت شخصیت های مختلف تنها از طریق بررسی و اتکاء به واقعات غیر مستقیم میسر می گردد. عقیده من با روشن ساختن خطوط اصلی و عمدی در جریانهای تاریخی و یافتن ضوابط پیشرفت و گسترش آن حق خواهیم داشت طرح نوسازی خویش را در مرحله معین تا اندازه ای مستدل و متنع بحساب آوریم.

## بخش دوم

## تأسیس دولت ساسانی

پارس، استانی که نهضت برای بنیادگذاردن دولت نوین از آنجا آغاز گردید در آستانه سده سوم میلادی شهرت پیشین خود را از دست داده بود. تخت جمشید پایتخت دولت جهانی هخامنشیان که لشکریان اسکندر مقدونی آنرا به آتش کشیدند بیش از چهارصد سال بود که ویرانه مانند بر جای مانده بود واز دین باز در همسایگی آن پایتخت نوینی پدید آمد که استخر نام یافت. شاهان محلی با حفظ رسماهای کهن نامهای بلند آوازه شاهنشاهان هخامنشی (اردشیر و دارا) را بر خود می نهادند، ولی این تقریباً تنها نمونه باقی مانده از عظمت باستان بود. اثر سر زمین پارس بر سر نوشت سراسر کشور هنوز احساس نمی شد.

از تاریخ چهارصد ساله این استان که نخست جزئی از حکومت پادشاهی سلوکیان و سپس بخشی از کشور اشکانیان بود تا کنون آگهی بدست نیامده است. یگانه مأخذ تاریخی درست این سر زمین سکه‌های شاهان پارس است. شاهان پارس همانند برخی دیگر از شاهان نیمه وابسته شاهنشاهی اشکانیان حق ضرب سکه بنام خویشن داشتند<sup>[۱۰۷]</sup> [ضرب سکه‌های مستقل در پارس از زمان سلوکیان سده سوم پیش از میلاد] نیز معمول بود. در آن زمان فرمانروایان پارس خود را «فرهتر که» (تصور نمی‌رود «فرهدار» درست باشد)<sup>۱</sup> می‌نامیدند که بنا بر واژه‌های متراffد آن که از اسناد آرامی روزگار هخامنشیان بدست آمده باید به معنای

Henning [97,25] - «frataraka»; Herzfeld [105, 1, 68] - «fratadara». - ۱

«فرمانرواء»<sup>۲</sup> باشد. از آن پس (شاید از سده دوم پیش از میلاد) عنوانهای فرمانروایان تغییر یافت و آنان خود را «شاه» نامیدند.

بر سکه‌های شاهان پارس افسر و نشانهای شاهی، تصویر پرستشگاه، آتشدان با آتش شعلهور و مظاهری از ماه و ستاره و نقش اهورامزدا ضرب شده که نشان می‌دهد در این استان ایران بخلاف دیگر نواحی آتش مقدس را ستایش و ایزدان زرتشتی را پرستش می‌کردند و «آئین کهن» همچنان بر جای بود.

بنا برگفته طبری تا سده سوم میلادی دودمان باستانی بازنگیان بر پارس فرمانروایی داشتند. بنا به نوشته‌های «تاریخی» باستان از آغاز سده سوم میلادی در دودمان فرمانروایان پارس دگرگونی پدید آمد و پاپک فرزند ساسان فرمانروای (hwtw) پارس که در نزدیکی استخر می‌زیست حکومت این سرزمین را به چنگ آورد و پس از چندی پسر بزرگتر خود شاپور را بر تخت شاهی نشاند. از آن زمان نوشته‌های «افسانه آمیز» پدید آمد. بنا بر این نوشته‌های افسانه‌آمیز، پاپک «هر زبان و شهردار پارس» دست پروردۀ خویش اردشیر نخستین شاهنشاه ساسانی را که از بازماندگان دودمان هخامنشی یعنی فرمانروایان قانونی ایران بود، به خواست ایزدان به شاهنشاهی رساند.

در سنگنبشتهای آغاز شاهنشاهی ساسانیان عنوان سasan «خداء» (hwtw MR,HY ) و عنوان پاپک و فرزندش شاپور «شاه» ('MLK) و عنوان اردشیر «شاهان شاه» (MLK'nMLK' ) است. این نوشته‌ها در واقع شجره‌نامه‌ای است از دودمان نوین (بنا بر سنگنبشته شاپور در کعبه زرتشت: سasan پدر پاپک پدر شاپور واردشیر است) و هیچگونه آگهی جهت روشن ساختن رویدادهای ایران در آنروزگار بدست نمی‌دهد. گویی حلقه‌ها در اینجا بهم می‌بینندند مأخذی که

۲- در پاپرسهایی که از الفانین بدست آمده، frtrk - بمعنی «رئیس و بزرگ» است. ر.ک. به: [۷، ۱۳۷]

همه‌مان با رویدادهای آنروز گار بوده‌اند هیچ‌گونه اطلاع اضافی بهما نمی‌دهند. ازین رو اخبار و نوشته‌های فارسی و عربی نه تأیید می‌شوند و نه تکذیب. ما می‌توانیم به آنچه که طبری آورده اکتفا کنیم و اطلاعات خود را به نوشته‌های او محدود سازیم.

در ضمن می‌کوشیم تا از یکرشته آگاهی‌های غیرمستقیم نیز استفاده کنیم. جز سنگنبشته‌های روی صخره‌ها، تعدادی سکه از پاپک و شاپور که در زمان مورد نظر ما در پارس ضرب شده و نیز نگاره‌هایی بر دیوار یکی از کاخهای تخت جمشید که در آن پاپک، شاپور و بزرگان و درباریانشان تصویر گردیده‌اند، در اختیار داریم.<sup>۳</sup>

نشسته شخصی بنام اپسای Apsay دیبر (dpywr) از شهر حران که برستونی کنار مجسمه شاپور یکم شاهنشاه ساسانی در بیشاپور آمده (Šb. ፩. Prth. MP.) تعین تاریخ دقیق تغیر دوران فرمانروایان پارس را ممکن می‌سازد. این نشسته، به سال ۱۹۳۶ توسط ر. گیرشمن بهنگام کاوش در بیشاپور بدست آمد و با همراهی ۱. کریستنسن انتشار یافت [۸۰, PI. XLIV]. تاریخ نشسته در نخستین سطرهای آن آمده است (از این پس تاریخ شاهنشاهی ساسانیان را بر مبنای گاه شماری آقای سیدحسن تقیزاده خواهیم آورد) [۱۴۶، ۶ - ۱۴۸؛ ۵۱ - ۱۲۵ - ۱۲۶] : (۱) در فروردین ماه، سال ۵۸، [از] «آذر» (۲) اردشیر - سال ۴۰ [از] «آذر شاپور» (۳) از «آشیانی شاهی» - سال ۲۴<sup>۴</sup>. بدین وصف تاریخ نشسته با سه «عهد» معین شده

۳- این نگاره نخستین بار توسط هرستنل [۱۰۱] - تنهای تصویر پاپک انتشار یافته. نقش بطور کامل در مجله «گزارش کاوش‌های باستان‌شناسان در ایران» (بزمیان فارسی) جلد چهارم ص. ۱۳۳۸ - ۲۷۶ - ۲۷۵ که بال ۱۳۳۸ می‌گردد. (این کار توسط آقای تقی آصفی انجام گردید). نقش شاپور در کتاب CII, Vol. III, pt II, portfIII. «Minor Inscriptions of Kartir» منتشر شده.

(1) BYRH prwtyn ŠNT xxxxxIII'III 'twry ZY (2) rthštr ŠNT xxx 'twry ZY špwhry (3) ZY 'twr'n MLK' ŠNT xxIII.



است - سال ۴۰ «عهد» اردشیر یکم (عهد «شاهی» از زمان تاجگذاری شاهنشاه ساسانی آغاز شده است)، سال ۲۴ «عهد» شاپور یکم و سال ۵۸ «عهدی است» که بر ما روش نگشته است: تاریخ نبسته سال ۲۶۷ (۴۰ + ۲۴۳ : ۲۲۷) است و چنین بنظر می‌رسد که «عهد» ناروشن بسال ۲۰۹ (۵۸ - ۲۶۷) آغاز شده است.

د. گیرشمن بر آنست که این عهد گمان می‌رود بسبب تصرف حکومت پارس وسیله دودمان ساسانی آغاز شده باشد. در ضمن تاریخ تغییر ضرب سکه‌های پارس را که ضمن آن نام فرمانروایان ساسانی جایگزین نام دودمان پیشین گشته می‌توان حدود سال ۲۰۹ دانست.

بر رویه سکه‌های شاهان پارس که اندکی پیش از این

۴- نقش تاجگذاری اردشیر یکم  
فیروزآباد فارس ←

رویدادها ضرب شده تصویر شاه آن سرزمین، و برپشت سکه تصویر پدرش دیده می‌شود (نوشته‌های فارسی میانه بنظر می‌رسد که از سده دوم پیش از میلاد پدیده آمده باشد). بر رویه سکه نام و عنوان شاه بدينگونه ضرب شده است: 'bgy X MLK' (فرمانروای X، شاه). بر پشت سکه نیز نام و عنوان پدر شاه بدينگونه ضرب شده است: 'BRH bgy Y MLK' - 'فرزند بع (فرمانروای Y، شاه)' [۱۰۷]. پاپک با به چنگ آوردن حکومت پارس می‌باشد سکه‌ای بنام خود و پدرش سasan ضرب کرده باشد. ولی تاکنون چنین سکه‌ای از او بدست نیامده است. تنها پنج درهم نقره بنام پسر بزرگترش شاپور شناخته شده است [۱۳۲، شماره ۳-۱؛ ۱۸، ۲۶-۲۷، تصویر شماره ۱]. بر رویه این سکه تصویر شاپور بر تخت شاهی پارس ضرب شده است. بر افسر شاهی نشانه هلال‌ماه همراه باستاره (همان افسری که شاهان دودمان پیشین بر سرداشتند) دیده می‌شود. بر پشت سکه تصویر پدرش پاپک با کلاهی شگفتی آور ضرب شده است. کلاه پاپک نه بلنداست و نه کوتاه. دور کلاه مر واریدوزی شده و بر آن شکل ویژه پنج گوش‌های درشت نصب گردیده است. این سکه‌ها از نوع سکه‌های معمولی پارس است که در آن پاپک و شاپور 'MLK (شاه) عنوان یافته‌اند و این با کنیه شاپور در کعبه زرتشت مطابق است. سکه‌های پاپک و شاپور مارا با کلاه و افسر شاهی و زیور و دیگر اشیاء شاهان پارس از دودمان ساسانی آشنا می‌سازد. تصویرهای شاپور و پاپک در نگاره‌های تخت جمشید نیز دیده می‌شود (ر.ك به تصویر شماره ۲۵). در اینجا پاپک با همان افسر شاهی است که بر سکه‌ها ضرب شده است (کلاه و افسر شاهی باشی 'پنج گوش') زینت یافته است. او چیزی که گویی از آهن ساخته شده بددت دارد و برابر آتشدانی که شعله آتش از آن زبانه می‌کشد ایستاده است. این صحنه در تصویرهای بسیار از جمله برپشت سکه‌های شاهان پارس دیده شده است. در این تصویرها نیز شاه مانند همان شیء آهنین را در دست دارد و در برابر آتشدان و یا مقابل

بنای پرستشگاه بحال نیاش استاده است. این صحنه نشانه‌ای سمبولیک از وظیفه مقام روحانی شاه است. نوشه‌های «تاریخی» مؤید این نظر است. بنا به نوشتۀ طبری سasan و پاپک پریستان پرستشگاه اناهیتا در استخر بودند. برابر پاپک پرسش شاپور سوار بر اسب تصویر شده است. ملتزمین رکاب لگام اسب او را بدست دارند.

در اینجا منظرة تاج بخشی از سوی ایزد تصویر شده است. شاپور حلقه‌ای با نوار آویخته که نشانه شهریاری است بدست دارد. در این تصویر شاپور با همان کلاه و افسرشاهی، دارای نشانه‌هلال و ستاره و با همان لباس رسمی شاهانه و زیورهایی است که در سکه‌های او نیز ضرب شده است.

تصویر منظرة تاجگذاری در هزار اشکانی نیز معمول بود. نقش سنگ یادبود خواسک که چندی پیش در شوش<sup>۵</sup> کشف شده و نقش بر دنشانده [۳۰۷، ۷۶؛ ۳۰۸، I, xx, pl.] بزمان نقش شاپور که پیشتر از آن سخن رفت. بسیار نزدیک است. در خواسک اردوان پنجم شاهنشاه اشکانی در حاليکه بر تخت نشسته تصویر شده است. او دست خود را برای اعطای حلقه شهریاری بسوی خواسک (خشترپان «ساتراپ» = شهربان) فرمانروای شوش دراز کرده است. در نقش «بر دنشانده» شاهنشاه اشکانی به فرمانروای الیمايد تاج شاهی عطا می‌کند. یادآوری این نکته ضرور است که در این نقشها تفاوت درجه‌ها نه تنها از نظر ترتیبی است که در نقش مشاهده می‌شود، بلکه از طریق ارائه انواع پوشش، زیور و کلاه نیز نشان داده شده است. در نقش، شاهنشاه اشکانی با همان پوشش و کلاه و زیوری است که در سکه‌ها نشان داده شده است. شهربان شوش حق کلاه بر سر نهادن نداشت. در

۵- برای مذاهده عکس نقش نامبرده ر.ک. به: [۵۶-۵۷، ۸۱]. تصویر شماره ۷۰. تاریخ پیدایش نقش در نوشتۀ آن آمده است (متن پارتی، - سال ۲۱۵ میلادی). درباره نوشتۀ نقش نامبرده ر.ک. به: [۹۸-۱۵۱، ۱۷۸].

نقش بر دنشانده تصویر شاه الیماید از نظر پوشک و کلاه همانند تصویر شاهان پارس در نقش تخت جمشید است. بدین روال در پیش روی ما آثاری است دارای جنبه رسمی که باز بآن تصویر بیان شده‌اند. نقش تخت جمشید و نخستین نقشهای ساسانی بر صخره‌ها، همه از اینگونه نقشهای رسمی بشمارند. بدین جهت بود که نقش تخت جمشید نظر مرا ساخت بخود جلب کرد. زیرا در این نقش بخلاف نقشهای «خواست» و «بر دنشانده» مراسم اعطای حلقه شهریاری به شاپور از سوی شاهنشاه اشکانی انجام نگرفته است، بلکه پاپک پدر شاپور در حالیکه لباس موبدان بر تن دارد نشانه شهریاری را به فرزندش تفویض می‌نماید. از اینجا چنین استنباط می‌شود که دودمان ساسانی حکومت را در استخر بازور بچنگ آوردند و فرمانروایان ساسانی از همان آغاز در دست گرفتن حکومت خواستند عدم وابستگی خویش را از شاهنشاهان ایران در نقشهای رسمی خود نمودار سازند.

چنانکه پیشتر گفته شد بنا به نوشتة طبری پرستشگاه انساهیتا در سرزمین ساسانیان بود [۱۲۸-۴]. از کنیه‌های شاپور و کرتیر در کعبه زرتشت چنین برمی‌آید که این پرستشگاه همان «کعبه زرتشت» بوده که در آغاز سده سوم میلادی آتش اناهیتای استخر نام گرفته است [کنیه شاپور یکم در کعبه زرتشت، متن پارتی، ۲۰].

«کعبه زرتشت» بنایی بود بزرگ و باشکوه که ساختمان آنرا به اوایل شاهنشاهی هخامنشیان نسبت داده‌اند. در آن زمان پرستشگاه‌های بسیاری با این سبک بنا می‌شد. نظر اینگونه بنا در دورانهای پیشتر، از جمله روزگار اورارتو وجود داشت و پرستشگاه‌های «سوسی» نامیده می‌شد. بر پشت سکه‌های دوره یکم و دوم فرمانروایان پارس که توسط ف. هیل ترتیب یافته و متعلق به سالهای ۲۵۰-۱۵۰ پیش از میلاد است [۱۰۷]، منظره‌ای تصویر شده که در آن شاه پارس به لباس موبدان در آمده و در حالیکه میله آهنین مقدس را در دست دارد کنار «کعبه

زرتشت» ایستاده است. بر بالای سراو انسان بالداری دیده می‌شود که همان اهورامز است. بنا به نوشتهٔ کرتیر در سدهٔ سوم میلادی «کعبهٔ زرتشت» را «بن خانه» می‌نامیدند که جای نگاهداری اسناد و مدارک و شاید متون مذهبی بوده است. سرپرست این پرستشگاه را *y'p'thš* (پاتشای) «پریستار» می‌نامیدند<sup>\*</sup> بنا به نوشته‌هایی که از آغاز شاهنشاهی ساسانیان بجا مانده، نخستین شاهنشاهان ساسانی تاروز گار بهرام دوم بدین عنوان نامیده می‌شدند. بدین روال رابطهٔ باستانی «کعبه زرتشت». پرستشگاه و مرکز ورجاوند ایرانیان. باشاها پارس که از بازماندگان دودمان هخامنشی بودند، مورد تردید نیست، بلکه نوشته‌های متاخر مبنی بر اینکه جای نامبرده هنوز در روز گاری که ساسانیان تنها بر استان پارس فرمانروایی داشتند، پرستشگاه ویژه آن دودمان بوده، مورد شک و تردید بسیار است. سکه‌های پارس چنین پندراری را پدید می‌آورد که از میان شاهان نیمه واپسۀ روز گار شاهنشاهی اشکانیان فرمانروایان ساسانی تنها دودمانی بودند که حق ضرب سکه‌های نقره داشتند. این همان امتیازی است که شاهنشاهان ایران داشتند. اینان حکومت اشراف و حاکمیت مذهبی را در هم آمیختند<sup>†</sup> و علاوه بر مقام شاهی سرپرستی بزرگترین پرستشگاه زرتشتیان را نیز داشتند. بدین روال ساسانیان عنوان «پر تیار» پرستشگاه اناهیتارا بهمراه گاه و افسر شاهی پارس بچنگ گ آوردن. در نقشه‌ای از مراسم تاجگذاری نخستین شاهان ساسانی که بر دیوار یکی از کاخ‌های پایتخت باستانی ایران تصویر شده کلمه «خدائی» بشیوهٔ سمبولیک که نشانه‌ای

۵- بر نخستین سکه‌های شاهان پارس این نوشته آمده است، 'Prtrk'ZY.LHY - «فرمانروایی که نماینده از سوی خداست».

\*- شباهتی تمام می‌اند نام پاتشای و پادشاه و پادشاه موجود است. اگر این نکته در نظر گرفته شود که در هزار و اشنهای پهلوی شاه را *MLK,n* *MLK* و شاهنشاه را *MLK,p'thš* می‌نوشتند، آنگاه کلمه قدرت مذهبی نیز هست. مترجم از این پس کلمه منکور را که در کتاب معنای متولی ویا لای پرستار «آمده بشکل «پریستار» خواهد آورد - م.

از حاکمیت آنها است نوشته شده است (اند کی بعد در نقشهای ویژه تاجگذاری ساسانیان، بنا برستی که تنها در پارس معمول بوده، بر صخره‌ها، کنار آرامگاه‌های شاهنشاهان هخامنشی همانجا که نوشته‌ها و نقشهای هخامنشیان دیده می‌شود کلمه «خدائی» نقر شده است که نمودار و رجوا ندجلوه گر ساختن حاکمیت این دودمان بر سراسر ایران است با این تفاوت که در نقشهای ساسانی بجای تصویر سرپرست یا موبدیز رگ پرستشگاه‌اناهیتا تصویر اهورامزدا ایزد بزرگ زرتشیان دیده می‌شود) از پاپک سکه‌ای در دست نیست. ولی از پوشالک روحانی پاپک و نشانهای او در نقشه‌ها و سکه‌های شاپور می‌توان چنین پنداشت که در آن روز گار، یعنی نخستین سالهای ارتقاء آن «روستایی»<sup>۶</sup> غیر مشهور به مقام شاهی، حاکمیت دولتی روحانی از یکدیگر جدا بودند؛ پاپک موبد و روحانی بزرگ آن سرزمین بود و پرسش شاپور شاه استخر. اینجا نخستین بار مسئله توأم شدن «شاهی و دین» و درهم آمیختن حاکمیت بزرگان و موبدان در دولت ساسانیان جلب نظر می‌کند. چندی از این تاریخ نگذشت که مسئله مذکور بشکل حادی خود نمایی کرد و موجب پیدایش بحران داخلی کشور گردید.

در کتبیه شاپور در کعبه زرتشت فهرست اشراف و بزرگان در بار پاپک ذکر شده است (متن فارسی میانه، سطرهای ۲۷-۲۸ : -' MLK' p'pk YHWWN MNW MDM p'pky MNW، pr p'- آنانکه در روز گار شاه پاپک بودند)؛ متن پارتی: -' YHWT HWYN pk MLK' hwtwypy MNW، pr p'- «کسانی که بهنگام فرمانروایی شاه پاپک بودند). از این بزرگان تنها یکنفر را با عنوان نام برده‌اند و آن «رئیس تشریفات» (متن فارسی میانه: ZY' dnyk ZYdky) است.<sup>7</sup> از دیگران بدون عنوان

۶- پهش مسوط درباره کلمه «روستایی» (Rustai) ر.ک. به، [۱۸-۲۰، ۲۲-۲۴].

۷- همین عنوان در میان درباریان اردشیر (dnyk. p'pk ZY) و شاپور یکم (zy'kZY'dnyk) شاهنشاهان ساسانی دیده شده است. م.ل. سوونت M.L.Somont [۵۳، ۱۷۵، ۱۹۲] این عنوان را با عنوان متأخر فارسی بنام سالاریار مقایسه می‌کند.

یاد شده است. گمان می‌رود این فهرست بزرگان چندان مهم و قابل توجه نباشد، زیرا این «فهرست درباریان» نیست، بلکه دعا و طلب آمرزش برای کسانی است که هدیه‌ها و یا قربانیهایی تقدیم پرستشگاه نموده‌اند (شرح مبسوط‌تر در این زمینه بعد خواهد آمد). ولی مقایسه این فهرست با فهرست نامه‌ای بزرگان دربار شاهنشاهان ساسانی، اردشیر و شاپور و کسانی که در نوشته از آنان یاد شده نشان می‌دهد که پاپلک دارای مقام و منزلت خاصی بوده است - زیرا اگر اینها بزرگان و درباریان شاه استان پارس می‌بودند (گرچه فهرست غیر کامل هم باشد) معندا باید در میان عنوانها نه تنها عنوان رئیس تشریفات، بلکه دست کم چند عنوان درباری دیگر را نیز مشاهده کنیم.

در کتبیه شاپور در کعبه زرتشت از اعضای خاندان پاپلک و مادر او دینک (دینک بهنگام شاهنشاهی نواده‌اش اردشیر زنده بود و در فهرست درباریان نام او در یکی از پرافتخارترین جاهای آمده است) و همسر او روتک «Rutak<sup>۴</sup>» و پسر ارش

۸- کتبیه شاپور در کعبه زرتشت، متن یارتنی، ۲۳، متن فارسی میانه ۲۸-۲۹،  
dynky ZY p 'pky MLK' 'My ;Iwtky ZY' rthstry MLK'n MLK' 'My  
جنین بنظر می‌رسد که دینک و روتک هیچیک از دودمان ساسانی نبوده‌اند، زیرا از نام آنان در آن بخش از نوشته که در آن نام اعضای خاندان ساسانی آمده یاد نشده است. دینک در اواسط دهه چهارم سده سوم میلادی کشنز از ۹۰ سال نداشته است. تصویر مراسم تاجگذاری اردشیر امکان می‌دهد یقین حاصل کنیم که در اواسط دهه چهارم فرزنش شاپور حدود بیست سال داشت (دایین باره بمنوشه هایی که خواهد آمد رجوع شود). این دو شاهد ما را بر آن می‌دارد که درباره تاریخ زندگی پاپلک و پسر ارش شاپور و اردشیر و دخترش دینک - خواهر تنی و همسر اردشیر یکم - اظهارنظر کنیم. گمان می‌رود دینک مادر پاپلک حدود سال ۱۴۰ میلادی تولد یافته باشد. پیدین روال پاپلک باید حدود سال ۱۵۵ میلادی زاده شده باشد. او بیسال ۲۰۹ میلادی هنگام بدنست آوردن تخت شاهی پارس حدود شصت سال داشت. گمان می‌رود سال تولد پسر بزرگتر شاپور حدود سال ۱۷۵ میلادی باشد.  
اگر حدود سال ۲۳۰ میلادی شاپور پسر اردشیر یکم حدود بیست سال داشته، در آن دورت سال تولد اردشیر باید حدود سال ۱۹۰ میلادی و پیش از آن باشد.

بنابر گامشماری آقای سیدحسن تقی‌زاده که بحق مورد اعتراض نیز هست (ر.ک. به ۱)

W. B. Henning, Conclusion to S. H. Tagizadeh, pp. 115- 121,

S. H. Tagizadeh, The early Sassanians, pp. 285-311)

اردشیر عنوان ارگبد (argabedh) - سرفرازمانده‌ی؛ فرماندهی دزی یا دزبان) دارابکرد را در -

و لارش « Valarsh » [ولخش] و پیروز (چین بنظر می‌رسد که پیروز پسر کوچک او بوده است) یادشده است. (اینها برای نخستین بار در زمرة درباریان شاپور یکم با عنوان BRBYT « شاهزاده نامیده شده‌اند »، پس از شاپور با عنوان شاه استخر، اردشیر (که همان اردشیر یکم شاهنشاه ایران است) و دخترش دینک (که بنا بر رسم زرتشتیان همسر ارشد برادر خود اردشیر یکم بود) یاد شده‌اند. دودمان نوین شاهان تا مدتی دراز نسب غیر مشهور خودرا با شجره‌سازی افسانه آمیز و جعلی بنام پیشینان بزرگ پنهان نمی‌داشتند. هیچکی از مآخذ همزمان با رویدادهای آن روزگار دلیلی بست نمی‌دهد. تا بر مبنای آن بنوان چنین پنداشت که در آنزمان رابطه افسانه‌ای ساسانیان با آخرین شاهنشاهان خمامنشی اعلام شده باشد. مآخذ آن روزگار مؤید نوشته‌های « تاریخی » مبنی بر اینکه پاپک و یا اردشیر از نظر سیاسی باکسانی از دودمان اشکانی « شاهنشاهان قانونی ایران » وصلتی کرده باشند نیست. روایتهای « تاریخی » حاکی از آنست که پاپک فرمانروایی را با ذور بچنگ آورد. ولی از نظر روایتهای « افسانه آمیز » همانگونه که اردشیر فرمانروای قانونی ایران بوده، پاپک نیز فرمانروای قانونی پارس نامیده شده است. کتبیه شاپور در « کعبه زرتشت » بطور غیر مستقیم بما امکان می‌دهد چنین پنداریم که بست آوردن حاکمیت پارس باشد « از راه مسالمت »

سالهای ۲۰۱ - ۲۰۲ میلادی داشت. پاپک تاج و تخت پارس را در فاصله ۳۰ سپتامبر سال ۲۰۸ میلادی و ۲۰۹ سپتامبر سال ۲۰۹ میلادی بچنگ آورد. آفای تقی‌زاده مرگ پاپک را حدود سال ۲۲۳ میلادی می‌داند. اردشیر بهار ویا قابستان سال ۲۲۴ میلادی فرمانروای استخر شد. بظیرمی - رسد که جنگ اردشیر واردوان پنجم حدود دosal ادامه داشت. بیکار هرمzedگان در تاریخ ۲۸ ماه آوریل سال ۲۲۷ میلادی روی داد. اردوانو پسر اردوان پنجم سکه یادشاهی خود را پیش از سال ۵۳۹ سلوکی (برابر سال ۲۲۹ - ۲۳۰ میلادی) ضرب کرد. شاپور فرزند اردشیر (شاپور یکم شاهنشاه ایران) زمان حیات اردشیر درباریان سال ۲۴۱ میلادی بر تخت نشست (بسی گمان می‌رود که او پیش از بهار سال ۲۴۲ میلادی بیادشاهی رسیده باشد). نخستین جنگ شاپور باگوردیانوس سوم امپراتور روم حبود سالهای ۲۴۳ - ۲۴۴ میلادی و مراما تا جگذاری شاپور در راه آوریل سال ۲۴۵ میلادی بوده است. دومین جنگ شاپور با رومیان به سال ۲۵۲ میلادی بوده است. آفای تقی‌زاده مرگ شاپور را حدود سال ۲۷۳ میلادی می‌داند.

صورت گرفته باشد. کتبیه شاپور در «کعبه زرتشت» تا اندازه‌ای مؤید این گمان و پندار است. در کتبیه نامبرده از نام «ملکه شهراء» بنام خوارازم (hwlnčym) یاد شده است. (منن فارسی میانه، سطر ۲۵: Stry MLKT). خوارازم در فهرست نامهای دودمان ساسانی مقام پنجم را دارد و پس از نامهای ساسان، بنیادگذار دودمان ساسانی و پاپک و پسرانش شاپور و اردشیر آمده است. عنوان او بسیار جالب توجه است. عنوان او معادل عنوان پاپک و شاپور است. [sthly' t] MLK «شاه استخر». طبق «فهرست عنوانها» عنوان «ملکه استخر» باید متعلق به همسر ارشد پاپک و یا شاپور باشد. و حال آنکه پژوهش در باره شجره و نسب دودمان ساسانی «رجوع شود به فهرست شجره و نسب» نشان می‌دهد که «ملکه استخر» خوارازم از دودمان فرمانروایان پیشین پارس بوده و هیچگونه خویشاوندی با دودمان ساسانی نداشته است. در اینصورت پایه ارجمند او در فهرست بزرگان ساسانی ممکن است نشانه‌ای از سجه و ویژگی تغییر حکومت به سال ۲۰۹ میلادی باشد.<sup>۹</sup>

۹- کتبیه شاپور در کعبه زرتشت منن فارسی میانه، ۲۵: hwlnčym ZY ſtry MLKT؛ منن پارتی؛ ۲۰: hwr'nzmyH hštr MLKTH؛ منن یونانی، ۴۶، خوارازم «ملکه استان»؛ فارسی میانه، ۲۶: wr'čdwhty ZY (hwł) nčym BRTH'؛ منن پارتی، ۲۱؛ برآز - دخت، دختر خوارازم و ملکه استخر (؟). منن یونانی سبب شد ۵. آ. ماریک دو شخصیت تصویر کند: یکی «ملکه شهراء» خوارازم (که دخترش و را زدخت یا برآزدخت بوده) و دیگری ملکه‌ای (بدون یاد کردن از محل او) بنام استخریاد. در ضمن این نکته را باید در نظر داشت که منن یونانی کتبیه شاپور در «کعبه زرتشت» ترجمه از فارسی میانه است و چه با ممکن است این ترجمه دارای اشتباههایی باشد.

گذشته از آن دراین نوشته از «شاهان» و «شهبانوان» با ذکر محل و استانشان یاد شده است. از این روگمان دارم سطر ۲۶، منن فارسی میانه حاوی عنوان کاملی از خوارازم («ملکه استخر») باشد (در. ک، بمعنی کتبیه کرتیر در کعبه زرتشت، ۸، هرگاه در اینجا از دو شخصیت یاد شده باشد. «ملکه شهراء» خوارازم و ملکه استخر، با اینهمه عنوان خوارازم («ملکه شهراء») نشانه وابستگی او به دودمان شاهان پارس پیش از روزگار شاهنشاهی ساسانیان است.

هنگامی که اردشیر شاه پارس بود، گروهی از نمایندگان دودمانهای بزرگ و شاهان برخی از استانهای نیمه وابسته ایران اورا یاری کردند تا با آخرین شاهنشاه اشکانی به مقابله پردازد. این واقعیت بویژه نمودار روشی است از دست یا بی «مسئالت آمیز» ساسانیان بر تخت فرمانروایی پارس.

اکنون ببینیم مآخذی که همزمان با رویدادها بودند نوشتهدای فارسی- تازی را که تاکنون بر جای مانده‌اند باچه مطالبی غنی ساخته‌اند؛ پیش از هر چیز مآخذ نامبرده موجب شدند که بتوان رویداد هارا از یکدیگر تفکیک و جدا کرد و تاریخ تغییر فرمانروایی ساسانیان را بر پارس روش ساخت وحدود شخصیت‌های را که دست‌اندر کار آن‌ها جرا بودند گسترده‌تر شاخت. دو دیگر آنکه در نتیجه بررسی و پژوهش مآخذ نامبرده امکانی پذیرد آمد که بتوان بطور منجز درباره ویژگیهای این تغییر حکومت و برخی افکار ایدئولوژیک و سیاسی آن روزگار (رباطه ساسانیان با دودمانهای پیشین و روابط قدیمی با پرستشگاه اناهیتا وغیره) داوری نمود. سه دیگر آنکه مآخذ نامبرده موجب پیدایش فرضیه‌ای درباره چگونگی حکومت پارس در روزگار نخستین شاهان ساسانی و چگونگی مناسبات این حکومت با حکومت مرکزی و نیز در باره دستگاه‌های دینی گردید. تکرار این نکته را ضرور می‌شمارم: مآخذی که جهت پژوهش این دوره از آنها استفاده کرده‌ام (کتب‌ها، نقشه‌ها، سکه‌ها) دارای خصایص و ویژگیهای گوناگونند و شهادتشان نیز غیر مستقیم است.

○ ○ ○

با قرار گرفتن حکومت استخراج در دست دودمان تازه، روزگاری دشوار برای دولت ساسانی فرا رسید. بسال ۲۰۸ میلادی ولارش چهارم در گذشت و پرسش ولارش پنجم بجای وی بر تخت شاهنشاهی ایران نشست. پنجسال بعد برادر ولارش اردوان پنجم خود را شاهنشاه ایران نامید. پایگاه اردوان پنجم ایالت ماد و شمال

ایران بود. چنین پنطرا می‌رسد که پیکار پخاطر تاج و تخت شکل حادی بخود گرفت. مآخذ این دوره رویداد‌ها را بسیار مشوش بیان کرده‌اند. معتبرترین مآخذ این زمان سکه‌های اردوان پنجم است که بصورت درهم‌های نقره در همدان



۵- نقش تاجگذاری اردشیر یکم. نقش رستم. تصویر از کپورتر

ضرب گردید. و نیز از نوشهای دیون کاسی\* مبنی بر اینکه اردوان زمینهای وسیعی را در میان رودان (بین النهرین) متصرف شده، می‌توان دریافت که ولاشر پنج بر سلوکیه - تیسفون و جنوب میان رودان فرمانروایی داشت، زیرا چنانکه معلوم است تا سال ۲۲۳ میلادی سکه‌های چهاردرهمی که گویا در سلوکیه ضرب شده‌بناه او انتشار یافت [۲۰۰، ۱۱۷].

\*- دیون کاسی Dion Cassi تاریخ نگار روم باستان بود که حدود سالهای ۱۵۵-۲۳۵ میلادی میزیست. او مؤلف کتاب «تاریخ روم» است و از کتاب او جز اندکی بر جای نمانده است - مترجم.

## تأسیس دولت ساسانی

۵۳

شاید اوضاع آن سامان بسال ۲۱۵ میلادی ثبت شده باشد. این تاریخ بر پشت سکه های چهاردرهمی ولارش که در آن نقش «تیوخه» با شاخه ای از برگ خرما ضرب شده دیده می شود. گ. هیل این تصویر را بمثابه پیروزی ولارش بر اردوان واستقرار بر سلو کیه تعبیر و تفسیر کرده است [xcviii, ۱۰۷]. ولی چنانکه از مآخذ رومی برمی آید، از نظر آنان اردوان تنها فرمانروای ایران بود. در این دوره باز هم آتش «جنگ بالشکانیان» شعلهور گردید. امپراتور باسیانوس آنتونیوس (کاراکالا) که آرزوی تکرار لشکر کشی اسکندر مقدونی را در رسمی پرورانید هفت سیاه شامل گارد امپراتور و دسته عایی از زمان هارا بسوی سرزمین پارت گسلی داشت [۶۴ - ۲۶۳]. پیکار که تاسال ۲۱۸ میلادی جریان داشت و گه گاه بسود طرفین پایان می یافتد با انعقاد صلح با نجام رسید. ولی نیروی دوطرف از این جنگها فرسوده گشت و هیچ گونه دگر گونی در مرز های دو کشور پدیدید نیاورد. پیکارها بطور کلی در شمال میان رودان جریان داشت و هیچ گونه آگهی درباره روش و موقعیت ولارش پنجم بدست نیامده است. حال آنکه مقایسه تاریخ کلیه رویداد های ذکر شده با تاریخ وقایع پارس بسیار جالب است. بهر تقدیر در آغاز دهه سوم سده سوم میلادی روم و پارت هردو فرسوده شده بودند.

جریان انحطاط دولت پارت پیش از آن تاریخ، از حدود سده سوم میلادی پس از جنگهای سختی که میان ایران و روم در گرفته بود، آغاز گردید. ولی جریان مذکور در این دوره رو بشدت نهاد. بسیاری از دولتها که وچک میان رودان (اوسر وین «خسرون»)، کاری «حران»، ادیابنه، هاراتس، کر که دبت سلوخ دکرخ بیت سلوخ، وغیره) که زمانی وابسته شاهنشاهان اشکانی بودند از مدتها قبل سیاست مستقل در پیش گرفتند و به این نکته که کارشان چه پاد آوازی در تیسفون پدید خواهد آورد کمتر می اندیشیدند. برخی از دولتها تا سده سوم میلادی

\* - تیوخه، ربه‌النوع موقعیت و مورد پرستش رومیان در دوران باستان بود. مترجم.

چه ازسوی ایران و چه از جانب روم به کسب استقلال واقعی نائل آمدند. وحدت دولت بزرگ اشکانی از مدت‌ها پیش به افسانه بدل شد و ایران که روزگاری بسیار نیرومند بود به «دویست و چهل حکومت محلی» منقسم گشت.

سدۀ سوم میلادی دوران انحطاط برده‌داری بویژه بشکل حاد آن در ایران بود. حتی چنین بنظر می‌رسد که اقتصاد آن روزگار ایران که آگهی بسیار ناچیزی از آن در دست داریم دستخوش هرج و مر ج و آشفتگی عمیقی گشت. بحران اقتصاد برده‌داری، تجزیه حکومتها بی‌پایه زمینه‌ای هم‌مرز با یکدیگر در حالت تفاوت و دشمنی بسر می‌بردند، هرج و مر جی که در نتیجه جنگها و شورش‌های داخلی در روابط باز رگانی شرق و غرب پدید آمده بود واژ نظر اقتصاد دولت اشکانی کمال اهمیت را داشت، و نیز بسط و فروتنی دودمان فرمانروای اشکانی که «اشراف عالی مقام ایران باستان» بشمار می‌آمدند، – همه و همه نموداری از وضع ایران شهر در آن روزگار بود. در چنین اوضاع واحوالی که شاهنشاه اشکانی در واقع تنها فرمانروای سرزمین خود محسوب می‌شد در بار شاهی به مر کز انواع تحریکات و دیسسه‌ها بدل گشته بود. در چنین وضعی هر یک از فرمانروایان وابسته که دارای نیروی نظامی نسبتاً کافی بودند، می‌توانستند نسبت به تخت و تاج دست درازی کنند. اردشیر فرزند پاپک از دودمان سasan فرمانروایی از اینگونه بود.

به سال ۲۰۹ میلادی هنگامی که پاپک فرزند خود شاپورا در استخر بر تخت شاهی نشاند، دومین فرزندش اردشیر بنا بر نوشته‌های تاریخ نگاران فارسی و تازی چند متصرفه کوچک سرزمین دار ابگرد را که در گذشته دژبان و فرمانروای آن بود بتصرف آورد. اردشیر به سال ۲۲۰ میلادی فرمانروایی استخر را نیز بدست آورد.<sup>۱۰</sup>

۱۰- بنا بر نوشته طبری [۱۲۸-۱۰۸] پیش از این واقعه میان اردشیر و شایور بخاطر بدبست آوردن حکومت بیکاری در گرفت که در نتیجه آن شایور کشته شد. ولی کتبیه شایور یکم در «کتبه زرتشت» درست خلاف این نوشته را به ثبوت می‌رساند. - با گذشت نیم قرن از زمان فرمانروایی اردشیر در کتبیه‌ای (که بیاد بود و بخاطر آمر زش او بنشاده) چنین آمده است که همه روزه از جانب شایور-

ولی فرمانروایی اردشیر بر استخر هنوز بمنزلهٔ فرمانروایی بر سراسر خطه پارس نبود. اگر بر مبنای همان نوشته هاداوری کنیم، معلوم می‌شود پیکار با فرمانروایان گونا گون که بسیار خونین و سخت بوده مدتی دراز بطول انجامیده است. در نوشته‌های متأخر، مهرک نوشزادان که بر کرانه‌های خلیج فارس فرمانروایی داشت بزر گترین دشمن اردشیر نامیده شده است. قلمرو شاهان کوچک پارس در مدتی نسبتاً کوتاه بتصرف اردشیر درآمد. ولی این پیروزیها نیز چندان پایدار نبود. اینک به نکته‌ای از کتاب کار نامه اردشیر پاپکان توجه کنیم: «پس از آن اردشیر بکشنه کسته شد، و بسیار کارزار و کشتار با سر خدایان ایرانشهر کرد و همواره چوشن کسته‌ای خوب می‌کرد، دیگر کسته نیز به باز سری و نافرمانی می‌ایستاد». \*

این پیروزیها بیشتر از آن نظر دشوار بود که اردشیر در آغاز یاروه مداستان نیرومندی نداشت. مأخذ متأخر گواه آنست که اردشیر در آغاز لشکر کشی‌های خود تنها بدسته‌ای نسبتاً کوچک از اسواران استخر و سپاه اندک شخصی بنام بونک «Bunak» از اصفهان که بر بخشی در نزدیکی داراب گرد فرمانروا بود، تکمیل داشت سپاه اردشیر بارها از سوی مهرک و لشکریان فرمانروای کرمان که در همسایگی پارس بود شکسته شد. ولی طی چند سال اردشیر تو انت سر اسر پارس را یکی سازد و نیروهای پراکنده فرمانروایان کوچک پارس را همداستان کند و سپاه در خور توجهی برای همسایگان پدید آورد. اکنون دیگر بزر گترین دشمن اردشیر حکومت کرمان و از پی آن سکستان «سیستان» بود. لشکر کشی بدان سامان سبب تصرف آن سرزمینها گشت.

\* - حدیه‌ها و فربانیه‌ایی به پرستشگاه خانوادگی ارسال می‌گردید.

\* - صادق حدایت، زند و هومن یسن (بهمن یشت) (مسئلهٔ رجمت و ظهور در آئین زرتشت) و کارنامه اردشیر پاپکان، چاپ سوم، تهران، ۱۳۴۲ م. ۲۰۲.

نوشته‌های «تاریخی» و «افسانه‌ای» که این رویداد‌ها را نقل کرده‌اند در نگاه نخست منطقی و نزدیک به حقیقت بنظر می‌رسند. ولی اگر مآخذ رومی (گرو دیانوس، دیون کاسی) و نیز خبرهای را که در «گزارش‌های آربلی» آمده مورد توجه قراردهیم، آنگاه رویداد‌های مذکور تا اندازه‌ای به گونه‌دیگر در نظرما جلوه گر می‌شوند.

بنابراین مآخذ شهرت «Shahrat» شاه «ادیابنه» دومیتسین «Domitsian» فرمانروای «کرخ بیتلوق» و نیز دیگر شاهان سرزمینهای کوچک پشتیان اردشیر بودند. نیروهای متعدد، شهر سلوکیه را محاصره نمودند. چنین بطری می‌رسد که شهر حدود سال ۲۲۳ میلادی سقوط کرده است. آخرین سکه‌های چهاردهمی و لارش پنجم نیز متعلق به همین سال است.

در آنzman حاکم نشینهای بیت آرامای «Bet Aramay»، زابدیتسنا «Zabditseña» (بیت زابدای) و «Bet Zabday» و ارزون «Arzun» در میان رودان فرمانروایی اردشیر را گردن نهادند. تنها پس از چهارسال، آنهم به کمک متعددان و شاهان کوچک میان رودان و دیگر شهر بانان بودکه اردشیر توانست سپاهیان اردوان پنجم را در هم بشکند و لی کار ددمان اشکانی در سال ۲۲۷ میلادی نیز پایان نیافت. اردواز فرزند اردوان پنجم برخی از نواحی شمالی کشور را دست کم تأسیل ۲۳۰ میلادی در تصرف خود داشت (در همه‌ای نقره‌ای که بنام این شاه اشکانی ضرب شده مشهور است). پیکار بخاطر تخت و تاج ایران شکل حادی بخود گرفت. بنا بر این مانا گزیر هستیم جهت پژوهش مآخذ و اطلاعات غیر مستقیم کوشش کنیم تا از این راه بتوانیم نیروهایی که اردشیر را در رسیدن به شاهنشاهی یاری کردد بشناسیم.

فهرست درباریان اردشیر یکم که تاکنون در کتبیه شاپور یکم در «کعبه زرتشت» بجا مانده شهر بانان را بما می‌شناساند. در متن فارسی میانه این بخش از

کنیه چنین آمده است:

(28: St'lpy ZY'plynk MLK'; ,rthštr ZY mlwy MLK'; 'rthštr ZY krm'n MLK'; 'rthštr ZY sk'n MLK')

پس از آن نام دینک مادر پاپلک، روتک مادر اردشیر؛ دینک خواهر و همسر اردشیر، پیتیا خش (بنظر مترجم این باید نام «بیدخش» باشد - م) هزار بد و پس از آن نامهای دودمانهای مشهور ایران آمده است. در سطر ۲۹ متن فارسی میانه کنیه چنین نوشته شده است:

dyhyn ZY wr'č; s's'n ZY swlyn; s's'n ZY 'ndyk'n MR 'HY; prywzy ZY k'lny; gwky ZY k'lrv.

این فهرست موجب می شود بویژه چنین پنداشت که در نوشهای متاخر نامها و رویدادهایی که مقام ویژه ای داشتند بشکل تحریف شده در آمده اند. بعنوان نمونه در این نوشهای استانی که هرگز فرمانروای آن بود سرزمین بزرگترین دشمنان اردشیر نامیده شده است. و حال آنکه استان مذکور زیر فرمانروایی سasan «شاه» (MR 'HY) اندیکان بوده و در کنیه شاپور یکم در «کعبه زرتشت» از آن بعنوان استان هواخواه اردشیر یادشده است. گمان می رود شاه کرمان که از دودمان کهن بود نیز از هواخواهان اردشیر بوده است. زیرا در روز گار شاپور یکم نیز عنوان واستقلال اومحفوظ ماند. از فهرست چنین بر می آید که گروهی همداستان پیدید آمده بود که جز شاهان اندیکان و کرمان، شاه اپرنک (Aprenak «'plynk»)، شاه سکستان، شاه مرو و نمایندگان دودمانهای بزرگ ایران - و رازها، سورنها و قارنها از زمرة آن بودند. پیشتر گفته شد که بنا بر مآخذ متاخر رومی برخی از فرمانروایان کوچک میان رودان نیز به این گروه پیوستند. این گروه همداستان عامل دستاوردهای جنگی اردشیر بودند.

در نوشهای تاریخی، اردشیر چون مردی قهرمان و دارای جسارت بسیار و دوراندیشی و پایمردی و حوصله فراوان وصف شده است. بنابراین نوشهای او

مردی بود استوار و در بسی موارد خشن و بی‌رحم، ولی همواره روشی جوانمردانه داشت و پهنگام پیکار پیشاپیش جنگاوران خویش نبرد می‌کرد. در کارنامه اردشیر پاپکان و تاریخ شاهنشاهان وهمه نوشتهدای تاریخ‌نگاران ایرانی و تازی اردشیر را از آنرو کام انجام و پیروز دانسته‌اند که از دودمان شاهنشاهان باستان بود و از سوی ایزد بفرمانروایی ایرانشهر بر گزیده شده بود. اما در این نکته تردید نیست که موجه جلوه دادن فرمانروایی ساسانیان بعدها در اواخر دوره شاهنشاهی آنان با افزودن مطالبی به جریان واقعی دگرگونی‌های آنروزگار صورت گرفته و بی‌گمان آوردن این مطالب در نوشتهدای رسمی علل سیاسی داشته است.

موسی خورنی در کتاب خود بنام «تاریخ ارمنستان» پیشرفت کار اردشیر را در آن می‌داند که «دو شاخه از دودمان پهلویان (پارتیان) که پهله سورن و اسبهید نامیده می‌شدند بر شاخه‌ای از دودمان خویش که بر «پارت» شاهی داشتند - ارتاشس (اردشیر) - رشک ببردن و آماده شدن تا اردشیر پسر سasan را یاری کنند» [۱۱۴، ۲۳]. بی‌گمان چنین واقعه‌ای روی داده است (نوشته موسی خورنی با نوشتهدای کنیه شاپوریکم در کعبه زرتشت منطبق است). ولی در این نکته نیز جای تردید نیست که تنها خاندانهای مشهور قادر به برآنداختن دودمان اشکانی نبودند. چنین بنظرمی‌رسد که موقفیت اردشیر معمول مجموعه‌ای از علتها بوده است. در آن‌سده دشوار و بحرانی نه تنها خاندانهای بزرگ و شاهان شهرها، بلکه قشنهای وسیعتری از بزرگان و شهربان نیازمند دولت نیرومندی بودند که بتوانند اقتصاد «دل ایرانشهر» - میانروdan یا بین‌النهرین را در دست خود نگاهدارد و زندگی اقتصادی همه کشور را سامان بخشد. بنظر می‌رسد این نکته نیز خالی از اهمیت نباشد که ساسانیان بمحض دست‌یافتن بر تخت شاهی پارس رابطه خویش را با مرکز آئین زرتشت در کشور عمیق و محکم ساختند.

گستنگی بی‌اندازه اطلاعات مربوط بدوا بطب اقتصادی و اجتماعی پایان

شاهنشاهی اشکانیان و آغاز شاهنشاهی ساسانیان مانع پیدایش کمترین تصویری جهت ارزیابی روابط مذکور در دوران اردشیر یکم شده است.<sup>۱۱</sup> هر گاه بکوشیم درباره مشکلات نخستین شاهنشاهان ساسانی در ناحیه میان رودان که تصرف آن وظيفة عمده این دولت نوبنیاد بود. تصویری کلی پدید آوریم، باید نکته‌های بسیار گوناگون ورنگارنگی را خاطر نشان سازیم. میان رودان سرزمینی خود مختار بود که بخشایی از آن به اضافة زمینهای اطراف (حومه)، و بنا به نوشته کتبیه شاپور یکم در کعبه زرتشت (Mprybr hmkwsy) نیز از حق خود مختاری برخوردار بودند. این استان شاهی شامل اراضی وسیعی بود که در تملک شخصی شاهنشاه اشکانی و بزرگان و یا کسانی بود که اداره زمینهای نامبرده با حق مالکیت شرطی (اقطاع) به آنان واگذار شده بود. بسیاری از این متصرفهای مستقل «تحت حمایت» شهرها و یا فتووالهای بزرگ بودند. این نوع متصرفه یا متصرف پیشرفتی بردهداری یا نطفه‌ای از مناسبات آغاز فتووالیسم بود.<sup>۱۲</sup> در آن زمان میان رودان از نظر سیاسی منطقه‌ای دارای سازمان مستقل دینی و شاهی نیمه وایسته بود. فرمانروایان این سرزمین همواره علیه یکدیگر دست به تحریکات می‌زدند و از این رهگذر گاه به روم و گاه به ایران هراتب علاقه و «دوستی پایدار» خویش را اعلام می‌نمودند. اوضاع مذهبی میان رودان به اندازه‌ای رنگارنگ و گوناگون بوده که براستی شگفتی آور است. در این سرزمین مذاهب باستانی مشرق زمین و باورهای دینی یونان و روم و اندیشه‌های اختیارماری (آسترولوژی) و الهیات بابل و تعالیم

۱۱- در باده اقتصاد آغاز شاهنشاهی ساسانیان ر.ک. به [شماره ۹، همانجا فهرست مژده‌خواست: ۷۱، ۱۲۸]. نظرهای گوناگون و روشن‌نشده‌ای در زمینه اقتصاد و نظام اجتماعی ایران در دوران ساسانیان در آثار [۴۰، ۴۱، ۱۵۴] نیز موجود است. منابع عمده درباره اوضاع اقتصادی اشکانیان که پیش از ساسانیان فرمانروایی داشتند در آثار شماره [۶۹، ۶۹، ۱۹۰، ۱۸۹، ۱۲۲، ۱۳۰] آمده است، درباره اقتصاد و روابط اجتماعی در دوره اشکانیان بهتر است به آثار شماره [۲۷، ۲۷، ۳۳، ۳۴، ۶۰، ۱۱۳۸] و نیز آثار شماره [۹۶، ۱۲۸] مراجع شود.

۱۲- ر. ک به، کتاب آ. گ. پریخانیان، شماره [۲۶].

مکنیه‌ای مختلف گنوستیک و اندیشه‌های آغاز مسیحیت با اندیشه‌های یهودی و زرتشتی در هم آمیخته بود. بر پایه چنین زمینهٔ بفرنج و متباینی دولت نوین پدید آمد. چندی نگذشت که میانرودان از نظر اقتصادی به تکیه گاه بزرگ ساسانیان وازنظر سیاسی و ایدئولوژی به رقیب عمدۀ آنان بدل شد.

عمده‌ترین مأخذ ما درباره سازمان کشوری بهنگام پادشاهی نخستین شاهنشاه ساسانی، همان کنیهٔ شاپور یکم در کعبه زرتشت است و اطلاعات آن (که بطرکلی درباره عنوانهای اشرف و بزرگان و نام شهرها و استانهای گونه گون و واژه‌ها و اصطلاحهای معین است) بسیار ناقص و فارسا است.

در فهرست بزرگان در بیار نخستین شاهنشاه ساسانی چهار شاه ('Mlk') والاترین جایگاه را داشتند. اینان شهرداران (استانداران) شرق ایران: «سرزمین علیه» ('plynk'), مرو، کرمان و سکستان (سیستان) بودند. این شاهان از دودمان شاهان پیشین سرزمینهای نامبرده بودند که در روزگار اشکانیان فرمانروایی داشتند و بظاهر فرمانبردار شاهنشاهان اشکانی بودند. جایگاه والای شاهان نامبرده در دربار نخستین شاهنشاهان ساسانی نمودار آنستکه سرزمین آنان به هنگام شاهنشاهی اردشیر یکم مسخر نگشت، ولی با حة‌وق وابستگی بدولت مرکزی در ذره استانهای دولت نو بناid ساسانی درآمد. گمان می‌رود سرزمین های بزرگ سورنهای، قارنهای، و رازهای و دودمان اندیکان نیز چنین وضعی داشت. در آن‌زمان شاهنشاهی ساسانیان از دولتهای استانهای گونه گون سازمان یافته بود.

سکه‌های بزرگ مسی مشهوری وجود دارد [۳۸، ۳۹ a] که بر پشت آنها آتشدانی همانند آتشدان سکه‌های اردشیر یکم ضرب شده و بر رویه آنها تصویر نیم تنۀ فرمانروایی دیده می‌شود که همانند تصویر سکه‌های پایان شاهنشاهی اشکانیان است. این سکه‌ها که (سکه‌های مسی چهار درهمی) نامیده می‌شوند بهنگام شاهنشاهی

ساسانیان تنها در روزگار اردشیر یکم و حدود سده سوم میلادی وجود داشتند و این نکته خود نشانه‌ای از زمان ضرب و پیدایش آنها است. نه تنها تصویر پشت سکه‌های نامبرده بلکه نوشته پارتی (Prth) که بر آنها ضرب شده نمودار آن است که سکه‌های مذکور بظاهر باید در شمال شرق ایران ضرب شده و متعلق به دوران اردشیر یکم باشند. بنابر آگاهی‌های ناپی کیر وجسته گریخته‌ای که در پاره این سکه‌ها بدست آمده، منشاء همه آنها سرزمینهای شرقی ایران دانسته‌اند. همه سکه‌هایی از اینگونه را که تا کنون دیده‌ام نیک بر جا نمانده و نمی‌توان نوشته هایشان را با اطمینان خواند. بنظر نگارنده شاید بتوان نوشته رویه برخی سکه‌ها از اینگونه را که تا اندازه‌ای بهتر نمانده چنین خواند. — bgy' rt' šyry sk' n (...) MLK دفع اردشیر سکان (سکستان - م) شاه، فرزند...<sup>۱۳</sup> اگر این خواندن درست باشد، آنگاه سکه‌های مستقل یکی از شاهانی که در کنیه شاپور یکم در «کعبه زدشت» از آنها یاد شده پیش روی هاست و آن سکه اردشیر شاه سکستان (سیستان) است. نوشته این سکه‌ها از گونه نوشته سکه‌های فرمانروایان نیمه‌وابسته روزگار اشکانیان (مانند سکه‌های فرمانروایان پارس) است و آتشدان سکه‌های اردشیر یکم که در پشت آن تقلید شده نموداری است براینکه سرزمینی که سکه‌های نامبرده در آن انتشار یافته وابسته به دولت مرکزی بوده است.<sup>۱۴</sup>

۱۳ - و هنینگ بر مبنای تصویری که Allot de la FuYe از نوشته سکه تهیه کرده، آنرا چنین خوانده است ، (?) bgy hwtwy zyky (؛) MLKYN MLK ' BRY hwtwy rtyn وی چنین می‌نویسد:

«Der Münzherr (zik, - allerdings zy' k in Šapür Ka' beh ) ist wohl ein von Šapür I in gefolge seiner transokianischen Eroberungen ... eingestzter Vizekönig nord persischen Ursprungs, der Šapürs Römerkriege benutzte, ums ich unabhängig zu machen»

[97, 41, Abb. 2]

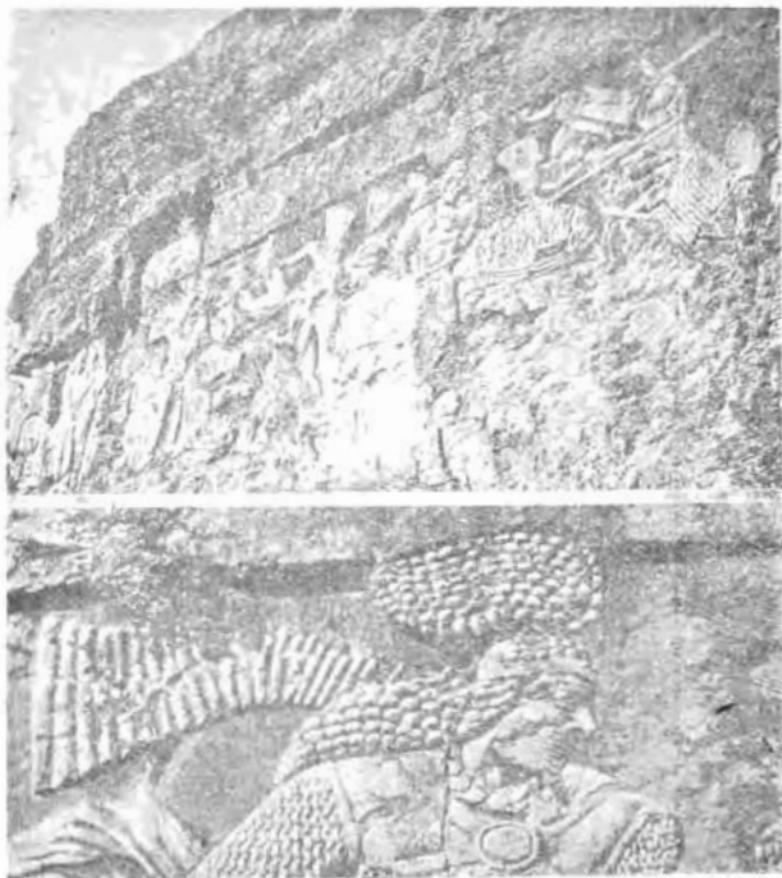
درباره این سکه‌ها که هندو - اشکانی هستند، ر. ک. به [۱۱۶۸، ۱۱۴۸-۱۳۷، xII pl. شماره ۱۱] تاریخ انتشار این سکه‌ها را می‌توان حدود مال ۲۲۷ میلادی دانست، (جون بر پشت آن بخش

درومنی پرستشگاه و محل تاجگذاری اردشیر یکم تصویر شده است ، این تصویر نخستین بار در

سپس در کاخ اردشیر یکم از اپورسان ('pwrs n')، شهرب «شهر شاهی» اردشیر خوره ('rthštr prry') و شهری بنام گلمان و نیز از شهرب دماوند یاد شده است. گذشته از آن در میان درباریان شاپور یکم فرزند اردشیر نیز از شهربهای «شهرهای شاهی» بنام اردشیر - خشnum و ویه - اردشیر سخن رفته است.

در باره شهرها و وظیفه آنان بهنگام فرمانروایی نخستین شاهنشاهان ساسانی ضرور است در آینده بهنگام شرح ویژگیهای دولتی شاپور یکم - نرسی تفصیل یاد کنیم. اکنون ذکر این نکته لازم می شمارم که بنای (ساختمان، تجدید بنا و یا نامگذاری مجدد) شهرهایی که بنام شاهنشاهان نامیده می شدند و انتصاب صاحبمنصبان شاهی (شهرها) جهت اداره آن شهرها نموداری از آغاز جریانی بغيرنچ است: سرزمینهایی که این شهرها در آن پدیده می آمدند جزء «دستکرت» ها یعنی متصوفه های شخصی شاهنشاهان ساسانی شمرده می شدند. این شهرها تکیه گاههای حکومت شاهنشاه بر متصوفه های ملکی بزرگ وی بشمار می آمدند. بهنگام شاهنشاهی اردشیر این گونه متصوفه ها هنوز اندک و تنها منحصر

سکههای ویژه تاجگذاری اردشیر پدیده آمد) پیش از دهه هفتاد سده سوم میلادی. گمان می رود اردشیر شاه سکستان که کاخ واقع در کوه خواجه بهار تعلق داشته و در گذشته شاپور یکم در کعبه زرتشت از او یاد شده همان شاه نامبرده باشد. آ. اشتین و ۱. هرتسفلد در یادداشت های مربوط به کوشاهایی که بسال ۱۹۲۹ انجام دادند برای نخستین بار از ویرانهای این کوه یادکردند (ر. ک. به [۱۰۰، ۵۶، ۵۷، ۱۰۴، ۱۰۳، ۱۱۶]). تاریخ این بنا را حدیث یکم میلادی دانسته اند (ولی قشرهایی از بنا هست که بدسته های درم و سوم میلادی تخمین زده می شود و آنرا یادگاری از فرمانروایان هند و اشکانی و یا نموداری از روزگار رستم داستان شمرده اند (ر. ک. به [۱۸۵-۱۸۶]) بخش هایی از نقشه های کوه خواجه (از جمله بوشاك و کلام خود پرداد بر سر ایزدان سکانه، ر. ک. به [۸۱، تصویر ۵۷]) و تزئینات جداگانه آن [۸۱، تصویر ۵۴] و نقش هنایه آن از بشاپور و نیز منظره عمومی از پرستشگاه تخت سلیمان (سدنه های پنج و ششم میلادی) سبب می شود که تاریخ آنرا آغاز سده سوم میلادی بدانیم (ر. ک. به از زیارتی ۱. هرتسفلد درباره کوشاه، [۱۰۸، ۴۰۷-۴۰۵، و نیز ر. ک. به [۱۰۹-۱۱۰]). اگر نوشته هرتسفلد را درباره تجدید بنا بپذیریم، آنکه باید یادآور شویم که بر پیشخان اصلی آن [۱۰۰] [pl] منظره تاجگذاری تصویر شده است. بی گمان یکی از چهره های نقش از آن فرمانروای سکستان بوده که گمان می رود اردشیر بوده است. این اردشیر، همان کسی است که «افسر شاهی» را از شاهنشاه اردشیر دریافت نمود.



۶ - نقش صحنه‌ای پیکار. در فیروز آباد

الف - منظر: همگانی  
ب - تصویر اردشیر یکم

به (اردشیر خوره - فیروز آباد کنونی) در پارس و (دماوند) از زمینهای تازه تسخیر شده حدود دریای مازندران و شهرستانهای در کرمان بود (شاید این شهر ویه

اردشیر باشد که بعدها ضمیمه دستکرت شاهی گردید). اگر اطلاعاتی را که در زمینه شهرسازی اردشیر یکم از مآخذ آغاز سده‌های میانه بجا مانده [۱۸، ۱۲، ۱۹] بر آگاهی‌های بدست آمده از کتبیه شاپور یکم در کعبه زرتشت بیفزائیم، آنگاه حدود دستکرت «dstkrt» های شاهنشاهان ساسانی بمراقبت وسیعتر می‌گردد. آنگاه سلوکیه کنار دجله (ویه اردشیر در غرب)، مسنا (میشان - شهر استرآباد اردشیر یا کرخ میشان)، ولایت آربلی (شهر نود اردشیر) و بسیاری دیگر جزء مناطق نامبرده می‌شوند. مشکل بتوان ثابت کرد، همه این شهرها که بی‌گمان در پایان شاهنشاهی ساسانیان وجود داشته‌اند بفرمان اردشیر یکم بنا شده باشد. دو سکه یک درهمی نقره منحصر بفرد که متعلق به دوران اردشیر یکم و اوایل یا میانه‌های دهه چهارم سده سوم میلادی، یعنی روزگار جنگهای او در غرب بوده، شاید اطلاعات بیشتری در اختیار ما بگذارد.<sup>۱۵</sup> در یکی از دو سکه نامبرده بر کلاه اردشیر بجای نشانه معمولی افسرشاهی (که ستارگانی دارای شاعرهای بسیار است)، قطعه‌ای بشکل «گردداد» تصویر شده است. نظری‌ر این نشانه را بر کلاه شاپور، شاه میشان که نواحی اردشیر بود و پیکرۀ او بر صخره نقش رجب نقر شده می‌توان دید. اگر این نشانه را نشانه شاهان میشان بشماریم آنگاه می‌توان چنین انگاشت که بهنگام شاهی اردشیر یکم مسخر و به دستگرد (دستکرت) شاهی بدل شده بود و چه بسا ممکن است شهر استرآباد اردشیر در آنجا بنا شده باشد (و یا دقیقت بگوئیم شهر کرخ میشان بنام تازه‌ای نامیده شده باشد).

بهر تقدير، پانزده - بیست سال پس از انتشار سکه اردشیر یکم با کلاهی که دارای نشانه‌ای بشکل «گردداد» بود، میشان جزء دستکرت‌های شاهی گردید. بنا بر کتبیه شاپور یکم در کعبه زرتشت فرمانروایی این سرزمین را شاپور فرزند شاپور یکم شاهنشاه ساسانی با عنوان میشان شاه ('MLK myšn') پس از مرگ

۱۵ - درباره تعیین تاریخ و توضیحات فنی هربوتوط به سکه‌ها در. اک، بهبخت هفتم کتاب.

او (حدود سال ۲۶۰ میلادی) همسرش دینک با عنوان شهبانوی میشان، دستکرت شاپور (m'st' MLKT' dstkrt šhpwhry کتبیه شاپور یکم در کعبه زرتشت) بر عهده داشت.

در سکه دوم که از همان نوع سکه اول است، بر کلاه تصویر عقابی دیده می شود که نوارهایی بگردش بسته‌اند. این نمونه در هنر هلنیستی بسیار معمول بود. چنانکه می‌دانیم تصویر عقاب که نوارهایی از گردش آویخته است از نشانه‌های سلوکیه، انطاکیه و حترا (الحضر - مترجم) و یکرته شهرهای خود مختار بود. ممکن است این سکه مداری باشد که پس گشودن یکی از شهرهای نامبرده منتشر گردیده است.

بهر ترتیب که باشد «شهرهای شاهی» نامبرده که وسیله نمایند گران دولت مر کزی «شهر بها» اداره می‌شد، بنحو غیر مستقیم مؤید این نکته است که پارس و نیز دیگر استانهایی که بزور اسلحه تصرف شدند به تملک خاندان شاهی در آمدند.

بدینگونه، کنقدرا سیون شاهان (شهرها) از یکسو و متصرفه‌ای بزرگ «اشراف عالی مقام ایران کهن» از دگرسو موجب افزایش تدریجی املاک و متصرفه‌ای شاهنشاه شد و از حدود شهر او «پارس» تجاوز کرد و همواره شامل زمینهای تازه و تازه‌تری گشت و این همان مبنای است که دولت ساسانی در آغاز برپایه آن بنای گردید. این مبنای اساس متضاد و متباین بود؛ زیرا از یکسو شاهان شهرها بخاطر استقلال خود با دولت مرکزی مبارزه می‌گردند و از سوی دیگر شاهنشاه می‌کوشید تا سرزمینهای را که بظاهر وابسته شاهنشاه بود به متصرفه‌ای شاهی بدل کند. این دو اصل متضاد مضمون و ماهیت تاریخ دولت ساسانی را در تمامی دوران سده سوم میلادی تشکیل می‌داد.

بزرگترین جایگاه در فهرست درباریان اردشیر که پیشتر از آن یاد شده

پیتاخت<sup>۴</sup> (بیدخش-م) اردشیر بود. بدنبال آن یکر شه عنوانهای نظامی مانند رئیس گاردشاهی (hz' lwpt)، رئیس گاردجاوید (m'dknpt)، و رئیس زرادخانه (Zynpt) آمده است. جایگاههای غیر نظامی بزرگ دربار اردشیر یکم از آن رئیس دیرخانه شاهی «دیر بد» (dpyrwpt) بنام مرد (یا مردک) و بزرگ دادستان «دادبر» یا دادر -م (d'tbr) بنام شهرک بود. در فهرست درباریان نمایندگان دودمانهای بزرگی (؟) مانند اسپروکان (pwkctry Wsplykn) و پرداکان (wply pldk'n) که جزء دربار پاپک بودند جایگاه والایی داشتند. فهرست دربار با عنوانهای «رئیس تشریفات»، «نگهدارنده اسباب شاهی» (آخورد بد -م.) (hwrpt) نخجیر بد (nhcrpt) و شرابدار (mdkd'r) پایان می‌یابد.<sup>۱۷</sup>

فهرست درباریان تصویری از دستگاه اداری پیشرفته پدید نمی‌آورد. ولی بنظر نگارنده جالب ترین خصیصه آن این نکته است که در فهرست عنوانهای شخصیتی رسمی حتی از یک عنوان مذهبی یاد نشده است.

از این پس تاریخ داخلی دولت ساسانی از بسی لحاظ با نقشی که موبدان زرتشتی ایران در دربار و همه کشور بر عهده داشتند معنی و مشخص می‌گردد. چه با

۱۶ - درباره اهمیت این عنوان مشکل بتوان مطلب مشخصی ارائه نمود، ر. ک، به [۴۵، ۴۶] : «bythš – an important imperial officer high rank».

۱۷ - [۳۱۸ - ۳۱۷، ۷۳] : این عنوان متعلق به شخصی از خاندان شاهی بود؛ در غیاب شاه نایاب السلطنه بود.

۱۸ - یکی از بزرگترین عنوانهای دربار اردشیر رخش اسپهید (sp, hpt) بود. در دربار شاپور یکم از این عنوان یاد نشده است ولی در دربار شاهنشاه نرسی دوبار از عنوان نامبرده سخن رفته است. تا کنون بیقین معلوم نشده که این چه عنوانی است؛ آیا عنوان دودمان مشهوری از «بزرگان والاچاه ایران کهن» است یا عنوان (سرفرمانده). عنوان n' pldk نیز بهمان اندازه ناروشن است از این عنوان در «دربار» پاپک چنین یاد شده است؛ pldky ZY pldk 'n، بهیونانی؛ «فرک فر کان»، این عنوان در دربار اردشیر (n' wply ZY pldk 'n) و در دربار شاپور یکم S'sn BR BYT 'MN pty pldk 'n d 'št - «ساسان، شاهزاده ای که نزد است»، شیر نکلینگ (۴۱، ۱۴۴) چنین می‌پندارد که pldk 'n رفاقت و یا هنرمندی است که در دربار بوده است (فارسی میانه . peri). معنایی که در متون یونانی به آن داده شده («خوانسالار») موجب می‌شود که جمله بالاجنین ترجمه شود؛ «ساسان، شاهزاده، خوانسالار [بتقریب] فر کان».

نفوذ موبدان زرتشتی در امور داخلی و سیاست خارجی دولت یکی از عوامل عمدۀ پیشرفت آئین زرتشت گردید. از این دو برای حل مسئلهٔ مربوط به «شاهنشاهان و شخصیتهای بزرگ» ناگزیر هستیم دربارهٔ تاریخ پیدایش مسئله‌ای دیگر یعنی «مسئلهٔ تاج و تخت و آتشگاه» توضیح دهیم.

پیشتر گفته شد حکومت ساسانیان پس از تصرف پارس با این‌دی اناهیتا و رجاوند گشت و پاپلک نیز پریستار (*y'p'thš*) پرستشگاه اناهیتا بود. پس از مرگ پاپلک، اردشیر این عنوان یافت. ولی اردشیر پس از آنکه به شاهنشاهی ایران رسید ریاست مذهبی دین رسمی کشور را نیز عهده‌دار گشت و بویژه این سمت را در عنوان‌های رسمی خویش یاد کرد: *mzdysn... MNW čtry MN yzd'n* - «پرستندهٔ [اهورا] مزدا... که چهره ایزدان دارد». تبدیل آئین زرتشت به دین رسمی کشور. جریانی است که مراحلی چند را گذرانده است.

کرتیر «مگوپت» (موبد - ۴) اهورا‌امزدا<sup>۱</sup> که کوششهای او بطور کلی در روزگار بهرام دوم (۲۹۳-۲۷۶ میلادی) بوده چهار کتبیه دارد که مأخذ عمدۀ دربارهٔ تبدیل آئین زرتشت به دین رسمی کشور است. او تنها در یک کتبیه از کتبیه‌های خویش در کعبه زرتشت نوشت که بهنگام شاهنشاهی اردشیر یکم کار خود را آغاز نموده است. بعد خواهیم دید که این نوشته کرتیر تنها تلاشی بود تا بتواند با تکیه به اعتبار نخستین شاهنشاه ساسانی پایه و اساسی برای جایگاه والای خود «موبدان موبد» پدید آورد. در کتاب «دینکرت» که سده نهم میلادی پدید آمده<sup>۲</sup> و نوشته‌های آن درباره دوران اردشیر یکم و گردآوری نسکه‌ای «اوستا» است گفته شده که یکی از هیربدان بنام تنسر (بفرمان اردشیر) بتنظیم و تفسیر قطعات جداگانه کتاب مقدس پرداخت. ولی بررسی مأخذ همزمان با رویدادها ما را مطمئن می‌سازد که تنسر یا توسر (که معنای اهل ریاضت و تیزهوش آمده) گوئی هر گز نبوده است. در بخش‌های آینده بهنگام ارزیابی کارهای موبد کرتیر خوانندگان را با

وظایفی که موبدان و نگارندگان «نامه تنسر» پیش روی خود نهاده بودند آشنا خواهیم کرد. اکنون این نکته را یادآور می‌شویم که یگانه مأخذ معتبر جهت داوری درباره آئین زرتشت بهنگام شاهنشاهی اردشیر یکم، سکه‌ها نقشها و کتبیه او کنار یکی از این نقشها است که در آن از عنوان شاهی اردشیر و نام اهورامزدا یاد شده است (نقش رستم متنهای پارتی، فارسی میانه و یونانی) [۱۳۳ taf: ۷B، ۲۸، ۲۴]. این منابع با آنکه بسیار ناقص بنظر می‌رسند، معهذا امکان می‌دهند درباره مراحل پایه گذاری آئین زرتشت و جریان پیدایش مظاهر ایزدان زرتشتی و زمان پیدایش و شکل گرفتن اندیشه «ماهیت ایزدی» نزد دودمان ساسانی داوری کنیم.

اردشیر یکم شش سکه‌پی در پی انتشار داد که از لحاظ نوع، متفاوت بودند و در هر یک از انواع سکه‌ها نشانه‌های افسرشاهی و تصویرهای پشت سکه و مضمون نوشته‌ها گوناگون بود. سکه‌های اردشیر از نوع یکم ادامه نشنهای سکه‌های پیشین پارس بود. در دیگر نوعها بر رویه سکه‌ها، تصویرهای نیم تنۀ شاهنشاه در حالات مختلف و با تاج و افسر گوناگون تصویر شده و نوشته‌های آن شامل عنوان و نام شاهنشاه بوده است. بر پشت سکه‌ها آتشدانهایی با آتش شعلهور دیده می‌شود و نوشته آن حاوی نام پرستشگاهی است که مراسم تاجگذاری در آن صورت پذیرفته است.

چنانکه از سکه‌ها معلوم می‌گردد، عنوان شاهی اردشیر دو بار تغییر یافت. عنوان اردشیر پیش از تاجگذاری «rthštr MLK' BRH bgyp'pky MLK'» - «خدا یگان اردشیر شاه، فرزند خدا یگان پاپاک شاه» بود. پس از تاجگذاری (سال ۲۲۷)، در نوشته اپسای که پیشتر از آن سخن رفت) عنوان خویش دیگر کرد. بر رویه سکه‌ای که مراسم تاجگذاری اردشیر ضرب شده عنوان - «mzdysn bgy» - (بغ [اهورا] مزدای-رست،

خدایگان اردشیر شاهان شاه ایران که چهراز ایزدان دارد) دیده می‌شود. این عنوان بعدها در همه نوشهای نقش‌های تاجگذاری یا تاج بخشی از سوی ایزد در نقش رسم و همه کتبیه‌های آغاز شاهنشاهی ساسانیان که در آنها از اردشیر یکم سخن رفته، برای کلیه شاهنشاهان ساسانی ثابت مانده است.

عنوان پذیرفته شده از سوی اردشیر را باید با عنوان رسمی شاهنشاهان پیشین از دوران اشکانی مقایسه و مقابله کرد.

آخرین کتبیه رسمی اردونان پنجم («تحنه سنگ خواست») حدود سیزده سال پیش از تاریخ ضرب سکه ویژه تاجگذاری اردشیر پدید آمد (تاریخ کتبیه نامبرده ۱۴ سپتامبر سال ۲۱۵ میلادی است)<sup>۱۸</sup>.

در این کتبیه عنوان شاهنشاهان ایران بنا بر ویژگی‌های خود همانند عنوان‌های پاپلک، شاپور و اردشیر پیش از نشستن بر تخت شاهی است: rtbnw MLKYN سال پیش از تاریخ ضرب سکه ویژه تاجگذاری اردشیر پدید آمد (تاریخ کتبیه نامبرده ۱۴ سپتامبر سال ۲۱۵ میلادی است)<sup>۱۸</sup>.  
MLK' BRY wlgšy MLKYNMLK  
یا ولاش - م (شاهان شاه) ( ' ; ' )  
bgy šhpwhry MLK' BRH bgy p ' pky MLK ' ;  
( ' )  
rthštr MLK ' BRH bgy p ' pky MLK ' ;  
خدایگان پاپلک شاه؛ اردشیر شاه فرزند خدا یگان پاپلک شاه - مترجم. بدین روای عنوان تازه‌ای که اردشیر پس از تاجگذاری برگزید از عنوانهای شاهان دوران پیشین به عاریت گرفته نشده است.

گمان می‌رود اصلاحات مذهبی مهری صورت گرفته باشد که مایمدد گر گونی عنوان شاهی گردید و در آن نشانه‌ای از یگانه آئین «شاهی» برای سراسر کشور مشهود است.

اردشیر گذشته از تغییر عنوان بر روی سکه‌های تاجگذاری، تصویر و نوشته پشت سکه‌ها را نیز دگر گون ساخت و از آن پس بر پشت سکه‌ها تصویر آتشدان

<sup>۱۸</sup> - «سال ۴۶۲، ماه سپتامبر، روز میشنه»، درک، به [۱۸۶، ۹۸].

با نوشته 'ZY' rthštr آتش اردشیر ضرب شد. این نوشته بر سکه‌های نخستین شاهنشاهان ساسانی پایدار ماند.

آ. کریستنس خاطر نشان ساخت که این نوشته کاملاً همانند نام پرستش - 'twry ZY' rthštry ; 'twryZY' گاهی است که در نوشتہ اپسای آمده است - <sup>۱۹</sup> ( whry šhp )

در نوشته سخن از پرستشگاهی است که مراسم تاجگذاری شاهنشاه در آن صورت گرفته ('n MLK tWr' - «آتش شاهی») و بنام شاهنشاه ساسانی نامیده می‌شده است. از زمان بنیاد این پرستشگاهها، سالهای سلطنت شاهنشاه شمارش می‌گشت.

بین روال باید آتشدانی را که بر سکه‌های تاجگذاری اردشیر ضرب گردیده تصویری از آتشکده شاهی که مراسم تاجگذاری در آن صورت پذیرفته، داشت و نوشته آنرا نیز نام پرستشگاه شمرد. پیش روی ما بازهم نونهای از اصلاحات مهم دینی قرار گرفته که ویژگی و سجایای حکومت شاهنشاهان ایران را دگرگون ساخته است. پرستش اهورامزدا اندکاندک به یگانه آئین رسمی بدلت. اردشیر از زمان تاجگذاری بر عنوان خویش که پریستار پرستشگاه انساها بود عنوان دیگری نیز افروز و آن پریستار آتشکده شاهی بود که «بنام» اهورامزدا بنیان یافته بود.

در این زمان اردشیر نه تنها قدرت اداری و نظامی، بلکه امور مذهبی را نیز در دست خود داشت او گمان می‌رود از این رو است که در فهرست دربار ایران او نامی از «موبدان موبد» دیده نمی‌شود.

۱۹. [۵۶-۱۲۸]. ترجمه درستتر و دستوریتر آن چنین است: «آتش شاپور، که - شاه آتشها است (منظور بزرگترین ویا عمدۀ ترین آتشکده‌ها است)». ولی این ترجمه موضوع و مفهوم نوشته را مبهم می‌سازد، شاید در نوشته خطایی باشد؛ 'twry' nMLK.

در هیچیک از سکه‌های اردشیر و نیز در نقشه‌ای تخت جمشید تصویری از ایزد بزرگ اهورامزدا و نیز تصویری از ایزد آناهیتا پدیدار نیست. آئین زرتشت کشاھان ساسانی بدان پایی بند بودند تنها از طریق تصویرهای مظہری (سمبولیک) در آثار رسمی تاریخی منعکس گردید.

اندیشهٔ پدیدآوردن نقشه‌ای اهورامزدا از راه همان تصویرهای مظہری (سمبولیک) صورت پذیرفت. سکه‌ها کلیهٔ مراحل پیدایش نقشه‌ها را در نظر مجسم می‌سازند. بر سکه‌های نوع III و IV (تاریخ ضرب این سکه‌ها دههٔ چهارم سدهٔ سوم میلادی است) اردشیر با افسر شاهی کنگره‌دار (*Corona muralis*) تصویر شده است. مدت‌ها است که این نکته روشن شده که بخش‌های افسر شاهی شاهنشاهان ساسانی دارای نشانه‌های مظہری (سمبولیک) معنی بوده که با آئین زرتشت پیوند داشته است [۶۸؛ ۸۳]. افسر شاهی اردشیر نشانه‌ای است از اهورامزدا. این نقشه‌ها در روز گار شاهنشاهی هخامنشیان پدیدآمد و برای نخستین بار نقش ایزد بزرگ زرتشیان تصویر گشت. استادان دوران هخامنشی این تصویر اشورا «اهوراء» را بنوان نخستین نمونه برگزیدند و نشانه‌های شاهی فرمانروای خود را که در نظرشان آشنا و مأнос بود بر مجسمهٔ تنهٔ این ایزد نا آشنا راست کردند. نشانه‌های مذکور عبارتند از: افسر شاهی کنگره‌دار، پوشک مادها و تاج گل که نشانهٔ ورجاوندی شهریاری شمرده می‌شد.<sup>۲۰</sup>

پس از سقوط دودمان هخامنشی تصویر افسر شاهی کنگره‌دار بر سکه‌هایی برخی از فرمانروایان پارس ضرب شد که در واقع افسرشاه موبد بود. بر سکه‌های نوع IV (که تاریخ ضرب آنها اواسط دههٔ چهارم سدهٔ سوم میلادی است) تصویر شاهنشاه همگون تصویر اهورامزداست که پس از چندی بر نقشه‌ای ساسانی بر دیوارهٔ صخره‌ها پدیدآمد.

۲۰. بنوان نمونه از تصویر اهورامزدا در تخت جمشید، [VB، ۳۹b] یاد می‌کنیم.



تصویر شماره ۷ - نقش تاجگذاری شاپور یکم - بیشاپور

پنج نقش بر صخره‌های سنگی از روز گاز اردشیر است. سه نقش بر صخره‌های نقش رجب (شماره ۱)،<sup>۲۱</sup> نقش رستم (شماره ۳)<sup>۲۲</sup> و فیروزآباد (شماره ۲)<sup>۲۳</sup> تقریباً و متناظر «تاج بخشی از سوی ایزد» را مجسم می‌سازد. نقش دارابگرد (شماره ۵)<sup>۲۴</sup> و پژوه پیروزی اردشیر یکم بر رومیان و نقش فیروزآباد (شماره ۴)<sup>۲۵</sup> تصویری از پیکار اردشیر با اردوان پنجم است.

بر همه نقشهای ساسانی بر صخره‌ها (جز نقش فیروزآباد (شماره ۴) که متناظره‌ای است از پیکار و شاهنشاه در آن با کلاه خود رزمی تصویر شده) افسر شاهی

۲۱ - VB, 25b, p. 24. شماره‌هایی که در میانه دو هلال آمده شماره منظم نهانها است که در بعض هفتم کتاب آمده است.

۲۲ - VB, 28c, P. 24

۲۳ - VB, 70b, P. 50

۲۴ - VB, 64c, P. 47

۲۵ - VB, 71, P. 51

اردشیر یکم همان است که بر سکه‌های نوع ۷ تصویر گشته است. مناظر تاجگذاری و تاج‌بخشی که در نقش رجب (شماره ۱)، فیروزآباد (شماره ۲۶) و نقش رستم (شماره ۳) تصویر گشته حاوی مدارک اضافی جهت روشن ساختن تاریخ آنها نیست؛ در نقش دارابگرد (شماره ۵) پیروزی شاپور یکم بر گوردیانوس تصویر شده است، ولی افسر شاهی از گروه تاجهای نوع ۷b (Vb) است که در سکه‌های اردشیر یکم ضرب گردیده است. سکه‌های نوع ۷b اواخر دهه چهارم سده سوم میلادی ضرب شده ولی پیروزی بر گوردیانوس بسال ۲۴۲ میلادی بوده و متعلق ب دورانی است که اردشیر دیگر در قید حیات نبوده است. اگر نقش دارابگرد بلافصله پس از پیروزی شاپور یکم در نخستین جنگ با رومیان و پیش از مراسم تاجگذاری رسمی وی بسال ۲۴۲ میلادی پدیدآمده باشد، آنگاه نامه‌منگی زمانی که با آن هواجعهم از میان خواهد رفت.

افسر شاهی گروه متأخر از نوع ۷ (Vb) در تصویر تاجگذاری نقش رستم که زمان نقر آن پایان شاهنشاهی اردشیر یکم (اوخر دهه چهارم و آغاز دهه پنجم سده سوم میلادی) بوده مشهود است.

در نقشهای فیروزآباد (شماره ۲۶) و نقش رجب (شماره ۱) افسر شاهی گروه یکم از نوع ۷ (Vb) تصویر گردیده و تاریخ آن حدود اواسط یا اوخر دهه چهارم سده سوم میلادی است.<sup>۲۶</sup>

در نقشهای تاجگذاری و یا تاج‌بخشی از سوی ایزد بخلاف نقش شاپور و نقشهای تاجگذاری که بفرمان شاهزادگان محلی اوخر شاهنشاهی اشکانیان پدید

۲۶- از مشاهده پوشک شاهنشاه و چاشنی او که در نقش ویژه پیکار تصویر شده‌اند (تصویر نوار، شکل پوشک، آرایش مو وغیره) چنین برمی‌آید که تاریخ پیدایش آن پیش از دهه چهارم سده سوم میلادی نبوده است. نه تنها از شکل افسر شاهی، بلکه از یکرته تصویرها (بعنوان نماده)، تصویر چاشنی شاهنشاه و آئین او در نقش تاجگذاری فیروزآباد می‌توان دانست که نقشهای اردشیر از لحظه تاریخی تا این اندازه متأخرند. برای اطلاع از شرح بیشتری درباره نقشها را که به بخش هفتم کتاب.

آمده و پیشتر از آنها سخن رفته، تصویر اهورامزدا مشاهده می‌شود؛ اردشیر از سوی ایزد بزرگ زرتشیان به فرمانروایی ایران گمارده می‌شود. تصویر اهورامزدا در نقشه‌ای اردشیر یکم بر صخره‌ها درست همانند تصویر شاهنشاه بر سکه‌های نوع IV است. در تصویر نقش دستم (شماره ۳) (که از آخرین نقشه‌ای اردشیر یکم است) اهورامزدا بر اسبی نشسته که آرایش آن درست همانند آرایش اسبهای اردشیر و شاپور است. پوشش ایزد نیز همانند پوشش اردشیر و شاپور تصویر شده است.

با تعبیین تاریخ پیدایش نقش اردشیر یکم (بیاری سکه‌ها) می‌توانیم به پرسش درباره زمان پیدایش یکرشته اندیشه‌های سیاسی و ایدئولوژی در دربار شاهنشاهان سasanی پاسخ گوئیم. چنانکه بارها خاطر نشان شده نقشه‌ای تاج بخشی ازوی ایزد در نقش دستم، پیروزی اردشیر بر اشکانیان را از نظر مظهری بهوجه بهتری تصویر نموده است. شاه اشکانی در زیر اسب اردشیر، واهرین که مظهر تاریکی و شر است در زیر سم اسب اهورامزدا افتاده‌اند. این نقش نموداری از روحیات ضد پارتی شاهان سasanی و پیروزی و شکوه آئین زرتشتی است. این هردو اندیشه در مآخذ کتبی بروشنی تعقیب شده‌اند، ولی هیچیک از دو اندیشهٔ یاد شده بهنگام پادشاهی اردشیر پذید نیامده‌اند. تنها از شهادت سکه‌ها و بررسی ویژگی نقشه‌ای سasanی و اطلاعات غیر مستقیمی که از نوشه‌های زمان آغاز شاهنشاهی سasanیان بر صخره‌ها پذید آمده می‌توان تا حدی به جریان پیشرفت این اندیشه‌ها پی‌برد. بهر تقدیر، تأثر تاریخ نقش حاکمی از آنست که پیروزی اندیشهٔ ضد اشکانی و کوشش آگاهانه جهت احیای شاهنشاهی روزگار باستان و پیروزی و شکوهمندی آئین زرتشت، هر گز بلا فاصله و متعاقب پیروزی بر آخرین شاهنشاه اشکانی و اعلام شاهنشاهی اردشیر بر ایران صورت نپذیرفت. سکه‌ها نمودار آنند که این اندیشه‌ها بتدریج و انداک‌اندک پذید آمده‌اند و تاریخ شکل یافتن کامل آن باید

متعلق به پایان فرمانروایی نخستین شاهنشاه ساسانی باشد. زمان انتشار سکه‌های نوع II - IV اوایل و اواسط دهه چهارم سده سوم میلادی است. این سکه‌ها بنا بر قاعده باید معرف تاریخ پیروزی آئین زرتشت به عنوان آئین رسمی کشور باشند در این زمان جز تصویر ایزد بزرگ (که تقليدي از تصویر شاهنشاه بر سکه‌های نوع IV است)، عنوان کامل شاه (که نخستین بار بر آخرین سکه‌های نوع II از لحاظ زمانی نوشته شده است) و تصویر آتشکده شاهی (که بار يكم بر نخستین سکه‌های نوع II ضرب گردیده است) نيز مشاهده می‌شود.

## ۵۵۵

بر نقشهای ویژه تاجگذاری (یاتاچ بخشی از سوی ایزد - M) گذشته از تصویر ایزد و شاهنشاه، تصویر بزرگان و درباریان بلندپایه نیز دیده می‌شود. پوشالک آنان بگونه پوشالک شاهنشاه نیست. ولی کلاهشان به کلاه شاهپور واردشیر که در نخستین سکه‌های اینان تصویر شده‌مانند و نزدیک است. در نقشهای ویژه تاجگذاری اردشیر، بر سر کسانی که تصویر گشته‌اند، همه انواع افسری که تا کنون در سکه‌ها تصویر شده است دیده می‌شود.

همانگونه که پوشالک شاه به نمونه‌ای جهت تصویر یزدان بدل شد، تصویر اردشیر بر سکه‌ها با جهات مشخصه فردی او نیز بعداً برای نمودار ساختن «شکل نمونه» از سوی شاهان و بزرگان مورد استفاده قرار گرفت.

در واقع همه نمودارهای هنر ساسانی در تصویرها، نقشهای بر جسته و سکه‌ها منعکس شده است. تنها بخش اندک و محدودی از این «نمودارهای رسمی» در دسترس ما است. این نمودارها عبارتند از «تصویرهای» شاهان و ایزد بزرگشان، «تصویرهای» درباریان و بزرگان، تصویر دشمنان شاهنشاهان که زیر سم اسبان افتاده‌اند. آثاری که جنبه رسمی داشته‌اند و حاکی از پیروزیها و یا «فهرست منصبها و درجه‌ها» بوده‌اند. شاهنشاهان ساسانی این نمودارهای اندک و محدود را بایه

هر شاهنشاهی ارتقاء دادند و سبب عمدۀ این بود که در آنها اعلامیه‌ها و آئینه‌ای دودمان تازه بصورت روشنتری بیان شده است . «تصویرهای رسمی » که بهنگام شاهنشاهی اردشیر یکم پدیدآمد، در آن دوران به هنر رسمی ساسانی بدل گشت. این هنرجنبه تبلیغی داشت، زیرا هر دگر گونی اندیشه می‌بایست در این آثار نمودار شود. گمان می‌رود این نکته بمعنای تغییر دین شاهی باشد که بی‌گمان دارای مظاهر (سمboleای) دینی است و بر همه آثار هنر رسمی این دوران مشهود است . ولی چنانکه پیشتر گفته شد آثار رسمی ساسانیان از لحاظ هنری دارای همان منشأی است که هنر رسمی اشکانی بدان منکی بوده است. تفاوت هنر دوران ساسانی بطور کلی در آنستکه جاها را تغییر داده است:

در روزگار شاهنشاهی اشکانیان «کارهای تبلیغاتی» یکی از کارهای متعدد و بسیار بشمار می‌رفت و در آثار اشکانی بنا به معمول، تبلیغ درباره شاهنشاه صورت نمی‌گرفت، بلکه درباره فرم ازدواج و ایام وابسته به شاهنشاه انجام می‌شد (باقریب در همه نقشه‌های تاجگذاری پایان شاهنشاهی اشکانیان که بر صخره‌ها باقی مانده شاهان استانهای گوناگون سرزمین پارتبی همانند شخصیت‌های مرکزی تصویر گشته‌اند)، ولی در روزگار شاهنشاهی ساسانیان اصل تبلیغ بنا بر ویژگی‌های معینی که حکومت ساسانی داشت به خط مشی واصل عده بدل شد.

هنر رسمی ساسانی از آن‌رو تا این اندازه نو بنظر می‌رسد که از مجموع آثار هنری پارتبی تنها با مظاهر محدودی سروکار داشتند که مستقیماً به موضوع تبلیغ مربوط بوده‌اند.

## بغشی صورم

## شاپور و لشکر کشی به غرب

بسال ۲۶۲ میلادی فرستاد گان شاپور یکم نامه‌ای به شاهان سرزمینهای همسایه تسلیم داشتند. در نامه‌ها خبری بود حاکم از آنکه در پیکارهای نزدیک شهرهای کاری<sup>\*</sup> و ادسا<sup>\*\*</sup> هفتاد هزار تن از سپاهیان روم منهدم گشتند و والریانوس (والرین - م) امپراتور روم به مراء صاحب مقبان لشکری و کشوری خویش اسیر شد؛ سوریا و کیلیکیه و کاپادوکیه دستخوش آتش گردید و از سکنه خالی و تصرف گشت.

بر خورد فرمانروایان سرزمینهای مختلف نسبت به گزارش و آگاهی از این پیروزی گوناگون بود، اردوواز پنجم شاه ارمنستان به شاپور چنین پاسخ داد: «از پیروزی و افتخار تو خرسندم، ولی بیم آن دارم که پیروزی تو دیری نباید و بذر جنگ وستیز کشته باشی. فرزندان و نوادگان والریانوس و فرمانروایان رم خواستار [آزادی] او خواهند شد... مردی پیر را به اسارت گرفته‌ای ولی همهٔ تیره‌های آن سرزمین را دشمن خویش ساخته‌ای»<sup>۱</sup>. برخی (از جمله اییرها (گرجیان - م) آلبانها (ارانها - م) و (کوشانیان) از دریافت نامهٔ شاهنشاه ایران خودداری کردند

\* - کاری Karri همان سرزمین حران است - م.

\*\* - ادسا Edessa از شهرهای باستانی میانرودان است که ترکان اورفا و تازیان الرها نامیده‌اند - م.

۱ - یولیوس کاپیتولنوس، دو والریانوس، § ۷-۶ نقل قول از ک.و. ترور در کتاب «شرحی مختصر دربارهٔ تاریخ و فرهنگ آلبانیای قفقاز»، ص. ۱۳۳-۱۳۴ و ۳۰۷-۳۰۸.

و به رومیان وعده یاری دادند.

این رویداد در آن زمان بر همگان اثری عمیق بخشید و پس از گذشت روز گارانی دراز نیز از خاطرها زدوده نشد. تاریخ نگاران اوایل سده‌های میانه ضمن گفتن‌گو از پیروزی‌های در خشان شاپور یکم و شاپور دوم داستان‌هایی درباره شاهنشاه ساسانی و «فرمانروای روم» پدید آوردند و واقعات تاریخ را بزیور افسانه‌های گونه‌گون آراستند.

تاریخ نخستین پیکارهای شاهنشاهان ساسانی با افسانه‌ها و آگهی‌هایی چون بنای پل بر رود کارون که سد کساریا Kesaria (قیصریه - م) نام گرفته و شاید وسیله‌ای رومی بنامده محدود گشته است. پنج نقش بر جسته عظیم، این پیروزی را مجسم ساخته‌اند.<sup>۱</sup>

در این نقشها امپراتوران روم زیر سم اسب شاپور، برابر اسب شاپور زانو بر زمین زده و نیز در بند و زنجیر تصویر شده‌اند. در نقشه‌ای نامبرده سپاهیان روم در حالیکه هدیه‌ها و غنیمت‌هایی در دست دارند و نیز افراد گارد شاهی و بزرگان و در باریان ایران نیز مجسم گشته‌اند. ولی دانشمندان و پژوهندگان که امکان تعیین تاریخ دقیق این نقشها و روش ساختن این نکته را نداشتند و نمی‌دانستند که در واقع کدامیک از امپراتوران روم بر این نقشها تصویر شده‌اند، تا چندی پیش معیار داوری‌شان بر پایه مآخذ متأخر بود و گاه برسر این مطلب نیز اختلاف داشتند که نقشه‌ای نامبرده کار استادان رومی بوده است یا استادان محلی [۱۰۰، ۸۳].<sup>۲</sup>

. [۵۵ VB]

کنیه پیروزی شاپور یکم در سه پیکار با رومیان (کنیه شاپور در کعبه

۲- نقش بر جسته دارابگرد: VB, 64d, c، سه نقش بر جسته در بیشاپور، مراسم تاجگذاری شاپور یکم - VB, 78؛ پیروزی «بزرگ» شاپور - VB, 77a؛ پیروزی «کوچک» شاپور - VB, 77b؛ پیروزی در نقش دستم - VB, 29d.

زدشت) یکی از مآخذ عمدۀ تاریخ سیاسی آن روزگار است. نوشهای این کتبه همراه با سکه‌های اردشیر و شاپور، و نیز صحنه «پروزیهای» ایسن شاهان که بر صخره‌ها نقش گردیده است سبب می‌گردد تا رویدادها باندازه‌ای کم و یعنی وسیع بررسی و دانسته شود. در ضمن از بررسی نوشهای سیناگوک<sup>\*</sup> دورا – اروپوس بزمان فارسی میانه که چندی پیش توسط گیگر Geiger انتشار یافت می‌توان اطلاعات بیشتری بدست آورد [۳۱۷، ۲۸۳ – ۷۵].

از سیاست اردشیر یکم اطلاع زیادی در دست نیست. طبری در این باره چنین نوشه است: «اردشیر باز از سواد عازم استخر شد و از آنجا نخست به سکستان و پس به گرگان، ابرشهر، مرو، بلخ، خوارزم و تا انتهای سرزمین خراسان رفت. او بسیاری مردمان کشت و سرهاشان به معبد [الله] اناهیتا فرستاد و از مرو به پارس باز گشت... در اینجا فرستاد گانی از نزد کوشانشاه و شاهان تر کستان و مکران پیش او آمدند و مراتب اطاعت خویش را عرضه داشتند [۱۲۸، ۱۷ – ۱۸]. در نوشهای تاریخی متأخر چنین آمده که بهنگام پادشاهی اردشیر، همه اران تا مرزهای شرقی و نیز خوارزم به اطاعت او در آمدند ولی آنچه در کتبه‌ها آمده بگونه دیگری است. ارمنستان، استانهای گرجستان و ادیابنه در غرب تا هنگام مرگ اردشیر هنوز جزء ایرانشهر نبودند. راست است که استانهای وسیعی در مشرق کشور از جمله ابرشهر، مرو، سکستان و کرمان، شاهنشاه را برسمیت شناختند، ولی دوستانهای شاهان محلی همچنان بر این سرزمینها فرمانروایی داشتند. گمان می‌رود دولت مرکزی در سرزمینهای تحت فرمانروایی سورها، قارها وورازهادخالتی چندان نداشت. تنها پارس، خوزستان و آذربایجان دستگرد (دستکرت) شاهنشاه بود. ایران بهنگام پادشاهی اردشیر بدانگونه که رومیان در سده چهارم میلادی آنرا شناختند، دولت واحد و متمرکزی نبود. در این دوران

\* - سیناگوک SYnagoque برستشگاه یهودان است -.

ایران با روم بذود آزمایی پرداخت. به سال ۲۳۵ میلادی یعنی سه سال پس از آخرین پیکار اردشیر بالشکانیان که بدنبال آن شاهنشاه لقب یافت، سواران ایرانی پادگانهای رومی را در میانرودان سخت نگران داشتند و به سال ۲۳۱ سپاهیان اردشیر به استانهای سوریا و کاپادوکیه رخنه کردند.

خطر حمله ایران باندازه‌ای جدی بود که به سال ۲۳۲ میلادی الکساندر سور\* امپراطور روم فرماندهی سپاهیان رومی را در شمال میانرودان خود بر عهده گرفت. دospاه دیگر رومیان در ارمنستان و فرات مستقر شده بودند [۲۴، ۴۱۴ – ۴۱۵]. الکساندر سور و سپاهیان او بطور کلی دست به پیکار نزدند. ارمنستان سپاهیان رومی توفیقه‌ایی چند بچنگ آوردند. لشکریان روم در جنوب کوشیدند تا به جنوب و فرات سرازیر شوند و پاینخت ایران را بتصرف آورند. ولی سپاهیان اردشیر راه را بر آنها بستند و لشکریان روم آسیب فراوان یافتد. با وجود تلفات سنگین رومیان نتیجه جنگ معلوم نشد. هریک از دوطرف خود را پیروز خواندند: الکساندر پیروزی بر ایرانیان را با شکوه فراوان جشن گرفت، و در ایران نیز گمان بر این بود که سواران ایران به پیروزی در خشان نائل آمدند. گرچه میانرودان حدود چهارسال آرامشی نسبی داشت، با این‌مه جنگ میان دودولت در واقع پایان نیافت.

به سال ۲۳۷ میلادی باز آتش جنگ شعلهور گردید. در این پیکار شاپور فرزند اردشیر فرماندهی سپاهیان ایران را بر عهده داشت. موققیتهای وی نشان داد که او فرماندهی بسیار بالستعداد و با کفایت بود. کمی پس از تاجگذاری اردشیر یکم، جانشینی شاپور اعلام شد. در کنیه‌ها چیزی در این باره نیامده است ولی نقشها بنحوی بسیار روشن مؤید این نکته‌اند. بتقریب در همه نقش‌های بر جسته از مراسم تاجگذاری اردشیر یکم، شاپور با کلاهی دارای نشان ویژه جانشین

شاهنشاه تصویر شده است. دوره‌ای از سکه‌ها موجود است (سکه‌های نوع VI) که بر روی آنها تصویر شاهنشاه اردشیر یکم و نیز شاپور بر جایگاه ولايتمدی دیده می‌شوند.

در این زمان جنگ در مرزهای غربی ایران جنبه مداوم نداشت، بلکه به صورت حمله و تاخت و تاز به شهرهای عمدۀ میان‌رودان، سوریا و ارمنستان بود. سپاهیان ایران در صورت موفقیت اراضی متفرقه را دستخوش غارت می‌ساختند (در کنیه‌های آغاز شاهنشاهی ساسانیان: «غارا، انهدام و حررق» آمده است) و با غنیمت‌ها و اسیران بسیاری که به چنگ می‌آوردند سپاهیانی را در مناطق اتکاء مستقر می‌داشتند و در دیگر بخشها به عملیات جنگی می‌پرداختند. آمین‌مارسلین تاریخ‌نگار رومی که سده چهارم میلادی در جنگهای ایران و روم شرکت داشته می‌نویسد: «زنده ماندن آنان (اساسنیان) مرهون یک‌چیز و آن حمله ناگهانی بود، در دیگر موارد آنان بحسب بسیاری شماره سپاهیان ما متحمل تلفات‌می‌گشتد». [۱، ۹، XXI].

در پیکار سالهای ۲۳۸ - ۲۴۰ میلادی شاپور توانست حتره<sup>\*</sup> را که دری استوار داشت و مرکز دولت مستقل کوچکی بود بتصرف آورد و این تنها موفقیت عمدۀ سپاهیان ایران بود. در آن‌زمان تاخت و تاز‌ها به «عملیات جنگی بزرگ» منجر نشد. تا پایان شاهنشاهی اردشیر هنوز ساسانیان در مرزهای غربی پیروزیهای پایداری نداشتند. چنین بنظر می‌رسد که ساسانیان در ارمنستان - که در آن روزگار سرنوشت سیاسی خود را واپسۀ روم ساخته بود - عملاً نیرویی نداشتند.

سال ۲۳۵ میلادی سنای روم فرماینده ای ماکسیمین امپراطور جدید روم را که در رأس سپاهیان شورشی علیه دودمان سورها<sup>\*</sup> بپا خاسته بود برسمیت شناخت

\* - حتره Hatra که تازیان آنرا الحضر نامیده‌اند بخشی است در میان‌رودان - م. Sever - \*

این «امپراطور سپاهی» دیوری نباید. یکسال بعدرم، ایتالیا و دیگر استانها از فرمان او سر باز زند و چندی نگذشت که ماکسیمین وبالین و گوردیانوس هرسه خود را امپراطور خواندند. پس از سه ماه ماکسیمین وبالین بر اثر توطئه های سیاسی بدست سپاهیان کشته شدند و تخت امپراطوری تنها برای گوردیانوس چهارده ساله بجا ماند.

این زمان برای امپراطوری روم روزگاری بس دشوار بود. گنها و داکها<sup>\*</sup> از رود دانوب گذشتند و ایستر را بتصرف خویش آوردند. ژرمنها و فرانکها مرزهای رن را تهدید می کردند. نیروهای ایران در حران تمربکز یافند و آبگار دهم که دست نشانده رومیان در الارها بود با شاپور یکم بهمذاکره پرداخت و خطر حمله سپاهیان ایران سوریارا تهدید می کرد.

سال ۲۴۲ میلادی «گوردیانوس دروازه دوردیانوس را گشود و این نشانه اعلان جنگ و لشکر کشی به ایران بوده» [۳۸۱، ۱۴۰]. گای فوریوس تیمسفی<sup>\*</sup> والی پر توریا<sup>\*\*</sup> (فرمانده گارد که دخترش همسر امپراطور بود) فرماندهی سپاهیان رومی را در شرق بر عهده داشت. وی بادقت به گردآوری سپاه پرداخت و آبگار دهم را از فرمانروائی ادسا (الرهـاـ اورفا) برانداخت. سپاه روم روانه مسیر سفلای فرات شد. دنباله رویداد هارا شاپور یکم در کتبیه خویش در «کعبه زرتشت» چنین آورده است: «زمانی که فرمانروایی کشور را بر عهده گرفتم گوردیانوس کسار (قیصر) از سراسر امپراطوری روم سپاهی از گنها و ژرمنها گرد کرد و از سوی اسورستان به ایران شهر و بر ما هجوم آورد. نزدیک مرزهای اسورستان و شهر مسیح Mesih پیکاری سخت در گرفت. گوردیانوس، قیصر کشته شد و سپاهیان روم از هم

\* - داکها تیره ای از مردم تراکیه اند - .

Gay Furius Timesfey - \*

.Prētoria - \*

فرو پاشیدند، و رومیان فیلیپ را به قیصری بر گزیدند. و فیلیپ قیصر بسوی ما آمد و در خواست صلح نمود و پانصد هزار دینار بخطاطر زندگانی یاران خویش بما پرداخت و خراجگذار ما شد. و ما بدین سبب مسیح را «پیروز - شاپور» نام نهادیم<sup>۲</sup>.



تصویر شماره ۸ پیروزی شاپور یکم، نقش رستم، اقتباس از تصویر کرپورتر

تا کنون چگونگی مرگ گوردیانوس ناروشن مانده است. شاید فیلیپ که نخست تیمسفی والی پرتوریا را از سر راه خود برداشت دست اندر کار مرگ گورد - یانوس بود<sup>۳</sup>. و نیز چنانکه از کنیه شاپور بر می آید ممکن است امپراتور ضمن

۳- کنیه شاپور در کعبه زرتشت، متن پارتی، سطرهای ۴-۳.

۴- د.ك، به Sapor KZ and Roman History (شاپور، کنیه کعبه زرتشت و تاریخ روم) ص ۱۴۴-۱۴۳، [۲: ۳۳۸-۳۳۹].

نبرد با پیاپی ایران کشته شده باشد. بهر تقدیر گورديانوس چه در پیکار کشته شده باشد و یا بدست عمال فیلیپ بقتل رسیده باشد، پس از مرگ در شمار «خــدايان» در آمد و صد سال بعد یولیانوس (ژولین - ۳) یکی دیگر از امپراتوران روم که به قصد لشکر کشی روانه ایران شد در برای آرامگاه او در نزدیکی شهرداری قربانیها کسرد. ولی این قربانیها برای امپراتور ژولین نیکبختی بیار نیاورد [۱۷۱، ۲، ۵XIII].

دونقش که بر صخره ها نقش شده ویژه این پیکار است.

در باره یکی از این دونقش - نقش دارا بگرد (شماره ۵) پیشتر سخن راندیم؛ در این نقش منظره پیروزی مجسم گشته است در میانه نقش، اردشیر یکم سوار بر اسب دیده می شود. در زیر سم اسب اردشیر، گورديانوس نگون گشته و پیش روی شاهنشاه، فیلیپ عرب دیده می شود. علاوه بر این در نقش افراد گارد شاهنشاهی و بزرگان و درباریان تصویر شده‌اند.

بدین روال نقش و کتیبه با یکدیگر متصاد و متباین‌اند. شاپور یکم در کتیبه خود را فاتح شهر مسیح «پیروز - شاپور» می خواند و می نویسد («زمانی که فرمانروایی کشور را بر عهده گرفتم»). ولی در نقش، فاتح جنگ پدرش اردشیر یکم است. نقش ویژه تاجگذاری شاپور یکم در بیشاپور به همان پیروزی اختصاص داشت (شماره ۶). طرح و ترکیب نقش نامبرده درست همانند نقش ویژه تاجگذاری اردشیر یکم بر صخره‌های نقش رستم است. همانند نقش اردشیر در نقش رستم، اسب اهورامزدا اهربیمن را در زیر سم خویش لگد کوب کرده است (شماره ۳). همانند نقش اردشیر در دارا بگرد، چهره‌ای که از دشمن شاپور در زیر سم اسب او تصویر شده، از آن گورديانوس امپراتور روم است. مفهوم این نقش مانند مظاهر منظره تاجگذاری نقش رستم بسیار واضح و روشن است. پیروزی شاپور بر گورديانوس همپایه پیروزی خدای روشانی بر خدای تاریکی است. شاپور یکم بنحوی مؤثر

و تا اندازه‌ای خودستایانه اثر نخستین پیروزی خود را مجسم کرده و آنرا با پیروزی اردشیر بر شاهنشاه اردوان پنجم مقایسه می‌کند و برای آن ارزش همان کاری را قائل است که زیر فرمانروایی دودمان نوین برای وحدت ایران زمین انجام گرفته است. باز هم تضادهایی برآبر ما پدیدار می‌گردد: نقش تاجگذاری شاپور یکم موافق نوشهای او است ولی موافق نقش دارابگرد نیست. هر دو نقش دارابگرد و بیشاپور یک پیروزی را مجسم می‌سازند ولی فاتح دو تن اند نه یک تن. در نوشهای تاریخ نگاران ایرانی و تازی چنین آمده است که اردشیر در پایان زندگی، فرزند و جانشین خود شاپور را در شاهی شریک واباز کرد. شاید این خبر را بتوان درست دانست. زیرا چنانکه پیشتر آمد، بر رویه آخرین سکه‌های دوران پادشاهی اردشیر یکم، (نوع VI) اردشیر و شاپور با هم تصویر شده‌اند.

ولی در این سکها شاپور دارای نشانه ولایت‌عهدی است و بهتر است انتشار این سکها را نشانه‌ای از حق نشستن فررند بجای پدر و حق ولایت‌عهدی مستقیم بخوانیم که بر سکه‌های دولتی ضرب شده و نیز آنها را نموداری از ادامه ضرب سکه‌های شاهان پارس بگونه‌ای خود ویژه بشماریم (بر رویه سکه‌ها تصویر سر - دودمان فرمانروا و برپشت آنها تصویر فرزند سر دودمان ضرب شده است). بدین روال نه سکه‌ها و نه مأخذ متأخر هیچیک تضادهای گفته شده را بر طرف نمی‌سازند.

حال تاریخها را می‌آزمائیم. چنانکه می‌دانیم تاریخ جلوس شاهنشاهان ساسانی بر تخت سلطنت ممکن بود با تاریخ تاجگذاری رسمی یکی نباشد. بنا بر آئین کهن هنوز در روز گار هخامنشیان، شاهنشاه جدید در نوروز (نخستین روز سال نو) باشکوه فراوان تاج بر سر هی نهاد. در روز گار هخامنشیان برای تاجگذاری شاهنشاه جدید در جشن نوروز کاخی باشکوه در کنار مجموعه کاخهای

تحت جمشید بنا می شد. چنانکه از کتبیه شاپور در پیشاپور دانسته شد، بهنگام فرمانروایی ساسانیان، شاهنشاه در آتشکده «شاهی» که بافتخار چنین رویدادی بنا شده تاج برسر می نهاد. مراسم تاجگذاری رسمی شاپور یکم در ماه آوریل سال ۲۴۳ میلادی برگزار شد. اگر چنین انگاریم که نخستین پیکار با رومیان حتی پس از برتحت نشستن شاپور یکم پایان پذیرفته باشد، با اینهمه پیش از تاجگذاری رسمی او در ماه آوریل سال ۲۴۳ میلادی بوده است. در اینصورت تضاد میان نقشهای بر جسته و کتبیه از میان می رود و چنین بنظر می رسد که شاپور یکم پس از پیروزی و تصرف شهر مسیح فرمان داد تا نقش این پیروزی را بر صخره ای در دارابگرد نقر کنند. در این نقش شاپور هنوز نمی توانست خود را بعنوان فاتح جنگ معروفی کند. بار دوم این صحنه را بر نقش ویژه مراسم تاج گذاری که بلاfaciale پس از مراسم تاجگذاری، یعنی پس از ماه آوریل سال ۲۴۴ میلادی بود تکرار کرد. سکه های دو تصویری اردشیر که پیشتر از آن سخن رفت بویژه مؤید این فرضیه است. نوشته رویه این سکه ها چنین است: *Shpwery MLK'yr'n MN W* [MN yzd'n] *try* [MN yzd'n] ۱۳۲، شماره ۵۹۶—[شاپور، شاه ایران که چهر از این دارد]. گرچه در نوشته نام شاپور آمده، ولی عنوان او («شاه» است نه «شاهنشاه»، در ضمن نوشته فاقد عنوان «*mzdysn bgy*» (بغ مزاد پرست - م) است)، و نیز نشانه های او (کلاه ولاینعهدی که فاقد افسر شاهنشاهی است) و بودن تصویر اردشیر با نشانه های کامل شاهنشاهی بر این سکه ها خود دلیل آنستکه این سکه ها گرچه بفرمان شاپور پیش از مراسم تاجگذاری ضرب شده (تاریخ دقیق سکه ها پیش از ماه آوریل سال ۲۴۳ میلادی است) با اینهمه هنوز اردشیر یکم شاهنشاه ایران بوده است. بر پشت این سکه ها نقش قربانگاه مذهبی سکه های پیشین اردشیر یکم ضرب شده است. نوشته پشت سکه های نامبرده چنین است: *ZY'rthstr NWR' ZY'rthstr* «آتش اردشیر» آتشکده ویژه تاجگذاری شاپور هنوز در این روزگار بنا نشده بود.

بدینگونه نقشه‌ای صخره‌ها و سکه‌ها تاریخ پایان نخستین پیکار شایپور را در غرب و نیز زمان نخستین پیمان صلح در تاریخ شاهنشاهی ساسانیان (صلح با فیلیپ عرب) را روشن می‌سازند.

گمان می‌رود همه‌غرامتی را که ساسانیان گرفتند پانصد هزار دینار بوده است.<sup>۵</sup> ولی مرزهای دو کشور تغیری نیافت و ما از پرداخت غرامتهاي دیگري که فیلیپ عرب به شایپور وعده داده بود آگاه نیستیم. اما بطور وقت دست و بال شایپور جهت فعالیت در دیگر استانها گشاده شد.

ما آخذ متاخر از لشکر کشی شایپور یکم به شرق و حدود خراسان و عملیات جنگی موقيقیت آمیز او در ارمنستان و قفقاز و پیکار برای تصرف کرانه‌های دریای مازندران آگاهی داده اند. وحال آنکه روشن ساختن درستی و نادرستی این آگاهی‌ها تا اندازه‌ای دشوار است. چنین می‌توان پنداشت که شایپور تا سال ۲۶۲ میلادی (تاریخ نگارش کتبیه شایپور در کعبه زرتشت) میشان (شایپور فرزند شایپور- یکم بفرمانروایی این سرزمین گمارده شد)، بخشی از ارمنستان (هرمزد اردشیر فرزند بزرگتر شایپور یکم با عنوان «بزرگ ارمنستان شاه» براین استان فرمانروایی یافت)، گیلان و نواحی ساحلی دریای مازندران (براین نواحی به رام فرزند دیگر شایپور فرمانروایی داشت) و نیز «سکستان، تورستان و هند تا کرانه‌های دریاء (این سرزمین زیر فرمان فرسی یکی دیگر از فرزندان شایپور بود)، مرو، ابرشهر و دیگر استانهای شرقی را بزیر فرمان خویش آورد. در برخی از این نواحی دودمانهای فرمانروایی پیشین سرنگون شدند و زمینهای آنان به تملک خاندان شاهنشاه درآمد و برخی نواحی نیز از تو تصرف شد. رویدادهای مر بوط به لشکر کشی‌ای شایپور به شرق تا اندازه‌ای ناروشن مانده و اگر اطلاعی نیز از این لشکر کشیها می‌رسیده از نظر تاریخی بسیار متاخر است. ولی سکه‌های نقره

<sup>۵</sup>- در این باره ر.ک، به ۸۸۱، ۲۶۱-۲۸۳.]

وطلایی از شاپور یکم بجا مانده که بر پشت آنها نام «مررو» ضرب شده است. این سکه‌ها هیچگونه تفاوتی با سکه‌های ضرب شده از سوی حکومت مرکزی شاپور یکم ندارند و نام محل ضرب این سکه‌ها بروشنب نشان می‌دهند که استانهای مررو و ابرشهر در محدوده شاهنشاهی شاپور یکم و فاقد شاهمان محلی بوده‌اند. این استانها نیز مانند دیگر استانها استقلال نداشتند. سکه‌های حکومت مرکزی که تنها شاهنشاه ایران حق انتشار آنها را داشت، جایگزین سکه‌های فرماتروا و ایان پیشین شهر مر رو شد.<sup>۶</sup>

گرچه رویدادهای شرق اهمیت فراوان داشته، با اینهمه بنا بر اطلاعاتی که تاکنون بما رسیده در آنروزگار پیکار در مرزهای غربی برای ایران از همه همتر بوده است. نخستین پیروزی در جنگ زر فراوان در اختیار شاپور گذارد ولی سبب تصرف پایدار سرزمینهای نوینی نشد. شاپور جنگ در غرب را از سر گرفت. ادامه پیکار آسان بود، زیرا در آنزمان روم در نتیجه پیکار با گنها و شورش افریقا و ناسامانهای مداوم داخلی ناتوان شده بود. مراسم جشن هزاره شهر قدس<sup>۷</sup> (۲۴۸ میلادی) با اندوه فراوان برگزار شد. بازیهای سیاسی ارمنستان و ادیابنه رفته رفته اهمیت بیشتری کسب می‌کرد. بهنگام نخستین جنگ ایران با رومیان خسرو، شاه ارمنستان با لشکریان شاپور به پیکار برخاست، ولی پس از شکست رومیان وی دیگر نمی‌توانست به کمکهای آنان تکیه کند. راست است تاریخ نگاران ارمنی (موسی خورنی و مأخذ مورد استفاده او آگافانگل و غیره) از موقعيت‌های سیاه ارمنستان در اسورستان و بنیاد اتحاد ارمنیان با دیگر تیره‌های قفقاز که در روزگار خسرو، شاه ارمنستان صورت پذیرفته آگهی داده‌اند، با این

۶ - مقصود نگارنده دینار منحصر بفردی است که در شهر «مررو» ضرب شد. و اکنون در موزه دولتی ارمنیاز موجود و در نمایشگاه دائمی در معرض نمایش همگان است. در ضمن درهمهای نقره‌ای دیگری نیز وجود دارد که از لحاظ شکل تمام و کمال همانند دینار تأثیرده است.

۵۵ هم آنان خاطر نشان ساختند که ارمنستان بسبب پیمان شکنی شاهنشاه بنصرف سپاهیان ایران درآمد (اناک Anak شاه ارمنستان که از دودمان سورنه و برگمارده شاهنشاه ایران بود کشته شد) [۲۳، ۱، ۳۵؛ ۱۲۲]. ولی اوضاع ارمنستان در فاصله سالهای ۲۲۴-۲۵۳ میلادی هرچه بوده، می‌توان گفت که بخشی از آن سرزمین بنصرف سپاهیان ایران درآمد وضمیمه «دستکرت» شاهنشاه ایران گردید و هرمزد اردشیر فرزند بزرگتر و جانشین شاهنشاه بفرمان رازوایی این سرزمین گمارده شد. در آن زمان ادیابنه نیز فرمان شاهنشاه را گردند نهاد. ولی روم با از دست دادن نفوذ خویش در این استانها خواهان آشتنی نبود و مبارزه بر سر ارمنستان سبب جنگهای بعدی ایران و روم گردید. شاپور در کتبیه «کعبه زرتشت» نوشت: «بدنبال آن قیصر باز مارا فریفت و ارمنستان را دستخوش جور و ستم ساخت و ما به امپراتوری روم حملهور شدیم». این حوادث بهنگام امپراتوری گاله در روم (سالهای ۲۵۱-۲۵۳ میلادی) والرین (که ۲۲ ماه اکنون سال ۲۵۳ میلادی بر تخت امپراتوری روم نشست) روی داد. پیکار نخست در زمینهای سوریا در گرفت و پس پیکار عده کنار دژ بارباليس روی داد. در نوشته شاپور یکم چنین آمده است: «سپاه روم که شامل شصت هزار سپاهی بود کنار بارباليس در هم شکست و سوریا وهمه آنچه که گردا گرد اسوریا بود به آتش کشیده شد و از سکنه خالی و ویران گشت». شاپور یکم از سی و هفت شهر و دژ از جمله سلوکیه، انطاکیه، نیکوپولیس، ایروپولیس\*، دورا اروپوس و برخی شهرهای دیگر سرزمین کاپادوکیه که بنصرف سپاهیان ایران درآمد نام می‌برد [کتبیه شاپور یکم در کعبه زرتشت، متن پارتی، سطرهای ۵-۹]. مآخذ موجود اطلاعات جامع تری در باره این جنگها نداده اند. آمین مارسلین که صد سال پس از این رویداد جریان واقعه را بشرح آورده از چگونگی تصرف انطاکیه توسط سپاهیان شاپور

Ieropolis - \*

یکم یاد کرده است. وی چنین آورده است: «هنرپیشه‌ای که در هنر ش از کنایه‌ها و اشاره‌ها استفاده می‌کرد با همسر خود بهنگام نمایش، صحنه‌ای از زندگی را مجسم می‌ساخت و تماشاگران سخت شیفته هنرنمایی آنان شده بودند. ناگهان زن گفت: «اگر این خواب نیست، پس آنگاه ایرانیانند!». تماشاگران روی بر گردانند و هر یک می‌کوشیدند تاخویشن را از باران تیر رها سازند، هر کس که توانست بگوشهای پناه برد. شهر به آتش کشیده شد. بسیاری از مردم... بقتل رسیدند. دشمنان شهر را غارت کردند و سوختند و باغیمه‌های بسیار و بدون برخورد با مانعی به سر زمین خویش باز گشتند» [۲، ۵، ۳].

تصویر شاپور در نقش رستم (شماره ۷) که حاوی منظرة پیروزی او است با دیگر تصویرهای پیروزی تقاضی دارد و آن اینکه در نقش رستم تنها شاهنشاه بر اسب سوار است و دو دشمن او امپراتور روم و یکی از بزرگان آن سرزمین که به اسارت در آمده بودند، بر ابر شاپور به عالم احترام زانو بر زمین زده‌اند. پوشاك امپراتور روم و سلاح و چهره او درست مانند پوشاك و سلاح و چهره فیلیپ عرب است که بر نقش ویژه تاجگذاری شاپور (شماره ۶) تصویر گردیده است. همگون جلوه گرساختن شخصیتها بطور کلی نشانه‌ای از هدف واحد در پدید آوردن این نقش‌ها است. در نقش رستم نیز امپراتور روم مانند نقش بیشاپور تصویر شده است و از شاهنشاه «در خواست صلح» می‌کند. و حال آنکه در نقش رستم تصویر از فیلیپ عرب امپراتور روم نیست در اینجا امپراتور روم کلاه دیگری بر سر دارد. چهره امپراتور در نقش رستم و نیز تاج او درست همانند تصویر والرین امپراتور روم در دونقش «بزرگ» ویژه پیروزی شاپور یکم در بیشاپور است.<sup>۷</sup>

بدین روای تصویر دوهین پیروزی شاپور بر رومیان که نزدیک باربالیس

۷ - درباره نقشهای ویژه پیروزی شاپور یکم بطور مژروح د. ک. مقاله پژوهشی [۱۱۸] و نیز [۸۲-۸۱].

بوده مجسم شده است. این نقش نشان می‌دهد که حدود سال ۲۵۶ میلادی جنگ قطع شد و پیمان صلح منعقد گردید. ما از شرایط صلح آگهی نداریم: شاپور تنها یک نکته را خاطر نشان ساخته و آن اینکه بیش از سی شهر و دژ را بتصرف آورده است. گمان می‌رود کار با واگذاری مقداری زمین به ایران پایان پذیرفته باشد.

بهنگام پیکار، سپاهیان ساسانی شهر دورا اروپوس، پایگاه مقدم رومیان را در کنار فرات بتصرف آورند. در کاوشهای این شهر که سالیان دراز توسط باستان‌شناسان دانشگاه یل و آکادمی فرانسه صورت گرفت نوشهایی بدست آمد که گمان می‌رود یکی از مراحل بسیار پر اهمیت در پژوهش شهرها و فرهنگ شهریگری در دوران متأخر هلنیسم شرق بشمار آید. دانشمندان بیش ازده پرستشگاه متعلق به مذاهب گوناگون را کشف کردند که به کتبیه‌های عالی و مجسمه‌های بسیار زیبا و آثار هنری پیش دوران نوشته‌های بسیار و نقاشیها و نوشته‌ای بزنانه‌ای یونانی، سامی و ایرانی بر روی پوست زینت یافته بود. نوشته‌های پارسی میانه، بویژه نقاشی‌ای سینا گوک<sup>\*</sup> (پرستشگاه یهودان - ۲) [۷۵] و «پرستشگاه خدای پالمیر» [۶۹] که بخط و نگارش دبیران (Dpywr) ساسانی است که همراه سپاهیان ایران بودند، نشان می‌دهد که تاریخ اقامت پادگان ساسانی در شهر دورا - اروپوس از سال ۲۵۶ تا سال ۲۶۲ میلادی بوده است. در نوشته‌های سینا گوک که حاکی از مطالبی درباره «بازدید» از آن ناحیه است چنین آمده که سپاهیان پادگان نقش هایی را که بر دیوارهای سینا گوک بود تمثاً کردند و گاه (برای نهونه نوشته شماره ۴۱) ضمن تمثاً توضیحات کاهنان را می‌شیندند. نوشته‌ای «پرستشگاه خدای پالمیر» حاوی نقش و نگاره‌ای است که در آنها پیکار سواران ایران و روم تصویر شده است [fig. ۲۲۴، ۸۱].

Synagogue •

در زیر نقش و نگارها چند صحنه از فرد تن بتن دیده می شود که در آن جنگجویان ایرانی پوشان روزهای جشن را بتن کرده‌اند و بر اسبانی سرخ زنگ (که چهار نعلشان می‌تازند) نشسته‌اند. دشمنانشان (سواران رومی، یکی از آنها) پوشان رزمی، زرهی بتن دارند که سراپایشان را پوشانیده است.

گمان می‌رود این پیکار در حضور تماشاگران (که شاید بر بالای صحنه تصویر شده باشد) - خدایان و یا اعضای خاندان شاهی روی داده باشد؛ بهر تقدیر بر کف همان تالار قطعه مقش و نگارین شکسته‌ای یافت شده که بر آن بخشی از تصویر کسانی که در حال عیش و شادی بودند دیده می‌شود.

بر بالای سرسواران ایرانی نام آنان نوشته شده است: گمان می‌رود بر بالای تصویری که در وسط قرار گرفته نام و عنوان شاهنشاه شاپور و بر بالای سر دو تن دیگر از همراهان او نام دو فرزندش هرمذ (BRH whrmzdy) و بهرام نوشته شده باشد. بدین روال برابر ما منظرة نبرد تن بتن شاهنشاه ساسانی و فرزنداش با امپراتور روم و بزرگان دربار او تصویر شده که همانند نقش اردشیر یکم در فیروزآباد است. در نقش فیروزآباد، برابر اردشیر و فرزندش شاپور، اردوان پنجم و بزرگان و درباریان اشکانی بعنوان دشمن تصویر شده‌اند. نقش و نگارهای دورا - اروپوس و نیز منظره پیکاری که بر صخره‌های فیروزآباد نقش گردیده بر مبنای قاعده و جنبه مظہری (سمبولیک) واحدی پدید آمده‌اند و در آن نقش‌ها پیکار سپاهیان بصورت نبرد فرمانروایان عرضه شده است.

\*\*\*

پیمان صلح شاپور بسیار ناپایدار بود: هیچیک از دو طرف در واقع از پیکار دست نکشیدند. موقفهای وقت و زود گذر والرین امپراتور روم به سال ۲۵۷ میلادی (که از سکه‌های والرین با عنوان Parthicus پیداست) بازباشکست رو برو شد. در آن روز گزار در مرزهای غربی امپراتوری روم ژرمنها و فرانکها دوباره

از رود رن گذشتند و گتها لژیونهای رومی را در کرانه‌های دانوب در معرض فشار گذاردند و رومیان شهر داکیه<sup>\*</sup> را ازدست دادند. در استانهای شرقی امپراطوری حدود پانزده سال (از سال ۲۵۱ میلادی) بیماری طاعون بیداد می‌کرد. در آن روز گار بسیار دشواری که رومیان با آن دست بیگریان بودند، بگفته آمین مارسلین «باز تغیر دهشتبار سرنوشت خاور مدیده شد که خطر مهیبی را آگهی می‌داد» [۱، ۴، XIII]. شاپور یکم به شهرهای حران والرها حمله برداشت. والرین از مرزهای ژرمون، رتیه<sup>\*</sup>، نوریک<sup>\*</sup>، داکیه، پانونیه<sup>\*</sup>، پونیکا<sup>\*</sup>، یهودستان، عربستان اوسرولین<sup>\*</sup>، خسروون -۳) و میانرودان بیش از هفتاد هزار سپاهی گرد آورد [کتبیه شاپور در کعبه زرتشت متن پارسی، سطرهای ۹ - ۱۱] و بسوی سپاهیان شاپور شتافت.

آخر کار، رومیان دریافتند کدرس و کارشان با دولتی است بس بزرگ. اختلاف دیگر تنها بر سر میان رودان نبود. حاکمیت رومیان بر سر استانهای شرقی به مخاطره افتاده بود. سپاه والرین با لشکریانی از سرزمینهای ناآرام و پرآشوب کرانه‌های رن و دانوب تقویت یافت. گمان می‌رود لژیونهای را که والرین به مشرق آورده بود همه ذخایر جنگی امپراطور را صرف کرده باشند. سپاهیان شاپور یکم که در آن زمان ادبیانه را محکم در دست داشتند و در پیکار نصیبین (به سال ۲۵۳ میلادی) پیروزی یافته بودند اذ سوی شمال به شهر حران نزدیک شدند.

ما از چگونگی پیکار سپاهیان ایران آگاهیم. هسته مرکزی سپاه ایران

Dekiya - \*

Rettiya - \*

Norik - \*

Pannoniya - \*

Puen:ka - \*

Osroena - \*

از اسواران سنگی اسلحه تشكیل می شد که سر اپا غرق زره بودند. بنا به نوشتة آمین هارسلین «جوش پولادین این سواران سراپای آنان را چنان پوشانیده بود که بندهای آن با حرکت بدن کاملاً هم آهنگ بود و نقاب آهنین چهره و پوشش سر، چنان خوب ساخته شده بود که گویی سر اپای وجودشان به آهن و پولاد پرج شده و تیر تنها از درزهای کوچکی که بر ابر دید گان تعییه شده بود می گذشت. سوراخ های مقابله دید گان بسیار کوچک و دید سواران محدود بود. آنها از سوراخهایی که بر ابر بینی تعییه شده بود بدشواری نفس می کشیدند» [۲، ۱، XXV]. سواران سنگی اسلحه بازیرویی کمکی از سواران سبک اسلحه و تیراندازان تقویت می شدند. شرحی از این دوره در باره تسخیر دژها بجا نمانده است، ولی جریان محاصره شهر توسط سپاهیان ایران که متعلق به ۹۰۰ سال پس از آن تاریخ است باقی مانده است: «ایرانیان گردان گردیده اوارهای دژ را محاصره کردند. گروهی از سپاهیان نزدیک و گروهی دیگر سلاحها و مهمات ویژه محاصره را می آوردند، ولی عمدۀ قوا تحت حمایت گروهی زبده و بهم پیوسته از مردان چابک و دلیر و سپرهای ویژه هجوم می کوشیدند تا بدیوارهای دژ نزدیک شوند و رختههایی در آن پدید آورند» [۲، ۶، XX]. آنها جهت تصرف شهرها از سلاحهای گونه گون ویژه محاصره استفاده می کردند، ولی کار با حمله اسواران «در زیر پوششی از باران تیر» به انجام می رسید.

پیکار اصلی در ناحیه الرها باشکست رومیان پایان یافت. والرین امپراتور، «فرماندار شهر و سناتورها» و دیگر اشراف و بزرگان روم در این جنگ اسیر شدند. «سوریه، کیلیکیه و کاپادوکیه به آتش کشیده شد و خالی از سکنه و ویران گردیده. سپاهیان با یورشهای خود سی و شش شهر و دژ را بتصرف آوردند. این بار پیروزی کامل بود.

امپراتوری روم چنین پیکارهایی بخود ندیده بود. پیروزی شاپور یکم در

غرب نشانه‌ای از نیرو و همبستگی دولت نو بنیاد ساسانی بود. در این جنگها استعداد شاپور، چون فرماندهی بزرگ و سیاستمداری خردمند و جسور نمایان گردید. در آن روز گار روم از نظر اقتصادی و سیاسی وضعی بسیار درهش و آشفته داشت. با بحران عمومی نظام برده‌داری و انحطاط اقتصادی شدیدی که کشور روم را فرا گرفته بود، همواره شورش و قیام سر بازان و هجوم تیره‌های وحشی، آن سرزمین را به لرزه می‌افکند. اکنون تنها بهذ که رویدادهایی چند در این باره اکفاء می‌کنیم: سال ۲۳۸ میلادی آتش شورش بزرگی در افریقا شعلهور شد؛ از سال ۲۵۸ تا سال ۲۶۳ میلادی گالیس عالم‌اً از روم جدا گردید؛ پس از چندی پالمیر (تدمر - ۴۰) و سوریه و آسیای صغیر و حتی مصر از امپراتوری روم جدا شدند و سرزمین پالمیر دستخوش تجزیه گشت؛ از سال ۲۶۹ میلادی در گالیه شورش مشهور با گائوووها\* آغاز شد؛ در سالهای ۲۷۰ - ۲۷۵ میلادی بردگان و نیز بردگان آزاد شده‌ای که در ضرا بخانه کارمی کردندست به شورش زدند... همه چیز دستخوش انحطاط گشته بود. کپریانوس که در این دوران می‌زیست چنین نوشته است: «در کشزارها بزرگ، در دریا ملوان، در سپاه سپاهی، در مجلس شرف و وجودان و در دادگاهها دادگری بقدر کفايت نیست... گمان داری که این جهان پوسيده و فرتوت بتواند تواني بيشين را باز يابد؛ همه آنجه که به انحطاط گرائیده ناگزير رو به سستی می‌نهدا».

شاپور در کنیه کعبه زرتشت پیروزی قطعی خود را اعلام داشت و یادآور شد که امپراتور روم و دیگر صاحب منصبان بلند پایه لشکری و کشوری که بدست سپاهیان ایران اسیر شدند به «پارس» خوزستان و اسورستان و دستکرتهای شاپور یکم و «پیدان و نیاگان» او اعزام گشند و در آن نواحی سکنی گرفتند. شاپور سپس به نوشن این شرح فرمان داد: « و چون ایزدان بدینگونه (سرزمینهای

Bagaud - \*

منصرفه) دستگرت بما دادند و چون به‌کتمک ایزدان همهٔ این شاه نشینها (قلمرو شاهان-م) را بتصرف آوردیم، بنابراین ما نیز در شهرها آتشکده‌های بسیار بنا کردیم و مغان بسیاری را مورد لطف و عنایت خویش قرار دادیم. و ایزدان بزرگ راستایش کردیم و فرمان دادیم اینجا، کنار نبیشه (مقصود کنار «کعبه زرتشت» است. نگارنده) بیاد بود و شادی روان ما «آتش افتخار (twr ZY hwsrwb)» بنام «شاپور» بنا شود. و باز هم «آتش افتخار» دیگری بنام آذرناهید «اتوراناهیت» بخاطر شادی روان فرزند ما «هرمز اردشیر» بزرگ ارمنستان شاه، و «آتش افتخار» دیگری بنام «شاپور» بشادی روان فرزند ما «شاپور» میشان شاه و باز «آتش افتخار» دیگری بنام «فرسی» بیاد بود و شادی روان آریائی مزدا پرست فرزند ما نرسی شاه هندوسکستان و تورستان تا کرانه دریا بناگردد. و به‌این آتشکده بنا به‌رسم معمول (?) هدایائی تقدیم شد. همهٔ این هدایا در فهرستهای نظامی دولت ثبت گردید (P<sup>thstr</sup>). و فرمان می‌دهیم از شماره آنها هزار برگه یک‌ساله‌ای (برهایی که طی یک‌سال از گله بدست می‌آید - نگارنده) که از جانب شخص‌ها بعنوان tylkpyšn بنا بر «رسم و سنت» به‌این آتشکده‌ها اختصاص یافته: «بخاطر شادی روان ما هر روز یک بره، یک‌مودی و نیم\* غلوچه‌هار p's «شراب» هدیه شود.<sup>۸</sup> بفرمان شاهنشاه در پارس که سرزمین دودمان ساسانی است دونتش بر صخره‌ها جهت بزرگداشت این پیروزی پدید آمد (شماره‌های ۹ و ۱۰) یکی از این نقشها بسیار بزرگ است. در این نقش بیش از صد تن تصویر شده‌اند.

دومین نقش از لحاظ اجزاء ترکیبی صحنهٔ مرگ‌زی همانند نقش نخستین

۸- کتبیه در کعبه زرتشت بزبان فارسی میانه سطرهای ۲۴-۲۵. آ.م. یونانیان بذل محبت نموده مرا آگاه کردند که tylkpyšn بمعنای بخشی از باقیمانده در آمد («اضافه در آمد») است که جزء هزینه وهدیه آتشکده بحساب نمی‌آید و بنفع هدیه کننده است (همه در آمد جز tylkpyšn صرف نکاهداری آتشکده می‌شد). و نیز ر.ک: به [۱۱۹]، ۶۰، یادداشت ۱۳. در این مورد گمان می‌رود شایور یکم «اضافه در آمد» را صرف هدیه آتشکده ها کرده باشد.

\* - طبق محاسبه؛ مودی در سده سوم میلادی همسنگ ۴۰ لیتر رومی بوده است. نگارنده



تصویر شماره ۹ - شاپور یکم و درباریان او. نقش رجب.

است، ولی صحنۀ کناره‌های راست و چپ آن بددو ردیف بخش شده‌اند (در نقش نخستین هر کناره به‌چهار ردیف بخش شده است). در دومین نقش، همانند نقش نخست، در سمت چپ گارد شاهنشاهی تصویر شده است. گمان می‌رود در «بخش های» جدا گانه‌سمت راست «متعددان» سپاه ایران با پوشانه‌های محلی تصویر شده باشد. تایع هرسه جنگ، این دو نقش را بهم مریوط می‌سازند.

مضمون این دو نقش همان مضمون کنیّة شاپور یکم در «کعبه زرتشت» است که ویژۀ پیروزی او بوده است. سرزمینهایی که ضمن این پیکارها بتصرف سپاهیان ایران درآمد به‌دستکرت\* شاهنشاه بدل شد. در بارۀ طرز ادارۀ این سرزمینها و چگونگی پایداری حاکمیت شاهنشاه بر این نواحی بدشواری می‌توان داوری

\* - کلمه دستکرت را بتقریب می‌توان برابر کامه اقطاع شمرد - م

کرد. از نوشههای شاپور در کعبه زرتشت چنین معلوم می‌شود که این شهرها نیز مانند شهرهای انطاکیه، نیکوپولیس، قیصریه، کاپادوکیه و اسکندریه دوبار (بسالهای ۲۵۳ - ۲۵۶ و ۲۶۰ - ۲۵۸ میلادی) بتصرف سپاهیان شاپور در آمد. در نواحی متصرفه پرستش آتش معمول گردید. نوشههای کرتیر در کعبه زرتشت حاکی از این امر است، بنا به نوشتہ کرتیر در سرزمینهای نامبرده آتشکده‌های زرتشتی بربا شد «شاهنشاه شاپور با افراد و اسواران خود... به آتش کشید و منهدم کرد».

شاپور یکم ماه آوریل سال ۲۷۳ میلادی در گذشت. شاهکنسال در آخرین سال زندگی شاهد شکست سپاه ایرانی که بیاری زنبیا ملکه پالمیر (تمهر - ۴.) فرستاده بود گشت. اورلین امپراطور روم که با انهدام دولت پالمیر نزدیک مرزهای این دولت جلو پیشرفت سواران ایرانی را گرفت پس این موقیت بدريافت عنوان Parthicus Maximus نائل شد. ولی روم با وجود این موقیت نتوانست خلیلی به پایداری مرزهای غربی ایران وارد آورد. دزکنیه شاپور یکم که ویژه پیروزی او بوده نام سرزمینها و استانهایی (S' hr. P' tkws - «شهر؛ پاتکوس» - فرمانروایان این سرزمینها را شهربان و پاتکوسپان می‌گفتند - مترجم.) که جزء کشور ایران «ایرانشهر» بودند چنین آمده است: «پارس، پرتو (پارت)، خوزستان، میشان، اسورستان، ادیا بهن، عربستان، اتورپاتakan (آذربایگان)، ارمنستان، گرجستان، ماهلونیا، آلبانیا (سرزمینی که روزگاری آران نام داشت و امروزه آذربایجان شوروی نامیده می‌شود - مترجم). تورستان (بعدها این سرزمین ترکستان نامیده شد - مترجم)، مکران، پردان، هند، کوشانشهر «که تا پیشاور ادامه داشت و شمال آن به کش می‌رسید»، سغد و چاج (گمان می‌رود این سرزمین حوالی شهر تاشکند پایتخت کنونی ازبکستان شوروی بوده است - مترجم) «. شاپور یکم می‌نویسد همه این شهرها (سرزمینها - ۴.) و فرمانروایانشان (شهرداران)

و استانداران استانها ( Ptykwspn پاتکوسپان) یا خراج گذار ما شدند و یا بفرمان ما در آمدند ( hrw LN pty b' z W' BD HQ 'YMwt HWH y n ). گمان می‌رود ایران آنزمان شامل استانهای گونا گونی بود که در مدارج مختلف تا بعیت از دولت مرکزی قرار داشتند (یا خراج گزار بودند و یا بزور اسلحه بفرمان دولت مرکزی گردند نهادند). چنانکه از همان نوشته‌ها بر می‌آید برخی از شهرهای نامبرده توسط شاهان محلی (بهنگام شاهنشاهی اردشیر یکم؛ مرو، ابرشهر، کرمان و سکستان؛ و بهنگام شاپور یکم؛ ادبیه و ایبری) اداره می‌شدند و در دیگر شهرها (سرزمینها - م.) پس از تصرف کامل بدست سپاهیان ایران، فرزندان شاهنشاه بر تخت شاهی می‌نشستند.

با برابر نهادن فهرست شاهان وابسته و درباریان اردشیر یکم با فهرست درباریان شاپور یکم که در کتبیه شاپور در کعبه زرتشت نامشان آمده دود گر گونی از نظر نگارنده کتاب دارای اهمیت است؛ یکی تغییر فهرست شاهان نیمه وابسته و دیگر افزایش چشمگیر «شهر بهای» شهرهای شاهی.

چنانکه پیشتر آمده فهرست درباریان اردشیر یکم با نام چهارشاه که سرزمین‌هایشان با حق کنفرادیون، بخشی از شاهنشاهی ایران شمرده می‌شد آغاز گردیده است. فهرست درباریان شاپور یکم نیز با نام چهارشاه آغاز شده است. ولی از شاهانی که در فهرست بزرگان دربار اردشیر نامشان آمده تنها یکی باقی مانده و آن شاه کرمان است که در روزگار شاهنشاهی شاپور یکم همچنان پایدار بود. در فهرست شاپور یکم شاه ادبیه (متن پارتی: ntwsrk<sup>n</sup>) جای نخستین را دارد. پس از او نام شاه کرمان و دینک شهبانوی میشان همسر فرزند شاپور یکم شاهنشاه ایران آمده است که مانند پدرش شاپور نام داشت (متن فارسی میانه: dynky ZY mys' n MLKT' dstkrt šhpwhry) شاپور فرزند شاپور یکم در فهرست دودمان ساسانی با عنوان «میشان شاه» نامیده شده است. گمان می‌رود

وی پیش از سال ۲۶۲ میلادی که کنیه شاپور در کعبه زرتشت پدید آمد در گذشته باشد. زیرا در کنیه، سرزمین او تحت فرمان همسرش دینک یاد شده است. در فهرست نام آخرین شاه سرزمین ایپری (متن پارتی: Wyršn ؛ متن فارسی میانه: 'n wlwč) همزاسپ آمده است. از فهرست دودمان ساسانی چنین بنظر می‌رسد که سکستان، مرو و ابرشهر که بهنگام شاهنشاهی اردشیر بدست شاهان محلی اداره می‌شوند، بصورت استان واحدی درآمد و سکستان، تورستان و هند تا کرانه دریا نام گرفت (متن فارسی میانه: hndy skstn Wtvrst' n 'DYM' dnbv). این سرزمین بزرگ نه تنها شامل سه شاهی نامبرده شد، بلکه استانهای متصرفه شرق مانند گددوسیا و آراخوسیا را نیز در بر گرفت و فرمانروایی آن به نرسی فرزند شاپور یکم و اگذار شد. بهرام، فرزند دیگر شاهنشاه (با عنوان شاهی MLK) فرمانروایی گیلان را داشت. هر مزد اردشیر یکی دیگر از فرزندان شاهنشاه، «بزرگ ارمنستان شاه» نامیده می‌شد.

گمان می‌رود در پایان شاهنشاهی شاپور یکم (یا بهنگام فرمانروایی کوتاه فرزندش هرمزد اردشیر) استقلال کرمان پایان پذیرفته باشد: همچنین گمان می‌رود نگین کنده کاری شده که در موزه بربیانا است و تصویر بهرام فرمانروای کرمان (کرمان شاه) بر آن نقش شده حاکی از این امر باشد [۱۵۱، ۱۱۰] (نوشته چنین است: Wrhr' n ZY Krm' n MLK' BRH šhpwhry MLK' n). نوشته چنین است: «MLK' بهرام، کرمانشاه، فرزند شاهان شاه شاپور - مترجم». این نگین از نظر نوشته و شیوه تصویر باید متعلق به سده سوم میلادی باشد [۴۲ - ۴۴، ۱۸]. بنا به نوشته کرتیر (SM NR u) تا دهه نهم سده سوم میلادی کرمان از دستکرتاهای شاهنشاه بود و بنا بر این شاه آن سرزمین نیز باید کسی از دودمان ساسانی باشد. بنا بر فهرست دودمان ساسانی که از آن سخن راندیم (کنیه شاپور در کعبه زرتشت)، پس از سال ۲۶۲ میلادی تنها بهرام فرزند شاپور یکم و شاهنشاه آینده ایران

که تا سال ۲۶۲ میلادی گیلانشاه بود می‌توانست دارای عنوان krm' n MLK (کرمان شاه) باشد. ممکن است بر نگین موزه بریتانیا بویژه تصویر این شاهنشاه نقش شده باشد. آنگاه کرمان پنا بر قاعده باید در فاصله سال‌های ۲۶۲ (تاریخ کتبیه شاپور یکم در کعبه زرتشت که در آن بهرام هنوز عنوان گیلانشاه داشت) و ۲۷۳ میلادی (تاریخ شاهنشاهی بهرام) بصورت دستکرت شاهنشاه در آمده باشد.

یکی از دو اصلی که شاهنشاهی اردشیر یکم بر مبنای آن قرار داشت، یعنی اصل شاهی و فرمانروایی شخصی شاهنشاه، همواره رو به فزونی نهاد و فرمانروایی «منتحدان» شاهنشاه بیش از پیش کاهش پذیرفت، در این دوران تضادی پدید آمد که کشور را با سرعت و بفاصله پانزده تا بیست سال به آستانه بحرانی داخلی کشانید. گرچه به عنگام شاهنشاهی شاپور یکم تمرکز کارهای کشور با آهنگی بسیار تند جریان داشت، با اینهمه جریان‌های تجزیه طلبانه «پارسیگری کهن» که بی‌گمان در این دوران جایی برای خود گشوده بود، هنوز به کمال فرسیده بود.<sup>۹</sup> افزایش سریع شهرهای شاهی<sup>۱۰</sup> که تکیه گاههای واقع در دستکرتهای شاهی بشمار می‌رفتند، نموداری از جریان مرکزیت کشور است.

مدت‌ها پیش از لشکرکشی اسکندر مقدونی به‌شرق در سرزمین‌های میان‌رودان که تا اندازه‌ای پیش رفته بودند، سازمان‌های بردهداری خود ویژه‌ای وجود داشت که بدست کاهنان پرستشگاهها و اجتماعهای شهری که متصرفهای وسیعی در اختیار داشتند اداره می‌شد. اهالی این اجتماعها در برخی موارد وضعی نسبتاً مرجع داشتند.

در روز گار پیدایش مونارشی هلنیستی - روز گار جدایی اقتصادی و فرهنگی استانهای جداگانه، به‌این سازمان بردهداری که از قرن‌ها پیش پدید آمده بود

۹- مقایسه شود با نوشته «موسی خورنی»، کتاب دوم، LXXI درباره پیکار اردشیر قارن؛ و نیز ر.ک: به «موسی خورنی»، کتاب دوم، VII، LXXXVII.

حق قانونی پولیسها (شهرها) داده شد. دولتهای هلنیستی برای نگاهداری مرکزیت بویژه براین واحدهای نیمه خود مختار تکیه داشتند [۲۵]. اینگونه شهرها تکید گاه دولتهای مرکزی و عامل اجرای فرمانروایی دولتهای هلنیستی بر سر زمین - های وسیعی بودند و برای هر یک از آنها مقر رشده بود که همواره بخش معینی از درآمداد این زمینها را به خزانه کشور بفرستند.

گذشته از این شاهان سلوکی دهه پولیس (شهر) هلنیستی در شرق بنا کردند (انطاکیه در پرسیدیا، نہاوند، چند سلوکیه وغیره).

وضع این شهرها در سده سوم میلادی چگونه بود؟ بنای اقتصادی آنها که بر پایه اصول برده برداری بود از هم فرو ریخت و دخالت شاه در امور آنها همواره بیشتر شد. گمان می‌رود شکل ظاهری سازمانهای یاد شده تا مدتی دراز بر جا بوده است. برای نمونه یاد آور می‌شویم که شوش در سده چهارم میلادی از حق خود مختاری محروم شد. پیشرفت منابع اجتماعی نوین سبب دگوگونی شهرهای نامبرده و تبدیل آنها به شهرهایی از نوع دیگر - «شهرهای شاهی» شد.

شاهنشاهان ساسانی که به میان رودان لشکر کشیدند، هدف شان تنها تصرف آن سرزمین نبود بلکه می‌خواستند میان رودان را بعنوان بخشی از زمینهایی که بنازگی تصرف کرده بودند نگاهدارند و بنا بر این آنرا بخشی از دستکرت خود کردند. شهری که بنام شاهنشاه نامیده می‌شد واداره آن با صاحب منصبان دولتی بود به تکیه گاه حاکمیت شاه بدل می‌شد. در انطاکیه، ترسه Tarse، قصیره و دیگر شهرهایی که به نگام شاهنشاهی شاپور یکم مسخر شد پرستشگاههای «شهری خدایان» که اهالی «پولیسها» آنان را ستایش می‌کردند منهدم شد و آئین زرتشت که آئین شاهی و رسمی ایران بود بزور در آن سرزمینها رواج یافت.

چنانکه پیشتر گفته شد بنا بر کتبیه شاپور در کعبه زرتشت، بفرمان اردشیر «اردشیر یکم» تنها سه شهر بنام او ساخته شد. این شهرها عبارتند از: «اردشیر

خشنوم» (متن پارتی : *rthštr hšnwm* )، «ویه اردشیر» (متن فارسی میانه : Why *rthštr*) و «اردشیرفره» (متن فارسی میانه : *rthštr prry* ). در ضمن در فهرست در باریان اوتها نام دوشرب (شهرب فرمانروای شهر شاهی است) آمده است. ولی در زمان شاپوریکم وضع بگونه دیگری بود. در فهرست در باریان او از شهر بهای پانزده شهر شاهی یادشده است :

(شماره -۱۸۰) *plywky ZY why ' ndywk šhpwhry štrp* («پریوک . شهر ب ویداندیو شاپور -۳.»\*

(شماره -۲۰۰) «اردشیر، اردشیر خشنوم -۳.»

(شماره -۲۱۰) «پاک چهر، تهم شاپور -۳.»

(شماره -۲۲۰) «اردشیر، شهرب گدمان -۳.»

(شماره -۲۳۰) «چشمک. نیشابور -۳.»

(شماره -۲۴۰) «وهونم، شاپور خشنوم -۳.»

(شماره -۲۵۰) «..... دژبد شهر کرت -۳.»

(شماره -۲۶۰) «..... داردوان ..... -۳.»

(شماره -۲۹۰) «پاپک، پروین شاپور، شبنیکان -۳.»

(شماره -۳۰۰) «ورثان. گدی شهر -۳.»

(شماره -۳۶۰) «فرسه' شهرب هند -۳.»

(شماره -۳۷۰) «..... شهرب همدان -۳.»

۱۰ - شماره ۱۸ و دیگر شماره‌ها شامل نام اشراف و بزرگانی است که در فهرست کتبیه شاپور در کتابه زیرتاش آمده است.

۱۱ - «دژبد» رئیس دژ است. در ضمن ر.ك، به شماره ۱۱۹. در آنجا همه این نامها «عنوانهای افتخاری» بزرگان شمرده شده است.

\* - نگارنده کتاب عنوانها را بهروسی برگردانیده است، مترجم تآنجا که توانسته ترجمه‌ای از عنوانها ارائه کرده است واگر در این کار خطای سرزده پوزش می‌خواهد.

(شماره ۵۱) istK ZY why 'rthstr štrp «...، شهرب ویه اردشیر - م.»

شماره ۵۸) 'rthstr ZY nglyč štrp «...، اردشیر، شهرب ... م.».

گمان می‌رود این فهرست شامل همه «شهرهای شاهی» که در روز گار پادشاهی شاپور یکم پدید آمده‌اند نباشد. در همان کنیّه شاپور در کعبه زرتشت از بنای شهر «هرمز اردشیر» در غرب ایران سخن رفته است. بقایائی از «دبیرخانه» شخصی بنام رشنه\* شهرب شهر دورا - اروپوس بسیار چشم گیر است. این شهر بسال ۲۵۶ میلادی بتصرف سپاهیان شاپور درآمد و ممکن است نام دیگری یافته باشد. ضمن کاوش در آن شهر بوستهای بسیار که عنوانها بر آن نوشته شده و نیز نوشته‌هایی بر پارشمنه (کاغذهایی که از پوست درست می‌کردند) بزبان پارتی و بخش‌هایی از سه نوشته بر پارشمنه بزبان فارسی میانه بدست آمد که در آنجا نام ایرانیان و عنوانهای مسؤولان آورده شده است تاریخ نوشته‌ها بطور کلی بین سالهای ۲۵۶ - ۲۶۲ میلادی است. بسال ۲۶۲ میلادی شهر ویران و منهدم شد. یا. خارمتا [۹۰] که «پارشمنه شماره ۱۲» را ترجمه کرده بر آنستکه بهنگام لشکر کشی والرین شخصی بنام رشنه (ršnw. hwtw) (بنظر می‌رسد این نام رشنه باشد که نگارنده آنرا رشنه آورده است - م.) که فرمانروای شهر بود به او نوشته که تا کستانهای نزدیک شهر دورا - اروپوس آرام و مرتب است. یا. خارمتا این رشنه را با رشنه شهرب که در شماره ۴ (ršnw štrp) از اویاد شده قیاس می‌کند،

در نوشته‌های دورا - اروپوس نام سی و سه شخص آمده است. همه این نامها جز نام چهار تن، از نام‌های ایرانی است. از این گروه نام مسؤولانی چون خزانه‌دار (gznbr)، خواجه‌سرای (?)، نگهبان یا محافظ (psnyk) و باحتمال دادستان (dtbr) آمده است. همه این نوشته‌ها سندهایی از یک گروه بنظر می‌رسند.

Rashna - \*

در این سندها نوشته شده که فلاان یا بهمان شخص چند گرو (gryw) غله گرفته (ویا، داده) است.<sup>۱۲</sup> در همه این سندها از میزان کمی غله سخن رفته است. بزرگترین رقم چهارده مودی، (طبق محاسبه، مودی در سده سوم میلادی همسنگ ۴۰ لیتر رومی بوده است. یا نزدیک یکصد و هفتاد کیلو گرم غله است. در این نوشتهها تنها سه شخص بنام هرمان (در سطر شماره ۱ و شاید سطر شماره ۵)، اردشیر فرخ مردان (در سطر شماره ۱) و اردشیر فرزند ایزد باد (در سطر شماره ۲) نزدیک چهل کیلو گرم غله می گیرند (یا می دهند). دیگران هر کدام یکمودی - با اندازه دوازده کیلو گرم می گیرند (یا می دهند).

پیش روی ما فهرستی است درباره بخش کردن (غله و خواربار) از ذخیره شهرب دورا - اروپوس به سپاهیان ایرانی پادگان شهر.<sup>۱۳</sup> گمان می رود در همه این نوشتهای فارسی سدهای میانه از دورا - اروپوس ، از لشکریان شاپور یکم یاد شده و ما برای اظهار نظر درباره واگذاری زمین در بخش‌های شهر دورا - اروپوس و احیای سریع اقتصاد این سرزمین دلیل کافی در دست نداریم. گذشته از آن سندهای دورا - اروپوس نمودار روشی است برای نکره شهر نامبرده که بهنگام جنگ با رومیان بتصرف سپاهیان ایران درآمد از حق خود مختاری محروم شدو

۱۲- مشکل بتوان دریافت که کسان نامبرده در فهرست غله گرفته‌اند ویا داده‌اند، زیرا بنابر معمول سطه‌های نخست خوب خوانده نمی‌شود. در سطر شماره یک (بزمیان فارسی میانه) بخش دوم را نه تنها می‌توان *MNwr'zk'hwpktk'u* «از سوی ورزک اهوبیتکان» خواند، بلکه می‌توان...  
والخ... یعنی «به ورزک» خواند؛ قیاس شود با نوشته و.ب. هنینگ، *Tke Iranian Ostraka*، *Gnomon*، ۲۶، ص. ۷۲.

۱۳- یا، خارمنا بر مبنای متن درست شده شماره ۵ چنین پنداشته که موضوع نوشته درباره تسلیم غله را از جهات اشخاص به خزانه «شهرب رشته» است. ولی نشانه‌های سطه‌های ۸- ۹- ۱0- سطر ۹- تنها نخستین نشانه، یعنی حرف *h*، و در سطر ۱0، تنها چهار نشانه *g. hn* و *bry* دیده می‌شوند) که هیچ زمینه‌ای برای درست کردن بست نمی‌دهند:  
«(۸)... گرو I در دست (۹) شهرب. در مجموع (۱۰) ۱۲ گرو».

یکی از صاحب منصبان دولتی به فرمانداری شهر گمارده شد که هم امور اداری وهم امور لشکری را در دست خود داشت.

افزایش متصرفهای شاهی موجب فزو نی نقش فرمذار (فرماندار) در دستگاه اداری ساسانی شد. در روز گار اردشیر یکم از عنوان فرمذار سخنی در میان نبود، ولی در زمان شاپور یکم این نام در «فهرست پایه ها» پس از نام اعضای خاندان شاهی، بیدخش و هزار بد (گمان می رود فرمانده گارد باشد) آمده است. در آن روز گار فرمذار ریاست همه کارهای اقتصادی کشور را بر عهده داشت و در واقع نخست وزیر بود. بهنگام شاهنشاهی شاپور شخصی بنام و هونم این عنوان را داشت در نوشتة یونانی کتبیه شاپور در کعبه زرتشت عنوان «فرمذار» اپی تروپ\* (رئیس کارهای اقتصادی) ترجمه شده است. همسنگ آرامی این عنوان در روز گار هخامنشیان وجود داشت. چنین بر می آید که تا روز گار شاهنشاهی ساسانیان، فرمذار مسئول متصرفهای شخصی شاهنشاه بوده است. ولی از آن پس با افزایش متصرفهای شاهی، فرمذار ریاست کارهای اقتصادی شاهنشاهی را در دست گرفت. فرمذار گروهی از دیران (که زیر فرمان دیر بد بودند) و نیز گروهی از حسابداران (آمار گر - مترجم) در اختیار داشت. دفتر نخست وزیر یا وزیر بزرگ بعدها شکل وسیعتر و پیچیده تری بخود گرفت. در فهرست درباریان نرسی از رئیس حسابداران (hstrhmrkr) «شهر آمار گر - مترجم» یاد شده است. یکی از کارهای او رسیدگی به مالیاتهای واصله به خزانه شاهی و رسیدگی به موضوع گنجینه های شاه و امور مالی کشور بوده است.

در رأس سپاه ساسانی آن زمان هزار بد قرار داشت که گمان می رود فرمانده گارد شاهی باشد. اهمیت این عنوان بویژه بهنگام شاهنشاهی نرسی فزو نی گرفت (هزار بد در آن روز گار در رأس گروه هواخواه شاهنشاه قرار داشت). نرسی در

پیکار بخاطر شهریاری بیش از همه بر سپاهیان تکیه داشت. از لحاظ پایه فرمانده سواران (*špypt* اسب بد) پس از هزار بد بود.

هرچه دولت ساسانی نیرومندتر شد، دربار شاهنشاه نیز بهمان اندازه شکوه یافت. بهنگام شاهنشاهی اردشیر یکم در فهرست درباریان تنها نام سی تن از بزرگان آمده است، ولی بهنگام شاهنشاهی شاپور یکم این شماره بهفتاد رسید. در این فهرست از پایه‌های تازه‌ای چون خزانه‌دار شاهی، اسب‌دار، (*hwrpt*) «آخور بد» مترجم، «نخجیر بد» (*nhčyrpt*), شراب‌کش (*mdkđ*), شمشیر‌دار (*špšyl*) سر اختر شماران و پیشگویان، زندانیان، دژخیم، دردار، یادروازه‌بان و دیگران یاد شده است.



تصویر شماره ۱۰ - صحنه تاجگذاری. نقش رجب. - اقتباس از تصویر کرپودتر

در فهرست بزرگان درباریان شاپور یکم از دبیر بد (فارسی میانه. *dpyrpt*)

و «دیبری از ری» (فارسی میانه: 'ršt 't ZY dpyr ZY mtr 'n ZYMNL dy،' و دیگران یاد شده است.

ریاست حرم شاهی بر عهده همسر بزرگ شاهنشاه بود که «بانوی بانوان» نامیده می شد. حرم شاه زیر نظر خواجه سرایان pštn (S) بود. بهنگام شاهنشاهی شاپور یکم در حرم شاهی، پایه ویژه ای وجود داشت و آن پایه «رایزن بانوی بانوان» بود.

چنین بود دستگاه دولتی در آغاز شاهنشاهی ساسانیان. بسیاری از پایه های درباری موروثی بود، در مجلسه ای رایزنی و یا بارهای شاهی و بهنگام حرکت شکوهمند شاهنشاه به شکار و یا پیکار، پایه وران دولتی درست راست و یا چپ شاهنشاه با دقت بر جای خود قرار می گرفتند. اصول تشریفات دربار بطور دقیق و موبهم و تدوین شده بود. در نوشته های آغاز شاهنشاهی ساسانیان که در آنها از پایه های اداری، مرکزی، و رتبه های خاندان شاهی یاد شده، نامها و عنوانها یشان نیز آمده است. تصویر های آنان با پوشاش کهای رسمی و همه نشانه ایشان در آثار هنری روزگار شاهنشاهی ساسانیان نقش شده است. در تصویر شاپور یکم در نقش رجب (شماره ۸) پس از شاهنشاه، فرزندان و همسرش و نیز اشرف و بزرگان تصویر شده اند. درست پس از شاهنشاه تصویر هر مزد اردشیر (بخش مرکزی) بزرگ ارمنستان شاه، باشان جانشینی شاهنشاه بر کلاه نقش شده است. کنار او شاپور میشان شاه، نرسی «سکستان شاه» و برآمده گیلانشاه دیده می شوند. دختر بزرگتر و همسر شاهنشاه «بانوی بانوان» که آذرناهید نام داشت به شاهنشاه از همه نزدیکتر است. سپس به ترتیب بیدخش شاپور و پاپلک رئیس گارد شاهی ایستاده اند. پائین تر

۱۴. «ارشات، دیبر ازمه رانها و از شهر ری»، نماینده یکی از خاندانهای بزرگ اشکانی و از همان روزگار ساسانیان بوده است. نبودن این عنوان «ایران باستان» در فهرست روزگار اردشیر یکم - فرسی و پایه خالی از اهمیت نمایندگان این دوران بهنگام شاپور یکم که در دوران شاهنشاهی اشکانیان نقشی بس بزرگ بر عهده داشتند، بسیار شگفتی آورد می نماید.

از تصویر آنان، نقش نمایندگان خاندانهای وراز و سورن (که در میان خاندانهای معروف کشور از همه بلند پایه‌تر بودند) اردشیر و راز و اردشیر سورن دیده می‌شوند. از کنیه‌های ساسانی نام و عنوانهای ایشان روشن شده است. آثار هنری نیز «چهره‌های آنان را بما شناسانده‌اند».<sup>۱۵</sup>

تصویرهای شاپور یکم و افران گارد و اشرف و بزرگان او بر صخره‌ها، مجسمه بزرگ سنگی شاهنشاه و چند نگین کنده کاری شده (تاریخ آثار نامبرده سده سوم میلادی است که بر مبنای شناسایی خطهای باستانی و مضمون کنیه‌ها و شیوه تهیه تصویرها مسلم شده است)<sup>۱۶</sup> شناخته و مشهور است. یکی از این آثار نگین کنده کاری شده موجود در رموزه بریتانیا است که از نوشته آن چنین برمی‌آید که تصویر بهرام شاه کرمان و فرزند شاپور بر آن نقش شده است، و دیگر نگینی است با تصویر دینک «بانوی بانوان» خواهر و همسر بزرگ اردشیر بنیادگذار شاهنشاهی ساسانی<sup>۱۷</sup>، سوم نگینی است با تصویر شهر اردشیر خشنوم [۴۱، ۱۸، جدول X، ۳، ص ۴۱] و برخی دیگر.

در میان نگینهای کنده کاری شده این دوران، سنگ ویژه‌ای است که از نظر رنگ و اندازه بسیار کمیاب است. براین سنگ تصویر مهرداد دوم نقش شده است ولی در نوشته آن نام و عنوان شاپور یکم دیده می‌شود. نخستین کنده کاری بر روی فلز از روزگار ساسانیان که تا کنون شناخته شده بشقاب نقره‌ای سنجینی است که تصویر یکی از بزرگان را در حال شکار خرس نشان می‌دهد. تاریخ این بشقاب را نیز دوران شاپور یکم دانسته‌اند. این بشقاب سر آغازی است برای یکرشته بشقاب

۱۵- اجزاء تصویرهای این نقش بر مبنای نهانهایی است که بر کلاههای صاحبان تصویر نصب شده است (برای آگهی بیشتر ر.ک: پمشاده [۲]).

۱۶- درباره تاریخ نگینهای کنده کاری شده دوران شاهنشاهی ساسانیان ر.ک، به [۵۵.۳۹.۱۷].

۱۷- ر.ک: به مأخذ شاره ۲۰، و.ب. هنینک [۴۵، ۹۷] نظر دیگری چن نظر نگارنده ابراز داشته و برآنستکه گرجه از نوشته‌های نگینها چنین برمی‌آید که تصویر از دینک است، با اینهمه تصویر باید از آن Oberleibbeunuchinne باشد.

هایی که پس از آن پدید آمده و بر آنها منظره شکار شاهنشاهان ساسانی تصویر شده است. پشت بشقاب نامبرده نوشتهدای دریک سطر بخط پارتی دیده می شود که گویا معرف صاحب آن «بهرام» است. [۱۸، جدول XII]. کلاه آن شخص بلندپایه که «شاه کرمان» بر نگینی است که اکنون درموزه بریتانیا نگاهداری می شود.

گرچه از روزگار شاپور یکم اثر های هنری بیشتر و گوناگون تری بر جامانده (جز تصویر بر صخره ها و سکه ها - مجسمه ای مسدور، منظره هایی بر دیوار، قلمزنی و کنده کاری بر فلز و گوهر)، با اینهمه مجموعه های هنری نامبرده تغییری نیافت: هنر رسمی ساسانی همچنان به حدود «تصویر های رسمی» محدود ماند.

بر سکه های شاپور یکم اهورا مزدا در حالیکه تاج بر سر دارد تصویر شده است. پشت سکه شاپور برای نخستین بار منظره ای مجسم شد که از آن پس برای همه نوعهای سکه های شاهنشاهان ساسانی جنبه همگانی یافت. بر این سکه ها شاهنشاه و اهورامزدا کنار آتشدان ایستاده اند. بر پشت سکه شاپور همانند نقش ویژه تاجگذاری بر صخره ها «ایزدی» بودن شهریاری شاهنشاه ساسانی اعلام شده است. وحال آنکه در فهرست درباریان شاپور یکم تنها از یک عنوان روحانی - هیر بد یاد شده است (در بخش یونانی کتبه، این عنوان بشکل کلمه «مع» آمده که کمترین پایه از سلسله عنوانهای روحانی است). کرتیر که صاحب این عنوان بود در فهرست بزرگان یکی از آخرین جایگاه هارا داشت.

شاپور یکم در کتبه کعبه زرتشت آگهی داده است که بخارط پیروزی بر رومیان، ایزدان را که در این پیروزیها وی را یاری کردند سپاس میگزارد، او فرمان داد تا باید بود این پیروزی پنج آتشکده کنار «کعبه زرتشت» بناشود (فارسی میانه: TNHc PWN npst) «ودر اینجا که این نبشه نهاده شده...». این آتشکده ها

بنابر دسم و آئین زرتشت بنادو بنياد گذار آن شاپور زمينه اي از غله زارها، تا کستانها چرا گاهها و نيز گله هاي از گوپيندان به اين آتشکده اهدا کرد.<sup>۱۸</sup> گذشته از اين روش است که اين روز گار در ميشان، شوش، رو او ادشیر مر کز هاي ويزه اسقهای مسيحي وجود داشت، ولی بهنگام تاجگذاري شاپور اين مر کز هادر اختيار ماني - پيامبر جوان و بنیاد گذار آئين نوين «جهانی» گذاشته شد و شاپور بهوي اجازه داد آموزشهاي خود را در سراسر کشور تبلیغ نماید. همه اين گفته ها نموداري است از وضع مذهبی بسیار بفرنج و پیچیده ايران در آن روز گار. بخش آينده ويزه بررسی اين نکته است.

۱۸- هدایای نامبرده بسیار بزرگ بود، تنها «اضافه درآمد» (tylkpyšn) حاصله از آن شامل هزار بر مای که طی سال بدنی می آمدند، نزدیک یك تن و نیم غله و مقدار زیادی شراب بود. ترجمه بخشی از کتابی شاپور در کعبه زرتشت که ويزه «آتشکدهها» است، وابسته به برگزیدن يكى از دو طریق است :

الف- متن يارتي: TNHŠ pty npšt، متن فارسي ميانه، TNHŠ PWN npšt. « و در اينجا نيز اين نشته» ياز و در اينجا بنابراين نشته».

ب- TNHŠ PWN Šhpwhry hwslwbt (prth:hwsrw)، آئين (آتشکده) افتخار (بپروزی)، بنام شاپور، يا آئين (آتشکده) افتخار (بپروزی)، بنام شاپور، منتظر شده است).

## بخش چهارم

### گرتیر ومانی، پیدایش کیش رسمی کشور

اردشیر بفرزند خود شاپور چنین گفت: «بدان، دین وشاهی برادرانی توأما نزد وبی تخت شاهی دین نمی‌پاید و شهریاری بی دین برجای نمی‌ماند. دین بنیاد شاهی است و شاهی ستون دین\*

مسعودی این جمله هارا که گویا از اردشیر بنیاد گذار دولت ساسانی بوده به عربی بر گردانده است [۱۶۲، ۱۱۶]. او این گفته را در «یکی از کتابهای فارسی» که گمان می‌رود کتابی دینی بوده و پس از پایان شاهنشاهی ساسانیان پدید آمده خوانده است. اگر این سخنان از اردشیر هم باشد باز نمودار یکی از ویژگیهای عمده ایران در آغاز سده‌های میانه است. یک‌دینی در سراسر کشور، روحانیت بمثابة ستون و تکیه گاه شهریاری، نفوذ آتشکده‌ها نه تنها در زمینه ایدئولوژی، بلکه در کارهای اقتصادی وجود تمايزی بودند که شاهنشاهی نوبنیاد را از دولت پیش اشکانی سخت متمایز می‌كردند.

شاید تاریخ مبارزه‌های مذهبی آن روزگار بتواند مفهومهای بسیاری از رویدادها را نه تنها در زمینه ایدئولوژی، بلکه در کارهای سیاسی نیز روشن سازد. در آن روزگار دو شخص سمت وجهت رویدادهارا در زمینه ایدئولوژی در کشور

\* - ر.ك، به «شاهنامه فردوسی» هنن انتقادی، جلد هفتم، جاپ مسکو، ۱۹۶۸، ص ۱۸۷ «عبد اردشیر» نوشته استاد احسان عباس، ترجمه آقای سید محمدعلی امام‌شوشتری، تهران، ۱۳۴۸، ص ۶۷ و ۱۱۳، و مروج الذهب نوشته علی بن الحسین مسعودی - هترجم

روشن می کردند. یکی از آن دو - کرتیر - دارای عنوان پرطمطر اق «مربی دینی» شاهنشاه، موبدان موبد و رئیس دادگاه عالی کشور، و دیگری مانی - آور نده آئین نو و پیامبر یکتا خدا ای جهان و فرستاده او در زمین بود.

کرتیر اتحاد منشکل موبدان و هیربدان سراسر کشور، پول و زمینهای متعلق به آتشکده ها را در اختیار داشت و شاهنشاه ایران و همه رسمها و سنت های گذشته و آئین کهن که وی آنرا «زنه کرد و از نار استیها و ناپا کیها منزه داشت» پشتیبان کرتیر بودند.

مانی نیز به تعصب پیروان آموزش های خویش و سادگی و آسان بودن اجرای این آموزشها وجاذبه اعتقاد به «خدای یگانه با نامهای گ-ونا گون» تکیه داشت. بازدگانان و برخی از بزرگان و زمانی؛ شاهنشاه ایران پشتیبان مانی بودند.

این دو آئین پاد آوازی بود از تمامی مبارزه های فکری و اندیشه ای (ایدئو-لوژیک) آن روزگار. اگر آئین کرتیر در واقع به «تکیه گاه تاج و تخت» بدل گشت آئین مانی آواره و رانده شده، در آن زمان بر همه جا از افریقای شمالی تا چین گسترده شد و چندی نگذشت (گمان می رود همان سده سوم میلادی بوده) که شکل «اعتراض مذهبی» بخود گرفت و به منزله پرچم یکرشته از قیامها و شورش های مردم علیه «جور و بیداد در جهان» از جمله (وحتی در درجه اول) به پرچم پیکار با جور و بیداد فودالی بدل گشت<sup>۱</sup>.

\*\*\*\*

به سال ۲۵۶ میلادی سپاهیان شاپور یکم ضمن حمله ای شهر دورا . ادوپوس را که پایگاه جنگی استوار رومیان بر کرانه فرات بود تصرف آوردند. لشکریان

۱- بنابهنوشته ایوهان مالال، در روزگار امیر اطوروی دیوکلیان (۳۰۵-۲۵۸ میلادی) در رم شخصی بنام بوندس که جانشین مانی بود اندیشه انهمام جور و بیداد را به شیوه انقلابی تبلیغ می کرد. (د.ک، ب، [۵۵، ۳۴۷-۳۴۹؛ ۳۵، ۲۲۲]).

شاپور یکم در این شهر بیش از ده پرستشگاه دیدند که ویژه خدایان گوناگون بود. در اینجا هم کلیسای مسیحی، هم کنیسه یهودی (که در آغاز سده سوم میلادی بنانده بود) و هم پرستشگاههای خدایان باستانی بابل - بل، شمش، نانای و پرستشگاههای خدایان سرزمینهای میانورдан، سوریا و پالمیر (تمبر-م) بنامهای القدو، حدود، اتر گاتیس، بعل شمشو، اقلیدو وجود داشت. سپاهیان رومی پادگان دورا - اروپوس میترا ای ورجاوند و زوپیتر را ستایش می کردند؛ یکی از مهمترین پرستشگاههای شهر، معبد زئوس بود؛ زئوس، پوشک و آرایشی بسبک ایرانیان داشت. بسیاری از خدایان پالمیریان، بابلیان و سوریان نامهای یونانی و رومی داشتند و بسیاری از خدایان رومیان نمونهای از خدایان سامی بودند.

بهنگام یکی از لشکر کشیهای شاپور یکم به غرب سپاهیان او به شهر حتره (الحضر-م) در شمال عراق که دیوارهایی بس استوار داشت نزدیک شدند. دیوارهای بلند و دلیری مدافعان، شهر را از حمله و سقوط مصون نداشت. زمانی که دروازه های حتره گشوده شد، سپاهیان شاپور یکم در آنجا بتقریب هم-ان چیز هایی را دیدند که در شهر دورا - اروپوس دیده بودند؛ در آنجا پیکره هایی از اشور-بل خدای باستان با پوشک رزمی رومیان همراه الهه تیوخد، مظهر توفیق رومیان بود که بر بالا و پائین شنل اونتشهایی از مدوza دیده می شد؛ و نیز پیکره ای ازاله باستانی محلی بنام الات با نیزه و کلاه خود رزمی بصورت الهه آتن، پیکره میترا خدای آفتاب مزین به عقا بهایی که نشانه و مظهر حتره بود؛ مجسمه هایی از هر قل و همس و نیز آتشکده ها و آتشدانهایی بود که در نظر سپاهیان ایران آشنا می نمود.<sup>۲</sup>

چنین بود وضع استانهای شرقی امپراطوری روم که شاهنشاهی ساسانی پیش از هر چیز می کوشید تا بر آنها دست یابد.

۲- درباره نتایج آخرین پژوهشهاي باستانشناسان در حتره؛ ر.ك، به: [۱۴۳، ۱۴۵، ۱۸۱].

شاپور یکم در میانرودان با آئین مسیح، اندیشه‌های فلسفی بسیار رنگارنگ «گنوسیس»، اندیشه‌های نو افلاطونیان، اندیشه‌های باستانی با بلیان در زمینه کوسمو‌گونی (باورهای افسانه‌ای در پیدایش کیهان) و کوسمو‌لوژی (کیهان شناخت)، بر خودهای گوناگون به آئین زرتشت و آئین یهودان رو برو شد.

آئین مسیح بزرگترین نیروی اندیشه‌ای آن روزگار بود. آئین نامه‌برده که تاچندی پیش اندیشه و آئین مخالفان امپراتوری روم بود و پیرون آن آئین از سوی دولت مورد پیگرد و فشار بودند. علی‌رغم پیگرد و فشار و شاید بسب آن، سازمانی با اضباط آهنین و نفوذی محسوس یافت. در استان‌های مجاور ایران و حتی در خود ایران (در میان، شوش، ریو اردشیر، و بحرین) بسال ۲۲۵ میلادی مرکزهای ویژه اسقف‌های مسیحی پدید آمد.<sup>۳</sup>

گمان می‌رود میان سپاهیان اسیر رومی که شاپور یکم در شهرهای نوبنیاد خویش نشیمن داد شماره مسیحیان اندک نبوده است. بهر تقدیر نوشه‌های متاخر مسیحی ضمن شرحی که بویژه در باره ایران مذکور بوده آگهی داده‌اند که نخستین گروههای مسیحی ایران در شهرهای شاد شاپور، ویه شاپور، انطاکیه – شاپور پدید آمد [۵۷، ۵۴؛ ۲۲۰-۱۶۵، ۲۰۲]. غارهای زیرزمینی جزیره کرک نشانه آنستکه سده سوم میلادی آئین مسیح در ایران رواج یافت. این نکته نخستین بار توسط آ. استین و آ. هرتسفلد بتفصیل نوشته شد. ولی در این زمان دیگر از روح رزمندگی مسیحیان نخستین، اثری پیدا نبود. این روزگار با زمان انتشار فرمان میلان که فرمان پیگرد مسیحیان در روم بود و نیز با کوشش‌های کلیسا‌ای نیکی که در واقع آئین مسیح را به آئین رسمی امپراتوری روم ارتقاء داده بود فاصله چندان زیادی نداشت [۱۰۰، ۱۰۴، ۱۰۲، ۷۹].

۳- بنای «گزارش‌های آربلی» درباره پیدایش و گسترش آئین مسیح در ایران ر. ل: به، [۷۹].

جهت عمدۀ در ایدئولوژی و کارهای دینی استانهای شرقی روم گنوستیسیزم و «بدعتهای» بسیار در مسیحیگری بود که موجب رشد اندیشه‌های فلسفی عمده آن شد.

پرستش میترا، ایزد آفتاب ایران باستان بویژه میان لشکریان پادگانهای رومی در همه اردوگاهها از شط فرات تا رود رن گسترشی فراوان یافت. الگال\* امپراطور روم در آغاز سده سوم میلادی فرمان داد که در اورشلیم «بیت المقدس» معبد این ایزد بنا شود و خود ریاست «راز مقدس» را بر عهده گرفت. بهمراه عقاید یاد شده اعتقاد به خدایان باستانی بر جای بود و پرستش خدایان امپراطوری بزود برقرار شد.

نخستین کوشش‌های دولت نوبنیاد ساسانی، در پارس، سرزمین زاد بومی این دورمان بود. در آن روزگار آئین زرتشت که بسبب سنت‌های دیرین خویش نیرومند بود، پایگاه اطمینان‌بخشی جهت دستگاه دولتی نوبنیاد بشمار می‌رفت. از این رو نخست اردشیر و پس شاپور اسواران خویش را از استانهای اصلی ایران بیرون کشیدند و به تصرف غرب که در آن روزگار «دل ایرانشهر» نام داشت پرداختند. آئین زرتشت بویژه در این استان‌ها قرب و منزلتی نیافت و در این استانها آئینها و اندیشه‌های دیگری فرمانرواشد. بمنظور حفظ حاکمیت در کشور (و پیش ازهمه در استانهای غربی) و داشتن منحدران مورد اطمینان در میان رودان، لازم بود که در آغاز ازشدت عمل خودداری شود و آتش اختلاف‌های مذهبی شعلهور نگردد. و اما دولت نوبنیاد جهت حفظ یگانگی در کشور ناچار از «یافن» آئین و راه و رسمی بود که نخست در سرزمین‌های اشغال شده مشهور و همگانی باشد، و دوم آنکه از حاکمیت شاهنشاه در این سرزمین‌ها پشتیبانی کند و از نظر اندیشه

Elagabal - \*

(ایدئولوژی) آنرا تأیید کند و بتواند پرستش « خدای یگانه » را در بر ابر کیش واحد پس دید آمده از آموزشها و آمیزه های دینی که از روز گار اشکانیان برای ساسانیان به ارث مانده بود قرار دهد.



تصویر شماره ۱۱ - پیروزی شاپور یکم. بیشاپور

ساسانیان از خاندان روحانیان بودند. اردشیر یکم بنیاد گذار شاهنشاهی ساسانیان و فرزند و جانشین او شاپور یکم از پیشووان آئین زرتشت بشمار می رفتند؛ گذشته از آن اردشیر و شاپور « پریستاران » پرستشگاه اناهیتای استخر بودند که یکی از جایگاه های مر کری ورجاوند زرتشیان ایران شمرده می شد. نقش های ویژه تاج گذاری آنان که بر صخره ها نقر شده این نکته را در سراسر ایران اعلام داشت که شهریاری از سوی اهودامزدا به آنان واگذار شده

است. سکه‌های دولتی آنان چه در ایران و چه در امپراتوری روم و دیگر کشورهای همسایه نمودار این نکته است که فرمانروایان ساسانی که «[اهورا] مزدا» پرستند... چهر از ایزدان دارند، در ضمن شاهنشاه ایران هنوز بهنگامی که «دین شاهی» - آئین زرتشت - بهیگانه دین رسمی کشور بدل نشده بود، موبدان موبد نیز بشمار می‌رفت. در آنروزگار هنوز آئین زرتشت ییگانه دین رسمی و رجاآوند کشور نبود، بلکه تازه به‌سازمان دادن پیروان خود جهت پیکار باکیشاها، آموزشها و دین‌های دیگر پرداخته بود. یکی از این آموزشها که شهرتش در میان‌رودان، روم و مصر کمتر از آئین زرتشت و آموزش گوستینیکی و آئین یهود نبود، آئین مانی است که در شمال هند، ایران، میان‌رودان، روم و مصر رواج داشت.

شاپورشاه ایران در روز تاجگذاری خود که ماه آوریل سال ۲۴۳ میلادی بود مانی، بنیاد گذار «آئین جهانی» - مانیگری را به حضور پذیرفت.<sup>۴</sup> در آن زمان مانی بیست و پنج‌ساله بود. تا این زمان (پیان دهه چهارم سده سوم میلادی) او سفرهایی به‌شرق کرد و در آنجا با آئین بودا و برهمن و باورهای محلی آسیای میانه آشنا شد. به‌سال ۲۴۳ میلادی شاهنشاه اورا بعنوان فرستاده و بنیاد گذار آئین نو که می‌توانست خواسته‌ای همه آئینهای موجود را یکی گرداند و از آنان پا فراتر نهد و «آئین جهانی» ییگانه‌ای عرضه کند، به حضور پذیرفت. مانی کتاب خود را که «شاپور گان» نام داشت به پیشگاه شاهنشاه تقدیم نمود (در واقع کتاب نامبرده جهت تقدیم به پیشگاه شاهنشاه چنین نامیده شد). در کتاب چنین آمده که «خرد و کردار [نیک]» بی‌گمان از سوی فرستادگان خداوند برای مردم فرستاده شده است. یکبار خرد و کردار [نیک] وسیله فرستاده‌ای بنام بودا در هند، بار

<sup>۴</sup> - در کتاب «کفالایا» از ملاقات مانی و شاپور در شوش یاد شده است (ر.ك، به: [۱۴۱، ۱۴۷]). درباره پذیرفته شدن مانی به‌حضور شاپور در روز تاجگذاری تنها در کتاب «الفهرست» آمده است. برای آگهی بیشتر ر.ك، به: [۱۱۹، ۳۴۰-۳۴۸].

دیگر توسط زرتوشنی در عراق، و دگربار وسیله عیسی به کشورهای غربی نازل شد. در این آخرین عصر کتاب من بسرزمین با بل فرستاده شد و پیامبری من که مانی فرستاده خدای راستیم اعلام شده [۴۷۸، ۳۹].

جوان نامبرده - پیامبر آئین نوین - در آزمان حامیان نیرومندی داشت: پیروز برادر شاهنشاه، وی را به شاپور معرفی کرد. در این هنگام طریقت مانی رفته رفته در زادگاهش میشان رواج یافت و همواره پیروان بیشتری را بسوی خود کشانید. بهنگام زندگی مانی مبلغان او به آسیای میانه رخنه کردند و تا پایان سده سوم میلادی گروههای مانوی در مصر وجود داشت. و در دهه هشتم سده سوم میلادی رومیان نیز با آئین مانی آشنا شدند. پایان سده سوم میلادی مسیحیان با مانی بدشمنی برخاستند و اورا کافر و «از دین بر گشته» خواندند. در «کیفر خواست آرخلای» - سده چهارم میلادی - (ایرانی، سنت او گوستین، ویفرم مقدس) با شدتی فراوان اورا مورد حمله فرار دادند. بعدها نیز بزبانهای لاتینی، سریانی و عربی مطالبی در باره مانی و مانیگری نوشته شد. مانی خود می گفت که آئین او حد مرزی نمی شناسد: «آئین من در هر کشور و بهر زبانی روشن است و در سرزمین های دور دست رواج خواهد یافت» [۱۲۶، ۴۲].

قطعه هایی از کتابهای مانویان که روزگاری شماره آنها بسیار بود («کتاب اسرار»، «انجیل زنده»، «شاپور گان»، «کفالایاه»، «خواستوانیفت» وغیره)، و آثار مخالفان آئین مانی (آثار الکسار لیکوپولی، «کیفر خواست ارخلای»، اثر ایرانی بنام پاناریون\* «کتاب سهولیا») تئودور بر کنایی و آثار ابو ریحان بیرونی، ابن‌النديم و دیگران) پیش روی ما منظره ای از آهونزهای بسیار دشوار و متناقض پدیدارد می آوردند. سبب دشواری آموزش های نامبرده آنست که مانیگری در کشورهای

۵- در متن های مانوی که بزبان قبطی نوشته شده از این نکته سخن رفته است.

\* - «Panarion»

گوناگون به شیوه‌های مختلف بود، زیرا آموزش‌های مانی باید در همه کشورها و بهمه زبانها مفهوم و روشن باشد.

بی‌گمان مانی مدافع وحدت آئین خویش بود. مانی ضمن استفاده از الفبای سریانی در نوشتن متن‌های مذهبی خویش بزبان فارسی میانه وضع ویژه‌ای را یادآور شد و آن اینکه آموزش‌های وی برخلاف دیگر آئینها از جمله آئین زرتشی، در زمان زندگی پیامبر و بخط او نوشته شده است. حال آنکه دستورهای مؤکد «پیامبر» مورد توجه پیروانش قرار نگرفت و پس از چندی آئین او به‌سن نوشت ویژه‌ای دچار شد.

در میان‌رودان آئین مانی با مکتب گنوستی‌سیزم (مکتب ادراک و معرفت -م) بر قابت پرداخت و در این زمینه کسب موفقیت کرد. آئین مانی شبیه اندیشه‌های بردیسان «یا ابن دیسان» فلسف آرامی از سرزمین الرها» (ادسا) و دوست‌آبگار نهم شاه این سرزمین و اخترشناس مشهور بود که پس از خود گویا اثری بنام «گفتگوها» ای افلاطون بجا گذارد. آئین مانی همانند حکمت مرقیون فلسف مشهور گنوستیک در سده دوم میلادی بود. کلیسای مسیحی آموزش‌های مرقیون را زیانبخش‌ترین شکل کفر و الحاد نامید. مسیحیان باید سپاسگزار مرقیون باشند، زیرا بویژه مرقیون «پیام پاولوس مقدس» را که از حواریون بود «یافت» و منتشر کرد. این پیام یکی از پر ارج ترین نوشته‌های مسیحیت بشمار است<sup>۶</sup>. سده سوم میلادی در روم، مصر، عربستان، سوریه و حتی ایران گروههای بزرگی از پیروان مرقیون وجود داشتند. رهبران گروههای نامبرده همانند سران مانویان می‌گفتند که جز خدای جهان مادی که پدید آورندۀ شر و ناراستی است، خدای بزرگتری هست که خالق خیر و راستی است. پیروان مرقیون نیز همانند مانویان «از پیشرفت

۶- درباره تاریخ گردآوری «پیام پاولوس» و درباره تأثیر این نوشته بر نوشته‌های متقدم مسیحی ر.ک: به: [۴-۱۷۰-۲۲۷] و دیگر آثار.

این جهان که توسط دمیورز<sup>\*</sup> پدید آمده بیزارند و با خودداری از زناشویی، با تاریکی و پدید آورند آن بدشمنی بر می خیزند و بگفته خود بسوی خیر و نیکی روی می آورند<sup>۷</sup>.

آموزش‌های مانی از بسی جهات به فلسفه افینها (efit) که آن زمان بسیار رایج بود شbahat داشت. در فلسفه مانی همگو نیهابی با حکمت فلوطین که در آن زمان شهرت بسیار داشت می‌توان یافت. این نکته را هم باید یا آورشد که در نوشته‌های مانوی از مسیح نیز فراوان یاد شده است، مسئله عمدۀ ای که مانی در بیان اندیشه‌های خویش مطرح کرد گنوستیک‌ها و مسیحیان را به یک اندازه نگران می‌داشت. اپیفانس یکی از مخالفان عمدۀ آموزش‌های مانی در این باره چنین نوشت: «مانی... جهانیان را به مطلبی ناشنیده آگاهی داده است ... که بر مبنای «نوشته‌ها» نیست، بلکه بر پایه اندیشه در باره طبیعت انسان است... چرا سراسر جهانی که مارا احاطه کرده سرشار از نابر ابری است، سیاه و سفید، روح و جسم، نیکی و بدی، داد و بداد؛ البته این از آنرواست که همه چیز از دو منشاء و دو آغاز سرچشمه می‌گیرد» [۱۴، ۱۶۸ و دنباله آن]. بنا به کیفرخواست آرخلای *Acta Arhlai* مانی، نوشه انجیل را مورد تفسیر قرار داد «یک درخت واحد نمی‌تواند هم میوه بد و هم میوه خوب بیار آورده» این بدان معنی است که خداوند، توانایی پدید آوردن شیطان را نداشت. این تز اصلی همه مکتبه‌ای گنوستیک است: خداوند در جهان، شر و بدی را نیافرید. از اینجا چنین معلوم می‌شود که خداوند جهان را نیز نیافرید، زیرا جهان (مادی) و پدید آمده از شر است. از اینجا چنین بر می‌آید که ماده علی رغم خواست پروردگار موجود است و انسان ترکیبی است از ماده و درخشش

۷- کلمان اسکندرایی. نقل قول از شماره، [۳۱۲۰۳۱]. در باره منقیون نوشته‌های بسیاری هست، ر.ک، به [۲۳۰-۲۲۸، ۷].

\* - دمیورز Démourz نام خالق کل در فلسفه افلاطون است - م.

نور آتشین». در مفهوم ثنویت اندیشه اصلی مانویان همانند اندیشه اصلی گزینیکها است. اما بنا بر گفته العاد شناسان آغاز مسیحیت «الحاد» اصلی آموزش‌های مانی در همین اندیشه اوست، زیرا مانی با انکار «رهایی انسان» در واقع منکر رسالت مسیح شده است.

در محیط زرتشیان ایران نیز آموزش‌های مانی آشنا و مأنوس بمنظور می‌رسید. خدای بزرگ مانویان زروان - خدای زمانه پیکران «پدر دخدا» بزرگ خیر و شر زرتشیان - اهورامزدا واهریمن بود و «نخستین انسانی» که با نیروهای تاریکی به پیکار پرداخت اهورامزدا (هرمیزد) نام داشت. آئین زرتشت و کوسمو-گونی (باورهای افسانه‌ای در پیدایش کیهان) مانوی باهم شباhtی می‌یافت و بهر تقدیر ثنویت این تعالیم آشنا و مأنوس می‌نمود. ولی اندیشه بدینانه وجود ناراستی و بدی در انسان و انکار شرکت انسان در پیروزی نهایی نیکی بر بدی با آئین زرتشت همداستانی و همگونی نداشت و از این رو یادآوری رساله ویژه یکی از اثرهای دینی زرتشتی که علیه «ده پند از کلامات حکیمانه مانی گجستگ» و علیه قشریت مذهبی بوده مفهوم و روش است [۶۵، ۹۹، ۲۰۰].

کوسمولوژی (کیهان شناخت) و کوسمو-گونی (علم تکوین عالم و باورهای افسانه‌ای درباره پیدایش کیهان) مکتبهای گوناگون مانوی سرشار از افسانه‌ها بود. در میانرودان، ایران و مصر و هرجا که مکتب مانویان وجود داشت این افسانه‌ها رایج بودند. در آموزش‌های مانی همانند مسیحیت، آئین پهود و کیش زرتشت، از روزبازخواست و اندیشه مسیح سخن رفته است. پیروان مانی به وجود مسیح در غرب و بودا در شرق باور داشتند و بسیاری از ایزدان واهریمنانی که در آموزش‌های مانویان از آنها یاد شده از مدت‌ها پیش شناخته شده بودند مانی خود چنین گفته است: «اگر هریک از ما اوهام و عقاید باطل را بیکسو افکند و بـا علائقه‌ای راستین گفته‌های من گوش فرا دارد. در قرون و اعصار آینده وارث

سیادت آسمانی خواهد شد» [۱۶۸، ۱۴]. ما بر استی می‌دانیم که آموزش‌های مانی پیروان بسیار یافت.

از نظر الحاد شناس مسیحی، از جمله از دیده اسقف ارخلای، دین مانی - وحشیگری و «افسانه‌گویی عجوزگان» و از نظر اپیفانس «دلپذیرتر از بازی دلکهای مشهور» و از نظر مارکوس کشیش کلیساي غفرزه، سراپا «سخن چینی و گفتهدای زنانه دور از خرد» است. ولی این آموزش‌ها که در روزگار بحران عمیق اجتماعی و انعدام اجتماعهای کهن و نظام فرسوده برده‌داری پیدید آمد و در برخی از مکتبهای خویش (بویژه در غرب) دارای روح پیکار و اعتراض بود، نظر بسیاری را بخود جلب کرد. در زمان این بحران شعارهای مانویان مانند «آنکه غنی است. فقیر خواهد شد و دست گدایی دراز خواهد کرد و به درد و رنج ابدی گرفته‌ار خواهد آمد» (کیفرخواست آرخلای «Acta Archelai») توانست هواخواهان بسیار بیايد. فرمان دیوکلیان امپراتور روم که بسال ۲۹۶ میلادی به نه‌اینده خود در افریقا نوشته بود نشانه آنستکه آموزش‌های مانی در میان مردم رواج فراوان داشت. در فرمان بصراحت گفته شده که این آئین «مردم آرام را بر می‌انگیزاند و در شهرها زیانهای فراوان بیار می‌آورد». اما هنوز زمان «تفسیر انقلابی» اندیشه‌های اصلی مانی فرا نرسیده بود. این زمان با پیدایش جنبش مزدک که بر پایه آموزش‌های مانی بود آغاز شد. جنبش مزدکیان بزرگترین شورش بی‌چیان شهرها و کشاورزان خاور نزدیک در آغاز سده‌های میانه بود<sup>۸</sup> و پس از آن «بدعتها و العاد» پاولیکی‌ها<sup>\*</sup>، بوگومیلها<sup>\*</sup>، قطراها<sup>\*</sup>، الیگوها<sup>\*</sup> که مبنای

۸. درباره شورش مزدکیان ر.ك.، ب[۱۱۶، ۳۲۰-۲۷۸، ۲۸].

\* - پاولیکی‌ها Pavlikی شرکت کنندگان جنبش بسیار بزرگ زندیقان در روم شرقی (بیزانس) بودند. این جنبش در سده نهم میلادی مقیاسی بزرگ یافت و شکل مبارزه ضد فتووالی بخود گرفت که در آن توده‌های مردم، بویژه کشاورزان شرکت داشتند. در دهه هشتادم سده نهم میلادی نیروهای عده پاولیکی‌ها از سوی حکومت روم شرقی تارومار شدند بخشی از پاولیکی‌ها با بوگومیلها که از

فکری و اندیشه‌ای بسیاری از شورش‌های کشاورزان بودند پدید آمدند.  
سدۀ سوم میلادی «دین جهانی» بطور کلی نظر بزرگان، بازار گنان ثروتمند و روشنگران را بخود جلب کرد. در آن روزگار دین نامبرده از بسی جهات بصورت حکمت و فلسفه بود.

بنا به نوشه‌های مانوی پیروز برادر شاهنشاه شاپور، به آئین مانی گروید واورا به حضور شاهنشاه معرفی کرد. عمر و بن عدی شیخ عرب در پیشگاه شاهنشاه نرسی از اینای جانشین مانی وساطت کرد. مهرشاه - فرمانروای میشان به آئین مانی بود. بسیاری از روشنگران غرب نیز به آئین مانی گرویدند. گمان می‌رود فلوطین نیز که قصد همراهی با سپاهیان والرین را بهنگام اشکر کشی به ایران داشت آرزو می‌کرد با آئین مانی آشنا شود. بعدعاً سنت او گوستین که از آباء دین مسیح بود از سال ۳۷۲ تا سال ۳۸۲ میلادی به آئین مانی گروید. او گوستین در آن روزگار جوانی بود داشتمند که فلسفه‌وادیات باستان را نیک‌فرآگرفت و به آموختن دانش‌های فلسفی زمان خویش شوقی وافر داشت و در «جستجوی حقیقت» به مطالعه نوشه‌های انجیل مقدس پرداخت. در «اعتراضات» اوچین آمده است که وی بهنگام مطالعه این کتاب از همان برگ نخست در نگذشت. سبب بیزاری او این بود که نوشه‌های کتاب حالت «امردادشت، نه اقنان». شیوه نگارش کتاب به گونه‌ای بود

→ نظر اندیشه با آنان نزدیک بودند در هم آمیختند. - م.

\* - بوگومیل bogomili (خدادوست - م) شرکت‌کنندگان جنبش ضد فنودالی کشاورزان بلغارستان در سده دهم میلادی بوگومیلها نام داشتند. جنبش آنها شکل‌زنده والحاد داشت. آموزش‌های بوگومیلها در زندیقان اروپای غربی از جمله قطرها و دیگران اثر بسیار داشت. - م.

\* - قطرها (Cathares) دسته‌ای از زندیقان اروپای غربی بودند. ر.ك: به: بوگومیل. - م.

\* - آلبیکوها Albigeois - دسته‌ای از زندیقان جنوب فرانسه در سده‌های ۱۲ - ۱۳ میلادی بودند. آنها از آنرو آلبیکر می‌نامند که مرکز جنبش و گوششایشان کوه‌سای آلب بوده است. جنبش آلبیکوها ضد پاب و کلیسا کاتولیک بود. شرکت‌کنندگان این جنبش بیهودان، کشاورزان و نیز ثروتمندان شهرها و شوالیه‌ها و بزرگان محلی بودند که از این جنبش بهره‌وری شدند. هدف آلبیکوها بیرون کردن املاک و موقوفها از چنگ کلیسا بود. در نتیجه چنگهای مذهبی (صلیبی) که از سوی پاب و بیاری شاه فرانسه با آلبیکوها در گرفت، این فرقه منعدم و تارو هار شد. - م.

که خواننده را به خواندن راغب نمی کرد<sup>۹</sup> در آنروز گار نظر اشخاص نسبت به کتابهای دینی مسیحی چنین بود. آموذشهای «خشن» مسیحی در آنروز گار یارای رقابت با فلسفه گنوستیک و دیگر آموذشهای را نداشت و بسا کسا که هانند سنت او گوستین از همین راه به آئین هانی گرویدند.

سازماندهی نیکو [۱۳۴، ۲۴۱ - ۲۷۱] و کار تبلیغ که بخوبی سامان یافته بود در آن روز گار جهت انتشار آئین هانی اهمیتی بسزا داشت<sup>۱۰</sup>. بهنگام زندگی هانی دوازده مبلغ اندیشه های اوردر شرق فعالیت داشتند. در مردم نیز بهنگام حیات هانی انجمن مانویان وجود داشت که نیک سازمان یافته بود<sup>۱۱</sup>. در شهر های میان رودان نیز بسیاری از انجمن های مانوی فعالیت داشتند. هنگامی که مانویان مبلغان خود را به شرق ایران فرستادند، آنانرا بدرعاایت صبر و حوصله و توجه به کسانی که بتازگی آئین هانی پذیرفته بودند، ملزم می داشتند. سیسینیوس که یکی از جانشینان هانی بود به یکی از مبلغان مانوی بنام مار آمو چنین نوشت: «اگر آنها (کسانی که بتازگی دین هانی پذیرفته بودند) عادی ترین مسئله ها را از تو پرسند، امید است در پاسخ گرفتار دشواری نشوی» [۳۰۲، ۴۲]. مبلغان مانوی در غرب، میان رودان، آسیای صغیر و روم رفتارشان بدینگونه بود. اینک به چند آگهی متأخر از گفته های مارکوس کشیش کلیساي پورفیر (پورفوریوس) مقدس در غزه می پردازیم. مارکوس می نویسد که در غزه زنی بود بنام ژولیا از اناطکیه که به اشاعه کفر و زندقة دهشتبار مانویان اشتغال داشت<sup>۱۲</sup> او خبر یافت که برخی از مردم غزه اند کی پیش به آئین مسیح در آمدند و «هنوز در این آئین راستین استوار نیستند». وی با آموذشهای خویش به وسوسه و فریب آنان پرداخت و چنین القاء

۹- این قطعه ای است از «اعتراضات» سنت او گوستین که گاستون بو آسیه در کتاب خود زیر عنوان «دانهدم شرک و بتسر برسته» آنرا ترجمه کرده است [۲۰۳۰، ۲۰۳۲].

۱۰- بنابه نوشته ابوالفرق ر.ك، به [۱۳، ۱۰۱، ۳۰].

۱۱- [۳۰۲، ۴۲]. اندکی پس از پنجاه سال اسقفنشین مسیحی در اینجا تأسیس شد.

می‌کرد که در دین مانی، مسیح و بسیاری از خدايان یونانی مورد پذیرش است و گذشته از آن مانویان به «جدولهای نجومی و اسطرلاب و شرنوشت و اختران» وقوف و آگهی داردند. ولی بنا به نوشته مارکوس سبب پیروی مردم از او آن بود که وی «پول به آنان می‌داد؛ زیرا ... این کفر و خداناشناسی را جزاز راه پول نمی‌توان رواج داد». بدینگونه مردمان از او پیروی کردند و هواخواهان وی چندان بسیار گشت که فرا خواندن او به گفتگو و سوالش در کلیسای بزرگ ضرور می‌نمود. ژولیا به مراهی «زنان بسیار که همه جوان و زیباروی و پریده رنگ بودند به کلیسا در آمدند و از میان آنان تنها ژولیا کهنه سال بود». مارکوس مدعی است که در این گفتگو مسیحیان پیروز شدند ولی او نتوانست این نکته را پنهان کند که گفته‌های ژولیا «در انبوه مردم اثر داشت» و «صدایش آرام و رفشار دلبذیر» بود.

آئین مانی در سراسر شرق از مصر تا هند زمانی انتشار یافت که بگفته ف. انگلس «حتی در روم و یونان و جز از آن سرزمینهای در آسیای صغیر، سوریه و مصر آمیزه غیرانتقادی مطلق خرافهای و پندارهای کودکانه و خشن اقوام گوناگون بدین کمترین قید و شرطی در دینها رسوخ یافته بود و ریاکاریهای پارساماً با نه با فربیگریهای علنی و مستقیم تکمیل می‌شد. در چنین روزگاری معجزه، وجود، رؤیا، جادوگری و عزایم ارواح، پیشگویی، کیمیاگری، سحر و دیگر یاوهای و افسونگریهای صوفیانه نقش عمده بر عهده داشت» [۴۷۵، ۱]. سازمان منظم و در بسته پیروان آموزش مانی، ویژگیهای تبلیغ این اندیشه‌ها، پنهانکاری در برگزاری مراسم صوفیانه، «طالع بینی بر مبنای گردش اختران (اختران بینی)» و شهرت پیشکان گرانمایهای که هر دردی را درمان می‌کردند - همه عوامل نامبرده اجماعهای و کسانی را که با «شناختن ماهیت عالم‌هستی وجود» سروکاری نداشتند به آئین مانی نزدیک می‌کرد. باور به «خدای یگانه با نامهای گوناگون» رواج

بسیار یافت. آموزش‌مانی «دره رکشور و بهر زبان» مفهوم بود. ویژگی‌های آموزش‌مانی در سده سوم میلادی نشان می‌دهد که کوشش و صرف مساعی جهت تنظیم طرحی بسامان از آموزش‌های مانی بطور کلی کاری است عبیث و بیهوده. چنین بنظر می‌رسید که نظم و بسامانی تنها در نوشه‌های مانی وجود داشت و مکتبها و فرقه‌های گوناگون درواقع برآمده اندیشه‌های ویژه خود می‌پرداختند. اصول و مضمون کلی آئین مانی در میان متنهای غربی و شرقی بهتر



تصویر شماره ۱۲ - بخشی از نقش بهرام دوم در نقش بهرام. موبدک تیر وارد شیر قارن

از همه در کتاب «خواستوانیت» - «دعای توبه مانویان» آمده است. این کتاب بشكل قطعاتی بزبانهای سریانی و اویغوری در نزدیکی تورفان و صحرای دون - هوآن بدست آمد.<sup>۱۲</sup>.

اندیشه اصلی در آموزش مانی - ثبویت است، در «خواستوانیت» در این باره آمده است: «هر گاه ناگزیر از گفتن شویم: اگر زندگی پخشندۀ ای هست - آن خداست. اگر میرا ننده هست - آن خداست، هر گاه ناگزیر از گفتن شویم: اهورامزدا (انسان نخستین) و شیمنو (ماده) - برادران بزرگ و کوچک اند. خداوندان اگر زمانی این دروغ را درباره تو گفتندام - آنگاه توبه‌می کنم و از در گاه تومسالت دارم که مرا از گناه برهانی». <sup>۱۳</sup>

در «کیفرخواست ارخلای» چنین آمده که: توربون، فرستاده مانی بهنگام کوشش برای جلب مردی ثروتمند بنام «مارسلا» به آئین مانی گفت که دو خدای زاده نشده وجوددارند که از خویشتن پدید آمده اند وابدی و ضد یکدیگرند. یکی خدای روشنایی است و دیگری خدای تاریکی. توربون به مارسلا گفت که خدای روشنایی، اهورامزدا - نخستین انسان - را به نبرد با خدای تاریکی فرستاد و او را با پنج عنصر: اثیر پاک، باد گرم، روشنایی، آب و آتش پاک کننده مسلح کرد. در این پیکار انسان

۱۲ - لوکوک آغاز این اثر را در نزدیکی تورفان کشف کرد. رادیلوف قلمه‌هایی از آنرا خواند و سر آخر اسنین در صحرای دون - هوآن متن اویغوری آنرا (از آغاز بخش پنجم) بدست آورد. روایتهایی از کتاب «خواستوانیت» به دیگر زبانها هست. چاپ و ترجمه اصلی کتاب و. بنگ - W.Bang [۴۷] - [۲۲]، س.ی. مالوف [۴۶] - [۲۲]، س.ی. مالوف [۲۲] - [۴۷] است. همانجا - ترجمه و تفسیر برخی از متنهای مانوی.

۱۳ - ترجمه متن از W.Bang [۱۴۷، ۴۷]. ر.ک: به ترجمه س.ی. مالوف [۲۲-۱۲۰، ۱۲۵]. بهترین خلاصه از آموزش مانی و تاریخ مانیگری در کتابی است از H.C. Peuech [۱۳۵] و کتاب آقای سید تکمله‌های بسیاری نیز در پژوهش‌های آسموسن J.P. Assmussen [۴۶] - [۲۲]، پایان سخن کتاب (ویژه تاریخ زندگی مانی است) همراه با ترجمه و پیشگفتار و.ب. هنینگ در مجله «آسیای بزرگ» Asia Majora، VI، Pt.I، سال ۱۹۵۷ درج شده است.

نخستین توفیقی نیافت و از خداوند یاری خواست. «روح زنده» بیاری او فرستاده شد، ولی روح انسان نخستین در زیر سیطره تاریکی باقی ماند. مردمان نیز همانند او از ماهه پدیدآمده اند و تنها جزئی بسیار کوچک از نور خداوندی در روح آنان جای گرفته است. در مقدمه «خواستوانیفت» نیز همین نکته یاد شده است.

از نظر اخلاقی یا تجریبه، اندیشه اصلی در آموزش مانی «ابدی بودن» ظلم و بیداد است. از نظر مانویان روح انسانی مانند دیگر پدیده‌های این جهانی (زمینی) خلی نپذیرفته است. روح انسانی «اخگری است از نور خدا» و از این رو بر همه پیروان آئین او واجب است که وسیله آزادی و رهایی این اخگر را فراهم آورند. و تنها باری اضطرت بسیار و ترک جهان می‌توان بمقصود دست یافت. گذشته از آن پیروان واقعی نباید دروغ بگویند و بیگناهان را بیازارند و از راه انتشار دروغها و افسانه‌های گوناگون مایه آزار کسی یا چیزی شوند، نباید به سحر و جادو دست زنند، بلکه باید مبادی دین راستین را بجا آورند و همه ساله در موقع معین روزه بگیرند، نزد امام جماعت اقرار معاصی و از اطلب آمرزش کنند، غم خوار «بر گزیدگان» که خلیفه دینی شرده می‌شدند باشند. «بر گزیدگان» نیز باید از خوردن گوشت و از صرف خوراکهای تهیه شده از برخی رستنیها خودداری ورزند و پیمان بندند که همسری برای خویش بر نگزینند. آنها باید آنچه را که «جسمانی است و از تاریکی و بدی پدیدآمده» امس کنند. وظیفه آنان دعای خیر درباره «نیوشگان» است تا روحشان به حیطه نور درآید. «نیوشگان» باید ابتدا دوره کاملی از تبدل را پیمایند و آنقدر به زمین بیایند و باز گردند تا آخر کار «بر گزیده» شوند.

اصول آموزش مانی بر بدینی بی اندازه مبتنی است. اینک قطعه‌هایی از کتاب «خواستوانیفت» را می‌آوریم: «روزانه چه اندازه فکر و اندیشه بد از خاطر ما می‌گذرد چه اندازه سخنان ناصواب بر زبان می‌آوریم و چه کارهای ناشایستی از ماسر- می‌زند...، پرورد گارا، ما کمال نیافتنگانی بزه کاریم. ما آزار دهنده گانیم و بخطاطر

حرص و آز، واهر یمن پیش رشگ، پندار، گفتار و کردار ما آمیخته بدروغ و ناراستی است! آری! با چشم‌مانی که می‌بینند، گوشها بایی که می‌شنوند، دستانی که لمس می‌کنند، پاها بایی که می‌روند... تا دیر باز، بی‌نهایت رنج خواهیم کشید.... آری! ما کمال نیافتگانی بزهکاریم....».

چنین است آئین اخلاقی مانویان. این آئین در بارهٔ یاری به نزدیکان برخوردی شگفت‌انگیز دارد؛ چنانکه در «خواستوانیقت» آمده، پیروان مانی نباید به مخالفان وظیفهٔ ورجاوند و آنانکه پیرو آئین مانی نیستند کمک و یاری کنند. گمان می‌رود سنت او گوستین با توجه به‌این امر بود که مانویان را مردود شمرد. «شما از کار بد نسبت به خداوند بیننا کید، ولی نان به گرسنگان نمی‌دهید. بیم دارید از آنکه خود را قاتل بدانید. اما قاتلید. زیرا هنگامی که از کنار گرسنهای که شاید بعیرد می‌گذرید و به‌اونان نمی‌دهید شما را باید قاتل شمرد. چه خودداری از نان دادن به گرسنگان بنام خدا باشد و چه به‌معرف مانی!».

بدبینی شدیدی که مانویان تبلیغ می‌کردند، سازمانهای جدا از هم پیروان این آئین، تمگی حدود فرقه‌های مانوی، دشواری اندیشه‌های فلسفی مانوی و سر-آخر روح آزادمنشی (دموکراتیک) ویژه برخی از مکتبهای مانوی و نزدیکی این مکتبهای با آراء و عقاید گنوستیک‌ها - همه این ویژگیهای مانیگری نشان داد که «آئین جهانی» مذهبی نیست که بتواند تکیه‌گاهی برای شهریاری مرکزیت یافته ساسانی باشد. «آئین جهانی» نمایشگر آن مرحله‌ای بود که آنرا می‌توان چنین خلاصه کرد: در جریان هرج و مر ج همه آموذشهای مذهبی و فرقه‌ها و مکتبهای هلنیستی، با درد و رنج فراوان «زبان مذهبی» واحدی پدیدآمدو کوشش و جستار-های پر تلاطم و مبارزه‌های شدیدی در گرفت که به‌های قربانیهای بیشمار زمینه را برای ایجاد مذهبی‌ای «بزرگ» دارای اصول و شرایع فراهم ساخت. این مذهب-ها باید دولت مرکزی واحد را «ورجاوند» جلوه گر سازند و به پرچم ایدئولوژی آن

بدل گردند. آموزش‌های مانی جهت این جستارها شاخه‌ای خشک و شکننده‌می نمود و زمان آن سبزی شده بود. گرچه اندیشهٔ پدید آوردن دین واحد برای سراسر غرب دلفریب و دل‌انگیز می نمود و شاپور و بخشی از بزرگان ایران فریفته این اندیشه شده بودند و حسابهای سیاسی، آنانرا به استفاده از آئین مانی بمنابه «نیروی سوم» خود ویژه و امی داشت، با اینهمه اندیشه‌ها و حسابهای مذکور گرچه خوش درخشید، ولی دولت مستعجل بود. موقفيت‌های نظامی در غرب، وظیفه نوینی را که عبارت از ایرانی کردن سرزمینهای تصرف شده بود در درجهٔ اول اهمیت قرار داد. موبدان زرتی شاهنشاه سپاهیان شاهنشاه بدان طاکیه، فارس، قیصریه «به شمال تا یونان، ارمنستان، ایبری... بلاشکان و در بند آلبان» رفتند و آئین خود را بزور در این سرزمینها رایج کردند. در دربار شاهنشاه، کرتیر هنوز هنگامی که دارای عنوان کوچک «فسر اوستا» (هیر بد) بود مقام یکم را داشت.

## ۵۰۵

در کتاب «دینکرت» از نوشن متن «اوستا» و قوانین کیش زرتشت سخن رفته است. در کتاب نامبرده چنین آمده که در روز گار هخامنشیان دارا فرزند دارا شاهنشاه ایران فرمان داد تا دو رونوشت از «اوستا» تهیه شود. یکی را به خزانهٔ شاهی (ganj - i Šapikan) و دیگری را به دز نیشت (diz - i nipišt) سپرد.<sup>۱۴</sup> این دارا فرزند دارا که بود؟ به نظر موبدان ذرتی شی که کتاب «دینکرت» را در سدهٔ نهم میلادی فراهم آورده اند این شخص شاهی است از شاهان باستان بنام دارا که پیش از اسکندر مقدونی می زیست. بسی گفته شده است که اسکندر پس از پایان لشکر کشی پیروزمندانهٔ خویش در ایران این متنها را (که با آب‌زربردو ازده هزار پوست گاو نوشته شده بود) به آتش کشید. در عصر اشکانیان «واخش» (بلاش) اشکانی

۱۴. [۵۹ ص ۴۱۲، ۳۰، ۴۱۵ ص ۳، ۴۱۲]. رونویسی متن، ر.ک، به [۴۶-۲۱۹، ۲۱۸] و نیز ر.ک، به [۳۶-۳۱۹، ۷-۱۵۶].

موبدان را فرمود هرچه از نوشهای «اوستا» که از گزند رسته و بجا مانده و نیز دیگر آموزش‌های مربوط به کیش زرتشت را چه آنها بی که بصورت نوشته باقی مانده و چه آنها که سینه به سینه نقل شده نگاه دارند\*. از نظر نویسنده‌گان کتاب دینکرت «ولخش» (بلاش) نامبرده ممکن است هر یک از پنج بلاشی باشد که در روزگار فرمانروایی اشکانیان در ایران شاهنشاه بودند (بلاش یکم نیمة دوم سده یکم پیش از میلاد و بلاش پنجم در سالهای ۲۰۷-۲۲۳ میلادی می‌زیستند).

ولی هیچیک از دو کوش نامبرده، اگر هم بر اساتی صورت گرفته باشد، باز جنبه گردآوری و تنظیم نسکهای مذهبی را نداشته‌اند. چنین بنظر می‌رسد که آموزش‌های دینی پیش از هر چیز بربنای مطالبی که سینه به سینه نقل شده شامل باورهای دینی و پرستش‌های باستانی بود بسط و پیشرفت می‌یافتد. بنا بر پرستش‌های مذکور که در سراسر ایران رواج داشت، خدایی جایگزین خدای دیگر می‌گشت. ولی انتشار وسیع این آموزش‌ها<sup>۱۵</sup> البته به معنای تبدیل و اعلام آن بعنوان آین رسمی کشور نبود. عدم تعصّب شاهان اشکانی نیک روشن است؛ حتی نمی‌توان بیقین گفت که آموزش‌های زرتشت مورد ستایش و پرستش این دودمان فرمانروا بوده است. در کتاب «دینکرت» نخستین گردآوری و تنظیم «اوستا» به روزگار پادشاهی اردشیر نسبت داده شده است. این روزگار چه در زمینه ایدئولوژی و چه در زمینه سیاست کشور روزگاری بسیار متنشج بود. در آن کتاب از هیربدی بنام تنسر (یاتوسر) که

۱۵- در میان نامهای کسانی که در اسناد «مهرداد کرت»، (نسا) آمده (و شماره آنها نزدیک دویست است)، بسیاری از نامهای ایزدی زرتشتیان دیده شده است. گاه شماری این اسناد نیز بربنای گاه شماری زرتشتی («اوستای جدید») است. ر.ك: به [۸-۲۳، ۲۴].

\*- در تکمله کتاب «نامه تنسر» بااهتمام و پژوهش استاد مجتبی مینوی بهنگام ذکر از کتاب چهارم دینکرت چنین آمده است، «ولخش» (بلاش اول) اشکانی فرمود اوستا وزنده همچنانکه به اویزگی اندر آورده شده است وهم آموختنیها (= کتب ادب) هرچه از گزند و آشنازکاری (= خرابکاری) الکستردر و (؟ گروه غارتکر)؛ رومیان اندر ایرانشهر بیراکنده برونوشه (به ربان؛) در حفاظت دستور مانده است همچنانکه اندر شهر فراز آمده است نگاه داشتن و به شهرها پادگار کردن».

مترجم .

به ترجمه نسکهای نامبرده پرداخت یاد شده است.

در کتاب «دینکرت» چنین آمده است: شاهنشاه اردشیر، توسر - «هیربدان هیر بد» را فرمود تا آنچه از «اوستا» بازمانده گردآورد توسر پس از مطالعه و ارسی متنهای موجود یک متن را برگزید و باقی را خارج از نوشههای اصلی دینی شمرد. رأی بر آن قرار گرفت که از این پس باید کلیه احکام و شرایع دین مزدیستا وسیله توسر تفسیر شود [۵۹، ۴۱۵، ۳].

توسر، کسی که بنا بنوشهه «دینکرت» دولت ساسانی آئین رسمی کشور را مرهون او بود، کیست؟ آیا براستی چنین کسی بوده است؟ ما از همان کتاب «دینکرت» اورا می‌شناسیم در آن کتاب چنین آمده است: «هر گاه مردم از توسر راستگو که هیر بد و نماینده بزرگ دین است پیروی کنند، هر گز فتنه و دروغ و پرستش ناراستین دیوان به کشورها راه نخواهد یافت...» [۵۹، ۶۵۲، ۱۰].

نامههای جالبی را که بیکی از فرمانروایان شمال ایران نوشته شده و مر بوط به اواخر شاهنشاهی ساسانیان است بهمین توسر (یاقنس) نسبت داده‌اند. «نامه‌تسر» نوشته‌آموزشی بسیار زیبایی است که هارا با شخصیت تسر و کارهای او آشنا می‌سازد. در این نامه، تسر زاهدی اهل ریاضت، کوشادانشمند بنظر می‌رسد. او درباره خویش چنین می‌نویسد: «(ع)... پنجاه سال است تا نفس اماره خویش را برین داشتم بریاضتها که از لذت نکاح و مباشرت، و اکتساب اموال و معاشرت امتناع نمود، و نه در دل کرده‌ام، و [...] خواهان آنکه هر گز ارادت نمایم، و چون محبوس و مسجونی در دنیا می‌باشم، تا خلائق عدل من بدانند و بدانچه برای صلاح معاش و فلاح معاد، و پرهیز از فساد، از من طلبند، ومن ایشان را هدایت کنم، گمان نبرند، و تصور نکنند که دنیا طلبی را به مخداعه و مخاتله مشغولم، و جلتی توهمند افتاد، و چندین مدت که از محبوب دنیا عزلت گرفتم و با مکروه آرام

داشته، برای آن بود که اگر کسی را با رشد و حسنات و خیر و سعادت دعوت کنم اجابت کند و نصیحت را به معصیت رد نکند» [۸، ۱۴۹].

تنسر در نامه خود به شاه طبرستان به شرح بسیاری از کارها و رفتار شاهنشاه می‌پردازد. در این اثر گاه شباھنی شگفت‌انگیز با نوشته‌های «دینکرت» درباره توسر دیده می‌شود.

ولی «نامه تنسر» نیز همانند «دینکرت» در آخر روزگار ساسانیان نوشته شده است. این «نوشته ساختگی» جعلیاتی است دارای جهت خاص، و آگاهانه آن را به نویسنده‌گان متقدم نسبت داده‌اند تا بیاری زمان برای اندیشه‌هایی که در این نوشته‌ها آمده حیثیت و اعتبار بیشتری پیدید آورند. تنسر از نظر ماهمچنان شخصیتی است افسانه‌ای که سیصد سال پس از روزگاری که بهزندگی و فعالیت او نسبت داده‌اند از وی سخن رانده‌اند.

اکنون به مآخذ سده سوم میلادی یعنی نوشته‌های آغاز شاهنشاهی ساسانیان بر صخره‌ها و سکه‌ها و نقشه‌ای بر جسته و کنده کاری و قلمزنی بر فلز و دیگر چیزهای گوناگون آغاز روزگار ساسانیان نظری می‌افکنیم و می‌کوشیم تا پاسخی برای این پرسش بیابیم که این مآخذ چه راه‌ها و روزگارانی را درباره تبدیل آئین مزدیسنا به دین رسمی ایران عهد ساسانی بما نشان می‌دهند.

چنانکه پیشتر آمد ساسانیان از آغاز فرمانروایی در استخر؛ شاهی خویش را دارای ماهیتی ایزدی خواندند و چون روحانیان بزرگ پرستشگاه اناهیتا بودند، خود را پریستار و نگهبان ایزد اناهیتا می‌نامیدند. فرمانروایی غیر مذهبی دودمان نوین در این روزگار از فرمانروایی مذهبی جدا نبود.

سکه‌های ویژه تاجگذاری اردشیر، نخستین شاهنشاه ساسانی نمودار احترام ساسانیان به آئین مزدیسنا است. اردشیر به سال ۲۲۷ میلادی عنوان *mzdysn bgy* ... (بغ) [اهورا] مزدا پرست، خدایگان... که چهر از *MNW čtry MN yzd n*

ایزدان دارد) و پدیدآورنده پرستشگاه ویژه تاجگذاری شاهی ('twr' n MLK') آتشکده شاهی - م «کنار «کعبه زرتشت» - پرستشگاه ایزداناهیتا را داشت. نقشه‌ای ویژه تاجگذاری اردشیر یکم که در نزدیکی اردشیر خود، نخستین پایتخت او نقرشده و نیز نقشه‌ای وی بر صخره‌هایی از سنگ رخام در ناحیه تخت جمشید که از لحاظ ملی در نظر ایرانیان ورجاوند است منظرة تسليم حلقة شهریاری را از سوی اهورامزدا به اردشیر نشان می‌دهد. منظرة واگذاری شهریاری به شاهان ساسانی از سوی اهورا مزدا برپشت سکه‌های شاپور یکم نیز نقش شده است. افسر این شاه درست همانند تاج اهورا مزداست.

نخستین شاهنشاهان ساسانی تنها بر گزیده از سوی اهورامزدا نبودند. بر پشت سکه هرمزد یکم فرزند بزرگتر شاپور منظرة تاجگذاری وی تصویر شده که در آن اهورامزدا، میترا واناهیتا - که در آن زمان با همسر بزرگ شاهنشاه بانوی بانوان همگون می‌نمود - شهریاری کشور را بدو تفویض داشته‌اند. در آن روز گار پرستشگاه اناهیتا در استخر Sthly 'twry ZY' rthštr nhyt بنام همسر بزرگ شاپور یکم فرزند اردشیر «بانوی بانوان» آتوراناهیت<sup>۱۶</sup> نامیده می‌شد.

از روز گار شهریاری اردشیر تا هرمزد یکم قوانین مصوري درباره ایزدان بزرگ زرتشی پدیدآمد. برای تصویر اهورامزدا از پوشاك و زیور و افسر اردشیر یکم که بر سکه‌های او ضرب شده استفاده شده است. میترا واناهیتا (که نخستین بار در سکه‌های هرمزد یکم به سال ۲۷۳ میلادی منتشر شد) نیز درست به مانگونه با پوشاك‌های شاهنشاه و بانوی بانوان تصویر شده‌اند. میترا با افسری دارای شعاع-های زرین (که جزء لایتجزای دب‌النوع آفتاب مشرق زمین و هلنیستی است) و

۱۶ - نوشته کوتیر در کعبه زرتشت، سطر ۸. درباره انوراناهیت. همچنین ر.ک، به نوشته شاپور در کعبه زرتشت بزمیان فارسی میانه، سطر ۱۸، ۲۰، درباره بنای پرستشگاهی که بفرمان شاپور یکم بنام او نامیده شده و نیز درباره هدایایی که به پرستشگاه نامبرده نقدیم شده است.

اناهیتا با افسر کنگره‌دار اتورا ناهیت بانوی بانوان ذیور یافته‌اند. چنین بر خورد واقع بینانه «رآلیستی» نسبت به پیدایش شکل‌های هنری مذهبی از ایزدان بزرگ صفت مشخصه و ممیزه زرتشتیگری است که نسکه‌های دینی آن بشکل مقاهم مجرد و یا بصورت مجسم آن در شکل درندگان گوناگون پدیدآمده است (در این باره به پائین تر رجوع شود).<sup>۱۷</sup> اینگونه برخورد یکی از ویژگیهای آغاز شاهنشاهی ساسانیان است. در این دوره رابطه مستقیم آئین مزدیسنا با دودمان فرمانروا و وحدت حکومت اشرافی و حاکمیت مذهبی در آثار مذهبی مصور مجسم شده است.

گمان می‌رود شعار زنده کردن آئین کهن که توسط ساسانیان اعلان شده بود در پدیدآوردن یگانگی با شاهان ابرشهر، هرو، کرمان. سکستان و دیگر نمایندگان «پارسیگری کهن ایران» – سودمنها، قارنه، ورازها و فرمانروا ایان اندیکان و آن فرمانروا ایانی که در عمل، اردشیر یکم را بر سریر شاهنشاهی ایران نشاندند نقش عمده‌ای ایفا نمود. ولی چون در آن روزگار (آغاز شاهنشاهی ساسانیان) ایران بصورت اتحادی (کنفرادیون) از شاهان و فرمانروا ایان آن سرزمین بود و چون اردشیر یکم نیز همانند آخرین شاهنشاهان اشکانی تنها بر «دستکرت» خود فرمانروا ای کامل داشت، بنا بر این گمان نمی‌رود کیش دودمان فرمانروا هنوز در آن روزگار بر همه تحمل شده باشد و بشکل آئین رسمی واحد در آمده باشد.

در فهرست درباریان اردشیر حتی به یک عنوان و پایه مذهبی بر نمی‌خوریم و در فهرست درباریان پرسش شاپور تنها از یک موبد یاد شده و آن نیز کرتیر است. پس از چندی کرتیر به جایگاه‌های والاپی رسید و رئیس مذهبی و مربی مذهبی شاهنشاه شد. ولی در سال ۲۶۲ میلادی که تاریخ نگارش کتبی شاپور یکم در

۱۷ - درباره پیدایش کتاب مذهبی درباره ایزدان زرتشتی و درندگانی که مظہر ایزدان گوناگون بودند ر.ک. به [۳۱-۲۹، ۲۱: ۳۸-۲۶].

کعبهٔ وزرشت و مقارن گذشت نیم قرن از آغاز شهریاری دودمان ساسانی در ایران بود کرتیر جایگاه کوچک «هیر بد» («خدمتنگزار آتشکده»؛ و مفسر اوستا ۴۴) را داشت و در فهرست درباریان نام اوجزء یکی از آخرین نامها پس از زندابان و دروازه‌بان کاخ شاهی آمده است.

۰۰۰

پس از کشف کتیبهٔ کرتیر در «کعبهٔ وزرشت» (KKZ ۱۹۳۹) امکانی برای بررسی مجدد دو کتیبهٔ مشروح وی که در گذشته به KNRu «کتیبهٔ موبد کرتیر در نقش رستم» و KSM «کتیبهٔ موبد کرتیر در سرمشهد» معروف بود پدیدآمد و برای پر کردن خلاً آن کوششی صورت پذیرفت. ا. هر تسلف گفته بود که KNRu و KSM هردو شامل متن واحدی است. و.ب. هینینگ که این اواخر همه



تصویر شماره: ۱۳-بخشی از نقش شاپور یکم در نقش رجب، موبد کرتیر

کتیبه‌های کرتیر را منتشر کرد<sup>۱۸</sup> نیز یکی بودن متنهای کتیبه‌های KSM و KNRu را یادآور شد و بر آن بود که متنهای دو کتیبه دیگر (KKZ «کتیبه کرتیر در کعبه زرتشت» و KNRJ «کتیبه موبد کرتیر در نقش رجب») خلاصه و تقلید است.<sup>۱۹</sup> م. شپر نگلینگ جدولی ارائه وطی آن سطرهای KKZ را با سطرهای KNRu مقایسه کرد. معلوم شده نوشته KKZ در چهل و هشت سطر اول KNRu گنجانیده شده است [۱۴۴]. ضمن مقابله و مقایسه نمونه‌هایی که از کتیبه‌ها برداشته شد روش گشت که سطرهای ۵۲ - ۵۸ نیز همانند سطرهای ۱۰ - ۲۹ KNRJ است؛ بدین روای همه مضمون اصلی و نوشهای KNRJ مورد «تصحیح وسیع و جامع» قرار گرفت.

ولی با همه اینها بیش از این «تصحیحهای وسیع و جامع» قابل احیا نبود. باقی کلمه‌ها بریده بریده اند و هیچگونه قرینه‌های کاملی بدست نمی‌دهند. در پس این کلمه‌های بریده بریده چه مطلبهایی نهفته است؟ در اینجا سخن از رویدادهایی است که با زندگی و شاید با «رؤیاها و اندیشه‌های» کرتیر مر بوط است. در اینجا از خراسان (hwls' n) و فرمانروای آن سرزمین (MLK' Štrdry) و سواران و جنگاوران وی که بر اسبان «درخشان» (شاید سفید) سوار بوده‌اند سخن رفته

- ۱۸ - KKZ «کتیبه موبد کرتیر در کعبه زرتشت».

Cir «Corpus Inscriptionum Iranicarum, London, pt III, vol. II, Portf. III. «Minor Inscriptions of Kartir».

KNRu :CII, pt III, Vol. II, Portf. I، KSM «کتیبه موبد کرتیر در درس مشهد»، I سطرهای GII, Pt III, Portf. II (۴۸-۱) (۷۵ - ۴۹ Portf III).

۱۹ - ر.ک. به پیشگفتار نشر KNRu تداخل متن «تصحیح کامل» که در همانجا ذکر شده KSM) سطرهای ۱۶ و ۱۷، KNRu سطرهای ۳۶-۳۵ (۳۶-۳۵) متن فارسی میانه، KBYR, twr, n W mgwny BYN štry... s (w)r..., y myš [n], twrptk, n W sph, n W [l] d, [y] W krm, n W skst'n W gwrk'n... pškbwry prhwy گذشته از این تنهای کتیبه حاوی نام شاهنشاه اردشیر است و گویا کرتیر درروزگار KRTY. او کوشش‌های خود را آغاز کرد در دیگر نوشهای نخست از شاهنشاه شاپور یاد شده است.

است.<sup>۲۰</sup> بخش «تصحیح وسیع و جامع کتبیه» که محفوظ نماند، بی‌گمان باشرح-هایی از رویدادهای واقعی تکمیل شده بود. در این بخش نام شخصیت‌هایی جالب از جمله نام زنی آمده است. (KSM سطر ۳۸-): 'pšn KNgwpty' YK ZK GBR ZY krtyr hnglry W ZK NYŠH' L ċdw WWH ZY štrdry pr' ċ YNPKW NWHWhnd). ولی اکنون هیچ وسیله‌ای برای روش ساختن این رویدادها و معلوم داشتن نقش شخصیت‌هایی که درنوشته از آنها یاد شده نیست.

در زیر، ترجمه‌آن بخش از «تصحیح وسیع و جامع» را که مضمونش بطور کلی در نوشه‌های KKRu و KKZ منعکس شده می‌آورم. نوشته KKZ (ونخستین سطرهای «تصحیح وسیع و جامع») بطور کلی به‌شرح جایگاه و پایه کرتیر و بیان کارهای «خدای پرستانه» او اختصاص دارد. نوشته jKNR (و آخرین سطرهای «تصحیح وسیع و جامع») بسیار فشرده و خلاصه است و بدین‌سبب ترجمه آن بسیار دشوار است. کرتیر در اینجا «احکام» و نظرهای نوین خود را که به‌آئین مزدیستا افزوده ارائه کرده است.<sup>۲۱</sup>

۲۰- بعنوان نمونه، سطر ۳۴ KSM. از KNGWPTY درباره LHšn kngwpty کتاب HZYTNm. بزرگی است. ر.ک. به، [۷۰۶-۷۰۲، ۷۴]. پ.ن. فرای خاطرنشان ساخته که ز.پ. دمنش ضمん نامه‌ای که او نوشته بر آنستکه بهتر است بطورکلی از این عنوان صرفظ شود و محل حرفاها به‌این ترتیب به لاتینی برگردانده شود.

KN gwpt'y 'YK'. وگفت. همچنین کتبیه شایوریکم که بنازگی در آذربایجان ایران کشف شده است (ر.ک. به مجمله هنر و مردم<sup>۲۲</sup> شماره ۲۵ سال ۱۳۴۵ هجری، ص ۶۴)؛ به شرح بیشتری در این زمینه ر.ک. به، [۱۶a].  
 ۲۱- نوشته KKZ دارای دو ترجمه علمی است، یکی از M. Sprengling و شیرنکلینگ M. L. Chaumont<sup>[۱۴۴]</sup> و بتقریب ترجمه‌همکون وی تفاوت دیگری از [۳۴۵-۳۴۱] است. این بخش‌های ترجمه «تصحیح وسیع و جامع» تنها در برخی اصطلاحات بایکدیگر متفاوتند. نوشته jKNR این‌واخر سه بار توسط E. Herzfeld<sup>[۱۰۵]</sup>، M. شیرنکلینگ<sup>[۱۴۴]</sup>، R.N. Frye<sup>[۲۲۵-۲۱۱، ۷۲]</sup> ترجمه شده‌اند. تقلیح‌های بخش‌های «تصحیح وسیع و جامع» از لحاظ‌مفهومی با ترجیمهای نامبرده تفاوت اصلی و ماده‌ای دارند. تقلیح‌های برخی از بخش‌های «تصحیح وسیع و جامع» و تفسیر برخی اصطلاحات (از جمله نام کامل کرتیر hnglpy، Krtyr، hnglry) در اثر ر.ن. فرای آمده است.

کرتیر در آغاز «تصحیح وسیع و جامع» نوشته خود آگهی داده که در روز گار فرمانروایی شاپور یکم شاهنشاه ایران وی از سوی شاهنشاه به سمت «رئیس بزرگ همه‌زوحانیان (موبدان موبده) (مگوستانای) سراسر کشور منصوب شده است». کرتیر بفرمان شاپور یکم در سراسر کشور آتشکده‌ها (*n' twr ZY wrhr*) «آتش بهرام» پدید آورد و دین ایزدی را استوار کرد. خدمتگزاران آتشکده‌ها «نیکبخت و شاد کام شدن» و بسیاری از آتشکده‌ها به پرستشگاه‌های رسمی کشور بدل شدند. (ترجمه دقیق آن چنین است: «بسیاری از آتشکده‌ها و مغان از سوی دولت برقرار شدن»). مؤلف. «اهورامزدا و ایزدان از این ره‌گذر بهره‌ای بزرگ یافتند و اهریمن و دیوان سخت آلوه و ننگین شدند». کرتیر می‌نویسد که «در نوشتده‌ها و مجموعه‌های دولتی که... بهنگام فرمانروایی شاهنشاه شاپور ترتیب یافت... او (شاپور) چنین فرمانداد که نوشه شود: کرتیر - هیر بد (در آن زمان کرتیر پایه هیر بد داشت - مؤلف). بسی چنین آمده است: روز گاری که هرمزد اردشیر فرزند شاپور بر تخت شاهی نشست کرتیر از سوی شاهنشاه بدست یافت «کلاه و کمر» (کلاه و کمر افتخار که نشانه جایگاه و عنوان زمان تاجگذاری است) نایل آمد و قدرت او افزون گشت و از آن زمان «کرتیر، موبد (روحانی بزرگ - مؤلف) اهورامزدا، که ایزد بزرگ است لقب یافت».

بهرام یکم که پس از هرمزد اردشیر بر تخت شاهی نشست نیز همان پایه همان قدرت را به کرتیر تفویض کرد. ولی پایه و جایگاه کرتیر بهنگام شاهی بهرام دوم فرزند بهرام یکم به اوج و کمال رسید: «برای رضای خاطر اهورامزدا و ایزدان [و] بخاطر روان خویش مرادر کشور پایه و قدرتی بزرگ بخشید و جایگاه و قدرت بزرگم (*wčlk*) از اوست... و امرا در همه کشور ادون بد (ادون پت - *advenpat*) - بخش کننده هدایا میان پرستشگاه‌ها - مؤلف) و پریستار .....، پرستشگاه آتش اناهیتا - اردشیر و ایزد اناهیتا کرد. اومرا که کرتیرم به لقب نگیان

روان بهرام و موبد اهورا مزدا ملقب کرد». سپس در نوشته از کارهای کرتیر برای استواری «درست دینی» در کشور سخن رفته است: «شهر بشهر و استان به استان (۲۷؛ KSM ۱۳؛ شماره های اصلی سطرها – بر مبنای نوشته KNRu) در سراسر کشور کار اهورامزدا و ایزدان بالا گرفت و آئین منزدیستا و مغان در همه کشور نیرویی بزرگ یافت (۲۸)، و ایزدان و آبها و آتشها و گلهای در سراسر کشور شادی فراوان یافتد (۲۹).

ولی اهریمن و دیوان را (KSM، ۱۴) ضربتها و درد و رنج فراوان نصیب شد (۱) و آئین اهریمن و دیوان از کشور رخت بر بست (۳۰) و بدور افکنده شد. و کاهنان یهود و بودایی و برهمتان و نزاریان (۲؛ tK mk ؟) وزندیگان (زنديقان) مانویان؛ مؤلف) از هم فرو پاشیدند. و تصویرهای خدایانشان منهدم گشت (۳۱) و پناهگاههای (پرستشگاههای – مؤلف) دیوان نابود شد و دیرهایشان به جایگاههای ایزدان بدل گشت. و شهر بشهر و استان (ر.ك. ب، SM4، ۱۵) به استان بسیاری از کارهای مذهبی بیشرفت یافت و [بنا به اهمیت خود] آتشکده بسیار بنیان پذیرفت. و در فرمانها و تصویرینامهها و مجموعه‌های دولتی که بهنگام شاهنشاه بهرام پسر بهرام تدوین شد، او (بهرام) [فرمان داد] چنین نوشته شود (SM، ۱۶)؛ «کرتیر، نگهبان روان بهرام و موبد اهورامزدا» (۳۴) و من که کرتیرم از آغازضمن [خدمت] به ایزدان و فرمانروایان و بخاطر روان خویش کوشش بسیار نمود و متholm رنج و مشقت فراوان شدم (SM، ۱۷). در نتیجه کوشش و رنج من بسیاری از آتشها و مغان در سراسر کشور (۳۵)... در میشان، آتورپاتکان (آذربایگان)، سپاهان (اصفهان)، ری، کرمان، سکستان (سیستان) و گرگان... (۳۶)... تا پیشاور در خشیدن گرفتند. و نیز در خارج از ایران (انیران) آتشها (SM؛ ۳۷) و مغانی که بیرون از ایران بودند. [آنجا که] اسبان و مردان شاهنشاه شاپور پیش رفتند، تا انطاکیه، شهر و کشور سوریا (۳۸) و در استانهای سوریا، در ترسه، شهر و کشور

کیلیکیده تا مرزهای کیلیکیده، در قصیره، شهر و کشور کاپادوکیه و تا... (۳۹) ... و بالا (شمال) تا یونان، سرزمینهای ارمنستان و گرجستان و بلاروس و پس تا در دروازه آلبانی، آنجا را که شاهنشاه شاپور (۴۰) با ایوان و مردان خود... به آتش کشید و دستخوش ویرانی کرد، آنجا، بفرمان شاهنشاه (۴۱) معانی که در آن سرزمینها بودند، من آنرا به نظم آوردم (در مگستان - مغستان) (۲۰، SM).

و من از خسaran و غارت جلو گرفتم و همه آنچه را که آنان (مغان) داشتند و به غارت رفته بود، هم درا من (با آنان) باز گرداندم (۴۲) و من... به کشور خویش عودت دادم. و من آئین مزدیسنا و مغان را (که بودند) نیکو، من آنرا والا و شایسته احترام و ستایش ساختم. و اما کافران و k gwmlč، (۲۱) و ملحدانی را که در مغستان به انجام فریضهای دینی و پرستش مزدیسنا نپرداختند کیفر دادم. و به آنان پند دادم (۴۴) و نیکترشان نمودم. و من بسیار آتشکده و [بسیار] مغان پدید آوردم که در تصویب نامهای دولتی [نوشته شده است]، و بیاری ایزدان و شاهنشاه خود [این] کارهارا در سراسر کشور ایران انجام دادم : (۲۲، SM)

بسیاری آتشکده (twr ZYwrhr'n) بنا بر یافته، (۴۵) بسیار ازدواج صلبی (ترجمه دقیق کلمه، صلبی و همخون است - مترجم) منعقد کردم و بسا مردمان که پابند دین نبودند به دین [دین مزدیسنا] روی آوردن و بسیاری از آنان که دیوپرست بودند، در نتیجه کوشش و مجاهدت من [۴۶] دست از آئین دیوان برداشتند. آنها آئین ایزدان را بر گزیدند، و بسیاری k rtps' (۲۳، SM) دریافتند و بسیاری انواع... مذهبی، و بدیگر کارهای ایزدی شایق گشتد. و بلندی یافتند، آن کسانی که نامشان در این نوشته (۴۷) نیامده است. زیرا اگر نامشان

- ۲۲ - معنی این کلمه روش نشده است. مطلب درباره قربانی در پرستشگاهی است که کرتیز پرستار آن بود. (پرستشگاه آنها ها) قربانی به پاس شش چشم مذهبی است که همه ساله برگزار می شد. شماره واژه rtps'k در کتبیه عای مختلف کرتیز گونه گون است KNRu و KSM

[rtps' K ۸۳: (محو شده) rtps'K ۶۷۹۸\_KKZ]

می آمد. شماره آنها زیاد می شد. و توسط من برای خانه خود، استان به استان، آتشکده های بسیار پدید آمد.

بخش آخر «تصحیح وسیع و جامع» از راه مقابله با نوشتة - KMRj.KSM؛  
۲۶-۳۲ KNRj روشن می شود.<sup>۳۳</sup> «من از ایزدان چنین تمنا کردم: بگذار  
من کرتیر بخواست<sup>۳۴</sup> ایزدان، با [همه] بزرگی بهمه «زندگان»<sup>۳۵</sup> و کسانی که  
مرده‌اند»<sup>۳۶</sup> بنمایانم، - [آموزش درباره] آسمانها واعماق دوزخ را بههستی روشن  
بدل می سازم و نشان می دهم چه کارهای [ایزدی]<sup>۳۷</sup> هست که بویژه در کشور انجام  
شده و بخارط چه [انجام شده] است، [وههمچنین] چرا و چگونه من [در کارهای  
دینی]<sup>۳۸</sup> سخت گیرتر شدم. من از ایزدان تمنا کردم تامرا رهمنون شوند و راستی و

۹-۳۲-۳۲ - اینکه سطرهای KSM بتفصیل حاوی همان مطالبی است که در سطرهای ۳-۲ KNRj نوشته آمده، نموداری است از مقایسه متنهای مقطع KSM با KNRj. برای نمونه در سطر ۳۲ KSM

YDYN mč HWH prwn .L wtrtnč [lwny w] hyčty W krtk'n .Lyzd'n BYN  
štry kryt . KNRj ۴-۴; YDYN mč prwn .L wtrtn lwny wthyšty  
W dwšhwý čhrky MHYHt .LZNH č Krtk'n'l'dy čygwn BYN štry kryt.  
ویاپنریب متن کامل KSM سطر ۳۲-۳۲

'L wtrtn lwny pwrsyt .. nm' pčry krtk'n kryt [L] p'rsy skst'n W 'n -  
[yr'o] štry KBYR mgy [CBR] 'wrwhmy MDMGTY W. m'[tg] d'o ZNH  
'wgwn ptw [hyt W MDM GTY W] m' [ty] g ]d'n YBWN] YKYM WNT.  
B'ly - معنی این واژه نادرش است.  
PWN zyndk'n - ۲۵

۲۶ - ترجمه آن چنین است «آنکس که مرده - تبرئه شده است. فارسی میانه 'Lwtit,n lwny' در اینجا مانند همه این بخش دو نام متضاد بچشم می خورد، - dwšhwý Lyzd'n lwny whyšty krtkn'r't'dyný کار درست(یعنی درست دین)- krtk'n diwndyny است. از این رو ممکن است 'z yndk'n' در اینجا 'wtit'n' (درگذشته) بود. دین نادرست بودند» باشد. این ترجمه نه تنها درست، بلکه در بخش های مربوط که مورد «تصحیح وسیع و جامع» قرار گرفته نیز مصدق بیدا می کند. R. Zanchner ۱۵۶، ۲۵، یادداشت ۱ و ۲ تفسیر جالبی از یکی از واژه ها ارائه کرده که کرتیر آنرا «معنای «مرتدان» بکار برده است. - gum arzák - «کسی که آلبینش گم گشته است».

[ماهیت] آموزش‌های مربوط به آسمانها و اعماق دوزخ را بر من روشن سازند و راه تشخیص اینگونه مسایل را بمن بیاموزند<sup>۲۷</sup>. تا بدانم راست کدام و دروغ کدام است: بگذار بر «کسانی که مرده‌اند» دستورهای ایزدان را روشن کنم». - KNRJ ۵۳ - ۵۸، KSM ۳۱-۹، <sup>۲۸</sup>: «من خدمتهاي بسيار بزر گنري به ايزدان كردم و ايمان بزر گي به آنان از خويش نشان دادم. ومن خود پرهيز گارت و داد گر تر شدم. و در اين يشتها (دعاهای و احکام - مؤلف) و کارهایی که در کشور انجام شده، بسی سر سخت تر و پایدار تر شدم. و آنکس که این نوشته را می‌بیند و می‌خواند (ترجمه دقیق؛ درمی‌باد) بگذار نسبت به ایزدان و خداوندان پرهیز گار و داد گر تر شود. و نیز بگذار در این يشتها و کارهای [ایزدی]<sup>۲۹</sup> و آئین مزدیسا که اکنون «برای زندگان» برقرار شده، پایدار تر شود، و گرن (يشتها، کارها و دین - مؤلف) بفرمان هیچکس<sup>۳۰</sup> نخواهد بود. و بگذار او بداند: که آسمانها و اعماق دوزخ هست، و کسی که نیکی (آئین زرتشتی است که پیشتر از آن یاد شد - مؤلف) را بر گزید، - بگذار به آسمانها برود و کسی که شر و بدی را بر گزیده، - به اعماق دوزخ فرو افتد. و آنکس که نیکی را بر گزید و بدون انحراف در راه نیکی گام برداشت، آنکس<sup>۳۱</sup> قرین شهرت و شکفتگی می‌شود و روان<sup>۳۲</sup> او به راستی‌هایی دست می‌باد که من، کرتیر بدانها دست یافتم. این نوشته از آنرو از سوی من نگاشته شده است: من، کرتیر در آنزمان بسیاری شاهان (strdr'n «شهرداران - ۴») و

-۲۷ (در کتابهای کرتیر بنا بر معمول krtkn 'rtdyny Wdiwndyny'krtkny - krtknZY yzd'n - بمعنای «دیقیق، «امر خدایان» است). گمان می‌رود درست تر آن باشد که «احکام مذهبی»، وبا اینان ترجمه شود. متن فارسی میانه KSM، سطر ۳۲ 'pm [mzdysn] bgy šh] pwhry MLK'n MLK, byn MN LY krtkn ZY yzd'n W NPŠH lwb'n l'dy... YK 'rt' [dyny W dihudyny?].

-۲۹ در متن کتبه KNRJ (سطر ۱۷): 'ny hl plm'n 'L YHWWN، گمان می‌رود اینجا خطای است و 'L بجای 'ny آمده است.

-۳۰ - 'stwny tny - که ترجمه دقیق آن تن هست وند یا «تن مادی» است.

-۳۱ - 'stwndy lwb'n - که ترجمه دقیق آن روان هست وند یا «جان مادی» است.

فرمانروایان (MRWHY n) آتشها (آتشکده‌ها - مؤلف) و مغان بسیار به نوشه‌های دولتی افزوده‌ام. و برای من مایه مباراگاتی است بس بزرگ که نام در نوشه‌ها و فرمانهای دولتی آمده است. اگر کسی در آینده فرمانهای دولتی، تصویب‌نامه‌ها و یا استناد و یا نوشه‌های دولتی دیگری را می‌بیند، باید بداند که من همان کرتیرم که در روز گار شاهنشاه شاپور مر: «کرتیر موبد وهیر بد» و در روز گار شاهنشاه هرمزد و شاهنشاه بهرام فرزندان شاپور: «کرتیرمو بد اهورامزداه و بهنگام شاهنشاه بهرام فرزند بهرام «کرتیر، نگهبان روان بهرام، موبد اهورامزدا» نامیدند.

چنین است شخصیت کرتیر بر مبنای نوشه‌هایش. سیمای کرتیر را نیز از تصویرهایی که بر صخره‌ها پدید آمده می‌شناسیم. او مردی است سالم‌مند، بدون ریش که کلاهی باشان برسر و پوشک رسمی بر تن دارد. تصویر او در جایی که مراسم تاجگذاری و منظره پیروزی شاهنشاهان ایران نقر شده، کنار نقش پرجسته‌ای که در آن اهورا مزدا حلقهٔ شهریاری را به اردشیر، نخستین شاهنشاه ساسانی تسلیم کرده است، (شماره ۱) [VB, pl. 26a] و در نقش پرجستهٔ ویژه پیروزی شاهنشاه شاپور بر رومیان (شماره ۷) [VB, pl. 29d] دیده می‌شود. او در تصویر نقش بهرام (شماره ۱۴) سمت راست بهرام دوم ایستاده است [VB, pl. 82] <sup>۳۲</sup> [VB, pl. 74] <sup>۳۳</sup> که شاهنشاه را در حال شکار شیران نشان می‌دهد تصویر شده است [VB, pl. 74] <sup>۳۴</sup> اکنون می‌کوشیم موعظه‌های کرتیر را بطور کلی روشن سازیم.

آن موبدانی که بنظر کرتیر «به احکام دینی و آئین مزدیسنا توجه نداشتند» و بدین روای «به شاهان و فرمانروایان و فدادار نبودند» بد و گونه نامیده شده‌اند

۳۲- بی‌گمان این شخص کرتیر است، زیرا نشانی که بر کلاه دارد همان نشان کلاه کرتیر در نقش رسمی است.

۳۳- کنار آن کنیه KSM است.

روشن و بطور کلی به معنای «مرتد» واز دین بر گشته است. واژه دوم نیز درنوشته های پهلوی بهمین معنی است.<sup>۳۴</sup> در ضمن با درنظر گرفتن متن نوشته ها، هردو نام اذسوی موبدان زرتشتی بکار می رفته است.

آن بخش از نوشته های کرتیر که در آن از مبارزه های کرتیر با آئینها و باور های گوناگون در ایران و خارج از ایران یاد شده نیز جالب توجه است : (KSM : ۱۰ ، KKZ : ۱۴)

yhwdy w šmny w blmny w n'čl'y w klstyd'n w mк(?)tky

w zndyky

در این فهرست که تنها ر.ن. فرای بروشنى آوردۀ [۲۸۶، ۷۱] برخی از نامها «بدو گونه» آمده است:

«šmny w blmny» - نمایندگان مذهب‌های هندی هستند و شاید نمایندگان

آئین بودا (Sr̥mny) و برهمانی باشد، n'čl'y w klstyd'n نمایندگان فرقه های گوناگون مسیحی هستند<sup>۳۵</sup> و گمان می‌رود mк(?)tky نمایندگان فرقه های نزدیک به آئین زرتشتی باشند. در باره واژه mк(?)tky تفسیر های گوناگونی ارائه شده است. برخی آنرا ماندائي (در صوريکه واژه نامبرده خوانده شود) يکي از فرقه های مهرپرستان و برخی آنرا مانوي دانسته اند واژه zndyky بطور کلی برای ناميدن پیروان مانی بکار می‌ردد، ولی در باره زرتشتیان بی‌باور به قطعیت احکام نیز این واژه مورد استعمال داشته و در نوشته های فارسی - تازی نیز بهمین معنی بکار رفته است. بنظر نگارنده نوشته مسعودی

۳۴- اظهار نظر دمناش زیر عنوان: «Ceux qui usent en frottant» (ر.ك، به شماره ۵۲ ص۳۶۲-۳۶۳).

۳۵- n'čl.y - سریانی واژه nasorāyē - نزاری، یعنی «يهودی - نصرانی» است. در ضمن، ر.ك، [۲۰۲، ۵۸]

[۱۱۶] که بر آن بود زندیگان (زندیقان) کسانی بودند که زند را از راه ناپاوری به قطعیت احکام مورد تفسیر قرار می دادند، بسیار جالب توجه و در خور دقت و کنجکاوی است. مسعودی زمان حدت کوششهای زندیقان را مربوط به دوران شاهنشاهی بهرام یکم و درست زمان پیش از کوششهای کرتیر می داند.  
بدین روایتی توان چنین پنداشت که کرتیر گذشته از «مرتدان» rswmwk و gwmlc'k دیگر مخالفان آئین زرتشت را نیز زندیق می خواند.

شاید تفسیری را که کرتیر از آئین زرتشت کرده تفسیری محلی و از سنتهای استخر و جز از سنتهای «شیز» که یکی از عمدۀ ترین مرکز های زرتشتیگری بشمار می رفته، باشد<sup>۳۶</sup>. اینکه همه کتبیه های کرتیر تنها بزبان فارسی میانه، یعنی زبان سکه های آخرین فرمانروایان استخر و نخستین شاهان ساسانی نوشته شده مؤید این نکته است. در صورتیکه همه کتبیه های آغاز شاهنشاهی ساسانیان تا پایان سده سوم میلادی به سه زبان پارسی، یونانی و فارسی میانه بوده است. در نخستین کتبیه های ساسانی بر صخره ها از جمله بر شانه اسب اردشیر در تصویر تاجگذاری او در نقش رستم توادر نوشته ها بدانگونه بود که مذکور افتاده است (شماره ۳) این نکته در خور دقت و توجه است که در همان نقش بر نوشته ای که بروی شانه اسب اهورامزدا دیده می شود (در آن نوشته نام اهورا مزدا آمده است) توادر زبانها به گونه دیگر و ترتیب نوشته ها بزبانهای فارسی میانه، پارسی و یونانی است [۱۰۵].

**گمان می رود اصلاحات کرتیر نه تنها در پیدایش دین رسمی ایران، بلکه**

۳۶ درباره اختلاف میان «سنتهای استخر» و «سنتهای شیز» ر. ک. به [۱۵۵]. بانو. ن. و پیکو - لفکا پیادر کتاب «شهرهای ایران» اندیشه استیک و یکانند را مورد انتقاد قرار داده است. شهر شیز (تخت سلیمان) در این آخرها مرتب از جانب هیئت های باستانشناسان آلمانی مورد کاوش قرار گرفت. در تخت سلیمان بنای ای از جمله آتشکده ای بسیار بزرگ بیدید آمد که از روزگار ساسانیان است . ر. ک. به، [۱۵۳؛ ۱۲۶] ، ولی همه سندها و مدنکهای آن مربوط به سده ۵ و ۶ میلادی است.

در کار سیاست داخلی کشور نیز دارای اهمیتی قاطع و فراوان بوده است. تمایلات نوین در آئین زرتشت نمی‌توانست مهر و نشان خودرا در پدیده‌های هنری باقی نگذارد. در ضمن، این پدیده‌های هنری - بدون در نظر گرفتن مآخذ نوشته‌های آن - شاید بتواترند در کار داوری درباره مضمونهای احکامی که کرتیر بعنوان شرایع دینی اعلام کرد بهما ياری کنند.

تادهه هشتم سده سوم میلادی هنر ساسانی بطور کلی محدود به «تصویرهای رسمی» بود. آثار این دوره بما امکان می‌دهد تاراھی را که به «تجدد و نوگرایی» در این زمینه متھی گشته بنظر آوریم. نمونه‌های جدید بسیار اندک بودند: جز اهورامزدا، تصویرهایی از میترا و اناهیتا پدید آمد، ولی شیوه پیدایش آنها بهمان روال پدید آوردن اهورامزدا در گذشته بود. به تصویرهای شاهنشاه و جانشین او و بزرگان واشراف بلندپایه، «تصویرهایی» بسیاری از اشراف و پایوران کوچکتر و نیز تصویرهایی از گارد شاهی و دشمنان شاهنشاه افزون گشت، ولی همه این تصویرها بهمان شیوه تصویر شاهنشاه و جانشین او که در گذشته معمول بود پدید آمد. گذشته از نقشهای موجود بر صخره‌ها و سکدها، پیکره‌های گرد، کنده کاری بر سنگ و مهر و اشیاء فلزی قلمزدهای را می‌شناسیم که تاریخ آنها روشن و متعلق به روزگار شاهنشاهی شاپور یکم است. منظره و شیوه ترتیب این اثرها باشیوه و ترتیب نقشهای صخره‌ها تفاوت چندانی ندارد.

هنر ایران دوره ساسانی که حاوی نمونه‌هایی بسیار از حیوانهای وحشی، پرندگان موجود های افسانه‌ای و مظاهر گوناگون و تصویر گلها و رستنیها است و نیز همه آنچه که بطور معمول نقشهای «ساسانی» نامیده می‌شود تادهه هشتم سده سوم میلادی موجود بوده است.

یگانه اثر هنری این دوره که در چهارچوب هنر رسمی قرار نداشته، موزائیک کاخ شاپور یکم در بیشاپور است. ضمن کاوش‌های باستان‌شناسان در این شهر آتشکده

و کاخ شاهی از زیر خاک بدر آمد که با قطعه‌ها و موzaئیک‌های بسیار عالی کدزمانی زینت افزای صحن ایوان و تالار تشریفات کاخ بود زیور یافته بود [۷۷]. کتیبه شاپور یکم در کعبه زرتشت که در آن از بیشاپور یاد شده و نوشته ستون آراء و گزینش که در شهر پیاگردیده، معروف تاریخ ساختمان بیشاپور (پیش از سال ۲۶۲ میلادی) است. متن این نوشته SbS کتیبه اپسای دیبر در بیشاپور چنین است «(۱) فروردین ماه، [دو] سال ۵۸، [از] «آتش (۲) اردشیر» [در] سال ۴۰ [از] «آتش شاپور» (۳) از «آتشهای شاهی» - [در] سال ۲۴. این - تصویر (پیکره) (۴) بعزمزا - پرست، خدایگان (LHY') شاپور، شاهان (۵) شاه ایران و ایران که چهر از (۶) ایزدان دارد، فرزند بعزمزا پرست، خدایگان (LHY') اردشیر (۷) شاهان شاه ایران، که چهر از ایزدان دارد (۸) نواده خدایگان (bgy) پاپلک شاه. [این] کار (۹) اپسای دیبر از شهر (۱۰) حران (MN hr 'n štrdstn) از خاندان خویش



تصویر شماره ۱۴۸ نقش بهرام دوم در سرمشهد — منظره عمومی



تصویر شماره ۱۴ b نقش بهرام دوم در سرمهبد تصویر بهرام دوم

(MN NPSH BYT) ... و بدین روای (۱۱) زمانی بع مزداپرست شاپور (۱۲)، شاهان شاه ایران و اینیران (۱۳) که چهر از ایزدان دارد [بدینجا آمد؟] (۱۴) و زمانی که شاهان شاه این پیکره را دید (۱۵) [ایستاده]، به اپسای دیر (۱۶) سیم و بندگان و کنیزان و باغها و دارائی بخشیده.

پیکره شاپور یکم که معروف «چهره رسمی» شاهنشاه بود بر پایه‌ای سنگی قرار داشت که در دور پهلوی آن دوستون نهاده شده بود (بریکی از این ستو نهاده نوشته‌ای نقر شده است) و دو قربانی آتش کنار آن ایستاده بودند.

چنانکه از نوشته‌ها پیداست این پیکره و ستو نهاده به سال ۲۶۶ میلادی بخرج اپسای دیر بناده است. نام اپسای شهری که در آن می‌ذیسته نشانه آنست که وی سوریائی بوده است. گمان می‌رود استادانی که نقشه‌ای موزائیک‌های بیشاپور را ساخته‌اند نیز سوریائی بودند. ر.م. گیرشمن که پژوهشگر بیشاپور بوده خاطر نشان کرده است که موزائیک‌ها بشیوه «سوریائی - رومی» ساخته شده و گمان می‌رود مضمون نقشه‌ای آن همانند مضمون نقشه‌ای موزائیک‌های همزمان خود در یکی از بخش‌های انتاكیه بوده است. بی‌سبب نبود که شاپور شهر خود را «ویهان‌تیوخ شاپور» - یعنی «شاپور به [از] انتاكیه [ساخته]» - نامید. بنظر گیرشمن نقشه‌ایی که توسط موزائیک سازان بیگانه آورده شده بر مبنای خواسته‌ای ایرانیان بوده است: ایرانیان می‌خواستند تالار را بنحوی زینت کنند که بر کف آن جشن نوروز نقش شده باشد و بدین منظور مضمونهای معینی را که با مظاهر های زرتشتیگری هماهنگ بود بر گزیده‌اند [Conclusion, vv].

مشکل بتوان نظر ر.م. گیرشمن را در باره مضمونها و مظاهر های موزائیک‌های بیشاپور<sup>۳۷</sup> درست پنداشت، زیرا از موزائیک‌های بخش مرکزی ایوان چیزی بجا

۳۷ - ر. گیرشمن این موزائیک‌ها را با نقشه‌ای بر جسته ساسانی بر صخره‌ها از نظر مجموعه و مظاهر های (سمبلیک) آن مقایسه می‌کند، در مجموعه نقشه‌ای بر جسته بر روی صخره‌ها و نیز در

نماده است. ازموزاییکهای تالار بزرگ کاخ نیز تنها قطعه‌های از هم گشته‌ای در اختیار داریم که مربوط به یکی از صحنه‌های افسانه‌ای است. شاید مضمونهای نامبرده با کیش دیونی<sup>\*</sup> و یا حتی با مضمونهایی از آغاز مسیحیگری مربوط باشد.

پیدایش اینگونه آثار که در آن هیچگونه تعصب شدید و بدان زرتستی احساس نمی‌شود و دور از موضوعاتی تبلیغی و رسمی است، ممکن است ویژه‌دهه هفتم سده سوم میلادی باشد که در نتیجهٔ تصرف سرزمینهای غرب افق تازه‌ای پدید آمده و هنوز منکرات و احکام شدید دینی وجود نداشته است. پیشتر، از نظر پور یکم درباره ادراک عام (اوئیورسالیزم)<sup>\*</sup> سخن رفت. این نظر در کتاب «دینکرت» نیز انکلایافته است. در کتاب چنین آمده است: «شاپور فرمان داد همهٔ نوشتۀ های دینی آئین‌های گوناگون (hačden) ... در هند، امپراطوری روم و دیگر سرزمینها گردآورده شود». «اوستا» ئی که گمان می‌رود بهنگام پادشاهی شاپور یکم گردآورده شده شامل آگهی‌هائی دربارهٔ پزشکی، نجوم، «حرکت» (candišn) زمان، مکان، جوهر (ghōr)، خلقت، تشکل، انہدام تغیر و پیشرفت<sup>\*\*</sup> بوده است [۵۹، ۴۱۲، I]. در اوستای زمان شاپور یکم می‌توان آراء و عقاید متأخر فلسفه

→ موزاییکها شاهنشاه در مرکز نقشها است؛ در نقشه‌های بر جسته، گارد شاهی و واحدهای شکست بانه رومی و در موزاییکها «گروه نواندگان و رقامان وزنانی که گل در دست دارند» و تماشگران کاخ شاهی و شخصیت‌های رسمی دیده می‌شوند. در ضمن همانند نقشه‌های بر جسته، هر یک از بزرگان «جاگاهی دارند که از لحظه تشریفاتی شایسته پایه آنها است».

\* - دیونی Diony مربوط به‌رب‌النوع شراب و جشنواری است که در یونان باستان بیاس رب‌النوع شراب بریامی داشتند. مترجم.

\*\* - اوئیورسالیزم (universalisme) از واژه اوئیورسال آمده که به معنای همگانی و کوشش در راه ادراک همگانی است. این واژه در فلسفه سده‌های میانه فراوان بکار می‌رفته و به معنایه‌هایی مهیا شده است. در سده‌های میانه نومنیالیست‌ها و رآلیست‌ها بر سر مفهوم اوئیورسال اختلاف نظر داشتند. نومنیالیست‌ها بر آن بودند که اوئیورسال نامهای گوناگون پیدیه‌های یکسان و واحد است. رآلیست‌ها بر آن بودند که اوئیورسال ماهیتی است روحی که مقدم بر اشیاء است.

اوئیورسالیزم درمنصب، مقیده‌ای است که بنا بر آن خداوند خواستار رستگاری همگان است نه خواستار رستگاری خواص و مقربان - مترجم.

باستان را مشاهده کرد - در «دینکرت» از المجست بطلیموس<sup>\*</sup> [۴۲۹-۴۲۸، ۱، ۵۹] همراه با بخشایی از رساله‌های هندی در زمینه اخترشماری<sup>\*</sup>، فن خطابه<sup>\*</sup> و منطق سخن رفته است [ر. ل. به ۵۴].

گمان می‌رود ظرف نقره‌ای که بسال ۱۸۸۶ میلادی از میان اشیاء دفنه‌ای در نزدیکی دهنه نه - شاخاروفکای<sup>\*</sup> استان پرم<sup>\*</sup> بدست آمده نسبت به موذائیکهای بشایپور بیش از بیست سال تأخیر زمانی نداشته باشد.<sup>۳۸</sup> در این ظرف الهای (ایزدی) همراه با شیران تصویر شده است. در حاشیه آن شش دایره بشکل شش مدار دارای نقش حیوانها و در فاصله‌های آنها تصویرهایی از بندگان جنگجو (گلادیاتورها) و نقش ونگارهایی از رستنیها دیده می‌شود.

۳۸- انتشارات: [۳۵]، جدول ۱۴، شماره‌های ۳۶؛ ۳۷؛ ۹۶-۹۹-۲۸. جز از ظرف نامبرده جامی خوارزمی کشف شده که بر آن تصویر مردی سوار و نوشته‌ای بزبان خوارزمی نقش شده است. در ضمن دو جام نقره‌ای بدون تصویر نیز بدست آمده که بر یکی از آنها نوشته‌ای بزبان سغدی (نام جام، وزن و نام صاحب آن) حک شده است، همچنین ظرفی ساسانی با تصویر شایور سوم بهنگام شکار یافته شده است (بشت ظرف نوشته‌ای بزبانهای فارسی هیانه و سندیده می‌شود). بر ظرفی که شرح آن رفت نیز نوشته‌ای بزبان سغدی هست (درباره این نوشته ر. ل. به: [۱۵]). از نوشته و نیز از هر دو ظرف ساسانی جنین بر می‌آید که ظرفهای نامبرده پیش از آنکه در زمرة اشیاء دفنه در آیند، در سند بوده‌اند.

\* - بطلیموس *Ptolémée* اخترشناس، جغرافی دان و نقشه‌بردار مشهور یونانی در سده دوم میلادی و نگارنده کتاب المجست «Almagesta» است که حاوی دایرة‌المعارف دانشها نجومی است. او کافش سیستم هر کربت زمین برای جهان است. بنا بنظر بطلیموس حرکت کلیه اجرام سماوی بشکل حرکت آنها بدور زمین که وی آنرا بی حرکت می‌شمرد انجام می‌گیرد. بطلیموس کتاب «جغرافیا»<sup>\*</sup> بی نکاته که شامل اطلاعات جغرافیایی زمان اوست. کتاب «Almageste» بطلیموس نخستین بار بسال ۱۵۳ میلادی و کتاب «جغرافیا»<sup>\*</sup> او بسال ۱۵۳ میلادی انتشار یافت. مترجم:

\*\* - اختر شماری *astrologie*، دانشی است از دانشها باستان که رویدادهای جهان را بر بوط به‌گردش اجرام سماوی می‌داند. مترجم:

*rhetorikè \*\*\**

*Nizhne-Shakharovka \*\*\*\**

\*\*\*\*\* - پرم *Pérm* یکی از استانهای روسیه است که در دامنه کوههای اورال نهاده شده است و رویدکاما *Kama* از آن می‌گذرد. این شهر در فاصله سالهای ۱۹۴۰- ۱۹۵۷ مواتف نامیده می‌شد. مرکز این استان نیز شهر پرم است که آن نیز در فاصله سالهای ۱۹۴۰- ۱۹۵۷ مولوف نامیده می‌شد. مترجم

این ظرف مدت‌های متعدد توجه پژوهندگان را بخود معطوف داشته است: تاریخ آنرا برخی سده سوم میلادی و بعضی حتی سده سیزدهم میلادی و محل پیدایش آنرا برخی روم و بعضی باخته دانسته‌اند. ب. ای. مارشاک<sup>\*</sup> چندی پیش‌طرف یادشده را با آثار قلمزنی ساسانی مقایسه کرد. وی ظرفی را که در کراسنایا پالیانیا<sup>\*</sup> پیدا شده و تصویر شاهزاده‌ای در حال شکار خرس بر آن نقش گردیده و نیز طرف نقره‌ای را که در همانجا بدست آمده با «تصویرهای رسمی» (از آنگونه که بر ظرف کشف شده در نیزنه – شاخاروفکا و دایره‌های مدلای شکل آن نقش گردیده) بهرام دوم و فرزند و همسرش قیاس کرد. شباهت حالتها، شیوه، قطعه‌های گوناگون و نقش و نگارهای این اشیاء بحدی زیاد است که نگارنده نظر ب. ای. مارشاک را مبنی بر اینکه اشیاء نامبرده او اوسط سده سوم میلادی ساخته شده‌اند بطورقطع قانع کننده می‌شمارد. ب. ای. مارشاک همچنین خاطرنشان ساخت که در ساختن ظرف از صحنه‌های رومی - هلنیستی، یعنی نقش گلادیاتورها استفاده شده است، ولی در این اثر هنری مضامونها، ساخته و پرداخته استادان ساسانی است: بین حیوانات در نده و گلادیاتورها رابطه‌ای موجود نیست؛ حیوانات در نده جدا از هم در مدل‌های نهاده شده‌اند و صورت نقش و نگارهای حاشیه را دارند و شاید مفهوم نشانه‌ای و مظہری (سимвولیک) ویژه زرتیستان به آنها داده شده است [۳۱، ۲۱]. ل. و. ترور<sup>#</sup> در این باره چنین نوشته است: [۹۶، ۳۶] شاید اینها شش تصویر سymbolik باشند که بر ظرف نقش است. او صحنه میان ظرف را با تصویر کیلاهمراء باشیر که از آثار هنری متأخر هلنیستی است برابر نهاد و بر آن شد که ممکن است این تصویر از ایزد آناهیتا باشد.

در این دوره تصویرهای در ندگان در آثار هنری رسمی ساسانی و سکه‌ها

B.I. Marshck – \*  
Krasnaya Palyaniya – \*\*  
K.V. Trever – \*\*\*

پدید آمد. این تصویرها نخستین بار بر رویه سکه‌های گوناگون بهرام دوم دیده شده‌اند. تصویرهای درند گان گوناگون بر کلاه بانوی بانوان و جانشین شاهنشاه نصب می‌شد. ترتیب انواع سکه‌های بهرام دوم بر حسب زمان امکان می‌دهد تا به تواتر آنها در سکه‌های نامبرده بترتیب، تصویرهای اسب، خرس، شیر، گراز، پرنده‌گان و سگ بالدار؛ پی بریم. این نکته که سر این حیوانهای وحشی را بر افسر شاهی نصب می‌کردند، نمودار آنستکه تصویرهای نامبرده از نشانه‌های ایزدی زرتشیان بشمار می‌آمد. و اما در باره تصویر «سگ بالدار» بر این سکه باید یاد آورشد که متنهای مذهبی زرتشتی این نکندها تمام و کمال تأیید می‌کنند. بر مهرهای دوره ساسانی که از نگینهای ساخته شده‌اند و می‌توان آنها را مربوط به سده‌های سوم و چهارم میلادی دانست همان تصویرهای اسب، خرس، شیر، گراز و نیز نوعی گاونر بلند کوهان دیده می‌شود [۳] حیوانهایی که بر مدارهای ظرف کشف شده در نیزنه - شاخاروفکا تصویر شده‌اند نیز همان اسب، شیر، خرس و گاو نر بلند کوهان است.

بدین روای تصویر حیوانهایی که مظاهر ایزدی زرتشیان بودند بی‌درنگ در آثار هنری ساسانی نیز پدید آمد و زمان پیدایش این تصویرها دوران فعالیتی‌های اصلاح طلبانه کرتیر بوده است. مجموعه تصویرهای نامبرده در انواع گوناگون آثار ساسانی نیز تکرار شده‌اند.

تازمان کرتیر و شاهنشاهی بهرام دوم آثار هنری رسمی ساسانی فاقد این نمونه‌ها بودند. حتی در تصویر کامل افسر شاهی شاهنشاهان ساسانی تنها تصویر اهورامزدا (افسر شاپور یکم)، و شاید - اناهیتا (افسر هرمزد - اردشیر) و میترا (افسر بهرام یکم) یعنی مظاهر آن ایزدان انسان نمara که در گذشته از آنها یاد شده مشاهده می‌کنیم. تنها بهرام دوم بر افسر شاهی خود بالهایی نشاند که مظاهر ورغن - ورثوغن، یکی از نخستین مظاهر تجسم فره ایزدی در شاهنشاه است.

تصویر حیوانها که مظاهر ایزدی گوناگون بشمار می‌آمدند از آن پس به یکی از خطوط اصلی هنر ایران ساسانی بدل گشت. تصویرشناسی مذهبی، بسیاری از تصویرهای نامبرده را دارای سوابقی بیش از هزار سال می‌شناسد. ولی هنر ساسانی در این زمینه بسیار محدود بوده و تصویرهای محدود و مجموعه نقشهای معین نه تنها در مهرها که رایج‌ترین اثر هنر ساسانی بشمار می‌رفتند، بلکه در کنده‌کاری بر روی فلز، و نقشهای تزیینی مجرزا و پارچه، و نقوش بر جسته بر صخره‌ها دیده می‌شود. نگارنده این ویژگی هنر ساسانی را در کتاب دیگری آورده است [۳].

و اما پیدایش این نمونه‌ها در هنر ساسانی تاریخچه‌ای دارد: مجموعه این نمونه‌ها با گذشت زمان دستخوش دگرگونی می‌گشت. این دگرگونی بی‌گمان بدگرگونیهایی که در احکام و قوانین زرتشتی پدید می‌آمد وابسته بود. بدین روای بهنگام شاهنشاهی بهرام دوم، از روزگار پیدایش نخستین مظہر های حیوانها به گزینش آگاهانه‌ای از مجموع بازمانده و ارشیه آسیای مقدم بر می‌خوردیم که نمونه‌های آن محدود است. این نمونه‌ها دیگر اهمیت مظرفی کاملاً معینی یافته بودند. از سگ بالدار، و رترغون، تشری، میترا و افسانه‌های مربوط به «نخستین گاو» باستانی در «یشته» کتاب مذهبی اساطیری که در مجموعه «اوستایی» بسیار روش و متعلق به دوران بسیار باستان است یاد شده است. گمان می‌رود تنظیم متهای مذهبی توسط کرتیر که بهنگام شاهنشاهی بهرام دوم صورت گرفته و بنام «درست دینی» اعلام شده بود (و در واقع نخستین بار «اوستا» را بصورت احکام دینی درآورد) بمقتضای واقعیت می‌توانست در هنر ایران نیز منعکس شود. تغییر و دگرگونی تدریجی در نمونه‌هایی که پیشتر از آن سخن رفت (مشروط بر آنکه هنر همه روزگار ساسانی در نظر گرفته شود) ممکن است نموداری از مرحله‌ها و دوره‌های معینی در این زمینه باشد که با پیشرفت (و دگرگونیهای آئین زرتشتی بستگی داشته است.

هنر ایران در عهد کرتیر و بهرام دوم بکلی فاقد مظاهرهای اناهیتا است. مظاهرهای اناهیتا از آغاز سده چهارم میلادی و روزگار شاپور دوم و موبدان موبد او اتورپات مهر اسبندان رواج بسیار داشت و بشکل گلها و میوه‌های گوناگون، کبوتر، انار و غیره جلوه می‌کرد. در «اوستا» اناهیتا ایزد آب، ایزد عشق، ایزد رستنیها و میوه‌ها و در ضمن ایزد مخوف جنگجویان است که بخاطر پیروزی در پیکارها اورا نیایش می‌کردندوسرهای برینده دشمنان را به پرستشگاه او می‌بردند. ولی منتهای مذهبی که اکنون در اختیار داریم «اوستائی» است که پس از روزگار مزدک پدید آمده است. بنظر نگارنده، «اوستا» دست کم سه دوره تفسیر شده است («تفسیر» کرتیر، «تفسیر» اتورپات، و «تفسیر» پس از دوران مزدک) و بدین سبب حاوی «مدارج» گوناگونی است. گوئی همه مآخذ و منابع گواه آنند که اناهیتا در روزگار نخستین شاهان ساسانی، ایزد دودمان ساسانی، ایزد جنگ و پیروزی و ایزدی بود که به شاهنشاهان ایران چهر ایزدی می‌بخشد. در روزگار بهرام دوم کرتیر پریستار پرستشگاه اناهیتا شد. پرستشگاه نامبرده تا آن روزگار کانون ورجاوند دودمان ساسانی بشمار می‌رفت. پس از رویدادهای ایران به سالهای ۷۰-۹۰ سده سوم میلادی (در بخش آینده از این مقوله سخن خواهیم داشت) ایزد اناهیتا باز به آغاز و ش دودمان ساسانی باز گشت. شاید سبب آن بود که شاپور دوم سی سال پس از مرگ کرتیر برپا داشتن پرستشگاه اناهیتا ضرور دانست (این نکته در «دیننکرت» آمده است) [۴۱۹، ۱۳۱؛ ۲۷، ۵۹] و نیز شاید سبب آن بود که آتورپات موبدان موبد شاپور دوم دگر گونی در ویژگیهای او را لازم شمرد: ایزد پیروزی به ایزد عشق، آب و رستنیها بدل شد و تصویرها و مظاهر وی نیز دگر گونه گشت.

هنر ایران در روزگار کرتیر و بهرام دوم فاقد نشانه قوچ کوهی بود که

نواری بگردن داشت (نوار اشهر وند)\* و مظهر خوارن\* (فره ایزدی) بشمار می‌رفت و بعدها شهرت فراوان یافت. این مظهر در عهد شاپور دوم و اتورپات بر کلاه خود جنگی شاهنشاه (آمین مارسلین در این باره نوشته است) و بسیاری از آثار هنری و کتابها دیده شده است. بنظر می‌رسد که در «اوستا»<sup>ii</sup> ی کرتیر به‌این امر توجه خاصی مبذول نگشته است. ولی این نکته بویژه در «اوستا»<sup>ii</sup> اتورپات مهر اسپندان مذکور افتاده است. توجه به‌این مظهر در سده چهارم میلادی امری تصادفی نبود؛ بسبب برخی عوامل سیاسی در آن دوره برای شاهنشاهان ساسانی شجره نسب ساختگی پدید آمد که آنانرا از دودمان اساطیری کیان خوانده‌اند؛ بنا نوشته موسی خورنی بویژه در این دوره بود که خورخبد دبیر شاپور دوم بفرمان شاهنشاه کتاب «راست سخن» را ترجمه کرد که در آن «خوارن فره کیان» = (فره ایزدی شاهنشاه) بشکل گویند، با نخستین شاهنشاه ساسانی همراه شد [۱۱۷، ۲۳]

□□□

بدین روای، شاهنشاهان ساسانی در آغاز اعلام دین زرتشت، به‌ثابه آئین رسمی خویش، آتشکده‌های زرتشتی را چون تکیه‌گاهی پایدار جهت فرمانروایی خود یافتد و لی برای پیروزی و شکوهمندی واقعی آئین زرتشت در سراسر کشور مبارزه و پیکار ضرورت یافت. این مبارزه با شدت و خشونتی تمام صورت گرفت. انهدام نفوذ دین یهود، مسیحیت، بودائیگری، برهمائیگری و مندائیگری و نیز از میان برداشتن «ارتداد» در آئین زرتشت و پایان دادن به نهضت مانی و مانویان در ایران ضرور می‌نمود. از این‌رو پس از مرگ شاپور یکم، زمانی که نفوذ کرتیر بر شاهنشاه ایران فزو نی گرفت و کرتیر نزدیکترین رایزن شاهنشاه شد و به‌پایه «موبد اهورامزدا» رسید و شاید چندی پس از آن ریاست مذهبی سراسر

ashharavand - \*  
khvaren - \*\*

کشور را بر عهده گرفت؛ آن روز گار پیگرد مانویان و فشار بر آنان در ایران آغاز شد.

در استاد مانوی که تا کنون محفوظ مانده درباره آخرین روزهای زندگی مانی روایتها بی هست [۴۹۶-۶]. این روایتها از شخصی است بنام نوح زاتک<sup>\*</sup> که گفته های مانی را برای شاهنشاه بهرام یکم در زمانی که پیامبر را به پایتخت فرا خوانده بود از سریانی به پارسی ترجمه کرده است. مانی با سردی تمام پذیرفته شد و شاهنشاه مدتی اورا در تالار انتظار منتظر گذاشت. هنگامی که بهرام از تخت بر خاست «یکدست او بر [شانه] شهبانوی سکایان و دست دیگر او بر [شانه] کریم بود. او بحضور وی نزدیک شد (منظور مانی است - نگارنده) و بسخن پرداخت. وی حضرت را چنین گفت: «بیهوده بدینجا آمده‌ای!» حضرت ما در پاسخ گفت: «آیا مر تک گناهی شده‌ام؟» شاه گفت: «سو گندیاد کردم که نگذارم بدین کشور کام نمی‌یابم». و [شاه] از روی خشم و غضب بحضور وی گفت: «شمارا (مانویان را - نگارنده) این عادت چیست که از جنگ و شکار پرهیز دارید؟ دست کم بدرمان مردم و تهیه دارو می‌پرداختید. - ولی شما [حتی] از این کار نیز سرباز می‌زنید!» متن روایت درباره پاسخ مانی گسته است. مانی شاهنشاه را گفت که همه واره به شاهنشاه و دودمان و رعایای او نیکی کرده است و بس. مأخذ دیگری هست که در آن از زندانی شدن مانی و مرگ همراه باشکنجه او در زندان به سال ۲۷۷ میلادی یاد شده است.<sup>۳۹</sup>

کریم و مانی بدینگونه بودند. در سیماه این دو شخصیت دو فلسفه جالب در ایران باهم روپروردند. یکی بدینی کامل و «خوارشمردن این جهان» و دیگری تعصبهایی که مورد پشتیبانی چیره دستان وسلاخ و وسیله قدرت شاهنشاه بودند. در ۳۹- آفای نقیزاده [۹۱-۱۰۶]، تاریخ دیگری که از مرگ مانی آورده‌اند (دوم ماه مارس سال ۲۷۴ میلادی است که و.ب. هنینگ آورده است). ر.ک.، به همانجا.

\* Nuhzatak



تصویر شماره ۱۵ - پیروزی بهرام دوم: بیشاپور

سیماه این دو شخصیت در جریان: یکی فلسفه هلنیستی متأخر؛ یعنی آئین «جهانی» و دیگری احکام مذهبی قدرت و مرکزیت یافته نوین، باهم برخورد و تصادم حاصل کردند. در این تصادم کرتیر پیروز شد.

پایه کرتیر در عهد بهرام دوم ساخت بالاگرفت (همه کتبیه‌های کرتیر در روزگار پادشاهی بهرام دوم پدید آمد). کرتیر برای برقراری تسود و جهالت مذهبی در ایران از همه امکانها برخوردار بود. او کلیه «امور مذهبی» را در اختیار شخص خود داشت. حاکمیت مذهبی از آن پس از حاکمیت اشراف و بزرگان جدا شده بود. تفسیر و تأویل اراده اهورامزدا ویژه کرتیر بود. دولت ساسانی با سرعت به توکرایی\* نزدیک می‌شد. کرتیر پرستشگاه‌های دولتی (بگوستان) و انجمنهای موبدان جنب آتشکده‌ها تأسیس کرد و به آن «جنبه رسمی و دولتی» داد. این معنای افزایش نقش اقتصادی آتشکده‌ها در سراسر کشور بود. کرتیر در سراسر

\* - توکرایی *rhéocratie* نوعی اداره امور دولتی است که در آن حاکمیت سیاسی در دست روحانیان است.

کشور و هر جا «که اسباب و لشکر یان شاهنشاه راه یافتد» و در هر جا که آئین زرتشت رواجی نداشت، آتشکده برپا کرد. کرتیر تفسیر و تأویل خود را از آئین زرتشت (دین مزدیسنا dynmzdysn) و «آئین خود را برای زندگان» ارائه کرد و آنرا یگانه آئین رسمی کشور خواند.

روشن ساختن اصلاحات مذهبی کرتیر بطور مشروح بسیار جالب توجه بنظر می‌رسد. از او چهار کتبیه بزرگ در محلی که پیش از او تنها جایگاه کتبیه‌های شهریاران ایران بود بجا مانده است. از چنین شخصیتی درهیچیک از آثار مذهبی پس از اوی و درهیچیک از نوشه‌های تاریخی و درهیچیک از روایات سخنی بمنان نیامده است. موبدان دوره متأخر ساسانی چنین شخصی را نمی‌شناختند. بر جایگاه او، توسر «تنسر» افسانه‌ای که ساخته و پرداخته موبدان ساسانی است تکیه زد. توسر را «تنهاراهنمای بر جسته مذهبی» شمرده‌اند که گویا همه عصر خویش را صرف گردآوردن و فرا گرفتن بازمانده‌های پراکنده کتاب مقدس کرد. او با مواعظ خسته کشته خویش که برای هر کردار و رفتار شاهنشاه مجوزی ساخته مشهور است. این نکته نیز بسیار شگفتی آور بنظر می‌رسد که نام اتورپات مهر اسپندان، موبدان موبدان ایران که حدود سی تا چهل سال پس از کرتیر می‌ذیسته بارها در مآخذ متأخر آمده و از او بعنوان یکی از بزرگترین شخصیت‌های مذهبی یاد کرده‌اند ولی نامی از کرتیر نیست. اتورپات مهر اسپندان بهنگام پادشاهی شاپور دوم همان پایه و جایگاه کرتیر را داشت، – او آئین زرتشت را «از ناراستیها پاک» وزنده کرد و مجموعه نوینی از «اوستا» ترتیب داد.

شاید کرتیر سی سال پس از مرگ در نظر موبدان زرتشی هر تد و برگشته‌هاز دین و آنmod شده و همه کارهایش در زمینه دین دستخوش فراموشی گشته باشد. شاپور دوم نمی‌توانست اجازه دهد که نیرویی بدين بزرگی دردست یک تن متمرکز شود. رویداد‌های بعدی که در بخش آینده خواهد آمد این نکته را نشان داده‌اند.

بفرمان شاپور دوم بجای یگانه «موبد اهورامزدا» چند تن از موبدان در بخش‌های گوناگون کشور به‌امور دینی پرداختند [۵۰، ۳].

## بخش پنجم

### بهرام دوم و نرسی، پیکار بخاطر شهریاری

پس از مرگ شاپور یکم فرزندش هرمزد اردشیر برادریکه شاهی نشست. هرمزد اردشیر در نیمه دهه ششم سده سوم میلادی بعنوان جانشین شاهنشاه معرفی شد. نقش بر جسته شاپور یکم در نقش رجب که پیش از ۲۶۰ میلادی نقش شده گواه این مدعای است. در این نقش بر کلاه هرمزد اردشیر نشانه جانشین شاهنشاه دیده می‌شود (که بشكل مظہر قدرت و ثروت است). چنین بنظر می‌رسد که بهنگام لشکر کشی شاپور بد غرب هرمزد اردشیر در کار تصرف شهر دوراً - اروپوس شرکت داشت (بر بالای تصویر یکی از سواران بر دیواری از دیوارهای «پرستشگاه خدای پالمیر») نام او نگاشته شده است، در سومین لشکر کشی نیز وضع او بویژه دیگر گشت و یکی از شهرهای تسخیر شده در میان رودان بنام او و پدرش نامیده شد پرستشگاههایی که شاپور یکم با فتح خار پیروزی خویش بنا نهاد پرستشگاهی بود «بخاطر روان و یاد بود و نام» [twr hws lwb... 'rw'n wptn'm] هرمزد اردشیر. گذشته از این در کنیه شاپور در کعبه زرتشت که نام پرستشگاهها را آوردۀ اند، نام پرستشگاه هرمزد اردشیر پس از نام پرستشگاه شاپور و دختر و همسر او اتور ناهید (آذر ناهید) آمده است [کنیه شاپور در کعبه زرتشت، متن فارسی میانه، سطر ۳۳]. هرمزد اردشیر بهنگام زندگی پدرش فرمانروای ارمنستان و دارای عنوان «بزرگ ارمنستان شاه» بود (RB'MLK' 'rmn'n) [کنیه شاپور در کعبه

زرتشت، متن فارسی میانه]. در آن روزگار اداره کارهای این استان کشیده در آن منافع ایران و روم بایکدیگر برخورد و تصادم شدیدی داشت (چنانکه در کتبیه شاپور در کعبه زرتشت آمده «نکبت و خواری ارمنستان نتیجه دوچنگ بود) و در واقع مرکز فرماندهی نظامی کلیه سپاهیان ساسانی بسیار پراهمیت بشمار می‌رفت. از نظر سیاسی نیز این استان جایگاهی بسیار بزرگ داشت.

پادشاهی هرمز اردشیر بر ایران پیش از نوروز سال ۲۷۳ میلادی آغاز شد. سکه‌های هرمز اردشیر خود گواه این مدعای است. در نخستین سکه، هرمز اردشیر با نشانه‌های ویژه شاهنشاه ایران تصویر شده است، ولی عنوان او که بر رویه سکه ضرب شده «بغ مزداپرست، خدایگان هرمزد [اردشیر] بزرگ ارمنستان شاه» است (mzdysn bgy' whrmzdy RB, MLK rmn' n...).<sup>۱</sup> بر این سکه‌ها فرمانروایی بر ایران نه تنها وسیله تصویر شاهنشاه بالافسر شاهی، بلکه با نشانه‌های شاهی از جمله مظہر فروهر) نیز مشخص می‌شود. سکه بعدی که پس از تاجگذاری رسمی او (پس از ماه مارس سال ۲۷۳ میلادی) انتشار یافت حاوی عنوان کامل شاهنشاه است. ولی در این سکه بر شانه هر مزد نشانه جانشینی شاه (ولیعهدی) نیز دیده می‌شود. شاید این نشانه‌ای از آن باشد که هرمزد جانشین قانونی شاهنشاه بوده است.

آن روزگار مزدهای غربی ایران وضعی بسیار مخاطره آمیز داشت‌اند که پیش از مرگ شاپور یکم اور لیانوس<sup>۲</sup> Lucius Domitius Aurelianus «امپراتور روم واحد های ایرانی را که برای یاری به زنویا \*ملکه پالمر\* «تدمر» رفتند بودند سخت درهم شکست. شاهی پالمر پس از شکفتگی کوتاه مدت منهد گشت و بدین

۱- مجموعه سکه‌های موزه دولتی تاریخ (نسخه چهارم ، شماره‌های ۴۷۱۷۱۸ - ۴۷۱۷۲۱).

Zenobia \_\*

Palmyra \*\*

روال همه سر زمینهایی که بدست سپاهیان ساسانی در غرب تسخیر شده بود به مخاطره افتاد. واما چنین بنظر می دسد که شاپور یکم و یا هر مزد اردشیر تو انتند پیشوی اژیونهای رومی را متوقف کنند. بهر تقدیر از سال ۲۷۳ تا آغاز دهه نهم میلادی برخورد قابل ملاحظه ای در مرز های غربی روی نداد.

در مآخذ همزمان، از رویدادهای داخلی ایران سخن بیان نیامده است. در نوشته های فارسی - تازی نیز بتقریب هیچ مطلبی نمی توان یافته. تنها بلعومی درباره این دوره از تاریخ ایران چنین آورده است: «چون شاپور بمرد، هر مزبعای پدر بنشست و همان سیرت پدر نگاه می داشت و آن عمالان پدرش همان کار داده بوده» [۲۶۵، ۴۶۸]. در «کارنامه اردشیر پاپکان» نیز نزدیک به همان نوشته بلعومی را مشاهده می کنیم: «پس از آن چون اورمzd به خداوندی رسید، همگی ایرانشهر را باز بیک خدائی توانست آوردن، و سرخدايان کسته کسته را اورمzd به فرمانبرداری آورد، واژ روم و هندوستان ساو (خراج - مترجم) و باج خواست، و ایرانشهر را او پیرایشی تر و چابکتر و نامی تر کرد، و کیسر (قیصر - مترجم) ارومیان شهریار و تاب کافور (نگارنده کتاب این نام را تن - کافور ک آورد) است - مترجم) هندویان شاه و خاکان (خاقان) ترک و دیگر سرخدايان کسته کسته به خشنودی و شیرینی بدریار آمدند» [۱۹، ۱۱۱].\*

گمان می رود در پارس منظره تاجگذاری هر مزد اردشیر بر صخره نقرشده باشد (شماره ۱۰): (بر مبنای طرحی که بر پایه تصویر شناسی تهیه شده و متعلق به این دوره است: اهورامزدا و شاهنشاه سوار بر اسب تصویر شده اند و ایزد حلقه شهریاری را بسوی شاهنشاه دراز کرده است)، ولی افسر شاهی و چهره شاهنشاه سخت آسیب دیده و مشکل بتوان یقین داشت که تصویر بطور قطع از آن هر مزد

\* - صادق هدایت، «زند و هونمن یسن (بهمن یشت» و کارنامه اردشیر پاپکان، چاپ سوم، تهران، امیرکبیر، ۱۳۴۲، ص ۲۰۹.

اردشیر بوده است ] VB, pl. 27. p.24]

در باره د گر گونیهای که در سیاست مذهبی آنروز گار روی داده می‌توان از تصویری که برپشت سکه های هرمزد اردشیر ضرب شده داوری نمود. می‌توان چنین پنداشت که د گر گونیهای نامبرده اساسی و ماهوی بوده است. از کنیه کرتیر در کعبه زدشت می‌توان به این نکته پی برد، زیرا تنها چندماه پس از پادشاهی هرمزد والا شدن پایه جایگاه کرتیر آغازشد.

واگذاری پایه موبدان موبد کشور «موبد اهورامزدا» به کرتیر در نیمسال ۲۷۳ میلادی و والاتر شدن جایگاه او نخستین گام در کار بدل کردن آئین شاهنشاه به آئین رسمی کشور بود. تصویرهایی که بر سکه های هرمزد ضرب شده نشانهای از اجرای این مرحله های دشوار و بغير نج است. برپشت همه سکه های هرمزد که پیش از ماه مارس سال ۲۷۳ میلادی ضرب شده (بر رویه این سکه عنوان «بزرگ ارمنستان شاه» ضرب شده است) منظره تاجگذاری دیده می شود: سمت راست آتشدان تصویر هرمزد و سمت چپ آن تصویر میترا (مهر) ضرب شده که حلقه شهریاری را بسوی هرمزد دراز کرده است. این نخستین تصویر شناخته شده از ایزد مهر در هنر ساسانی است. تصویر این ایزد بر همان مبنای تصویر اهورامزدا در دوران گذشته است: میترا با پوشش شاهنشاه تصویر شده و گرد سر او هاله ای از نور مشعشع است. این هاله نورانی نشانه همیزه او است. برپشت سکه بعدی هرمزد (با عنوان کامل شاهی و نشانه و لیعهدی بر شانه ها) تصویر شاهنشاه وایزد اناهیتا دیده می شود که پوششی بلند بر تن و افسری کنگره دار همانند افسر اهورا مزدا بر سر و میله ای آهنی در دست دارد. اگر صحنه ممر کزی بشقابی را که در

KKZ ، 'Pm'whrmzdy MLK'n MLK' kwl'py W kmry YHBWNt -۲  
 'Pm g 'sy W pthšry 'BYDWN 'pm PWN BB'W štry 'L štry gyw'k  
 'Lgyw'k hmšitry PWN krtkn ZY yzd'n k'mk'ry W p'thš 'dtry ,BYDWN  
 'pmBYDWN ŠM krtyr ZY 'whrmzdy mgwpt 'whrmzdy 'LHY 'PWN ŠM.

دهنیز نه - شاخاروفکا بدست آمده (در بخش پیشین از این بشقاب سخن رفته است) و حاوی تصویر گیلا همراه باشیر است نادیده انگاریم، آنگاه در کار استاد همنهند تصویر اناهیتا ایزد دودمان ساسانی برای نخستین بار جلب نظر می کند. برپشت سکه بعدی هرمزد که از لحظه زمانی پس از دو سکه نامبرده ضرب شده منظرة تاجگذاری دیده می شود که در آن اهورامزدا حلقة شهریاری را بسوی شاهنشاه دراز کرده است. چنانکه از سکه ها پیداست، این نکته که همه ایزدان بزرگ رزتشنی هرمزد اردشیر را بر اریکه شاهی نشانده اند ممکن است نشانه «ورجاوند» جلوه دادن نیروی شهریاری شاهنشاه باشد. ولی چنانکه از سکه ها معلوم می شود، بهر تقدیر مشاهد و ناظر تغییر صحنه های تاجگذاری (از میترا به اناهیتا و از اناهیتا به اهورا مزدا) هستیم و گمان می رود این دگرگونی بالصلاحات کر تیر مر بوط باشد.<sup>۳</sup>

۳. شاید سنتهای «خدایان بزرگ» هلنیستی (آپولون- میترا، آرتميد- اناهیتا و زئوس- اهورامزدا) که گمان می رود در دوران متأخر هلنیستی در ارمنستان مقامی یافته بود، در این مورد اثرباره باشد. موسی خورنی (XXVIII.II.۲۳) چنین نوشته است که «اردشیر [پاپکان]... برستش ایزد را در پرستشگاهها رونق پختید و فرمان داد آتش خاموش نشدنی اورمزدرا در باگوان<sup>\*</sup> برأفر و زند. اردشیر مهه پیکرهای را که واهاراشاک... یافتخار نیاگان خوش بهمراه «تصویرهای از خودشید و ماه بیا داشته بود... در هم شکست. و در همه جا نام خود را پیش کشید» (شاید هنوز آن باشد که شهرهای ساخت و یاتcheid بنانمود و نام خود را بر آنها نهاد- نکارنده). این خبر جالب که حاکم از رواج جبری آئین زرتشت دربخشی از ارمنستان والانه کیشهای باستانی هلنیستی بوده تمام و کمال با «بر نامه» فعالیت کرتیز در این زمینه منطبق است. چنانکه ملاحظه شدکریز در یايان شاهنشاهی شاپوریکم و پویژه در فاصله سالهای ۹۰-۷۰ سده سوم میلادی در رأس مبارزة همان زرتشتی با پر وان دیگر مذهبها قرار گرفت. گمان می رود رویدادهای که موسی خورنی یادکرده منوط به این روزگار باشد. اگر در سکه های هرمزد اردشیر مظاهر غیر مستقیم سنتهای هلنیستی مورد نظر قرار گیرد و بهاین نکته توجه شود که قتل مانی و منع تبلیغات مانویان در یايان شاهنشاهی بهرامیکم روی داده. آنگاه می توان حمود نمانی و تاریخ رویدادهای نامبرده را محدودتر ساخت و حدود سالهای ۲۷۶-۲۹۳ میلادی دانست. در آن زمان نرسی فرزند شاپوریکم فرمانروای ساسانی در ارمنستان («بزرگ ارمنستان شاه») بود، \* - باگوان، یا باگوان نام شهر و سرزمینی است که امروز باکو (باکویه) می نامند. این نام در فارسی میانه و باستان «بعنوان» (سرزمین خدایان) بوده که بع - خدا و وان - محل و سرزمین است. پس از سلطه عرب این نام به باکویه بدل یافت و بسی باکوشت. نام بندهاد و بستانا (بیستون) را نیز از نامه سرزمینهای ایزدی و رجاوند بایسد دانست. هم اکنون در نزدیکی شهر باکو در بخش «سوراخانی» ویرانه آتشکده ای هست که روزگاری گاز طبیعی از آن شعله وربود. شاید این همان آتشکده ای باشد که موسی خورنی بدان اشاره کرده است - مترجم.

از مرگ هر مزد اردشیر هیچگونه اطلاعی در دست نداریم. به سال ۲۷۴ میلادی بهنگام مرگ، وی حدود ۴۵ – ۴۷ سال داشت. کرتییر چنین می‌نویسد: «هرمزد، شاه شاهان به جایگاه ایزدان دست یافت». فرزندان او که نامشان در فهرست دودمان ساسانی در کتبیه شاپور در کعبه زرتشت (هرمزد و بهرام) آمده در دیگر مآخذ یاد نشده است و گمان می‌رود که آنان در تاریخ ایران ساسانی نقشی نداشته‌اند.

پس از مرگ هرمزد، دو فرزند شاپور یکم مدعی شاهنشاهی ایران شدند یکی از آنها بهرام بود که تا سال ۲۶۲ میلادی بر گیلان فرمانروایی داشت. استان گیلان در آن روزگار از نظر سیاسی و اقتصادی، اهمیت چندانی نداشت. بهرام شایستگی آنرا نیافت که «آتشکده‌ای بنام او» بیا شود. نام او در فهرست دودمان ساسانی در جایی ثبت شده که چندان در خور احترام نبوده است. فرزند دیگر شاپور یکم نرسی نام داشت که دارای عنوان «آریایی مزدا-پرست» و فرمانروای سکستان، تورستان و هند «تا کرانه دریا» یعنی سراسر زمین-های متصرفه در شرق کشور بود. پیاس او آتشکده‌ای بنامش برپا شد. ولی همه اینها در زمان حیات شاپور یکم روی داد. اما پس از او نرسی از اریکه شاهی دور ماند و بهرام بر آن تکیه زد. بینیم این رویداد چگونه بوده است؟

عنوان نرسی – *mzdsn yly* (یراز آریا) «بزرگ» و یا دقیقتر گفته شود «بزرگ آریایی» مزداپرست بود که اورا از دیگر فرزندان شاپور ممتاز می‌کرد و شاید سبب آن فرمانروایی نرسی بر سر زمینی بس پهناور و یا منظورهای منبوط به خاندان شاهی باشد. بهر تقدیر بهرام دوم نیز همین عنوان را برگزید و فرمان داد که عنوان *yly* را بر سکه‌های ویژه تاجگذاری او ضرب کند (برای آگهی بیشتر ر. ل. به بخش هفتم کتاب).

آن روزگار هنوز در کاخ ساسانیان تعیین دقیق جانشین شاه معمول نبود.

سasanian به مثابه دودمانی بر اریکه شاهی ایران نشستند. آنها همواره از یگانگی دودمان سخن می‌راندند و بدین سبب گمان می‌رود طبق معمول، شهریاری کشور بر عهده سر دودمان زمان محول می‌گشت. ولی بهنگام شهریاری اردشیر نظم دیگری درباره جانشین شاهنشاه برقرار شد و تخت شاهی از سوی پدر بفرزند سپارده می‌گشت. تصادم «دو دمانی» و نزاعهای «خانوادگی» بسر جانشینی پادشاه می‌توانست امری دائمی باشد و برتری دادن به ریک از مدعیان جانشینی، غصب نامیده شود. بهرام از همه فرزندان شاپور یکم بزرگتر بود، ولی او هنوز بهنگام زندگی پدر در مقام پائینتر قرارداشت. پس از مرگ شاپور مبارزه گروه بندهای درباری مشکل جانشین را حل کرد.

در «نامه تنسر» مطلبی درباره شیوه برگزیدن جانشین هست: «شنهشه... سه نسخه بنویسد بخط خویش، هریک به‌امینی و معتمدی سپارد، یکی برئیس موبدان و دیگری به مهتر دیبران، سوم باصفهید اصفهان، تاچون جهان از شاهنشاه بماند... موبد موبدان را حاضر کنند و این دو کس دیگر جمع شوند و مهر نبنتها بر گیرند، تا این سه کس را بدکدام فرزند رأی قرار گیرد، اگر رأی [موبد] موبدان موافق رأی سه گانه باشد خلاطیق را خبر دهند، و اگر موبد مخالفت کند هیچ آشکار نکنند، نه از نبنتها، و نه از رأی، و قول موبد بشنوند، تا موبد تنها با هر ابد و دینداران و زهد خلوت سازد و بطاعت و زمزم نشیند، و از پس ایشان اهل صلاح و عفت بآمین و تضرع و خضوع و ابتهال دست بردارند، چون نماز شام از این فارغ شوند. آنچه خدای تعالی ملکه، در دل موبد افکند بر آن اعتماد کنند، و در آن شب بیارگاه تاج و سریر فرو نهند و اصناف اصحاب مراتب بمقام خویش فرو ایستند، موبد با هر ابد و اکابر و ارکان واجمله دولت بمجلس پادشاهزادگان شود، و جمله صفت زند پیش [و گویند] «مشورت خویش پیش خدای بزرگ برداشیم، مارا] ارشاد والهام فرمود، و بر خیر مطلع گردانید،» موبدانگ



تصویر شماره ۱۶ - بهرام دوم و درباریان او، نقش رستم. اقتباس از تصویر کربورتر

بلند کرده و بگوید که «ملایکه بملکی فلان بن فلان راضی شدند. شما خلائق نیز اقرار دهید، و بشارت باد شماره [۳۹، ۱۴۹] - ۲۰<sup>۴</sup> ممکن است این رسم انتخاب جانشین شاهنشاه بعدها معمول شده باشد، ولی

<sup>۴</sup>. پناه عرف خانواده در آئین زرتشت، اگر هر مزد اردشیر جانشینی نداشت (نام فرزند او اورمزدک در کتبیه ŠKZ آمده و گمان می‌رود وی بیش از سال ۲۷۴ مرسد باشد)، پس از هر مزد اردشیر باید از میان برادرانش آنکه بزرگتر بود پرخت می‌نשת. گمان می‌رود بسر ادر بزرگتر او شاپور شاه میتان بود (چنانکه پیشتر آمده تصویر او همراه تصویر هر مزد اردشیر با پوشش و پیشه جانشین شاهنشاه پریکی از نقشهای بر جسته شاپور یکم نقر شده)، ولی تا سال ۲۶۰ میلادی اوینی زنده نبود. اریکه شاهی باید بعد از خاندان تقویض می‌شد، وبا اینکه شهابون دینک همسر شاه میتان فرزندانی داشت، با اینهمه تنها بسر بزرگتر شاپور یکم حق داشت پرخت شاهی بنتشیند. از نظر حقوق خانوادگی اعتراض نرسی تنها هنکامی اصولی شمرده می‌شد که با او و بهرام یکم توامان (دوقلو) می‌بودند و یا اینکه نرسی بزرگتر از بهرام یکم می‌بود. عنوان نرسی («آریائی» وغیره) شاید حاکی از وضع خاص او در دوران ساسانی باشد (شاید مادرش چاکرزن ویا پیر و دین دیگری بوده است؛). درباره حقوق خانواده زرتشتی از مشورتهاي آ. گ. پريخانيان برخوردar شدم.

چنین بنظر می‌رسد که در ماه آوریل سال ۲۷۴ میلادی نظر کرتیر «موبد اهورا-مزدا» در انتخاب شاهنشاه حائز اهمیت و اوحد قاطعیت بوده است. رویدادهای زیر مؤید این نکته است.

بهنگام شاهنشاهی بهرام یکم کرتیر به پایه موبدان موبد رسید. در ضمن به اونشان ویژه پایه و جایگاه و کلاه و کمری بشکل خاص اعطای شده بود. کرتیر خود می‌نویسد که: «بدين روال چه در دربار شاهی و چه در سرزمینها و استانها درباره امور دینی از همه بزرگتر و نیرومندتر شدم».

بهرام یکم مانی را به کرتیر سپرد. بویژه در این روزگار بود که انهدام مجتمع مانویان در سراسر کشور اجرا شد. اعدام دهشتبار مانی نمودار روشی از نیروی آئین «رسمی» نوین و نفوذ کرتیر بر شاهنشاه است.

چنانکه پیشتر یاد کردیم، بر سکمهای بهرام یکم عنوان شاهی نوینی پدید آمد که چنین بود: «بغ مزداپرست، خدایگان بهرام، شاهان شاه ایران و ایران، که چهر از ایزدان اردشیر دارد». <sup>۵</sup> این سکه‌ها که در آن شاهنشاه فرمان داد کنار عنوان او مراتب احترام وی به ایزدان اردشیر، بنیادگذار دولت ساسانی نوشته شود نموداری است از نیروی آئین «رسمی» نوین و نفوذ کرتیر بر شاهنشاه.

بهرام یکم فرمان داد که نقش بر جسته تاجگذاری اورا در بیشاپور تصویر کنند (شماره ۱۲). <sup>۶</sup> در این نقش اهورامزدا نشانه شهریاری را به او تسلیم می‌کند. وحال آنکه متن فارسی میانه کنیه نقش نامبرده بهنگام پادشاهی نرسی پدید آمده و حاوی شجره نام و عنوان او است.

بهرام نیز همانند دیگر شاهنشاهان ساسانی افسری خاص خود و بشکلی

<sup>۵</sup>- بنظر بروفورد، یا. خارمتنا (گزارش شفاهی)، «فرمانروای عادل» (متن نوشته چنین است، 1) mzdyasn bgy wrhr'n MLK'n MLK' 'yr'n w 'nry'n MN W čtry MN yzd'n (2) y'rthštry.

<sup>۶</sup>- برای آگهی پیشتر ر.ك، به بخش هفتم.

ویژه داشت. از اجزاء نقش پیشاپور بساد گی می‌توان دریافت که تصویر از چه کسی است. بدین سبب در اینجا تنها یک گمان می‌تواند وجود داشته باشد و آن اینکه نرسی، بهرام را مستحق نشستن بر سریر شاهی نمی‌دانست بلکه خود را محق و شایسته می‌شمرد. بنابراین زمانی که پس از او بر اریکه شاهی نشست با شتاب فراوان کوشید تا آثار مربوط به یادبود شاه پیشین را منهد سازد.

درمنظره تاجگذاری که برپشت سکه‌های بهرام یکم ضرب شده برپشت سکه‌های گوناگون در دوسوی آتشدان این تصویرها دیده می‌شود: اهورامزدا و شاهنشاه با افسر شاپور یکم؛ اهورامزدا و شاهنشاه با افسر بهرام یکم؛ میترا (همانند سکه‌های هرمزد اردشیر) و شاهنشاه با افسر شاپور یکم؛ میترا و شاهنشاه با افسر بهرام. در تصویر پشت یکی از سکه‌ها و نیز در عنوان نوشته رویه آن به اردشیر یکم، بنیادگذار دودمان ساسانی مراجعه شده و حتی اندازه‌ای با سماجت از «مشروع»، جلوه گر ساختن جانشینی شهریاری از شاپور یکم و «مشروع» بودن تاجگذاری و گرفتن افسر شاهی نه تنها از دست اهورامزدا، بلکه از دست میترا؛ و تصویر هابی که در همه سرزمین‌هایی که سکه‌های دولتی ساسانی در آن رایج بوده نموداری از اندیشه مشروع و قانونی جلوه گر ساختن جانشینی است.

چنانکه پیشتر یاد شد بهرام دوم پیش از آنکه بر سریر شاهی ایران تکیه زند نخست شاه گیلان و سپس (پس از سال ۲۶۲ میلادی) شاه کرمان بود. گمان می‌رود استقلالی که شاهان کرمان تا عهد شاپور یکم داشتند، در پایان شهریاری شاپور و یا بهنگام شاهنشاهی هرمزد اردشیر از میان رفته باشد (شاه کرمان از دودمان شاهان محلی بود و دست کم تا سال ۲۶۲ میلادی بر آن سرزمین فرمانروایی داشت. در کنیه شاپور در کعبه زرتشت نام او نیز آمده است). سه سال شاهنشاهی بهرام در ایران (سال ۲۷۴ تا ۲۷۷ میلادی) به آرامی گذشت، گرچه اورلیانوس امپراتور روم به سال ۲۷۵ میلادی به تیسفون لشکر کشید، ولی سواران ایرانی با

لژیونهای رومی روبرو نشدند. زیرا پیش از برخورد سپاهیان دوکشور امپراتور روم در آغاز لشکر کشی، بدست سپاهیان خویش که دست به شورش زده بودند کشته شد. و از آن پس مرز روم و ایران ثابت ماند. رومیان سخت سرگرم کارهای دیگری بودند. هم فلوریانوس وهم جانشین او پروپیانوس بدفع هجوم زرمنها و فرانکها سرگرم بودند و در امپراتوری روم اغلب سپاهیان دست به شورش می‌زدند (سوریا، آسیای صغیر، مصر علیا، بریتانی)، و بحران اقتصادی سه‌میگینی در سرزمین امپراتوری روم پدید آمده بود. همه عوامل نامبرده مانع لشکر کشی رومیان به شرق بود.

سال ۲۷۷ میلادی پس از مرگ بهرام یکم پسر او بهرام دوم به شاهنشاهی ایران رسید و نرسی باز از سریر شاهی دور ماند.

گمان می‌رود تولد بهرام پس از سال ۲۶۲ میلادی بوده است، زیرا در فهرست دودمان ساسانی که در کتبیة شاپور در کعبه زرتشت آمده نامی از او برده نشده است.<sup>۷</sup> او به نگام تاجگذاری چهارده ساله بود. در هم نقره منحصر بفردی که پس از شاهنشاهی بهرام دوم ضرب شد<sup>۸</sup> امکان می‌دهد تا از سرنوشت او در فاصله سال‌های ۲۶۲ و ۲۷۶ میلادی آگاه شویم. بر رویه این سکه تصویر بهرام دوم با نشانه‌های شاهنشاهی و تصویر همسر او با نشانه‌های بانوی بانوان ایران و این نوشه دیده می‌شود:

۷- بنظر ا. هرستفلد (ر.ك، به ۱۰۳) بهرام پس از مرگ شاپور یکم تا هنگام نشتن بر اریکه شاهی (دوران حد فاصل میان سالهای ۲۷۲-۲۷۵ میلادی) شاه کوشان و دارای عنوان «بزرگ کوشانشاه» بوده است. این نظر در مبنای مطالعه و بررسی سکه‌های کوشانی - ساسانی صورت گرفت و بعدها بطور وسیع پذیرفته شد. ولی اکنون این نظر را باید به یکسو نهاد، زیرا شواهد نوین مؤید دگرگوئیهای در تاریخ سکه‌های کوشانی - ساسانی و نیز در تصورات ما راجح به خاصیت و سجاواری اداره بخشاهی گوناگون شاهنشاهی ساسانی است (برای، آگهی بیشتر به بخش ششم کتاب مراجمه شود).

۸- سکه نامبرده در مجموعه موزه دولتی تاریخ تحت شماره ۴۷۹۸۷ محفوظ است. نوشه‌های این سکه مانند نوشه‌های دیگر سکه‌ها در این کتاب آمده است. ر.ك، به بخش هفتم کتاب.

«۱) mzdyns dgy wrhr' n MLK' n MLK' 'yr'n W 'nyr'n MN Wčtry  
MN yzd'n

۲) Šhypwhrdwhtky ZY MLKT' n MLKT».

(۱) بع مزدا پرست، خدایگان بهرام، شاهنشاه ایران و اینران که چه ر از ایندان دارد. (۲) شاپور دخنک، بانوی بانوان». بدین روایت دودمان ساسانی در «کعبه زرتشت» همسر بهرام دوم شاپور دخنک بود. در فهرست دودمان ساسانی در «شیخانی سکایان» از دو بانوی مشهور به این نام یاد شده است. یکی از آنها دختری از شاپور، شاه میشان و همسرش دینک بوده که نواوۀ شاپور یکم شاهنشاه ایران بود<sup>۱</sup> و دیگری گمان می‌رود دختر شاپور یکم بود که در سال ۲۶۲ میلادی عنوان «شیخانی سکایان» داشت و به مری برادر خود نرسی «شاه سکستان، تورستان و هند و کرانه‌های دریا» درآمد. چندی نگذشت که شاپور دخنک دختر شاه میشان و دختر عمومی بهرام دوم به همسری او درآمد.

سال ۲۷۶ میلادی که آخرین سال شوم و نامیمون در زندگی مانی بود، بهرام یکم شاهنشاه ساسانی در منابع کرتیر و «شیخانی سکایان» وی را بحضور پذیرفت [۹۶، ۶]. مشکل بتوان باور داشت که همسر نرسی دشمن بهرام از زمرة نزدیکان و درباریان او باشد، زیرا نرسی بهرام را غاصب تاج و تخت می‌نامید. شاید در این دوره شاپور دخنک دیگری که همسر فرزند بهرام بوده عنوان «شیخانی سکایان» را داشته است. هرگاه چنین باشد، آنگاه حدود سال ۲۷۶ میلادی بهرام دوم عنوان سکستان شاه را یافت و اداره استانهایی که در گذشته نرسی بر آنها فرمانروایی داشت به بهرام دوم واگذار شد. شاهنشاه نرسی در کتبه پایکولی اعلام داشت که تا سال ۲۹۳ (تاریخ پیدایش کتبه) وی فرمانروای ارمنستان بود.

۹. کتبه شاپور در کتبه زرتشت متن پارتی، سطر ۲۱ - ۲۲ BRTy.

ممکن است عنوان «بزرگ ارمنستان‌شاه» به نرسی داده شده تا سکوت اختیار کند و بهادعای تاج و تخت شاهنشاهی نبردازد. ولی هر گاه نرسی درواقع از فرمانروایی سکستان بر کنار شده باشد، آنگاه می‌توان چنین پنداشت که مسئله تعیین جانشین آینده شاهنشاه به نگام پادشاهی بهرام یکم بسود فرزندش بهرام دوم حل شد و این خواست در نتیجه ازدواج بهرام دوم با نواده شاپور یکم قوام پذیرفت.

در برخی مآخذ چنین آمده که در روزگار پادشاهی بهرام دوم برادرش هرمزدکه فرمانروای خراسان (معنی «شاه سکستان، تورستان و هند») بود علیه برادر بهشورش برخاست [۱۲۷، ۹۶؛ ۱۰۵، ۴۲]. از کتبیه شاپور در کعبه زرتشت چنین بر می‌آید که هرمزد نامبرده باید فرزند شاپور شاه میشان و برادر تنی شاپور دختر همسر بهرام دوم باشد [SKZ متن پارتی، سطر ۲۱] که پس از نشستن بهرام دوم برای که شاهی بفرمانروایی سکستان منصوب گشت.

بدین روای یکی از مهمترین عنوانهای شاهزادگان ساسانی، عنوان فرمانروای سراسر استانهای شرقی بود. حدود سال ۲۷۶ میلادی نرسی از این جایگاه بر کنار شد و جایگاه اوابتدا به بهرام و پس به هرمزد واگذار گشت. این نکته نیز نشانه دیگری از امکان دگر گونیها و تجدید بنایی است که پیشتر از آن سخن رفت.

همه کتبیه‌های کرتیر در روزگار پادشاهی بهرام دوم پدیدآمد. از این کتبیه‌ها روشن شده است که کرتیر نماینده بزرگ مذهبی و («نگهبان روان») شاه جوان بود. این نکته که به کرتیر اجازه داده شده بود چهار کتبیه در باره خدمتها ای خویش به کشور و دین در جایی که پیشتر تنها و تنها جایگاه کتبیه‌ها و نقشهای شاهی بود پدید آورد، نموداری است روشن از نفوذ «موبد اهورامزدا» در دربار ساسانی.

کرتیر در نهره «بزرگان» درآمد که پس از خاندان شاهی و بر جسته‌ترین

خاندانهای کشور از لحاظ اهمیت مقام دوم را دارا بود. کرتیر بهنگام پادشاهی بهرام دوم به پرستاری پرستشگاه اناهیتا در استخر که پرستشگاه ویژه دودمان ساسانی بود منصوب گشت. هم اوسمت «ادوین بد» یافت که بخش کننده هدیدهایی بود که بهاین پرستشگاه داده می شد و پرستشگاه نامبرده جایگاه مرکزی ورجاوند آئین شاهی بشمار می رفت.<sup>۱۰</sup> کرتیر می نویسد: «ومن برای خانه خویش در هر جشن، از هر جشن تا جشن دیگر یکهزار و صد و سی و سه rps'k گرفتم که سالانه شهرزار و هفتصد و نود و هشت rps'k است. در پایان کرتیر بهمیت رئیس



تصویر شماره ۱۷. نقش تاجگذاری فرسی. نقش رستم. اقتباس از تصویر کربورتر

دادگاه عالی کشور دادوران «قاضی القضاة» گمارده شد. بدین روای شاهنشاه جوان بر اریکه پادشاهی نشست و کرتیر در همه کارها و

۱۰ - درباره عنوان 'ادوین بد' dwynpt در اک به گذشته.

اندیشه‌های بهرام دوم نفوذی بی‌مانند یافت.

با مقایسه نوشه‌های ŠKZ و NPK می‌توان نامها و عنوانهای بزرگانی را که هواخواه کرتیر و شاهنشاه جدید بودند دانست. اینها همان کسانی بودند که بعد از نرسی بعنوان بزرگترین دشمنان خویش یاد کرده است. بزرگترین هواخواه کرتیر شخصی بود بنام «وهونم» که ریاست امور اقتصادی (فرمتار) سراسر شاهنشاهی ایران را بر عهده داشت.<sup>۱۱</sup> او در روز گار پادشاهی شاپور یکم نیز این پایه را داشت و در واقع نخست وزیر کشور بود. در کتبیه شاهنشاه نرسی در پایکولی نیز از او بعنوان بزرگترین مخالف نرسی یاد شده است. میان هواخواهان کرتیر بزرگانی بودند که در دربار شاهنشاه شاپور یکم جایگاهی پس والا داشتند و نماینده‌دودمان‌های پر رگ کشور بشمار می‌آمدند؛ یکی از آنها اردشیر کارن (قارن) و دیگری نرسی «خواتواندیکان» بود [ŠKZ متن پادتی سطر ۲۵-۲۶]. آذر فرنجع «شاه میشان» نواده شاپور یکم و برادر همسر بهرام دوم نیز از هواخواهان کرتیر و بهرام بود. آذر فرنجع پس از مرگ مادرش دینک (حدود سال ۲۷۰ میلادی) سمت «شاه میشان» یافت. او تا پایان به بهرام دوم وفادار ماند و زمانیکه نرسی فرمانروای ایران گشت، از جایگاه خویش بر کنار شد. بتقریب، همه «شهر بهای» شهرهای شاهی جزء دسته کرتیر بودند.<sup>۱۲</sup> این دسته در دربار نیز نفوذ و سروری داشت. در ضمن، در سراسر تاریخ ساسانیان چنین وضعی سابقه نداشت. از این رو دسته کرتیر با وجود نیروی فراوان ناگزیر بودتا بدیگر بزرگانی که از نظر موبدان موبده سراسر ۱۱ - درباره عنوان *r̥pm̥t̥r̥* (که «ترجمه» یونانی آن - *Epytron* است) ر.ک، به، ر.ن. فرای [۷۳].

۱۲ - چنانکه از کتبیه شاهنشاه نرسی در پایکولی بر می‌آید تنها شهرهای سرزمینهای تهم شاپور و دماغوند NPK، متن فارسی میانه، سطر ۴۴] از دسته هوادان نرسی بودند. (نگارنده کتاب از تهم شاپور بنام سرزمین یاد کرده و لی در دیگر نوشه‌ها، از جمله کتاب ایران در زمان ساسانیان نوشته آرتو درکریستن سن، تهم شاپور نام شخص است - مترجم) جون نرسی با دقت، نام هواداران خود را بر شمارده، بنابراین می‌توان چنین پنداشت که دیگر شهرهای «شهرهای شاهی» به شاهنشاه بهرام دوم و جانشین او وفادار بودند.

ایران و همهٔ جهان «پیروی می کردند ثابت کند که حکومت نوین مشروع و قانونی است.

اکنون چنین بنظر می رسد که بتقریب، هدف پیدایش همهٔ آثاری که از آن روزگار بجامانده (نوشته‌ها و تصویرهای رسمی) این بوده که بهمهٔ مردم ایران شهر نشان دهنده بهرام دوم ازسوی ایزدان بهشیرباری ایران گمارده شده است.

بیش از همه کرتیر هواخواه بهرام دوم بود. او بنا گاه در کتبه‌های خود بهرام دوم را با عنوانهای زیبا می‌ستاید و او را از دیگر شاهنشاهانی که در روزگارشان می‌زیسته ممتاز می‌خواند: «و اما بعد بهرام، شاهنشاه .... بلند همت و جوانمرد و درستکار و با ایمان [نسبت به دین] و [همانکه] کارها را به نیکی و شایان تقدیر [از نظر دین] انجام می‌دهد، [به پادشاهی] منصوب گشت». این توصیف از شاه بسیار نیکی است که کرتیر آرزو داشت او را بر اریکه شاهی بییند. آنچه کرتیر بعنوان سجایای شاه مورد نظر خود می‌دید، دلیری واستعداد در فرماندهی و اداره کشور و نیرو قدرت نبود،

از نظر کرتیر شاه بسیار نیک باید دیندار باشد و تمام و کمال زیر نفوذ عامل دینی خویش قرار گیرد و اندیشه و کردار او بر پایهٔ احکام دینی باشد. کرتیر می‌کوشید همگان را مقاعده سازد که عنوانهای بزرگ و قدرت نامحدودی که بهنگام شاهنشاهی بهرام دوم بدست آورده، همه بر پایهٔ اراده و خواست ایزدان بوده است: «و برای رضایت اهورامزدا و ایزدان [و] بخاطر روان خویش، او (بهرام دوم: نگارنده) هرا در کشور جایگاهی والا و ملک و مال ارزانی داشت». از نظر کرتیر دولت باید بر مبنای تئوکراسی (اداره کارهای دولتی و سیاسی توسط روحانیان) اداره شود و همهٔ کارهای مذهبی بدواواگذار گردد.

باید به بزرگانی که روزگاری سرمتابعت فرود آورده اند نه تنها حق این شاه را در شهریاری و نه فقط حق کرتیر را بعنوان یگانه منادی «اراده اهورامزدا»

شان داد، بلکه باید پیروزی گروهی را که کرتیر در رأس آن قرار داشت تحکیم نمود و پادشاهی را در خاندان بهرام دوم برقرار ساخت و درباره جانشین او اندیشید. بهرام مدتی دراز، حدود شانزده سال (۲۷۷-۲۹۳ میلادی) پادشاهی کرد. رقیب عمده او نرسی همه این مدت در انديشه قراردادن شاخه «قانونی» اين دودمان بر سرير شاهی بود. وی درده هشتم سده سوم میلادی به مست فرمانروای ارمنستان منصوب شد. در اين مرز ايرانشهر و روم گرچه گاه و یگاه تصادمهایی روی می داد و سپاهيان ايران به عمق سر زمين روم می تاختند، با اينهمه کار به پیکارهای بزرگ نكشيد. بنا بر اين وضع «بزرگ ارمنستان شاه» به گونه روز گارشا هنشاهي شاپور يكم نبود. ولی بحال خطری بزرگ همواره وجود داشت. اين نكته شایان اهميت است که هر گونه گروه بندی سياسی ناراضی از دولت به سهولت می توانست از شعارهای مشروع جلوه گر ساختن جانشيني و شهریاری استفاده کند. در ضمن باید ياد آور شد که سر زمين زير فرمانرواي نرسی تنها به بخش ارمنستان محدود نبود (زيرا عنوان «بزرگ ارمنستان شاه» بيشتر شکل اعتراض داشت و كمتر به مفهوم واقعی خویش تعبير می شد. هنوز ارمنستان مسخر نشده بود) و نرسی سر زمين بزرگ اسورستان و نوت<sup>\*</sup>. از شيز را در اختيار داشت که مقر شاهی نرسی بود و از پا يخت شاهنشاهي چندان دور نبود. بدین سبب می بايست از همه عوامل جهت مشروع و قانونی جلوه گر ساختن شهریاری بهرام دوم و تحکیم حق خاندان او بر شاهنشاهی ايران استفاده شود.

انديشه قانوني جلوه گر ساختن جانشيني در هنر رسمي، بویژه در نقشهای برجسته و سکدها بروشني بسيار مشهود است.

طی شانزده سال پادشاهی بهرام دوم در ايران هفت نقش بر صخره ها حاوی «تصویرهای رسمي» شاهنشاه پدید آمد. دو نقش (بيشاپور، شماره ۱۷ و ۱۹) و يزهه<sup>\*\*</sup>.

\* «Nut». •

پیروزیهای جنگی است ] ۵۶-۵۵ . VB , pl. 80a , b, c; pp . 83 , p. 56 [ . در دون نقش دیگر در باریان شاهنشاه به مراء او تصویر شده‌اند (نقش بهرام، شماره ۱۴<sup>۱۳</sup> و نقش رستم، شماره ۱۸) ] VB , pl. 29a ; p. 25 [ . در نقش دیگر منظره نبرد شاهنشاه است (گویوم، شماره ۱۵) ] VB , pl. 74a ; p. 52 [ . در نقش دیگر منظره نبرد شاهنشاه با شیران در حضور همسرش بانوی بانوان و نیز بزرگان کشور شده است (سرمشهد، شماره ۱۶) ] VB , pl. 73 a و b ; p. 56 [ . تنهاییکی از نقشها ویژه تاجگذاری است (برم دلک، شماره ۱۳) ] VB, pl. 73 a و b ; p.56

رویه سکه‌های بهرام دوم دارای چهار گونه نقش است : ۱ - تصویر شاهنشاه (که معمول سکه‌های آغاز شاهنشاهی ساسانیان است). ۲ - تصویر شاهنشاه و همسرش (همسر بهرام دوم با کلاهی بیضی شکل تصویر شده است). ۳ - تصویر شاهنشاه و همسرش (بر کلاه همسرش بخش قدامی درندگان و یا پرندگان نصب شده است). ۴ - جانشین او (کلاه او نیز بهمین گونه است). همان تصویر (مه گانه) است، ولی در این تصویر جانشین شاهنشاه حلقة شهریاری دردست دارد. برپشت سکه‌های نوع چهارم صحنه مراسم تاجگذاری ضرب شده است که در دوسوی آتشدان بهرام و اناهیتا (بشكلی متفاوت با تصویر اناهیتا در سکه‌های هرمزد) با همان کلاه بانوی بانوان تصویر شده‌اند که در آن اناهیتا حلقة شهریاری را بسوی شاهنشاه دراز کرده است . بر پشت دیگر سکه‌ها تصویرهایی از اهورا، میترا و یا چهره‌ای با افسر شاپور یکم ضرب شده است . در جامی که در «سرگویشی» پیدا شده تصویرهای بهرام و همسرش و جانشین او کنار هم دیده‌می‌شوند که از نقش روی سکه‌ها پدید آمده است ] ۱۵۰ ، جدول شماره ۲؛ ۱۸ جدولهای شماره ۱۳-۱۶ ]. براین سکه «تصویرهای رسمی» گوئی در میان نقش و نگارهای هلنیستی -

VB, 82a,b,P. 56 ۱۳ . سمت چپ بهرام دوم تصویر موبیدکر تیر (بر مبنای نشانی که بر کلاه دارد) و شاید هم اردشیر کارن (فارن) نشان کلاه این شخص باشانی که بر کلاه خود یکی از سوران برترین بر جسته‌ای که تصویری از جنگ تن بن هرمزد دوم است مقایسه شود - (VB,p29).

رومی جای گرفته است. براین سکه شاپور دخنک کلاهی بیضی شکل بسردارد و بر کلاه جانشین شاهنشاه بخش قدامی اسب نصب شده است.<sup>۱۴</sup>

طبقه بندی انواع سکه‌های بهرام دوم امکان می‌دهد که زمان ضرب آنها معلوم گردد و این نیز بونویه خود موجب می‌شود تا ترتیب زمانی پیدایش نقشهای بر جسته بر صخره‌ها روشن شود.

نخستین نقش (برهمنای در نظر گرفتن افسر شاهی) نقش ویژه «تاجگذاری» در برم دلک است. بر صخره دو صحنه تصویر شده است. در صحنه زیرین تصویر بهرام دوم دیده می‌شود که دستش را به حالتی خاص بلند کرده است در این صحنه شاید کرتیز نیز تصویر شده باشد.<sup>۱۵</sup> در صحنه بالا منظرة (تاجگذاری) تصویر شده است. سمت چپ تصویری از یک زن و سمت راست تصویر کرتیز دیده می‌شود که گل انار به او تقدیم می‌دارد. زنی که در صحنه بالا تصویر شده شاپور دخنک بانوی بانوان است و چه ساممکن است از نظر چهره نگاری اورا شبیه ایزد آناهیتا تصویر کرده باشد. آناهیتا همان ایزدی است که تصویرش بر پشت سکه‌های متأخر بهرام ضرب شده و در حالتی تصویر گردیده است که بهرام را بشاهی می‌رساند. این همان ایزدی است که کرتیز پریستار پرستشگاه باستانی او بود. هر گاه چنین باشد، آنگاه نقش برم دلک یادآور این نکته است که بهرام دوم شهریاری خویش را مرهون ایزدان است، نه مردم.

تصویر بر جسته نقش بهرام که از لحاظ زمانی پس از نقش نامبرده است بهرام

۱۴- این تصویر بی‌گمان در سکه‌های متابه نیز ضرب شده است (برای آگهی بیشتر د. ک. به بخش هفتم کتاب تاریخ جام حدود پایان دهه هشتم و آغاز دهه نهم سده سوم میلادی است (ر. ک. بهمانجا) در ضمن به [۴۰۸-۴۵] نیز رجوع شود که در آن بخلاف نقش‌های مأخذ تاریخی هر تصویر تازمای از کلاه بر سکه‌ها ویژه جانشین جدید است.

۱۵- در این نقش موبید با شمشیر و کمر تصویر شده است. درست بدانگونه که اهورامزدا و میترا در نقشها ویشت سکه‌ها با شمشیر و کمر تصویر شده‌اند، در نقش بهرام نیز موبدان مسوبد کرتیز بهمانگونه با شمشیر و کمر تصویر شده است.

را بر ارایکه شاهی نشان می دهد. نخستین تصویر سمت چپ از آن موبد کرتیر است (بر مبنای نشانی که بر کلاه او است). تصویر کرتیر در نقش سره شهبدنیز منقور است. کرتیر در این نقش با شاپور دختک در یک ردیف قرار گرفته است. آخرین تصویر بهرام در نقش رستم نقر شده که در آن صحنه دربار بهرام دوم تصویر شده است. (گمان می رود این نقش متعلق به پایان دوران پادشاهی بهرام باشد، زیرا در آن، بهرام فرزند بهرام دوم با نشانه ای و لیعهدی تصویر شده است). در این نقش نیز تصویر کرتیر دیده می شود که جایگاه او پس از شاپور دختک و جانشین شاهنشاه است.

نبودن صحنه مذهبی تاجگذاری معمول ساسانی در نقشه ای بر جسته بهرام (که در آن اهورامزدا و شاهنشاه سوار بر اسب تصویر شده اند) و دگرگونی در شما بیل اناهیتا و شبا هت دادن بانوی بانوان بانا هیتا و ورجاوند جلوه گر ساختن حاکمیت بهرام و همسر و فرزندش بیاری شخصیت های ورجاوند ایزدان یشته ای کرتیر همه اینها پدیده های نوی بود که با کوششه ای مذهبی و بویژه سیاسی کرتیر ارتباط داشت.

بنظر می رسد که پدیدآمدن «تصویر های خانوادگی» بر سکه ها و آثار هنری (نقشه ای بر جسته و جامها) تنها بدگرگونیه ای مذهبی وابسته بوده است. تا آن روز گار دونمونه از این تصویرها در سکه های ساسانی تازگی نداشت. تا آن روز گار دونمونه از این گونه سکه ها ضرب شده بود، یکی بر سکه های ساسانی در زمانی که هنوز دودمان ساسانی فرمانروای پارس بودند (تصویر پاپلک و فرزندان او شاپور وارد شیر)، دیگری بر یکی از سکه های اردشیر نخستین شاهنشاه ساسانی (بر رویه این سکه چهره اردشیر و فرزند و جانشین او شاپور دیده می شود). پیدایش این سکه ها نشانه ای از تثیت امر جانشینی مستقیم شاهی از پدر به پسر در سکه های دولتی است. هردو نوع سکه زامبرده مربوط به دوران طوفان زائی بود که از میان شاهان و فرمانروایان

جدا از هم، شاهنشاهی ساسانی پدیدآمد و شاپور و پاپک و پس از آنان اردشیر علیه شهریاری دودمان اشکانی در ایران دست به توطئه و سوء قصد زندگانی داد. بدین روال پیدایش اینگونه سکه‌ها امری غیرعادی بنظر نمی‌رسد، بویژه آنکه نخستین سکه ساسانی تقليدي از پيشينيان، يعني فرمانروایان پارس بوده است. بعدها شاپور يكمن، هرمزد اردشیر و بهرام يكمن هيچيک از اين نوع سکه‌ها انتشار ندادند. پيدايش «تصویرهای خانوادگی» بر سکه‌های بهرام دوم و متعاقب آن بر نقشه‌ای بر جسته روی صخره‌ها و سنگهای نیمه گرانبها از هدفهای دودمانی ناشی گردید. چنانکه ر. گوبل خاطرنشان ساخته است، سکه‌های اخير تقليدي مستقيم از طرحهای تصاویر جمعی رومی بوده که در سکه‌های سده سوم ميلادي پدیدآمد و هدف آن اعلام جانشينی فرزند امير اطور بود [۸۶].

بدينگونه بر تخت شاهی ايران شاهنشاه بهرام دوم قرار گرفت که بحال موبدان زرتشی و گروهی از بزرگان سودمند بود.

بهنگام شورش خراسان که بر مبنای برخی مأخذ در اوایل دهه نهم سده سوم ميلادي (در حدود سال ۲۸۳ ميلادي) روی داد برخی از فرمانروایان دست به عملیات تجزیه طلبانه زدند. در اين باره اطلاعاتی از مأخذ فارسي - تازی بر جا مانده است. بنا به نوشته بلعمي: «چون اردشیر بهرمان و هرمز بزرگ شد و شاپور (شاپور يكمن - مترجم) درملک بنشت هرمز را (که بعدها هرمزد اردشیر ناميده شد - نگارنده) باميری خراسان فرستاد. هرمز بخراسان سپاه بسيار گرد كرد. پس مردمان حسد برند بكار هرمز و شاپور را گفتند هرمز سپاه گرد می كند تا برتو بيرون آيد و ملک از دست تو بستاند» [۴۶] [۵] ،

آگاهی‌های و پیشك\* و كلادو ديا مامريين\* موافق تراست، زيرا اين مأخذ به

رویدادهای آن روز گار نزدیکتر است.<sup>۱۶</sup> در این نوشته‌ها گفته شده است که هر مزد «برادر شاه بهرام» بسال ۲۸۳ میلادی به شورش برخاست. پیشتر یاد آور شدیم که بنا بر کتیبه‌های اوایل ساسانی هر مزد برادر تنی شاپور دختر و فرزند شاپور شاه می‌شان از اوایل دهه هشتم سده سوم میلادی فرمانروای «سکستان، تورستان و هند تا کرانه‌های دریا» بود. گمان می‌رود که ذکر خراسان در نوشته «مشروح» (کرتیر که «سواران و پیاد گان شهردار) از آنجا پدیدار شدند، بویژه مر بوط بهاین رویدادها باشد. با اینکه بخش‌هایی از سطور کتیبه باقی مانده معنداً احیاء متن نوشته ناممکن بنظر می‌رسد.

نقش ویژه پیروزی در بیشاپور (شماره ۱۷) [VB, pl. 80 b, c; p. 55]  
 نیز از شورش یاد شده حکایت می‌کند. وسط نقش، بهرام دوم شاهنشاه ایران بر اریکه شاهی تصویر شده است. در این بخش پیش از هر چیز افسر شاهی ( بشکل دو بال که از رو برو تصویر شده) و نیز حالت شاه جلب نظر می‌کند که درست شیوه حالت بهرام دوم در تصویر نقش بهرام است. پوشانک شاه نیز جالب دقت است (پوشانک شاه فاقد نشانه‌های شاهی است که در همه تصویرهای او از آغاز سده چهارم میلادی دیده شده است) [۱۷، ۴۳]. نقش بیشاپور به پیش از روز گار شاپور دوم تعلق دارد. تصویر پیش از روز گاری که برخی از شخصیتها نشانه‌هایی از حیوان.

۱۶- (در. ک. ۱۲۷؛ Genethliaca Maximini, P17; Carus, 8, § ۱ (۳۵-۳۶، ۱۰۳۱۹۶).  
 و پیش می‌نویسد بسال ۲۸۳ شاهنشاه بهرام دوم گرفتار سرکوبی «آشوبهای داخلی» بود. مامرتون درباره رویدادهای سال ۲۹۱ میلادی نوشته که، «کمی پیش از این» اورمیز (هرمزد) برادر شاه به شورش برخاست و سکستان و گیلان و کوشان از او هواخواهی می‌نمود.

KSM 35: Wkrn NYŠH pyt' k MN hwls'n' wrwny Y' TwNt – ۱۷  
 ' pm NYŠ H MN ZK 'gl , y... HZY T N W ZK g'sy ...; 34: 'LH šn KN  
 gwpty 'YK PWRŠ ' strdry HZYTN sp...d ' n WMDM SWSY ' gr'y ..  
 ۱۸- نخستین نشانه‌های شاهی از اینکونه که بر نگارنده معلوم شده در بثقبابی است متعلق به موزه کلیولندیا بالاترمتوجهه امریکا که در آن تصویر هر مزد دوم (۳۰۲ میلادی نقش شده است). این تصویر توسط D. Shepherd انتشار یافته است [۱۴۲]. از زمان شاپور دوم نشانه‌های شاهی بر پوشانک بدیکی از نشانه‌های حتمی شاهنشاه بدل گشت.

های گوناگون بر کلاه خود نصب می‌کردند، پدید آمده است [VB, ۵۶؛ ۸۱]. مجموعه این نقش‌های همانند نقش «پیروزی کوچک» شاپور یکم (شماره ۹) است: در این دو نقش صحنه تصویرها به ردیفهایی بخش گشته است، در ردیف بالا از چپ بزرگان و درباریان بهرام تصویر شده‌اند، زیر آن گارد شاهی دیده می‌شود. در ردیفهای بالا و پائین، سمت راست سپاهیان شاهنشاه تصویر شده‌اند که سرهای بریده دشمنان و غنائم جنگی و اسیران را آورده‌اند (دستهای اسیران از پشت بسته شده‌است). بی‌گمان تصویرهای سمت راست نقش، نمودار پیروزی در جنگ نیست، بلکه تشنۀ سرکوب شورشیان است (برای کسب اطمینان کافی است تصویر های سمت راست مجموعه نقشهای شاپور یکم با این نقش مقایسه شود). علاوه بر این بر یکی از سرهای بریده‌ای که در دست یکی از سپاهیان ایرانی است کلاهی دیده می‌شود که متعلق به شهردار (شاه) سasanی است.

نقش پیروزی بهرام دوم در پیشاپور باید متعلق به اوایل شاهی او باشد، زیرا در آن تصویر جاشنین شاهنشاه دیده نمی‌شود. تاریخ این نقش نمودار تاریخ شورش هرمز است که در نوشته‌ها آمده و آن اوایل دهه نهم سده سوم میلادی است. کتبیه شاهنشاه نرسی در پایکولی شماره جالبی از دشمنان بهرام دوم داده است. کوشش‌های و. ب. هینینگ و ر. ن. فرای [۹۳؛ ۷۴] در احیای آخرین سطرهای این کتبیه خطای بزرگ ا. هر تسفله را در تفسیر و نتیجه‌گیریهای او معلوم و روشن ساخت. در نوشته هیچ کلمه‌ای در باره «شهر بهای سکائی» که گویا نرسی را بر تخت شاهی ایران نشاند نیامده است. شاهان و خواتوهای استانهای غربی و شمال غربی کشور<sup>۱۹</sup> هواخواه نرسی بودند، ذکر این نکته نیز ضرور است که

۱۹ - (خاقان آن - آکاتاراوا و دیگران) و نیز چنانکه ا. هر تسفله حدس‌زده نام «شاه خوارزم» و امیر امورد روم نیز در کتبیه شاهنشاه نرسی در پایکولی آمده است (ر. ک. به، Paikuli, vol I). این وضع سبب شد که برخی از مورخان چنین پندارند که خوارزم جزو دولت ساسانیان بوده است (بنوان نمونه، ر. ک. به، «تاریخ خلق تاجیک»، جلد ۱، مسکو، ۱۹۶۵). ر. ن. فرای که توانت-

شهرهای غربی از نوع هلنیستی نیز از نرسی طرفداری می‌کردند. «گروه نرسی» که از چنین مجتمعهای تر کیب یافته بود بسیار جلب نظر می‌کند. برای همه کسانی که پیشان نرسی بودند وجود «شاهی» نیز و مندی ضرور می‌نمود.

گمان می‌رود بحران داخلی شدید در ایران سبب عدم موققیت در غرب شده باشد. سال ۲۸۲ میلادی امپراطور «کار»<sup>\*</sup> که بتقریب با هیچ‌گونه مقاومتی بر سر راه خود مواجه نگشته بود تا پاینخت ایران پیش رفت و در همیش خویش شهرهای بسیاری را نهب و غارت کرد. استانهای میان‌رودان باز از دست ایران خارج شد. تنها مرگ ناگهانی امپراطور (در برخی مآخذ چنین آمده است که «کار» هنگامیکه کنار اروند رود در خیمه خود بود از ضربت صاعقه در گذشت) و آغاز مبارزه به خاطر تخت و تاج روم، پیشرفت لژیونهای رومی را متوقف ساخت.

نرسی «بزرگ ارمنستان شاه» در این روزهای دشوار به تدارک جهت دردست گرفتن شاهی پرداخت. عده‌ای از بزرگان و درباریان هواخواه نرسی بودند

→ آخرین سطرهای کتبیه شاهنشاه نرسی را در پایکاری احیا کند سبب شد که ما نظر بالا مردد  
پیدا نماییم. این بخش از کتبیه نرسی بزمیان فارسی‌مانه چنین است:

45) 'spndy W hrzm'n MAK'... ZY kwš... W šydy ZY hrwn'k šyk'n  
W p'kZY myhm'n W byrw'n ZY spndwrt'n W p'rd'n MLK' wrč gwrtý  
MLK'... 'phl... gndpryk MLK' W mkwr'n MLK' W... MLK' W tyrd't  
MLK'... W 'mrwlhmyčyn MLK' W 'mrv 'pgrn MLK' W mškyt'n MLK'...  
W 'byr'n MLK' W syn... (46), Zy dhydk'n nhwpty wrzm'n... nbyt štrp  
dwnb' wntš... dwdy ZY šhwlič'n MR, HY... hwrzm'nZY syk'n MR, HY  
W... mwšh'n MR, HY W nrshy... ZY 'ntywhčyn MR, HY... MR, HY W  
m'lwhy 'st, bw'n.

چنانکه این فهرست دیده می شود (درباره مقایسه نام استانها و شهری (ر.ك: بهادر نامبرده تأثیر دن. فرای)، درکتبیه پایگویی نامی از «شاه خوارزم» نیامده است [بجای آن خوارزم شاه و خوارزمان فرمائوناپ SYK] (مالهولونی-استانی در راهیجه و ان) آمده است]. شاهان و فرمائزهای خواهان فرسی عبارت بودند از: شاهان سپاهورتانا و پارادانا (ماد) (خیمان، استان (میکاران (میانوردان)، عکران و نیز نهایت (معنا) این عنوان روشن نیست)، دیهگان، شهرب دماوند، خواون سهورزانان (؛)، سپیکانا (مالهولونا)، زورداد (حدود در راهیجه و ان) بورسیا، انتیوخیا (انطاکه)، لاشوما وغیره.

Kar - 8



تصویر شماره ۱۸ - صحننا پیکار هرمزد دوم . نقش رستم

(نام همه آنها در کتیبه پایکولی آمده است). چند تن از شاهزادگان ساسانی، از جمله نرسی فرزند ساسان<sup>۲۰</sup>، ارگبد شاپور، بیدخش پاپک<sup>۲۱</sup>، هزاربد (رئیس گارد

۲۰- کتیبه شاهنشاه نرسی در پایکولی، متن فارسی مبانه، Ver، سطر V: -nrshy [z]BRBYT' - ZYs [Snk'n]

۲۱- در کتیبه شاپور در کتیبه زرتشت نام یدر و نیای او آمده که در روزگار اردشیر و شاپور عنوان بیدخش (متن پارسی، سطر ۲۴). درباره نوشته این بیدخش که همراه با تصویرش در جام تقره‌ای او حک شده را ک، به، [۶۳، ۱۷].

شاهی<sup>۲۲</sup>) اردشیر<sup>۲۳</sup>، اردشیر سورن<sup>۲۴</sup>، اسپهبد رشن، هرمزد و رازوه دیگر شاهزادگان و بزرگان و آزادان (خرده مالکان - نگارنده) و کدک خدا یابان<sup>\*</sup> (رؤسای اجمعان - نگارنده) و پارسیان و پارتیان<sup>۲۵</sup> از زمرة هواخواهان نرسی بودند. با اینکه گروه بندی نامبرده نیرومند بود، با اینهمه جرأت دست بکار شدن را نداشت. ارش هواخواه نرسی و سرنوشت آن واپسی به وجود شاهنشاهی نیرومند در رأس کشور بود. در ضمن آنزمان شاه ارمنستان در واقع «فرمانده کل» نیروهای نظامی ایران بود. نرسی ضمن پیکار خود بخاطر تخت و تاج پشتیبانی استان-های غربی کشور را که هم مرز با متصرفه های روم بودند مورد نظر داشت، زیرا تنها حکومت مرکزی نیرومندی می توانست این استانهارا از هجوم لشکر یان روم مصون دارد. نرسی در پیکار خود بخاطر تاج و تخت به همدردی و تا سرحد امکان به پشتیبانی شهرها و دولتهای میانزودان از جمله؛ «الرها»، بورسیا و یا انطاکیه امیدوار بود، زیرا این دولتها میان دو آتش قرار داشتند و همواره ممکن بود به امید بدست آوردن حسن نظر ایران و بدل کردن یکی از دشمنان به متعدد خویش، بیاری ایران شتابد. نرسی از این پشتیبانی برخوردار گشت. از جمله هواخواهان نرسی نام «شاهان» و فرمانروایان هروانیکا (استان نیمه واپسیهای نزدیک حیره در میانزودان)، پاردانا (در سرزمینهای ماد)، «استان ابگاران» (نزدیک الرها)، بورسیا، انتیوخیا (انطاکیه) شیخ (در نوشتۀ نرسی - «شاه») قبایل لجمی و غیره آمده است.<sup>۲۶</sup>.

۲۲- در دربار اردشیر یکم و شایور یکم از پدر او پاپک با همین عنوان یاد شده است، کتبیه ثابور در کتبه زرنشت، متن بارتی، سطر ۲۴.

۲۳- در دربار شایور یکم نیز از این عنوان یاد شده است، کتبیه شایور در کتبه زرنشت، متن بارتی، سطر ۲۵.

۲۴- کتبیه شاهنشاه نرسی در پایکولی، فارسی میانه، سطر ۱۶، سطر ۸، والخ.

۲۵- کتبیه نرسی در پایکولی، فارسی میانه، سطر ۴۴-۴۷. درباره مرمت و تفسیر برای نوشته ر.ک، به، [۷۴].

\*- کدک خدا و کدک خوانو که نگارنده کتاب آورده همان است که ما کدخدای نامیم - مترجم

بدین دوال پیکار نرسی بخاطر تاج و تخت ایران، در واقع پیکار باشتو کراسی و مبارزه بخاطر حفظ حاکمیت در دست شاه بود.

نرسی هنوز بهنگامی که بهرام دوم زنده بود به تدارک جهت تغییر حکومت پرداخت. برای تبلیغ اندیشهٔ مشروع و قانونی جلوه‌دادن مسئلهٔ جانشینی شاهنشاه در آغار یک سری سکهٔ طلا بدستور وی رایج گشت. فرمان ضرب دینارهای طلا، تنها اویزهٔ شاهنشاه بود و تا آن روز گار کسی به این حق شاهنشاه تجاوز نکرد. نرسی نخستین کسی بود که از این قاعده سر باز زد. او بهنگامی که فرمانروای ارمنستان بود دو نوع سکهٔ طلا انتشار داد. بر رویهٔ نخستین سکهٔ رایج او تصویر نرسی و همسرش ضرب شده است. هدف ضرب این سکه‌ها نظر انگیزه‌های بهرام دوم در ضرب «تصویرهای خانوادگی» بر سکه‌های نقره و طلا بود.<sup>۲۶</sup> نرسی فرمان داد دومین سکه‌های او را با نشانها و علامتهای شاهنشاه تصویر کنند.<sup>۲۷</sup> ضرب اینگونه سکه‌ها دعوت مستقیم بستیز بود. مبارزهٔ علی بخاطر بدست آوردن سریر شاهی آغاز شد.

همهٔ این رویدادها مربوط به سال ۲۹۴ میلادی است که بهرام دوم زندگی را بدرود گفته بود. کرتیر، و هونم، دودمان کارن (قارن) و شهر بهای استانهای شاهی سریر شاهی را به فرزنده او بهرام واگذار کردند. بهرام بهنگام زندگی پدرش بهرام دوم به شاهی سکستان منصوب شده بود (پس از سال ۲۸۳ میلادی). نظر موبدان موبد باز هم «بر نظر دیگران برتری یافت». شاهنشاه جوان باشکوه تمام بر تخت شاهی نشست<sup>۲۸</sup> و هواخواهان او در انتظار دریافت زمین و هدایای

۲۶- دو سکه از اینگونه که بر نگارنده روشن است از مجموعه سکه‌های «زویف» بدست آمده است. پکی از این سکه‌ها اکنون در موزهٔ دولتی تاریخ و دیگری در موزهٔ دولتی ارمیتاژ نگهداری می‌شود (ر.ک، بهخش هفتم).

۲۷- این سکه توسط دمورگان انتشار یافت. نگارنده دو نوع از این سکه‌ها را می‌شناسد (ر.ک، بهخش هفتم).

۲۸- کتبهٔ نرسی در پایکولی، فارسی میانه، سطر ۴، ...sk'nMLK'dydymy, LRYSH

تازه برای خود و پرستشگاه‌ها بودند. در این اوضاع و احوال نرسی تصمیم به شورش علی گرفت. در کنیه پایکولی که نرسی آنرا با فخرار پیروزی خویش پدید آورد و با تصویر خویش مزین کرد از رویدادهای مذکور بزبانهای پارتی و فارسی یاد شده است. همه سطرهای این کنیه اکنون قابل مرمت نیست و بدین جهت بسیاری از جزئیات رویدادهای ایران در آنروزگار برای همیشه مجهول مانده است. ولی مضمون عمده کنیه مفهوم است:

(۱) [این یاد بود پدید آمده است از بع مزداپرست، خدایگان نرسی] شاهنشاه ایران و ایران که چهر از ایزدان دارد [فرزند بع مزداپرست، خدایگان شاپور]، شاهنشاه ایران و ایران [که چهر از ایزدان دارد، نواهه اردشیر] شاهان شاه. این یاد بود [نفرمان] نرسی، شاهان شاه، بنشد. (۲)...؛ من شاه ارمنستان بودم... و و هو نم (?) خود سو گند خویش شکست و [آسیر] اهریمن و دیوان شد [وهمه راههارا؟] بست و بدین روال نه برابر ما راهی بود و نه... (۳) بر ابر شاهزادگان... و بزرگان و آزادان و پارسیان و پارتیان.

سپس در کنیه چنین آمده که پس از مرگ بهرام دوم فرزند او بهرام که نرسی هم‌جا اورا «سکانشاه» می‌نامد، افسر شاهنشاهی ایران را بر سر نهاد و خواست بر تخت نیاگان بنشیند. هواخواهان او پایتحت ایران را بتصرف آوردن.

«آنگاه [شاهزادگان و بزرگان و آذا] دان و پارسیان و پار [تیان]... گرد آمدند» و بر آن شدند که غاصب را با سلاح پاسخ گویند (در کنیه از انتصاب بزرگ ارتشان سخن رفته است). (۷) شاپور، ارگبد و نرسی، شاهزاده، فرزند سان، و پاپک، بیدخش واردشیر. هز [اربد واردشیر] سورن و اسپهبد رشن، و ... (۸) دیگر شاهزادگان و بزرگان و کدک خدادایان و آزادان و پارسیان و پارتیانی که در دزبارها... برتر و نیرومندتر شدند و از پشتیبانی ایزدان بر خوردار گشتهند و سفیر (۹)... فرستادند [از] ... و ارگبد و بزرگان و آزادان. و سفیر

آمد تا [بگوید]: که شاهنشاه مهربان از ارمنستان عازم ایرانشهر است تا افتخار کشور و سریر خویش و شهریاری ای که از سوی نیاگان و ایزدان [bedo اعطای شده] باز گیرد!.. (۱۰) و ما وقتی که این ریام را دیدیم، آنگاه بنام اهورامزدا و همه ایزدان و الهه آنها روانه ایرانشهر شدیم».

سپس نرسی از این نکته یاد کرد که بسیاری از فرمانروایانی «که هواخواه نرسی بودند» و نیز عده‌ای دیگر شهریاری اورا پذیره شدند» (۱۶، ۱۵) و در این مکان‌ها این بنای یاد بود را پدیدآوردیم. سپس شاپور ارجکد [و شاهزاده پیروز و شاهزاده نرسی و شاهزاده فرزند ساسان، پیاپلک، بیدخش و ارد] شیر هزار [بد] و اردشیر [سودن و هرمزد] و راز... [و اسپهبد رشن واردشیر، شهرب] قهم شاپور و ... سرخزاندار کشور و زود کرت، مهردار [و همه شاهزادگان، بزرگان و آزادان و کدک خدایان] و شهر بها و آمارگرها [و پارسیان و پارتیان] در «حیان»<sup>\*</sup> گرد آمدند DKTZ واینجا<sup>۲۹</sup> این یاد بود برپا شد... (تصویر شماره ۱۷)... هنگامی که شنیدند (دشمنان نرسی - نگارنده) که ما از ارمنستان بسوی ایرانشهر روان شدیم، [هنگامی که] [آنها از این واقعه] آگاه شدند، و هونم خود «نامه‌ای به آذر فرنبغ شاه میشان نوشت و اورا بسوی خود متمایل کرد و نیز «سکانشاه را از این کار آگاه کرد». ولی نرسی بنوبه خود پیامی به شاه میشان فرستاد و اورا آگاهی داد که (۱۸) شاه ارمنستان به مردم ارجکد و شاهزادگان و بزرگان به کاخ خویش می‌رود».

چنین بنظر می‌رسد که پشتیبانی شاه میشان اهمیت فراوان داشته است. سپاه نرسی بسوی تیسفون تاخت و فرماندار و هونم نیروی کافی برای جلوگیری از نفوذ سپاه نرسی در اختیار نداشت. بهر تقدیر او بار دوم پیامی به شاه میشان فرستاد و

۲۹- درباره نام مکانها ر.ك به، [۹۳].  
Hayan - \*

از او کمک فوری خواست. چنین بنظر می‌رسد که بهرام سوم با اسپان و سپاهیان «خویش شتابان از سکستان عازم پایتخت شد ولی توانست خود را بموضع به آنجا برساند. سپاه نرسی اسورستان را بتصرف آورد و از آنجا تا پایتخت چند روز بیش راه نبود. نرسی پیامی فرستاد تا بزرگان، شاهنشاهی اورا برسمیت بشناسند. او بهمه «بزرگان و سپس به کدک خواتوها» پیشنهاد کرد تا به اردوگاه او حاضر شوند و به هونم نیز تکلیف کرد تا دست از جمال بردارد، ولی «خواتوان دیکان، و هونم و سکستان شاه... که دشمن او بودند به اسورستان نرفند». <sup>۳۰</sup>

گمان می‌رود بخاطر تصرف پایتخت ایران، جنگی در نگرفته باشد. نرسی همینکه به کاخ رسید خود را شاهنشاه خواند و بزرگان هوای خواه او سوگند و فادری یاد کردند. بیدرنگ سپاهی جهت سر کوبی به میشان فرستاده شد و (۲۶) «ما تاج ازسر [شاه میشان] بر گرفتیم واورا از تخت شاهی و شهریاری بر کار کردیم». پس از اندکی سپاه و هونم در هم شکست و خود او اسیر شد. ویرا دست بسته به پایتخت آوردند.

از کنیه‌ای که آسیب فراوان دیده معلوم نشد که بر سر بهرام سوم چه آمد (دواما سکانشاه هنگامی که دانست و هونم دستگیر شده و به بند اندر آمده... «پس از این جمله افتادگی بزرگی هست و از این پس دیگر نامی از شاه سکستان نیامده است). بهرام سوم در واقع بر ایران پادشاهی نکرد. او حتی فرصت نیافت سکه ویژه تاجگذاری خود را رایج سازد.<sup>۳۱</sup>

۳۰- چنانکه ر. فاسمر نشان داده [۱۵۲]. در آغاز شاهنشاهی بهرام سوم سکه‌هایی از سوی نرسی انتشار یافت (د. ر. به، [۳۲]). این نظر ر. فاسمر از جان ر. گوبل نیز تکرار شده است [۱۶-۱۰۴، ۷۵، ۸۳، ۱۰۵]. بر رویه چند سکه که در موزه دولتی ارمیتاژ و موزه دولتی تاریخ در مسکو و موزه بریتانیا نگهداری می‌شود نوشته شده mzdysn bgy nryshy با افسر شهریاری شیار (Cannele) دار، شبیه تصویر نقش رسم مجسم شده (VB, pl. 30. b)، شاهنشاه نرسی است. شاید بهرام سوم فرصت یافته سری کوچکی از سکه‌های خود را با افسر شهریاری دارای (Cannele) منتشر کند.

نرسی از پایینخت ایران پیامهای به «کسان صاحب نفوذ در ایرانشهر» فرستاد و خاطرنشان نمود که وی «از سر لطف و عنایت شهریاری ایرانشهر را را پذیرفته است».

در دنباله متن کتیبه (که سطرهای این بخش آن افتادگی بسیار دارد) از شجره و نسب نرسی یاد شده است. نرسی یادآور شد که تخت شاهی ایران ازسوی پدرش شاپور یکم به او واگذار گردید: «(۳۱ - ۳۲) شاپور ... وصیت کرد که او (نرسی) شهریار ایرانشهر باشد، زیرا به او از سوی ایزدان ... و در ایرانشهر ... خشنود و گرامی در اداره و فرمان یافته بود، و پس از شاپور شاهان شاه که ازهمه نیکوتر و دادگرتر و کوشاتر». پس از آن «بر نامه اداره ایرانشهر» در کتیبه آمده است. شاهنشاه و عده داد که به کار سبلندی و شکوفندگی ایران توجه داشته باشد، بدانگونه که «(۴۲) نیای ما شاهنشاه اردشیر داشت، و [او] بنام ایزدان همه کشور را قرین افتخار کرد و [هنوز] دگر کس چون او نبوده است».

ارگید «شهرداران و شاهزادگان و بزرگان و آزادان چنین پیامهای و پاسخها مارا فرستادند... (۴۴) که باشد تا روز بازخواست، کشور در زیر فرمان [شما] باشد و ازشکوه و بزرگی شما، [این] کشور نیز قرین خرسندی شود... (۴۵) و همه شاهزادگان [و بزرگان و آزادان] از سراسر استانهای ایرانشهر نزد ما... [آمدند]، و همه استانها به شهریاری ما... وفادار [ماندند]».

پس از این سطر، نرسی از هواخواهان خویش نام برده است. چنانکه پیشتر یاد شد بطور عمده، استانهای غربی و شمال غربی و شهرهای غربی خود مختار پشتیبان او بودند.

کتیبه با این سطرهای پایان می‌یابد: «... و دیگر شهرداران... آنها بزیر فرمان ما در آمدند و سراسر کشور را در راهی نو قراردادیم، و از آنها (از فرمانروایانی که نامشان در کتیبه آمده - نگارنده) برخی... خود به دربار ما

آمدنند و برخی دیگر - فرستاد گانی گسیل داشتند».

نرسی «بنام اهورامزدا و همه ایزدان والهه اناهیتا» بر تخت شاهی ایرانشهر نشست. پرستشگاه دودمان که از سوی «غاصبان» به کرتیر داده شده بود، از نو به شاهنشاه باز گشت. در تصویر ویژه تاجگذاری نرسی در نقش رستم، مظہر قدرت شاهی نه از سوی اهورامزدا، بلکه از سوی اناهیتا به او واگذار شده است. این کاری بود حساب شده: چه در نقش و چه در کتبیه. شکوه مجدد، خط مشی قانونی دودمان اعلام شد. در نقش و کتبیه اعلام شد که نفوذ غیر قابل تقسیم «موبد اهورا-مزدا» در همه کارهای دولتی پایان یافته است. نرسی در کتبیه خود اندیشه جدید دولت را با تکیه به اردشیر بنیادگذار شاهنشاهی ساسانی اعلام داشت. او از اردشیر چنین یاد کرده است که وی: «نیای ما بود و بنام ایزدان، سرسر کشور را [او] سرشار از افتخار کرد و [هنوز] دگر کس چون او نبوده است». نرسی اعلام کرد که همه قدرت و شهریاری و همه کارهای دولتی و دینی از این پس در دست او تمکن خواهد یافت.

این شیوه مراجعه و بازگشت به بنیادگذار دودمان بیسابقه نبود. پیش از نرسی نیز بارها از این شیوه برای مشروع جلوه دادن حاکمیت استفاده شد. بهرام یکم به همین شیوه تسلی جست و فرمان داد تا درسکه و عنوان رسمی او، از «ایزدان اردشیر» یاد شود. بهرام دوم نیز از این شیوه استفاده کرد. او بر پشت سکه های خود همه ایزدان بزرگ آئین زرتشتی را جای داد و پرستشگاه اناهیتا را بنام «آتشکده ناهید - اردشیر» از نو برپا کرد (—'twry ZY, nhyt 'rthstr). این آتشکده به موبد کرتیر سپارده شده بود. کرتیر نیز به همین شیوه تسلی جست و در آغاز فعالیت خویش در عهد اردشیر در کتبیه خود در نقش رسم چنین آورد: «این است کرتیر موبد ایزدان و شاهنشاه اردشیر و شاهنشاه شاپور، NH krtir mgwpt yzd'n W 'rthstr MLK'n MLK' W šhpwhry - الخ»

MLK'n MLK' ) پس از نرسی موبدان ساسانی اذ جمله مؤلفان «نامه توسر» که «هیربدان هیربد» روزگار اردشیر و معروف به تنسر بوده و نیز شاپور دوم از این شیوه استفاده کردند. شاپور دوم فرمان داد تا برپشت یکی از سکه‌های اوهدایی‌ائی را که بر سکه‌های اردشیر ضرب می‌شد تصویر کنند.

هنوز در آنروزگار شاهنشاهان ساسانی در صدد جستجوی نیاگان مشهور خود، شاهان باستانی «کیان» بر نیامده بودند. در آنروزگار حیثیت و اعتبار نخستین شاهنشاه ساسانی کافی بنظر می‌رسید.



تصویر شماره: ۱۹ - نقش تاجگذاری اردشیر دوم. طاق بستان. اقتباس از تصویر کرپور

از آخرین روزهای زندگی کرتیر آگهی در دست نیست. نمی‌دانیم بهنگامی که فرسی شهریاری را در دست گرفت این رجل مشهور سالخوردۀ مذهبی آخرین

روزهای زندگی را چگونه بسر آورد (گمان می‌رود هنگامی که نرسی بر اریکه شاهی نشست کر تیر حدود هشتاد سال داشت). راست است که در کتبیه نرسی از کرتیر یادشده<sup>۳۱</sup>، ولی مضمون این بخش را نمی‌توان فهمید. در چهار کتبیه «موبد اهورا مزدا» از کوشش‌های کرتیر در راه دین یاد شده است. این کتبیه‌ها تا کنون بر جاست، ولی در روزگار ساسانیان نام این شخص از گزارش‌های رسمی و کتاب‌های دینی زدوده شد.

بهنگام تاجگذاری رسمی نرسی، عمر و بن عدی «شاه استان ابگاران» که یکی از هواخواهان جدی او بود، شخصی از شاگردان مانی و رئیس اجمعیان مانویان را به پیشگاه شاهنشاه معرفی کرد. همه چیز درست همانند پنجاه سال پیش، یعنی روزگاری بود که مانی در روز تاجگذاری به پیشگاه شاپور یکم معرفی شده بود. اینها همه نمودار آنستکه نرسی پس از انhadام «غاصبان» نفوذ موبدان موبد را نیز در کارهای دولتی از میان برداشت. شاهنشاه از نو به مانویان روی آورد. ولی دیگر اجمعیان آن نیرو و شهرتی را که در روزگار شاپور یکم بدست آورده بود، نداشت. در روزگار شاپور یکم مانویان را تکیه گاه تاج و تخت شاهی می‌شمارندند.

خود شاپور یکم نیز مدتی دراز به مانی دل نبست. پیشتر در این باره نوشته‌ی که ویژگیهای آموزش‌های مانی - بدینی، ترک‌دینا و پرهیز گاری و جدا از شدید پیروان او، نمی‌توانست موجباتی جهت تبدیل آئین مانی به آئین «رسمی» ساسانی فراهم آورد. در ایران، آئین‌زرتشت نفوذ فراوان داشت و همه شاهنشاهان ساسانی از جمله نرسی «مزداپرست» به آئین‌زرتشت وفادار بودند. از میان برداشتن کرتیر و کوشش در راه معنو نام و خاطره او ممکن بود، ولی از میان بردن نتایج اصلاحات

۳۱- تنها در متن پارتی، سطر ۱۵ چنین نوشته شده است، [W krtyr 'whrmzd mgw [pt] این بخش نوشته را مشکل بتوان با بخش حاوی متن فارسی میانه مقایسه کرد، زیرا بارها ناهمانندی میان دو متن کتبیه دیده شده است (در ک: به سطرهای ۷، ۹ والخ).

او میسر نبود. می‌توان چنین پنداشت که هدف نرسی ازدیگوئی مانویان، جستجوی هواخواه در اعماق پشت جبههٔ امپراطوری روم بوده است، زیرا نیروی آموخته‌های مانی هنوز بسیار بزرگ بود و در هر جا که اجتماع مانویان برپا بود هزاران تن از «نیوشکان» گرد آنرا فرا می‌گرفتند. ولی هدف نرسی تنها این نبود. نرسی با پذیرفتن «اینای»\* بدربار و دادن اجازه تبلیغ آموخته‌های مانی در ایرانشهر تفوّذ موبدان زرتشتی را متزلزل ساخت و دست کم خطر تفوّذ تئوكراسی را در سیاست دولت از میان بردا.

بزدگانی که هواخواه بهرام دوم بودند مجازات شدند. در کتبیهٔ نرسی چنین یاد شده است که آذر فرنج شاه میشان بر کنار گشت. از آن تاریخ بعده در مآخذ روزگار ساسانی هیچ نامی از «خواوهای اندیکان» که یکی از دودمانهای دیرین ایران بود نیامده است. از دودمان کارن (قارن) که یکی از قدیمی‌ترین و مشهور ترین دودمانهای کشور بود نیز از این پس نامی برده نشده است.

در بارهٔ سر نوشت این دودمان هیچ‌گونه آگهی در دست نیست. پیش از نرسی نام سران این دودمان در فهرست دودمانهای بزرگ کشور مقام یکم را داشت و پس از نام شاهنشاه و اعضای خاندان او می‌آمد، ولی در کتبیهٔ نرسی هیچ نامی از آنان نیامده است و تنها، گاهی خبرهای جسته‌گریخته در نوشته‌های موسی خورنی تاریخ‌نگار ارمی و نیز برخی نقشهای ساسانی، تا اندازه‌ای موجب روشن ساختن سر نوشت دودمان کارن (قارن) می‌شود.

موسی خورنی می‌نویسد که این دودمان شاهنشاهی اردشیر را بر ایران پذیرفت: «خسرو (شاه ارمنستان) بهنگامی که در اسورستان بود از مرگ اردوان باخبر شد و شنید که همهٔ سپاهیان و شهر بهای ایران و حتی دودمان پارتی او و نیز پهلویان (در کتاب، پهلوونی\* آمده است - مترجم) جز دودمان کارن

(قارن) یکی شده‌اند [۲۳، II، LXXI]. ولی در اینجا سخن از روزگار اردشیر یکم نیست، زیرا در همینجا از فیلیپ عرب امپراتور روم یاد شده است. موسی خورنی می‌نویسد؛ دودمان قارن از سوی اردشیر یکم بسختی سر کوب و منهدم شد [۲۳، II، LXXII]. ولی در این مورد نام اردشیر یکم ناجا یاد شده است، زیرا بنا بر کتیبه‌های اوایل ساسانی چه در روزگار اردشیر وشاپور و چه در دربار بهرام یکم دودمان کارن (قارن) جایگاه والاپی داشت.<sup>۳۲</sup> بدین روای موسی خورنی که از انهدام دودمان قارن در روزگار نخستین شاهنشاهان ساسانی آگهی داده دچار گمراهی شده و نام شاهنشاهان و تاریخ آنرا نادرست یاد کرده است. تنها مأخذی که با مراجعه به آن می‌توان دریافت که انهدام دودمان عصیانگر براستی پس از دورانی که نرسی تخت ایرانشهر را از چنگ غاصبان بیرون کشید صورت گرفته، همان تصویری است که بر صخره‌های نقش رستم نقر شده است (شماره ۲۱).<sup>۳۳</sup> در این تصویر پیکار هرمزد فرزند نرسی با سواری سنگین اسلحه که کلاه خود رومی برسر نهاده و نشان او نشان دودمان کارن (قارن) است دیده می‌شود. سوار متعلق به دودمان قارن بحالات مرگ، در حال فرو افتادن از اسب است و نیزه هرمز تا عمق بدن او فرو رفته است.

نرسی پس از انهدام و یا بر کناری سران دودمان کارن (قارن) و «خواوهای اندیکان» و فرماندار و هونم و آذر فرنجع شاه میشان؛ و دیگر بزرگان، نفوذ آن دسته از بزرگانی را که فرمانروای بلا منازع کشور بودند، دست کم در دربار شاهی متزلزل کرد. چنین بود نتیجه‌اصلی کودتای نرسی و پیکار بخارط شهر باری با اقتدار.

۳۲- ذکر این نکته ضرور است که در «تاریخ ارمنستان» نوشته موسی خورنی، یاد شاهی اردشیر یکم بخش بس درازی را در بر می‌گیرد. در کتاب دوم، فصل LXXVI و LXXXI از جنگهای اردشیر با فیلیپ عرب امپراتور روم (سالهای ۲۴۹-۲۴۳ میلادی) و تابیت (۲۷۶-۲۷۵ میلادی) و فلورین (۲۷۶ میلادی) و پریوبیوس (۲۷۷-۲۷۲ میلادی) سخن رفته است.

۳۳- ر. ک. بد، ۲۹C، VB، ۱۹۵۰، «Artibus Asine»، ۸۶ ص.

کشنهای مداوم تجزیه طلبی و جداسری که بدسبت خصیصه دو گانه سازمان داخلی و مالکیت ارضی در ایران («اقطاع» شاهی و «شهرهای» نیمه وابسته) پدید آمده بود، بیشتر در روزگار بهرام دوم نمودار شد. در آن روزگار بزرگانی که مالکزمنهای ایران بودند بیم آن داشتند که اراضی خودرا ازدست بدهند؛ دودمان محلی فرمانروایان سکستان و شاهان سرزمین باستانی هرو و ابرشهر و کرمان در برای دیدگان سورنها، قارنها و ورازها متفرض شدند.

در عهد بهرام دوم جریان دیگری نیز که نتیجه خصیصه دو گانه حاکمیت («قاج و تخت و آتشکده» شهریاری و دین) بود باشد تمام خودنمایی کرد. نیروی مانی در برای دیدگان کرتیر درخشیدن گرفت. زیرا آن روزگار در ایران آئین زرتشت گونه به گونه تفسیر و تأویل می‌شد و هریک از گردانندگان جریانهای نامبرده می‌کوشیدند تا در دربار شاهی موقعیت حاکم بdest آورند. در آغاز پادشاهی بهرام دوم حاکمیت اشراف و بزرگان و حاکمیت مذهبی از یکدیگر جدا بودند، ولی رفتارهای رؤسای مذهبی در سیاست دولت نفوذ فراوانی یافتد. «تجدید سازمان» سیاسی این دو جریان را بطور موقت متوقف ساخت ولی از میان نبرد.<sup>۳۴</sup>

<sup>۳۴</sup>- برای آگاهی بیشتر به سیاست خارجی و داخلی ساسانیان در سده‌های سوم و چهارم میلادی ر.ک، به [۱۶۸].

### بخش ششم

#### شاپور دوم واردشیر دوم. رویدادهای شرق

سده چهارم دوران هفتاد ساله شاهنشاهی شاپور دوم (سالهای ۳۰۹-۳۷۹ میلادی) و فرمانروائی کوتاه مدت اردشیر دوم (۳۸۰-۳۸۲ میلادی) و شاپور سوم (۳۸۲-۳۸۸ میلادی) و بهرام چهارم (۳۸۹-۳۹۲ میلادی) بود. این دوره در مأخذ همزمان بروشنبی یاد شده است. از کتابهای آن روزگار پیش از همه «تاریخ» آمین مارسلین (آمیانوس مارسلینیوس) را که در جنگهای مرزهای غربی ایران شرکت داشته و کتاب «تاریخ» فاوست بوزنی مورخ ارمنی را باید یاد نمود. رویدادهای ایران در سده چهارم میلادی، بویژه رویدادهای سیاسی آن در بسیاری از آثار پژوهندگان بطور مشروح مورد بررسی و پژوهش قرار گرفته و افزودن صحیفه‌های آن زائد بنظر می‌رسد. سیاست مذهبی شاپور دوم که تنها در خطوط اصلی روشن است، می‌تواند ضمن کار ترجمه و تفسیر بر «دینکرت» که یکرشته مسائل مستقل را عنوان کرده است مورد پژوهش و بررسی دقیق قرار گیرد. نام شاپور دوم و برخی از بزرگان روزگار او در بخش‌های گوناگون «ماتاگدان هزار داستان»<sup>\*</sup> یاد شده و بدین روای بررسی همه جانبُ اقتصاد ایران در این روزگار تنها پس از پیدایش متن علمی این مأخذ مهم میسر خواهد بود.

ولی در تاریخ این دوره مسائلی وجود دارد که بطور کلی از نظر ایران حائز

۱- جهت آگهی بیشتر ر.ک، به کتاب م.م. دیاکوف [۹].

\* - ماتاگدان هزار داستان. - مترجم.

اهمیت فراوان است و با وجود مآخذ فراوان هنوز بهبود جه روش نشده است. منظور نگارنده رویدادهای مرزهای شرقی ایران است، در باره پیکارهای شاهنشاهان ساسانی در شرق نه تنها در نوشهای فارسی- تازی، بلکه در نوشهای همزمان با آن روزگار (کتبه‌ای اوایل شاهنشاهی ساسانی- نوشهای آمین‌مارسلین وفاوت بوزنی) و نوشهایی که با آن دوره فاصله زیادی نداشته (مانند نوشهای اگیشه، موسی خورنی، سبئوس، پریسک وغیره) می‌توان نکته‌هایی یافت.

در نوشهای نامبرده از اقوام و کشورهایی که شاهان ساسانی با آنان بپیکار دست زدند سخن رفته است. این اقوام کوشانیان، هونها، هفتالیان، قیداریان و دیگرانند.

اطلاعات مربوط به این اقوام و سیاست ایران در شرق که در مآخذ نامبرده آمده بیشتر دارای جنبه‌کلی است. گذشته از آن تاکنون تاریخ دقیق رویدادها روشن نشده است. بدون پژوهش بیشتر نمی‌توان ارتباط مآخذ دارای ویژگی‌های گوناگون و رابطه میان نوشهای و سکه‌ها (در درجه اول سکه‌های معروف به کوشانی- ساسانی را که از سوی فرماتروايان ساسانی در کوشان رایج شده و نیز سکه‌های هونی، هفتالی و قیداری) را دریافت. گمان می‌رود عمدت ترین مسئله، تعیین تاریخ دقیق رویدادها است. حل این مسئله از طریق مآخذ وسیع و گونه‌گون و پیش از همه سکه‌ها میسر است. در ضمن تعیین تاریخ دقیق ضرب گروه سکه‌های کوشانی- ساسانی آنها را بمعاخذ تاریخی، از جمله مآخذ تاریخی در زمینه تاریخ داخلی دولت ساسانی بدل می‌کند.

\* \* \*

حدود سی سال پیش که بطور کلی آگاهی‌هایی از نوشهای فارسی- تازی و نیز سکه‌هایی در اختیار پژوهندگان قرار گرفت. آثار اهرسفلد تحت عنوان

«پایکولی» و «سکه‌های کوشانی- ساسانی» انتشار یافت [۱۰۳: ۱۰۵]. ا. هر تسفلد با اتكاء به اطلاعاتی که از برخی کتبیه‌های نقر شده بر صخره‌ها بدست آورده (کتبیه شاهنشاه نرسی در پایکولی، کتبیه شاپور شاه سکستان بر دره‌ای کاخ داریوش در تخت جمشید I pers و کتبیه داوری بنام سلوک (?)) بر دره‌ای کاخ داریوش در تخت جمشید II pers)، و با اتكاء به نوشهای سکه‌های کوشانی- ساسانی و سکه‌های ساسانی و مقابله این اطلاعات با مآخذ متأخر چنین اظهار عقیده کرد که سکه‌های کوشانی- ساسانی را باید متعلق به سده سوم میلادی شمرد و فرماین را که سکه‌های نامبرده را انتشار دادند با شاهنشاهان ساسانی یکی دانست و رویدادها را براین پایه بررسی کرد. ا. هر تسفلد خاطرنشان ساخت که نوشهای متأخر فارسی- تازی بطور کلی حاوی مطالب موثق و تاریخ دقیق رویدادهای عمدۀ در شرق کشور و دولت ساسانی است.

ا. هر تسفلد بر مبنای نوشهای مذکور آغاز تفسیر سرزمینه‌ای شرق از سوی ساسانیان را مر بوط بدروزگار اردشیر یکم، و سقوط کامل دولت بزرگ کوشان وضمیمه شدن این سرزمینها به شاهنشاهی ساسانی را مر بوط به دوران پادشاهی شاپور یکم دانست. بنظر ا. هر تسفلد ضرب سکه‌های کوشانی- ساسانی از این دوره آغاز شد. در آنروزگار شرق از نظر شاهنشاهی ایران باندازه‌ای اهمیت داشت که عنوان فرماینرا ای این نواحی همانند عنوان شخص شاهنشاه بود ('RBkwš' n MLK' n MLK') از رسیدن به مقام شاهنشاهی ایران به فرماینرا کوشان منصوب می‌شد.

بنا بنظر ا. هر تسفلد شاهنشاهان ایران؛ هرمزد اردشیر (بهنگام شاهنشاهی شاپور یکم- حدود سالهای ۲۵۶- ۲۶۴ میلادی)، بهرام یکم (بهنگام شاهنشاهی هرمزد یکم- سالهای ۲۷۲- ۲۷۳ میلادی)، بهرام دوم بهنگام شاهنشاهی بهرام یکم- سالهای ۲۷۳- ۲۷۵ میلادی) عنوان «بزرگ کوشانشاه» داشتند و سکه‌های کوشانی-

ساسانی را رواج دادند [۴۱-۳۱، ۱۰۳].

در صحیفه‌های پیشین مطالبی از آئه شد مبنی بر اینکه آگاهی‌های بدست آمده از کنیه‌ها نادرست بودن نظر پیشنهادی ۱. هر سفلد راتمام و کمال به ثبوت می‌رساند. جای تردید نیست که هرمزد اردشیر از سال ۲۵۶ میلادی تا سال ۲۷۳ میلادی «بزرگ ارمنستان شاه» و بهرام یکم تا سال ۲۶۲ میلادی فرمانروای گیلان و سپس تا سال ۲۷۳ میلادی فرمانروای کرمان، و بهرام دوم از سالهای ۲۷۰-۲۷۶ میلادی شاه سکستان، تورستان و هند بودند.

هرمزد پسر عمومی بهرام دوم که تا سال ۲۸۳ میلادی در شرق فرمانروا بود نیز همین عنوان را داشت. چنانکه از مآخذ بر می‌آید در این سال هرمزد علیه شاهنشاه بهشوش برخاست. شورش سر کوب شد و عنوان «شاه سکستان» به بهرام فرزند بهرام دوم واگذار شد و او بطور رسمی عنوان جانشین شاهنشاه معرفی گشت از اینکه در روز گار پادشاهی نرسی و هرمزد دوم در ایران چه کسانی برشق فرمانروائی داشتند آگهی در دست نیست. سال ۳۱۲ میلادی هرمزد دوم فرزند بزرگتر شاپور با عنوان «شاه سکستان، تورستان و هند تا کرانه‌های دریا» فرمان روای استانهای شرقی ایران بود (کتبیه شاپور، شاه سکستان بر درهای کاخ داریوش در تخت جمشید I pers).

در هیچیک از مآخذ سده سوم و آغاز سده چهارم میلادی از عنوان «کوشانشاه» «بزرگ کوشانشاه» و «شاهنشاه بزرگ کوشان» که در سکه‌های کوشانی ساسانی ضرب شده اثری دیده نشده است.

تنها یک عامل وجود دارد که سبب می‌شود انتشار سکه‌های نامبرده را متعلق به دوران پس از پادشاهی هرمزد دوم و یا دقیق‌تر گفته شود متعلق به بعداز روز گار پادشاهی نرسی بدانیم. در ضمن، فهرستی از کلیه شغل‌های درباری از عهد اردشیر تا پایان روز گار نرسی موجود است (کتبیه شاپور در کعبه زرتشت و کتبیه نرسی در

پایکولی). واضح است که زمان پیوستن سرزمینهای کوشان بزرگ به کشور ساسانی و متعاقب آن تاریخ انقراض کامل پادشاهی کوشان با تاریخ انتشار سکه‌های کوشانی- ساسانی که از سوی فرمانروایان ساسانی این سرزمین ضرب می‌شد هر یوط است.

سده سوم میلادی تنها یکبار، آنهم در نخستین سطرهای کتبیه شاپور در کعبه زرتشت از کشور کوشان (متن پارتی: *Kwšnhštr*) یاد شده است. شاپور یکم در کتبیه نامبرده از حدود مرزهای ایرانشهر یاد کرده است: «... من خدایگان ایرانشهر این شهرها را زیر فرمان دارم: پارس، پارت، خوزستان، میشان، اسودستان، ادیابنه، عربستان، اتورپاتگان (آذربایگان- مترجم)، ارمنستان، گرجستان (یونانی: ایری) ماهلوانی، البانیا، بلاسکان والخ تا (متن پارتی *HNprhš*) کوه کاپ (قفاز- همان کوه قاف است- مترجم) و در بند آلبانیا، و همه کوههای پارسپور (البرز)، ماد، هیر کان (گر گان- مترجم)، مرو، هرات و سراسر ابرشهر، کرمان، سکستان، تورستان، مکران، پاراون، هند، کوشان شهر (یونانی «کشور کوشان») تا پاسکیبورا (یونانی: پاسکیبورا) و سپس تا کاشا (کاشفر؟)، سفید و کوه شاش (متن پارتی: *Kwšnhštr HN prhš*، *L pškbwr W HN*، *L k 'š swgd w š' š* دارد که شاش *ة* همان چاج باشد)، واژ دگر سودریا - عمان. و همه این شهرها و فرمانروایانشان (*hštrdr* «شهردار») و استانداران (متن پارتی: *ptykwspn* و *hrwLN ptyb 'zW' BDKpy HQ 'YMW* پیرو و با جگذار ما شدند (متن پارتی: -

*tHWHyn*

بدین روای شاپور در کتبیه خود خاطر نشان کرد که به سال ۲۶۲ میلادی (تاریخ نقش کتبیه شاپور یکم در کعبه زرتشت) کوشان شهر (و همه سرزمینهای تا پیشاور) یا پیرو (BDkpy) ایران و یا خراج کذار (*b'z*) او بودند. چون گمان می‌رود در این روز گار عنوان «کوشان شاه» وجود نداشته، بنا بر این کوشان شهر هنوز زیر

فرمان شاهزادگان ساسانی نبود. نبودن «شهرهای شاهی» در این نواحی نیز حاکی از آنست که کوشان در زمرة «دستکرت» شاهنشاه در نیامد. بدین روال تنها ادعای شاپور را مبنی بر اینکه کوشان «خراج گذار» ساسانیان بوده می‌توان جدی تلقی کرد. باید این نکته را در نظر داشت که ذکر نام استانهای شرقی که جزء ایران بودند، پس از چندی به قاعدة متداول بدل شد: در کتبیه موببد کرتیر (در سرمشهد «KSM») که تاریخ آن سال ۲۸۰ میلادی است) و حتی در نوشتة آمین مارسلین نیز همانند کتبیه شاپور در کعبه زرتشت آمده نیز سبب پیدایش چنین نظری می‌شود که کار پیوستن «کوشانشهر» به شاهنشاهی ایران مورد نظر شاپور بود و شاپور دعوی فرمانروائی بر آن سرزمین را داشت [ر. ک. به ۱۱۹].

این نکته را نیز باید از نظر دور نداشت که شاهی‌ها و استانهایی که در کتبیه شاپور در کعبه زرتشت جزء ایرانشهر یاد شده‌اند (جز استانهایی که) «اسپان و و مردان شاهنشاه شاپور» بهنگام سهل‌شکر کشی وی به غرب یکبار بدان سرزمینها رفته‌ند و یا اینکه بطور کلی به برخی از آنها هیچ نرفتند) بنا بر همان کتبیه در درجه‌های گونه‌گون وابستگی به ایران قرار داشتند. بهنگام تنظیم فهرست نامبرده جزو پارس، سرزمینهای پارت، خوزستان، اسورستان، میشان (فرمانروای این سرزمین شاپور فرزند شاپور یکم بود که عنوان 'MLK' n myš 'میشان شاه' را داشت و پس از مرگ او همسرش دینک فرمانروای این سرزمین بود)، ارمنستان (فرمانروای این سرزمین هرمزد اردشیر فرزند شاپور یکم بود که عنوان 'rmn' n RB 'MLK' 'ارمنستان شاه' را داشت)، کرمان، ادبیانه و ایبری شاهانی از دودمانهای بیشین محلی داشتند و با حق کقدر اسیون جزء ایرانشهر بودند.

و اما در باره استانهای شرقی باید گفت که این استانها اواسط دهه ششم تمام و کمال به ایران پیوستند و در شاهی بزرگ «سکستان، تورستان و هند تا کرانه‌های



تصویر شماره ۲۰ - تصویر بهرام، شاه گرهان (؟) ظرف نقره از کراسنوبه پالیانی،  
موزه شهر سوچوم

متحد شدند. چنانکه در کتبیه شاپور در کعبه زرتشت آمده سرزمینهای «مر و هرات، ابر شهر، مکران و پارستان» و استانهای گدروسیا و آراخوسیا جزء شاهی نامبرده بودند، بی گمان پیش از آن برخی از سرزمینهای مذکور تا اندازه‌ای واسته به کوشانشاهان بودند. گمان می‌رود تصرف سرزمینهای نامبرده سبب شد که شاپور کوشانشهر را باج گذار خود بخواند. زیرا شاپور پس از پیروزی بر گورديانوس نیز کشور روم را باج گذار خود خواند (کتبیه شاپور در کعبه زرتشت: «و فیلپ [عرب] ... بخطاطر جان یاران خویش پانصدهزار دینار بهما تقدیم داشت... و با جگذار ماشد»).

پیشتر گفته شد که عنوان شاه «سکستان، تورستان و هند تا کرانه‌های دریا» تا سال ۳۱۲ میلادی چون عنوان واحدی برای فرمانروایان ساسانی در شرق باقی ماند. نوشته شاپور، شاه سکستان (persia) بر سردر کاخ داریوش در تخت جمشید<sup>۱</sup> متعلق به همین سال است. در نوشته مذکور چنین آمده است. «سپتامد ماه از سال دوم (۳۱۲ میلادی) بع مزدا پرست خدایگان شاپور شاهنشاه ایران و ایران که چهر از ایزدان دارد، آنگاه که شاپور سکانشاه [همانکه] فرمانروای تورستان، سکستان و هند تا کرانه دریاست<sup>۲</sup>. فرزند بعمر مزدا پرست هرمزد شاهنشاه ایران و ایران که چهر از ایزدان دارد از کاخ خداوندیشان روانه [سفر] خیر شد.<sup>۳</sup> واژ این راه [که] از استخر می‌گذرد، وی روانه سکستان گشت و بکوه رسید و به تخت جمشید (ترجمه دقیق: «صدستون» st stwny) آمد و کنار این بنا، شراب نوشید. و بهرام فرزند نه و هر میزد (شاید این نام نیوهرمزد باشد - مترجم) اندرز بد سکستان و معنی فرزند و راز و دن<sup>۴</sup> فرزند ریو مهر شهر ب دی و نرسی، و نیز [پیر] و دیگر

#### ۲- چاپ CII, VOI III

<sup>۳</sup>- در دونوشت چنین آمده است: .. Wdym hndy skst' nWtwrst' [n] درباره این عنوان ر.ک، بهمن فارسی میانه کتبیه شاپور در کعبه زرتشت، ۲۴.

<sup>۴</sup>- 'LHsn 'LHy'n SGDH YBLWN  
Den - •

آزادان پارس و سکستان و تورستان و فرستاد گان همه سرزمینها همراه او بودند. او (شاپورشاه سکستان - نگارنده) امر بهشادی فرمود (ترجمه دقیق: «او سروری بزرگ فراهم آورد» p š RB ' s tyhy krtv) وا فرمان داد ایزدان راستایش کنند (p š yzd ' n Krtk ' n prm ' t krtny) «نیا شهای بایسته را بایزدان بجای آورند - نگارنده» او پدر و نیای خود را ستود. او شاهنشاه شاپور را ستود. او خویشن را ستود، او [کسانی] که این کاخ را بنا نهادند ستود. خدایش بیامرزاده (ر. ک. به: [۱۰۴: ۲، ۱۰۵].)

در نوشته II pers (کتیبه سلوک (?)) داور، بر درهای کاخ داریوش در تخت جمشید نام هرمزد دوم فرزند شاپور، شاه سکستان یاد شده است. تاریخ این کتیبه هر بوط بمالهای شاهنشاهی شاپور دوم است. بنازگی از این کتیبه رونوشت برداشته شد. درمورد خواندن تاریخ این نوشته اختلاف نظر وجود دارد. و. ب. هینینگ آنرا «سال ۳۶۵ میلادی» خوانده است؛ ا. هرتسفلد آنرا «سال ۴۷ میلادی» دانسته است [۲، ۱۰۴]؛ نگارنده بر آنستکه رقم رونوشت را می‌توان چنین خواند: X IIIIIIII؛ که «سال ۵۷» و معادل (سال ۳۶۶) - ۳۶۷ میلادی است.<sup>۶</sup> (۱) \* ماه تیر. سال ۱۸ (?) در روز هرمزد، که من، سلوک از (۲) شادشاپور (?) و کوارداور، به تخت جمشید آمدیم. (۳) ومن این نوشته را که در گذشته بفرمان شاپور، (۴) سکانشاه نوشته شده بود فرمان دادم تابخوانند (ترجمه

۵. و. ب. هینینگ.

۶. ر. گوبیل در کتاب مشرح خود درباره سکه‌های کوتانی [۸۴، ۱۲۶] بر آنستکه این سال را باید «سال ۴۸» خواند. وی آنرا خطای نویسنده می‌داند که از جانب خود او تصحیح شده است.

در اصل نوشته که بهنگام سفر خود به ایران به سال (۱۹۶۸) دیدم چنین بنظر می‌رسد که «سال ۱۸» درست قریب باشد. نام «کابل» را هرتسفلد خوانده و هینینگ آنرا تأیید کرده است. بنظر من این نام باید «کوار» و نام شهری در ناحیه شیراز باشد که «مانگدان» Matagdan منهور است.

\* - گمان می‌رود شماره‌هایی که مؤلف در متن درون حلال آورده سطرها یابندهای کتیبه باشد - مترجم

دقیق: «تا مرد از آن آگاه کنند» *plm' typ' tpwlst* . و من (۵) شاپور، شاهنشاه، بر ترین همه مردمان را [چندان] ستدم، (۶) بگذار درس زمین و جایگاه نیکی قرار گیرد (*mwšky Wy' k BYN štly YHWW (N)t*) و شاپور که شاه سکایان است - بگذار زمانی دراز پاینده باشد و همه آن کند (۷) که ایزدان و شاهنشاه شاپور را خوشایند است. و من (۸) بندۀ [آنان] کارهای نیک کنم که مورد پسند ایزدان و خدایگان شاهنشاه شاپور (۹) باشد. و از اینجا، بعده، بحضرت ایشان، (۱۰) و شاهنشاه شاپور راه یابم و با موفقیت به (۱۱) کاور بروم».

بدین روال به سالهای ۳۲۶-۳۲۷ میلادی عنوان «شاه سکستان، تورستان، و هند تا کرانه دریا هنوز وجود داشت و هرمزد دوم فرزند شاپور صاحب این عنوان بود . (ر. ک. به: فهرست شجره‌ها). در ناحیه تخت جمیشید شهری بود بنام *šyt šhpwhry* ...<sup>۷</sup> که در دورانهای پیشین مانند سرزمینهای غربی در روزگار ساسایان دستکرت شاهی بود و دژ شاهنشاه «شهرشاهی» که بنام شاهنشاه نامیده می‌شد در آن بنا شده بود.

چنین است اطلاعاتی که می‌توان از نوشهای همزمان با رویدادها بدست آوردن. این اطلاعات را باید با نوشهای سکه‌های کوشانی-ساسانی مقایسه کرد. نخستین کوشش جهت ترتیب زمانی این سکه‌ها از سوی آ. کائینگهام انجم گرفت [۲۰۲-۱۶۶.۶۱]. اکنون بیشتر پژوهندگان، تاریخ این سکه‌ها را دوران پادشاهی هرمزد دوم (سالهای ۳۰۹-۲۰۲ میلادی) می‌دانند. این نظر چیزی جز دگر گون ساختن اندیشه آ، کائینگهام نیست.<sup>۸</sup> مبنای این نظر سکه‌ای یک دیناری از مجموعه سکه‌های موزه بریتانیا است که تاکنون چندین بار انتشار یافته

۷- و. ب. هنینگ آنرا جاوید *jawed šahpwhr* خوانده است. شاید این نام باشد.

۸- ر. گوبل این نظر را در کتاب *Die Münzprägung der Kušan* بطور مسروط بیان داشته است. ولی ر. گوبل گوئی در آخرین اثر خود [۸۷] درباره این تاریخ تردید حاصل کرد.

[ ۲ ] [ ۱۳۲ , pl. ix , No ۱۷۹ ; ۶۱ , pl. XII I No ۲ ] بر رویه این دینار تصویر فرمانرو با کلاهی همانند سر شیر که گل نیلوفر بر آن نصب شده است دیده می شود . نوشته رویه سکه چنین است : ' mzdysn bgy ' w hrnzdy RB ' kwš ' nMLK ' n MLK ' [ بع [ اهورا ] مزد اپرست ، خدایگان هرمزد ، شاهنشاه بزرگ کوشان ] . بر پشت سکه ، منظرة تاج یخشی از سوی ایزد کنار آتشدان تصویر شده است . فرمانرو با همان کلاهی است که بر رویه سکه تصویر شده است . ایزد میترا « حلقه شهریاری » را بسوی او دراز کرده است . نوشته پشت سکه همان تکرار رویه سکه است ، با این تفاوت که بر بالای شعله آتشدان نام محل ضرب سکه « هرو » نوشته شده است . آ . کانینگهام ور . گیرشمی بسال ۱۹۴۸ [ ۷۸ ] ور . گوبل بسال ۱۹۵۷ تنها یک مأخذ برای نسبت دادن این سکه به شاهنشاه هرمزد دوم داشتند . و آن نوشته میر خواند بود مبنی بر اینکه هرمزد دوم دختر « کابلشاه » را بزنی گرفت ، بدیهی است این تنها مأخذ که سده های دراز پس از ضرب سکه نگاشته شده نمی تواند منبع درستی برای تعیین تاریخ سکه نامبرده و دیگر سکه های کوشانی - سasanی بشمار آید ولی به حلقه های زنجیر مدر کهای غیر مستقیم نزدیک شده است . در کتاب مشرح ر . گوبل درباره سکه های کوشانی [ ۸۴ ] ، این مدرک غیر مستقیم بنحوی چشمگیر آورده شده است . بعنوان نمونه ر . گوبل ضمن بر اینهادن سکه های طلائی و مسین کوشانی - سasanی و مقایسه سکه اخیر با سکه های سasanی خاطر نشان کرد که برخی ویژگی های تصویری این سکه ها تنها از زمان هرمزد دوم در سکه های سasanی پدید آمده است . ولی در این مورد بی گمان با جمله لاتین - terminus سرو کار داریم و هنوز باید بر مبنای پژوهش خود سکه ها و همه مأخذ دیگر ، این نکته به ثبوت برسد که « هرمزد شاهنشاه بزرگ کوشان » همان هرمزد دوم شاهنشاه ایران بوده است .

Mrwu \*

نظر ر. گوبل درباره آغاز تاریخ انتشار سکه‌های کوشانی - ساسانی، همانند نظر ا. هرتسفلد که در عمل به همگونی تصویر فرمانروایان کوشانی و شاهنشاهان ایران در سکه‌های کوشانی - ساسانی تکیه کرده، اکنون به سبب اسناد و مدارک نوینی که بدست آمده مردود شناخته شده است.<sup>۹</sup> گاه اینگونه تلاشها به نتیجه گیری



تصویر شماره ۲۱: - ظرف نقره از نیز نایا - شاخاروفکا، موزه دولتی ارمیتاژ

-۹- این نظر تاکنون نیز در برخی از نشریه‌های باستان‌شناسی و کتابها قوت و اعتبار خود را از دست نشده است. (یعنوان نمونه ر.ک، به «تاریخ خلق تاجیک» جلد ۱، مسکو ۱۹۶۳، فصل مربوط به کوشانیان).

شگفتی آوری منجر شده‌اند.

برای نمونه‌ر. گوبل در آخرین کتاب خود [۸۷] مدعی است که نام فرمانروائی که بر نخستین سکه کوشانی – ساسانی آمده (از نوع سکائی است) و باید «پیروز» خوانده شود. چون در آغاز سده چهارم میلادی در ایران شاهنشاهی بنام پیروز نبود، ر. گوبل با اتكاء به نوشتة آمین مارسلین چنین پنداشته که «پیروز» یعنی فاتح<sup>\*</sup> عنوان شاپور دوم بوده و این سکه‌ها از سوی شاپور دوم رایج شده است. اصرار و کشش بی‌جهت در این زمینه واضح و روشن است: اگر بر سکه‌ها بر اسني کلمه «پیروز» نوشته شده باشد (پائین‌تر خواهیم کوشید چند گونه خواندن کلمه پیروز را ارائه کنیم) این نام فرمانرواست، نه عنوان «فاتح» زیرا در متون فارسی میانه در سکه‌های کوشانی – ساسانی نوشته‌ها به خط فارسی میانه و در سکه‌های باختری با حرفا‌ای کج و خوابیده ضرب شده‌اند «فاتح» <sup>پایه pyrwč</sup> است نه <sup>آمین مارسلین</sup> <sup>pyrwzā</sup>.

نیز این نکته را نیک می‌دانست. در قطعه‌ای که ر. گوبل از او نقل کرده است: «Persis Saporem Saansaan appellantibus et Pirosen (pyrwč 'n) quod rex regibus imperans et bellorum victor interpretatatur» [2, xIx, 2II].

هر گاه می‌توانستیم فرمانروایان کوشانی – ساسانی را با شاهنشاهان ساسانی همگون سازیم، آنگاه مشکل تعیین تاریخ سکه‌های کوشانی – ساسانی و همه دشواریهای وابسته به آن بسادگی حل می‌شد.

ولی در هر مسئله جداگانه چنین همگونی را باید به ثبوت رسانید. جز تصور ا. هر تسفلد مبنی بر اینکه عنوان «شاه کوشان» در اوایل پادشاهی ساسانیان چیزی همانند عنوان شاهزاده ولز بوده است، این نکته را نیز باید یادآور شد که

Victor ...  
«Prince of Wales» ...\*\*

اندیشهٔ مستدل او مبنی بر اینکه در ایران ساسانی حق ضرب سکه تنها ویژه‌شاهنشاه بوده کشفی است که گمان می‌رود بر مبنای این پژوهش‌های او پدید آمده است. و در مورد مذکور باید این نکته را از نظر دور نداشت که گردش سکه‌های طلا در سرزمین کوشان رایج بود و فرمانروایان دودمان کوشان بزرگ بتقریب سکه تقریب ضرب نمی‌کردند و در سکه‌های کوشانی - ساسانی تصویرهای ور جاوند سکه‌های متأخر کوشانی ضرب شده است و این خودنمودار روشی است برای نکه شاهنشاهان ساسانی رسمها و سنتها را همواره در نظر می‌داشتند.

از این رو واضح است که تنها یک سند برای ضروری نشان دادن همگونی فرمانروایان ناشر دینارهای کوشانی - ساسانی با شاهنشاهان ایران فاقد معنی و مفهوم است.

سکه‌هایی که کوشانی - ساسانی خوانده شده‌اند به گروههای زیر بخش می-

شوند:

الف - سکه‌های برزی و چند درهم تقریب و دینار طلا که بر رویه آن تصویر نیم تنہ فرمانروای افسر شاهی ویژه او ضرب شده است. این نوع تصویر بنا بر

۱۰ - بنازگی توانست با کتاب A.D.H. Bivar زیر عنوان، - The Kushano - sassanian coin series آشنا شو姆. آ. بیور در این کتاب که بادقت بسیار تدوین شده طبقه‌بندی دیگری از سکه‌ها ارائه کرده است، گروه الف شامل «طبقه ۲» (طلا و نقره ساسانی)، بخشی از «طبقه ۳» (سکه‌های مسین کوچک) و همه «طبقه ۴» (سکه‌های مسین بزرگ) است. در طبقه‌بندی آ. بیور گروه (ب) شامل «طبقه ۳» (شماره ۲۱، ۲۳، ۲۴، ۲۶، ۲۸)، گروه (ج) از «طبقه ۱» است. طبقه‌بندی آ. بیور همانند توصیف او از سکه‌ها دقیقتر بمنظر می‌رسد، ولی طبقه‌بندی الف هدف دیگری را در برداشت، سکه‌های طبقه‌بندی شده از سوی بیور در سکه‌شناسی و تاریخ نظری را تعییب می‌کند که در زیر ارائه خواهد شد. در این زمینه سکه شماره ۲ (ر.ک.، به پایین تر، بخش A) حائز اهمیت بسیاری است. بیور نوشت سکه را چنین خوانده است - ΩΟΡΟΜΟΖΔΩ Ozopko koboNo boho و شماره‌های ۲۲۸-۲۲ (ر.ک، پایین تر ۵/۵B)، بیور همچنین نوشت رویه سکه را چنین خوانده است، 'RB' kw's'nMLK' (!); rthstr بویژه این نکته چشمگیر است که تاریخ سکه‌های پیشنهادی بیور هدف پژوهشی دیگری را دنبال نکرده است (آ. بیور نظر ا. هرتسفلد را پذیرفته و در آنباره تأملی نیز نکرده است). آ. بیور تواتر انتشار سکه‌ها را نیز مسین کرد (ر.ک، به ص ۲۷ کتاب او).

معمول از نوع تصویرهای ضرب شده در سکه‌های ساسانی است.  
ب- سکه‌های برنزی که بر مبنای سکه‌های او اخیر پادشاهی کوشانیان ضرب شده است (بر رویه این سکه‌ها تصویر فرمانرو اهمانند تصاویر سکه‌های واسودوا\* آخرین فرمانرو از دودمان کوشان بزرگ و برپشت سکه‌ها نیز مانند سکه‌های واسودوا تصویرهایی از شیوا\* و گاوخر ضرب شده است).

ج- سکه‌های طلا ( شبیه سکه‌های سکائی) از نوع سکه‌های واسودوا سکه‌های گروه یکم (آ) از ضرایبخانه‌های مرد و هرات است.<sup>۱۱</sup> خط وزبان نوشته‌های این گروه (که پارسی میانه است) و نیز نوع تصویرها سبب می‌شوند که آنها را سکه‌های «ساسانی- کوشانی» بنامیم.  
سکه‌های گروه دوموسوم (گروههای ب و ج) که سکه‌های کوشانی- ساسانی است از ضرایبخانه بلخ<sup>۱۲</sup> و شاید کابل بوده است  
نامها و عنوانهای فرمانروایان بر رویه این سکه‌ها بخلاف سکه‌های ساسانی- کوشانی بخط کج و خوابیده باختر (با کتریا) ضرب شده ولی بزبان فارسی میانه است.  
بعای عنوانهایی که بر سکه‌های پیشینیانشان بزرگان کوشان PAONANA DAO ضرب می‌شد. (ختنی- سکائی؛ Ššau - nanusšau - «شاهزاده شاهزادگان»)  
بر سکه‌های کوشانی- ساسانی DOHONOHOIO ضرب شده است (که از نظر انداشته نگاری RB 'n MLK است) و OOZOPKO (نیز از نظر اندیشه نگاری بزرگ است). این نکته چشمگیر است که بر سکه‌های ساسانی- کوشانی (همانند برخی نوشته‌های ساسانی) این عنوانها فقط بصورت اندیشه نگاری ضرب شده‌اند

۱۱- نام این ضرایبخانه در برخی از سکه‌ها ضرب شده است. برای آگهی بیشتر ر.ک، بدیائین تر.  
۱۲- این نام در برخی سکه‌ها آمده است. برای آگهی بیشتر ر.ک، به پائین تر.

\* Vasudeva \*\* Shiva یکی از ایزدان سه‌گانه در آئین هندوان است. ایزدان نامبرده بر هم، ویشنو شیوا نام دارند. شیوا مظہر نابودی و مرگ است - مترجم.

بر پشت سکه‌های کوشانی - ساسانی بجای نام ایزدی که تصویر شده  $\text{oh} \ddot{\text{s}} \text{o}$  یعنی شیوا (که بر سکه‌های متأخر کوشانی دیده می‌شود) نوشه‌ای بزبان فارسی میانه هست که  $\text{OAPZOAN} \Delta \text{O YAZA} \Delta \text{O}$  بمعنای («ایزد بزرگ») است. فرمانروایی که تصویرشان بر رویه همه این سکه‌ها ضرب شده کلاه وافر شاهی ویژه خود را بر سر دارد که از نظر سهولت با حرف‌ای: - d,c,b,ah,g,- نشان داده شده‌اند.

کلاهی که بشکل سرشار است با علامتهای («d» و «d1») و کلاهی که شاخ قوچ بر آن نصب شده با علامت («f») نشان داده شده که مظہر زرتشیگری دوران کرتیر و پس ازا است. بر سکه‌های بهرام دوم بیشتر کلاههای دیده می‌شود که همانند سرشار است. این کلاه را جانشین شاهنشاه، «شاه سکستان»، تورستان و هند تا کرانه دریا<sup>۱۳</sup> بر سر دارد. کلاهی که شاخهای قوچ بر آن نصب شده (قوچ مظہر خورنخ Xvaranah) تنها در دوران شاپور دوم می‌توانست پدید آمده باشد. بویژه در این دوران است که قوچ که یکی از نشانه‌های ورجاوند خورنخ است در کلیه آثار هنری ساسانی پدید آمد. بنا به نوشتۀ آمین مارسلین شاخهای قوچ بر کلاه خود رزمی شاپور دوم نصب شده است.

فرمانروای همان کلاه («f») بر ظرفهای نقرۀ ساسانی که در موزۀ دولتی ارمیتاژ نگهداری می‌شود، تصویر شده است [۳۰، جدول ۵].<sup>۱۴</sup> این ظرف نقره‌ای جفت مشابهی دارد که در آن شاپور دوم سوار بر گوزن تصویر شده است [۶۳، شماره ۲۰۸].<sup>۱۵</sup> نزدیکی و شباهت این دو ظرف باندازه‌ای است (این دو ظرف حتی از نظر ریزه کاریها، از جمله قاب مضاعف گردانی تصویر که تنها در این دو

۱۳- بر پشت ظرف نوشته‌ای است بزبان سندی (در.ك، [۱۵]).

۱۴- متابه دانستن تصویر ظرف با شاپور دوم که دالکون معرف آن بوده از نظر جزئیات افسرشاهی (شکل گوی و نوار - بهمانگونه که در سکه‌های شاپور دوم ضرب شده) وجود نشانه‌های شاهی که در آثار رسمی متعلق به سده چهارم میلادی پدید آمده تأیید شده است.

ظرف وجود دارد بسیار شبیه و همانندند) که می‌توان آنها را کاریکار گاه و حتی یک استادهنرمند دانست. بدین روال فرمانروایانی که کلاه نوع «۴» بر سر داشتند، بنا بر معمول باید در روزگاری فرمانروایی کرده باشند که تأثر زمانی آن از عهد شاپور دوم چندان زیاد نباشد.

افسر «۵» از نظر جزئیات درست همانند تصویر شاپور دوم بویژه در نوعی از سکه‌های اوست که گمان می‌رود در دهه هفتم سده چهارم میلادی ضرب شده باشد [۱۳۲، pl. IX]

پشت سکه‌های ساسانی - کوشانی را از لحاظ نوع می‌توان به‌این ترتیب بخش کرد:

(۱) با آتشگاه، برستون آتشگاه علامتی است که بنا بر معمول در سکه‌های ساسانی دیده می‌شوند («نشانهای شاهی» و «نشانهای جانشین شاهنشاه»)؛  
(۲) با آتشگاه، ولی همراه با تصویر ایزد (اهورامزدا) در میان شعله‌های آتش. برستون آتشگاه همان نشانها و نیز نشانی که ویژه سکه‌های هفتالی است (در ضمن این نشان نخستین بار بر مهرهای ساسانی با نوشه‌هایی بزبان فارسی میانه پدیدار شد)؛

(۳) آتشگاه بشکل ستون بلند با سرستونهای از چند لوحه سنگ راست گوشه. در دو سوی آتشگاه تصویر شاه وایزد ضرب شده است.

(۴) تصویر فرمانروا (در سمت چپ که دست خود را بسوی «حلقه شهریاری» دراز کرده و می‌خواهد از ایزدی که بر تخت نشسته است و «حلقه شهریاری» را به او اهدا می‌کند، بگیرد)؛

(۵) تصویر ایزدی که در زیر رواق آتشکده بر تخت نشسته است. در یک دست او «حلقه شهریاری» و در دست دیگر او عصای شاهی (یا چوب‌دست بلند سه‌شاخه) است؛

(۶) تصویر ایستاده شیوا همراه با گاو نر. در دست شیوا ریسمان حلقه دار و چوب دست بلند سه شاخه ای است. این تصویر با تمام جزئیات بر پشت سکه های واسودوا آخرین فرمانروای دودمان کوشان بزرگ ضرب شده است؛

(۷) آتشگاه که از ویژگی های سکه های سasanی است با تصویر ایزد. تفاوت پشت این نوع سکه ها با سکه های نوع ۲ اینست که ایزد نیم تنه تصویر شده است (بر پشت سکه های نوع ۲ تنها سرو شانه ایزد تصویر شده است) و در دست او جزئی از نشانه های شیوا (ریسمان حلقه دار و چوب دست سه شاخه) قرار گرفته است.

همه این تصویرها رامی توان در گروه های زیر طبقه بندی کرد.

تصویره ای که از سکه های سasanی گرفته شده است. پشت سکه های ۳، ۲، ۱؛ تصویره ای که از سکه های او اخر کوشانیان گرفته شده است؛ پشت سکه ۶؛ تصویره ای که ترکیبی از نقشه های گرفته شده از سکه های سasanی (آتشگاه و تصویر ایزد بر آتشگاه) و نقشه های او اخر پادشاهی کوشانیان است (چیزه ای که در دسته ای ایزد است)؛ پشت سکه ۷؛

تصویره ای که در آن اندیشه و صحته پشت سکه های سasanی را تقلید کرده اند (تاج بخشی از سوی ایزد)؛ پشت سکه های ۴ و ۵.

پشت سکه های نوع ۱ نوعی تقلید از سکه های شاپور دوم است. اینها سکه های یک دیناری است که در مرمر ضرب شده اند. (بر پشت این سکه ها نام ضر ایخانه نوشته شده است). این نوع پشت سکه حدود سالهای ۳۲۰ - ۳۲۵ میلادی پدید آمد [ ۱۳۲، pl. xi، No 245 - 255 ] و با سال ۳۹۹ میلادی دیگر اثری از آن دیده نشد [ ۱۳۲، pl. xIII ] .

پشت سکه های نوع ۲ نخستین بار با سال ۳۰۲ (آغاز شاهنشاهی هرمzed دوم) ضرب شد و در پایان فرمانروائی بهرام چهارم (با سال ۳۹۹) دیگر اثری از این گونه

۱۵- ضرب این سکه ها مربوط به دوران جنگ های شاپور دوم در غرب است.

تصویرها بر سکه‌ها دیده نشد — [ 139 , p I. vIII , No 174—175 ; pl. x III , No 174—175 ]

[ 284 — 286 ]

پشت سکه‌های نوع ۳ از لحاظ جزئیات شبیه پشت سکه‌های دو دیناری شاپور دوم است که در مر و ضرب شده است. بر پشت یکی از آنها [ 201 , pI . ix , No 132 ] نوشته‌ای است که بنا بر معمول ویژه سکه‌های شاپور دوم بوده است. NWR' ZY šhpwhry («آتش شاپور»). دیگری دیناری است (از مجموعه سکه‌های موزه دولتی ارمیتاژ) که این نوشته بر پشت آن ضرب شده است NWR' ZY whrmzdy («آتش هرمزد») چنان‌که از بررسی سکه‌های شاپور دوم روشن شده، این نوع سکه در دهه ششم و هفتم سده چهارم انتشار یافته است (نوع ۲). بر رویه بسیاری از درهمهایی که از این نوع سکه‌ها بشمار است، بر صفحه سکه (کنار نوار افسر شاپور) نام اختصاری ضرابخانه‌های غربی نوشته شده است. این سکه‌ها جایگزین سکه‌های نوع ۲ شده از لحاظ زمانی آخرین سکه‌های شاپور دوم بشمار می‌رود (نوع ۳). پیشتر سکه‌های نامبرده از گنجینه تپه مرنجان بدست آمده است (برای آگهی پیشتر ر. ک. به شرحهایی که بعد خواهد آمد). جایگزینی انواع سکه‌ها نموداری است از ضرب مجدد سکه‌های نوع ۲ بجای سکه‌های نوع ۳ (مجموعه موزه دولتی تاریخ مسکو).

واما درباره پشت سکه‌های نوع سوم؛ تنها بر پشت یک سکه، آنهم دینار هرمزد جمله «شاهنشاه بزرگ کوشان» دیده می‌شود. این سکه نیز در مر و ضرب شده است (بر پشت سکه نام ضرابخانه دیده می‌شود) [ 132 , pI. XIV ]. دودینار شاپور و یک دینار هرمزد که هر سه در مر و ضرب شده‌اند از لحاظ تصویر باندازه‌ای به یکدیگر نزدیکند (پشت سکه شکل آتشگاه، تصویر نوار برستون و شکل شعله آتش و طرز نوشته و هلال زیر آتشگاه و دیگر اجزاء که تنها ویژه این دو نوع سکه است) که می‌توان یقین داشت که قالب این دونوع سکه کار یک استاد بوده است. ممکن است

بردینار شاپور که در مجموعهٔ موزهٔ دولنی ارمنیاً موجود است بخطا بجای نام شاپور نام هرمزد نوشته شده باشد.

بدین روال ما می‌توانیم تاریخ تقریباً دقیق سکه‌های ساسانی – کوشانی را روشن کنیم. دینار هرمزد (افسر ۱۱ بر پشت سکه نوع ۳) دردههٔ هفتم سدهٔ چهارم پدیدآمد. تاریخ با terminus ante quem non – سال ۳۰ میلادی مطابقت دارد (پشت سکه نوع ۲).

اکنون ترکیب رویهٔ پشت و نوشتهٔ سکه‌ها را بررسی می‌کنیم.  
سکه‌های ساسانی – کوشانی

### گروه الف

فرمانرووا با افسر شاهی « a » (شاپور).

تنهای سکهٔ برنسزی را می‌شناسیم که با تصویر پشت سکه ۱ ترکیب یافته‌است. دو سکهٔ مشابه وجود دارد که هم‌مان یکدیگر رایج شده‌اند (شاید برای دو ناحیه مختلف بوده است؟). تنها تفاوت این دو سکهٔ هم‌مان، علامتهای نوشته‌ای است که بر رویهٔ آنها ضرب شده است (زبان هر دو نوشتهٔ فارسی میانه است) که بر یکی شده است [ ۱۳۲، Pl xl، No 256–257 ].

فرمانرووا با افسر شاهی « b » (اردشیر).

تنهای سکهٔ برنسزی را می‌شناسیم که با پشت سکه ۵ ترکیب یافته‌است. نوشته آن بر رویهٔ سکهٔ بفارسی میانه است که چنین نوشته است – (?) 'rthstry kwš'n MLK, Wrzw' («اردشیر، شاه کوشان»)، بر پشت سکه چنین نوشته شده است: – (?) nd yzdy («ایزد بزرگ»). این نوشته بر تنها سکه از مجموعهٔ موزهٔ دولنی ارمنیاً قابل خواندن بود. نوشتهٔ سکه‌هایی که هر تسفله عکس آنها در سه نسخه چاپ و منتشر کرد در واقع قابل خواندن نیست [ ۴۸، شماره‌های ۲۲۸ و ۲۲۹ ].

فرمانرو با افسر شاهی «C» (پیروز).  
سکه‌های بر نزی را می‌شناسیم که با پشت سکه‌های نوع ۲ و ۶ و درهم‌های  
نقره‌ای (بر مبنای وزنه‌ای معموله ساسانی) و نیز با پشت سکه‌های نوع ۴  
آمیختگی‌هائی دارد.

و اما در باره نوشته سکه‌های بر نزی نامبرده: C/2 قابل خواندن نیست،  
ولی بر رویه سکه‌های C/6 بزبان فارسی میانه چنین نوشته است:  
MLK' Kwš'n RB' pyrwčy (پیروز، بزرگ کوشانشاه). نوشته مذکور تنها  
بر یکی از این نوع سکه‌ها که تا اندازه‌ای بهتر مانده و جزء مجموعه موزه تاریخ  
سم قند است، قابل خواندن است.  
نوشته پشت سکه را نمی‌توان خواند.

نوشته درهم نقره‌ای C/4؛ بر رویه سکه بزبان فارسی میانه چنین است:  
MLK' kwš 'n RB' pyrwčy bgy mzdyasn (بغ [اهورا] مزد اپرست، خدایگان  
پیروز، بزرگ کوشانشاه).

پشت سکه بزبان فارسی میانه از راست به چپ چنین نوشته شده است:  
pyzdy yzdy bwld' (ایزد بزرگ) MLK' (پیروز شاه).  
فرمانرو با افسر شاهی «d» (هرمزد).

تنها سکه‌های بر نزی را می‌شناسیم که با پشت سکه ۲ آمیختگی‌هائی دارد.  
نوشته رویه سکه بزبان فارسی میانه و بخط باخته‌ری چنین است: HOPOZΔO  
(هرمزد؟)، بر پشت سکه نوشته‌ای نیست (؟) [190-193 pl. IX, No. 132].

فرمانرو با افسر شاهی «d1» (هرمزد).  
دیناری را (بر مبنای وزنه‌ای معموله ساسانی) می‌شناسیم که با پشت سکه ۳  
و همچنین دو درهم نقره‌ای (یکی از مجمـوعـه موزه دولتی ارمیتاژ و دیگری از

موزه دهلی)<sup>۱۶</sup> را می‌شناسیم که با پشت سکه ۴ و نیز سکه‌های بر نزی را می‌شناسیم که با پشت سکه‌های ۴، ۵ و ۶ آمیختگی داردند.

نوشته دینار بزبان فارسی میانه است؛ بر رویه سکه چنین نوشته شده است: پرست، خدایگان هرمزد شاهنشاه بزرگ کوشان»؛ برپشت سکه، بالای شعله آتش آتشگاه، کلمه mlwy (مرو) نوشته شده است.

نوشته یکدرهمی نیز به فارسی میانه است و بر رویه آن چنین نوشته شده است: خدایگان هرمزد شاهنشاه بزرگ کوشان» – مترجم؛ نوشته پشت سکه چنین است: آن سکه که در موزه دولتی ارمیتاژ نگاهداری می‌شود کلمه mlwy (مرو) و بر hlyw بالای شعله آتشگاه آن سکه که در موزه دهلی نگاهداری می‌شود کلمه (هرات) ضرب شده است.

نوشته سکه بر نزی نیز بزبان فارسی میانه است؛ بر رویه سکه‌های ۵، d1/4 و d1/6 چنین نوشته شده است: 'whrmzdy RB' kwš'n MLK' («هرمزد، بزرگ کوشانشاه»)، برپشت سکه نوشته‌ای دیده نشده است (۴).

فرمانرو با افسر شاهی «e» (بهرام).

تنها سکه‌های بر نزی را می‌شناسیم که با پشت سکه‌های ۷ و ۸ آمیختگی دارد. نوشته آنها بزبان فارسی میانه است. بر رویه سکه‌ها چنین نوشته شده است: - wrhr'n RB' kwš'n MLK' («بهرام، بزرگ کوشانشاه»). برپشت سکه نوشته‌ای دیده نشده است.

۱۶- سکه موجود در موزه دولتی ارمیتاژ هنوز انتشار نیافرته است. سکه موزه دهلی در کتاب [۴۸ II pl. ۱۷] منتشر شده است.

سکه‌هایی از نوع ۵/۶ را می‌شناسیم که خوب نگاهداری نشده و نوشته‌های آن قابل خواندن نیست. ولی چنانکه از برخی نشانه‌های باقیمانده آنها بر می‌آید، نوشته‌های آن فارسی میانه بنظر می‌رسند.<sup>۱۷</sup>

فرمانرو با افسر شاهی «f» (هرماد).

تنها سکه‌های بر نزی را می‌شناسیم که با پشت سکه ۷ آمیختگی دارد و نوشته آن بزبان فارسی میانه است. رویه این سکه‌ها همانند سکه‌های ۵/۶ است

[132, pl xv, No 332]

فرمانرو با افسر شاهی «g» (هرمزد)

تنها سکه‌های بر نزی را می‌شناسیم که با پشت سکه‌های ۷ آمیختگی‌های دارد. نوشته این سکه‌ها نیز بزبان فارسی میانه است. بر رویه سکه چنین نوشته شده است: 'MLK whrmzdy' (هرمزد شاه) بر پشت سکه نیز نوشته‌ای هست

[132, pl lx, No 187 – 189]

فرمانرو با افسر شاهی «h» (پیروز).

تنها سکه‌های بر نزی را می‌شناسیم که با پشت سکه ۷ آمیختگی‌های دارد. نوشته آن بزبان فارسی میانه و چنین است: 'MLK kws'n pyrwčy RB' 48. pl, III, - 48. [ بزرگ کوشانشاه]، بر پشت سکه نوشته‌ای دیده نشده است (؟) - .

[No 28 – 30]

### سکه‌های کوشانی - ساسانی

گروه (ب)

این گروه شامل سکه‌های بر نزی است که با سکه‌های گروه (الف) از نظر اندازه (سکه‌های بر نزی گروه (الف) بقطر بیش از ۲۰ میلیمتر و سکه‌های بر نزی

<sup>۱۷</sup> ر.ك، به [۴۸، III Pl. ۲۱]. آ. بیور نوشته رویه سکه را چنین خوانده است: «شابور، کوشانشاه» - مترجم. Šaboro, Košon šao

گروه (ب) بقطر بقریب ۱۵ میلیمتراند. وزن سکه‌های گروه (الف) بیش از سه گرم و وزن سکه‌های گروه (ب) حداقل حداکثر حدود دو گرم و نیم است) تصویرهای رویه سکه و علامتهای نوشته متفاوتند.

بر رویه سکه‌های گروه (ب) تصویر فرمانروای که کنار آتشگاه ایستاده ضرب شده است. فرمانروای یکدست نشانه شهریاری و بدبست دیگر چوبدست سه‌شاخه‌ای دارد. بر پشت سکه تصویر شیوا که پیش روی گاو نر ایستاده و یا تصویر یشت سکه‌های نوع ۵ و گروه (الف دیده) می‌شود.



تصویر شماره ۲۲۸ - جام نقره‌ای دسته‌دار از سرمه‌بیشی. منظر: جام

ویژگیهای این تصویرها و نشانه‌های نوشته تفاوتی با سکه‌های اوآخر پادشاهی کوشانیان ندارد. در ضمن شکل افسرشاهی در این سکه‌ها نیز همانند

افسر شاهی و اسودوا آخرین شاه کوشان و یا همانند افسر شاهی «d» است. علامت های روی این سکه‌ها \*، صلیب شکسته (سواستیکا و سه نقطه زیردست چپ فرمانرو) و درست همانند سکه‌های واسودوا است. نوشته رویه اینگونه سکه‌ها که تاکنون مورد بررسی و پژوهش قرارداده ام محفوظ نمانده و قابل خواندن نیست. نوشته پشت سکه که بنبان فارسی و بخط باخته‌تری است ؟ – OAPZOANΔO YAZAΔO (بجای نوشته ohšo - «شیوا» در سکه‌های واسودوا) است.

گروه (ج).

سکه‌های این گروه، - طلا و دارای شکل‌های سکائی است. بر زویه این سکه‌ها تصویر تمام قد فرمانرو (همانند سکه‌های زرین و مسین واسودوا و سکه‌های بر نزی گروه (ب) و پشت سکه‌ها تصویر شیوا و گاو نز ضرب شده است). OAPZOANΔO نوشته پشت این سکه‌ها همانند پشت سکه‌های گروه (ب) است. بر رویه این سکه‌ها فرمانرو ایان با افسر های شاهی بشرح زیر YAZAΔO تصویر شده اند:

- ۱) با همان افسر شاهی که بر سکه‌های واسودوا است:
- ۲) با افسر شاهی «d» :
- ۳) با افسر شاهی «d1» :
- ۴) با افسر شاهی «e» (به شکل‌های گوناگون):
- ۵) با افسر شاهی «f» :
- ۶) با افسر شاهی که در سکه‌های گروه (الف) و (ب) دیده نشده است، - افسر

\* - منظور نگارنده را در مورد triratna بطور قطع و بقین در نیافر ratna در زبان هندوان بمعنای گوهر یا جوهر است. ناید triratna بمعنای سه‌گوهر یا سه‌جوهر باشد که در آئین هندوان به ایزدان سه‌گانه و یا سه مظہر مشهورند. این ایزدان سه‌گانه برهمان، ویشنو و شیوا هستند که نخستین (برهمان) مظہر ایجادگری و دومین ویشنو مظہر نگاهداری موجودات و سومین که همان شیوا باشد مظہر نابودی و مرگ است. چون در بررسی سکه‌ها نام شیوا بسیار آمده بنابراین می‌توان چنین پنداشت که همان سه‌گوهر یا سه مظہر باشند - مترجم.



تصویر شماره: ۲۲۶ - تصویر جانشین شاهنشاه بهرام و بانوی بانوان شاپور دخترک  
(جام نقره‌ای دسته‌دار از سرگویشی)

شاهی همراه با سه شاخه نخل که بر آن نیلوفر و یا گویه‌ایی دارای نوار دیده می‌شود [ 84, taf. 14, 15; 48, pl. I, No 11 ] .

فرمانروای افسرشاهی و اسودوا و یا افسرشاهی «d». سکمهای گروه (ج) با سکه‌ای آغاز می‌شود (این سکه منحصر بفرد را

از انتشار فهرست سکه‌های ر. گوبل شناخته‌ام) [۳۲۰، شماره ۸۴] که را بطة نزدیک آن (از لحاظ نوع تصویر بر رویه و پشت سکه و افسر شاهی) با سکه‌های متأخر کوشانی از سوی بسیاری از پژوهندگان تأیید شده است.

نگارش نام فرمانروا بر این سکه تما اندازه‌ای غیر عادی است، ولی دیگر نوشته‌های آن درست همانند سکه‌های دیگر این گروه است که در آن فرمانروا با افسر شاهی «d» تصویر شده است. اگر حروف نام را بشمار نیاوریم. آنگاه باید گفت که تصویرها، اجزاء کوچک و نشانه‌های رویه و پشت سکه‌های طلا و مضمون نوشته‌ها موجب پیدایش این نظر می‌شوند که با وجود تفاوت در افسر شاهی، سکه‌های نامبرده از سوی یک فرمانرو انتشار یافته است. سکه‌های گروه (الف) (d/2)؛ و (همه سکه‌های) (ب) و (ج) نیز بدستور همین فرمانرو ضرب شده است.

عنوان فرمانروا بر رویه سکه چنین است: OZOPKO KOPONO BOHO «بزرگ کوشانشاه».

در باره خواندن نام فرمانرو دو نظر وجود دارد: ر. گوبل آنرا پیروز دانسته و ۱. هرتسفلد و بیور و دیگران آنرا هرمزد پنداشته‌اند.

در واقع تنها خواندن نخستین حرف آن دشوار است. در سکه‌هایی از این گونه که من شناخته‌ام حرف مذکور به‌سه شکل نوشته شده است. دیگر حروف‌ای نام روشن و چنین است: OPΩZΔO. تنها بر یک سکه (که در موزه لاهور است) [۵۱، pl. XX، No 240] نوشته نام بدین شکل است: ΩPMZΔO.

گمان می‌رود سبب چند گونه بودن نوشته نام فرمانرو بر این سکه‌ها آن باشد که سروکار ما با سکه‌های دیگری جز سکه‌های کوشانی است که بخط باختنی و بزبان فارسی می‌انه است.

و اما در باره نام فرمانروائی که افسر شاهی «d» برسر دارد؛ گاه این نام

با حرف امگا  $\Omega$  و گاه با میکرون  $\mu$  و یا با نخستین حرف نام فرمانروایان بر سکه های گنجینه تپه مرنجان آغاز شده است. در این مورد حرف یا علامت مذکور برای نشان دادن صدای «O» بکار رفته است (برای آگهی بیشتر ر. ک. به پائین تر). از این رو امکان خواندن نام فرمانروایی که افسر شاهی «d» برس دارد محدود به این نامها است: ΩΟΡΩΖΔΟ ΩΟΡΜΟΖΔΟ, ΟΥΡΩΜΟΖΔΟ, Υ (O) PMYZΔ «هورمزد» است.

#### فرمانروای افسر شاهی «d1

این فرمانروای نیز همان نام و همان نشانه هارا بر رویه سکه دارد؛ تنها تفاوت در افسر شاهی گل نیلو فری است که بر آن نصب شده است. عنوان فرمانروای بدوشکل نوشته شده است:

OZOPKO KOPONO BOHONOBOHO. OZOPKO KOPONO BOHO  
 (بزرگ کوشانشاه) و «بزرگ کوشان شاهنشاه»—متترجم)، بر رویه برخی از سکه ها نام ضرایبخانه دیده می شود که نوشته است. BOHΔO—«بلخ». همان فرمانروای سکه های گروه (الف) (d1/6, d1/4, d1/3 و d1/7) را انتشار داده است. نامها و عنوانها در سکه های هر دو گروه همانندند.

نگارنده چنین می پندارد که همه گونه دلیل برای ارائه این نظر وجود دارد که تصویر فرمانروایانی که افسر شاهی «d» و «d1» را بر سر دارند در واقع تصویرهایی از یک فرمانروای است. نه تنها همگونی نشانه های رویه و پشت سکه، بلکه تصویر پشت سکه که از نظر نوع شناسی متعلق به گروه (الف) است مؤید این نکته است.

گمان می رود سبب تفاوت در شکل افسر شاهی (و نوشتن نام) آن باشد که سکه هایی که افسر شاهی «d» بر آن نقش شده پیش از سکه های دارای افسر شاهی

«d1» ضرب شده‌اند.

چنانکه پیشتر ارائه شد، نوع تصویرهای پشت سکه‌های یک دیناری این فرمانرو از بوط به همه سکه‌هایی است (از جمله سکه‌های کوشانی - ساسانی است) که دوران آن پیشتر از سال ۳۶۰ میلادی بوده است.  
فرمانرو با افسر شاهی «e».

بر سکه‌های نوع سکائی افسر شاهی این فرمانرو به شکل‌های زیر است:  
۱- بالای افسر شاهی به نقش و نگارهای منکسر زینت یافته است؛  
۲- بالای افسر شاهی چهار ردیف «گوهر» نشانده شده است؛  
۳- بر بالای افسر شاهی بجای نیلوفر کره‌ای نشانده‌اند که نواری از آن آویخته است.

بر رویه بیشتر سکه‌های نشانه‌های (سه گوهر)\* صلیب شکسته (سواستیکا) و سه نقطه زیر دست چپ فرمانرو (ضرب شده که همانند سکه‌های هرمزد، «d» و «d1») است. در برخی سکه‌های بجای «سه گوهر» نشانه‌دیگری (۲۴) ضرب شده و در آنها صلیب شکسته (سواستیکا) و سه نقطه دیده نمی‌شود. گمان می‌رود این آخرین گروه سکه‌ها باشد.

بر افسر شاهی «e» (در سکه‌های دارای افسرهای شاهی گوناگون) نام و عنوان فرمانرو چنین است: – BAΓO OAPAYPANO (یا OOPONONO) OZOPKO KOPONOKHO. فرمانرو ایان ساسانی که بر سر زمین کوشان پادشاهی داشتند کلمه دیگری افزوده شده بود و آن کلمه (BAΓO - bgy) است که جزئی از عنوان شاهنشاه ایران است.

سکه‌هایی که در آن فرمانرو با افسر شاهی «e» تصویر شده (که در آن بر افسر شاهی بجای نیلوفر، کره‌ای قرار گرفته) در گنجینهٔ تپهٔ منجان در نزدیکی کابل بدست آمده است [۶۲].

گنجینهٔ تپهٔ منجان شامل درهمهای شاپور دوم (همهٔ این سکه‌ها از نوع سوم‌اند)، اردشیر دوم، شاپور سوم (که در جمع بیش از سیصد سکه بود، و بیشتر آنها متعلق به شاپور دوم است) و دوازده سکه طلای نوع سکائی کوشانی – ساسانی بوده است.

سه سکه (شماره‌های ۹-۷)<sup>۱۸</sup> با سکه‌هایی که در آنها فرمانرو با افسر شاهی «e» است، تفاوتی ندارند. و حال آنکه نوشتهٔ نام در آنها متفاوت است. نخستین حرف بخوبی خوانده نمی‌شود و شبیهٔ حرфهای «n»، «h» و یا «m» است. پس از آن چند حرف «O» دیده می‌شود. عنوان فرمانرو واضح و چنین است: – BOΓO... OZOKO KO ΔONOKOHO. نخستین حرف نام شبیهٔ نخستین حرف هرمزد بر برخی از سکه‌های او است.

در دیگر سکه‌های «کوشانی - ساسانی» گنجینهٔ تپهٔ منجان افسر شاهی شامل سه شاخهٔ خرم است که بر روی تاج قرار گرفته و شاخهٔ نیلوفر و یا کره‌ای بر آن نصب شده است. دیگر اجزاء سکه درست همانند رویه و پشت سکه‌هایی است که در آن فرمانرو با افسر شاهی «e» تصویر شده است. نام‌ها در این سکه‌ها نیز به مانگونه ناخوانا است.

افسر شاهی با سه شاخهٔ خرم در گروه سکه‌های ساسانی - کوشانی دیده نشده است.

نوشتهٔ رویهٔ یکی از اینگونه سکه‌ها (شماره ۱) بروشی خوانده می‌شود و

۱۸ - ۶۲,pl xlv, No5; pl. xv, No1-2. در اینجا و یائین‌تر شماره‌ها طبق مجموعه ر. کوریل ارائه می‌شود.

آن چنین است: «خدایگان بهرام، بزرگ کوشانشاه»، ولی تنها براین سکه بر افسر شاهی که دارای سه شاخهٔ خرم است، نیلوفر نصب شده است. در دیگر سکه‌ها که نامهای دیگری بر آنها ضرب شده بر افسر شاهی کره یا گویی نصب شده است.

سکه‌هایی که بر افسر شاهی فرمانرو سه شاخهٔ خرم و نیلوفر نصب شده در مجموعه‌های موزه‌های گوناگون موجود است. بر همه سکه‌های نامبرده تحریفی در نوشته‌ها دیده نشده است. بر رویهٔ برخی از آنها نام ضرابخانه – «بلخ» نقش شده است. بر سکه‌هایی که در آن فرمانرو با افسر شاهی<sup>۱۹</sup> تصویر شده است (سکه‌ای که بر افسر شاهی، نیلوفر نصب شده است) نیز همان نام بلخ دیده می‌شود.

بدین روال همه سکه‌های نامبرده دارای نشانه‌ها و اجزاء مشترک و همانند بر رویه و نام ضرابخانه‌اند و عنوانهای فرمانروایان و نام فرمانرو (بهرام) در همه سکه‌هایی که تحریف و ناخوانائی در آنها مشاهده نشده و افسر شاهی «» (به شکل‌های گوناگون) و نیز بهمراه سه شاخهٔ خرم با نیلوفر و یا گویی بر آنها تصویر شده یکی است.

گمان می‌رود بتوان گفت که در این مورد سکه‌های پیش روی ما است که یا همزمان با یکدیگر در ضرابخانه‌ای گوناگون (بلخ و کابل) ضرب شده‌اند و یا اینکه اینها سکه‌های فرمانروای واحدی هستند که یکی پس از دیگری پدید آمده و جانشین سکه پیشین شده است.<sup>۲۰</sup> اگر چنین باشد باید گفت فرمانروای مورد نظر (بهرام) بوده که سکه‌های گروه (الف):  $\frac{۶}{۷}$  و  $\frac{۵}{۶}$  را نیز رواج داده

۱۹- ا. هر سفلد فرمانروای را که این سکه‌ها را انتشار داده «...M bagé» نامیده است: گیرشون [۷۸] برآنستکه فرمانروای نامبرده کیلد است؛ آ. بیود نیز همان نام (کیلد) را خوانده است [در. ک. به: ۱۹، ۴۸].

است.

چنانکه پیشتر گفته شد سکه‌های بهرام که در آنها افسر شاهی همراه با سه شاخهٔ خرم است در میان سکه‌های گروه (الف) دیده نشده است. ولی افسر شاهی که بر این سکه‌ها ضرب شده همانند افسر شاهی است که بر درهم‌های نقرهٔ ساسانی بهرام چهارم (۳۸۸-۳۹۹ میلادی) ضرب شده است [132, pl. xlii, No 296] نوشته رویهٔ این درهم‌ها گرچه حاوی نام «بهرام» و عنوان «شاهنشاه» است، با اینهه درمیان سکه‌های بهرام چهارم غیر عادی بنظر می‌رسد. بر رویهٔ دیناره‌ای این شاهنشاه که افسر شاهی در آنها بشکل عادی جلوه گر شده نیز همان نوشته ضرب شده است.

تصویر پشت درهم‌ها از تصویرهای معمولهٔ سکه‌های بهرام چهارم است. بدین روای دزه‌های بهرام چهارم که در آنها شاهنشاه با افسر شاهی دارای سه شاخهٔ خرم تصویر شده، نخستین سکه او بوده است. ولی چندی نگذشت که سکه‌های دیگری جانشین این سکه شد که در آنها بهرام با عنوان معمولهٔ شاهنشاه نامیده شده است.

درهم‌های نامبرده متعلق به آغاز فرمانروائی او در ایران است (پیش از تاجگذاری او) و به سال ۳۸۸ میلادی ضرب شده است<sup>۲۰</sup>. بنابراین «خدایگان بهرام» بزرگ کوشانشاه که سکه‌های نوع «e» را رایج کرد همان بهرام چهارم شاهنشاه ایران است که پیش از نشتن بر تخت شاهنشاهی ایران (تا سال ۳۸۸ میلادی) بر سر زمینهای شرقی ایران فرمانروائی داشت. و اما سکه‌های نوع سکانی زرین او که وی با افسرداری سه شاخهٔ خرم را آنها تصویر شده در اوآخر دوران فرمانروائی

۲۰- نوشته درهم را می‌توان چنین خواند، 'کوشان شاه، (یا شاهنشاه» - مترجم)؛ یکی از سکه‌هایی که در موزهٔ بریتانیا نگهداری می‌شود از نظر تصویر و نوشته بهتر باقی‌مانده است (27. 48, pl. Iv, No 40' p.).

او بر شرق (حدود سال ۳۸۸ میلادی) ضرب شده است. تاریخی که ضمن برابر نهادن این سکهها با سکههای ساسانی بدست آمده درست مطابق تاریخ بزیر خاک نهادن گنجینهٔ تبه مر نجات است: آخرین سکههای ساسانی این گنجینه، سکه‌های شاپور سوم شاهنشاه ساسانی (۳۸۳ - ۳۸۸ میلادی) است.



تصویر شماره ۲۳ - بیدخش پاپک. ظرف نقره از مستختا  
Metskheta موزه گرجستان، تفلیس.

بدین روای اکنون دو تکیه‌گاه زمانی جهت تعیین تاریخ ضرب سکه‌های

ساسانی - کوشانی و کوشانی - ساسانی در دست داریم. در گروه (الف) این تاریخ حدود سال ۳۶۰ میلادی است (دینار هرمزد - d1/3) و گروه (ج) حدود سال ۳۸۸ میلادی است (سکه‌های بهرام با افسرشاهی دارای سه شاخه خرما).

فرمانرو با افسر شاهی «f».

نام و عنوان این فرمانرو برسکه‌های نوع سکائی بروشنی آمده و چنین است: BAГО OOPОУPONO OZOPKO KOPONO BOHO

(نشانه  با جزء اضافی گوناگون) نمودار آنست که این سکه‌ها از لحاظ نوع

با سکه‌هایی که از گنجینه تبه مرنجان بدست آمده یکی است. این همان فرمانروائی است که فرمان ضرب سکه‌های گروه (الف) - d1/4 را داده است (بر سکه‌های نامبرده همان افسر شاهی و همان عنوان و نام دیده می‌شود).

سکه فرمانروائی که افسرشاهی «f» بر سر دارد آخرین سکه طلای منتشره از نوع سکائی بوده است.

\*\*\*\*

از بررسی انواع سکه‌ای ساسانی - کوشانی و کوشانی - ساسانی می‌توان نتیجه‌های زیر را بدست آورد.

۱ - تواتر فرمانروایان بدینگونه بوده است: پیروز (c) هرمزد (d1 و d) - بهرام (e)، افسرشاهی با سه شاخه خرما) - بهرام (f).

۲ - سکه‌های شاپور (a) واردشیر (b) پیش از سکه‌های پیروز بوده است.

۳ - سکه‌های گروه (ب) تنها بفرمان هرمزد (d) ضرب شده است.

۴ - سکه‌هایی که پشت آنها از نوع ششم است (شیوا و گاو نر) که از سکه های معموله ساسانی - کوشانی بوده تنها بفرمان پیروز (c) و هرمزد (d1 و d) ضرب شده است.

۵- سکه های زرین به شکل سکائی بفرمان هرمزد (d1 و d) و بهرام (e) و بهرام (f) ضرب شده است.

۶- سکه های شاپور (a) و اردشیر (b) و پیروز (c) و هرمزد (d1 و d) و بهرام (e) از دهه هفتم سده چهارم میلادی (دینار ۳/ d1) تا سال ۳۸۸ میلادی ضرب شد (سکه های سکائی شکل بهرام با افسر شاهی دارای سه شاخه خرما).

۷- بدین روای روش است که پیروز (c) و هرمزد (d1 و d) با شاهنشاهان ایران همگون نیستند.

۸- بهنگام هرمزد (g) و پیروز (h) سکه های کوشانی - ساسانی ضرب نشد. سکه های گروه (الف) را که از سوی فرمانروایان نامبرده انتشار یافته می توان متعلق به پایان سده چهارم و سده پنجم میلادی دانست.

۹- سکه های سکائی شکل هرمزد (d) با سکه های واسودوا رابطه بسیار نزدیک دارد. از نظر شناسائی پیشرفت انواع میان نخستین سکه های کوشانی - ساسانی هرمزد و آخرین سکه های کوشانی واسودوا<sup>۱۱</sup> فاصله زمانی چندانی وجود نداشته است. از شباهت طرحها و تصویرها بر رویه و پشت این سکه ها (از جمله شباهت آنها در اجزاء بسیار کوچک) چنین بر می آید که فاصله زمانی این سکه ها بیشتر از ده تا پانزده سال نبوده است.

مهم این نکته است که سکه های کوشانی - ساسانی تقليدي است از طرح سکه های رايچ کوشان.

بدین روای تعين تاریخ دقیق سکه های کوشانی - ساسانی موجب تعین تاریخ قطعی کوشان می شود.

۲۱- درباره رابطه تاریخی نخستین سکه های «کوشانی - ساسانی» با «تاریخ کوشان» ر.ک به ۱.و. زیمال [E.V. Zeymal]<sup>۱۰</sup> بنای عقیده ۱.و. زیمال از سکه های واسودوا چنین بر نمی آید که تصور شود این سکه ها را دویا سه فرمانروای که یك نام داشته اند رایچ کرده باشند (د.ک، به ۱.و. زیمال [۱۰]).

\*\*\*

حال می‌کوشیم روشن سازیم که این فرمانروایان چه کسانی بودند و در چه روزگاری بر سرزمین کوشان فرمانروائی داشتند.

مشکل بتوان از کتبیه II Pers (کتبیه سلوک داور (?)) بر دربهای کاخ داریوش در تخت جمشید استفاده کرد. زیرا در کتبیه، نامی از کابل نیست و از شهری بنام کاور<sup>\*</sup> یادشده است. چنین بنظر می‌رسد که حدود سال ۳۴۰ میلادی شاه کوشان شهر از دودمان شاهان محلی بوده است. در کتبیه سامو درا گوپتا<sup>\*</sup> که بر ستونی در الله آباد نش گردیده از عنوان کوشانشاه چنین یاد شده است: - *daivaputra shahi shahan* [۷۸، ۷۱].

با بهنوشته فاوست بوزنی [۱۵۹، ۳۸]، عملیات عمدۀ سپاهیان ساسانی در شرق مر بوط به دورۀ سالهای ۳۶۸ - ۳۷۱ میلادی است. در این دوره شاپور دوم با «کابلشاه» پیکار کرد. راستی را که آگهی فاوست چندان روشن نیست. چنین بنظر می‌رسد که این تاریخ به‌زمان انتشار سکه‌هایی که در آن فرمانروای افسرشاهی «<sup>۸</sup>» تصویر شده تا اندازه‌ای نزدیک است.

افسرشاهی «<sup>۸</sup>» از نظر جزئیات، شباهت خاصی به افسر شاپور دوم دارد (در نوشته رویه سکه این فرمانروای تهنا نام «شاپور» آمده است). در ضمن پشت سکه نامبرده نیز همانند پشت درهمهای شاپور دوم شاهنشاه ساسانی است.

پس از شاپور دوم به ترتیب سکه‌های اردشیر (b) پیروز (c) هرمز (d و d1) و بهرام (e) انتشار یافت. بسیار می‌توان گفت که پیروز و هرمز بر ایران فرمانروائی نداشتند، زیرا در غیر اینصورت تعیین دقیق فرمانروائی آنان بر سرزمین کوشان دشوار خواهد شد. در عوض تردیدی نیست که بهرام بعدها شاهنشاه ایران

(Kavar) - \*  
Samudragupta \*\*\*

شد و این همان بهرام چهارم است (۳۸۸ - ۳۹۹ میلادی).

عنوان «کوشانشاه» و «بزرگ کوشانشاه» بعدها، پس از مرگ شاپور دوم (۳۷۹ میلادی) پدید آمد. نخستین سکه زرین با عنوان «بزرگ کوشانشاه و یا (شاہنشاه کوشان)» بفرمان هرمزد ضرب شد.

با بررسی سکه‌ها و مقایسه تاریخ ضرب آنها با دیگر مآخذی که نوشته‌آمده توانستیم حدود تقریبی دوران سقوط کامل پادشاهی کوشان را بدست شاهنشاهان ساسانی دریابیم. حال می‌کوشیم از راه دیگر، یعنی از طریق هر بوط ساختن تصاویر سکه‌ها با آثار هنری ساسانی و آگاهی‌های مآخذی که با آن رابطه غیر مستقیم داشته‌اند مشکل مورد نظر را روشن کنیم.

برپشت سکه‌های اردشیر، ایزد مهر (میترا) حلقه‌شاهی در دست تصویر شده که زیر طاق آتشکده نشسته است. برپشت سکه‌های پیروز جز تصویر شیوا با گاونر که معمول سکه‌های کوشانی بوده و جز آتشگاه با تصویر اهورامزدا در میان شعله‌ها که معمول سکه‌های ساسانی بوده، منظره‌ای از تاجگذاری تصویر شده است که در آن باز هم میترا مظہر شهریاری را تسليم می‌کند. در سکه‌های هرمزد جز منظره‌ای که از آن یاد شده منظره‌ای ضرب شده که معمول سکه‌های تاجگذاری ساسانی است، با این تفاوت که در سکه‌های معمولة ساسانی اهورامزدا نشانه شهریاری را به شاهنشاه تسليم می‌کند، ولی در سکه هرمزد تسليم مظہر و نشانه شهریاری از سوی میترا انجام می‌گیرد. هرمزد برای نخستین بار سکه‌های مسینی شهریاری آن سر برون کرده) ضرب شده است ولی با این تفاوت که ایزد مددکور شیوا شعله‌های آن سر بردن کرده) ضرب شده است ولی با این تفاوت که ایزد مددکور شیوا است (که دریمان حلقه‌دار و چوب دست سه شاخه در دستهای خود گرفته است). در این تصویر نشانه‌های شیوا به حلقه‌ای (مظہر و نشانه شهریاری) که در دست میتر است و برپشت سکه‌های اردشیر تصویر شده شباهت بسیار دارد.

هرمزد بر افسر شاهی نیلوفر نشانه و حال آنکه نشانه نامبرده هیچگونه قرابتی با آئین زرتشت نداشته است. پس از هرمزد، نصب این مظہر بر افسر شاهان کوشانی-ساسانی ضرور شمرده شد. بهنگام پادشاهی هرمزد نخستین بار سکھه‌ای زرینی ضرب شد که بر پشت آنها بجای نام ایزد *ohšo* - «شیوا» کنار تصویر که معمول سکه‌های او اخیر پادشاهی کوشانیان بوده، نوشته دیگری - «ایزد دارندۀ نیروی معجز آسا» بزبان فارسی میانه (اما بخط باختی) ضرب شده است.

بدين روال در آنها چهره‌هائی از شیوا، میترا، اهورا مزدا و آتشگاه که مظہر آئین زرتشت است تصویر شده است. تصویرهای ایزدانی که با آئین زرتشت بیگانه بودند همچنان محفوظ ماند ولی نام آنان با ایزدان و مظاہر آئین زرتشت در هم آمیخت.

هر گاه به این نکته توجه شود که تصویر ایزدان بزرگ زرتشتی (اهورا - مزدا و اناهیتا) از چهره شاهنشاهان و شهبانوان ساسانی اقتباس شده است، دگرگونی چهره ایزدان بیگانه دور نگذرتشنی گرفتن آنها ایزدانی مفهوم و معقول جلوه‌می کند. چنانکه پیشتر گفته شد تصویر اهورا مزدا در دهه چهارم و آغاز دهه پنجم سده سوم میلادی پدیدآمد و با لباس و افسر شاهی اردشیر یکم تصویر شد. تصویر اناهیتا نیز تکراری از چهره بانوی بانوان دینک همسر اردشیر یکم بوده است. این تصویر در گوهرهای کنده کاری شده و در سکه‌های بهرام دوم ضرب شده است. بدیهی است که با این شیوه تصویر ایزدان، شیوا نیز می‌توانست بدون تغییر شکل ویژگیهای اهورا مزدا را کسب کند. دلیل اینکه شیوا در سکه‌های کوشانی-ساسانی مفهوم اهورا مزدا را بخود گرفته آنستکه نام شیوا بنا بر فرمول معمولة ساسانی به «ایزد بزرگ» (ترجمه دقیق آن «ایزد دارندۀ نیروی معجز آسا» است) بدل گشت.

این پدیده امری است قابل درک. زیرا بهنگام کرتیر و شاپور یکم که

موبدان زرتاشتی بدنیال سپاهیان برای ریشه کن کردن دینهای بیگانه و انهدام مجسمه‌ها و پرستشگاههای خدایان بیگانه برآه می‌افتادند و در ایران و استانهای متصرفه، پیروان دیگر دینها از جمله بودائیان و برهمائیان بنام «مرتد» نابود می‌شدند، جز این ممکن نبود.

نقش تاجگذاری اردشیر دوم شاهنشاه ساسانی که بر صخره طاق بستان تصویر شده متعلق به این دوره است [۲۲].

از روز گار پادشاهی شاپور دوم سنت پدید آوردن نقش تاجگذاری بر صخره‌ها شکسته شد (آخرین نقش از اینگونه بفرمان شاهنشاه نرسی بسال ۲۹۳ میلادی نقر شد). نقش بر جسته اردشیر دوم که سنت مذکور را احیا کرد خود روش کننده است. هر گاه منظره‌ای که در این نقش تصویر شده تنها محدود به مراسم تاجگذاری بود، آنگاه می‌توانستیم چنین تصور کنیم که اردشیر دوم خواست در این منظره بخاطر هدفهای معین دودمانی، خویشن را جاودان سازد. چنانکه مشهور است [۱۲۸، ۶۸، ۲. Anm] اردشیر برادر بزرگتر شاپور دوم بود (شاپور دوم بر مبنای شور و موافقت بزرگان پیش از تولد، صاحب سریر و افسرشاهی شد). هر گاه چنین باشد از لحاظ زمانی با دشواری بزرگی روبرو می‌شویم و آن اینست که اردشیر دوم پس از هفتاد سال فرمانروائی شاپور دوم بر سریر شاهی نشست. نخستین بار ۱. هر تسفeld خاطر نشان کرد که اردشیر دوم فرزند جنبی<sup>\*</sup> تبار ساسانی بوده است [۵۰، ۱۰۶] این عقیده درست بمنظور می‌رسد. می‌توان چنین پنداشت که اردشیر دوم فرزند شاپور «شاه سکستان، تورستان، هند و کرانه‌های دریا» بوده که کنیه Pers (کتبیه شاپور شاه سکستان بر دربهای کاخ داریوش در تخت جمشید) را از خود بجا گذاarde است. زیرا اگر اردشیر دوم، فرزند هرمزد

\* - منظور نگارنده از فرزند جنبی آنست که وی فرزند شخص شاه نیست بلکه فرزندی از خویشاوندان نزدیک شاه است - ۴

دوم می‌بود ( آنهم فرزند ارشد، زیرا طبق مآخذ، شایور دوم پیش از تولد صاحب سریر و افسر شاهی گشت) در آن صورت بنا بر قانون خانواده در آئین زرتشت، شاهی ، بالادرنگ پس از مرگ هرمزد دوم به او می‌رسید . شایور سراسر اراضی متصرفه درشرق را دست کم تا سال ۳۲۷ میلادی در زیر فرمان داشت (این نکته در کتبیه Pers II آمده است ) . پس از مرگ او متصرفه‌ها بایش باستی به فرزندش واگذار شود

بدین روال ممکن است اردشیر دوم پیش از نشستن بر سریر شاهنشاهی ایران فرمانروای کوشان بوده و سکه‌های ۵/۶ را انتشار داده است.

حال آنکه منظرة تاجگذاری نقش بر جسته طاق بستان محدود نیست. جز اهورامزدا که مظہر شهریاری را تسليم شاهنشاه کرده، تصویر میترا نیز دیده می‌شود که بر گل نیلوفر ایستاده است. جز این نقش، در هیچیک از نقشهای ساسانی، ایزدی پای بر گل نیلوفر تصویر نشده است.

تصویر ایزد، بر گل نیلوفر، این نقش را تنها با سکه‌های کوشانی - ساسانی اردشیر و بویژه هرمزد مربوط می‌سازد. بر پشت سکه‌های اردشیر و هرمزد میترا تصویر شده است. بر پشت سکه‌های هرمزد، میترا در حالتی تصویر شده که نشانه شهریاری را به او تسلیم می‌دارد. در روزگار هرمزد، بر افسر شاهی فرمانروایان کوشانی - ساسانی گل نیلوفر بمثابه بخشی ضروری و حتمی نصب می‌شد.

گذشته از این در نقش تاجگذاری طاق بستان، پیروزی شاهنشاه نیز تصویر شده است. در زیرپای اردشیر دوم و اهورامزدا پیکر افتاده یکی از شاهان شکست- یافته دیده می‌شود. این نقش در فاصله سالهای ۳۸۰ - ۳۸۳ میلادی (عهد شاهی اردشیر دوم در ایران) پیدا شده است. این همان دورانی است که پیروز و هرمزد بر کوشان فرمانروائی داشتند.

اگر همه رویدادها و دلیلها را مورد توجه قرار دهیم، آنگاه شاید

بتوان یقین داشت که در نقش طاق بستان گذشته از تاجگذاری، پیروزی شاهنشاه ساسانی بر آخرین فرمانروای کوشان نیز تصویر شده است و این نقش نشانه ای از تصرف کامل کوشان بدست شاهان ساسانی در فاصله سالهای ۳۸۰ تا ۳۸۳ میلادی است.

هر گاه بکوشیم مضمون (سوژه) ظرف نقره‌ای را که از هند بدست آمده بعنوان فرضیه تفسیر و تشریح کنیم شاید بتوانیم اطلاعات منبوط به این دوره را اندکی وسیعتر سازیم [۳۴، جدول XVI].

مضمون (سوژه) این ظرف بفرنچ است، در بخش مرکزی دو منظمه تاج-گذاری - تاجگذاری شاه از سوی میترا که بر تخت نشسته و تاجگذاری شاه (؟) از سوی الهه‌ای (ایزدی) تصویر شده است. در کناره ظرف، زوجی از یک دودمان تصویر شده‌اند، بدینگونه که شاه بر تخت نشسته و گلی در دست دارد و برابر او شهبانو نشسته و فرزندان او و نیز نوازنده‌گان و خنیاگران دیده می‌شوند.

رابطه موضوعی این ظرف با سکه‌های کوشانی - ساسانی یکی آنستکه در آن بجای اهورامزدا، میترا نشانه شهریاری را تسلیم می‌کند، و دیگر گلی است که شاه در حالتی که بر تخت نشسته در دست دارد. حالت میترا که بر تخت نشسته درست همانند حالتی است که بر پشت سکه‌های اردشیر دوم تصویر شده است (b/5). اگر این رابطه برای پنداشتن مآخذ ظرف «کوشانی - ساسانی» کافی باشد<sup>۲۲</sup>، آنگاه می‌توان چنین انگاشت که موضوع آن از جمله صحنه‌ای از انتصاب اردشیر (نخستین منظمه تاجگذاری) و انتصاب جانشین او (دومین منظمه تاجگذاری) به پادشاهی کوشان است. بنظر نگارنده، این نکته که جانشین شاه نشانه شهریاری را

۲۲ - تاریخ این ظرف که (دهه نهم سده جهارم میلادی است) نمودار روشنی از رابطه نزدیک اجزاء کوچک (طرز آرایش مو و پوشش شاهنشاه و ایزد و تصویر حلقة شهریاری و نسوار و غیره) با نقش اردشیر دوم است که پیشتر از آن یاد کردیم.

از الاههای دریافت می‌دارد در خود توجه است. چهره‌اله (ایزد) تفاوتی با چهره بانوان سرشناس و یا شهبانو ندارد. بهمانگونه که چهره اناهیتا که برپشت سکه‌های بهرام دوم ضرب شده درست همانند چهره بانوی بانوان ایران است. شباهت این صحنه تاجگذاری با صحنه‌ای که برپشت سکه‌های بهرام دوم ضرب شده از لحاظ اندیشه وسیعتر و عمیق‌تر است، در عهد بهرام دوم این صحنه نشانه‌ای از تعیین و تثبیت امر جانشینی شاهنشاه از پدر به پسر و پایان دادن به جانشینی عضو ارشد خاندان است. بدین وصف پس از اردشیر پسرش پیروز بر تخت شاهی کوشان نشست. ولی هر گاه بویژه اردشیر پیروز در این ظرف تصویر شده باشد، آنگاه ظرف مذکور خود مأخذ تازه‌ای برای داوری در باره تاریخ تصرف کوشانشهر و ترتیب بهارث بردن عنوان «کوشانشاه» بدست می‌آوریم.

گمان می‌رود توضیحی که داده شده از حد فرضیه خارج نباشد، ولی این توضیحی است بسیار ساده در باره اینکه چرا پیروز و هرمز پادشاهی ایران نرسیدند. اردشیر دوم فرمان داد نقش اورا در طاق‌بستان پدید آوردند. چنانکه پیشتر گفته شد سبب این بود که او بطور جنبی از دودمان ساسانی پدید آمده بود. هرگما اردشیر دوم پیش از نشستن بر سریر شاهنشاهی ایران، فرمانروای کوشان بوده و پیروز و هرمز فرزندان او بودند، آنگاه طبیعی است که حقی برای نشستن بر تخت شاهنشاهی ایران نداشتند. گذشته از آن این امری است طبیعی که بهنگام پادشاهی اردشیر دوم بر ایران شاپور سوم فرزند شاپور دوم که بعدها بجای او بر سریر شاهنشاهی ایران نشست فرمانروای کوشان نبود، بلکه فرزندان اردشیر فرمانروای کوشان بودند. اگر این شیوه داوری را ادامه دهیم، آنگاه می‌توان مفهوم نقشی را که بر طاقچه کوچک طاق‌بستان نزدیک نقش اردشیر دوم نقرشده دریافت (شماره ۲۳) د در اینجا تنها دو تصویر که کنار هم ایستاده‌اند دیده می‌شود که یکی شاپور و دیگری شاپور سوم است. تصویر آنان همانند یکدیگر است (تنها تفاوت در



تصویر شماره ۲۴- بهرام، کوشانشاه، ظرف نقره. موزه دولتی ارمیتاژ

افسری است که بر سر نهاده‌اند). کنار هر یک از آنها نوشته‌هایی است (TB I «طاق بستان ۱» و TB II «طاق بستان ۲»). مضمون هر دو نوشته یکی است: کتیبه TB I که کنار تصویر شاپور دوم است حاکمی از عنوان او و نیز نام و عنوان پدر او (هرمزد دوم) و نیای او (ترسی) است. کتیبه TB II «طاق بستان ۲» با همان فرمول (این نوشته بهتر و برتر از کتیبه کنار تصویر اردشیر یکم در نقش رستم است) و حاوی عنوان شاپور سوم و نام و عنوان پدرش (شاپور دوم) و نیای او (هرمزد

(دوم) است.

هر گاه این نقش که بفرمان جانشین اردشیر دوم بر سریر شاهنشاهی ایرانشهر پدیدآمده، بمثابه اشاره ویژه‌ای در باره تاجگذاری اردشیر دوم مورد توجه قرار نگیرد و مفهوم آن بعنوان بیان نظر اصلی جانشین شاهنشاه تفسیر و تعبیر نشود، آنگاه نقشی خارج از سنت و فاقد هر گونه سمبولیسم جلوه خواهد کرد.

پس از مرگ شاپور دوم همانند روزگار بهرام دوم و نرسی باز دشواریهایی در باره جانشین شاهنشاه پدیدار شد در این ذمینه هیچ نوشته‌ای باقی نمانده است، ولی آثاری که مورد بررسی قرار گرفته سبب پیدایش اندیشه‌های درباره های داخلی بخاطر دردست گرفتن قدرت و شهـریاری می‌گردد. در نتیجه مبارزه‌های مذکور اردشیر دوم که بطور جنبی از دودمان ساسانی پدید آمده بود بر تخت شاهنشاهی ایران نشست. چنین بنظر می‌رسد که پیروزیهای او در شرق در کار رسیدن او به تخت شاهنشاهی کم اثر نبوده است. از آن پس خط مشی «قانونی» جانشینی دودمان ساسانی از نو احیا و اردشیر دوم از شاهنشاهی بر کنار شد (از تخت شاهی سرنگون گشت<sup>۴</sup>) و شاپور سوم فرزند شاپور دوم شاهنشاه ایران بر سریر شاهنشاهی نشست و پس از دوران کوتاه فرمانروائی پیروز و هرمزد فرزندان اردشیر دوم بر کوشان، شاهی آن سرزمین به بهرام فرزند شاپور دوم واگذار شد. گمان می‌رود ضرب سکه‌های ذرین و عنوان هرمزد که خودرا («شاهنشاه بزرگ») نامید حاکمی از آن باشد که در آن روزگار شاهزادگان ساسانی که بر سرزمین کوشان فرمانروائی داشتند نسبت به حکومت مرکزی تا اندازه‌ای از استقلال نسبی برخوردار بودند. اگر فرضیه‌ای را که پیشتر از آن یاد شده پذیریم، آنگاه این استقلال بطور کلی مولود تصادمها و مبارزه‌های دودمانی دوران اردشیر دوم بوده است. این نکته شایان توجه است که در ظرف نقره‌ای که پیشتر از آن سخن رفت اردشیر دوم نشانه شهریاری بر سرزمین کوشان را از میترامی

گیرد و بویژه در نقش تاجگذاری اردشیر در طاق بستان که در آن اهورامزدا نشانه (مظہر) شهریاری ایران را به او تسلیم می‌داد نیز تصویر میترآ دیده می‌شود. نکته دیگری که شایان توجه است آنستکه تنها در سکه‌های پیروز و هرمزد (که بنابر فرضیه نامبرده فرزندان اردشیر دوم بودند) همان منظره تاجگذاری ضرب شده است و میترآ «حلقه شهریاری» را به شهریار تسلیم می‌دارد.

\*\*\*

فرمانروائی که سکه‌های «۴» بفرمان او رواج یافت، جانشین بهرام چهارم بر سر بر شاهی کوشان بود. نام این فرمانروای نیز (بهرام) بوده است. او عنوان گذشته را بر سکه‌های خویش همچنان باقی نگاهداشت. ۱. کانینگهام بر آن بود که وی سپس زیر عنوان بهرام پنجم بر سر بر شاهنشاهی ایران نشست. و حال آنکه نوشههای رسمی معتبر چنین یاد کرده‌اند که بهرام پنجم پیش از نشستن بر سر بر شاهنشاهی ایران نزد شاهکان<sup>\*</sup> تازی حیره تربیت یافت. بدین سبب طبیعی تو آنستکه گمان کنیم آن بهرامی که «بزرگ کوشاشاه» بود و سکه‌های ۶/۴ و ۷/۴ بفرمان وی رواج یافت فرزند بهرام چهارم بوده است. در اینصورت دوران فرمانروائی او را بر استانهای شرقی می‌توان از سال ۳۸۹ تا سال ۴۴۰ میلادی دانست.

شاید پس از او نرسی فرزند بهرام پنجم فرمانروائی سرزمین کوشان را بر عهده داشته است. بهر تقدیر بنا بر مأخذ فارسی - تازی (طبری، بلعمی و دیگران) در پایان شاهنشاهی بهرام پنجم فرزندش نرسی عنوان «مرزبان کوشان» داشت. در حال آنکه تا کنون سکه‌ای کوشانی - ساسانی با نام این شهریار ندیده‌ام. ۱ گرچنین سکه‌ای بدست آید، طرح‌مارا تا اندازه‌ای بهتر می‌سازد و دوران طولانی فرمانروائی بهرام را دهها سال کوتاه‌تر می‌کند (اگر مأخذ فارسی - تازی را بپذیریم، آنگاه

\* - شاهکان جمع شاهک و منظور فرمانروایان سرزمینهای بسیار کوچک‌اند. م

فرسی بنا بر معمول باید به نگام پیکارهای بهرام دردههٔ چهارم سدهٔ پنجم میلادی در شرق فرمانروای کوشانشهر باشد.

روزگار فرمانروائی بهرام «بزرگ کوشانشاه» در شرق، دوران ثبات نسبی مرزهای شرقی ایران بود. بنا بر نوشهای پیکار با هفتالیان، او اخیر پادشاهی بهرام پنجم (دردههٔ چهارم سدهٔ پنجم میلادی) روی داده است. به نگام پادشاهی یزد گرد دوم، رویدادهای شرق حدت و شدت خاصی یافت. قیداریان (کیداریان) در پیکار بخاطر سرزمینهای شرق شرکت داشتند ولی یزدگرد بسبب شعله‌ور شدن آتش «جنگهای وردان» در ارمنستان به پیروزی کامل دست نیافت. فرزند یزدگرد دوم هر مزد و بویژه پیروز در پیکار بخاطر تاج و تخت ایران بویژه بر هفتالیان تکیه داشتند. نام هر مزد و پیروز دو فرزند یزدگرد در آخرین انواع سکه‌های کوشانی-ساسانی دیده شده است و بدستی می‌توان چنین پنداشت که سکه‌های ۷/۸ پیش از سال ۴۵۷ میلادی (عهد نشستن هر مزد سوم بر سریر شاهنشاهی ایران) و سکه‌های ۷/۹ پیش از سال ۴۵۹ (سال تاجگذاری پیروز) ضرب شده باشد.

## بخش هفتم

### سکه ها و نقشه های بر جسته اوایل شاهنشاهی ساسانیان سکه های ساسانی

مجموعه سکه های ساسانی موزه دولتی ارمیتاژ و موزه دولتی تاریخ پیش از دوازده هزار بر آورده شده است که از آن جمله اند سکه های طلا و نقره و برنز ساسانی. مجموعه های شخصی بزرگ پ. ای. زوبوف<sup>\*</sup> (این مجموعه حدود پنج هزار سکه بود که اکنون جزء مجموعه موزه دولتی تاریخ است)، زنرال آ. و. کوماروف<sup>\*</sup> زنرال آجودان ای. آ. بارتولومه<sup>\*\*</sup>، ن. پ. لیخاچوف<sup>\*</sup> (که اکنون جزء مجموعه موزه دولتی ارمیتاژ بشمارند) و مجموعه های دیگر نیز در زمرة مجموعه سکه های این دو موزه درآمدند. می توان گفت آخرین و یکی از بزرگترین مجموعه های که سبب تکمیل مجموعه سکه های موزه دولتی ارمیتاژ شد مجموعه سکه های داشمند خاورشناس و سکه شناس مشهور ای. آ. پاخوموف<sup>\*</sup> است. ای. آ. پاخوموف مجموعه های خویش را به چند موزه اتحاد شوروی، از جمله مجموعه سکه های ساسانی خود را (که شامل بیش از هفتصد سکه بود) به موزه دولتی ارمیتاژ اهدانمود [ر. ل. ۵] بخشی از سکه های ساسانی موزه دولتی ارمیتاژ و موزه دولتی تاریخ پیشتر

P. I. Zubov - \*  
A.V. Komarov - \*\*  
I.A. Bartolome - \*  
N.P. Likhatchov - \*  
I.A. Pokhomov - \*

انتشار یافت. برای نمونه در فهرستی که بسال ۱۸۸۸ میلادی از جانب ب. دورن<sup>\*</sup> انتشار یافت می‌توان با مجموعه سکه‌های بار تولمه آشنا شد. در فهرست ب. دورن از روی سکه‌ها نقاشی شده که اغلب فاقد دقت کامل است و نه تنها در باره ویژگی‌های تصویرها، بلکه حتی در باره مضمون نوشته‌های سکه‌ها نیز تصوری تقریبی پدید می‌آورد.

جدول‌های فهرست ب. دورن پس از سوی ف. پاروک<sup>\*</sup> در فهرست مشهورش زیر عنوان «سکه‌های ساسانی» مورد استفاده قرار گرفت [۱۲۲]. سکه‌های جدا گانه‌ای از مجموعه آ. و. کوماروف و سیله آ. ک. مارکوف<sup>\*</sup> انتشار یافت [۱۲۱]. در نوشتۀ ر. واسمیر<sup>\*</sup> زیر عنوان «سکه‌های ساسانی ارمنیاز» [۱۵۲] چند سکه‌کمیاب از اوایل شاهنشاهی ساسانیان تصویر شد. بخش اعظم سکه‌های اردشیر یکم از مجموعه سکه‌های ارمنیاز چندی پیش انتشار یافت [۱۸، ۲۵، ۳۸ (متن)، ۶۹ - ۷۰ (فهرست)، جدول ۱-۴]. همه نشانه‌های نامبرده بیش از یک چهارم سکه‌های ساسانی موزه دولتی ارمنیاز را در بر نمی‌گیرد.

مجموعه پ. و. زوبوف که اکنون بطور کلی در موزه دولتی تاریخ نگاهداری می‌شود بیشتر از راه خرید سکه‌ها در حراجه‌ای گونه گون گرد آورده شد. گمان می‌رود بخشی از مجموعه آ. موردتمنان و آ. زام بائوئر و مجموعه چند تن از کلکسیونرهای خصوصی در باختر نیز در زمرة مجموعه اورآمده باشد موردتمنان سکه‌های مجموعه خود را در کتابی زیر عنوان «Zur Pehlevi Münzkunde» (سکه‌شناسی پهلوی) [۱۲۴] منتشر کرد. ولی کیفیت نامطلوب نسخه برداری وعدم دقت در تصویرها امکان درک این نکته را دست کم در باره بخش اعظم سکه‌ها بهم‌با نمی‌دهد که از

---

B.Dorn - \*

F.Paruk - \*

A.K. Markov - \*

R.Vasmer - \*

کدامیک از سکه‌هایی که اکنون جزء مجموعه موزه دولتی تاریخ است نسخه برداری شده است. همچنین نمی‌توان بطور دقیق معلوم داشت که آیا مجموعه برخی از سکه‌های کمیاب ما در تصویرهای تهیه شده ازسوی دمور گان منعکس شده است یا نه [۶۶]؟

بدین روال تصور می‌رود باید چنان دانست که مجموعه سکه‌های موزه دولتی ارمیتاژ و موزه دولتی تاریخ بطور کلی هنوز بر دانشمندان روشن و معلوم نشده است.

بعکس مجموعه سکه‌های ساسانی برخی از موزه‌های اروپای باختصاری و امریکا تا کنون چندین بار انتشار یافته‌اند. بخش اعظم این سکه‌ها در فهرست ف. پارولک منتشر شده و وی مدعی است که مجموعه انتشار یافته از سوی او مجموعه کاملی از سکه‌های اوایل شاهنشاهی ساسانیان است<sup>۱</sup>.

د. گوبل بتقریب همه این مجموعه‌هارا (که حدود چهار هزار سکه بود) در تهیه کتاب خود زیر عنوان «Aufbau der Münzprägung» ( نقشه‌ای سکه‌ها ) [۸۳] مورد نظر قرار داد.

برای پژوهش دوره‌ای که کتاب نامبرده درباره آن بهره‌شده نگارش درآمده بتقریب از چهار هزار سکه مجموعه‌های موزه دولتی ارمیتاژ و موزه دولتی تاریخ وحدود هزار سکه از مجموعه‌های موزه بریتانیا، موزه لوور و انجمنهای سکه‌شناسی امریکا و دیگر مجموعه‌های کوچکتر استفاده شده است<sup>۲</sup>.

وظیفه‌ای که نگارنده در تدوین این بخش کتاب برابر خویش نهاد بمراقب خردتر از وظیفه تدوین فهرست سکه‌ها است. با در نظر گرفتن اهمیت سکه‌های

۱- ارزیابی د. فاسمن درباره فهرست ف. پارولک (ترفه)، ۱۹۲۸

۲- بدینهی است اکنون مهمترین وظیفه، انتشار فهرست کاملی از سکه‌های ساسانی موزه‌های شوروی است که بیش از سه‌برابر مجموعه‌های اروپا است. اکنون فهرست این مجموعه‌ها توسعه م. ای. کامر کارمند موزه دولتی هنر عای زیبا بنام ا. س. پوشکین و نگارنده کتاب جهت چاپ آمده می‌شود.

اوایل شاهنشاهی ساسانیان بهنایه مأخذ تاریخ تمدن ساسانی و با در نظر گرفتن اهمیت آنها در تعیین تاریخ پیدایش برخی از آثار فرهنگ مادی چنین می‌پندارم که ارائه شرحی کلی در باره سکه‌های اوایل ساسانی ضرور است. کوشیدم تا این بخش بطور کلی به مسائل ترتیب و تنظیم زمانی سکه‌ها اختصاص یابد. در اینجا برخی مسئله‌ها که باید در فهرست روشن شود از جمله: سامان دادن به کار سکه‌ها، شیوه ضرب، مقیاس وزنها و اصلاحات پولی وغیره بیکسونهاده شده است. برای آسانی کار برخی نامها مختصر و به کوتاهی یاد شده اند که بشکل زیر است:

Dr – دینار؛

D – درهم؛

M – سکه مسین («چهار درهمی» که وزن آن حدود ۱۶ گرم است).  
انواع رویه‌های سکه‌ها با رقمهای رومی - و شکل‌های گونه‌گون هر یک از این انواع با حرفها و انواع پشت سکه‌ها با رقمهای معموله اروپائی ارائه شده است .  
در شرح مر بوط به سکه‌هایی که در این کتاب آورده شده، از وزن سکه‌ها بطور دقیق بر حسب گرم و از اندازه‌های آن بر حسب میلی‌متر و نیز از محورهای رویه و پشت سکه‌ها (بر مبنای حر کت عقره ساعت طی حر کت از شماره یکتا دوازده جهت محور رویه سکه‌ها پذیرفته شده) سخن رفته است.

\*\*\*

سکه‌های ساسانی بر روی سه فلز؛ طلا، نقره و برنز ضرب شده‌اند. بطور عمده سکه‌های ساسانی عبارتند از درهمهای نقره که وزنشان دو تا است: سکه‌های اوایل (سکه‌های پاپلک، شاپور و اردشیر یکم را باید از سکه‌های اوایل شمرد) که معادل سکه‌های نقره رایج در پارس است، و سکه‌های متاخر (سکه‌های اواخر شاهنشاهی اردشیر یکم و دیگر شاهنشاهان ساسانی) که برابر درهمهای آتیک (Atique) اند. تحول سکه‌ها به سیستم دو فلزی در عهد اردشیر یکم (رایج ساختن

دینارهای طلا) دگر گونیهای در وزن درهمها پدید آورد.

وزن سکه‌های طلای ساسانی در سده‌های سوم و چهارم میلادی به اندازه وزن سکه‌های آورئوس رومی بود. بعدها وزن سکه‌های نامبرده کاهش بسیار یافت. سکه‌های بر نز ساسانی وزن پایداری نداشت. یکی از سکه‌های بسیار رایج روزگار ساسانی سکه‌های چهار درهمی مسین بود که به سکه‌های  $\frac{1}{2}$  و  $\frac{1}{4}$  نیز تقسیم شده بود (وزن سکه‌های مسی بزرگ حدود ۱۶ گرم است). تنها در سده سوم میلادی سکه‌های سنگینی (حدود ۱۶ گرم) از مخلوطی از بر نز و سرب رواج یافت.

در طول سده‌های سوم و چهارم میلادی سکه‌های کوچک  $\frac{1}{2}$  درهمی و  $\frac{1}{4}$  درهمی نیز رایج بود. سکه‌های  $\frac{1}{4}$  درهمی را «دانک» (دانه - م) می‌نامیدند. درهم، واحد پول و وزن بشمار می‌آمد. مؤید این نکته نوشته‌های است که بر فلزهای قلمزدۀ عهد ساسانی دیده شده است [۱۵]. در نوشته‌ها وزن ظرفها به درهم آمده است (dr' m; dr' msng; ZWZN; ZWN sng - درم سنگ؛ زوزن؛ وزن سنگ) و از همینجا روشن شده که وزن «دانک» شش دهم گرم بوده است.

\*\*\*

یکی از ویژگیهای سکه‌های ساسانی تصویرهای یکسان بر رویه و پشت

۳- چنانکه در جدول آماری آمده، وزن سکه‌های اردشیر دوم را به مرحله می‌توان تقسیم کرد؛ مرحله یکسیم دوره ضرب سکه‌های نوع Ia و IIa و IIc و IIb است (شرح انواع سکه‌ها پالین تر آمده است) که میزان افزایش وزن درهمها  $\frac{2}{55}$  گرم تا  $\frac{2}{88}$  گرم یعنی حدود وزن متوسط سکه‌های نقره پارس بوده است. مرحله دوم شامل دیگر انواع سکه‌ها است. میزان افزایش وزن این سکه‌ها از  $\frac{4}{10}$  گرم تا  $\frac{4}{30}$  گرم است که در آن وزن متوسط حدود  $\frac{1}{6}$  گرم درم که یکی از نرخهای اوایل ساسانی است) افزایش یافته است. در روزگار اردشیر سکه‌های طلای ساسانی هموزن سکه‌های آورئوس رومی بود.

سکه‌ها بود که در آنها تصویر نیم تنهٔ شاهنشاه در سمت راست نقش می‌شد.<sup>۴</sup> گاه در سکه‌های ساسانی نقش شاهنشاه و جانشین او و یا تصویر سه گانهٔ شاهنشاه، بانوی باونان و جانشین شاهنشاه (که تنها ویژه سکه‌های بهرام دوم است) نقش می‌شد. در نوشتهٔ دایره‌ای شکل گرد سکمه‌ها بنا به معمول نام و عنوان رسمی شاهنشاه ضرب می‌شد. از زمان پادشاهی شاپور یکم تا پایان روزگاری که در این کتاب از آن بحث شده است، برپشت سکه‌ها تصویر آتشگاه دیده می‌شود: در این تصویرها ستونی با سرستون و پایی ستون بشکل چندقطعه راست‌گوش وزبانه‌های آتش که از سرستون بر خاسته دیده می‌شود. در دوسوی آتشگاه تصویرهای شاهنشاه و ایزدان گوناگون (اهورامزدا، میترا، آناهیتا) نقش شده است. برپشت سکه‌ها منظرة آتشکده ویژه تاجگذاری که در آن مراسم «تاج‌بخشی ایزدی» انجام می‌شود تصویر شده است. در این مراسم شاهنشاه از سوی ایزد بزرگ زرتشیان به شهریاری ایران بر گزیده می‌شود. گذشته از نوشته پشت سکه که نام آتشکده در آن پادشاه، آتشکده‌ای در پیشاپور وسیله باستان‌شناسان کشف شده که بدین گونه است و در آن دوستون در دو سوی آتشگاه نهاده شده است. روزگاری بر ستونه‌ها دو پیکر بود؛ یکی پیکر شاپور یکم (نوشته روی ستون گواه این امر است) و دیگری شاید پیکرۀ اهورا. مزدا].<sup>[۸۰]</sup>

تصویر شاهان و ایزدان گوناگون برپشت سکه‌های ساسانی از آغاز تا روزگار پادشاهی هرمزد دوم روشن و مشخص است. بهنگام پادشاهی هرمزد دوم این مجموعهٔ تصویرها و نقشها تغییری نیافت، ولی بر شعله‌های آتش آتشدان تصویری

<sup>۴</sup> در سکه‌های ساسانی وقتی شاهی در سمت چپ تصویر می‌شد نشانهٔ وابستگی او به شاهنشاه و در عین حال داشتن حق ضرب سکه بود. اگر شاه در سمت راست تصویر شده باشد این نشانه عدم وابستگی او است. در برخی از سکه‌ها اردشیر یکم بهرام پدرش پایاک تصویر شده است. تصویر پایاک که از فرمانروایان وابسته به دادوان بنجم بود در سمت چپ سکه است، در این سکه اردشیر که عليه خداوند خویش شورید از روبرو تصویر شده است [ر.ک، ۳۸، ۲۶۱-۲۶۲].

از سر ایزدان پدیدار گشت. بهنگام پادشاهی شاپور دوم آتشگاههای را می‌بینیم که همانند پشت سکه‌های اردشیر یکم که از صحنه‌های معموله اوایل ساسانی است («آتشگاه» با شعله‌های آتش بدون «تصویری در برابر آن») و نیز همانند پشت سکه‌های هرمزد دوم (که سر ایزدان از میان شعله‌های آتش برآمده) تصویر شده‌اند. این تصویرها از تصویرهای معموله برپشت سکه‌های اردشیر دوم و شاپور سوم است. بعد از تصویرها پشت سکه‌ها که سخت‌سطحی شده بودند شکل سنتی بخود گرفتند، ولی صحنه آن دارای هیچ‌گونه مفهومی نیست.

چنان‌که پیشتر یاد شده بر روی سکه‌های ساسانی «تصویر رسمی» شاهان با نشانه‌های ویژه شهریاری - افسر شهریاری (ویژه هر یک از شاهان) وزیورهای خاص (نووارها، گوشواره‌ها، گردن‌بندها از سده چهارم میلادی) ضرب شده است. همه این نشانه‌ها و پیش از همه افسر شهریاری جنبه مظہری بغيرنجی داشتند که با آئین زرتشت پیوند دارد. چند اثر ویژه به نشانه‌های افسر شهریاری ساسانیان اختصاص داشته که مشروح ترین آنها در مقاله مبسوط لک. اردمَن<sup>\*</sup> است [۸۶]. در این مقاله افسر شاهی ساسانی از نظر جنبه مظہری آنان و اجزاء آن طبقه‌بندی شده است. اردمَن افسرهای شهریاری اوایل روزگار ساسانی را جدا گانه بررسی کرد و خاطر نشان ساخت که نخستین مرحله پیشرفت سمبولیسم در آغاز شاهی بهرام چهارم (سال ۳۸۸ میلادی) پایان می‌پذیرد.

بر افسرها شاهی اوایل روزگار ساسانی مظاهر این ایزدان پدید آمد: اهورامزدا (بر افسر شهریاری یکی از انواع سکه‌های اردشیر یکم، شاپور یکم و شاپور دوم)، میترا (بر افسر شهریاری بهرام یکم با شاععهای بزرگ در سرش)، اناهیتا (بر افسر شاهی نرسی، شاپور سوم و شاید هرمزد اردشیر) و ورثوغن (بر افسر شهریاری بهرام دوم و هرمزد دوم و یکی از انواع سکه‌های شاپور یکم).

مظہر‌های این ایزدان که بر افسر‌های شاهی ساسانی تصویر شده با تصویر-های خود ایزدان بر پشت سکه‌ها آمیختگی زیبائی دارند: اهورامزدا (بر سکه-های شاپور یکم و شاپور دوم تنها اهورامزدا تصویر شده است)، میترا (بر سکه‌های هرمzed یکم، بهرام یکم و بهرام دوم)، اناهیتا (بر سکه‌های هرمzed یکم و بهرام دوم). از زمان پیدایش مظاہر و دروغن بر افسر شهریاری شاهان ساسانی (بالهای پرنده و رغن) نقش و نگارهای<sup>۵</sup> شبیه حیوانها بعنوان مظاہر شخصیت مذهبی و روحانی ایزدان گوناگون پدیدار گشت. بدین روای تصویرهای رویه و پشت سکه‌های ساسانی بطور دقیق نمودار کلیه دگر گونیهای حاصله در ایدئولوژی و تغییر-های پدید آمده در هنر ساسانی است. پیشتر، این جنبه از دوراه جدا از یکدیگر شرح داده شد که یکی نوشته‌ها و دیگری آثار فرهنگی است. سکه‌ها گوئی حلقه پیوند دهنده این دو راهند که همه جریانها را روشن می‌کنند و مرحل جدأ گانه آنها را به نحوه‌ای دقیق‌تر معلوم می‌دارند.

\*\*\*

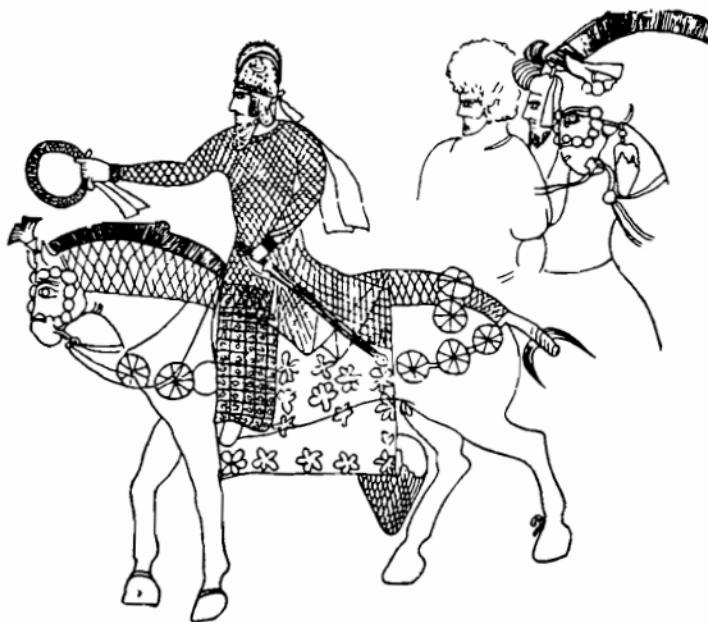
بدین روای همه سکه‌های ساسانی، منتشره در عهد پادشاهی یکی از شاهان، ثبات اجزاء اصلی رویه سکه (افسر شاهی و دیگر نشانه‌های شهریاری و نوشته‌ها) و پشت سکه (آتشگاه، تصویر ایزد و شاه، و نوشته) جنبه‌کلی و عمومی دارد. در سکه‌های اوایل ساسانی بنا به معمول نام محل ضرابخانه دیده نمی‌شود (نام ضرابخانه‌ها از روزگار شاهنشاهی بهرام دوم گه گاه بر سکه‌ها پدید آمد و از سده پنجم میلادی جنبه حتمی بخود گرفت). از این رو با وجود تعین تفاوت در تصویرهای رویه و پشت سکه‌ها و معلوم داشتن تفاوت‌های چشمگیر (دگر گونیهای شکل افسر شهریاری، مضمون نوشته‌ها، شکل آتشدان، تصویر ایزد کنار آتشگاه) و ناچشمگیر (شیوه و یا طریقه چهره سازی، شیوه تصویر پوشاك و غیره) از روی

۵ - برای اطلاع بیشتر در این ذمینه ر.ک، بهبخش سوم کتاب.



تصویر شاره ۲۵ - پاپک، اقتباس از نقاشی تخت جمشید

قرینهای ذهنی نمی‌توانیم بدانیم که این تفاوتها بسبب خودسری قالب زنان سکه‌ها پدید آمده، یا اینکه رسمها و سنتهای ضرایخانه‌های گوناگون و یا سفارشی دولتی سبب این تفاوتها بوده است. در ضمن هر گاه همه مطالب مربوط به هنر رسمی ساسانی و نوشته‌های رسمی ساسانی را که پیشتر یاد شده مورد نظر قرار دهیم و عوامل پیشرفت این هنر را روشن کنیم و هر گاه توجه کنیم که بر رویه و پشت سکه‌ها مظاهر دینی تصویر شده‌اند، آنگاه می‌توان دریافت که دگر گونی برخی از اجزاء تصویرهای رویه و پشت سکه‌ها بدستور دولت بوده و ارتباطی به سنتهای ضرایخانه‌ها



تصویر شاره: ۲۵ - شاپور. اقتباس از نقاشی تخت جمشید

ویا تهیه کنندگان قالب نداشته است. اجزاء نامبرده از اینه را دند: رویه سکه - نوشته (عنوان رسمی شاهنشاه)، افسر شهریاری (اجزائی که جنبه مظہری داردند)، پشت سکه - نوشته (نام رسمی آتشکده‌ای که شاه در آن تاج بر سر نهاد). تصویر-های کنار آتشگاه (شاهنشاه و ایزدان گونه گون) و شکل آتشگاه.

از پژوهش سکه‌های ساسانی، بویژه سکه‌های آن دوره‌ای که نوشتن نام ضر ابخانه های گوناگون بدرسم و قاعده بدل شده بود نکته دیگری نیز روشن می گردد که تا اندازه‌ای غیرمنتظره است، و آن اینسکه برخی تقاوتهای کوچک در شیوه، ارتباطی با محل ضرب سکه‌ها ندارند. بنظر نگارنده سبب همگونی نقش قالب

سکه‌هارا که درمرا کز گونه گون پدیدآمده باید آن دانست که استادان باقالبهایی که برای سراسر سرزمین زیر فرامازوائی ساسانیان تهیه شده بود و اغلب دستخوش دگر گونی می‌گشت سرو کار داشتند و از قالبها بطور دقیق نمونه بر می‌داشتد. اینکه در اواخر شاهنشاهی ساسانیان شماره‌مرا کز ضرب سکه بسیار (و حدود دویست مرکز) بود مؤید این نکته است. برای اثبات این فرضیه باید مدارک و سکه‌های اواخر شاهنشاهی ساسانیان مورد بررسی دقیق قرار گیرد.

طبقه‌بندی جزء به جزء و دقیقی که همه تفاوت‌های موجود در سکه‌ها (تفاوت‌های موجود در نقشهای قالبها) را مورد بررسی قرار دهد در هر حال باید با دلیل‌ای روشن همراه باشد و ارتباط آنها با سکه‌های منتشره در زمانهای مختلف و سرزمین‌های گونه گون در نظر گرفته شود. این وظیفه‌ای است دشوار. زیرا بهنگام بررسی مجمومو عههای بزرگ سکه‌های ساسانی، سکه‌های جدا گانه‌ای را مشاهده نمودم که تنها با یک قالب رویه سکه‌ها و یا قالب پشت سکه‌های ساسانی ضرب شده بودند و حتی یکبار هم دیده نشد که قالبهای زوج همگون برای چند سکه بکار رفته باشد. ضرب مجدد نیز بسیار به ندرت دیده شده است. بدین سبب روشن ساختن حد و میزان جور کردن و معلوم داشتن «نوع اصلی» و «نوع فرعی» برای رویه و پشت سکه‌های ساسانی حائز اهمیت بسیار است.

دگر گونیهای جزئی در شیوه وویژگیهای تصویر و نوشته سکه‌ها (از جمله نمونهای روشنی نظر وجود و یا عدم نوار برستون آتشدان، خصیصه تصویر نوع پوشش، وضع شمشیر و کمر «کسانی که ایستاده‌اند» وغیره) می‌توانست هر بوط به تهیه‌کننده نقش قالب و یا سنت کارگاه ضرب سکه و یا اینکه نمودار تفاوت قالبها باشد. چنانکه پیشتر گفته شد گمان می‌رود بخشی از این تفاوت‌ها هر بوط به تفاوت های زمانی باشد که گاه در سکه‌های اویل ساسانی مشهود است. ولی این مسائل بطور کلی بخشی از کتاب فهرست جامع سکه‌ها است که در

آن شرح همه سکه‌ها و تصویر بیشتر آنها و وزن و تکنیک ضرب آنها نشان می‌دهند که ما با چه دگر گونیه‌ای (زمانی و یا ناحیه‌ای) سروکار داریم. در آن کتاب واژه «سری» را از نظر نزدیکی بهشیوه سکه بطور مشروط ذکر خواهم نمود.

در این کتاب دگر گونیه‌ای حکومت که در قالبها منعکس شده مورد نظر ماست. در اینجا نهمه‌دگر گونیها، بلکه تنها دگر گونیه‌ای حاصله در اجزاء عمدۀ و اصلی را مورد توجه قرار می‌دهیم. اینها دگر گونیه‌ای زمانی هستند. نشانه‌ای عمدۀ ای که انواع اصلی رویه سکه‌هارا از یکدیگر مجزا می‌سازند، افسرهاشی، و نشانه‌هائی که انواع فرعی را از یکدیگر متمایز می‌سازند، نوشته سکه‌ها و اجزاء تصویرهای گوناگون افسرشاهی و دیگر نشانه‌های شهریاری است.

نشانه‌های عمدۀ ای که انواع اصلی پشت سکه‌هارا از یکدیگر متمایز می‌سازند تصویر ایزدان (و در برخی موارد بسیار نادر - شاهنشاه) - و شخصیت‌هائی است که شاهنشاه تصویر شده بر روی سکه از اوی مظہر و نشانه شهریاری را دریافت می‌دارد. انواع فرعی پشت سکه‌ها با نشانه‌های جدا گانه بر صفحه پشت سکه از یکدیگر متمایز می‌شوند.

تقسیم‌بندی انواع اصلی و فرعی برای هریک از سکه‌های شاهنشاهان جدا گانه در نظر گرفته شده است. در ضمن ترتیب زمانی آنها نیز روش می‌شود. برای تعیین ترتیب زمانی از مآخذ گونه گون (نوشته‌ها و اشیاء) استفاده شده است. بررسی سکه‌های ساسانی نشان می‌دهد که حسب القاعده چند نوع اصلی رویه سکه‌ها با یکی از انواع اصلی پشت سکه که کمتر دستخوش دگر گونی شده مطابقت یافته‌اند. بدین سبب بعنوان معیار اصلی برای ترتیب، از جوهر کردن انواع اصلی رویه‌ها استفاده شده است. نتیجه در جدولهای که می‌توانند روش کننده باشد آمده است.

نشانهای گوناگونی که بر سکه‌های اوایل شاهنشاهی ساسانیان ضرب شده خود رشته دیگری در کار پژوهش سکه‌ها است. نشانهای مورد گفتگو در نخستین سکه‌های دولت ساسانی پدید آمده و تا پایان سده سوم و آغاز سده چهارم میلادی ادامه داشته است. نشانهای ضرب شده بر رویه و پشت سکه‌های ساسانی را می‌توان بهدو گروه بخش کرد.

### گروه یکم

نشانهایی است که دارای اهمیت ویژه (مظہری) هستند. این نشانه‌ها بر چهار گونه‌اند: مظہر فره ایزدی، «مظہر وجود جسمانی»، نشانه هلال ماه که ستاره ای بر آن قرار گرفته، و سه نقطه که یاد آور مظہر بودائی «سه‌گوهر» است. اکنون مشکل بتوان گفت که نشانه‌های نامبرده چه مظاهری بوده‌اند. برخی از آنها از جمله «مظہر فره ایزدی»، و یا «مظہر وجود جسمانی» در روز گار هخامنشیان وجود داشتند و یا اینکه (هلال و ستاره) از مظاہر پارتیان بوده است. گذشته از مفهومهای نشانه‌های نامبرده در روز گار پیش از ساسانیان و اینکه آنان مظاہر چه‌چیزهای بوده‌اند، می‌توان خاطرنشان ساخت که «مظہر فره ایزدی» در سده سوم میلادی نشانه ویژه شاهنشاه ایران بود و «مظہر وجود جسمانی» نشانه ویژه جانشین شاهنشاه بشمار می‌رفت و «هلال و ستاره» نشانه ویژه فرمانروای (شهردار) پارس بود. این نتیجه از بررسی تصویرهای نقشای بر جسته بر صخره‌ها و حکاکی بر سنگهای نیمه گرانبها و سکه‌ها بدست آمده است. علی‌که موجب پیدایش این نشانه‌ها بر سکه‌های گوناگون شده اند هنوز روشن نیست. ولی برای آنکه مسائل مورد نظر در آینده روشن شود لازم است همه رویدادهای مر بوط به ضرب نشانه‌های نامبرده بر سکه‌ها و جایگاه نشانه‌های مذکور در مجموعه تصویرها و آمیختگی آنها با دیگر نشانه‌ها مذکور افتد.

برای تسهیل در بیان، از نشانه‌های زیر یاد می‌کنیم.

## رویه سکه

- ۱ - نشانه شاهی در میان سکه (نزدیک افسر شهریاری)،
- ۲ - نشانه شاهی بر گوی افسر شهریاری،
- ۳ - نشانه شاهی بر شانه (یا شانه‌های) شاه،
- ۴ - نشانه جانشین شاه بر شانه شاه،
- ۵ - هلال ماه و ستاره بر گوی افسر شهریاری،
- ۶ - سه نقطه در میان سکه

## پشت سکه

- ۱۰ - نشانه شاهی برستون آتشگاه،
- ۲۰ - نشانه شاهی در سمت چپ شعله‌های آتش آتشگاه،
- ۳۰ - نشانه شاهی در سمت راست شعله‌های آتش آتشگاه،
- ۴۰ - نشانه جانشین شاه در سمت راست شعله‌های آتش آتشگاه،
- ۵۰ - هلال ماه بر بالای سرشاه ویا ایزد،
- ۶۰ - سه نقطه برستون آتشگاه،
- ۷۰ - نشانه جانشین شاه برستون آتشگاه
- ۸۰ - سه نقطه در سمت راست و یا چپ شعله‌های آتش.

نشانه‌های این گروه بر سکه‌های اردشیر یکم دیده شده است.

در تصویرهای پاپلک پدر اردشیر یکم که شاه پارس بود، نشان شاه پارس بر کلاه پاپلک دیده می‌شود که هلال ماه با نقطه‌ای (ستاره‌ای) بر آن است (نشانه ۰۵). این نشانه جز بر رویه سکه‌های نوع یکم اردشیر یکم (با تصویر چهره اردشیر یکم بر رویه سکه و چهره پاپلک بر پشت سکه که بنا به معمول نشانه‌های تاجگذاری اردشیر و پاپلک - نشانه‌های شاهان پارس - است) بر یکی از آخرین انواع سکه‌های اردشیر یکم (۲/۷۸) و سکه‌های شاپور یکم (۱/۱۰; ۱/۱) دیده شده است.

بر دیگر انواع سکه‌های شاپور یکم این نشانه همراه با نشانه‌های شماره ۳۰ و یاشماره ۲۰ (برای  $I\ b/2$ ،  $I\ c/2$  و  $I\ e/2$ ) و نشانه‌های ۴۰ و ۲۰ (برای نوع  $I\ c/2$ ) است. از آن پس این نشانه بر سکه‌های شاهان ساسانی ضرب نشد.

بدین روال بهنگام پادشاهی شاپور یکم با تصویر این نشانه برابر خی از سکه هائی که جزء همه انواع منتشره در عهد او بشمارند مواجه می‌شویم. چنانکه در آینده روش خواهیم کرد این سکه‌ها متعلق به یک ضرایخانه و یک زمان نیستند. این سکه‌ها در سالهای گوناگون پدید آمدند. از این رو پیدایش نشانه ۵۰ بر سکه‌های شاپور یکم با بدای علل تاریخی معینی مربوط باشد که هدفش نشاندادن نقش پارس در نشانه‌های تاجگذاری شاهان پارس بوده است.

نشانه ۱۰ نیاز زمان پادشاهی اردشیر بر سکه‌ها پدید آمد. بهنگام پادشاهی اردشیر یکم تنها یکنوع از سکه‌ها آنهم نوع  $Va/2$  (Va) و بهنگام پادشاهی شاپور یکم انواع سکه‌های  $Id/2$  و  $Id/1$  دارای این نشانه بودند. بهنگام پادشاهی بهرام یکم این نشانه تنها بر سکه‌های که دارای نوشته شماره ۱ بودند (نوشته دو سطری که چنانچه خواهیم آورد بشکل اعلامیه بوده است) دیده شده که با نشانه شماره ۱۰ نشانه‌های ۲۰ و ۳۰ و یا نشانه شماره ۴۰ همراه است. در روزگار بهرام دوم این نشانه با نشانه‌های ۱۰، ۲۰-۳۰ و یا ۴۰ همراه بود و آنچه که بویژه چشمگیر است آنستکه گاه بر سکه‌هایی که پشت آنها کنار شعله‌های آتش آتشگاه حرفاً هائی ضرب شده دیده شده‌اند. چنانکه خواهد آمد این حرفا نشانه‌هایی از ضرایخانه‌های گوناگون بودند. بدین روال در این مورد نیز فرضیه مربوط به اینکه سکه‌های دارای اینگونه نشانه‌ها در ضرایخانه واحدی ضرب شده‌اند مردود شمرده می‌شود.

وجود این نشانه بر سکه‌های بهرام یکم همراه با نوشته‌ای که منظور از آن اعلام هدف و نظر ویژه‌ای بوده گمان می‌رود نمودار اندیشه و مفهوم مشابه درجای

دادن این نشانه بر سکه‌ها باشد. بهر تقدیر این اندیشه پیش از پادشاهی به‌رام دوم روشن بوده است. پس از پادشاهی به‌رام دوم، بر سکه‌ها نشانه شماره ۱۰ پدید آمد که ناروشن است.

نشانه شماره ۲۰ تنها بر سکه‌های به‌رام یکم دیده شده است. گاه این نشانه جدا و گاه همراه با نشانه ۴۰ بوده است. بعدها نشانه ۲۰ مفهوم اعلامیه‌ای را بخود گرفت که گمان می‌رود با پیکارهای شدید عهد به‌رام یکم و نرسی بخطاطر تخت و تاج مربوط باشد.

نشانه ۳۰ بر سکه‌های اردشیر یکم (نوع ۲/Va) و بر سکه‌های هرمزد اردشیر دیده شده است. هرمزد اردشیر در نخستین سکه‌ای خویش، خودرا «بزرگ ارمنستان شاه» نامید.

نشانه ۴۰ از عهد پادشاهی اردشیر یکم (یکی از انواع سکه‌های اوایل سده سوم میلادی) تا عهد شاپور سوم و شاید هم پس از او بر سکه‌های ساسانی ضرب شده است. اهمیت آن ناروشن است. بهر تقدیر اطلاع کافی برای مربوط ساختن نشانه های نامبرده با مظاهر «سه گوهر» بودائی در دست نیست و نمی‌توان سکه‌های دارای این نشانه را از زمرة سکه‌های شرق ایران دانست. نشانه شماره ۸۰ بر پشت سکه‌های نوع یکم ۲/I که از سکه‌های شاپور یکم است دیده شده است. بهنگام پادشاهی به‌رام دوم این نشانه بر چند نوع سکه مشاهده شده است.

نشانه‌های پشت سکه در روز گار شاپور یکم بر سکه‌های ساسانی پدید آمده و گاه جدا و گاه همراه با برخی نشانه‌های رویه سکه‌ها است. ولی این آمیختگی امکان نمی‌دهد که علل آن روشن گردد و مفهوم دگر گونیهای رویه و پشت سکه‌ها که در بسیاری موارد گوناگون است معلوم شود. گمان می‌زود بتوان چنین پنداشت که تغییر تصویرها، نشانه‌ها و نوشه‌های رویه سکه‌ها بطور کلی با رویدادهای سیاسی مربوط بوده است، و حال آنکه دگر گونیهای پشت سکه‌ها با اصلاحات

دینی رابطه داشته است. جریان از میان رفتن تدریجی مفهوم نشانه‌های پشت سکدها بسیار چشمگیر است. بهنگام پادشاهی به‌رام دوم برخی از این نشانه‌ها بر هر سکه‌ای ضرب شد. این نکته درمورد نشانه‌های ۴۰، ۳۰ و ۷۰ عمومیت یافت و بهنگام پادشاهی نرسی شکل قانونی بخود گرفت و در همه سکه‌های پادشاه جنبهٔ حتمی و ضروری کسب کرد. مشابه این وضع درمورد نشانه‌های ۷۰ و ۸۰ پدیدآمد. این نکته چشمگیر است که در دوران پادشاهی نرسی همه نشانه‌ها (جز نشانه ۰۶) از میان رفته‌اند.

### گروه دوم

نشانه‌هایی است بشکل نقطه که بر رویه و پشت سکدها ضرب شده است. علل ضرب این نقطه‌ها و نیز سمت و جهت جستجوی علل مذکور ناروشن است. اما با اطمینان بیشتری می‌توان چنین انگاشت که این نشانه‌ها دارای اهمیت مظہری نبوده‌اند. در جدول‌ها این نشانه‌ها بصورت‌های زیر آمده‌اند (در پایین نشانه‌هایی که اغلب بر سکدها ضرب شده آورده می‌شود).

#### رویه سکه‌ها

- ۱ - نقطه‌های اطراف نوار،
- ۲ - نقطه‌های اطراف دندانه چپ،
- ۳ - نقشی شامل سه نقطه که چند بار بر گوی افسرشاهی مکرر گشته است،
- ۴ - نقطه‌های اطراف دندانه چپ افسر شهریاری،
- ۵ - نقطه‌های زیر نوارها.
- ۶ - سه نقطه بر دندانه.

#### پشت سکه‌ها

- ۱ - نقطه‌های سمت راست ستون آتشگاه،
- ۲ - نقطه‌های سمت چپ ستون آتشگاه،

- ۳۰۰ - دو نقطه در دو طرف ستون،  
 ۴۰۰ - تک نقطه‌های دو سوی شعله آتشدان،  
 ۵۰۰ - نقطه‌های زیر پایه آتشگاه،  
 ۶۰۰ - سه یا دونقطه (در یک ردیف) بر پایه زیرین آتشگاه و یا بر زیر آن،  
 ۷۰۰ - تک نقطه‌های در دوسوی ستون آتشگاه وغیره که بر سکه‌های نسبتاً کمیاب ضرب شده است (برای آگهی بیشتر ر. ل. به جدول نشانه‌ها).  
 ضرب نشانه‌های این گروه از روزگار اردشیر (نوع Va آغاز شده است.  
 این نشانه‌ها جدا گانه و همراه با دیگر نشانه‌ها نیز ضرب شده‌اند. این وضع عمومیت و کلیت دارد که گاه سکه‌های متعلق به یک سری که نه تنها از نظر شیوه تصویر، بلکه از نظر طرز نوشته نیز بایکدیگر هر بوطاًند دارای نشانه واحد هستند. بعنوان نمونه دریکی از سری سکه‌های اردشیر یکم برخی سکه‌ها دارای نشانه‌های شماره ۷۰۰ هستند والخ. دور بیست با پژوهش‌های آتی و تکمیل سکه‌ها، سری‌های بسیاری از سکه‌ها پدید آید که همان نشانه گروه دوم بر آنها ضرب شده باشد. گمان می‌رود این گروه از لحاظ تعداد نشانه‌ها همگون نباشد. برای نمونه نشانه ۱۰۰۴ که بسرعت مفهوم خود را از دست داد (بهنگام پادشاهی شاپور یکم این نشانه‌ها بر همه انواع سکه‌ها ضرب شده بود ولی بعدها مورد استفاده قرار نگرفت) گمان می‌رود با نشانه‌های ۱۰۰ - ۷۰۰ - ۱۰۰ از نظر اهمیت همگون و همپایه نبود. در باره نشانه‌های اخیر با اطمینان خاطر بیشتری می‌توان اهمیت نشانه‌های استادان سکه ساز و یا برخی ضرایخانه‌ها و نیز سکه‌های رایج مورد نظر و بطور کلی نشانه‌های را که با کار انتشار سکه‌ها هر بوط بوده‌اند یادآور شد. برای نمونه نکته‌ای که عمومیت و کلیت دارد آن است که نشانه‌های این گروه در روزگار بهرام یکم بسیار اندک دیده شده و از آن پس هر گز بر سکه‌ها ضرب نشده است. این بتقریب همزمان باه نوشتند نام بر سکه‌ها (نام کوتاه شده اختصاری ضرایخانه‌ها) صورت گرفته است.

## اردشیر یکم

## شرح انواع سکه‌ها

رویه سکه

نوع یکم - اردشیر از رو برو تصویر شده، اطراف کلاه او «مروارید» دوزی است و هلال و ستاره‌ای بر آن دیده می‌شود. گرداگرد تصویر او چنبری نقطه‌چین ضرب شده است. نوشته سکه از راست از بالا به پائین 'rthštr' bgy؛ و از چپ از بالا به پائین 'MLK' است.

جنس سکه<sup>۱</sup> : یک درهمی و نیم درهمی است.

تعداد<sup>۲</sup> : یک درهمی - ۱۲ سکه؛ و نیم درهمی - ۲ سکه.

نوع دوم - نیمرخ راست اردشیر با کلاه معروف اشکانی تصویر شده است. در انتهای کلاه دوردیف مروارید دوزی دیده می‌شود که فاصله میان آن دوردیف نیز مروارید دوزی است؛ موی سر در زیر پوشش کلاه که آن نیز مروارید دوزی است پنهان شده است؛ از کلاه نواری بنام «نوار اشهر و ند» آویخته است؛ گرد تصویر چنبری نقطه‌چین ضرب شده است.

نوع فرعی II a : نشانه ممیزه: ستاره شش پر بر کلاه و سینه، گردبند.

نوشته از چپ به بالا:

1) mzdysn bgy 'rthštr MLK' 'yr' n.

(بغ مزدا پرست، خدای گان اردشیر شاه ایران - مترجم).

2) mzdysn bgy 'rthštr MLK' n MLK' 'yr' n.

(بغ مزدا پرست، خدای گان اردشیر شاهنشاه ایران - مترجم).

۶ - این سکها در مجموعه سکه‌های موزه دولتی ارمیتاژ و موزه دولتی تاریخ موجود است.  
 ۷ - از هم‌مجموعه‌های موزه دولتی ارمیتاژ و موزه دولتی تاریخ، چون مجموعه سکه‌های ساسانی این دو موزه همواره رو به افزایش است بنابراین شماره سکه‌های که در فهرست آمده، واکنش در زیر جاپ است بیشتر است. گذشته از آن در اینجا سکه‌های ساسانی که از گنجینه‌های گونه‌گون بدست آمده بحساب نیامده است. بررسی گنجینه‌های مسکوکات ساسانی خود رشته‌ای ویژه و جداگانه است.

جنس سکه: یک درهمی، نیم درهمی؛  $\frac{1}{4}$  درهمی مسین.  
 تعداد: یک درهمی - ۱۵ سکه؛ نیم درهمی - یک سکه،  $\frac{1}{4}$  درهمی مسین - ۹ سکه.

نوع فرعی b II : نشانهٔ ممیزه: سینهٔ فاقد ستاره و گردنبند است؛ حاشیه پوشک دارای نقش و نگارهای مروارید دوزی است. نوشتة آن چنین است:  
`mzdysn bgy 'rthštr MLK' n MLK' 'yr'n`

(بغ مزدا پرست، خدا یگان اردشیر، شاهنشاه ایران - مترجم).

جنس سکه: یک درهمی؛ نیم درهمی؛  $\frac{1}{4}$  درهمی مسین؛  $\frac{1}{4}$  درهمی مسین.  
 تعداد: یک درهمی - ۱۰ سکه؛ نیم درهمی - یک سکه؛  $\frac{1}{4}$  درهمی مسین - ۴۵ سکه؛  $\frac{1}{4}$  درهمی مسین - ۳۰ سکه.

نوع فرعی c II : نشانهٔ ممیزه: «افسر شهریاری» بر کلاه؛ دیگر نشانه‌های همانند نشانه‌های نوع فرعی b II است.

نوشتة سکه: همانند نوع فرعی b II است.

جنس سکه: یک درهمی.

تعداد: یک درهمی - یک سکه.

نوع فرعی d II : نشانهٔ ممیزه: بر کلاه نقشهای از «گرددباد» (triskelos) دیده می‌شود؛ دیگر نشانه‌ها همانند نشانه‌های نوع فرعی b II است.

نوشتة سکه: همانند نوع فرعی b II است.

جنس سکه: یک درهمی.

تعداد: یک درهمی - یک سکه.

نوع فرعی e II : نشانهٔ ممیزه: بر کلاه نقش عقاب با نواری بر گردن دیده می‌شود؛ دیگر نشانه‌ها همانند نوع فرعی b II است.

نوشتة سکه:

mzdysn bgy 'rthštr MLK' n MLK' 'yr'n MN W čtry MN yzd'n  
 (بع مزدا پرست، خدایگان اردشیر، شاهان شاه ایران که چهر از ایزدان دارد -  
 متترجم).

جنس سکه: یک درهمی  
 تعداد: یک درهمی - یک سکه.

نوع سوم - تصویر نیمرخ راست اردشیر، با «کلاه پارتسی»، نقش بخش  
 زیرین کلاه سه کنگره است (که آمیزه‌ای ازه کلاه پارته با افسرشاهی کنگره-  
 دار است). دیگر نشانه‌ها، همانند نشانه‌های نوع فرعی b II است (دردیگر انواع،  
 این نشانه شکل رسمی بخود گرفت و دیگر از آن یادی نشد); گرد تصویر چنبره‌ای  
 نقطه‌چین ضرب شده است (دردیگر انواع، شکل رسمی بخود گرفت و دیگر از  
 آن یادی نشد).

تعداد: یک درهمی - ۲ سکه؛  $\frac{1}{6}$  درهمی مسین - یک سکه.  
 نوشته سکه: همانند نوشته سکه‌های نوع فرعی d II است (در دیگر انواع،  
 شکل رسمی بخود گرفت و دیگر یادی از آن نشد).

جنس سکه: یک درهمی؛  $\frac{1}{6}$  درهمی مسین.  
 نوع چهارم - تصویر نیمرخ راست اردشیر با افسر شهریاری کنگره‌دار.  
 جنس سکه: یک درهمی؛ نیم درهمی؛  $\frac{1}{6}$  درهمی؛ چهار درهمی مسین.  
 تعداد: یک درهمی - ۴ سکه؛  $\frac{1}{6}$  درهمی - ۲ سکه،  $\frac{1}{6}$  درهمی مسین - ۴ سکه.  
 چهار درهمی مسین - ۴ سکه.

نوع پنجم - تصویر نیمرخ راست اردشیر با افسر شهریاری بشکل کلاهی  
 چسبان که گوئی بر بالای آن نصب شده است. این نوع دارای چند نوع فرعی  
 است.

نوع فرعی Va - نشانه ممیزه: در این نوع سکه‌ها کلاه دارای پوشش ویژه

پوشانیدن موی سر نیست.

جنس سکه: یک درهمی، نیم درهمی؛  $\frac{1}{4}$  درهمی، چهار درهمی مسین؛  $\frac{1}{8}$  درهمی مسین.

تعداد: یک درهمی - ۷۳ سکه؛  $\frac{1}{2}$  درهمی - ۱۰ سکه؛  $\frac{1}{4}$  درهمی - ۱۰ سکه، چهار درهمی مسین - یک سکه؛  $\frac{1}{8}$  درهمی مسین - ۵ سکه.

نوع فرعی Vb - نشانهٔ ممیزه: کلاه داری پوشش ویژه پوشانیدن موی سر است.

جنس سکه: یک دیناری؛ یک درهمی؛  $\frac{1}{2}$  درهمی.

تعداد: یک دیناری. یک سکه؛ یک درهمی - ۳۳ سکه؛  $\frac{1}{2}$  درهمی - ۳ سکه.

نوع فرعی Vc - نشانهٔ ممیزه: آرایش مو بشکل گیسوی محکم بهم بافته با تکرار افسر شهریاری که گوئی بر بالای آن نصب شده است.

جنس سکه:  $\frac{1}{2}$  درهمی؛  $\frac{1}{4}$  درهمی.

تعداد:  $\frac{1}{2}$  درهمی - یک سکه؛  $\frac{1}{4}$  درهمی - یک سکه.

نوشته سکه: از راست به پائین:

Shpwhry MLK' 'yr'n MNW čtry [MN yzd'n].

(شاپور، شاه ایران، که چهر از ایزدان دارد - مترجم).

جنس سکه: چهار درهمی مسین.

تعداد: چهار درهمی مسین - ۸ سکه.

۸- این سکه منحصر بفرد از مجموعه سکه‌های ساسانی موزه بریتانیا است (رک، به ۱۳۲، pl I).

۹- نقش سکه ( $\frac{1}{2}$  درهمی مسین) از سوی دمورگان [۲۸۸، ۶۶] انتشار یافت.

۱۰- به مجموعه‌های ما بازم چهار سکه از اینگونه افزوده شده است.

## پشت سکه

نوع یکم - تصویر نیمرخ چپ شاپور با «کلاه پارتبی» که نقش و نگار انتهای آن شامل دو ردیف مروارید دوزی و نشانه هلال و ستاره است. گرد تصویر چنبری از «مروارید های درشت» دیده می شود.

نوشته سکه: از راست به پائین bgy p'pky (پسر خدایگان پاپک - مترجم)؛ از چپ و بالا به پائین 'MLK (شاه - مترجم).

نوع دوم - آتشگاه بشکل ستونی حاوی چند پایه عمودی که آتشدان بر آن قرار گرفته است. از فراز آتش شعله ها زبانه می کشد. آتشدان متکی بر دو پایه بشکل دسته ای شیر است که بر دو مجمر نهاده شده است. بر پایه ها نوارهای دیده می شود. گرد تصویر چنبره ای نقطه چین ضرب شده است.

نوشته: از چپ به پائین zy NWR' (آتش یا آتشکده - مترجم)؛ از راست به بالا: 'rthštr (اردشیر - مترجم).

نوع سوم - همانند نوع دوم است، اما ستون آتشگاه دارای شیارهایی است. نوشته آن نیز همانند نوع دوم است.

آمیزه رویه و پشت سکهها. (رویه سکهها با رقمهای رومی و حروف و پشت سکه با رقمهای معموله در کشورهای اروپائی نشان داده شده است.

IV<sub>2</sub> : III<sub>2</sub> : II<sub>e</sub><sub>2</sub> : II<sub>d</sub><sub>2</sub> : II<sub>b</sub><sub>2</sub> : II<sub>a</sub><sub>2</sub> : I<sub>1</sub>

VI<sub>2</sub> : Vc<sub>3</sub> : Vb<sub>3</sub> : Vb<sub>2</sub> : Va<sub>3</sub> : Va<sub>2</sub>

## ترتیب زمانی سکهها

سکههای ۱/۱ دنباله سکههای رایج پاپک و شاپور است و پیش گیهای تصویر-های رویه و پشت سکهها؛ از جمله نشانهای شاهی (نشانهای افسر شهر یاری شاهان پارس) و مضمون نوشتهها (بر رویه سکههای پاپک و شاپور 'MLK bgy shpwhry BRH bgy p'pky [خدایگان شاپور شاه - مترجم] و بر پشت سکههای او 'MLK

[پسر خدایگان پاپلک شاه - مترجم] نوشته شده است. بر رویه سکمهای نوع ۱/۱ اردشیر نیز 'rthštry MLK [خدایگان اردشیر شاه - مترجم] و برپشت سکمهای او BRH bgy p'pky MLK، [پسر خدایگان پاپلک شاه - مترجم] ضرب شده است) و نیز چند گونه ضرب مجدد سکمهای اردشیر بر مبنای سکه‌های پیشین (سکه‌های پاپلک و شاپور و شاید در هم‌های منوچهر سوم آخرین شاه پارس) مؤید این نکته است.

انتشار این سکه‌هارا باید متعلق به سال ۲۲۰ میلادی (آغاز فرمانروائی اردشیر برپارس) تا سال ۲۲۷ میلادی (تاریخ تاجگذاری رسمی اردشیر) داشت. سکه‌های نوع ۲/۱ سکه‌های تاجگذاری اردشیر یکم است، برپشت سکه‌های ۲ تصویر مظہری آتشکده ویژه تاجگذاری او ضرب شده و نوشته آن نیز حاوی نام این آتشکده («آتش اردشیر») است. بر رویه سکه ۲/۱ عنوان کامل شاهی او که پس از تاجگذاری اعلام گشته ضرب شده است (بغ [اهورا] مزدا پرست، خدایگان اردشیر، شاهنشاه ایران، که چهر از ایزدان دارد). همانند این عنوان در نوشته نقش بر جسته ویژه تاجگذاری اردشیر در نقش رسمی نیز نقر شده است. تصور آتشکده شاهی ویژه تاجگذاری، نخستین بار بر سکه مسین منحصر بفردی که دمور گان آنرا انتشار داده ضرب شده است (این سکه  $\frac{1}{6}$  درهمی مسین است). رویه این سکه همانند رویه سکه‌های ۱ و نوشته آن چنین است: -'rthštr MLK (اردشیر شاه - مترجم). این سکه بنحوی بسیار مطلوب نقش حلقة رابط میان سکه‌های ۱/۱ و ۲/۱ را ایفا می‌کند.

ترتیب زمانی انواع سکه‌های فرعی که شامل مجده و عهده نوع ۲ می‌شوند از طریق نوشته‌های رویه سکه‌ها و مقایسه مآخذ با این نوشته‌ها امکان پذیر شده است. گمان می‌رود سکه نوع فرعی ۸ از دیگر سکه‌های همنوع خود قدیمی‌تر باشد، زیرا دینار موجود در موزه بریتانیا که نخستین سکه زرین ساسانی و از همین نوع

فرعی است، شامل قدیمی ترین شکل عنوان شاهنشاه است. نوشتہ سکه نامبرده (n<sup>1</sup>) 'yr' 'mzdysn bgy 'rthštr MLK'؛ «بغ [اهورا] مزداپرست، خدایگان اردشیرشاه ایران» است که بعدها به عنوان «... شاهنشاه ایران که چهر از ایزدان دارد» بدل گشت. گذشته از آن تنها در همین سکه است که نوشتہ پشت سکه با نوشتہ پشت دیگر سکه‌های نوع ۲ متفاوت است و در دیگر سکه‌های اردشیر همانند آن دیده نشده است.

در انواع فرعی II b ، II c و II d بر رویه سکه‌ها جمله «بغ [اهورا] مزداپرست، خدایگان اردشیر شاهنشاه ایران» نوشته شده است که گروه‌ای فرعی نامبرده را از نظر برخی ویژگی‌های شیوه نقش و نگار (ویژگی‌های تصویر نوار افسرشاهی و اجزاء پوششک و غیره) بیکدیگر نزدیک می‌سازد. چنین بنتظر می‌رسد که سکه‌های نوع فرعی e آخرين نوع فرعی از انواع وابسته به نوع اصلی II باشد، زیرا در نوشتۀ رویه آنها نخستین بار عنوان کامل شاهنشاه ضرب شده بعدها دیگر ثابت و بدون دگر گونی ماند. آن نوشتۀ چنین است: «بغ [اهورا] مزداپرست، خدایگان اردشیر، شاهنشاه ایران که چهر از ایزدان دارد». علاوه بر آن سکه نوع فرعی e نخستین در همی است که معرف پیدایش سیستم وزنهای جدید («میزانهای آتیک») است.

چنین بنتظر می‌رسد که آغاز انتشار سکه‌های نوع II سال ۲۲۷ میلادی = سال تاجگذاری اردشیر یکم بوده است. تعین پایان انتشار سکه‌های نوع دوم تا اندازه‌ای دشوار است. هرگاه نشانه کلاه اردشیر در سکه‌های نوع فرعی d (نشانه «گردباده») را که شبیه نشانه کلاه شاهان می‌شان بوده مورد توجه قرار دهیم (نشانه کلاه شاپور شاه می‌شان که در نقش بر جسته شاپور یکم در نقش رجب نقر شده است درست بدینگونه است) و نیز تصویر عقاب بر سکه‌های نوع فرعی d را که مظهر آنتیوخیا (انطاکیه) یا سلوکیه بوده از نظر بگذرانیم و بدفترضیه پیش

گفته همی بر اینکه انتشار سکه‌های نامبرده با تصرف و یا اندیشهٔ تصرف سرزمین های غرب از سوی اردشیر ارتباط داشته توجه کنیم، آنگاه می‌توانیم انتشار این درهم منحصر بفرد را حدود سالهای ۲۳۲ - ۲۳۳ میلادی - زمان پیکار با الکساندر سور<sup>\*</sup> بدانیم.

آخرین سکه‌ای که در عهد اردشیر یکم انتشار یافت سکه‌های نوع VI بود (در مجموعهٔ سکه‌های ما تنها  $\frac{1}{4}$  درهمی مسین معرفی شده ولی در همه‌ائی نیز از این نوع وجود دارد که مبنی و اگذاری تخت شاهی از پدر به پسر است. نوشته رویه سکه چنین است - «شاپوز، شاه ایران که چهر از ایزدان دارد». نشانه شهریاری شاپور (کلاه جانشین شاه است، نهافسر شاهنشاهی). بر پشت سکه آتشکده ویژه تاج‌گذاری اردشیر تصویر گشته و بر آن («آتش اردشیر») نوشته شده است. این نشانها نمودار آنست که سکه‌های نامبرده باید بسالهای ۲۴۲ - ۲۴۳ میلادی انتشار یافته باشند. سکه  $\frac{1}{4}$  درهمی مسین که از نوع یکم سکه‌های ویژه تاج‌گذاری شاپور - یکم بوده و از روی سکه‌های نوع VI تجدید ضرب شده، حاکی از آنست که سکه مذکور در تاریخ نامبرده ضرب شده است.

در سکه‌های نوع VI افسر شاهی اردشیر دارای نشانه ویژه‌ای است و آن پوشش ویژه پوشانیدن موی سر است که حاشیه آن (همانند سکه‌های نوع فرعی V b) مروارید دوزی است. چنانکه گفته شد افسر شاهی همراه با پوشش خاص پوشانیدن مو در نقش بر جسته دارا بگرد که بخطاطر پیروزی بر گورديانوس (سال ۲۴۳ میلادی) نقر شده و همچنین بر نقش ویژه تاج‌گذاری اردشیر یکم در نقش رستم تصویر شده است. در دیگر نقش‌های بر جسته افسر شهریاری اردشیر (همانند سکه‌های نوع V b) بدون پوشش موی سر است. بدین روای سکه‌های نوع V b بنا بر قاعده باید حدود سال ۲۴۰ میلادی و سکه‌های نوع Vb پیش از سکه‌های نوع Vb انتشار یافته

\* - Alexandre Sever

باشد. ذکر این نکته حائز اهمیت است که دگر گوئی‌های حاصله در «دستگاه حکومت» بر قالب رویه سکه‌ها بشکل دگر گوئی دراجزاء افسر شهریاری، از جمله پوشش موی سر انعکاس یافته است. این دگر گوئی که بظاهر ناچیز می‌آید نه تنها بر سکه‌ها، بلکه بر «تصویرهای رسمی» شاهنشاه در نقشه‌ای و یزد تاجگذاری و پیروزی‌های وی نیز دیده می‌شود (در تصویرهای نقش رجب و فیروز آباد شاهنشاه با افسر شهریاری فاقد پوشش موی سر و در تصویرهای نقش رستم و دارابگرد با افسر شهریاری دارای پوشش موی سر مجسم شده است).

بدین روای می‌توان تاریخ انواع سکه‌های اردشیر یکم را چنین دانست:

I - حدود سالهای ۲۲۰ - ۲۲۷ میلادی.

I/2 - سال ۲۲۷ میلادی

II a - سال ۲۲۷ میلادی: b - II d ? - II c ? - II - حدود سال ۲۳۰ میلادی

(سال تصرف میشان) II e - حدود سال ۲۳۳ میلادی.

III - در فاصله سالهای ۲۳۳ - ۲۴۲ میلادی.

VI - حدود سالهای ۲۴۲ - ۲۴۳ میلادی.

### شاپور یکم

### شرح انواع سکه‌ها

### رویه سکه

نوع I - تصویر نیمرخ راست شاپور با افسر شهریاری کنگره‌دار که گوئی بر بالای آن نصب شده است. از گوی و انتهای افسر شهریاری نوارهای رو به بالا دیده می‌شود. دور گردن شده‌ای از مروارید مشهود است.

نوشته رویه سکه چنین است:

mzdyṣn bgn šhpwry MLK'n MLK' 'yr' n MNW čtry MN yzd' n.

(بغ مزدا پرست خدایگان شاپور شاهان شاه ایران که چهر از این دار - مترجم).

این نوشته بر چند نوع فرعی از سکه‌ها نیز هست.  
نوع فرعی a : نشانهٔ ممیزه: پوشش موی سر وجود ندارد؛ گذشته از آن  
نوار ریش بند نیز دیده نمی‌شود؛ آرایش بشکل قبضه‌های صاف است.

جنس سکه: یک درهمی؛  $\frac{1}{3}$  درهمی؛ چهار درهمی مسین؛  $\frac{1}{6}$  درهمی مسین.  
تعداد: یک درهمی - ۹ سکه؛  $\frac{1}{3}$  درهمی - یک سکه - چهار درهمی مسین -  
۳ سکه (از جمله دو سکه از سکه‌های اردشیر یکم از نوع VI که مجدداً ضرب شده  
است)؛  $\frac{1}{6}$  درهمی مسین - ۳ سکه.

نوعی فرعی b : نشانهٔ ممیزه: آرایش مجعد مو، بدون پوشش موی سر.  
در مجموعه‌های ما از این سکه‌ها دیده نشده است. نسخه‌ای از سکه یک درهمی از  
اینگونه می‌شناشیم که متعلق به موزهٔ برلین است.

نوع فرعی c : نشانهٔ ممیزه: «پوشش موی سر» گیسو نمایان است؛ کنار  
گوی انتهای نوار دیده می‌شود.

جنس سکه: یک درهمی؛  $\frac{1}{3}$  درهمی؛  $\frac{1}{6}$  درهمی؛ چهار درهمی مسین  
 $\frac{1}{6}$  درهمی مسین.

تعداد: یک درهمی - ۱۱ سکه؛  $\frac{1}{3}$  درهمی - یک سکه؛  $\frac{1}{6}$  درهمی - یک سکه؛  
چهار درهمی مسین - ۴ سکه؛  $\frac{1}{6}$  درهمی مسین - یک سکه.

نوع فرعی d : نشانهٔ ممیزه: «پوشش موی سر» بشکل مستقیم نشان داده  
شده است؛ نوارهای ریش بند نیز دیده می‌شود؛ آرایش مو مجعد است.

جنس سکه: یک دیناری؛ یک درهمی؛  $\frac{1}{3}$  درهمی؛  $\frac{1}{6}$  درهمی؛ pot؛ چهار  
درهمی مسین؛  $\frac{1}{6}$  درهمی مسین؛  $\frac{1}{6}$  درهمی مسین.

تعداد: یک دیناری - ۳ سکه؛ یک درهمی - ۱۹۰ سکه؛  $\frac{1}{3}$  درهمی - ۱۷ سکه؛  
 $\frac{1}{6}$  درهمی - ۲۶ سکه؛ pot - دو سکه؛ چهار درهمی مسین - ۴ سکه؛  $\frac{1}{6}$  درهمی مسین

۱۱ - سکه‌هایی که از فلزی بنام potin ضرب شده و هموزن چهار درهمی مسین است.

۳ سکه؛  $\frac{1}{4}$  درهمی مسین - یک سکه.

نوع فرعی I : نشانه ممیزه: تصویر شاهنشاه تا سینه که صاف و هموار است.

دیگر نشانه‌ها همانند نشانه‌های نوع فرعی I است.

جنس سکه: یک دیناری؛ یک درهمی؛  $\frac{1}{3}$  درهمی؛  $\frac{1}{4}$  درهمی؛ pot؛ چهار

درهمی مسین؛  $\frac{1}{4}$  درهمی مسین.

تعداد: یک دیناری - ۳ سکه: یک درهمی - ۹۰ سکه؛  $\frac{1}{3}$  درهمی - ۴ سکه؛

$\frac{1}{4}$  درهمی - ۲ سکه؛ pot - ۱۱ سکه: چهار درهمی مسین - یک سکه؛  $\frac{1}{4}$  درهمی مسین - ۸ سکه.

نوع II - تصویر نیمرخ راست شاپور. بر کلاه اوسر پرنده ای وحشی که مر و اریدی به مقار دارد تصویر شده است.

نوشته: همانند نوشته نوع I است.

در مجموعه‌های موزه دولتی ارمیتاژ و موزه دولتی تاریخ از اینگونه سکه‌ها موجود نیست<sup>۱۲</sup>.

#### پشت سکه

نوع 1 : آتشگاه که پایه آن ستونی است بلند، بر پایه، آتشدان نهاده شده است. مجموعه آتشگاه از چند قطعه راست گوشه تشکیل شده است. در دو سوی آتشگاه دو تصویر با افسر کنگره‌دار دیده می‌شود که از کمرشان شمشیری آویخته است و نیزه‌ای بدست دارند.

نوشته: NWR ZY shpwhry (آتش شاپور - متر جم).

نوع 2 - همانند نوع 1 است، ولی صاحبان دو تصویر افسری کنگره‌دار که

۱۲ - ف. پاروک این سکه را که از مجموعه سکه‌های موزه بریتانیا است انتشار داده است 'Pl III (132) دوین سکه از این نوع (متعلق به مجموعه عزیز بیگلی است) توسط ر. گوبن منتشر شده است (۸۳. جدول عکسی شده).

بر بالای آن گوئی نصب شده بر سردارند.  
نوشته: همانند نوشته نوع ۱ است.

### ترتیب زمانی سکه‌ها

برای ترتیب زمانی انواع سکه‌های شاپور یکم بقریب و سیله‌ای برای مقایسه در دست نداریم، زیرا افسر شهریاری او در نقش ویژه تاجگذاری محفوظ نمانده است و دیگر نقشها و مجسمه‌ها و تصویرهای شاپور یکم بر احجار یمانی با افسر شهریاری از نوع یکم است و کلاهش «پوششی برای هوی سر» ندارد، آرایش موی او نیز (مانند نوع فرعی Ib) مجدد است و اجزاء افسر شهریاری شاپور یکم در دیگر انواع فرعی و یادگارهای هنر با یکدیگر مطابقت ندارند. بدینگونه عنوان رسمی شاپور یکم در سکه‌ها با عنوانهای او در کتیبه‌ها مطابق نیستند: در سکه‌ها «بغ [اهورا] مزدا پرست خدایگان شاپور شاهان شاه ایران که چهر از ایزدان دارد» آمده است؛ ولی در کتیبه شاپور در کعبه زرتشت و کتیبه اپسای دیر در بیشاپور «بغ [اهورا] مزدا پرست، خدایگان شاپور شاهان شاه ایران و ایران که چهر از ایزدان دارد» نوشته شده است. از کتیبه شاپور در کعبه زرتشت چنین معلوم می‌شود که واژه «انیران» (غیر ایران - مترجم) «مربوط به استانهای غربی است که بسال ۲۶۰ میلادی بنصرف شاپور درآمد.

بدین روای برای اثبات تفاوت‌های موجود در انواع فرعی سکه‌های شاپور یکم (اثبات تفاوت میان قالبها و اندازه‌ها) باید بطور کلی از سکه‌ها استفاده کنیم. این اطلاعات در فهرست، مشرح‌تر و جامع‌تر خواهد آمد و فهرست نامبرده شامل جدول وزنهای سکه‌های گوناگون (همراه با بررسی آماری)، بررسی و شرح مفصل ویژگیهای مربوط بهشیوه نقش‌های سکه‌های مختلف و جمع کردن آنها در سری‌های گوناگون و تقسیم‌بندی نشانه‌های متعلق به سری‌ها و انواع فرعی وغیره خواهد بود. در این کتاب شرح مبسوط در این زمینه ضرور بنظر نیامده است. زیرا تفاوت.

های ذکر شده موجود میان انواع سکه‌ها و دیگر هنر رسمی ساسانی بما امکان نمی دهد تاریخ دقیق این آثار و سکه‌ها را معین کنیم. از این رو تنها تقاضه‌ای مهم وجود میان انواع فرعی سکه‌ها را یاد می‌کنیم.

چنانکه پیشتر گفته شد سکه‌های نوع فرعی Ib بقریب از نخستین سکه‌های شاپور یکم است، زیرا دو سکه  $\frac{1}{4}$  درهمی مسین موجود در مجموعه ما بنحوی روشن نمودار آند که در سکه مذکور بر مبنای سکه‌های نوع VI اردشیر یکم تجدید صرب شده‌اند. سکه‌های نوع VI بسبب ویژه‌ای منتشر شد و آن اعلام فرزند بالاصل به جانشینی شاهنشاه است. این سکه‌ها بنا بر معمول باید در ضرا بخانه‌های پایتخت ضرب شده باشند. سکه‌های این نوع  $\frac{1}{4}$  درهمی مسین است (که حدود انتشار آن تنگ و محدود بوده است) که بهنگام کاوش آثار ساسانیان در قر کمنستان بدست آمده است.<sup>۱۳</sup>

برخی اجزاء نوع فرعی Ib به انواع فرعی Ia و Ic از نظر چهره‌شناسی نزدیک و همانند است (پوشش موی سر در نوع فرعی Ia نیز وجود ندارد، افسر شاهی کنگره‌دار که همانند نوع فرعی Ic به یکدیگر نزدیک است).

برخی اجزاء نوع فرعی Ia از نظر چهره‌شناسی (بعنوان نمونه نبودن ریش بند و شیوه تصویر «پوشش موی سر») با اجزاء نوع اصلی II (کلاهی که بخش قدامی پر نده بر آن دیده می‌شود) نزدیکند.

نوع فرعی Ia تنها از نظر برخی ویژگی‌های مربوطه به شیوه چهره‌نگاری (پیش از هر چیز تصویر شاهنشاه که حدود سینه است) از انواع فرعی Ic و Id است. ولی ما در این مورد نه با سکه‌های همزمان رایج در نواحی مختلف کشور بلکه با قالبها و اندازه‌های متفاوت سروکار داریم. نوع فرعی Ia بطور کلی شامل سکه‌هایی

۱۳- آثاری که ضمن کاوش‌های آ. گوبایف بدست آمده و در یادداشت‌های مربوط به آق- نبه درج شده است.

است که عیار نقره آنها کم است، اما وزن آنها (بالغ بر یک دانک) بیشتر از درجه‌های دارای عیار نقره زیاد است. بکار بردن فلزهای دارای عیار نقره کم بطور کلی در دوران اوایل شاهنشاهی ساسانیان معمول نبوده و تنها در دوره شاپور یکم دیده شده است. د. گوبل بر آنستکه سکه‌های نامبرده بر روی قطعه‌های سکه رومی (نوع «آتنوینین») که هنگام لشکر کشی شاپور یکم به غرب مقدار معنای بیش از آن به غنیمت گرفته شد، ضرب و یا تجدید ضرب شده است [۱۷، ۸۵]. گمان می‌رود این امر بعدها با گذشت زمان موجب برخی اصلاحات در کار ضرب سکه‌ها و افزایش وزن اینگونه درجه‌ها گردید. برخی ممکن است چنین پندارند که این گونه سکدها بطور کلی در ضرایخانه‌های سرزمینهای غربی ایران ضرب می‌شد، و حال آنکه دیناری درموزه دولتی ارمیتاژ موجود است که برپشت آن نام ضرایخانه «مروه» (mrwy) نوشته شده واز نوع فرعی Ia است.

### هرمزد اردشیر شرح انواع سکه‌ها رویه سکه

نوع I تصویر نیمرخ راست هرمزد اردشیر با افسر شهریاری کوتاه که چنبره‌های متعدد المركزی بر گوی بالای تاجکهای آن دیده می‌شود. از تاجک‌نوادی بیرون آمده است. حاشیه سکه چنان است که گوئی چنبره‌ای مروارید نشان بر آن کار گذارده‌اند، آرایش مو مجعد است. این نوع دارای انواع فرعی زیر است .  
نوع فرعی Ia : نشانهٔ ممیزه : بر شانه‌ها — «نشانه شاهی» (۰۳) دیده می‌شود.

نوشته سکه: ... n' rmn' bgy 'whrmzdy RB ' MLK ' (بغمزا  
پرست، خدایگان هرمزد، بزرگ ارمنستان شاه - مترجم).

جنس سکه: یک درهمی

تعداد: یک درهمی - ۵ سکه

نوع فرعی Ib: نشانه ممیزه: بر شانه ها «نشانه جانشین شاهنشاه» (۰۴) دیده  
می شود.

نوشته سکه:

mzdysn bgy ,whrmzdy MLK,n MLK, ,yr,n W, nyr,n MHW čtry MNyzd'n.  
(بغ مزدا پرست، خدایگان هرمزد شاهان شاه ایران و ایران که چهر از آیزدان  
دارد - مترجم)

جنس سکه: یک درهمی

تعداد: یک درهمی - یک سکه

نوع فرعی Ic : نشانه ممیزه: بر شانه ها نشانه ای دیده نمی شود  
نوشته سکه: همان نوشته سکه های نوع Ia است.

جنس سکه: یک درهمی؛  $\frac{1}{3}$  درهمی.

تعداد: یک درهمی - ۵ سکه؛  $\frac{1}{3}$  درهمی - یک سکه

پشت سکه

نوع 1. آتشگاه باستون بلند و آتشدان از چند قطعه راست گوشه. از آتشدان  
شعله زبانه می کشد؛ در سمت راست تصویر میترا با حلقه ای نورانی بر گرد سر  
که شعاعهای از آن می تابند دیده می شود. میترا در این تصویر دست دراز کرده و  
«حلقه شهریاری را به شاهنشاه می دهد. در سمت چپ تصویر شاهنشاه دیده می شود.  
نوشته سکه. NWR' ZY' whrmzdy (آتش هرمزد - مترجم).

نوع 2 . همانند نوع یکم است، با این تفاوت که در سمت راست تصویر  
اناهیتا با تاج کنگره دار که بر بالای آن گوئی نصب شده دیده می شود. ایزد  
اناهیتا و شاهنشاه شاخه «برسم» (۶) در دست دارند.

نوشته سکه: همانند نوشته سکه های نوع 1 است.

نوع ۳: این نوع سکه‌ها نیز همانند سکه‌های نوع II است با این تفاوت که تصویر شاهنشاه در سمت راست است.

نوشته سکه: همانند نوشته سکه‌های نوع ۱ است.

نوع ۴: همانند دیگر انواع است، با این تفاوت که در سمت راست تصویر اهورامزدا دیده می‌شود که دست خود را بسوی شاهنشاه دراز کرده است و «حلقه شهریاری» را به او می‌دهد.

نوشته سکه: همانند نوع ۱ است.

آمیزه رویه و پشت سکه‌ها:

Ia /1; Ib /4; Ic /2; Ic /3.

#### ترتیب زمانی سکه‌ها

نوشته رویه سکه‌های نوع فرعی Ia («بغ مزدا پرست، خدا یگان هرمزد، بزرگ ارمنستان شاه...») نمودار آنست که سکه‌های نامبرده به آغاز پادشاهی هرمزد اردشیر تعلق داشته و پیش از سکه‌های ویژه تاجگذاری رسمی او (ماه آوریل سال ۲۷۳ میلادی) ضرب شده است. نشانه جانشین پرشانه‌های شاهنشاه که بر سکه‌های نوع فرعی Ib ضرب شده و بر پشت آن عنوان کامل ویژه تاجگذاری و نقش تاجگذاری شاهنشاه از سوی اهورامزدا تصویر شده است سبب می‌شود که سکه‌های نامبرده را ویژه تاجگذاری و متعلق به دوران (بعد از ماه مارس سال ۲۷۳ میلادی) بدانیم. ذکر این نکته جالب است که طی مدت کوتاه پادشاهی هرمزد اردشیر (که کمتر از یکسال بود) قالب رویه سکه‌ها سه بار و قالب پشت سکه‌ها چهار بار عوض شد. شماره اندک سکه‌های هرمزد اردشیر امکان نمی‌دهد یقین حاصل کنیم که آمیزه سکه‌های 1/Ia و 4/Ib پایدار بوده است، گرچه با در نظر گرفتن ویژگی رویدادهای آن دوران این وضع ممکن بنظر می‌رسد.

بهرام یکم  
شرح انواع سکه‌ها  
روی‌با سکه‌ها

نوع I تصویر نیمرخ راست بهرام با افسر شهریاری مشعشع که گوئی بر آن نصب شده است. از تاج‌گهای نواری بیرون آمده است. آرایش مو تا اندازه‌ای به شکل گیسوی محکم بافته است. این شکل در برخی از انواع فرعی دیده شده است.

نوع فرعی a : نشانه ممیزه: نوشته روی سکه دو سطر است:

1) mzdyns bgy wrhr, n MLK'n MLK' 'yr'n w' nyr'n MNW čtry –  
MN yzd'n.

(بغ مزدا پرست خدایگان بهرام شاهان شاه ایران و این ران که چهر از ایزدان دارد.  
متترجم)

2) y 'rthštr. (ی اردشیر - متترجم)

جنس سکه: یک درهمی؛ pot.

تعداد: یک درهمی - ۲۵ سکه؛ pot. یک سکه

نوع فرعی b : نشانه ممیزه: نوشته یک سطر است:

mzdyns bgh wrhr'n MLK'n MLK' yr'n W 'nyr'n MN W čtry MN –  
yzd'n

(بغ مزدا پرست خدایگان بهرام شاهان شاه ایران و این ران که چهر از ایزدان  
دارد - متترجم).

جنس سکه: دینار؛ یک درهمی؛  $\frac{1}{3}$  درهمی؛  $\frac{1}{6}$  درهمی؛  $\frac{1}{6}$  درهمی مسین

تعداد: دینار - ۲ سکه؛ یک درهمی - ۱۱۶ سکه؛  $\frac{1}{3}$  درهمی - ۴ سکه؛  $\frac{1}{6}$

درهمی - ۳ سکه؛  $\frac{1}{6}$  درهمی مسین - ۲ سکه.

## پشت سکه

نوع ۱. آتشگاه بشکل ستون بلند با آتشدان از چند قطعه راست گوشه. در دوسوی آتشگاه دوهیکل با شمشیر و کمر ایستاده اند که به دوسوی گوناگون می‌نگرند: یکی از آنها تصویر ایزد (اله) میترا است و دیگر تصویر شاپور یکم با افسر شهریاری (تاج کنگره‌دار با گوئی بر آن) است.

نوع ۲. بهمانگونه است؛ ولی یکی از تصویرها از اهورامزدا و دیگری از شاپور یکم با افسر شهریاری است.

نوع ۳. بهمانگونه است؛ ولی یکی از تصویرها از ایزد میترا و دیگری از بهرام یکم با افسر شهریاری است.

نوع ۴. بهمانگونه است؛ ولی یکی از تصویرها از اهورامزدا و دیگری از بهرام یکم با افسر شهریاری است.

نوع ۵. بهمانگونه است؛ ولی هردو تصویر از بهرام یکم با افسر شهریاری است.

نوع ۶. بهمانگونه است؛ ولی یک تصویر از شاپور یکم با افسر شهریاری و دیگری از بهرام یکم با افسر شهریاری است.

نوشته روی سکه چنین است: NWR' Zy wrhr' n (آتش بهرام - مترجم).

آمیزه رویه و پشت سکه‌ها: Ib, 3 : Ib, 2 : Ia, 4 : Ia, 2 : Ib, 1

## گرتیب زمانی سکه

بر سکه‌های نوع فرعی ۶ دو سطر نوشته دیده می‌شود؛ سطر یکم شامل عنوان کامل شاهنشاه است («بغ [اهورا] مزداپرست، خدایگان بهرام، شاهان شاه ایران و انیران که چهر از ایزدان دارد»؛ خواندن سطر دوم در سکه‌های گوناگون مختلف و چنین است:

y 'rthštry ; y 'rt' nšpwty ; y 'rt' nššly ; y 'rthštr .

گمان می‌رود تأویل این بخش از نوشته چنین باشد: *'rthštry* و *MN yzd'n* که چهر از آیزدان اردشیر دارد. ممکن است آنرا به نوع دیگری نیز خواند<sup>۱۴</sup>: *'rthštry* و یا *'rt* که در صورت نخست به معنای «خدایگان دادگیر» است.

در دوران میارزه‌های شدید بخاراطر بدست آوردن شاهزادی ایران مدد خواستن از اعتبار بنیادگذار شاهنشاهی ساسانی امری طبیعی بود. بهرام یکم، بهرام دوم و نرسی در نوشته سکدهای خویش، این روش را در پیش گرفتند تا بدینگونه فرمانروایی خودرا بر ایران قانونی جلوه گر سازند. گمان می‌رود در سکدهای نوع I بهرام یکم این هدف مورد نظر بوده است.

رویه این نوع سکدهای فرعی تنها با پشت سکمهای نوع 2 (تاجگذاری شاهنشاه شاپور از سوی اهورامزدا) و نوع 4 (تاجگذاری شاهنشاه بهرام از سوی اهورامزدا) همراه بوده است. ولی وجود دست کم دو قالب دولتی برای رویه سکه‌های بهرام یکم و دست کم شش قالب برای پشت سکمهای او<sup>۱۵</sup> که طی مدت کوتاه فرمانروائی وی پدید آمده (۲۷۶-۲۷۴ میلادی) امکان نمی‌دهد تواتر و پی‌گیری قالبها بطور دقیق معین شود. بررسی کامل اندازه سکدهای بهرام یکم و مقایسه سری مختلف آنها تا اندازه‌ای مؤید این نکته است که سکمهای نوع فرعی I همزمان با سکدهای نوع فرعی II انتشار یافته‌اند. نشانه‌های گوناگونی که بر رویه و پشت این سکه‌ها ضرب شده مؤید این مدعای است.

بنقریب همه سکمهای بهرام یکم دارای نشانه‌های است. از بیش از یکصد و پنجاه سکه‌ای که جزء مجموعه‌های ماست. تنها بیست و سه سکه فاقد نشانه‌ها است

۱۴- این نکته را پروفسور Ya. Hrmatta (ضمن گفتگو) با نگارنده اظهار داشته است.  
۱۵- بررسی سری‌های مختلف سکه‌های بهرام دارای نفاوهای کوچک ولی پایدارند. برای نمونه وضع شمشیرها در کنار تصویر پشت سکه وغیره نمودار آنستکه شماره قالب سکمهای بسیار بوده است.

(سکه‌ای ۱ - Ib/2 - ۲ عدد و سکه‌ای ۲ - Ib - یک عدد و سکه‌ای ۳ - Ib - یک عدد و سکه‌ای ۴ - Ib - نوزده عدد). دیگر سکه‌ها با نشانه‌های زیر ضرب شده اند:

أنواع سكةها								
Ib/4	Ib/2	Ib/2	Ib/3	Ib/4	Ib/4	Ib/5	Ib/6	
موجود	۱۰	۱۰	موجود	۰۱	۳۰	۱۰	۳۰۰	
نیست			نیست					خارج از سری
	۰۰۱/۱۰	۲۰		۱۰	۰۰۹	۳۰۰		
	۰۰۲/۱۰	۶۰		۰۱/۱۰	۴۰۰	۰۰۷		
	۰۰۸/۱۰	۳۰۰		۰۱/۳۰	۰۱/۱۰			
		۴۰۰			خارج از سری			
		۵۰۰			۱۰۰۱/۱۰			
		۰۰۸			۰۲/۴۰			
		۰۲/۴۰						

نشانه ۱۰ در سکه‌های ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹ دیده شده است. آمیزه ۰۰۱/۱۰ - بر سکه ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹ آمیزه ۰۱/۱۰ - بر سکه‌ای ۴ - ۰۲/۴۰ - بر سکه‌های ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹ نشانه ۴۰۰ - بر سکه‌های ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹ دیده شده است. گاه یک نشانه برای تعداد نسبتاً زیادی از سکه‌ها جنبه کلی و عهودی دارد (مثلًا ۱۰ برای ۲ - ۸ سکه؛ ۳۰ برای ۴ - ۲۴ سکه وغیره).

بررسی وسیع نشانه‌ای ضرب شده بر سکه‌ها تا اندازه‌ای امکان می‌دهد که ردیفهای متواتر سریهای گوناگون سکه‌های بهرام یکم معین شود.

## بهرام دوم

شرح أنواع سکهها  
روایة سکهها

نوع I . تصویر نیمرخ راست بهرام و افسر شهریاری بالدار که گوئی بر آن قرار گرفته است. از تاجکها نواری خارج شده است. آرایش هو مجدد است. این نقش در برخی انواع فرعی نیز تصویر شده است.

نوع فرعی Ia : نشانهٔ ممیزه: نوشتهٔ روی سکه:

'ryr mzdySN bgy wrhr, n MLK,n MLK, ,yr,n W,nyr,n MNW čtry MN yzd,n

(آریائی بع مزداپرست، خدایگان بهرام شاهان شاه ایران و ایران که چهر از ایزدان دارد - مترجم)؛ بالهای افسر شهریاری راست تصویر شده است.

جنس سکه: دینار؛ 3D \*؛ (؟)؛ یک درهمی.

تعداد: دینار - یک سکه؛ 3D (؟) - یک سکه؛ یک درهمی - ۷ سکه.

نوع فرعی Ib : نشانهٔ ممیزه: نوشتهٔ آن چنین است:

mzdySN bgy wrhr,n MLK,n MLK, yran W, nyd,n MNW čtry MN yzd'n.

(بع مزداپرست خدایگان بهرام شاهان شاه ایران و ایران که چهر از ایزدان دارد - مترجم)؛ بالهای افسر شهریاری راست تصویر شده است.

جنس سکه: دینار؛ یک درهمی؛  $\frac{1}{4}$  درهمی؛ pot.

تعداد: دینار - سه سکه؛ یک درهمی - ۲۱ سکه؛  $\frac{1}{4}$  درهمی - ۲ سکه؛ - چهار سکه. pot.

نوع فرعی Ic : نشانهٔ ممیزه: بالهای افسر شهریاری به بالا خم شده است.

نوشته سکه: همانند نوع فرعی Ia است.

جنس سکه: یک درهمی

تعداد: یک درهمی - ۶ سکه.

\* - نگارنده کتاب 3D را بازردید و همراه با علامت سؤال (؟) نگاشته است. شاید این درهم طلا و شاید سه درهمی باشد - مترجم.

نوع II . تصویر بهرام (با همان افسر شهریاری که در نوع فرعی a تصویر شده) و تصویر همسرش با کلاهی بیضی شکل که حاشیه آن مرور ایده دوزی و دارای چنبره هائی بر تاجکها و «پوشش موی سر» است. این تصویر در برخی انواع فرعی نیز موجود است.

نوع فرعی II a : نشانهٔ ممیزه: نوشته سکه همانند نوشته سکه‌های نوع فرعی I است.

جنس سکه: یک درهمی.

تعداد: یک درهمی - ۳ سکه.

نوع فرعی II b نشانهٔ ممیزه: هر دو روی سکه دارای نوشته است:

1) ,yry mzdysn bgy wrhr,n MLK,n MLK, ,yr,n W, nyr, n MNW čtry - MN yzd,n.

(آریائی بع مزدا پرست، خدایگان بهرام، شاهان شاه ایران و اینیران که چهر از ایزدان دارد - مترجم).

2) šhypwhrdwhtky ZY MLKT,n MLKT,

(شاپور دختک، بانوی بانوان - مترجم).

جنس سکه: یک درهمی

تعداد: یک درهمی - یک سکه.

نوع فرعی II c : نشانهٔ ممیزه: نوشته سکه چنین است:

mzdysn bgy wrhr,n ZYMLK,n MLK,

(بع مزدا پرست خدایگان بهرام شاهان شاه - مترجم).

جنس سکه: یک درهمی.

تعداد: یک درهمی - یک سکه.

نوع III . تصویر نیمرخ داست بهرام با افسر شهریاری همانند افسری که

در سکه‌های نوع فرعی Ia تصویر شده است. پیش روی او تصویر همسرش با همان کلاهی که در سکه‌های نوع II تصویر شده است دیده می‌شود. این نوع سکه دارای چند نوع فرعی است.

نوع فرعی IIIa : نشانهٔ ممیزه: نوشته آن همانند نوشتهٔ سکهٔ نوع فرعی b است (که بطور ثابت چنین است):

mzdysn bgy wrhr,n MLK,n MLK, ,yr,n MNW čtry MN

دیگر مزدایگان بهرام شاه ایران و ایران که چهر از...،  
اغلب نوشته‌ها ناقص و ناخوانا است.

جنس سکه: یک درهمی.

تعداد: یک درهمی - ۲ سکه.

نوع فرعی b III : نشانهٔ ممیزه . نوشتهٔ سکه همانند سکه‌های فرعی Ia است.

جنس سکه: یک درهمی.

تعداد: یک درهمی - یک سکه.

نوع IV. تصویر نیمرخ راست بهرام با افسر شهریاری بالدار که پیش روی آن تصویر جانشین او(؟) با کلاهی که بخش قدامی اسب بر آن نهاده شده دیده می‌شود. این نوع اصلی دارای چند نوع فرعی است.

نوع فرعی a IV : نشانهٔ ممیزه: افسر شهریاری بالدار بهرام ، همانند نوع فرعی Ia است. نوشته: ثابت است.

جنس سکه: یک درهمی؛  $\frac{1}{4}$ - درهمی؛  $\frac{1}{6}$  درهمی مسین.

تعداد: یک درهمی - دو سکه؛  $\frac{1}{4}$  درهمی - یک سکه  $\frac{1}{6}$  درهمی مسین - یک سکه.

نوع فرعی b IV : نشانهٔ ممیزه: بالهای افسر شهریاری بهرام به بالاخ شده

است (همانند نوع فرعی c).  
نوشته: ثابت است.

جنس سکه: یک درهمی.

تعداد: یک درهمی - ۳ سکه

نوع فرعی c IV : نشانه ممیزه: نوشته آن همانند نوشته سکه نوع فرعی b II و چنین است:

(خدا)گان بهرام شاهان شاه - مترجم (MLK, n ZY MLK, n wrhr, n bgy)  
با الهای افسر شهریاری بهرام به بالا خم شده است.

جنس سکه: یک درهمی.

تعداد: یک درهمی - یک سکه.

نوع V - تصویر نیمرخ راست بهرام با افسر شهریاری بر سکه‌های نوع فرعی Ia همسرش با کلاهی که بخش قدامی اسب بر آن نهاده شده دیده می‌شود.  
پیش روی آنها تصویر جانشین شاهنشاه ضرب شده که بر کلاه او بخش قدامی پرندگانی وحشی مشهود است. این سکه‌ها همانند دیگر انواعی که خواهد آمد به دو شکل a و b ضرب شده است. تفاوت تصویر شکل b با شکل a در آنست که در سکه‌های شکل b جانشین شاهنشاه «حلقه شهریاری» بدست دارد. بر پشت همه سکه‌های شکل b (در همه انواع آن که از نوع V آغاز می‌گردد) تصویر منظره تاجگذاری از سوی ایزد اناهیتا ضرب شده است (دبالة آن - بویژه ذکر نشده است). نوشته کلیه انواع سکه‌ها، از نوع V بعد ثابت است (و اغلب ناقص و دارای تحریفهایی است؛ دبالة آن - ذکر نشده است).

جنس سکه: یک درهمی؛  $\frac{1}{6}$  درهمی.

تعداد: یک درهمی - سکه؛  $\frac{1}{6}$  درهمی - ۳ سکه.

شکل b

جنس سکه: دینار، یک درهمی؛  $\frac{1}{4}$  درهمی  
 تعداد: دینار - یک سکه؛ یک درهمی - ۲ سکه؛  $\frac{1}{4}$  درهمی - یک سکه.  
 نوع VI - تصویر بهرام و همسرش با کلاهی که بخش قدامی سگ بر آن  
 نصب شده است. پیش روی آنان جانشین شاهنشاه با کلاهی که سر پرنده وحشی بر  
 آن نصب شده دیده می شود.

### شکل a

جنس سکه: دینار؛ یک درهمی؛  $\frac{1}{4}$  درهمی.  
 تعداد: دینار - یک سکه؛ یک درهمی - ۳ سکه؛  $\frac{1}{4}$  درهمی - ۵ سکه.

### شکل b

جنس سکه: دینار، یک درهمی؛  $\frac{1}{4}$  درهمی.  
 تعداد: دینار - ۷ سکه؛ یک درهمی - ۴۰ سکه؛  $\frac{1}{4}$  درهمی - ۳ سکه.  
 نوع VII - تصویر بهرام و همسرش با کلاهی که بخش قدامی پرنده بر آن  
 نصب شده است. پیش روی آنان جانشین شاهنشاه با کلاهی که بخش قدامی سگ  
 بر آن نصب شده دیده می شود.

### شکل a

جنس سکه: یک درهمی؛  $\frac{1}{4}$  درهمی.  
 تعداد: یک درهمی - ۳ سکه؛  $\frac{1}{4}$  درهمی - یک سکه.

### شکل b

جنس سکه: یک درهمی.  
 تعداد: یک درهمی - ۴ سکه

نوع VIII - تصویر بهرام و همسرش با کلاهی که بخش قدامی سگ بر آن  
 نصب شده است. پیش روی آنان جانشین شاهنشاه با کلاهی که بخش قدامی اسب  
 بر آن نصب شده دیده می شود. درمجموعه های ما تنها شکل a از این نوع سکه

موجود است

جنس سکه: یک درهمی

تعداد: یک درهمی - یک سکه

نوع IX - تصویر بهرام و همسرش با کلاهی که بخش قدامی سگ بر آن نصب شده است. پیش روی آنان جانشین شاهنشاه با کلاهی که بخش قدامی سیرخ بر آن نصب شده دیده می‌شود. در مجموعه‌های ما تنها شکل ۶ از این نوع سکه موجود است.

جنس سکه: یک درهمی.

تعداد: یک درهمی - یک سکه

نوع X - تصویر بهرام و همسرش با کلاهی که بخش قدامی اسب بر آن نصب شده است. پیش روی آنان جانشین شاهنشاه با کلاهی که بخش قدامی اسب بر آن نصب شده دیده می‌شود. در مجموعه‌های ما تنها شکل ۶ از این نوع سکه موجود است.

جنس سکه: یک درهمی.

تعداد: یک درهمی - یک سکه.

پشت سکه

نوع ۱ . آتشگاه پایه‌ای بلند و آتشدان از قطعه‌های راست گوشه. دو پیکره که به جهات گونه گونه نگرند در دروسی آتشدان ایستاده‌اند. یکی از آنها اهورا مزدا است. پیکره دیگر بالافسر شهریاری از بهرام دوم است.

نوع ۲ . همانند نوع ۱ است. ولی دو پیکره بالافسر شهریاری بهرام دوم تصویر شده‌اند.

نوع ۳ . همانند انواع پیشین است. ولی یک پیکره افسر شهریاری شاپور یکم را (افسر کنگره‌دار که گوئی بر آن نصب شده) بر سر نهاده است. پیکره دیگر

افسر شهریاری بهرام دوم را بر سر دارد.  
 نوع ۴ . همانند انواع پیشین است. ولی یک پیکره از ایزد اناهیتا تصویر شده است. بر کلاه اناهیتا بخش قدامی حیوانی وحشی نصب شده است. اناهیتا «حلقه شهریاری» را دراز کرده است. پیکره دیگر که افسر شهریاری بهرام دوم بر سر دارد دست را برای گرفتن «حلقه شهریاری» دراز کرده است.  
 نوع ۵ . همانند انواع پیشین است. ولی یکی از دو پیکره از میترا است که حلقه‌ای مشعشع بر گرد سر دارد و «حلقه شهریاری» را بسوی پیکر دیگر دراز کرده است. پیکره دوم افسر شهریاری بهرام دوم را بر سر دارد و دست را برای گرفتن «حلقه شهریاری» دراز کرده است.  
 نوشته این سکه چنین است.

NWR' ZY wrhr,n ; 'twr ZY wrhr'n

( آتش بهرام - مترجم )

آمیزه رویه و پشت سکه ها:

IIIa/1 : IIc/1 : IIb/1 : IIIa/1 : Ic/2 : Ib/5 : Ib/3 : Ia/2 : Ia/1  
 : VI/1 : V/3 : V/2 : V/1 شکلهای انواع a : IVc/1 : IVb/1 : IVa/1 : IIIb/1  
 : X/4 : VII/4 : VI/4 : V/4 شکلهای انواع b : IX/1 : VIII/3 : VII/3 : VII/2  
 : VII/1 : VI/3 : VI/2

ترتیب زمانی سکه ها

چنانکه از مآخذ گوناگون مستفاد می شود، گمان می رود بهرام دوم بهنگام تاجگذاری بیش از چهارده سال نداشته است. به رام بدساal ۲۷۶ میلادی که سال تاجگذاری او بود با خواهر خود شاپور دختر نواهد شاپور یکم ازدواج کرد. شاید بتوان با اکتفاء به این اطلاعات انواع سکه های دارای تصویر متعدد بهرام دوم و تصویر دو گانه بهرام دوم و همسرش را نخستین سکه های او شمرد. ولی درواقع

بسیب جدا بودن انواع و گوناگون بودن نوشته‌های رویه و نشانه‌های سکه‌ها و نیز اندک بودن (نقشها و نگینها) کار مقایسه دشوار است.

افسر شهریاری بهرام دوم در کلیه سکه‌های او بهدو شکل ارائه شده است: در برخی از آنها بالهای افسر شهریاری راست و در برخی دیگر رو به بالا تصویر شده است. شکل افسر شهریاری با بالهای راست تنها در یک نقش برجسته به رام دوم دربرم دلک<sup>۱۶</sup> تصویر شده است. در این نقش دو منظره از تاجگذاری (در زیر-تاجگذاری بهرام دوم؛ و در بالا - تاجگذاری شاپور دخنک) دیده می‌شود که گمان می‌رود مر بوط به آغاز پادشاهی بهرام دوم باشد. در این نقش بانوی بانوان بدون کلاه تصویر شده است. در دیگر نقش‌های بهرام دوم بالهای افسر شهریاری به بالا متمایل است. بقریب در همه انواع سکه‌های او جز سکه‌های IVc، IVb و IVc (از جمله در آخرین سکه‌ها) افسر شهریاری بهرام بالهایی مستقیم دارد بدین روال این شکل چشمگیر با آنکه انواع I-IV را به یکدیگر نزدیک می‌سازد، با اینهمه نمی‌تواند به تنهایی دلیلی برای تعیین تاریخ انواع سکه‌های بهرام دوم باشد. دیگر از عواملی که انواع نامبرده را به یکدیگر نزدیک می‌سازد، وجود نشانه‌ها است (ر.ک. به جدول شماره ۲).

اینکه در انواع سکه‌های I-V هنوز نشانه‌های معینی که برای دیگر انواع عمومیت داشته باشد مشاهده نشده حائز اهمیت فراوان است.

در ضمن، ذکر این نکته ضرور است که تعدد نشانه‌های جدا گانه در سکه‌های بهرام دوم بشدت افزایش یافته است. گاه نشانه‌ای معین بقریب در همه انواع فرعی سکه‌های او ضرب شده است. بعنوان نمونه نشانه ۲۰ در همه انواع سکه‌های VIIa و نشانه‌های ۲۰، ۴۰ و یا ۲۰ در سکه‌های ۴/ VIIb ضرب شده است. نشانه ۲۰ در همه سکه‌های نوع VIIa و بیشتر سکه‌های نوع VIIb (باقی سکه‌های

۱۶ - درباره شرح نقش‌های بهرام دوم ر.ک. به بخش پنجم کتاب.

متعلق به این نوع دارای نشانه های ۲۰ و ۴۰ هستند) و نوع VIIIa و VIIb و غیره ضرب شده است. این وضع امکان می دهد تواتر انتشاری سریهای انسواع جدا گانه سکه ها معلوم و روشن شود. گذشته از آن اینگونه تعدد و کثرت استعمال نشانه های گونه گون حاکی از آنست که آگاهی های تصویر شده بر سکه ها بتدریج نیروی خود را ازدست می داد.

مطلوب دیگر مر بوط به گونه گون بودن نوشه های رویه سکه ها است. بر سکه های نوع IV-I این نوشه ها دیده می شود.

#### نوشه یکم:

yry mzdysn bgy wrhr'n MLK'n MLK' 'yr'n W 'nyr'n MNW čtry MN yzd'n .

«آریائی بخ [اهورا] مزدا پرست. خدایگان بهرام شاه ایران و ایران که چهر از ایزدان دارد». IIIb IG,Ia انواع فرعی

#### نوشه دوم:

1) yry mzbysn bgy wrhr'n MLK'n MLK 'yr'n W ,nyr,n MNW čtry MN yzd,n

(آریائی بخ مزدا پرست، خدایگان بهرام شاه ایران و ایران که چهر از ایزدان دارد - مترجم).

2) Šhypwhrdwhtky MLKI'n MLKT,

«آریائی مزدا پرست خدایگان بهرام شاپور دختک بانوی بانوان» \*

#### نوع فرعی IIb

\* - ندانسته ام که نگارنده در متن «آریائی مزدا پرست خدایگان بهرام» را از کجا آورده است. در متن تنها «شاپور دختک بانوی بانوان» نوشته شده است. آنچه در بالا زیر عنوان «آریائی مزدا پرست خدایگان بهرام شاپور دختک بانوی بانوان» آمده توجه ای است که نگارنده کتاب از متن فارسی میانه شماره 2 آورده است - مترجم.

جدول شماره ۳

Ia	پشت سکه				
	1 ۰۰۹/۶۰۰	2	3	4	5
Ib	۰۰۹/۲۰ ۱۰/۴۰ ۲۰/۴۰/۶۰	-	نیست	نیست	نیست
Ic	نیست	۰/۱۰/۲۰	«	«	نیست
IIa	۶۰ (از سمت راست شعله‌ها) ۵۰	نیست	«	«	«
IIb	۶۰ (از سمت راست شعله‌ها)	«	«	«	«
IIc	نیست	«	«	«	«
IIIa	۶۰ (از سمت راست شعله‌ها)	«	«	«	«
IIIb	۶۰ (از سمت راست شعله‌ها)	«	«	«	«
IVa	۴۰/۷۰ ۴۰/۶۰/۲۰	«	«	«	«
IVb	راست شعله‌ها ۵۰/۲۰	«	«	«	«
IVc	نیست	«	«	«	«
Va	۲۰	۳۰	۲۰/۱۴۰	۰/۴۰/۶	«
Vb	نیست	نیست	نیست	۱۲۰/۱۰ (از سمت راست شعله‌ها) ۲۰	«
VIa	۶۰ (از سمت راست شعله‌ها) ۲۰/۴۰/۲۰ ۶۰/۴۰/۲۰ ۴۰/۲۰	۲۰	۲۰	نیست	«
VIb	نیست	نیست	نیست	۶۰ (از سمت راست شعله‌ها) ۲۰/۴۰/۲۰	نیست
VIIa	۲۰	۲۰	۲۰	نیست	«
VIIb	نیست	نیست	نیست	۲۰/۴۰/۲۰	«
VIIIa	«	«	۲۰	نیست	«
IXa	۳۰ و ستاره دارای شماعه‌ای بسیار	«	نیست	«	«
Xb	نیست	«	«	«	«

## نوشته سوم:

mzdysn bgy wrhr,n ZY MLK'n MLK.

«بغ مزدا پرست، خدایگان بهرام شاهان شاه» انواع فرعی IVC و IIC

## نوشته چهارم:

mzdysn bgy wrhr'n MLK'n MLK' ,yr'n W'nyr,n MNW čtry MN  
yze'n

«بغ مزدا پرست، خدایگان بهرام، شاهان شاه ایران و این ران که چهر از  
ایزدان دارد». انواع I - IV و الخ.

پیشتر گفته شده نوشته نوع «آریائی ... الخ» بتقریب بی گمان متعلق به نخستین سکه های او است. این نکته شایان دقت است که ما تنها در گروه انواع سکه های I-IV نوشته های گوندگونی بر روی سکه ها می بینیم واز نوع V ببعد نوشته ها یکسان است. در ضمن از طریق چهره شناسی روشن شده است که انواع سکه های I-IV پیشتر از دیگر انواع سکه ها پیدید آمده اند. کلاه شهیانو (که بیضی شکل و مروارید دوزی است) در نقش بر جسته سرمشهد نیز تصویر شده است در این نقش هنوز تصویری از جانشین شاهنشاه در میان نبود (تاریخ نقش بتقریب پیش از سال ۲۸۳ میلادی است). در ظرف سر گویشی نیز بانوی بانوان با همان کلاه تصویر شده است [۱۸، جدول XII]. در انواع منا خر سکه ها جانشین شاهنشاه گاه با کلاهی شبیه همان کلاه که در ظرف دیده می شود تصویر شده است. بدین روای نقش بر جسته سرمشهد و ظرف سر گویشی حلقدراطی هستند که تواتر انواع سکه های I-IV را به ثبوت می رسانند.

تواتر انواع V- VI و دیگر انواع نیز با شاندهای که بر سکه ها ضرب شده معلوم می گردد (ر.ک. به جدول شماره ۲)

باید سکه نوع IX را که سکه منحصر بفردی از مجموعه سکه های موزه دولتی تاریخ است از دیگر سکه ها جدا گرفت. در این سکه بر کلاه جانشین شاهنشاه بخش

قدامی سیمرغ نصب شده است. گمان می‌رود این از نخستین تصویرهای سیمرغ در هنر ساسانی باشد.

در روز گار بهرام دوم نخستین بار برپشت سکه‌ها حرفاًهای دیده می‌شود که گمان می‌رود نام ضرابخانه باشد (جز دینار شاپور یکم که بر آن نام ضرابخانه mlwy - «مر» نوشته شده است). سکه شماره ۸۹۴ دارای علامت ۲/۱، سکه شماره ۸۹۵ دارای حرف S و سکه ۸۹۶ دارای خطوط ناروشنی از دو زبان است. بر سکه شماره ۱۰۰ درسمت راست آتشگاه حرف «M» ضرب شده است. این سکه یک دیناری است و می‌توان چنین پنداشت که در سکه نامبرده حرف «M» اختصاری از نام - «مر» باشد. بر سکه شماره ۹۶۴ نام ضرابخانه بر روشنی نوشته شده و آن «ری» است. بر سکه هائی که تصویر شان در فهرست ف. پاروک آمده نیز همین نام دیده می‌شود. این سکه‌ها در ضرابخانه شهر ری ضرب شده‌اند. در این سکه‌ها نشانه‌ها و شیوه تصویر متمایز از دیگر سکه‌ها است. پشت سکه بجای نوشته‌های معموله سکه‌های بهرام دوم - NWR, ZYwrhr,n (آتش بهرام - مترجم) نوشته دیگری است که چنین است: twrZY Wrhr,n. (آذر بهرام - مترجم). همین نوشته پشت سکه و همان شیوه تصویر از جهات مشخصه سکه‌های شماره ۹۹۳، ۹۹۴، ۹۹۵ و ۱۰۱۴ نیز هست. گرچه براین سکه‌ها نام ضرابخانه دیده نمی‌شود، با اینهمه ممکن است از ضرابخانه ری باشند. در سکه شماره ۱۰۱۴ بر ستون آتشگاه همان نشانه سکه ری که. ف. پاروک انتشار داده دیده می‌شود.

نشانه‌های ضرابخانه‌ها مؤید این نکته است که طبقه‌بندی سکه‌ها بر پایه انتشار سکه‌ها از سوی ضرابخانه‌های گوناگون نیست، بلکه بر مبنای قالب سکه ها است.

تاریخ ضرب انواع سکه‌های V-X زودتر از سال ۲۸۳ میلادی بوده است، زیرا در این سکه‌ها جانشین شاهنشاه با نشانه‌های ویژه سکستانشاه دیده شده است.

چنانکه پیشتر گفته شد بهرام پسر بهرام دوم پس از سرکوب شورش هرzed پسر عمومی بهرام دوم که عنوان (MLK شاه) سکستان داشت، به فرمانروائی سرزمین نامبرده منصوب شد. در نقش بر جسته بیشاپور که ویژه پیروزی بهرام دوم بر هرzed بوده، تصویری از جانشین شاهنشاه دیده نشده است. تصویر بهرام دوم در نقش رستم نیز مؤید تاریخ پیدایش سکه نامبرده است. در این نقش یکی از شخصیتها بنام بیدخش پاپک (آخرین تصویر درسمت راست بهرام دوم که از نشانه‌ای که بر کلاه دارد معلوم می‌شود) در آخر روز گار پادشاهی بهرام فعالیت داشت. بانوی بانوان و جانشین شاه در این نقش با کلاه نوع VII تصویر شده‌اند.<sup>۱۷</sup>

بدین روال می‌توان تاریخهای زیر را برای سکه‌های بهرام دوم معین داشت:  
در فاصله سالهای ۲۷۶ - ۲۸۳ سکه‌های نوع I - III و در سالهای ۲۸۴ - ۲۹۳ سکه های نوع IV - X

۷۰

شرح انواع سکه‌ها

## سکه های پیش از تاجگذاری

رویه سکه

نوع I . تصویر نیمرخ راست نرسی که انتهای آن تیز گوش و مروارید دوزی بوده است. آرایش مو بشکل گیسوان سخت بهم بافتی است که بر شاندها فر و افتاده است. ریشم، دسته دسته است. گردندن او از درشت «مر وارد» است.

۱۷- در جدولهای ر. گوبیل (II taf. ۸۵) شرح نوعی از سکه‌ها آمده که بر روی آن شهرانو با کلامی که در نوع II تصویر شده دیده می‌شود و جانشین شاهنشاه کلامی برسر دارد که بر آن سرگراز نصب شده است. شاید در این سکه‌ها بخش قدمای اسب بر کلاه جانشین شاهنشاه نصب شده باشد.

(ر). گوبول عکس این نوع سکه‌ها را گروبرنکرده است؛ هرگاه چنین باشد، باید گفت که، تجدید سازمان انواع سکه‌ها برخود سکه‌ها اثر گذاشده است. شاید هم طبقه‌بندی انواع سکه‌های بهرام دوم که در این کتاب بار شده با آنکه مشهورتر از نوشتۀ‌های گوبول است، معهدها در آن برخی سکه‌های نایاب و این نوع اصل، و فرع، منحصر بفردی که هنوز انتشار نافatte منظور نشده است.

نیمرخ راست شهبانو نیز تصویر شده است. بر کلاه «مروارید» دوزی او بخش قدامی پرندگانی نصب شده است.

نوشته سکه

mzdysn nrshy MLK, MNW čtry MN [yzd'n]

(مزدآپرست، شاه نرسی که چهر از [ایزدان] دارد - مترجم)

جنس سکه:  $\frac{1}{3}$  دیناری (۴).

تعداد:  $\frac{1}{3}$  دیناری (۴) - ۲ سکه.

نوع II - تصویر نیمرخ راست نرسی با افسر شاهی بهرام دوم

نوشته سکه: mzdysn nrshy MLk' : (مزدآپرست، شاه نرسی - مترجم).

جنس سکه:  $\frac{1}{3}$  دیناری (۴).

تعداد:  $\frac{1}{3}$  دیناری (۴) - یک سکه.

نوع III تصویر نیمرخ راست نرسی. افسر شاهی با تاج‌کهای کوچک که گوئی بر آن نصب شده است. آرایش مو بشکل گیسوان سخت بهم بافتگانی است که بر شانه‌ها فرو افتاده است، ریش، گرد و کوتاه است.

نوشته سکه: mzdysn nrshy MLk' (مزدآپرست، شاه نرسی - مترجم).

این نوع شامل چند نوع فرعی است.

نوع فرعی a. III. نشانه ممیزه: در پیش روی شاه شاخه‌ای دیده می‌شود.

جنس سکه:  $\frac{1}{3}$  دیناری (۴).

تعداد:  $\frac{1}{3}$  دیناری - یک سکه.

نوع فرعی b. III. نشانه ممیزه: شاخه دیده نمی‌شود.

جنس سکه:  $\frac{1}{3}$  دیناری (۴).

تعداد:  $\frac{1}{3}$  دیناری (۴) - یک سکه.

## پشت سکه

نوع ۱ - آتشگاه با ستونی بلند و پایه و آتشدان از قطعه‌های راست گوشه.  
از آتشدان شعله زبانه می‌کشد. در دو سوی آتشگاه - دو ستون کوچک با پایه  
کره‌ای و آتشدان دیده می‌شود.

نوشته سکه: NWR'ZY nrysh (آتش فرنگی - مترجم).

نوع ۲ - در دو سوی آتشدان دو شیء نامعلوم دیده می‌شود (شاید بخوردان  
باشد?).

نوشته سکه: همانند نوع پیشین است.

آمیزه رویه و پشت سکه‌ها:

III b/2 : III a/2 : II/1 : I/1

چنانکه پیشتر یاد شد، همه این سکه‌ها مربوط به دوران مبارزه فرنگی  
بخاطر شهریاری ایران است که تصور می‌رود اواخر سالهای ۸۰ و اوایل سالهای  
۹۰ سده سوم میلادی روی داده باشد.

سکه‌های دوران شاهی.

رویه سکه

نوع I - تصویر نیمرخ راست فرنگی. افسر شاهی بشکل تاجکهای شیاردار  
است که گوئی بر بالای آن نصب شده است. انتهای نوار از تاجکها بیرون شده  
است. آرایش مو - مجعد است: حاشیه پوشش معلوم و دارای نقشه‌ای «مروارید»  
دوزی است.

نوشته:

mzdysn bgy nrshy MLK'n MLK' yr'n W 'nyr'n MNW čtry MN yzd'n  
(بغ مزدا پرست، خدایگان فرنگی، شاهان شاه ایران و ایران که چهر از ایزدان  
دارد - مترجم). (گاهی نوشته کامل نیست و اغلب دگر گون شده است).

جنس سکه: یک درهمی،  $\frac{1}{4}$  درهمی؛  $\frac{1}{4}$  درهمی مسین.

تعداد: یک درهمی - ۱۲ سکه.  $\frac{1}{4}$  درهمی - یک سکه؛ و  $\frac{1}{4}$  درهمی مسین -

یک سکه.

نوع II - تصویر نیمرخ راست نرسی. افسر شهریاری بهمان شکل که یاد شده، ولی نقش و نگار حاشیه پوشاك او شامل سه شاخه خرما است. آرایش و بشکل گیسوان سخت بافت‌های که بر شانه‌ها نیفتد است.

نوشته: همانند نوع I است. این سکه دارای چند نوع فرعی است.

نوع فرعی II<sup>a</sup> - نشانه ممیزه: همه گیسوان آرایش شده با هم تصویر شده‌اند. نوار از انتهای تاج‌گهآ و یخته است.

جنس سکه: دینار، یک درهمی؛  $\frac{1}{4}$  درهمی.

تعداد، دینار - ۳ سکه؛ یک درهمی - ۷۳ سکه؛  $\frac{1}{4}$  درهمی - ۱۱ سکه.

نوع فرعی b II - نشانه ممیزه: گیسوان دوبخش شده (یک بخش از گیسوان بهشانه متمایل است)؛ نوار از گوی افسر شاهی آویخته است.

جنس سکه، دینار؛ یک درهمی؛  $\frac{1}{4}$  درهمی.

تعداد: دینار - ۲ سکه؛ یک درهمی - ۳۸ سکه؛  $\frac{1}{4}$  درهمی - ۲ سکه.

#### پشت سکه

نوع فرعی 1 - آتشگاه دارای ستون بلند با پایه و آتشدان است که از قطعات راست گوشه تصویر شده است. از آتشدان، شعله زبانه می‌کشد. گردانگرد ستون آتشگاه نوارهای دیده می‌شود. در دو سوی آتشگاه دو پیکره دیده می‌شود که هر یک شمشیری در دست دارند: یکی از آنها - اهورامزدا و دیگری - نرسی با افسر شهریاری است.

نوع فرعی 2 - همانند نوع 1، یکی از تصویرهای دو سوی آتشگاه از اهورامزدا و دیگری از شاپور یکم است. در سمت راست شعله «نشانه شاهی» و در

سمت چپ «نشانه جانشین شاهنشاه» دیده می‌شود.

نوع فرعی a - نشانه ممیزه: ستون آتشگاه بدون نوار و نشانه است.

نوشته سکه: NWR' ZY nrshy (آتش نرسی - مترجم).

نوع فرعی b - نشانه ممیزه: گرد ستون آتشگاه نوارهای دیده می‌شود.

بر روی ستون سه نقطه است.

نوشته سکه: همانند نوع پیشین است.

آمیزه رویه و پشت سکه

. IIb/2b : IIa/2b : IIa/2a : I/2b : I/1

#### ترتیب زمانی سکه‌ها

افسر شهریاری نوع I درست همانند افسر شهریاری نرسی در تصویر ویژه تاجگذاری او در نقش رستم است. لذا این نوع سکه‌ها را می‌توان از سکه‌های تاجگذاری او دانست. افسر شهریاری نرسی در این سکه‌ها قدیمی‌تر از افسر شهریاری او در سکه‌های نوع II است. نخست این سکه‌ها را از بهرام سوم پسر بهرام دوم می‌دانستند. چنانکه ر. فاسمر نشان داده (اظهار نظرهای فاسمر بعدها وسیله ر. گوبل وسیعتر شد) [۵۲: ۴۰، ۱۰۳]. در برخی از این سکه‌ها نوشته با دقیق آورده شده است (در اکثر سکه‌های نرسی نوشته‌ها بسیار خشن است و بتقریب قابل خواندن نیست) و نام «نرسی» بروشی خوانده می‌شود. انواع پشت سکه‌ها که تصویرهایشان دیگر مفهوم خاصی نداشته و با رویدادهای مربوط نبوده‌اند بما کمک می‌کند تا ترتیب زمانی آنها را روشن سازیم. آمیزه انواع رویه و پشت سکه‌ها (بمعطابی که پیشتر آمده رجوع شود) ترتیب زمانی ضرب آنها را معلوم می‌دارد: نوع I - نوع فرعی a - نوع فرعی b - درست بودن تقسیم سکه‌های نرسی را بر حسب تصویرها و افسر شاهی و آرایش مو بشکل b II در برخی انواع فرعی (این نوع سکه‌ها تنها با پشت سکه b همراهند) مدلل می‌سازد؛ همه

سکه‌هایی که تصویر پشت آنها از نوع a و b ۲ است دارای نشانه‌های ۲۰ و ۴۰ هستند.

### هرمز دوم

#### شرح انواع سکه‌ها

#### روی‌ساکه‌ها.

نوع I - تصویر نیمرخ راست هرمزد با افسرشاهی دارای تاجکهای متعدد. بر افسر شهریاری تصویر پرنده‌ای وحشی با «مرواریدی» در مقابل نقش شده است. بر افسر شهریاری گوئی نصب شده است. نواری از تاجکها جدا شده است. آرایش مو مجعد است.

#### نوشته سکه:

mzdysn bgy 'whrmzdy MLK,n MLK' 'yr'n W, nyr'n MNW čtry MN  
yzd'n (بغ مزاد پرست خدایگان هرمزد، شاهنشاه ایران و اینیران که چهر از  
ایزدان دارد - مترجم). (گاه نوشته‌های ناقص و بیشتر دگرگون شده است).

این نوع سکه دارای دو نوع فرعی است.

نوع فرعی a - نشانه ممیزه: تاجکها شیاردار است.

جنس سکه: دو دیناری؛ یک دیناری؛ یک درهمی؛  $\frac{1}{4}$  درهمی.

تعداد: دو دیناری - یک سکه؛ یک دیناری - یک سکه؛ یک درهمی -- ۳۷ سکه؛  $\frac{1}{4}$  درهمی - ۳ سکه.

نوع فرعی b - نشانه ممیزه: تاجکها به «مروارید» مزین است؛ نوارها از تاجکها و نیز از گوی آویخته شده‌اند.

جنس سکه: یک درهمی؛  $\frac{1}{4}$  درهمی؛ چهار درهمی مسین.

تعداد: یک درهمی - ۹۵ سکه؛  $\frac{1}{4}$  درهمی -- ۲ سکه؛ ۴ درهمی مسین - یک سکه.

## پشت سکه

نوع ۱ - آتشگاه با ستون بلند و پایه و آتشدان از قطعه‌های راست گوشه تصویر شده‌اند. بالای آتشدان شعله‌ها زبانه کشیده‌اند، در میانه شعله‌های آتش تصویر اهورا هزارا تا سینه دیده می‌شود. گرد ستون آتشگاه نواری دیده می‌شود. در دو سوی آتشدان دو تصویر است؛ یکی از اهورا مزدا و دیگری از هرمزد در حالیکه افسر شهریاری برسر دارد.

نوشته سکه: NWR, ZY, whrmzdy (آتش هرمزد - مترجم).

نوع ۲ - همانند نوع پیشین است با این تفاوت که یکی از دو تصویر کنار آتشگاه از شاپور یکم با افسر شهریاری و دیگری از هرمزد با افسر شهریاری است. نوشته سکه: همانند سکه‌هایی است که پیش ازین گفته شده

آمیزه رویه و پشت سکه:

I.b/2 : Ib<sup>1</sup> / Ia<sup>1</sup> : Ia/1

ترتیب زمانی سکه‌ها

گرچه رویه سکه‌های هرمزد دوم تنها دارای دو نوع فرعی است، با اینمه باید یاد آور شد که سکه‌های او از لحاظ شیوه و طرز تصویر ناهمگونند. می‌توان از چند شیوه تصویر، ویژگیهای گوناگون حروف نوشته‌های رویه و پشت سکه‌ها و نیز از «اندازه‌های گوناگون نوشته‌ها (از عنوان کامل تا عنوان، mzdysn bgy, whrmzdy MLK,n MLK)» یاد کرد. حروف نوشته مانند گذشته بدون دقت و گاه غیر قابل تشخیص ضرب شده است. همه این تفاوت‌ها نمودار آنستکه سکه‌ها از ضرایخانه‌های گوناگون بوده‌اند، ولی بنظر می‌رسد هرمندی ضرایبان در قطع قالب این سکه‌ها محدود بوده است. طفرایی ضرایخانه‌ها در برخی سکه‌های هرم‌زد دوم نمودار دقیق و روشنی است؛ براینکه طبقه‌بندی سکه‌ها مانند گذشته در سطح قالبهای سراسری کشور بوده است.

در سکه‌های هرمزد دوم علامات ضرایبخانه‌ها با حرفهای زیر مشخص شده است:

,W, ,pr, ,pd, ,pdr, ,rd, wr, yzdy (?), r,sty (?) rdy, pyrwč. b,m (?)

طغرای wr, wr rdy در چند نمونه از سکه‌های بهرام دوم و طغرای wr, ,rd,pyr (pyrwč) کمی دیرتر دیده شده است.<sup>۱۸</sup> تنها یک ضرایبخانه نام کامل خودرا بر سکه نوشته - آنهم است که بنا بر قاعده باید شهر prgwz-šhypwhr باشد که در کتیبه شاپور در کعبه زرتشت از آن یاد شده است. شاید طغرای ,pr, ,pd, ,pdr, ,rd نام یکی از شهرها باشد. ولی مدارکی که بتواند در روشن ساختن این مطلب بما کمک کند زیاد نیست. تنها ذکر این نکته ضرور است که طغرایها بر سکه‌های نوع (شماره ۱۹۱۱ - ۱۱۹۳)، Ia/2 (شماره ۱۲۱۴)، Ib/1 (شماره ۱۲۱۹، ۱۲۲۰ Ia/1 (۱۲۲۱)، Ib/2 (شماره ۱۲۸۹ - ۱۲۹۳) ضرب شده است. طغرای rdy بر سکه‌های نوع ۱، Ib/1، Ia/1؛ طغرای rdy بر سکه‌های نوع ۱، Ib/1، Ia/1؛ طغرای r'sty (?) - نوع ۱، Ib/1؛ طغرای (?) - بر ۲/ Ib، Ia/2، Ib/1، ,pr، ,r، ,p، wr، ,rd - بر par، - بر pyrwč : Ib/2 ضرب شده است.

عمده‌ترین دگرگونی در نوع پشت سکه‌های هرمزد دوم تصویر نیم تنه ایزد در میان شعله‌های آتش آتشدان است. طبق معمول کلاه ایزد مشخص نیست.<sup>۱۹</sup>

اکنون مدرکهای مستقیمی در دست نیست تا بتوان با انتکاء بر آنها جنبه‌های مظہری این تصویر را روشن ساخت. چنانکه پیشتر یادشده در عهد نرسی دگرگونی بسوی زرتشتیگری پیش از کرتیر پدیدآمد. شاید این دگرگونی است که تصویر

.۱۸- د.ك: ب[۱۳۲]، فهرست طغرایها شماره ۸، ۱۶۳، ۱۴۹، ۱۵۲. [۱۵۲]

.۱۹- د. گوبل بر آنسته که کلاه ایزدی که در میان شعله‌ها تصویر شده، گونه‌ای مکرر از افراد پریاری است [۱۸۵].

پدید آمده در میان شعله‌های آتش را با «صفت مشخصه» نوین آتش که بر پشت سکه‌ها ضرب شده مر بوط می‌سازد. گمان می‌رود در عهد هرمزد دوم صحنهٔ پشت سکه بطور قطع مفهوم خود را از دستداده باشد، گرچه باز هم ضرب همان فورمول های گذشته ZYN' NWR در نوشته‌های سکه‌ها باقی ماند. پس از اندک زمانی این نوشته تمام و کمال جای خود را به نوشته نام ضرابخانه‌ها و تاریخ ضرب سکه‌ها داد. بدین روای می‌توان چنین پنداشت که در عهد هرمزد دوم برای نخستین بار منظمه نوینی بر پشت سکه‌ها نقش شد: بر پشت سکه‌ها دیگر مظاهر «آتشکده و پرثه تاجگذاری شاهنشاه»<sup>twr</sup> و یا 'ZYMLK' NWR (آذر و یا آتش شاهی - مترجم) تصویر نگشته است، بلکه آتشکده معروف در نظر پیروان آئین زرتشت 'twr' یا NWR' ZY wrhr'n (آذر یا آتش بهرام - مترجم) که مظهر آئین زرتشت بوده و بویژه در همهٔ استانهای نو گشوده که آئین زرتشت بزرور در آنجا رایج شده بود، تصویر گشته است. امکان اینگونه بررسی تصویرهای پشت سکه‌های هر مزد دوم (و سکه‌های شاهان پس از او - شاپور دوم، اردشیر دوم، شاپور سوم و دیگران) بویژه با این نکته که بهنگام هر مزد دوم با بکار رفتن کم و بیش منظم «طفرات» بر پشت سکه‌ها سروکار داریم تا اندازه‌ای جدی بنظر می‌رسد.

بدین روای از میان رفتن اهمیت نشاندها و نخستین مظاهر سکه‌های ساسانی تا اندازه‌ای با سرعت و شدت صورت می‌پذیرد. در ضمن سکه‌ها دگرگونیهای اندیشه‌ای (ایدئولوژیک) کشور را بنحوی دقیق مجسم می‌سازد.

\*\*\*

طبقه‌بندی برخی از انواع سکه‌های شاپور دوم در بخش ششم کتاب آمده است. در همان بخش طبقه‌بندی و ترتیب زمانی سکه‌های کوشانی - ساسانی و ساسانی کوشانی نیز ارائه شده است.

نقشه‌ای ساسانی بر صخره‌ها

اردشیر یکم

۱- نقش رجب

منظرة تاجگذاری

ماخذ: VB, 25 a (در همانجا فهرست کاملی نیز هست؛ متعاقب آن پس از VB تنها مأخذ جدید ذکر شده است).

تصویر شماره ۳

اردشیر (سمت چپ) با افسر شهریاری که گوئی بر آن نصب شده است و اهورامزدا (سمت راست) «حلقة شهریاری» را بسوی اردشیر دراز کرده است. پشت سر اردشیر نماینده دودمان قارن (SKZ: gwky ZY k' lny) که از نشانه کلاهش پیدا است) و شاپور شاهنشاه ایران پس از اردشیر و فرزند او با نشانه‌های جانشین شاهنشاه دیده می‌شوند. پشت سر اهورامزدا دو بانوی مشهور، شاید، مادر و همسر ارشد اردشیر (بانوی بانوان) (BANWAN Dynky, rwt' ky 'rthštr MLK'n MLK' 'MY;

ZY MLKT'n MLKT' تصویر شده اند.

بلندی نقش دو مترا و نیم و درازای آن چهارمترا و نیم است (از این پس اندازه نقشها در صورتی خواهد آمد که در منابع وماخذ نیز از آن یاد شده باشد).

۲- فیروز آباد

منظرة تاجگذاری

ماخذ: VB, 70 b; 81, 133' fig. 167

تصویر شماره ۴

اردشیر (سمت راست) با افسر شهریاری که گوئی بر بالای آن نصب شده و اهورامزدا (سمت چپ) که «حلقة شهریاری» را بسوی اردشیر دراز کرده است. میان شاهنشاه و ایزد آتشدانی است. پشت سر اردشیر نماینده دودمان قارن ایستاده است که بادیزن را بالای سر او گرفته است (مانند شماره ۱) و نیز شاپور با

نشانه‌های جانشین شاهنشاه و دو تن از بزرگان با کلاه بیضی شکل و بدون نشانه استاده‌اند.

افسر شاهنشاهی در نقشه‌ای شماره ۱ و ۲ همانند است و همین شکل افسر شاهنشاهی نیز بر سکه‌های نوع ۷۸ از سکه‌های اردشیر ضرب شده است. چنان‌که پیشتر یاد شد این سکه‌ها در سالهای ۲۳۵ - ۲۳۸ میلادی ضرب شده‌اند. نقشه‌ای شماره ۱ و ۲ را نیز باید متعلق به همین روزگار دانست.

نقشه‌ها از لحاظ ترتیب و قسمت‌بندی همانند یکدیگرند، و حال آنکه از نظر شیوه تصویر و جزئیات (آتشدان در نقش شماره ۲ و شخصیت‌های گوناگونی که در نقشه‌ها تصویر شده‌اند) متفاوت‌ند. پوشش شاهنشاه و اهورامزدا مبتنی بر سنتهای دینی نیست.

تاریخ و جزئیات (در مأخذ ذکر شده است): روزگار پادشاهی اردشیر سالهای ۲۲۷ - ۲۴۳ میلادی بوده است. از تصاویر، نقشه‌ای بر جسته‌تنهای اردشیر، و اهورامزا و شاپور همگوند.

### ۳- نقش رستم

#### منظرة تاجگذاری

مأخذ: VB, 28 c; 81, 133, fig.

#### تصویر شماره ۵

اردشیر (سمت چپ) سوار بر اسب با افسر شهریاری که بر بالای آن گوئی نصب شده است، و اهورامزدا (سمت راست) سوار بر اسب تصویر شده که «حلقه شهریاری» را بسوی اردشیر دراز کرده است. ریش اردشیر دارای نواری است. اهورامزا بر سر<sup>\*</sup> بدست دارد. در زیر سم اسب اردشیر تصویر اردوان پنجم که بهزو

\* - بر سر barsom چوبیدستی است که طبق آداب ویژه‌ای از درخت معینی بریده و آماده می‌شد و روحا نیان زرتشتی با آن آتش درون آتشدان را بر هم می‌زندند - هنر جم

بر زمین افتاده با کلاه بیضی شکل که حاشیه آن «مروارید» دوزی است و نشانی بر آن نصب شده است، دیده می‌شود. درزیر سب اهورامزدا اهریمن (انگرمه میتو)، مظہر تاریکی بر زمین افتاده است. موی سر اهریمن بشکل مارهای چنبره زده تصویر شده است. پشت سر اردشیر نماینده دودمان قارن (همانند شماره ۱) ایستاده که بادبزنی دردست دارد. افسار اسب اردشیر با قطعه هائی که صورت شیر بر آنها نقش شده زینت یافته است.

بر سینه اسب اردشیر نوشته‌ای بزبانهای پارتی، یونانی و فارسی میانه دیده می‌شود که متن آنها یکی است. متن فارسی میانه چنین است:

ptkry ZNH mzdysn MACΔACNOY bgy 'rthštr MLK' 'nMLK yr'n MNw čtry MN yzd'n BRH bgy p' pky MLK'

«این است پیکر بع [اهورا] مزداپرست، خدایگان اردشیر شاهان شاه ایران که چهر از ایزدان دارد، فرزند خدایگان پاپلک شاه».

نوشته‌ای نیز بزبانهای فارسی میانه، پارتی و یونانی بر سینه اسب اهورامزدا دیده می‌شود. متن فارسی میانه چنین است:

ptkry ZNH' whrmzdy.

(نام پارتی اهورامزدا 'L H' و نام یونانی آن 'OROY B' آمده است). «این پیکر از ایزد اهورامزدا است».

بلندی نقش ۴/۲۰ متر و درازای آن ۵۴ متر است.

پوشک شاهنشاه و ایزد مبتنی بر سنتهای دینی است (همه اجزاء پوشک و نشانه‌ها جز افسر شهریاری در همه نقشه‌های ساسانی تکرار شده است؛ نشانه‌ای ویژه تاجگذاری در «تصویرهای رسمی» شاهنشاه از آغاز سده چهارم میلادی تغییر یافت. در این زمان نشانه‌ها یکی از اجزاء مهم تصویر شاهنشاه شمرده می‌شد؛ پوشک اهورامزدا تا پایان این دوره تغییری نیافت). از زمان تصویرهای نقش-

رسم تاروزگار شاهنشاهی نرسی (پایان سده سوم میلادی) بتقریب در همه مناظر ویژه تاجگذاری شخصیت‌های عمدۀ سوار بر اسب تصویر شده‌اند. بدین روال تصویر نقش رسم در واقع نمونه ویژه نقشهای تاجگذاری اوایل شاهنشاهی ساسانیان است.

در این نقش افسر شهریاری اردشیر یکم همانند افسر شهریاری است که بر سکه‌های نوع Vb ضرب شده و همزمان با پیدایش تصویر نقش رسم یعنی اواخر دهۀ چهارم و اوایل دهۀ پنجم سده سوم میلادی است (شاید هم متعلق به پایان شاهنشاهی اردشیر یکم باشد). یکی از اجزاء مهم چهره نگاری در پدید آوردن تصویر رسمی شاهنشاه، نواری است که بعد از عهد شاپور یکم بعده (در نقشهای برجسته و سکه‌ها و نگینها و ظرفهای کنده کاری شده) دیده می‌شود. این نوار نخستین بار در نقش رسم پدید آمده است (در کلیه سکه‌های اردشیر نواری بر رویش او دیده نشده است) تاریخ شاهنشاهی اردشیر را سالهای (۲۴۳-۲۲۷ میلادی) دانسته‌اند.  
۴- فیروزآباد. صحنه پیکار

مأخذ: 388 AB 71; 81, 125-126, fig. 163 165 PP.387

#### تصویر ۶۸

بلندی - ۴۵ متر ، درازا - ۲۳ متر

در این نقش که بزرگترین نقش ساسانی است سده صحنه تصویر شده است.  
الف - اردشیر بازره سنگین («زره فلزی یک تخته») تصویر شده است که نیزه‌ای در دست دارد واردوان پنجم را از روی زین بر زمین می‌افکند. غاشیه اسب اردشیر با دنشانه‌های شاهی «زینت یافته است و غاشیه اسب اردوان دارای همان نشانه‌ای است که بر کلاه وی در نقش رسم (شماره ۳) تصویر شده است .  
ب - شاپور بازره سنگینی («زره فلزی یک تخته») و کلام خود رزمه تصویر

شده است. بر کلاه خود او سر شیر نصب شده است، شاپور نیزه‌ای در دست دارد و یک سوار پارتی را از روی ذین بر زمین می‌افکند. سوار پارتی نیز زره سنگین بتن و کلاه خود رزمی رومی بسر دارد. غاشیه اسب شاپور با «نشانه جانشین شاهنشاه» زینت یافته است. همین نشانه در نقش‌های شماره ۱ و ۲ بر کلاه شاپور دیده می‌شود. بر ترکش سوار پارتی نشانه‌ای دایره‌ای شکل که نقطه‌ای در مرکز آن قرار دارد مشهود است.

ج - نماینده دودمان قارن (همان کسی که در نقش‌های شماره ۱، ۲ و ۳ تصویر شده) بازره سنگین و کلاه خود رزمی رومی دیده می‌شود.

تعیین تاریخ این نقش بسیار دشوار است، زیرا شاهنشاه در اینجا با افسر شاهی ویژه سلام رسمی تصویر نشده، بلکه با کلاه خود رزمی تصویر شده است. این نوع کلاه خود همانند افسر شاهی است که بر سکه‌های نوع VG ضرب شده است (تاجکی که انبوهی از مو بر آن نهاده شده است). برخی اجزاء این تصویر از نظر چهره‌شناسی، شکل نوار، طرز پوشش، بوزیره نوار مخصوص ریش - به تصویر نقش رسم نزدیک است. اجزاء نامبرده در نقش‌های ۱ و ۲ دیده نمی‌شود. جنبه مظہری این نقش که صحنه‌پیکار در آن تصویر شده به جنبه مظہری نقش رسم نزدیک است: در آن نقش نیز پیروزی اردشیر بر ادوان تصویر شده است. در ضمن نشانه های ازدواج نیز در هر دو تصویر یکی است. از همه عوامل نامبرده چنین برمی‌آید که نقش صحنه‌پیکار متعلق به پایان شاهی اردشیر (اوآخر دهه چهارم و اوایل دهه پنجم سده سوم میلادی) است.

تاریخ این نقش با تفاوت آراء مورد تأیید همه پژوهندگان هنر اوایل عهد ساسانی بوده است<sup>\*</sup> برای شرح تصویر و اجزاء آن بطور معمول از نوشتة طبری استفاده می‌شود مبنی بر اینکه بهنگام پیکار در نزدیکی هرمزدگان (بسال ۲۲۷

\* - برای نمونه ر. ل. ب. [۸۱]، [۱۲۵]

میلادی) اردشیر در تبرد تن بن اردوان پنجم را از پای در آورد و پسرش شاپور - در بندان «وزیر بزرگ» اردوان را سرنگون کرد. نقش مذکور نیز بمنابع تصویر صحنه نبرد نزدیک هرمzed گان تلقی شده است.  
دیگر. صحنه پیروزی.

ماخذ: 206 , VB , 161 , 81 , 64C fig .

در وسط نقش شاهنشاه با افسر شاهی اردشیر یکم تصویر شده است. در زیر سه اسب شاهنشاه تصویر گورديانوس سوم امپراتور روم دیده می شود. پیش روی شاهنشاه دو تن از بزرگان روم تصویر شده اند. درست چپ گارد شاهی و بزرگان و درباریان، و درست راست سپاهیان رومی تصویر شده اند. از افسر شاهی شاهنشاه در این نقش چنین معلوم می شود که نقش نامبرده ویژه پیروزی اردشیر یکم بر گورديانوس و نتیجه نخستین جنگ ایران و روم است. از شکل افسر شاهی (همانند تصویر اردشیر بر سکه های نوع V) و دیگر اجزاء تصویر (از جمله نوار ویژه ریش) چنین برمی آید که نقش نامبرده بهنگام پایان پادشاهی اردشیر و یا آغاز شاهی شاپور یکم و پیش از تاجگذاری او (ماههای مارس - آوریل سال ۲۴۳ میلادی) پدید آمده است. (برای اطلاع بیشتر به صفحه های ۸۴ - ۸۵ رجوع شود)  
در گذشته آنرا به دوران پادشاهی شاپور یکم (۲۴۱ - ۲۷۳ میلادی) و پیروزی شاپور یکم مربوط دانسته اند.

شاپور یکم

ع. بیشاپور. صحنه تاجگذاری

ماخذ: 203 - VB , 77 a ; 81 , 159 fig 201

تصویر شماره ۷

شاپور (سمت راست) سوار بر اسب تصویر شده که دست خود را بسوی «حلقه شهریاری» دراز کرده است. (سمت چپ) اهورامزدا نیز سوار بر اسب تصویر شده

که «حلقه شهر یاری» را به شاپور تسلیم می‌کند. زیر سم اسب شاپور گوردیانوس امپراتور شکست یافته روم و زیر سم اهورامزدا اهریمن دیده می‌شود. در فاصله میان شاهنشاه و ایزد فیلیپ عرب امپراتور روم در حالی که زانو بر زمین زده تصویر شده است.

اجزاء تصویر شخصیت‌های این نقش یاری می‌کند تا تاریخ پیدایش نقش مذکور روشن شود. این نقش به نتیجه جنگ‌های سال ۲۴۳ میلادی (که پیش از ماه آوریل سال ۲۴۳ میلادی پایان یافته بود) و تاجگذاری شاهنشاه اختصاص یافته است. نقش مذکور پس از تاجگذاری رسمی در نوروز (ماه آوریل) سال ۲۴۳ میلادی بر صخره پدید آمد.

در گذشته تاریخ نقش مذکور را به دوران جنگ شاپور بازمیان و پیروزی بر فیلیپ عرب مر بوط دانسته‌اند.

#### ۷ - نقش رستم. صحنه پیروزی

ماخذ: ۲۰۵-۲۰۴ . fig . ۸۱ ، ۱۶۰ ، ۲۹ . VB

#### ۸ - تصویر شماره ۸

شاپور سوار بر اسب است. پشت سر شاپور تصویر موبد کر تیر دیده می‌شود که کلامی بیضی شکل و دارای نشان بر سر دارد. در زیر تصویر او نوشته شده کرتیر (فارسی میانه . ر. ک به ص ۱۹ - ۲۰). پیش‌روی شاه تصویر والرین به مراء یکی از بزرگان روم (فرمانروای پرتوریا<sup>۱</sup>) دیده می‌شود که زانو بر زمین زده است. اجزاء و نشانه‌های تصویر امپراتور همانند اجزاء و نشانه‌های او بر سکه‌های رومی و برخی دقایق چهره شناسی است\*. بدین روال نقش مذکور بپاس نتایج دومین جنگ بازمیان پدید آمده است. جنگ مذکور به سال ۲۵۶ میلادی بالنقاد پیمان صلح با والرین پایان یافت. والرین بر عهده گرفت غرامت‌های جنگ

\* - برای اطلاع بیشتر ر. ک به، ص ۹۰ - ۹۱

را پردازد و بخشی از سرزمینهای تحت تصرف خود را به ایران واگذارد.  
در گذشته این نقش را ویژه پیروزی بر گورديانوس می‌دانستند.

۸ - نقش رجب  
شاهنشاه و درباریان او

ماخذ: ۱۶۰ , ۲۶ b , ۸۱

تصویر شماره ۹

شاپور همراه فرزندان، همسر و بزرگان سوار بر اسب تصویر شده است.  
نخستین تصویر ایستاده از هرمزد اردشیر فرزند شاهنشاه است که با نشانه‌های  
جانشین شاهنشاه دیده می‌شود. پشت سر او شاپور، شاه‌میشان فرزند دیگر شاهنشاه  
ایستاده است. تصویر سوم از نرسی فرزند دیگر شاپور و شاه تورستان، سکستان و  
همد است. در پس او بهرام یکی دیگر از فرزندان شاپور که گیلانشاه بود و نیز  
همسر ارشد شاهنشاه (بانوی بانوان) آذر ناهید ایستاده‌اند. در ردیف دوم (کمی  
پایین‌تر) بیدخشن و هزاربد، بزرگ‌ترین درباریان شاهنشاه ایستاده‌اند. پشت سر  
آنان نمایندگان دو دمانهای مشهور کشور - سورها و قارناها دیده می‌شوند.

جزئیات تصویرها به نشانه‌های کلاه و نیز جایگاه آنان مبتنی است.  
جایگاه درباریان موافق ترتیب عنوانهای آنان است. درواقع می‌توان گفت که  
تصویرهای نقش رجب درست مطابق فهرست نام و عنوان بزرگان در کتبیه شاپور  
در کعبه زرتشت است. تصویر شاپور شاه‌میشان به تعیین تاریخ پیدایش نقش کمک  
می‌کند. از نوشته‌ای که حدود ۲۶۲ میلادی پدیدآمده معلوم می‌شود که شاپورشاه  
میشان این زمان در قید حیات نبود و همسرش دینک بر سر زمین او فرمانروائی داشت  
بدین روای معلوم می‌شود که نقش نامبرده پیش از سال ۲۶۲ میلادی پدیدآمده است  
ممکن است تعیین هرمزد اردشیر به جانشینی شاهنشاه سبب پیدایش نقش مذکور  
باشد. بر سینه اسب شاپور نوشته‌ای (به زبانهای پارتی، فارسی هیانه و یونانی)

دیده می‌شود که متن فارسی میانه آن چنین است:

ptkry ZNH mzdysn bgy šhpwhry MLK'n MLK' 'yr'n W 'nyr'n MNW  
 čtry MN yzd'n BRH bgy 'rthštry MLk'n MLK' 'yr'n MNW čtry  
 MN yzd'n npy bgy p' pky MLK'

هاین پیکری است از بع [اهورا] مزداپرست، خدایگان شاپور، شاهان شاه ایران  
 و ایران که چهر از ایزدان دارد، فرزند بع [اهورا] مزداپرست، خدایگان  
 اردشیر شاهان شاه ایران که چهر از ایزدان دارد. نواده خدایگان، پاپک شاه».

تاریخ و ویژگیها: دوران شاهی شاپور یکم (سال ۲۷۲ - ۲۴۳ میلادی) تنها  
 تصویر شاهنشاه و هرمزد اردشیر با همه ویژگیها نشان داده شده است.

سمت راست نقش تصویر نیم تن و نوشته موبد کرتیر (بزبان فارسی میانه)

دیده می‌شود\*.

۹- بیشاپور.

صحنه پیروزی

ماخذ: ۱۹۹ - ۲۷۲، fig. 196

تصویر شماره ۱۱

۱۰- بیشاپور

صحنه پیروزی

ماخذ: ۲۰۰، fig. 200

هر دو نقش از نظر مجموعه تصویرها همگونند و در آنها پیروزی شاپور یکم  
 بر رومیان تصویر شده است. در وسط صحنه هر دو نقش نتیجه هرسه جنگ تصویر  
 شده است. در نقش، تصویر گوردیانوس سوم (ذیر سه اسب شاپور)، فیلیپ عرب  
 (در حالیکه پیش روی شاپور زانو بر زمین زده) و والرین در بند و زنجیر کنار شاپور

\* - (د. ک به، ص ۱۹ - ۲۱).

دیده می شود\*.

تاریخ وویژگیها: همان است که گفته شد.

۱۱- نقش رجب

صحنه تاجگذاری

مآخذ: VB, 27; R. Ghirshman, 81, fig. 339

تصویر شماره ۱۰

شاهنشاه (سمت راست) سوار بر اسب تصویر شده که دست خویش را بسوی (حلقه شهریاری) که اهورامزدا بدو تسلیم می دارد دراز کرده است. بر سینه اسب شاهنشاه نوشته ای (ب زبانهای یونانی و فارسی میانه) است. متن فارسی میانه آن چنین است:

ptkry ZNH mzdyns bgy šhpwhry MLK'n MLk' 'yr'n W 'nyr'n MNW  
čtry MN yzd'n BRH mzdyns bgy' rthštry MLK'n MLK' 'yr ,n  
MNW čtry MN yzd' n npy bgy p' pky MLK'

«این پیکری است از بع [اهورا] مزداپرست، خدایگان شاپور، شاهان شاه ایران و ایران که چهر از ایزدان دارد، فرزند بع [اهورا] مزداپرست، خدایگان اردشیر شاهانشاه ایران، که چهر از ایزدان دارد، نواده خدایگان پاپک شاه».

اجزاء افسر شاهی در این نقش قابل تشخیص نیست، ولی ممکن است شاهنشاه در این نقش با افسر شاهی شاپور یکم تصویر نشده باشد. بدین ترتیب میان حلقة شهریاری و نوشته روی سینه اسب اختلافی موجود است.

این نقش از لحاظ شیوه و چهره نگاری به نقش ویژه تاجگذاری به رام یکم در بیشاپور (شماره ۱۲۰) بسیار نزدیک و همانند است. این شاهنشاه نه تنها از نظر ترکیب نشانها در شیوه تصویر اجزاء جدا گانه (مانند طرز پوشالک شاهنشاه و

\*- (برای آگهی بیشتر ر.ک به: ص ۹۶-۹۷)

ایزد، طرز نشان دادن عضلات اسبها وغیره)، بلکه در تصویر اجزاء بسیار خرد (زین افزار و نیز شکل و ویژگیهای اجزاء «حلقه شهریاری» ونوار) نیز محسوس است.

چنین بنظر می‌رسد که همه عوامل مذکور مؤید نزدیک بودن این دونقش از لحاظ زمانی است. نگارنده با وجود آنکه حل مسئله مربوط به مختصات تصویر شاهنشاه را بر عهده نمی‌گیرد، معهداً می‌خواهد این نکته را یادآور شود که گمان نمی‌رود تاریخ این نقش سال ۲۴۳ میلادی (سال تاجگذاری شاپور یکم) باشد. تصویر می‌رود این نقش متعلق به پایان شاهنشاهی شاپور یکم (دهه هشتم سده سوم میلادی) و یادوران پادشاهی هرمزد اردشیر باشد. در صورت اخیر می‌توان نوشته نقش را مربوط به دوران پس از آن دانست.

تاریخ و ویژگیها: سال ۲۴۳ میلادی، شاپور یکم.

بهرام یکم

۱۲ - پیشاپور.

صحنه تاجگذاری

مآخذ: VB 79b; 81, 166, fig. 211

بهرام یکم (سمت راست) سوار بر اسب تصویر شده که دست راست خویش را بسوی «حلقه شهریاری» که اهورامزدا بدو تسليم می‌دارد دراز کرده است. بر سینه اسب بهرام نوشته‌ای بن‌بان (فارسی میانه) دیده می‌شود که متن آن چنین است:

ptkry ZNH mzdynsн bgy nrshy MLK ' n MLK ' ,yr ' n W ' nyr ' n MNW  
 čtry MN yzd ' n BRH bgy šhpwry MLK ' n MLK ' 'yr ' n W ' nyr ' n -  
 MNW čtry MN yzd ' n npy ' rthštry MLK ' n MLK ' .

«این پیکری است از بخ [اهورا] مزداپرست، خدایگان نرسی، شاهان شاه ایران و ایران، که چهر از ایزدان دارد، فرزند بخ [اهورا] مزداپرست، خدایگان شاپور،

شاهان شاه ایران و این ران، که چهر از ایزدان دارد، نواده خدایگان اردشیر،  
شاهان شاه».

در برآء عواملی که سبب تغییر این نوشته از نام بهرام به نام نرسی شده ر.ک.

بهص ۱۶۹- ۱۷۰

همه پژوهندگان اتفاق نظر دارند براینکه نقش مذکور از نقشهای اوایل روزگار ساسانی است. تاریخ پیدایش آن سالهای ۲۷۴- ۲۷۶ میلادی بوده است.  
تاریخ و ویژگیها: همان است که یاد شده.

بهرام دوم

نقشهای بهرام دوم (شماره نقشهای بهرام هفت است) را بهسادگی می‌توان بهدو گروه بخش کرد: گروه منتقد و گروه منتأخر.  
نقش ویژه پیروزی در بیشاپور<sup>\*</sup> خود نشانه‌ای از وجود دو گروه نامبرده است. در این نقش پیروزی بهرام دوم بر هرمزد پسر عمومی بهرام که حدود سال ۲۷۶ میلادی بفرمانروائی تورستان، سکستان و هند و شاید به جانشینی شاهنشاه منصب شده بود، تصویر گشته است. هرمزد به سال ۲۸۳ میلادی سر به نافرمانی برداشت. شورش بسختی سر کوب و هرمزد کشته شد. از آن پس (دستکرتها) هرمزد و نیز عنوانهای او که سکستانشاه و ولیعهد بود به بهرام فرزند بهرام دوم واگذار شد. از این تاریخ تصویرهای بهرام در آثار رسمی ساسانی، و نقشها و سکه‌ها و نگینه‌ها پدید آمد. در همه نقشهای پیش از سال ۲۸۳ میلادی که در آنها بهرام دوم با همسر و یا درباریانش تصویر شده اثربراز تصویر جانشین شاهنشاه دیده نمی‌شود.

۱۳ - بر م دلک

دوصننه از تاجگذاری

ماخذ: b , VB,73a

\* - د.ک. بهایین‌تر، شماره ۱۷

صحنه بالا: بانوی بانوان با پوشак بلند چین دار و آویخته‌ای تصویر شده است که دست خود را برای گرفتن گلی (؟) که یکی از بزرگان با کلاه بیضی شکل و پوشاك شاهی و شمشیری بر کمر به او تسلیم می‌دادد دراز کرده است.  
صحنه پایین از بهرام دوم است که دست خود را برای گرفتن «حلقه شهریاری» که همان شخصیت صحنه بالا به او تسلیم می‌دادد دراز کرده است.

در نقش صحنه تاجگذاری شاپور دخنک (صحنه بالا) همسر ارشد بهرام دوم و تاجگذاری بهرام (صحنه پایین) تصویر شده است. در هر دو تصویر «نشانه شهریاری» از سوی اهورامزدا تفویض نشده، بلکه از سوی «نماینده اودر زمین» موبد کرتیر تسلیم شده است.\*

تاریخ نقش با بررسی سکه‌های نوع ۱ بهرام دوم روشن می‌شود: در این سکه‌ها شاپور دخنک بدون کلاه تصویر شده و افسر شاهی بهرام دوم در این نقش بشکلی است که در سکه‌های نوع فرعی Ia و Ib وغیره و نیز در سکه‌های ویژه تاجگذاری او ضرب شده است. بدین روال تاریخ پیدایش نقش را می‌توان حدود سال ۲۷۶ میلادی دانست.

تاریخ و ویژگیها: دوران شاهی بهرام دوم (سالهای ۲۹۳-۲۷۶ میلادی) است، در آن بهرام و همسرش (یا ایزد اناهیتا\*) تصویر شده‌اند.

#### ۱۴- نقش بهرام

شاہنشاه و درباریا نش

مأخذ: 214. VB, 82a, b; R. Ghirshman, 81, 173, fig

بهرام دوم از رو برو بر تخت شاهی تصویر شده است. در هر دو سوی اودوتون از بزرگان ایستاده‌اند؛ سمت چپ کرتیر (نشانه کلاه او نشانه ویژه کرتیر است) و

\* - (برای آگهی بیشتر ر. ک به، ص ۱۷۹-۱۸۰)

\* - ر. ک بکتاب (E. Herzfeld' Archeological History of Iran p. 87)

اردشیر قارن (از نشانه کلاه پیداست) ایستاده‌اند و سمت راست او گمان می‌رود فرمذار و هونم ایستاده باشد.

نقش، پیش از سال ۲۸۳ میلادی پدید آمده، زیرا در آن تصویر جانشین شاهنشاه دیده نمی‌شود.

تاریخ و ویژگیها: دوران شاهی بهرام دوم (سالهای ۲۷۶-۲۹۳ میلادی) است. تصویر از خود شاهنشاه است.

### ۱۵- گویوم. تصویر.

بهرام دوم.

ماخذ: VB' 83

بهرام دوم تمام قد تصویر شده است که دست راست را به نشانه نیایش بلند کرده و با دست چپ قبضة شمشیر را نگاهداشته است.

افسر شاهی بهرام دوم همانند افسر شاهی او بر سکه‌های نوع فرعی ۱a است که نشان می‌دهد نقش نامبرده مر بوط به او ایل شاهنشاهی او است.

تاریخ و ویژگیها: دوران شاهی بهرام دوم (سالهای ۲۷۶-۲۹۳ میلادی) است.

### ۱۶- سرمشهد

شکار بهرام

ماخذ: VB , 74a; 81, 173, fig

تصویر شماره ۱۴

بهرام دوم با شمشیر شیری را بدون نیم می‌کند. شیر دیگری زیر پای شاهنشاه افتاده است. شاهنشاه با دست چپ دست شاپور دختک را گرفته است. پشت سر

شاهنشاه کرتیر (از روی نشانه کلاه) و بزرگان ایستاده‌اند.

نقش، همزمان با سکه‌های نوع II است، زیرا کلاه شاپور دختک همسر بهرام همانند کلاه او بر سکه‌های نوع III یادشده است. گمان می‌رود تاریخ دقیق پیدایش

نقش مذکور اوایل دهه نهم سده سوم میلادی باشد. زیرا در ظرفی که تصویر بهرام و همسر و جانشین او بر آن نقش شده \* همسر بهرام همین کلاه را ببرسر دارد. اما تصویر فرزند بهرام با نشانه‌های «سکستان‌نشاه» است. انتصاب فرزند بهرام و شاه سکستان به جانشینی شاهنشاه مر بوط به سال ۲۸۳ میلادی است.

تاریخ و ویژگیها: دوران شاهی بهرام دوم (سالهای ۲۷۶ - ۲۹۳ میلادی) است. از ویژگی‌های تصویر نگارش چهره بهرام دوم و همسر او است. در نقش نوشته موبد کرتیر (بن‌بان فارسی میانه) دیده می‌شود.

۱۷- پیشاپور.

صحنه پیروزی.

ما آخذ: ۲۲۶ - ۲۲۵، VB, 80b, c; 81, 184 - 185, fig. 225

تصویر شماره ۱۵

نقش بهدو ردیف بخش شده است. در مرکز ردیف بالا بهرام از رو برو بر تخت شاهی تصویر شده است. در دست راست بهرام پرچمی (?) قرار گرفته و دست چپ او بر قبضة شمشیر است، سمت چپ بهرام بزرگان و سمت راست او سپاهیان ایران در حالیکه اسیران را به مرأه می‌آورند تصویر شده‌اند در سمت چپ ردیف پائین گارد ویژه بهرام و درباریان تصویر شده‌اند که مرکب سواری شاهنشاه را با خود می‌آورند. در سمت راست سپاهیان ایران تصویر شده‌اند که اسیران و غنائم جنگی را به مرأه می‌آورند (در دست یکی از آنها - چنانکه از شکل کلاه پیدا است). سر هرمزد شاه سکستان دیده می‌شود).

گمان می‌رود کار نقش افسرشاهی شاهنشاه پایان نیافته بود، ولی با همه‌اینها بالهای افسر شاهی و گوئی که بر بالای آن نصب شده قابل تشخیص است. این نقش، به سبب سر کوب شورش هرمزد فرمانروای سکستان پدید آمده

\* - (ر.ك. به: ص. ۲۰۰-۲۰۱ و تصویر شماره ۲۲)

و مر بوط به سال ۲۸۳ میلادی است.

تاریخ و ویژگیها: E. Herzfeld' Archaeological History of Iran, pp. 87 - 88

پیروزی شاپور یکم در هند. ۱. هر تسلسل از برخی شباhtها میان این نقش و نقش پیروزی شاپور یکم باد کرده است\*. R. Ghirshman, Partes et Sasanides 184 - 185 pp. - پیروزی شاپور دوم بر کوشان. اسناد و مدارک مؤید نظر گیرشمن نیست: «شاپور دوم بی گمان بر کوشانشاه پیروز شده و سر زمین کوشان را ضمیمه سر زمین زیر فرمانروائی خود ساخته بود، ولی این دستاورد بویژه در یکی از نقشها تصویر شده است\*\*».

#### ۱۸ - نقش رستم

شاهنشاه و درباریان.

ماخذ: VB, 29a; 81, 170 - 171, fig.

#### ۱۶ - تصویر

بهرام دوم تمام قد تصویر شده است. سمت چپ شاهنشاه نیم تن همسر او (با کلاهی که بخش قدامی اسپ بر آن نصب شده است) و جانشین شاهنشاه (با کلاهی که بخش قدامی پرنده بر آن نصب شده است) و نیز بزرگان دیده می شوند. کلاه بانوی بانوان و جانشین شاهنشاه همانند کلاه آنها در سکه های نوع VII است. تاریخ نقش؛ پس از سال ۲۸۳ میلادی است، زیرا در آن تصویر بهرام پسر بهرام دوم که به جانشینی شاهنشاه منصوب شده بود دیده می شود.

تاریخ و ویژگیها: دوران پادشاهی بهرام دوم.

#### ۱۹ - بیشاپور

صحنه پیروزی

\* - (در. گیرشمن پارتیان و ساسانیان ص ۱۸۴ - ۱۸۵)

\*\* - (ر. ک، ص ۳۰۵)

ماخذ: a VB, 80

بهرام دوم سوار بر اسب تصویر شده است. شاهنشاه سنه نیزه - در دست چپ دارد و دست راست او به قبضه شمشیر تکیه کرده است. پیش روی شاهنشاه سپاهیان ایران و چند تن (?) ایستاده اند که شترهایی با خود به مرأه دارند. نگارنده کتاب نتوانست روشن سازد که نقش نامبرده ویژه کدام رویداد است.

تاریخ و ویژگیها: دوران شاهی بهرام دوم (سالهای ۲۷۶ - ۲۹۳ میلادی).

فرسی

۲۰ - نقش رستم

صحنه تاجگذاری

ماخذ: b VB, 30b, c; 81, 176, fig. 218

تصویر شماره ۱۷

فرسی (سمت چپ) دست خود را بسوی «حلقه شهریاری» که ایزد اناهیتا بهوی تسلیم می دارد دراز کرده است. میان تصویر شاهنشاه و تصویر اناهیتا تصویر کوچکی با پوشاك شاهی دیده می شود؛ دست چپ او بر قبضه شمشیر تکیه کرده است. پشت سر فرسی فرزند و جانشین او هرمزد (از کلاه و سراسی که بر کلاهش نصب شده معلوم می شود که او هرمزد و، جانشین و فرزند فرسی است) و بزرگان ایستاده اند. فرسی افسر شاهی نوع I بر سردارد. تصویر اناهیتا همان است که در سکه های هرمزد اردشیر دیده شده است (اناهیتا در این نقشها تاج کنگره دار بر سر دارد که گوئی از موی سر بر آن نهاده شده است. در این تصویرها اناهیتا پوشاك شاهی بر تن دارد).

نقش نامبرده مربوط به دوران تاجگذاری رسمی فرسی به سال ۲۹۳ میلادی است.

تاریخ و ویژگیها: همان است.

هرمزد دوم

۲۱- نقش رستم

صحنه پیکار

مأخذ: ۲۲۰ - VB, 29, c; 81, 176 - 177' fig. 219

تصویر شماره ۱۸

هرمزد افسر شهریاری از گونه‌ای که بر سکه‌های نوع I او ضرب شده است بر سر پوشش شاهی بتن دارد او قارن را که با پوشش رزم («زره یکپارچه») به تن کرده و کلاه خود رزمی رومیان بر سر نهاده با نیزه از اسب بزیر می‌افکند (کلاه قارن دارای همان نشانی است که در نقشه‌ای شماره ۲۱ دیده شده است) پشت سر شاهنشاه تصویر جنگجوئی پیاده دیده می‌شود که پوشش رزم بتن و کلاه خود بسر دارد و پرچمی بدست گرفته است (دو چوب عمود بر یکدیگر بشکل چلپا که از هر گوش آن شرابه‌ای آویخته است).

تاریخ پیدایش نقش روزگار پادشاهی هرمزد (سالهای ۳۰۹-۳۰۲ میلادی) است.

تاریخ و ویژگیها: همان است.

اردشیر دوم

۲۲- طاق بستان

صحنه تاجگذاری و پیروزی

مأخذ: ۲۳۴ - VB; 127; 81; 190-191, fig. 233-234

تصویر شماره ۱۹

اردشیر دوم (سمت چپ) دست را بسوی «حلقه شهریاری» که اهورامزدا به او تسليم می‌دارد دراز کرده است. پشت سر اردشیر، میترا ایستاده است که بر سر

بدست دارد. تصویر اهورامزدا سنتی است؛ اردشیر با نشانه‌های شاهنشاهی که متعلق به سدهٔ چهارم میلادی است تصویر شده است؛ میترا با همان پوشان اهورامزدا است که حلقه‌ای مشعشع گرد سر او است. اهورامزدا و اردشیر پاه‌ای خود را بر بدن شاه شکست یافته کوشان نهاده‌اند. زیر پای میترا - گل نیلوفر دیده می‌شود.

در نقش، جز از صحنهٔ تاجگذاری اردشیر منظرة پیروزی وی بر آخرین شاه دورمان بزرگ کوشان نیز تصویر شده است. تاریخ نقش، سالهای ۳۸۲-۳۸۰ میلادی است.\*

تاریخ وویژگیها: تاریخ نقش را همان دانسته‌اند که پیشتر یاد شده است. ولی تاکنون عقیده بر آن بود که در نقش نامبرده منظرة پیروزی بر دشمنی نامعلوم تصویر شده است.

شاپور دوم و شاپور سوم

۲۳- طاق بستان. تصویرهای شاهنشاهان  
شاپور دوم (سمت راست) و شاپور سوم (سمت چپ).  
ماخذ: VB, 127

کنار تصویرهای شاپور دوم و شاپور سوم نوشته‌هایی بزبان فارسی میانه دیده شود. سطرهای نوشته یکم (که کنار تصویر شاپور دوم نقر شده) چنین است:

- 1) ptkry ZNH (2) mzdysn, 'LHY' (3) Šhpwhry MLK'n (4) MLK' 'yr'n W 'nyr'n MNW (5) čtry MN yzd'n BRH mzdysn (6) 'LHY' 'whrmzdy MLK'n (7) MLK' yr'n W 'nyr'n MNW (8) čtry MN yzd'n npy 'LHY (9) nrshy MLK'n MLK'

\* - برای آگهی بیشتر ر. ل. ب، ص ۲۳۷-۲۳۹

«این پیکری است از بع [اهورا] مزداپرست. خدایگان شاپور، شاهان شاه ایران و ایران که چهر از ایزدان دارد. فرزند بع [اهورا] مزداپرست، خدایگان هرمزد، شاهان شاه ایران و ایران که چهر از ایزدان دارد، نواده خدایگان فرسی شاهان شاه».

نوشته دوم (کنار تصویر شاپور سوم) نقرشده و سطرهای آن چنین است:

1) ptkry (2) ZNH mzdysn (3) 'LHY' (4) šhpwhry (5) MLK'n MLK'  
 (6) 'yr'n W 'nyr'n (7) MNW čtry MN yzd'n (8) BRH mzdysn 'LHY'  
 (9) šhpwhry MLK'n (10) MLK' 'yr'n W 'nyr'n (11) MNW čtry MN  
 yzd'n npy (12) 'LHY' 'whrmzdy (13) MAK'n MLK'.

«این پیکری است از بع [اهورا] مزداپرست، خدایگان شاپور شاهان شاه ایران و ایران که چهر از ایزدان دارد، فرزند بع [اهورا] مزداپرست خدایگان شاپور، شاهان شاه ایران و ایران که چهر از ایزدان دارد، نواده خدایگان هرمزد، شاهان شاه\*».

تاریخ و ویژگیها: همان است.

ترتیب نقشهای:

نقش رسم: شماره‌های ۳، ۷، ۱۸، ۲۱، ۲۰

نقش رجب: شماره‌های ۱، ۸ (سمت چپ - تصویر و نوشته کر تیر)، ۸ (همه نقشهای در دره‌ای تنگ و تاریک نقر شده است).

بیشابور: از چپ در جهت مسیر آب رودخانه - شماره‌های ۶ و ۹؛ واژ راست

شماره ۱۰، ۱۲، ۱۹، ۱۷

طاق بستان: شماره‌های ۲۲ و ۲۳

\* - برای آگهی بیشتر درباره نقش نامبرده ر.ک به: ص ۲۴۲-۲۴۳

## جدول مشجره شاهان دودمان صاصانی

۱- پاپاک - اردشیر یکم  
دیات (خوانو) → دیات (خوانو) ، در دربار اردشیر بیک و شاهزادگان

باده (۲۰۸ - ۲۲۰ میلادی) → دوته (خوانو) ، فرمانده اردشیر بیک  
(خوانموده) .

اردشیر (اردشیر بیک) → اردشیر (اردشیر بیک) ، دیات (اردشیر بیک) ،  
بلزن (شاخراد) ، دیات (شاخراد) ، دیات (اردشیر بیک) ، دیات (اردشیر بیک)

رس (شاخراد) ، در دربار شاهزادگان (شاهزادگان) .

۳- اردشیر → مردوفت (باخو) → دینیلک (باخو) ، همسر و خواهر اردشیر

سایور (اردشیر بیک) → سایور (اردشیر بیک) ، دیات (اردشیر بیک) ،  
سایور (اردشیر بیک) ، دیات (اردشیر بیک) ، دیات (اردشیر بیک) ، دیات (اردشیر بیک)

۴- شاهپور یکم - هرگز مهر - اردشیر  
شاهپور (کم ۲۴۲ - ۲۷۳ میلادی) - داشتمان، ایران) → اتورا باعید (باخوی باخوان، دفتر و حصر شاهپور یکم)

شاهپور (کم ۲۴۲ - ۲۷۳ میلادی) → اتورا باعید (باخوی باخوان، دفتر و حصر شاهپور یکم)

شاهپور (کم ۲۴۲ - ۲۷۳ میلادی) → اتورا باعید (باخوی باخوان، دفتر و حصر شاهپور یکم)

شاهپور (کم ۲۴۲ - ۲۷۳ میلادی) → اتورا باعید (باخوی باخوان، دفتر و حصر شاهپور یکم)

شاهپور (کم ۲۴۲ - ۲۷۳ میلادی) → اتورا باعید (باخوی باخوان، دفتر و حصر شاهپور یکم)

شاهپور (کم ۲۴۲ - ۲۷۳ میلادی) → اتورا باعید (باخوی باخوان، دفتر و حصر شاهپور یکم)

شاهپور (کم ۲۴۲ - ۲۷۳ میلادی) → اتورا باعید (باخوی باخوان، دفتر و حصر شاهپور یکم)

شاهپور (کم ۲۴۲ - ۲۷۳ میلادی) → اتورا باعید (باخوی باخوان، دفتر و حصر شاهپور یکم)

۴ - همکرد - اردشیر - فرسی

هرموده - اردشیر (۲۷۶-۲۷۴) (III)  
پیغمبر کشم (۲۷۴-۲۷۳) (III)

پیغمبر خدک (پیغمبر عیسی، پیغمبر دیده، پیغمبر III)

نرسی (۲۰۲ - ۲۹۲) → شاهزاده سکستان و از درک به III  
پیغمبر (۲۸۳ - ۲۹۳) → شاهزاده سکستان، شاه سکستان، نورستان و عهد

خرموده (۲۰۲ - ۲۹۲) → شاهزاده رله، به III

هه هرمود دوم - پیغمبر جهادم (نرسی، رله، به III و VII)

خرموده دو (شاهزاده، رله، به III و VII)

پیغمبر دوم (پیغمبر دیده، پیغمبر III)

پیغمبر سوم (پیغمبر دیده، پیغمبر III)

پیغمبر سیام و پیغمبر دیده (پیغمبر III)

پیغمبر چهارم (پیغمبر دیده، پیغمبر III)

پیغمبر پنجم (پیغمبر دیده، پیغمبر III)

پیغمبر ششم (پیغمبر دیده، پیغمبر III)

پیر وزیر - یوندگرد یکم - شاپور سوم + ر.ک. ب(۷)

۱۰- ۳۶۱ - ۳۶۰) نیزه و کوه های

بیهودگی اسلام پنجم (۴۲۱ - ۴۳۹ میلادی - شاهنشاه).

بیوگرافی دوم دیرینه (۱۴۲۰-۱۴۷۵) - نامه

卷之三

شرح سکه‌های ساسانی که در جدولهای I-XIV آمده است.

پس از ذکر نام سکه بترتیب وزن آنها (بر حسب گرم)، اندازه آنها (بر حسب میلیمتر) و تناسب محورها (بر مبنای حرکت عقربه‌های ساعت) ذکر می‌شود.

**جدول I - سکه‌های اردشیر یکم.** انواع رویه سکه‌ها (بزرگ شده).

**جدول II - سکه‌های اردشیر یکم.** شماره ۱۳:  $\frac{1}{3}$  درهمی؛ ۱۷: ۹۱؛ ۱: ۱۰؛ ۳/۲۷: ۹۱؛ ۱:

شماره ۱۸: یک درهمی؛ ۳/۳۷: ۸؛ ۲۲/۵: ۸؛ شماره ۲۵: یک درهمی؛ ۳/۳۵: ۲۳؛ ۱:

شماره ۱۲۷: یک درهمی؛ ۳/۵۴: ۸؛ ۲۴: ۳/۵۴: ۸؛ شماره ۱۲۸: یک درهمی؛ ۴/۳۲: ۱۰؛

شماره ۱۲۹: یک درهمی؛ ۴/۲۵: ۹؛ ۲۴: ۴/۲۵: ۹؛ شماره ۱۳۰: یک درهمی؛ ۳/۵۵: ۹؛ ۲۲/۵:

شماره ۱۸۱: یک درهمی؛ ۴/۲۵: ۹؛ ۲۶/۵: ۹؛ ۲۶/۵: ۹؛ شماره ۲۸۰:  $\frac{1}{6}$  درهمی؛ ۰/۶۷: ۱۰؛

شماره ۲۸۳: چهار درهمی مسین؛ ۱۰: ۲۵؛ ۵۸: ۶؛ ۱۴:

**جدول III - سکه‌های شاپور یکم.** Id. ۱ - نوع رویه و پشت سکه

(بزرگ شده). شماره ۲۸۷: یک درهمی؛ ۴/۰۹: ۹؛ ۲۵/۵: ۴/۰۹: ۹؛ شماره ۲۹۰: یک

درهمی؛ ۴/۰۱: ۹؛ ۲۴/۵: ۹؛ شماره ۳۰۸: یک درهمی؛ ۴/۱۳: ۴؛ شماره ۳۶۶: ۴:

یک درهمی؛ ۴/۲۸: ۴، ۲۲/۵: ۴؛ شماره ۶۱۵: یک درهمی؛ ۳۶۶/۵: ۳، ۲۳/۵: ۱۰؛ ۲۳/۵:

۳۷۰:  $\frac{1}{3}$  درهمی؛ ۱/۹۱: ۱۰؛ ۱۸: ۱/۹۱؛ شماره ۵۳۱: ۵۸۸: یک درهمی؛ ۴/۲۰: ۹؛ ۲۷: ۴/۲۰:

شماره ۵۴۰: یک درهمی؛ ۴/۲۸: ۹؛ ۲۷: ۴/۲۸؛ شماره ۵۶۹: ۵۶۹: یک درهمی؛ ۴/۰۱: ۹؛

شماره ۵۶۹: یک درهمی؛ ۳/۷۳: ۹؛ ۲۶/۵: ۹؛ شماره ۴۹۹: یک درهمی؛ ۴/۰۴: ۹؛

شماره ۵۹۶: یک درهمی؛ ۳/۹۹: ۳؛ ۲۶/۵: ۳؛ شماره ۵۶۸: دینار؛ ۷/۵۵: ۹؛ ۲۷:

. ۹؛ ۲۲

**جدول V - سکه‌های هرمزد اردشیر: Ia، ۱. ۲ - انواع رویه و پشت سکه**

(بزرگ شده). شماره ۶۹۷: یک درهمی؛ ۳/۹۷: ۹، ۲۷، شماره ۶۹۸: یک درهمی،

۴/۱۸، ۲۶/۵، ۸، شماره ۷۰۶:  $\frac{1}{3}$  درهمی، ۱/۷۶، ۸، ۱۹.

جدول VI - سکه‌های بهرام یکم. Ib - نوع رویه سکه (بنزه گشده).  
 شماره ۷۳۴۰: یک درهمی ۴۷، ۲۵، ۳، ۹، شماره ۷۴۷۶: یک درهمی، ۱۰، ۲۷، ۳، ۸۱؛  
 شماره ۷۵۹: ۷۵۹، ۳/۸۷، ۲۵، ۳، ۱۰.

جدول VII - سکه‌های بهرام دوم. انواع رویه و پشت سکه (بنزه گشده).  
 جدول VIII - سکه‌های بهرام دوم. شماره ۸۸۳: ۳ درهمی (۴)، ۱۱/۵۲،  
 شماره ۸۸۷: یک درهمی، ۷۷، ۵/۲۴، ۳، ۹، ۲۴، ۵، ۷، ۱۲، ۲۶  
 شماره ۸۶۶: یک درهمی، ۷، ۲۲، ۹، ۹، ۲۰، ۵، شماره ۸۷۲: دینار، ۰/۵،  
 ۹، ۹، ۲۰، ۵، شماره ۹۰۱: دینار، ۷، ۲۰، ۹، ۹، ۲۰، ۵، شماره ۹۰۳: یک درهمی،  
 ۷، ۲۰، ۵، شماره ۹۰۱: یک درهمی، ۳/۹۸، ۵/۳۶، ۵، ۹، ۹، ۲۰، ۵، شماره ۹۱۳: یک درهمی،  
 ۷، ۲۰، ۵، شماره ۹۳۰: دینار، ۰/۸، ۶، ۰/۲۰، ۵، ۷، ۲۰، ۵، شماره ۹۵۶: دینار،  
 ۹، ۹، ۲۰، ۷، ۱۷، ۰/۸، ۹، ۹، شماره ۹۶۵: یک درهمی، ۳/۹۴، ۳، ۲۷، ۸، شماره ۹۶۸: یک درهمی، ۰/۲۵، ۵/۳، ۷۲.  
 جدول IX - سکه‌های نرسی در دوران پیکار بخارط بدست آوردن شهریاری.

شماره ۱۰۳۳: دینار، ۹۷، ۶، ۳، ۲۰، ۲، شماره ۱۰۳۴: دینار، ۸۸، ۴، ۲۱، ۰/۲۱. شماره ۱۰۳۵: دینار، ۲۵، ۴، ۴، ۲۱، شماره ۱۰۳۶: دینار، ۰/۰۸، ۴، ۰/۲۰، ۶.  
 سکه‌های نرسی در دوران پادشاهی او: IIa، IIb، ۲a. ۲. انواع رویه و پشت سکه (بنزه گشده).

شماره ۱۰۴۸: یک درهمی، ۳/۵۵، ۹، ۲۶، ۳، شماره ۱۰۷۲: یک درهمی، ۰/۱۰، ۹، ۲۶.

جدول X - سکه‌های هرمzed دوم:  
 شماره ۱۲۹۱: یک درهمی، ۳/۵۷، ۹، ۲۶، ۳ (زیر آتشدان - Wr)، شماره ۱۲۹۴: ۱۲۹۴  
 یک درهمی، ۱۲، ۴/۵، ۲۷، ۸، شماره ۱۲۸۹: یک درهمی، ۹، ۲۷، ۳/۴۵ (زیر آتشدان -  
 آتشدان - pwlw5)، شماره ۱۲۹۲: یک درهمی، ۹، ۲۷، ۰/۹۸ (زیر آتشدان -  
 ۹)، شماره ۱۲۹۰: یک درهمی، ۹، ۲۵، ۳/۵۰ (زیر آتشدان - pdl)، شماره

۱۲۲۱: یک درهمی، ۹۲، ۲۵، ۳، ۹ (برستون آتشدان - Idy)، شماره ۱۱۸۷: دینار، ۲۲، ۷، ۹.

جدول XI - سکه‌های ساسانی - کوشانی: ۱ - یک درهمی شاپور دوم (بزرگ شده)، ۲ - دینار هرمزد «شاهنشاه بزرگ کوشان» (بزرگ شده)، ۳ - دینار شاپور دوم (برپشت سکه: ZY 'whrmzdy' (آتش هرمزد - مترجم) (نوشته شده است) (بزرگ شده)، ۴ - دینار هرمزد «شاهنشاه بزرگ کوشان» (بزرگ شده)، ۵ و ۶ - یک درهمی هرمزد «شاهنشاه بزرگ کوشان» (پشت و رویه سکه)، برپشت سکه نوشته شده - mlwy (مر و - مترجم) (اندازه طبیعی)، ۷ و ۸ - سکه مسین اردشیر، «کوشانشاه» (بزرگ شده)، ۹ - سکه مسین پیروز «کوشانشاه» (بزرگ شده)؛ ۱۰ و ۱۱ - دینار بهرام چهارم (بزرگ شده)، ۱۲ و ۱۳ - یک درهمی بهرام «بزرگ کوشانشاه» (بزرگ شده)، ۱۴ و ۱۵ - یک درهمی کیداری (قیداری) (هماند نوع درهمهای بهرام چهارم، برپشت سکه زیر آتشدان کامه - «کیدار» (به القبای برهمائی) نوشته شده است (بزرگ شده).

جدول XIII - سکه‌های کوشانی - ساسانی: گروه ب: ۱ - سکه مسین و اسودوا، یا هرمزد «بزرگ کوشانشاه»، ۲ و ۳ - سکه مسین پیروز، کوشانشاه، ۴ - سکه مسین هرمزد «بزرگ کوشانشاه». گروه ج: ۱۰ - سکه طلای پیروز (?) (بس رویه سکه - «اکشارا» pi)، ۱۱ و ۱۲ - سکه طلای هرمزد، ۱۳ - سکه طلای بهرام، ۱۴ - ۱۶ - سکه طلای بهرام، (بزرگ شده)، ۱۵ - پشت سکه های بهرام.

## فهرست نامه

- ایقان (ایقان): ۱۱۹، ۱۲۱  
 اتر کاتیس (اتار کاتیس): ۱۱۴  
 اتوراناهیت (اتورناهید): ۹۶، ۱۳۵، ۱۶۳  
 اتوریات (اتوریات ماراسپندان «مهراسپندان»):  
     ۱۶۳، ۹۶  
     ۱۳۵، ۱۲۱  
 احسان عیاس: ۱۱۲  
 ادون بد (ادون بد «ادون بت»): ۱۷۶، ۱۴۵  
 ارثاش: ۵۸  
 ارتمید: ۱۶۷  
 ارخالی: ۱۲۳، ۱۱۹، ۱۲۱  
 اردشیر خود: ۲، ۱۹۵، ۲۰۰، ۲۱۹، ۲۲۸، ۲۳۹،  
     ۲۴۱، ۲۴۳، ۲۴۴، ۲۴۵، ۲۴۶، ۲۴۷، ۲۴۸، ۲۴۹  
     ۲۵۰، ۲۵۲، ۳۰۴، ۳۲۲، ۳۵۰  
 اردشیر سورن: ۱۰۹، ۱۹۱، ۱۸۸، ۱۹۰  
 اردشیر، شهر شهرب شهر شهرب شاپور: ۱۹۱  
 اردشیر، شهر گدمان: ۱۰۳  
 اردشیر فرش مردان: ۱۰۵  
 اردشیر فرزند ایزد باد: ۱۰۵  
 اردشیر فارس: ۱۰۱  
 اردشیر قارن: ۱۲۲  
 اردشیر گوشانشاه: ۳۳۰  
 اردشیر دراز: ۱۰۹  
 اردشیر هزاربد: ۱۹۰  
 اردشیر یکم: ۶، ۷، ۸، ۱۹، ۳۲، ۳۴، ۲۹،  
     ۴۰، ۴۲، ۴۳، ۴۷، ۴۸، ۴۹، ۵۰، ۵۱، ۵۴،  
     ۵۵، ۵۶، ۵۷، ۵۸، ۵۹، ۶۰، ۶۱، ۶۲، ۶۳،  
     ۶۴، ۶۵، ۶۶، ۶۷، ۶۸، ۶۹، ۷۰، ۷۱، ۷۲،  
     ۷۳، ۷۴، ۷۵، ۷۶، ۷۷، ۷۸، ۷۹، ۸۰، ۸۱،  
     ۸۲، ۸۴، ۸۵، ۸۶، ۸۷، ۸۸، ۸۹، ۹۰، ۹۱،  
     ۹۲، ۹۳، ۹۴، ۹۵، ۹۶، ۹۷، ۹۸، ۱۰۰، ۱۰۱،  
     ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۰۸،  
     ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۱۵،  
     ۱۱۶، ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۲۱

- ۷
- آنگار دهم: ۸۲  
 آنگار نهم: ۱۲۰  
 آپولون: ۱۶۷  
 آتنیک: ۲۷۰  
 آخورید: ۶۶  
 آذ فرنیغ: ۱۹۷، ۱۷۷  
 آذناهید (آنوراناهید): ۱۶۳، ۹۶  
 آرامی: ۱۰۶، ۳۹  
 آرتوکریستن سن: ۱۷۷  
 آریانی: ۱۶۸  
 آسترولوژی: ۵۹  
 آسوس، پ: ۱۲۸، ۲۴  
 آسپ، نقی: ۴۱  
 آکاتارا (خاقان ال): ۱۸۵  
 آکافانکل: ۸۸  
 آلبیکو (آلبریزو - آلبریوزن): ۱۲۳  
 آمن مارسلین (آمانوس مارسلینوس): ۸۱،  
     ۸۹، ۹۴، ۱۵۸، ۲۰۰، ۲۰۱، ۲۰۵، ۲۱۲  
     ۲۱۵  
 آنتونین: ۲۷۷  

۱

آشوریوس: ۲۵۰  
 ابولفرج: ۱۲۵  
 ابوریحان بیرونی: ۱۱۹  
 ایسای: ۴۱، ۶۸، ۱۴۹، ۲۷۵  
 ایورسان: ۶۲  
 این تربی: ۱۰۶



## فهرست نامها

۳۳۳

- بنگ، ب : ۱۲۸  
بودا، ۱۱۸، ۱۴۱، ۲۳۸  
بوگومیل: ۱۲۶  
بوندنس: ۱۱۳  
بورنک: ۵۵  
پیرام پنجم: ۲۴۵، ۲۴۶  
پیرام دوم: ۴۶، ۱۵۶، ۱۵۵، ۱۵۰، ۱۴۵، ۱۴۱، ۱۷۶، ۱۷۵، ۱۷۶، ۱۷۵، ۱۷۶، ۱۷۵، ۱۷۶، ۱۷۵، ۱۷۶، ۱۷۷  
پیرام سوم: ۳۰۰، ۳۰۱، ۳۰۲، ۳۰۳، ۳۰۴، ۳۰۵، ۳۰۶، ۳۰۷، ۳۱۱، ۳۱۳، ۳۱۴، ۳۱۵، ۳۱۶، ۳۱۷، ۳۱۸، ۳۱۹  
پیرام شاه کوشان: ۳۳۰  
پیرام، شاه کوشان (پیرام چهارم): ۳۳۱  
پیرام، فرزند پیرام دوم: ۳۱۶  
پیرام، فرزند شاپور یکم، شاه گیلان، شاه کرمان، شاهنشاه (پیرام یکم): ۱، ۲، ۱۱، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۹۸، ۲۰۲، ۲۰۳، ۲۰۴، ۲۰۵، ۲۰۶، ۲۰۷، ۲۰۸، ۲۰۹، ۲۱۰، ۲۱۱، ۲۱۲، ۲۱۳، ۲۱۴  
پیرام، فرزند نبو (نبو) هرمز داندرزید سکستان: ۲۰۷  
پیرامی: ۹  
پیمنیشت (وهمن یسن): ۵۵، ۱۶۵  
بیدخش پایک: ۱۸۷، ۲۳۲، ۲۹۶  
بیدخش (بیتیاخن): ۵۷، ۶۶، ۱۰۶، ۱۰۸، ۱۹۱  
بیور، آ : ۲۲۳، ۲۳۰  
پایپک، بیدخش: ۱۸۷، ۱۹۰، ۱۹۱، ۲۳۲، ۲۹۶  
پایپک، شاه پارس: ۶، ۱۷، ۴۰، ۴۱، ۴۳، ۴۴
- پ :  
پایپک، بیدخش: ۱۸۷، ۱۹۰، ۱۹۱، ۲۳۲، ۲۹۶، ۴۴، ۴۳، ۴۱، ۴۰، ۱۷، ۶، پارتولومه: ۲۴۷، ۲۴۶  
بازدگریان: ۴۰  
باسیان آنتونین (کاراکالا): ۵۳  
بالبین: ۸۲  
بریدیسان (ابن بیدیسان): ۱۲۰  
برسم: ۳۰۶، ۳۲۲  
برسسه (ابرسسه): ۱۱  
برعن (برهانی): ۲۰، ۲۱۴، ۲۲۴، ۱۵۸  
برعن: ۱۴۱، ۱۱۸  
بطلمیوس: ۱۵۳  
بللشش (بللششو): ۱۱۴  
بیکوستان: ۱۶۰  
بل: ۱۱۶  
بلاش: ۱۳۲، ۱۳۱  
بلسمن: ۱۶۵  
بن خانه: ۴۶

شتری: ۱۵۶	۴۵، ۵۰، ۴۹، ۴۸، ۴۷، ۴۶، ۴۸، ۴۷، ۴۷
تفیزاده، سیدحسن: ۱۲۸، ۷۹، ۴۸، ۴۱، ۲۴، ۱۳۳، ۱۳۲، ۶۸، ۶۷، ۲۲، ۲۱، ۹، ۹	۳۱۷، ۳۰۷، ۲۶۸، ۲۵۹، ۲۲۹، ۱۶۹
تفیزاده، سیدحسن: ۱۲۸، ۷۹، ۴۸، ۴۱، ۲۴، ۱۳۳، ۱۳۲، ۶۸، ۶۷، ۲۲، ۲۱، ۹، ۹	۹۹، ۹۸
تفیزاده، سیدحسن: ۱۲۸، ۷۹، ۴۸، ۴۱، ۲۴، ۱۳۳، ۱۳۲، ۶۸، ۶۷، ۲۲، ۲۱، ۹، ۹	پاکتکوسیان: ۹۹، ۹۸
تن - کافورک: ۱۶۵	باخوموف، آی. آ. : ۲۴۶
توبون: ۱۲۸	پارتن: ۲، ۱۳، ۱۵، ۴۴، ۵۰، ۵۸، ۵۰، ۱۷، ۶۱
تمه شاپور: ۱۷۷	توبون: ۱۲۸، ۱۷۵، ۱۴۷، ۱۱۱، ۱۱۰، ۹۹، ۸۳، ۷۶
تیوخ: ۵۳	۳۰۷، ۲۶۶، ۲۰۴، ۱۹۷، ۱۹۶، ۱۹۵
ج	پاروک، ف. : ۲۴۷، ۲۷۴، ۲۶۸
چشمک: ۱۰۳	پانازیون: ۱۱۹
ح	پارلوس: ۱۲۵
حدود: ۱۱۴	پارلیک: ۱۲۳
حوزه اصفهان: ۲۸	پردکان: ۶۶
خ	پروبیوس: ۱۹۸
خارمنا، یا. : ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۷۱، ۲۸۲	بریخانیان، آ. ک. : ۵۹، ۵۶
خاکان (خاقان): ۱۸۵	بریسک (بریسکوس): ۲۰۱
خرسرو: ۱۹۷	بناه خرسو: ۹
خشتریان: ۴۴	بوتین: ۲۷۳
خواتو: ۱۷۷	بورفیوس (بورفیریوس): ۱۲۵
خوارزم (شاه خوارزم): ۱۸۶، ۱۸۵	پوشکین، آ. س. : ۴۸، ۵
خوارزمان، فرمانروای ماهلویا: ۱۸۵	بولیس: ۱۰۲
خوارز: ۱۵۸	پهلویان: ۱۹۷
خواستانیت: ۱۲۹، ۱۲۸، ۱۲۶	پهله سورن: ۵۸
خواستاک: ۴۴	پیتاخش: ۶۶
خواستالار: ۶۶	پیروز، شاه کوشان، شاهنشاه: ۲۲۵، ۲۲۶
خوتوش بد: ۱۸	۲۳۵، ۲۳۴، ۲۳۳
خودای نامک (خدا نامه): ۸، ۹	پیروز، فرزند اردشیر دوم (۵) شاه کوشان: ۲۱۲
خوارانم (خوارانم): ۵۰	پیروز، فرزند اردشیر یکم، شاهزاده: ۱۲۴
خورخبد: ۱۱	پیروز، فرزند پایک، شاهزاده: ۹۹
خورنده: ۲۱۵	پیگولفسکایا، ن. و. : ۱۴۷
خوبنی، موسی: ۱۱، ۱۵، ۵۸، ۸۸، ۱۰۱، ۱۰۸	ت
خواجه: ۲۰۱، ۱۶۷	ثبور برقایی: ۱۱۹
تاب کافور: ۱۶۵	ثوکراسی: ۱۸۹
تاباجیک: ۱۸۵	تاب کافور: ۱۶۵
تاسبیت: ۱۹۸	تاباجیک: ۲۳
تهدید، شرود: ۱۵۴	تاسبیت: ۱۹۸

۳۱۱	۱۸۵	۱۸۶	۱۸۷	۱۹۷	۱۹۸	۱۹۹	۲۱۰	۲۱۱	۲۱۲
ز									
زالان، ک:									
۲۴	۲۴۷	۲۴۸	۲۴۹	۲۵۰	۲۵۱	۲۵۲	۲۵۳	۲۵۴	۲۵۵
زامپانوش، ت.	۱۱۴	۱۱۵	۱۱۶	۱۱۷	۱۱۸	۱۱۹	۱۲۰	۱۲۱	۱۲۲
زنوس:	۱۶۷	۱۶۸	۱۶۹	۱۷۰	۱۷۱	۱۷۲	۱۷۳	۱۷۴	۱۷۵
زترشت (زترنوتشرتی):	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸
زورگان:	۱۰۳	۱۰۴	۱۰۵	۱۰۶	۱۰۷	۱۰۸	۱۰۹	۱۱۰	۱۱۱
زوراد:	۱۸۶	۱۸۷	۱۸۸	۱۸۹	۱۹۰	۱۹۱	۱۹۲	۱۹۳	۱۹۴
زوراد، مادر پایک:	۲۰۵	۲۰۶	۲۰۷	۲۰۸	۲۰۹	۲۱۰	۲۱۱	۲۱۲	۲۱۳
زروان:	۱۲۲	۱۲۳	۱۲۴	۱۲۵	۱۲۶	۱۲۷	۱۲۸	۱۲۹	۱۳۰
زند و هومین بین (بهمن یشت):	۱۶۵	۱۶۶	۱۶۷	۱۶۸	۱۶۹	۱۷۰	۱۷۱	۱۷۲	۱۷۳
زندیق (زندیگ):	۱۴۷	۱۴۸	۱۴۹	۱۵۰	۱۵۱	۱۵۲	۱۵۳	۱۵۴	۱۵۵
زنبیا، ملکه پالعیر (تمر):	۱۶۴	۱۶۵	۱۶۶	۱۶۷	۱۶۸	۱۶۹	۱۷۰	۱۷۱	۱۷۲
زوبیف:	۲۴۷	۲۴۸	۲۴۹	۲۵۰	۲۵۱	۲۵۲	۲۵۳	۲۵۴	۲۵۵
زودکرت (سهردار):	۱۹۱	۱۹۲	۱۹۳	۱۹۴	۱۹۵	۱۹۶	۱۹۷	۱۹۸	۱۹۹
زوراد:	۱۸۶	۱۸۷	۱۸۸	۱۸۹	۱۹۰	۱۹۱	۱۹۲	۱۹۳	۱۹۴
زیمال، آ. و. :	۲۳۴	۲۳۵	۲۳۶	۲۳۷	۲۳۸	۲۳۹	۲۴۰	۲۴۱	۲۴۲

## ز

zermen:	۵۳	۸۲	۹۲	۹۳	۹۷	۱۷۳
زوبیتر:	۱۱۶	۱۲۶	۱۲۷	۱۲۸	۱۲۹	۱۳۰
زولیا:	۸۴	۸۵	۸۶	۸۷	۸۸	۸۹
زولین (بولیانوس):	۸۴	۸۵	۸۶	۸۷	۸۸	۸۹
زولیوس کایپریان (بولیوس کایپرولینیوس-دوالریانوس):	۷۷	۷۸	۷۹	۸۰	۸۱	۸۲

## ص

ساقاب: ۴۶

داریوش (دارا):	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷
داکها:	۸۲	۸۳	۸۴	۸۵	۸۶	۸۷	۸۸	۸۹	۹۰
دبیبد:	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶
دریندان (وزیر بزرگ اردوان پنجم):	۳۱۰	۳۱۱	۳۱۲	۳۱۳	۳۱۴	۳۱۵	۳۱۶	۳۱۷	۳۱۸
دستکرت (دستکرد):	۶۴	۶۵	۶۶	۶۷	۶۸	۶۹	۷۰	۷۱	۷۲
دمورگان:	۱۰۲	۱۰۳	۱۰۴	۱۰۵	۱۰۶	۱۰۷	۱۰۸	۱۰۹	۱۱۰
دمبورز:	۱۲۲	۱۲۳	۱۲۴	۱۲۵	۱۲۶	۱۲۷	۱۲۸	۱۲۹	۱۳۰
دن فرزند ریومیر:	۲۰۷	۲۰۸	۲۰۹	۲۱۰	۲۱۱	۲۱۲	۲۱۳	۲۱۴	۲۱۵
دیبورولسکی، آی. گ.:	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳
دورن، ب.:	۲۴۷	۲۴۸	۲۴۹	۲۵۰	۲۵۱	۲۵۲	۲۵۳	۲۵۴	۲۵۵
دومیسین:	۵۶	۵۷	۵۸	۵۹	۶۰	۶۱	۶۲	۶۳	۶۴
دیاکونف، م. م.:	۲۰۰	۲۰۱	۲۰۲	۲۰۳	۲۰۴	۲۰۵	۲۰۶	۲۰۷	۲۰۸
دینک، دختر پایک:	۱۰۹	۱۱۰	۱۱۱	۱۱۲	۱۱۳	۱۱۴	۱۱۵	۱۱۶	۱۱۷
دینک، شیبانوی میتان:	۹۵	۹۶	۹۷	۹۸	۹۹	۱۰۰	۱۰۱	۱۰۲	۱۰۳
دینک، مادر پایک:	۲۰۵	۲۰۶	۲۰۷	۲۰۸	۲۰۹	۲۱۰	۲۱۱	۲۱۲	۲۱۳
دینکرت:	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹
دیوکلیتن (دیوکلین):	۱۲۳	۱۲۴	۱۲۵	۱۲۶	۱۲۷	۱۲۸	۱۲۹	۱۳۰	۱۳۱
دیون کاسی:	۵۲	۵۳	۵۴	۵۵	۵۶	۵۷	۵۸	۵۹	۶۰
دیونی:	۱۵۲	۱۵۳	۱۵۴	۱۵۵	۱۵۶	۱۵۷	۱۵۸	۱۵۹	۱۶۰
دیهگان:	۱۸۶	۱۸۷	۱۸۸	۱۸۹	۱۹۰	۱۹۱	۱۹۲	۱۹۳	۱۹۴
رادیلوف:	۱۲۸	۱۲۹	۱۳۰	۱۳۱	۱۳۲	۱۳۳	۱۳۴	۱۳۵	۱۳۶
راستخن:	۱۵۸	۱۵۹	۱۶۰	۱۶۱	۱۶۲	۱۶۳	۱۶۴	۱۶۵	۱۶۶
رشخ اسپید:	۶۶	۶۷	۶۸	۶۹	۷۰	۷۱	۷۲	۷۳	۷۴
رسنم:	۶۲	۶۳	۶۴	۶۵	۶۶	۶۷	۶۸	۶۹	۷۰
رشن، اسپید:	۱۹۱	۱۹۲	۱۹۳	۱۹۴	۱۹۵	۱۹۶	۱۹۷	۱۹۸	۱۹۹
رشنو:	۱۰۴	۱۰۵	۱۰۶	۱۰۷	۱۰۸	۱۰۹	۱۱۰	۱۱۱	۱۱۲
رشنه:	۱۰۴	۱۰۵	۱۰۶	۱۰۷	۱۰۸	۱۰۹	۱۱۰	۱۱۱	۱۱۲
دوتفک:	۵۷	۵۸	۵۹	۶۰	۶۱	۶۲	۶۳	۶۴	۶۵
روم:	۸۹	۹۰	۹۱	۹۲	۹۳	۹۴	۹۵	۹۶	۹۷
ساقاب:	۱۲۰	۱۲۱	۱۲۲	۱۲۳	۱۲۴	۱۲۵	۱۲۶	۱۲۷	۱۲۸

ش

- شایور دختک: ۱۷۴، ۱۷۵، ۱۸۱، ۱۸۲، ۲۲۵  
شایور درم: ۲، ۹، ۱۱، ۱۸، ۶۲، ۷۸، ۱۸۵، ۲۹۰، ۲۹۱، ۲۹۲، ۳۱۷، ۳۱۸  
شایورهای: ۲۰۰، ۲۰۵، ۲۱۵، ۲۱۷، ۲۲۸، ۲۲۹، ۲۳۰، ۲۳۱، ۲۳۲، ۲۳۳، ۲۳۴، ۲۳۵، ۲۳۶، ۲۳۷، ۲۳۸





- ویسیک: ۱۸۳  
وراز: ۵۷، ۱۰۹، ۱۹۱، ۱۹۹  
ورازدخت (برازدخت): ۵۰  
ودترنخ (درخن): ۱۵۵، ۱۵۶، ۲۵۲، ۲۵۳  
وستروپوشید: ۱۸  
ولارش (بالاش - ولخش) پنجم: ۵۳، ۵۲، ۵۱  
ولارش: ۱۳۲، ۵۶  
ولارش (بالاش - ولخش) چهارم: ۵۱، ۵۰، ۵۹  
ولارش (بالاش - ولخش) فرزند پاپک: ۴۹  
ولارش (بالاش - ولخش) یکم: ۱۳۱، ۱۳۲  
وهونمین (بهمن یشت): ۱۶۵  
وهونم: ۱۹۳، ۱۹۸، ۱۹۰، ۱۷۷، ۱۹۲، ۳۱۸  
وشنده: ۲۱۴، ۲۲۴

1






2

ی	هرمزد، فرزند نرسی: ۱۹۸، ۳۲۱، ۳۲۲ هرمزد، دراز: ۱۸۸، ۱۹۱ هرمزد، فرزند پزدگرد دوم (هرمزد سوم): ۲۴۵ هلنیس (هلنیستی): ۱۳۵، ۹۱ هعزاسپ، شاه اییری: ۱۰۰ همس: ۱۱۴ هنینگ: ۱۶، ۱۷، ۲۲۴، ۲۵۹، ۲۵۸، ۲۰۹ هورن، ب: ۲۶ هون (عون): ۲۰۱، ۲۳ هرید: ۲۱، ۶۷، ۱۳۱، ۱۳۷، ۱۵۰ هیل، ف: ۴۵
یانینا، س، ۷:	۵
پزدگرد:	۲۴۵
پشتی:	۱۵۶
یعقوبی:	۱۸
یفرم مققس:	۱۱۹
یولیانوس (دولین):	۸۴
یولیوس کاپیتولینیوس:	۷۷
يهود، يهودان:	۲۰، ۶۰، ۷۹، ۹۱

## فهرست نامهای جغرافیائی

<p>ارزون: ۵۶</p> <p>ارمنستان: ۱۷، ۵۸، ۲۲، ۷۹، ۸۰، ۸۱، ۸۷، ۱۳۱، ۱۴۲، ۱۵۳، ۱۵۸، ۹۸، ۸۹، ۸۸</p> <p>ازبکستان: ۱۶۴، ۱۶۶، ۱۷۵، ۱۷۹، ۱۸۸، ۱۸۹، ۱۹۷، ۱۹۸، ۲۰۴، ۲۰۵، ۲۰۶، ۲۰۷، ۲۰۸</p> <p>اروپا: ۳۷، ۲۶۸</p> <p>ارومیچی: ۲۳</p> <p>ازبکستان: ۹۸</p> <p>استخر: ۱۵، ۳۹، ۴۰، ۴۲، ۴۴، ۴۵، ۴۶، ۴۷، ۴۸، ۴۹، ۴۹</p> <p>اسکندریه: ۹۸</p> <p>اسورستان: ۸۲، ۸۸، ۹۵، ۹۸، ۱۷۹</p> <p>اشتوتگارت: ۲۴</p> <p>اصفهان: ۱۴۱</p> <p>اطربیش: ۳۷</p> <p>اکیاتانا (مکستانه - همدان): ۱۰۳</p> <p>البرز: ۲۰۴</p> <p>الحضر: ۵۵، ۵۶، ۸۱، ۱۱۴</p> <p>الرها: ۷۷، ۸۲، ۹۳، ۹۴، ۱۲۰، ۱۲۸</p> <p>الفانین: ۴۰</p> <p>المائید: ۴۵، ۴۶</p> <p>اللهآباد: ۲۳۵</p> <p>انتیوخیا (انطاکیه): ۶۵، ۶۶، ۸۹، ۹۸، ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۳۱</p> <p>اندیکان: ۵۷</p>	<p>آن: ۱۱۴</p> <p>آراخوسیا (آراخوزیا): ۱۰۰، ۲۰۲</p> <p>آذبلی: ۵۶</p> <p>آذربایجان (آذربایجان): ۷۹، ۱۴۱، ۹۸</p> <p>آسیای صغیر (آسیای کوچک): ۹۵، ۱۲۵</p> <p>آسیای مقدم: ۱۵۶</p> <p>آسیای میانه: ۱۱۸</p> <p>آفریقا: ۱۲۳</p> <p>آق قبہ: ۲۷۶</p> <p>آلپ: ۱۲۴</p> <p>آلبان (آلان - آلبانی - آلبانیا): ۷۷، ۹۸، ۲۰۴، ۱۴۲</p> <p>ابرشیر (ابرشیر): ۷۹، ۸۷، ۸۸، ۱۳۶</p> <p>ابرینک: ۵۷</p> <p>اتحاد شوروی (شوروی): ۱، ۲۳، ۲۴۶، ۲۴۸</p> <p>اقویانلکان: ۹۸</p> <p>ادما: ۷۷، ۸۲</p> <p>ادیباش: ۵۳، ۵۶، ۷۹، ۸۸، ۹۳، ۹۸، ۹۹</p> <p>ادان: ۷۷</p> <p>اربل: ۵۶</p> <p>اردشیر خشnum: ۱۰۹، ۱۰۳</p> <p>اردشیر خوره: ۱۳۵، ۶۲</p> <p>اردشیر فره: ۱۰۳</p>
---	---



## فهرست نامهای جغرافیائی

خواستک:	۶۹، ۴۵، ۴۴	ت	نیه منجان:	۲۱۸، ۲۲۷، ۲۲۹
خوزستان:	۷۹، ۹۵، ۹۸، ۲۰۴، ۲۰۵		نخت‌چشید:	۸، ۳۱، ۳۹، ۴۳، ۴۵
د			نخت‌چشید:	۲۰۲، ۲۱، ۲۵۵، ۲۵۶، ۲۳۵
دارابرگرد:	۵۵، ۷۲، ۷۳، ۷۸، ۸۴، ۸۵		نخست سلیمان:	۱۴۲، ۶۲، ۹۸
	۳۱۰، ۲۲۲		ندم (بالسیر):	۱۶۴، ۹۵، ۱۱۴
داری:	۸۴		تراکیه:	۸۲
داغستان:	۲۵		ترسه:	۱۴۱، ۱۰۲
داکیه:	۹۳		ترکستان:	۷۹، ۲۳
دانوب:	۹۳		ترکمنستان:	۲۷۶
دجله (اروندرود):	۶۶		تورستان (تسوگران):	۸۷، ۸۸، ۹۸، ۱۰۰
دریند ققاز (دوازه آلان - دروازه آلبانی (آلپایا) - دریند آلبان):	۱۴۲، ۱۳۱، ۱۲		تیغه‌شاپور:	۱۰۳، ۱۰۷
	۲۰۴		تیسفون (تسیپون):	۱۹۱، ۱۲۲، ۵۲
دلایرانشهر:	۱۱۶، ۵۸			
دمادوند:	۶۳			
دورا - اروپوس:	۲۴، ۲۹، ۷۹، ۸۹، ۹۱، ۹۲			
	۱۶۳، ۱۰۵، ۱۱۳، ۱۱۴			
دون - هوآن:	۱۲۸			
دهلی:	۲۲۱			
دیبوی:	۲۳			
ر				
رتبه:	۹۳			
رن:	۸۲، ۹۳			
ری (رگا):	۱۰۸، ۲۰۷			
ریو اردشیر:	۱۱۵، ۱۱۱			
ریو مهر:	۲۰۷			
ز				
زابدیستا (بیت زابدای):	۵۶			
س				
سپاهان (اسنهان):	۱۴۱			
سپندورتانا:	۱۸۶			
سرگویش:	۲۹۴، ۲۲۵			
سرمشید:	۱۳۷، ۱۳۸، ۱۴۹، ۱۸۰، ۱۸۲			
	۳۱۸، ۲۹۴، ۲۰۵			
خ				
خن:	۲۱۴			
خراسان:	۱۸۳			
خرز:	۲۵			
خسرو:	۹۳، ۵۳			
خلیج فارس:	۵۵			
خواجه (کوه خواجه):	۶۲			
خارزم:	۷۹، ۱۵۳، ۱۸۵، ۱۸۶			

<p>عمان: ۲۰۴</p> <p>غزه: ۱۲۵، ۱۲۳</p> <p>فارس: ۵۵</p> <p>فرات: ۲۴</p> <p>فرانسه: ۹۱</p> <p>فیروزآباد: ۴۲، ۶۳، ۷۲، ۷۳، ۹۲، ۲۷۲، ۳۰۵، ۳۰۸</p> <p>قدس: ۸۸</p> <p>قفقاز: ۱۷، ۷۷، ۸۸، ۲۰۴</p> <p>قلعةالجص: ۸</p> <p>کابل: ۲۱۰، ۲۱۴، ۲۳۵</p> <p>کاپادوکیه: ۱۷، ۷۷، ۸۹، ۹۸، ۹۹</p> <p>کارون: ۷۸</p> <p>کاری: ۵۳</p> <p>کازرون: ۱۹، ۹</p> <p>کاشن: ۲۰۴</p> <p>کاما: ۱۵۳</p> <p>کاور: ۲۰۹</p> <p>کرستایا پالایانی: ۱۵۶</p> <p>کرخیت سلوق (کر که دیت سلوخ): ۵۶، ۵۳</p> <p>کرخ میشان: ۶۴</p> <p>کرک: ۱۱۵</p> <p>کرمان: ۵۵، ۵۷، ۶۰، ۶۳، ۶۵، ۶۹، ۷۹، ۹۹، ۱۰۰</p> <p>کربلا: ۲۰۳، ۱۱۰، ۱۱۵، ۱۳۶، ۱۷۱، ۱۷۲، ۱۹۹</p> <p>کتبه زرتشت: ۱۰، ۱۱، ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۱۸</p> <p>کوههای شاش: ۲۰۴</p> <p>شوریه: ۱۲۶، ۹۵</p> <p>شوش (سوزی - خوزستان): ۱۱۱، ۱۰۲</p> <p>شیراز: ۲۰۸</p> <p>شیخ: ۱۴۷</p> <p>شیکاگو: ۱۷</p> <p>شنیستکان: ۱۱۵</p> <p>صابین: ۲۳</p> <p>طاق بستان: ۱۹۵، ۲۴۲، ۲۴۰، ۲۴۹، ۳۲۲</p> <p>طبرستان: ۱۳۴</p> <p>عراق: ۱۱۴</p> <p>عربستان: ۲۰۴، ۹۳</p>	<p>سند: ۱، ۲۰۴</p> <p>سکستان (سیستان): ۵۵، ۵۷، ۶۱، ۶۰، ۶۲، ۶۸، ۷۹، ۱۰۰، ۱۰۸، ۱۴۱، ۱۳۶، ۲۰۳، ۲۰۲، ۱۹۲، ۱۸۹، ۱۸۴، ۱۷۵، ۱۷۷، ۲۰۹، ۲۰۸، ۲۰۷، ۲۰۵، ۲۹۵، ۲۳۸، ۲۰۹، ۲۰۸، ۲۰۷، ۲۰۵، ۳۱۹، ۳۱۶، ۲۹۶</p> <p>سلوکیه: ۵۲، ۵۳، ۵۶، ۶۴، ۶۵، ۲۷۰</p> <p>سواز: ۷۹</p> <p>سوخوم: ۲۰۶</p> <p>سوراخانی: ۱۶۷</p> <p>سوریا: ۷۷، ۸۰، ۸۱، ۸۹، ۱۱۴، ۱۸۱، ۱۷۳</p> <p>سوریه: ۱۲۶</p> <p>سمبورزان: ۱۸۶</p> <p>سیکاننا: ۱۸۶</p> <p>سین کیکنک: ۲۴، ۲۳</p> <p>شادشاپور: ۱۱۵</p> <p>شانش (کوههای شاش): ۲۰۴</p> <p>شوریه: ۱، ۲۲، ۹۸</p> <p>شوش (سوزی - خوزستان): ۲۴۸، ۲۴۶، ۹۸، ۱۰۲</p> <p>شیراز: ۲۰۸</p> <p>شیخ: ۱۴۷</p> <p>شیکاگو: ۱۷</p> <p>شنیستکان: ۱۱۵</p> <p>صابین: ۲۳</p> <p>طاق بستان: ۱۹۵، ۲۴۲، ۲۴۰، ۲۴۹، ۳۲۲</p> <p>طبرستان: ۱۳۴</p> <p>عراق: ۱۱۴</p> <p>عربستان: ۲۰۴، ۹۳</p>
---	--

مصر: ۱۲۳، ۹۵، ۱۱۸، ۱۲۰، ۱۲۲، ۱۷۳	۱۷۴، ۱۶۳، ۱۶۶، ۱۶۸، ۱۷۳، ۱۴۹
مکران (مکوران): ۲۰۷، ۲۰۴، ۹۸، ۷۹	۳۱۲، ۲۰۵، ۲۰۷، ۲۷۵
مولوتف: (شهر) ۱۵۳	کلیولند: ۱۸۴
میان رودان (بین النهرين): ۵۳، ۵۷، ۵۶، ۵۸	کوار: ۲۰۸
میان رودان (بین النهرين): ۵۳، ۵۷، ۵۶، ۵۸، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۰۹	کوار داور: ۲۰۸
میان رودان (بین النهرين): ۵۳، ۵۷، ۵۶، ۵۸، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۰۹	کوشان: ۷۷، ۷۹، ۹۸، ۱۸۴، ۲۰۴، ۲۱۰، ۲۱۲، ۲۱۴، ۲۱۵، ۲۱۶، ۲۱۷، ۲۱۹، ۲۲۱، ۲۲۳
میان (منا): ۶۷، ۶۶، ۶۵، ۶۴، ۶۳، ۶۲، ۶۱، ۶۰، ۵۹	۲۲۲، ۲۲۳، ۲۲۴، ۲۲۵، ۲۲۶، ۲۲۷، ۲۲۸، ۲۲۹
میان (منا): ۶۷، ۶۶، ۶۵، ۶۴، ۶۳، ۶۲، ۶۱، ۶۰، ۵۹	۲۲۴، ۲۲۵، ۲۲۶، ۲۲۷، ۲۲۸، ۲۲۹
میان (منا): ۶۷، ۶۶، ۶۵، ۶۴، ۶۳، ۶۲، ۶۱، ۶۰، ۵۹	۲۲۴، ۲۲۵، ۲۲۶، ۲۲۷، ۲۲۸، ۲۲۹
میان (منا): ۶۷، ۶۶، ۶۵، ۶۴، ۶۳، ۶۲، ۶۱، ۶۰، ۵۹	کوه خواجه: ۶۲
میان (منا): ۶۷، ۶۶، ۶۵، ۶۴، ۶۳، ۶۲، ۶۱، ۶۰، ۵۹	کوه خواجه: ۶۲
میان (منا): ۶۷، ۶۶، ۶۵، ۶۴، ۶۳، ۶۲، ۶۱، ۶۰، ۵۹	کلیلیک: ۱۷، ۷۷، ۹۸، ۱۴۲، ۲۰۱، ۲۰۲
ن	۲۰۳
نات: ۱۳۲	گ
نصبین: ۹۳	گالیه: ۹۵
نقش بیرام: ۱۲۷، ۱۴۹، ۱۵۰، ۱۸۰، ۳۱۷	گرجستان (ورکان، ایری، گرجان): ۱۷، ۷۷
نقش رجب: ۱۶، ۲۹، ۷۳، ۷۲، ۲۹	۲۳۲، ۹۸، ۱۴۲
نقش رستم: ۱۵، ۶۸، ۶۹، ۷۲، ۷۳، ۷۴	گرگان: ۲۰۴
نقش رستم: ۱۵، ۶۸، ۶۹، ۷۲، ۷۳، ۷۴	کویوم: ۳۱۸، ۱۸۵
نقش رستم: ۱۵، ۶۸، ۶۹، ۷۲، ۷۳، ۷۴	گیلان: ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۸، ۱۱۴، ۱۱۶، ۱۱۸
نقش رستم: ۱۵، ۶۸، ۶۹، ۷۲، ۷۳، ۷۴	۳۱۲
نقش رستم: ۱۵، ۶۸، ۶۹، ۷۲، ۷۳، ۷۴	ل
نقش رستم: ۱۵، ۶۸، ۶۹، ۷۲، ۷۳، ۷۴	لامجه: ۹
نوت: ۱۷۹	لانشوما (لشوم): ۱۸۶
نوود آردشیر: ۶۴	م
نوریک: ۹۳	ماد: ۵۱، ۱۸۶
نهادوند: ۱۰۲	مازندران: ۸۷، ۹
نیزنه شاخاروفکا: ۱۵۳	مشخنا: ۲۳۲
نیشاپور (نیوشپور - نیشاپور): ۱۵۳	مالهولنیا (سیکانا): ۲۴۰، ۱۸۶، ۹۸
نیکوبولیس: ۹۸، ۸۹	مرنجان: ۲۱۸، ۲۲۷، ۲۲۹، ۲۳۲
و	مرو: ۵۷، ۶۵، ۶۴، ۶۳، ۶۲، ۶۱، ۶۰، ۵۹
ورثان: ۱۰۳	مسکو: ۲۱۱، ۱۹۲، ۱۸۵
ویه آردشیر: ۶۲، ۶۳ - ۱۰۴، ۱۰۳، ۶۶	سیسیت (بیروزشپور): ۸۶، ۸۴، ۸۲
ویه آنتیوخ شاپور: ۱۵۱	پ
ویه آندیو شاپور: ۱۰۳	پادشاه: ۱۰۰، ۹۹، ۹۸، ۸۸، ۸۷، ۷۹
ویه شاپور: ۱۱۵	پادشاه: ۱۰۰، ۹۹، ۹۸، ۸۸، ۸۷، ۷۹
هاراتس: ۵۳	پادشاه: ۱۰۰، ۹۹، ۹۸، ۸۸، ۸۷، ۷۹
هرات: ۹۸، ۲۰۷، ۲۱۴	پادشاه: ۱۰۰، ۹۹، ۹۸، ۸۸، ۸۷، ۷۹

هیر کان (گر کان): ۲۰۴ <b>ی</b> یل (دانشگاه یل): ۹۱ یونان: ۵۹، ۱۵۲، ۱۲۶، ۱۴۲ یهودستان (یهودیا): ۹۳	هرمذگان: ۳۰۹، ۴۹ هروانیکا: ۱۸۸ همان: ۱۰۳ هند: ۶۱، ۹۶، ۹۵، ۱۰۰، ۱۰۳، ۱۱۸، ۱۷۴، ۱۸۶، ۱۰۳، ۱۱۸، ۱۷۴، ۱۷۵ هرودیوس: ۲۲۴، ۲۰۷، ۲۰۹، ۲۱۴، ۲۱۵
---	--

## فهرست اختصارها

- BDU: «نشریه اطلاعاتی درباره تاریخ باستان» چاپ مسکو  
 3BOPAO: «بادداشت‌های بخش خاوری انجمن باستان‌شناسی امپراتوری»، سن پترزبورگ.  
 TOBE: «کارهای بخش خاوری موزه دولتی ارمیتاژ، لینینگراد»  
 AAH: Acta Antiqua Academiae Scientiarum Hungarica, Budapest.  
 AM: «Asia Major», London.  
 AMI: Archeolgische Mitteilungen aus Iran, Berlin.  
 BGA: Bibliotheca Geographorum Arabicorum, ed. de Goeje, Lugduni Batavorum.  
 BSOS: Bulletin of the School of Oriental Studies, University of London.  
 BSOAS: Bulletin of the School of Oriental and African Studies, University of London.  
 CAH: The Combridge Ansient History.  
 CII: Corpus Inscriptionum Iranicarum, London.  
 EW: «East and West», Roma.  
 JA: «Journal Asiatique», Paris.  
 JRAS: «Journal of the Royal Asiatic Society», London.  
 HJAS: «Harvard Journal of Asiatic Studies», Harvard.  
 KKZ: کتبیه موبد کر تیر در «کتبه زرتشت»  
 KNRj: کتبیه موبد کر تیر در نقش رجب  
 KNRu: کتبیه موبد کر تیر در نقش رستم  
 KSM: کتبیه موبد کر تیر در سرمشهد  
 MDAFA: Memoires de la Délégation archéologique française en Afghanistan, Paris.  
 MP: بادداشت‌های هیئت باستان‌شناسان فرانسوی در افغانستان، پاریس. متن فارسی میانه

- NCh: «Numismatic Chronicle», London.
- NPK: کتبه شاهنشاه نرسی در پایکولی
- N. S.: New Series
- OA: «Oriental Art», London
- Prth: متن پارتو
- Pers. I: کتبه شاپور، سکتاشاه بر دربهای کاخ داربوش در تخت جمشید.
- Pers. II: کتبه داور سلوک (?) بر دربهای کاخ داربوش در تخت جمشید.
- Sr: «Syria» Paris.
- Šbš: کتبه اپسای دیر در پیشاپور.
- ŠKZ: کتبه شاهنشاه شاپور یکم در «کعبه زرتشت»
- SPAW: «Sitzungsberichte der Preussischen Akademie der  
Wissenschaften zu Berlin».
- VB: L. Vanden Berghe, Archéologie de l'Iran ancien, Leiden, 1959.
- ZDMG: «Zeitschrift der Deutschen Morgenländischen Gesellschaft»,  
Berlin.

## فهرست آنچه

- ف. انگلیس: درباره تاریخ آغاز مسیحیگری، - ک. مارکس و ف. انگلیس. مجموعه آثار، چاپ دوم، جلد ۲۲.
- ۱- امین مارسلین: تاریخ. ترجمه یو. کولاكوفسکی، کیف، ۱۹۵۶.
- ۲- آ. یا. بوریسوف؛ و. گ. لوکونین: گوهرهای حکاکی شده موجود در موزه دولتی ارمیاز. فهرست. لینینگراد، ۱۹۶۳.
- ۳- گ. بوآسیه: انهاشم بت پرستی. مسکو، ۱۸۹۲.
- ۴- آ. آ. بیکوف: مجموعه آ. آ. پاخوموف. «تذهیب سخنرانی در پلنوم باستان‌شناسی سراسر اتحاد شوروی»، مسکو، ۱۹۶۶.
- ۵- ر. یو. ویبر: پیدایش ادب میسیحی، مسکو – لینینگراد، ۱۹۶۴.
- ۶- ر. یو. ویبر: رم و اوایل میسیحیت، مسکو، ۱۹۵۴.
- ۷- ای. م. دیساکونف؛ و. آ. لیوشیتس؛ استاد نسا، سده یکم پیش از میلاد (طراز بندی مقدماتی کارهای انجام شده): مسکو، ۱۹۶۰.
- ۸- م. دیاکونف: شرحی درباره تاریخ ایران باستان، مسکو، ۱۹۶۱.
- ۹- ی. و. زیمال: پادشاهی کوشان بر مبنای سکهها. خلاصه رساله علمی، لینینگراد، ۱۹۶۵.
- ۱۰- ی. و. زیمال: مسئله تاریخ سوادی و سکه‌های کوشان؛ «سخنرانی در جلسه ویژه سالگرد موزه دولتی ارمیاز»، لینینگراد، ۱۹۶۴.
- ۱۱- ک. آ. اینوستراتسک: بررسیهای درباره ساسانیان، سن پترزبورگ، ۱۹۰۹.
- ۱۲- تاریخ خلق تاجیک، جلد ۱، مسکو، ۱۹۶۴.
- ۱۳- آ. ل. کاتس: آئین مانی در امپراطوری رم بر مبنای «نوشتة آرخلای»، انتیتوی خاورشناسی، ۱۹۵۵، ۳.
- ۱۴- و. آ. لیوشیتس؛ و. گ. لوکونین: نوشتة‌های پارسی میانه و سندی در قلمزنی بر روی فلز – انتیتوی خاورشناسی، ۱۹۶۴، ۳.
- ۱۵- و. گ. لوکونین: بهرام دوم و نرسی – انتیتوی خاورشناسی، ۱۹۶۴.
- ۱۶- و. گ. لوکونین: لشکرکشیهای ساسانیان در شرق. مسائل مربوط به تاریخ سوادی کوشان، – انتیتوی خاورشناسی؛ شماره ۱، ۱۹۶۹.

- ۱۷. و. گ. لوکونین: ایران در سده‌های سوم و چهارم میلادی: بنیاد دولت ساسانی و شکل گرفتن شیوه رسمی در هنر. خلاصه رساله علمی، لینینگراد، ۱۹۶۱.
- ۱۸. و. گ. لوکونین: ایران در روزگار نخستین شاهان ساسانی. شرحی درباره تاریخ تمدن. لینینگراد، ۱۹۶۱.
- ۱۹. و. گ. لوکونین: تجربه درباره تعیین تاریخ گروهی از سنجهای کنده، کاری شده متعلق به اوایل روزگار ساسانیان. «سخنرانی در بیست و پنجمین کنگره جهانی خاورشناسان»، II، مسکو، ۱۹۶۳.
- ۲۰. و. گ. لوکونین: لعلکبود کنده‌کاری شده با تصویر بانوی بانوان دینک، «مجموعه‌ای مبنای هفتادمین سالروز تولد آکادمیسین ای. آ. اوربلی»، مسکو - لینینگراد، ۱۹۶۵.
- ۲۱. و. گ. لوکونین؛ ب. ای. مارشاك: پژوهش در باره آثار هنری ساسانی موجود در موزه دولتی ارمیتاژ. «خلاصه سخنرانی در مجلس سالگردی که در موزه دولتی ارمیتاژ برپا گردید». لینینگراد، ۱۹۶۴.
- ۲۲. س. ی. مالوف: آثاری از نوشتهدای ترکی باستان. متن‌ها و پژوهش آنها. مسکو - لینینگراد، ۱۹۵۱.
- ۲۳. ب. ای. مارشاك: فلزهای چلپک. «کارهای علی موزه دولتی ارمیتاژ»، جلد ۲۴، لینینگراد، ۱۹۶۸.
- ۲۴. موسی خورونی: تاریخ ارمنستان، ترجمة ن. ا. امین. مسکو، ۱۸۵۸ (چاپ دوم، مسکو، ۱۸۹۳).
- ۲۵. ب. نیزه، شرحی در باره تاریخ روم و مآخذ آن. سن پترزبورگ، ۱۹۰۸.
- ۲۶. آ. گ. پریخانیان: برده‌داری و زمین‌داری در ایران بهنگام پادشاهی اشکانیان. انتیتوی خاورشناسی، ۱۹۵۲، ۴.
- ۲۷. آ. گ. پریخانیان: یکی‌شدن پرستشگاههای آسیای کوچک و ارمنستان. مسکو، ۱۹۵۹.
- ۲۸. آ. گ. پریخانیان I-Armeno-Iranica. «آگهی آکادمی جمهوری سوری ارمنستان». شماره ۱۱، ۱۹۶۵.
- ۲۹. ن. و. پیگولفکایا: شهرهای ایران در آغاز سده‌های میانه. مسکو - لینینگراد، ۱۹۵۶.
- ۳۰. آ. اوربلی: هنر ساسانی. - مجموعه «شرق»، IV، ۱۹۲۴.
- ۳۱. آ. اوربلی؛ ک. و. ترور: فلزهای ساسانی، مسکو - لینینگراد، ۱۹۳۵.
- ۳۲. آ. ب. رانوویچ: در باره اوایل میبعثت. مسکو، ۱۹۵۹.
- ۳۳. و. ر. روزن: در باره ترجمه‌های عربی خدایانمه. ۳BOPAO، ۱۸۹۵.
- ۳۴. گ. خ. سرکیسان: شهادی از تاریخ جوامع شهری ارمنستان (سده چهارم میلادی)، BDU انتیتوی خاورشناسی، ۱۹۵۲، ۱.
- ۳۵. گ. خ. سرکیسان: شهر خودمختار سلوکیای بابل، - انتیتوی خاورشناسی، ۱۹۵۲، ۱.
- ۳۶. با. ای. سمبرنف: نظرهای خاورزمین. اطلس طرفهای طلا و نقره شرقی متعلق به دوران

## فهرست مآخذ

۳۵۱

- باستان که بیشتر آنها در داخل مرزهای امپراتوری روسیه بدبست آمده است.  
من پترزبورگ، I.
- ۳۵ ک. و. ترور: شرحی درباره تاریخ و تمدن آلبانی قفقاز. مسکو—لینگراد، ۱۹۵۹.
- ۳۶ ک. و. ترور: آثار هنری یونانی—باختنی. مسکو—لینگراد، ۱۹۴۰.
- ۳۷ ک. و. ترور: ارزش هنری سکه‌های ساسانی. TOBE، جلد یکم، لینگراد، ۱۹۴۰.
- ۳۸ فاوست بوزنده: تاریخ. ایران، ۱۹۵۳.
- ۳۹ آ. شمیدت: استادی درباره تاریخ آسیای میانه و ایران.—«یادداشت‌های علمی انتیتوی خاورشناسی آکادمی علوم اتحاد شوروی»، XVI، ۱۹۵۸.

Иные памятки Института Востоковедения АН СССР», XVI, 1958.

- 39a. Allot de la Puye, *Monnaies incertaines de la Sogdiana et des contrées voisines*, — «Revue Numismatique», 1925.
40. F. Altheim und R. Stichl, *Ein asiatischer Staat*, Wiesbaden, 1954.
41. F. Altheim und R. Stichl, *Finanzgeschichte der Spätantike*, Frankfurt am Main, 1957.
42. F. C. Andreas und W. B. Henning, *Mitteliranische Manichaika aus Chinesisch-Turkestan*, III,— SPAW, 1934.
43. *Archaeologica Orientalia in memoriam E. Herzfeld*, New York, 1952.
44. J. P. Assinussen, *X<sup>th</sup>asteviñist. Studies in Manicheism*, Copenhagen, 1965.
45. H. W. Bailey, *To the Zamasprnamak*, I,— BSOS, vol. VI, 1930.
46. H. W. Bailey, *Zoroastrian Problems in Ninth Century Books*, Oxford, 1942.
- 46a. Bal'ami, *Ta'rihi Tabari*. Изд.: Kaunpur, 1896.
47. W. Bang, *Mänichäische Laien — Beichspiegel*, — «Museon», XXXVI 1921.
48. A. D. H. Bivar, *The Kushano-Sasanian Coin Series*, — «Journal of the Numismatic Society of India», XVIII, pt 1, 1936.
49. F. C. Burkitt, *The Religion of the Manichees*, Cambridge, 1924.
50. Mary E. Burkett, *Tomb Towers and Inscriptions in Iran*, — OA, N. S., XI, № 2, 1962.
51. *The Catalogue of the Coins in Panjab Museum, Lahore*, vol. I, Oxford, 1914.
52. M.-L. Chaumont, *L'Inscription de Kartir à la «Ka'bah de Zoroastre*, — JA, CCXLVIII, 1960.
53. M.-L. Chaumont, *Pāpāk roi de Shahr et sa cour*, — JA, CCXLVII, 1959.
54. M.-L. Chaumont, *Les Sasanides et la christianisation de l'Empire iranien au III<sup>e</sup> siècle de notre ère*, — «Revue de l'histoire des Religions», CLVI, № 2, 1964.
55. A. Christensen, *L'Iran sous les Sasanides*, Copenhague, 1936 (2 ed. — Copenhague, 1944).
56. A. Christensen, *Les trois dates de l'inscription (de Bishapour)*, — «Revue des Arts Asiatiques», X, 1936.
57. *Chronique de Seert*, — «Patrologie Orientalis», IV, Paris, 1908.
58. C. Clemens, *Religionsgeschichtliche Erklärung des Neuen Testaments*, Giesen, 1924.

59. *The Complete Text of the Denkart*, ed. D. M. Madan, Bombay, 1911.
60. F. Cumont, *Une Lettre du roi Artaban III*,— «Compte-rendus de l'Academie des Inscriptions et Belles Lettres», 1932.
61. A. Cunningham, *Later Indo-Scythians*,— NCh, XIII, ser. III, 1895.
62. R. Curiel, *Le Trésor du Tepé Maranjan*,— MDAFA, XIV, 1953.
63. O. Dalton, *The Treasure of the Oxus*, London, 1963.
64. N. C. Debevoise, *A Political History of Parthia*, Chicago, 1938.
65. J. P. De Menasche, *Une encyclopédie masdeéenne Le Denkart*, Paris, 1958.
66. J. De Morgan, *Manuel de numismatique orientale*, Paris, 1923—1936.
67. K. Enoki, *The Origins of the Hephthalites*,— EW, 1953.
68. K. Erdmann, *Die Entwicklung der sassanidische Krone*,— «Ars Islamica», XV, 1951.
69. «The Excavations at Dura-Europos». Preliminary Report. The IV Season of Work, New Haven, 1932.
70. E. Flandin, P. Coste, *Voyage en Perse*, Paris, [s. a.], t. I, t. IV.
71. R. N. Frye, *The Heritage of Persia*, Oxford, 1962.
72. R. N. Frye, *The Middle Persian Inscription of Kartir at Nags-i Rajab*,— «Indo-Iranian Journal», VIII, № 3, 1965.
73. R. N. Frye, *Notes on the Early Sasanian State and Church*. Estratto da «Studi orientalistici in Onore di G. Levi Della Vida», I, Roma, 1956.
74. R. N. Frye, *Remarks on the Paikuli and Sar Mashad Inscriptions*,— HJAS, 20, № 3—4, 1957.
75. B. Geiger, *The Middle Iranian Texts*,— «The Excavation at Dura-Europos». Final Report, VIII. The Synagogue, New Haven, 1956.
76. R. Ghirshman, *Bard-e Neschandech. Rapport préliminaire*,— Sr, XLI, 1964.
77. R. Ghirshman, *Bishapour*, t. II. *Les mosaïques sassanides. Musée du Louvre. Département des Antiquités Orientales*, Serie archéologique, VII, Paris, 1956.
78. R. Ghirshman, *Les Chionites-Hephthalites*,— MDAFA, XIII, 1948.
79. R. Ghirshman, *Ile de Kharg*, Tolueran, 1960.
80. R. Ghirshman, *Inscription du monument de Chapour I-er à Chapour*,— «Revue des Arts Asiatiques», X, 1936.
81. R. Ghirshman, *Parthes et Sassanides*, Paris, 1962.
82. R. Ghirshman, *Le Triomphe de Chapour I*,— «Mitteilungen des Instituts für Orientforschung», Bd XI, H. 1, 1965.
83. R. Göbl, *Aufbau der Münzprägung*,— F. Altheim und R. Stiehl, *Ein asiatischer Staat*, Wiesbaden, 1954.
84. R. Göbl, *Die Münzprägung der Kušān von Vima Kadphises bis Bahram IV*,— F. Altheim und R. Stiehl, *Finanzgeschichte der Spätantike*, Frankfurt a/Main, 1957.
85. R. Göbl, *Die Münzen der Sassaniden*, S-Gravenlage, 1962.
86. R. Göbl, *Sassanidische Münzstudien II. Römische und sassanidisch Büstengruppen*,— «Mitteilungen Österreichischen Numismatischen Gesellschaft», Bd VII, № 10, Wien, 1952.

- 86a. R. Göbl, *Sasanidische Numismatik*, Braunschweig, 1968.
87. R. Göbl, *Zwei neue Termini für ein zentrales Datum der alten Geschichte Mittelasiens, das Jahr I des Kušānkönigs Kaniška*, — «Anzeiger der phil. hist. Klasse Österreichischen Akademie der Wissenschaften zu Wien», 1964.
88. J. Gucy et T. Pekari, *Autour des Res Gestae divi Sappores*, — Sr, XXXVIII, 1961.
89. J. Harmatta, *Die parthischen Ostraka aus Dura-Europos*, — AA, VI, fasc. 2, 1958.
90. J. Harmatta, *The Parthian Parchment from Dura-Europos*, — AAH, V, V, fasc. 2, 1957.
91. W. B. Henning, *Conclusion to S. H. Taqizadeh «The Dates of Mani's Life»*, — AM, N. S., VI, pt 1, 1957.
92. W. B. Henning, *The Choresmian Documents*, — AM, N. S., XI, pt 2, 1965.
93. W. B. Henning, *A. Farewell to the Khagan of the Aq-Agataran*, — BSOAS, XIV, pt 3, 1952.
94. W. B. Henning, *The Great Inscription of Sapor I*, — BSOS, IX, 1937—1939.
95. W. B. Henning, *Iranian Documents*, — «The Excavation at Dura-Europos. Final Report, V, pt 1. The Parchment and Papyri. New Haven, 1959.
96. W. B. Henning, *Mani's Last Journey*, — BSOS, X, 1942.
97. W. B. Henning, *Mitteliranisch*, — «Handbuch der Orientalistik», Bd IV, Iranistik, Leiden — Köln, 1958.
98. W. B. Henning, *The Monument and Inscriptions of Tang-i Sarvak*, — AM, N. S., II, pt 2, 1952.
99. W. B. Henning, *The Survival of ancient term*, — «Indo-Iranica», 1964.
100. E. Herzfeld, *Archaeological History of Iran*, London, 1935.
101. E. Herzfeld, *Iran in the Ancient East*, Princeton, 1947.
102. E. Herzfeld, *Khusrau Parvez und der Tak-i Vastan*, — AMI, Bd IX, 1938.
103. E. Herzfeld, *Kushano-Sasanian Coins*, — «Memoirs of the Archaeological Survey of India», № 38, Calcutta, 1930.
- 103a. E. Herzfeld, *M.-disch und Part'usib*, — MMV, VII, Berlin, 1935.
104. E. Herzfeld, *Sakastan. Geschichte untersuchungen zu den Ausgrabungen an Kul-i Khwaja*, — AMI, Bd IV, 1932.
105. E. Herzfeld, *Paikuti. The Monument and Inscriptions on the Early History of Sasanian Empire*, vol. I—II, Berlin, 1924.
106. E. Herzfeld, *Am Tor von Asien*, Berlin, 1920.
107. G. F. Hill, *Catalogue of the Greek Coins of Arabia, Mesopotamia and Persia*, London, 1922.
108. C. Hopkins, E. E. Herzfeld, *Iran in the Ancient East*, — «The Art Bulletin», XXIV, 1942.
109. C. Hopkins, *The Parthian Temple*, — «Berytus», vol. VII, 1942.
110. P. Horn, *Sasanidische Gemmen aus dem British Museum*, — ZDMG, 44.

۱۱۱. *The Kärnâme-i Artakhshir Pâpakan*, ed. D. D. P. Sanjana, Bombay 1896.
۱۱۲. R. Ker-Porter, *Travels in Georgia, Persia, Armenia and Ancient Babylonia*, London, 1821—1822.
۱۱۳. K. Kessler, *Mani*, Bd I, Berlin, 1887.
۱۱۴. O. Klîma, *Mazdak. Geschichte einer sozialen Bewegung im Sasanidischen Persien*, Praha, 1957.
- ۱۱۵- مسعودی، کتاب التنبیه والاشراف، ۱۸۹۶
- ۱۱۶- مسعودی، مردم‌الذعف (Les Praires d'or) متن و ترجمه از جاپ دوم، پاریس، ۱۸۶۳
۱۱۷. D. W. McDowall, *The Dynasty of the Later Indo-Parthian*, — NCB, 1965.
۱۱۸. R. H. McDowell, *Coins from Seleucia on the Tigris*, Ann Arbor, 1935.
۱۱۹. B. C. Makdermot, *Roman Emperors in the Sasanian Reliefs*, — «Journal of the Roman Studies», XLIV, pt 1—2, 1954.
۱۲۰. A. Maricq, *Res Gestae divi Sapores*, — Sr, XXXV, 1958.
۱۲۱. M. Martin, *Coin of Kidara*, — «Journal of the Royal Asiatic Society of Bengal» (Num. Suppl.), XLVII, Calcutta, 1941.
۱۲۲. A. K. Markoff, *Catalogue des monnaies Arsacides, Subarsacides, Sassanides, Dabuichides*, SPB., 1889.
۱۲۳. E. H. Minns, *Parchments of Parthian Period from Arromen in Kurdistan*, — «Journal of the Hellenistic Studies», XXXV, 1915.
۱۲۴. A. Mordtmann, *Sassanidische Gemmen*, — ZDMG, 18, 29, 31.
۱۲۵. A. Mordtmann, *Zur Pehlevi — Münzkunde*, — ZDMG, 8, 34.
۱۲۶. Mujmal at tawârih, publ. par J. Mohl, — JA, 3<sup>e</sup> série, t. 11, 1842.
۱۲۷. Th. Nöldeke, *Aufsätze zur persischen Geschichte*, Leipzig, 1887.
۱۲۸. Th. Nöldeke, *Geschichte der Perser und Araber zur Zeit der Sassaniden*. Aus der arabischen Chronik des Tabari, Lieden, 1879.
۱۲۹. H. S. Nyberg, *A Manual of Pehlevi*, Wiesbaden, 1964.
۱۳۰. H. S. Nyberg, *The Pahlavi Documents from Arromen*, — «Le Monde Oriental», 17, 1923.
۱۳۱. H. S. Nyberg, *Die Religionen der alten Iranier*, Leipzig, 1938.
۱۳۲. F. Paruck, *Sasanian Coins*, Bombay, 1924.
۱۳۳. Persepolis, *Die achaemenidischen und sassanidischen Denkmälern und Inschriften*, von F. Stolze und F. C. Andreas, Bd I—II, Berlin, 1882.
۱۳۴. H. J. Polotzky, *Abriß der manichäischen Systems*, — «Pauli-Wissowa Reallexicon der klassischen Wissenschaft», Supplementband, VI, 1935.
۱۳۵. H. C. Puech, *Le manichéisme, son fondateur, sa doctrine*, Paris, 1949.
۱۳۶. E. C. Pullenblank, F. Altheim, *Geschichte der Hunnen*, I—III, — «Orientalische Literaturzeitung», m/apr., 1964.
۱۳۷. Reichelt, *Iranisch*, — «Grundriss der indo-germanischen Sprach- und Altertumskunde. II. Die Erforschung der indo-germanischen Sprachen», Berlin und Leipzig, 1927.

138. M. J. Rostovtseff, *The Social and Economic History of the Hellenistic World*, vol. I, Oxford, 1941.
139. F. Sarre und E. Herzfeld, *Iranische Felsreliefs*, Berlin, 1910.
140. *Scriptores Historiae Augustae*, — «Loeb Classical Library», vol. 2, London, 1936.
141. H. Schmidt und H. Polotsky, *Ein Mani — Fund aus Ägypten*, — SPAW, 1933.
142. D. Shepherd, *New Sasanian plates in Cleveland*, — «Bulletin of the Cleveland Museum», 1964, № 3.
143. Shinji Fukai, *The Artifacts of Harta and Parthian Art*, — EW, N. S., II, № 2—3, 1960.
144. M. Sprengling, *Third Century, Iran, Sapor and Kartir*, Chicago, 1953.
145. S. H. Taqizadeh, *The Early Sasanians*, — «Acta Orientalia», XVIII, pt 3—4, Lugduni Batavorum, 1940.
146. S. H. Taqizadeh, *The Early Sasanians*, — BSOS, XI, 1943—1946.
- ۱۴۷- آقای سید حسن تقی‌زاده، مانع و دین او، تهران ۱۹۵۶
148. S. H. Taqizadeh, *Some Chronological Data relating to the Sasanian Period*, — BSOS, IX, 1937—1939.
- ۱۴۹- نامه تبریز، هیربندان هیربند اردشیر بابکان به جننف شاه و شاهزاده پندت خوارگر، به سعی و اهتمام ا. مینوی، تهران ۱۹۳۹
149. *The Tansar's Epistle*, Persian Text, ed. by M. Minovi, Teheran, 1932.
150. G. Tchubinischvili, *Der Fund von Sargeeschi*, — «Известия Кавказского историко-архивного института», III, Тифлис, 1925.
151. E. Thomas, *Early Sasanian Inscriptions, Seals and Coins*, — JRAS, 1868.
52. R. Vasmer, *Sasanian Coins in the Hermitage*, — NCh, VIII, ser. V, 1928.
53. H. H. Von der Osten und R. Naumann, *Taft-i Suliman*, Bd I, Berlin, 1961.
54. G. Widengren, *Recherches sur les féodalisme iranien*, — «Orientalia Suecana», V, 1956.
155. S. Wikander, *Feuerpriester in Kleinasiens und Iran*, Lund, 1944.
156. R. C. Zaehner, *Zoroastrian A Zoroastrian Dilemma*, Oxford, 1955.

## فهرست تصویرها

- ۱- «کعبه زرتشت» اقباس از تصویر کرپورتر: ۱۰
- ۲- آرامگاههای شاهنشاهان هخامنشی در صخره‌ها، نقش‌های ساسانی بر صخره، اقباس از تصویر کرپورتر: ۲۰
- ۳- نقش تاجگذاری اردشیر یکم، نقش رجب، اقباس از تصویر کرپورتر: ۲۹
- ۴- نقش تاجگذاری اردشیر یکم، فیروزآباد فارس: ۴۲
- ۵- نقش تاجگذاری اردشیر یکم، نقش رستم، تصویر از کرپورتر: ۵۲
- ۶- نقش صحنهٔ پیکار، فیروزآباد: ۶۳
- ۷- نقش تاجگذاری شاپور یکم، بیشاپور: ۷۲
- ۸- پیروزی شاپور یکم، نقش رستم، اقباس از تصویر کرپورتر: ۸۳
- ۹- شاپور یکم و درباریان او، نقش رجب: ۹۷
- ۱۰- صحنهٔ تاجگذاری، نقش رجب، اقباس از تصویر کرپورتر: ۱۰۷
- ۱۱- پیروزی شاپور یکم، بیشاپور: ۱۱۷
- ۱۲- بخشی از نقش بهرام، موبدکریز و اردشیر قارن: ۱۲۷
- ۱۳- بخشی از نقش شاپور یکم در نقش رجب، موبدکریز: ۱۳۷
- ۱۴- نقش بهرام دوم در سرمشهد، منظرة عمومی: ۱۴۹
- ۱۵- نقش بهرام دوم در سرمشهد، تصویر بهرام دوم: ۱۵۰
- ۱۶- بهرام دوم و درباریان او، نقش رستم، اقباس از تصویر کرپورتر: ۱۷۰
- ۱۷- نقش تاجگذاری فرسی، نقش رستم، اقباس از تصویر کرپورتر، ۱۷۶
- ۱۸- صحنهٔ پیکار هرمzed دوم، نقش رستم: ۱۸۷
- ۱۹- نقش تاجگذاری اردشیر دوم، طاق بستان، اقباس از تصویر کرپورتر: ۱۹۵
- ۲۰- تصویر بهرام شاه کرمان . (۴) ظرف نقره از کراسنا پالیانیا: ۲۰۶
- ۲۱- ظرف نقره از نیزنه شاخاروفکا، موژه دولتی ارمیتاژ: ۲۱۱
- ۲۲- جام نقره‌ای دستدار از سرگویشی، منظرة جام: ۲۲۳
- ۲۳- a- تصویر جانشین شاهنشاه بهرام و بانوی بانوان شاپور دخترک، جام نفره‌ای دستدار از سرگویشی: ۲۲۵
- ۲۴- b- بیدخش پاپک، ظرف نقره از مختکا، موزه گرجستان، تفلیس: ۲۳۲
- ۲۵- بهرام، کوشانشاه، ظرف نقره، موزه دولتی ارمیتاژ: ۲۴۲
- ۲۶- a- پاپک، اقباس از نقاشی تخت جمشید: ۲۵۴
- ۲۷- b- شاپور، اقباس از نقاشی تخت جمشید: ۲۵۵

## تصویر سکه‌ها

و

جدول راهنمای ویژه انواع سکه‌ها

جدول I  
سکه‌های اردشیر یکم



## جدول II

سکه‌های اردشیر بیکم



127



181



128



129



280



25



13



18



130



203



جدول III

سکه‌های شاپور بکم



جدول IV  
سکه‌های شاپور یکم



308



287



596



1.b



540



568



569



231



## جلول ۷

سکه‌های هرمزد - اردشیر



697



2



706



1a



698



1

جدول VI  
سکه‌های بهرام بکم



734



747



1b

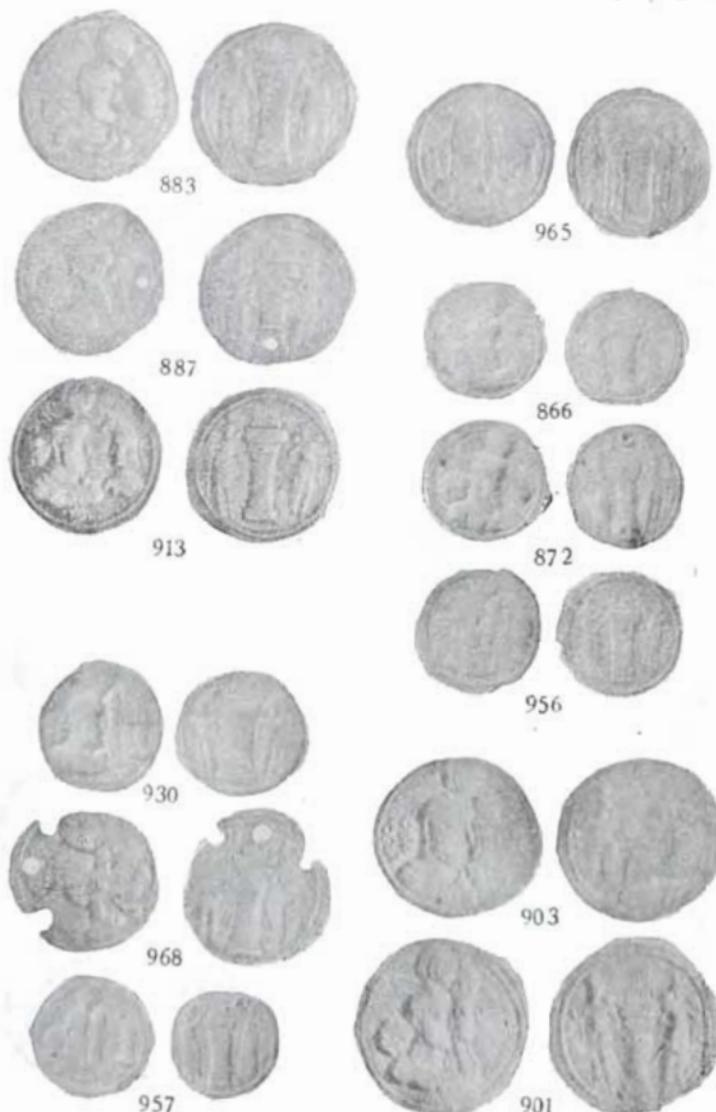


759

جدول VII  
سکه‌های بهرام دوم



VIII  
جدول  
سکه‌های بهرام دوم



## جدول IX

سکه‌های نرسی در دوران پیکار بخاطر شهر باری  
سکه‌های نرسی بهنگام پادشاهی



1048



1072



II b



1033



20



1034



1035



1036

جدول X  
سکه‌های هرمزد دوم



1187



1249

1292



1293



1269



1290



1291



1221

XI  
جدول  
سکه‌های ساسانی - کوشانی



جدول XII  
سکه‌های ساسانی - کوشانی



## جدول XIII

سکه‌های کوشانی - ساسانی



14

11

12



15



1



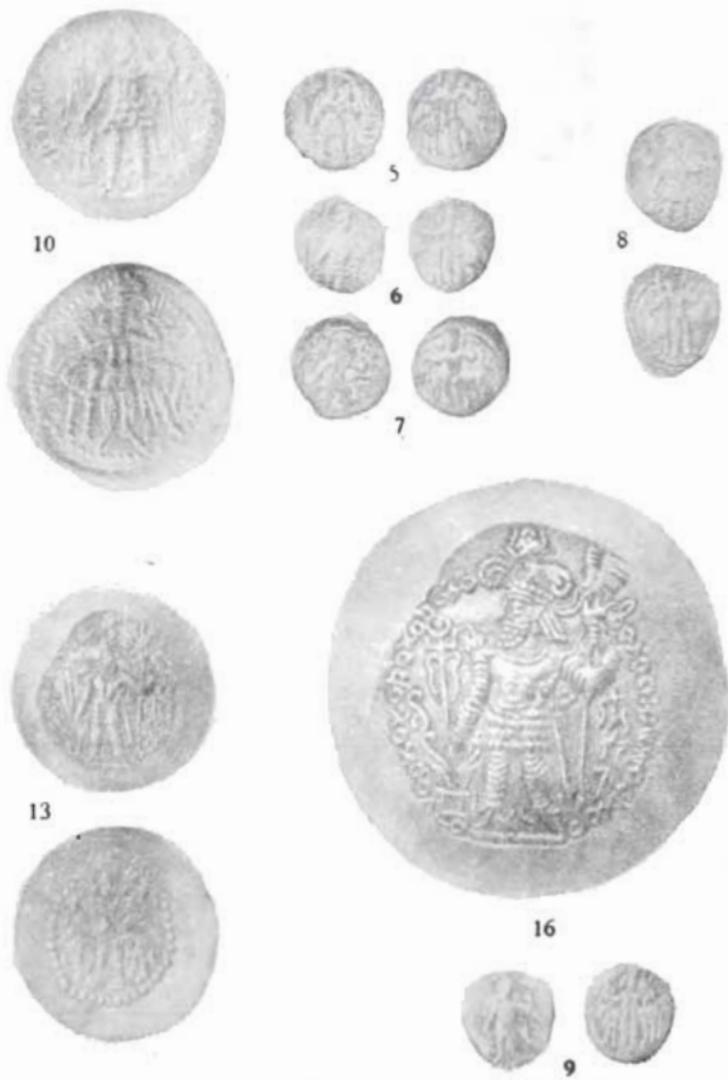
2



3



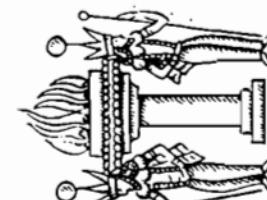
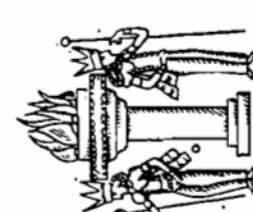
جلد XIV  
سکه‌ای گوشانی - ساسانی



## جدول XV اردشیر بکم

روزه مکه	A	B	C	D	E
I	II a	II b	II c	II d	II e
بشت مکه	-	2	3	III	IV
روزه مکه	V a	V b	V c	VI	

جدول XVI

II			
	d		
I			
	b		
	a		

رویہ سکھ

پشت سکہ

## جدول XVII

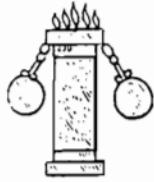
هرمزد - اردشیر، بهرام یکم

دویچه سکه	1a	1b	1c	
بینت سکه	1	2	3	4
دویچه سکه	1a	1b		
بینت سکه	1	2	3	4
دویچه سکه	5	6		

جدول XVIII بهرام دوم

I a	II b	II c	II a	II b	II c	III a
روزنه سکه	نوشته	نوشته	، نوشته	نوشته	نوشته	نوشته
yry	mzdysn		mzdysa	دردو سطر	wrh'n zy mlk'n	mzdysa
	1	2	3	4		
III b	IV a	IV b	IV c	IV d	V a	V G
نوشته				نوشته		
yry II T. A.				wlh'n zy mlk'n MLK		
VI a	VI b	VII a	VII b	VIII a	IX	X

جدول XIX  
نرسی

I	II	III a	III b
دربند سکه			
بیت سکه	1 . 	2 . 	

I	II a	II b	
دربند سکه			
بیت سکه	1 	2 a 	2 b 

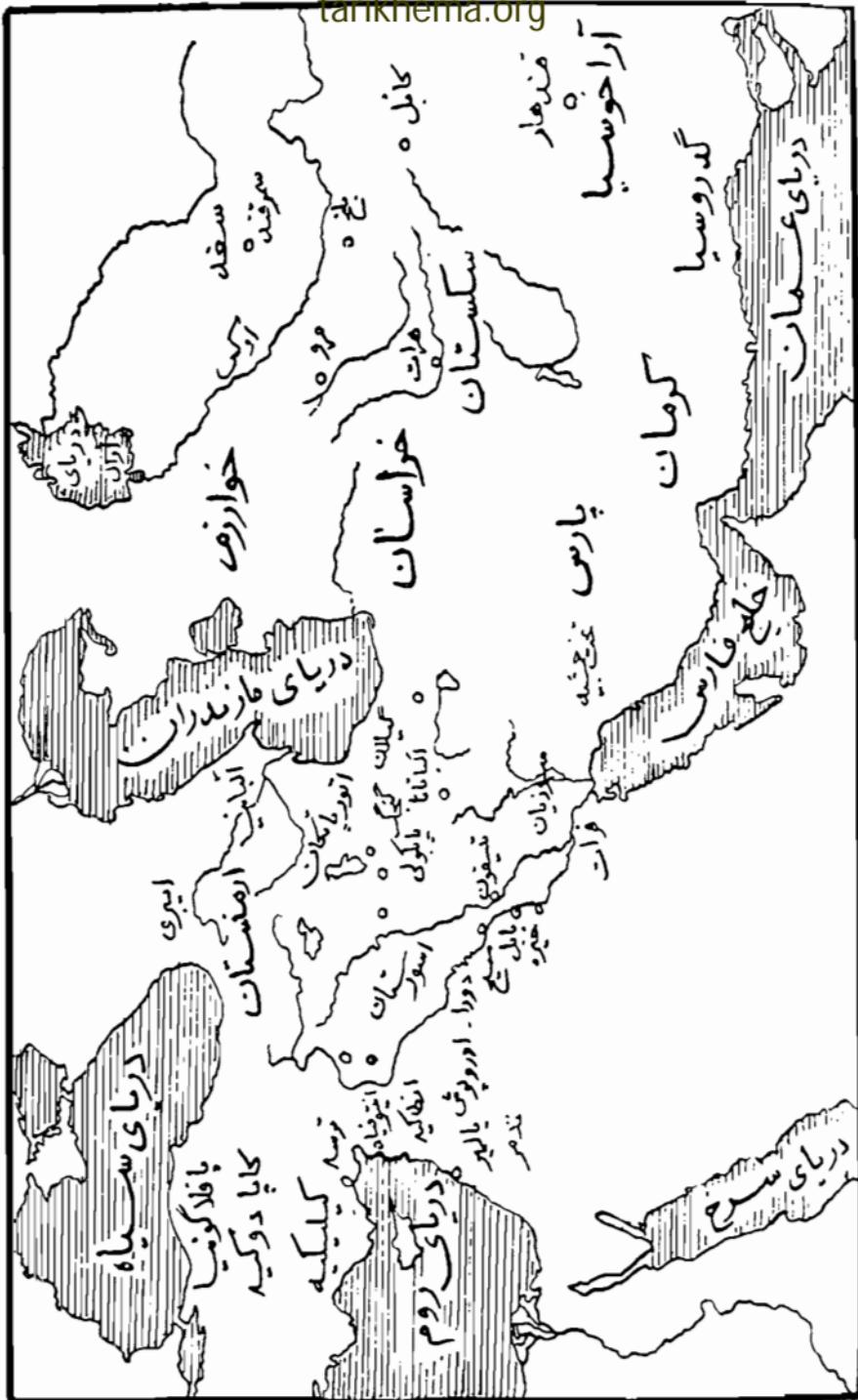
جدول XX  
هرمذد دوم

دوی سکه	II	II
بنت سکه		
	1	2

جدول XXI  
سکه‌های ساسانی - کوشانی و کوشانی - ساسانی

عنوان	شپوری شپورا MLK*	رهاش رهاش MLK*	مذدوس بگی Pyrwē RB' kwš'n MLK'	مذدوس بگی whmzdy RB' kwš'n MLK'n MLK' 'whmzdy MLK'	wrhr'n RU' kwš'n MLK' wrhr'n MLK'	wrhr'n RB' kwš'n MLK' wrhr'n MLK'	'whmzdy MLK'	Pyrwē RU' kwš'n MLK'
ردیف ردیف ردیف	د	ب	ب	د	د	د	د	د
	2	b	b	c	d	d	e	g
				6	2	4		
				5				
				1	1	4	7	7
					3	6	7	7

عنوان	ردیف ردیف	نامه	ردیف ردیف	نامه	ردیف ردیف	نامه	ردیف ردیف	نامه
هرمزد		هزارم		هزارم		هزارم		هزارم



tarikhema.ir

tarikhema.org

pdf.tarikhema.org

mandegar.tarikhema.org

moreover the latest of them is a relief, representing Varaharan II and his courtiers and the earliest a small representation of the investiture ceremony in Barm-i Dilak. Several reliefs are given a new dating. For instance the scene of the triumph at Bislapur which is usually assigned to Shapur I (E. Herzfeld) or Shapur II (R. Girshman) is seen as a scene depicting the suppression of the rising in East Persia instigated in 283 by the king of Sakastan Hormizd. On this relief Varaharan II is represented as the victor.

By resorting to this information we can connect isolated facts in a coherent order. Chapter VI is based on material of the so called «Kushano-Sasanian» coins and the Sasanian reliefs. It is devoted to the conquest of the Kushan territory by Sasanian shahs. Attribution, date and interpretation of these events is based mainly on the formal classification of the «Kushano-Sasanian» coins (the beginning of the conquests was in c. 360 A.D. and the final conquest and the issuing of gold «Kushano-Sasanian» coins in the years 379–380 A.D.). In this chapter an attempt is made to examine the problem of the conflict in the last of Zoroastrianism with the religions and doctrines which were widespread throughout the Kushan state and of the results of this conflict as represented and depicted on «Kushano-Sasanian» coins.

Other very important sources which can be used to link these diverse facts are the lists of nobles and priests attached to the court of Sasanian shahanshahs during the III–IV centuries. In the main material of this purpose is taken from the inscriptions of Shapur I on «Ka'be-i Zardust», from the inscriptions of Narseh in Paikuli and in Persepolis and from the inscriptions on gems.

The remaining chapters of the book represent an attempt to give a picture of a coherent chain of events centered around the facts given above. Chapters II–III are devoted to the formation of the Sasanian State and its first political successes and hypotheses are suggested about the nature of kings' power in Persia in the 3rd century (under Papak, Artashir I, and Shapur I). The Sasanian shahanshahs were at that time the most powerful lay and spiritual rulers of the country. The Sasanide's rule in Iran is analogical in character to the Sasanian's rule in the region of Pars in the previous period. Probably Iran was in some way a confederation of half-independent domains containing with their ancient local dynasties and «domains» of the king of kings and the so called «king's towns». Under the first Sasanides the «domains» expanded and the local dynasties lost their independence. This process brought about a tendency to separatism from the individual rulers which led to a severe internal crisis at the end of the 3rd century.

The fourth chapter is devoted to the formation of the «Sasanian state zoroastrianism». The basic sources of this chapter are taken from the four inscriptions of the high priest Kartir. Their content and the examination of a number of toraeitic, reliefs, coins makes it possible to draw some approximate conclusions about the nature of the codification of the zoroastrian sacred texts undertaken by Kartir and about the nature and aims of this codification. The strengthening of the priesthood and its role in the state modified in particular the nature of king's power — during Kartir's time there was a strong tendency to the creation of a theocratic state, which likewise led to an internal crisis in the country.

Chapters V–VI are devoted to a description of this crisis, based in the main on information taken from the inscription of Narseh in Paikuli and also from the valuable testimony of coins, reliefs and other works of art.

The main sources of this book are the rock inscriptions (the inscription of Shapur I on «Ka'be-i Zarduš», four inscriptions of the high priest, Kartir, the Sasanian inscriptions of Persepolis, and others), reliefs, gems and coins of the Persian shahanshahs of the 3rd — 5th centuries. The nature of the sources determined the basic problems: the formation of the Sasanian State, the development of state religion, the history of the internal, dynastic fight for power, and also the formation and development of the so-called «official arts». Questions of political and socio-economic history are considered in less detail and only when the sources used in this book amplify already known facts.

To determine the link between the diverse facts (for the period from the 3rd — 5th centuries we are only concerned with these ones) we can say that coins and reliefs have the monument of greatest importance which «proclaims the» dynasty and its basic political and ideological ideas. An analysis is given in the book of the collection of Sasanian coins in the Hermitage and the Moscow State Historical Museum (there are over 4000 specimens which can be attributed to the 3rd — 5th centuries in this collection).

Analysis has revealed that differences between the Obv. and Rv. of coins — sometimes very minor details, such as the ductus of legends or minor iconographic details in the shahanshah's portrait did not depend on the mint or the region of the empire in which they were coined. In Sasanian numismatics, therefore, we find that models were widely disturbed throughout all the mints of the empire and were fairly accurately copied.

The variations of the Obv. and Rv. of coins had therefore a state significance. By means of a formal classification of the coins and their systematisation in chronological order (relying on the most varied sources) certain types of coins can be narrowed down to some specific date — sometimes down to 5—10 years and in this way can be determined the date at which other features appear on the Obv. or Rv. of coins. For instance, the coins of Artashir I fall into 6 categories for the Obv. and two types for the Rv. (These categories are established on the basis of the iconography of the shahanshah's crowns and other attributes of power, legends, representations of the altar on the Rv. etc.). The coins can be attributed to the following dates: type I circa 220—227 A. D., type IIa — 227 A. D., types IIb, IIc, IIc, circa 230—235 A. D., types IIId, IV, Va, Vb — 235—242, type VI circa 242—243 A. D. (chronological classification is based on examples of Obv.). Coins of Varahran II's reign have been divided into ten types for the Obv. and 5 types for the Rv. For the types I—IV the dates 276—283 A. D. are suggested and for types V—X — 284—293 A. D.

Sasanian reliefs are classified in a similar manner. The iconography of persons represented on them and other sources allows one to determine accurately not only actual events which they depict but also the persons depicted (excluding kings and gods). This attempt to determine who is precisely depicted sometimes permits one to say when this or that relief was made i. e. to date it if not according to the reign of the king represented as is customary but accurately to the nearest five or ten years. Thus it turns out, for instance, that the famous relief depicting the investiture of Artashir I in Naqsh-i Rustam was made towards the end of his reign, that the reliefs of Varahran II can be divided into two specific groups.

*Copyright 1971, by B. T. N. K.  
Printing and Binding  
by  
Offset Press Inc. Tehran.*

Iran Library  
General Editor: E. Yar-Shater

# Persian Civilization under the Sasanians

by

V. G. Lukonin

of Hermitage Museum

*Translated from Russian into Persian*

by

Dr. Enayatollah Reza



B.T.N.K.

Tehran, 1971